



رهتوشه راهیان نور

طرح هجرت تابستان ۱۳۹۱

«ویژه جوانان»

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
اداره چاپ و نشر

عنوان و پدیدآور: ره توشه راهیان نور: طرح هجرت تابستان ۱۳۹۱ ویژه جوانان / تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عملیه قم، معاونت فرهنگی تبلیغی، اداره چاپ و نشر؛ موسسه پژوهش های دینی امام امیرالمومنین (ع) اصفهان

مشخصات نشر: قم: عصر غیبت، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۳۸۴ ص.

شابک: 978-600-5603-04-0

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: نگاه به نامحرم

موضوع: اینترنت - جنبه های اخلاقی

شناسه افزوده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عملیه قم، معاونت فرهنگی تبلیغی، اداره چاپ و نشر

شناسه افزوده: موسسه پژوهش های دینی امام امیرالمومنین (ع) اصفهان

رده بندی کنگره: ۲۴۷/۸ / ۹ BP

رده بندی دیوبی: ۲۹۷/۶۱

۱۳۹۱

۷۰۰۰۰ ریال

ره توشه راهیان نور

تابستان ۱۳۹۱

ویژه جوانان

تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - معاونت فرهنگی و تبلیغی
اداره چاپ و نشر

تالیف: موسسه پژوهش های دینی امام امیرالمومنین (ع) اصفهان

ناشر: عصر غیبت

صفحه آرایی: ا. اسماعیل پور

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱ قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تلفن: ۷۷۴۷۹۹۴ - ۰۲۵۱ نمابر: ۷۷۴۳۱۷۶ - ۰۲۵۱

درگاه وبسایت معاونت فرهنگی و تبلیغی: www.Samta.ir

پست الکترونیکی: samta@dte.ir

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۱	فصل اول: غریزه جنسی بایدها و نبایدها
۱۳	چیستی غریزه
۱۳	تعریف غریزه
۱۴	غریزه در حیوانات و انسان‌ها
۱۶	داستانی کوتاه
۱۷	مهم‌ترین غرایز در وجود بشر
۱۹	تفاوت انسان با حیوان و جمادات در خواسته‌ها
۲۱	بدترین جانداران در قرآن
۲۲	فواید وجود غرایز در موجودات
۲۵	فطرت
۲۷	فطرت در کلام الهی
۲۹	غریزه جنسی بایدها و نبایدها
۲۹	غریزه جنسی
۳۰	تعریف لغوی
۳۰	تعریف اصطلاحی
۳۰	حکمت غریزه جنسی در بشر
۳۱	روابط جنسی از دیدگاه قرآن
۳۲	علاقه جنسی در اسلام، ارزش یا ضد ارزش
۳۳	نیرومندی غریزه جنسی
۳۳	آثار و پیامدهای رهایی غریزه جنسی
۳۳	الف) دنیوی
۳۹	ب) اخروی
۴۰	داستان حمام منجاب
۴۱	داستانی اعجاب آور
۴۵	غریزه جنسی بایدها و نبایدها: گام‌های تربیت جنسی (گام اول و دوم)
۴۶	تربیت جنسی (کنترل و هدایت غریزه جنسی)
۴۷	هدف از تربیت جنسی
۴۸	دو جنبه اساسی تربیت جنسی
۵۱	دین مبین اسلام سه برنامه برای تربیت جنسی دارد
۵۳	گام دوم تربیت جنسی

- ۵۳ در اختیار گذاشتن اطلاعات مورد نیاز اولیا و مربیان برای آموزش صحیح مسائل جنسی
- ۵۵ برنامه‌ریزی برای دو دوره نوجوانی و جوانی
- ۵۶ آغاز بیان مسائل جنسی
- ۶۱ **غریزه جنسی بایدها و نبایدها: گام چهارم: بررسی علل و عوامل انحرافات جنسی در جوانان**
- ۶۲ علل انحرافات جنسی
- ۶۲ الف) علل فردی
- ۷۰ ب) علل خانوادگی
- ۷۳ ج) علل اجتماعی
- ۷۷ د) علل اقتصادی
- ۷۸ ه) علل درون مرزی
- ۸۰ و) علل برون مرزی
- غریزه جنسی بایدها و نبایدها: (گام پنجم) دوره جوانی (تربیت یا کنترل و هدایت غریزه جنسی)
- ۸۳ راه‌حل‌های اسلامی برای کنترل و هدایت غریزه جنسی
- ۸۴ ۱. کنترل صحیح
- ۱۰۳ برنامه‌های ورزشی اسلام
- ۱۰۳ توصیه‌های اسلامی در مورد استفاده از اوقات فراغت
- ۱۰۵ احادیث ورزشی
- ۱۱۲ راه درمان
- ۱۱۵ **فصل دوم: آنچه که مهم است جوان از انحرافات جنسی بداند**
- ۱۱۷ **چشم‌چرانی (۱)**
- ۱۱۹ ۱. هرزه‌نگاری چشمی (چشم‌چرانی)
- ۱۱۹ ۱-۱. مقدمه
- ۱۲۰ ۲-۱. تعریف چشم‌چرانی
- ۱۲۰ ۳-۱. چشم‌چرانی در آموزه‌های قرآنی
- ۱۲۳ ۴-۱. چشم‌چرانی در آموزه‌های روایی
- ۱۲۹ **چشم‌چرانی (۲)**
- ۱۲۹ ۵-۱. انواع نگاه‌ها
- ۱۳۵ **چشم‌چرانی (۳)**
- ۱۳۵ ۷-۱. عوامل چشم‌چرانی
- ۱۳۶ ۸-۱. پیامدهای چشم‌چرانی
- ۱۳۹ ۹-۱. نتایج و فواید چشم‌پاکی
- ۱۴۳ **چشم‌چرانی (۴)**
- ۱۴۳ ۱۰-۱. راه‌های درمان چشم‌چرانی
- ۱۴۵ ۱۱-۱. استفتانات نگاه
- ۱۵۰ ۱۲-۱. داستان‌های چشم‌چرانی

۱۵۷	هرزه‌نگاری اینترنتی
۱۵۷	بخش دوم: انواع هرزه‌نگاری
۱۵۷	۲. هرزه‌نگاری اینترنتی
۱۷۳	هرزه‌نگاری بلوتوثی
۱۷۳	بخش دوم: انواع هرزه‌نگاری
۱۷۳	۳. هرزه‌نگاری بلوتوثی
۱۷۵	اشاعه فحشا
۱۷۵	تعریف اشاعه فحشا
۱۷۶	اشاعه فحشا در آموزه‌های قرآنی
۱۷۷	اشاعه فحشا در آموزه‌های روایی
۱۸۹	هرزه‌نگاری رسانه‌ای
۱۸۹	بخش دوم: انواع هرزه‌نگاری
۱۸۹	۴. هرزه‌نگاری رسانه‌ای
۲۰۳	خودارضایی
۲۰۳	تعریف خودارضایی
۲۰۴	خودارضایی از نظر ادیان
۲۰۶	استفتائات درباره استمناء
۲۱۶	پیامدهای استمناء (خودارضایی)
۲۱۹	زنا
۲۲۰	تعریف زنا
۲۲۳	روایات زنا
۲۲۸	آثار وضعی زنا
۲۳۰	داستان‌های واقعی در باب زنا
۲۳۷	همجنس‌گرایی - لواط و مساحقه
۲۳۸	تعریف همجنس‌گرایی
۲۴۰	همجنس‌گرایی در دیدگاه ادیان مختلف
۲۴۱	آیات لواط
۲۴۲	احادیث همجنس‌گرایی (لواط و مساحقه)
۲۴۸	استفتائات
۲۵۹	فصل سوم: دشمنانی که در انحرافات جوان را یاری می‌کنند
۲۶۱	نفس اماره، دشمن درونی انسان
۲۶۲	تعریف نفس
۲۶۳	انواع نفس و تعاریف آنها
۲۶۴	نفس با توجه به آیات و روایات
۲۶۷	ویژگی‌ها و تمایلات نفس اماره

۲۶۸	نفس اماره و ویژگی‌های آن در قرآن کریم
۲۷۰	اصول کلی مبارزه با نفس
۲۷۲	داستان‌هایی از نفس اماره
۲۷۷	شناسنامه شیطان
۲۷۷	شیطان کیست؟
۲۷۸	تعریف شیطان
۲۷۸	شیطان در ادیان مختلف
۲۸۱	شیطان در نگاه قرآن و روایات
۲۸۴	ضرورت شناخت شیطان
۲۸۵	تاریخچه شیطان در آفرینش
۲۸۸	چرا خداوند شیطان را آفرید؟
۲۹۰	فرق بین فرشته و ملک با جن و شیطان
۲۹۲	آیا شیطان فرشته بود؟
۲۹۷	شگردها و روش‌های شیطان در فریب دادن انسان‌ها
۲۹۸	بخش اول: ابلیس ما را چگونه می‌بیند؟
۲۹۸	بخش دوم: شگردها و روش‌های شیطان در فریب‌دادن
۲۹۹	راهبردها و شگردهای شیطان از دیدگاه آیات و روایات
۳۱۵	داستان‌هایی از شیطان و شگردهایش
۳۲۱	مونسان و همنشینان بد، یاران انسی شیطان
۳۲۲	دوست و همنشین از دیدگاه آیات و روایات
۳۳۱	همنشینان پاک و ناپاک
۳۳۹	سلوک شیطان
۳۴۰	تعریف سلوک
۳۴۰	فرقه‌های شیطانی موجود
۳۴۰	فرقه‌های شیطان پرستی
۳۴۱	تفکرات و عقاید شیطان پرستان
۳۴۲	انواع شیطان پرستی
۳۴۵	پیامدها و آثار شیطان پرستی در کشور
۳۴۹	وضعیت فعلی (تهدیدات و خطرات) شیطان پرستی در ایران
۳۵۴	آشنایی اجمالی با عرفان اسلامی
۳۶۰	داستان‌هایی از سلوک شیطانی
۳۶۷	ابزارهای شیطان و معاندین در فریب دادن انسان
۳۶۸	ابزارهای شیطان
۳۶۸	۱. رسانه‌ای
۳۷۲	۲. غیر رسانه‌ای

پیش‌گفتار

۱. موضوع اوقات فراغت و چگونگی مفیدسازی آن به ویژه برای جوانان و سنین پایین‌تر با همه حساسیت و اهمیتی که دارد از جمله موضوعاتی است که با وجود تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های فراوان هنوز در جامعه ما به طور کامل به فرهنگی صحیح و عمومی تبدیل نشده و گاهی این فرصت گرانبها به تهدیدی پر خسارت مبدل می‌شود. تبیین ارزش عمر و اهمیت وقت و برشماری نحوه بهره‌برداری از فرصت‌ها از نکات خطیر و مهمی است که به مخاطبان کمک می‌کند از سرمایه ارزشمند وقت به ویژه اوقات فراغت غفلت نورزند و آن را تباه نسازند. متون اسلامی در این خصوص مشحون از راهکارها و هشدارهایی است که از جمله آنهاست:

امیرالمومنین 7: الفرص تمرّ مرّ السحاب فانتبهوا فرص الخیر.^۱

امیرالمومنین 7: بقیة عمر المرء لا قيمة لها.^۲

ابوالحسن موسی بن جعفر 7: ان الله عزوجل یبغض العبد النّوأم الفارغ.^۳

دستر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با به کارگیری تجربیات ارزشمندی که حاصل نوزده سال اجرای طرح هجرت تابستانی است؛ امسال نیز با کیفیت و وسعت بیشتری این طرح عظیم را با مشارکت سازمان محترم تبلیغات اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، آموزش و پرورش و همراهی حدود سه هزار نفر از مبلغان ارجمند و فرهیخته اجرا می‌نماید. امید است مجریان اصلی این طرح که مبلغان و مربیان مجرب و محترم می‌باشند، با اهتمام و تلاش بیشتر به مخاطبان خویش بپردازند و قبل از آنکه نونهالان، نوجوانان و جوانان عزیز تحت تأثیر جریان‌های انحرافی قرار گیرند، ذهن و روح آنان را با معارف ناب اسلامی و آداب الهی مأنوس و تقویت نمایند.

۲. شکل‌گیری و ظهور رو به رشد فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی چه آنان که منسوب به دین مبین اسلام و یا ادیان ابراهیمی‌اند و چه آنان که صریحاً خود را نقطه مقابل توحید می‌دانند، اقتضا می‌کند مبلغان عزیز ضمن اطلاع از شگردها و مشخصات این‌گونه رهنمان اعتقادی و نقد عالمانه و با رعایت اینکه به طرح و تبلیغ آنان نینجامد، مخاطبان خویش را در برابر چنین شیطان‌صفتان آگاه و حفظ نمایند.

۳. گستره اجرای طرح هجرت به گستردگی ایران بزرگ اسلامی است. گرچه مشترکات فراوانی در بین مردم شریف و مناطق مختلف این سرزمین وجود دارد؛ اما بدیهی است هر

۱. انساب الاشراف للبلذری؛ ص ۱۱۵، ح ۵۶.

۲. میزان الحکمه؛ ج ۳، ح ۲۱۱۴.

۳. همان.

منطقه اقتضائات خاص و ویژگی‌های متفاوتی نیز دارد که موفقیت تبلیغ و پرهیز از خطاهای احتمالی منوط به رعایت این ویژگی‌هاست؛ بنابراین داشتن حساسیت‌های مذهبی و قومی و شناسایی نقاط ضعف و قوت فرهنگی در هر منطقه از ضرورت‌هایی است که مبلغ را به انتخاب موضوع سخن و به کارگیری روش‌های مناسب رهنمون می‌سازد.

۴. اهتمام اصلی مبلغان گرامی در طرح هجرت انتقال مفاهیم و گستره‌های ناب اسلامی به مخاطبان خاص (دانش‌آموزان) در قالب کتب تدوین یافته ره‌توشه و مخاطبان عام در قالب محافل دینی با اقامه جماعت، سخنرانی و معاشرت با توده مردم می‌باشد؛ اما این فعالیت‌های فرهنگی در زمانی اتفاق می‌افتد که از سوی انقلاب شکوهمند اسلامی منشأ بیداری اسلامی در بین ملت‌های مسلمان منطقه (و در حال سرایت به سایر مناطق جهان) شده است و از سوی دشمنی‌ها و توطئه‌ها بر ضد ایران، شیعه، اسلام و معنویت‌گرایی روز به روز شدت، تنوع و فزونی می‌یابد. در چنین شرایطی بر هر مبلغ آگاه و وظیفه‌شناسی است که بصیرت مخاطبان خود را ارتقاء بخشد و آنان را در جبهه حق استوار سازد.

در این راستا توجه کامل به رهنمودهای رهبر حکیم و فرزانه انقلاب و رعایت شاخصه‌های ذیل به مبلغان ارجمند توصیه می‌شود:

- ارائه گفتمان نشاط، امید، خودباوری و انسجام ملی؛
- تبیین و تقویت اصل ولایت فقیه و نقد دموکراسی‌های مدل آمریکایی و نظام‌های لیبرال؛
- بیان پیشرفت‌های علمی و جنبش تولید علم به خصوص در زمینه‌های نانو تکنولوژی پزشکی، صنایع دفاعی، هوافضا، سلول‌های بنیادی، بیوتکنولوژی، هسته‌ای و ...؛
- عطف توجه مخاطبان به لزوم مصرف کالاهای داخلی، اهمیت دادن به تولید و پرهیز از ادامه و تشدید وابستگی‌های اقتصادی به قدرت‌های بیگانه.

۵. هم‌زمان شدن اجرای طرح هجرت با ماه‌های شعبان و رمضان بهترین فرصت را برای مبلغان گرامی فراهم می‌آورد تا با بهره‌مند شدن از فضای پرمعنویت و مناسبات مهم این دو ماه در زدودن غبارهای انحراف و سوق‌دادن دل‌ها به یاد الهی توفیق بیشتری یابند. در پایان از همه دست اندرکاران محترم تهیه، تدوین و چاپ کتب ره‌توشه به ویژه برادر ارجمند جناب آقای نورالهی مدیر اداره چاپ و نشر معاونت فرهنگی و تبلیغی و همچنین از مؤسسه فرهنگی پژوهشی امام امیرالمومنین 7 اصفهان علی‌الخصوص حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای فرزین و گروه همراه و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای مبینی که کار نظارت محتوایی این مجلد را بر عهده داشتند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

احمد زاده‌وش

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

فصل اول:

غریزه جنسی بایدها و نبایدها

غریزه جنسی بایدها و نبایدها

چیستی غریزه

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف غریزه و دیدگاه‌های مختلف در این رابطه؛
۲. وجود غرایز چه اهمیتی در رسیدن انسان به هدفش دارد؟
۳. فطرت با طبیعت و غریزه چه تفاوت‌هایی دارند؟
۴. انسان با حیوان و جمادات در خواسته‌ها چه تفاوت‌هایی دارند؟

* تعریف غریزه

لغوی:

۱. (غ ر ز) غریزه: سرشت، ذات^۱
۲. استعداد فطری انجام‌دادن کارهای معین به صورت ذاتی؛ مانند لانه‌ساختن پرندگان،
عسل‌گذاشتن زنبورهای عسل و ...

۱. فرهنگ معین.

اصطلاحی:

دو تعریف در اینجا ارائه می‌شود:

۱. «غریزه» گرایش‌های مشترک انسان و حیوان را می‌نامند. غریزه نوعی ویژگی درونی است که حیوان را برای ادامه زندگی و حفظ خود از خطرات هدایت می‌کند و او را آماده می‌سازد تا در شرایط ویژه به شیوه‌ای خاص عمل کند.
۲. «غریزه» عبارت است از یک نیروی کشنده درونی در موجودات که آنها را به هدف و مقصدی هدایت می‌کند و غریزه جنسی مثل سایر غرایز از همین قانون پیروی می‌کند و میل به آن در نهاد انسان و حیوانات نیز قرار داده شده است.^۱

غریزه در حیوانات و انسان‌ها

۱. حیوانات نسبت به گرایش‌های غریزی خود آگاهی حضوری دارند؛ ولی نسبت به این آگاهی خود آگاه نیستند؛ در نتیجه فعالیت آنان نیز فعالیتی نیمه آگاهانه است؛ ولی انسان به آگاهی خویش از میل غریزی آگاه است.
۲. هیچ حیوانی در پاسخ‌گویی به ندای درونی خود تأمل نمی‌کند و فقط قوه ارزیابی او به حدی است که برخی از موارد تزاخم میان ندها را برطرف کند؛ مثلاً میل به غذا در حیوان برای ادامه حیات و درک لذتی خاص است، اگر حیوان پاسخ‌گویی به ندای درونی برای خوردن غذا را همراه با خطری که بقای او را تهدید می‌کند ببیند، از خطر می‌گریزد.
۳. انسان هرچه در پاسخ‌گویی به ندای درونی ناآگاهانه‌تر عمل کند و تصمیم به انجام فعل را با سنجشی عاقلانه انجام ندهد، رفتار او به رفتار حیوان نزدیک‌تر است و او را به حیوانیت نزدیک‌تر می‌نماید، بلکه از او بدتر می‌نماید: «كَأَلَّا نَعَامَ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^۲.

نمونه‌ای از غرایز حیوانات

- * آیا می‌دانید جانوران گیاه خوار، گیاهان سمی را نمی‌خورند؟ (با اینکه گیاهان سمی را هم کسی به آنها نشان نداده است).
- * آیا می‌دانید حیوانات داروی درد خود را می‌شناسند و آن را پیدا کرده و می‌خورند؟ (در حالی که گیاهان شفابخش را هم نزد آموزگاری نیاموخته‌اند).

مثال:

۱. گوزن‌ها هنگام زخمی شدن برای تسکین درد، تن خود را به علفی به نام مبارک

۱. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق www.irpdf.com/book
 ۲. اعراف: ۱۷۹.

می‌مانند که خاصیت ضد درد و تسکین‌دهنده همراه با خاصیت ضد عفونی‌کننده دارد که امروزه متخصصان علم پزشکی و گیاه‌درمانی به آن پی برده‌اند.

۲. گربه‌ها هنگام مسمومیت، از گیاه مرغ (گیاه و سبزه‌ای که معمولاً اطراف باغچه‌ها و جوی‌ها پیدا می‌شود)، استفاده می‌کنند و خاصیت قی‌آور دارد و غذای مسموم را بر می‌گرداند.^۱

۳. حیواناتی مانند آهو و گوزن هنگام جراحت، محل‌های پر از خزه و گل سنگ را برای استراحت انتخاب می‌کنند. خزه و گل سنگ افزون بر لطافت خاص، در بردارنده موادی با تأثیر آنتی‌بیوتیک هستند.

۴. نوعی موش صحرائی زخم‌های خون‌آلود خود را با صمغ کاج آغشته می‌کند. صمغ کاج خاصیت پیش‌گیری از زخم و تسریع درمان دارد.

۵. سگ‌های دریایی نیز در مناطق جنگلی شنا می‌کنند. آنها جلبک‌ها را می‌جویند و در آب‌های آغشته به جلبک شنا می‌کنند طوری که زخم‌ها پانسمان شود. جلبک‌ها در کنار خاصیت ضد قارچ و آنتی‌بیوتیک، کار انعقاد خون را نیز به عهده دارند.

* آیا می‌دانید پاره‌ای از جانوران، خطرهای آینده را پیش‌بینی می‌کنند و خود را از آنها محفوظ می‌دارند؟ (و نشانه‌های خطرهای آینده را هم در کتابی نخوانده‌اند).

مثال قرآنی:

در داستان عبور حضرت سلیمان و سپاهیانش؛ مورچه‌ای گفت:

«ای مورچگان! به خانه‌های خود وارد شوید تا سلیمان و سپاهیانش ندانسته شما را پایمال نکنند».^۲ این آیه آشکارا نشان می‌دهد که مورچه، سلیمان و سپاهیانش را می‌شناسد و هر شناختی مسبوق به اندیشه و ادراک است؛ یعنی خطر را می‌داند و از آن دوری می‌کند.

* آیا می‌دانید که حیوانات دشمنان خود را می‌شناسند؟ (با آنکه دشمن را هیچ وقت ندیده‌اند و کسی برای آنها، دشمن را معرفی نکرده است).^۳

مثال:

حیواناتی مانند بز کوهی و آهو به محض دیدن درندگان همچون گرگ پا به فرار گذاشته و خداوند به این دو حیوان سم‌هایی داده است که فرار و بالارفتن از سنگ‌ها و نقاط هموار را آسان گردانده است.

۱. تالارهای گفتگو درباره گیاه درمانی، www.novindiet.net

۲. نمل: ۱۸.

۳. www.khabaronline.ir

همان‌طور که امام صادق ۷ در توحید مفضل می‌فرماید:

ای مفضل بنگر که خدا... برای برخی از آنها سم‌هایی آفریده که از سختی و ناهمواری چراگاه‌ها آزار نینند ...

همچنین تأمل کن که چگونه در گوشت‌خواران، دندان‌هایی تیز، پنجه‌ها و چنگال‌هایی قوی و تیز و دهان‌هایی با فضای گشاده و بزرگ آفریده شده است.

از آنجا که تقدیر و حکمت اقتضا نموده که غذای این حیوانات از گوشت باشد، به گونه‌ای آفریده شده‌اند که مناسب این هدف باشد؛ در نتیجه این حیوانات با داشتن سلاح و ابزار مناسب شکار یاری شده‌اند. پرندگان شکاری و درنده نیز دارای نوک‌ها و چنگال‌های مناسب شکار هستند... آیا نمی‌نگری که برای هر دسته از این دو دسته چیزهایی آفریده شده که با آن صنف و طبقه می‌سازد و مناسب و مایه بقا و مصلحت آن است؟^۱

مثالی دیگر

مار دشمن دیرینه انسان و حیوانات است؛ بنابراین در مارگزیدگی انسان‌ها و حیوانات تقریباً به یک شیوه عمل می‌کنند، گرگ‌ها بعد از مارگزیدگی نوعی علوفه به نام علمی *Calla Palustris* می‌جویند، در طب عصاره ریشه این گیاه برای درمان زخم مارگزیدگی تهیه و تجویز می‌شود.^۲

و چه زیبا مولانا این شعر را سروده است:

با تو ذرات جهان همراز شد	گر تو را از غیب، چشمی باز شد
هست محسوس حواس اهل دل	نطق آب و نطق خاک و نطق گل
با تو می‌گویند روزان و شبان	جمله ذرات عالم در نهان
با شما نامحرمان ما خاموشیم	ما سمیعیم و بصیر و باهوشیم

داستانی کوتاه

روزی مدیر یک باغ وحش در هندوستان متوجه ببری شد که دچار جراحت شده است. او مشاهده کرد حیوان با پنجه روی زخم خود را مالید و زخم وضعیتی بدتر از قبل پیدا کرد. بلافاصله بعد از این اتفاق حیوان به سوی چاله پر آبی در آن نزدیکی رفت و مرتباً خاک و آب را در دهان مخلوط کرده و پس از جویدن آن را روی زمین می‌ریخت،

۱. شگفتی‌های آفرینش؛ ترجمه توحید مفضل؛ ص ۹۰.

۲. اطلاعات پزشکی: بخش مارگزیدگی.

سپس روی این خمیر دراز کشیده و زخم خود را با آن پوشانند. بسیاری از حیوانات به طور غریزی به درمان خود می‌پردازند. به طور مثال خاک رس می‌تواند مواد سمی و مضر را به خود جذب کند. به همین دلیل انسان از زمان‌های دیرینه از خاک رس به عنوان داروی طبیعی بیماری‌های داخلی و خارجی استفاده کرده است. اولین اقدام غریزی حیوان به منظور شروع درمان، لیسیدن زخم است تا آن را پاکیزه کند و از دسترس حشرات دور نگاه دارد. افزون بر آن بزاق دهان خاصیت ضد عفونی‌کننده نیز دارد. حیواناتی که با زبان نتوانند محل زخم را بلیسند، با پشت پنجه، بزاق را روی زخم منتقل می‌کنند. در دندان‌پزشکی از ژل **Alginat** که از نوعی جلبک به دست می‌آید برای پانسمان دهان و دندان استفاده می‌شود. حیوانات همچنین قادر هستند بیماری‌های داخلی خود را درمان کنند!

مهم‌ترین غرایز در وجود بشر

بی‌شک در وجود همه انسان‌ها غریزه‌هایی وجود دارد که تمام حرکت‌ها و فعالیت‌های درونی و برونی وی از آن برخاسته و متأثر می‌گردد. مهم‌ترین این غرایز عبارتند از:

حس کنجکاری، حس حق‌جویی، حس شناخت و خداخواهی، حس ماورایی و کمال‌طلبی، حس زیبایی، حس عدالت‌خواهی، حس فداکاری و ایثار، حس سودجویی، حس خودخواهی، حس نفس، حس بقا، حس شخصیت، حس مال و ثروت، حس جاه، مقام، شهوت، غضب و... و به طور مثال یکی از غرایز انسان حس نفس است، این غریزه سبب بسیاری از فعالیت‌های انسانی است که چون علاقه به زندگی دارد و می‌خواهد بماند، برای رسیدن به این هدف هرچه می‌تواند کوشش می‌کند. غریزه حس نفس است که هنگام مواجه شدن با خطری از ناحیه دشمن، انسان را وامی‌دارد که با تمام نیرو و توان به دفاع از خود برخیزد؛ بنابراین وجود غرایز در انسان منشأ عمل و محرک او است.^۲

فطرت و غریزه (مشترکات و تفاوت‌ها)

مشترکات

غریزه و فطرت، ذاتیات و اقتضاهای آفرینشی را دلالت دارند و در این جهت مشترکند که اکتسابی نیستند؛ اما کاربرد آنها متفاوت است.

۱. www.hasht.com

۲. مقاله آیت‌الله مهدوی کنی، فارس نیوز: http://rcirib.ir/eslahe_olgoe_masraf/naghd

تفاوت‌ها

۱. طبیعت در مورد خواص ذاتی و چگونگی آفرینش همه مخلوقات و پدیده‌های عالم امکان به‌کار می‌رود و دست‌کم تمام مادیات را دربرمی‌گیرد و حیثیت عمومی و مشترک آن با موجودات دیگر را دلالت می‌کند؛ اما غریزه، اقتضاهای ذاتی و گرایش‌های حیوانی را دربرگرفته، خصوصیات مشترک بین انسان و حیوان را دربر می‌گیرد؛ مانند غریزه شیرخوارگی، به دنبال لذت جسمانی و مادی بودن و ...؛ در حالی که فطرت، حالت فراحوانی و ویژه انسان است.

۲. فطرت فقط ویژگی خدادادی انسان را به این لحاظ که انسان است، دربرمی‌گیرد و بر جاذبه‌ها و ذاتیات غیر انسانی دلالت نمی‌کند؛ بدین سبب بسیاری از فطریات جنبه ارزشی و معنوی دارند نه مادی.

به دنبال لذت مادی بودن، مانند دوست داشتن غذای لذیذ غریزی است؛ اما ایثار و فداکردن لذت‌های مادی و شهوت‌رانی، برای هدف بالاتر و لذت معنوی فطری است.

۳. انسان در بسیاری از گرایش‌ها تنوع طلب است؛ مثل خوردن و آشامیدن و در غریزه جنسی نیز همین‌طور است؛ زیرا در جهان حیوانات اعمال غریزه جنسی اوقات خاصی دارد، سالی یک مرتبه، شش ماهی یک بار و امثال آن و پس از عمل بارورسازی از همدیگر جدا شده، یا نهایتاً تا زمان احتیاج، به مراقبت از فرزندان خود ادامه دارد و این جدایی به میل خود حیوان نیست، بلکه حاکی از نبود میل جنسی است.

در حالی که در انسان کاملاً متفاوت است؛ زیرا انبوهی از نیازهای جنسی (جسمی) و روحی انسان در سایه ایجاد و تقویت آن پدید می‌آید و این غریزه اگرچه از جنبه جسمی در انسان هم تقریباً محدود است؛ ولی از نظر تنوع‌طلبی و عطش روحی که در این ناحیه به وجود می‌آید، میل او سیری‌ناپذیر است.

۴. غریزه جنسی توانمند، عمیق و دریا صفت است و هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود؛ همچون آتشی که هرچه بیشتر به آن خوراک دهند، شعله‌ورتر می‌شود و دلیل نیرومندی آن به دلیل لذت اشباع آن است که اگر ادامه و استمرار پیدا کند، به صورت پر قدرت‌ترین لذت درآمده و انسان در مقابل آن احساس ضعف کرده و کاملاً تسلیم خواسته‌های آن می‌شود، بر همین اساس برخی از مفسرین قرآن کریم در تفسیر آیه شریفه «وَحَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا»؛^۱ ضعف را به قدرت‌نداشتن و توانایی انسان در برابر امیال جنسی تفسیر کرده‌اند.^۲

۱. نساء: ۲۸.

۲. فرهنگ جوان؛ ص ۳۹۸.

۴. در انسان جنس مؤنث (زن) فقط برای باروری و ارضای میل شهوانی جنس مخالف نیست، بلکه بسیار بالاتر از این انگیزه است؛ زیرا در زندگی مشترک مایه آرامش مرد است و خداوند بین آنها مودت، مهربانی و عشق به یکدیگر قرار داده،^۱ عشقی پاک همراه با کامل نمودن همدیگر که همواره گفته‌اند: در کنار افتخارات مردان بزرگ، همسرانی توانا و بردبار حضور داشته‌اند.

تفاوت انسان با حیوان و جمادات در خواسته‌ها

انسان یک سلسله توانایی‌ها دارد که سایر جانداران ندارند:

۱. اینکه در انسان یک سلسله میل‌ها و جاذبه‌های معنوی وجود دارد که در سایر جاندارها وجود ندارد.
۲. به نیروی عقل و اراده مجهز است، قادر است در مقابل میل‌ها، مقاومت و ایستادگی نماید و خود را از تحت تأثیر نفوذ جبری آنها آزاد نماید و بر همه میل‌ها حکومت کند.
۳. در حیوان قدرت مقاومت و ایستادگی در مقابل میل درونی خود و همچنین قدرت محاسبه و اندیشه وجود ندارد؛ اما انسان چنین نیست. انسان قادر است و توانایی دارد که در برابر میل‌های درونی خود ایستادگی کند که از آن به اراده تعبیر می‌شود. اراده به نوبه خود تحت فرمان عقل است؛ یعنی عقل تشخیص می‌دهد و اراده انجام می‌دهد.^۲
۴. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های اساسی بین انسان و حیوانات این است که تمایلات بشری، برخلاف تمنیات حیوانی نامحدود است و اقناع کامل آنها میسر نیست.
۵. میل به قدرت‌طلبی در وجود بشر سیری‌ناپذیر است و فقط موقعی اشباع می‌شود که به مقامی در خواسته‌هایش می‌رسد که در آن ارتباط کامل خود را با آفریدگار می‌باید و خود را متعلق و مرتبط به او می‌بیند و در برابر او برای خود هیچ نوع استقلال و استغنائی نمی‌بیند.

ملاک امتیاز و ارزش‌های انسان بر دیگر موجودات

۱. انسان خلیفه خدا در زمین است:
- «روزی که خداوند خواست او را بیافریند، اراده خویش را به فرشتگان اعلام کرد؛ آنها گفتند: آیا موجودی می‌آفرینی که در زمین تباهی خواهد کرد و خون خواهد ریخت؟ او فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید».^۳

۱. روم: ۲۱.

۲. شهید مطهری؛ انسان در قرآن؛ ص ۲۶-۲۵.

۳. بقره: ۳۰.

و در جای دیگر فرمود:

«اوست که شما انسان‌ها را جانشین‌های خود در زمین قرار داده تا شما را در مورد سرمایه‌هایی که داده است، در معرض آزمایش قرار دهد»^۱.
 ۲. ظرفیت علمی انسان بزرگ‌ترین ظرفیت‌هایی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد:

«تمام اسماء را به آدم آموخت [او را به همه حقایق آشنا ساخت]، آن‌گاه از فرشتگان [موجودات ملکوتی] پرسید: نام‌های اینها را بگویید چیست؟ گفتند: ما جز آنچه تو مستقیماً به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم [آنچه را تو مستقیماً به ما نیاموخته باشی ما از راه کسب نتوانیم آموخت]. خدا به آدم گفت: ای آدم! تو به اینها بیاموز و اینها را آگاهی ده. همین که آدم فرشتگان را آموزش و آگاهی داد، خدا به فرشتگان فرمود: نگفتم که من از نهران‌های آسمان‌ها و زمین آگاهم [می‌دانم چیزی را که حتماً نمی‌دانید] و هم می‌دانم آنچه را شما اظهار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید»^۲.
 ۳. او فطرتی خدا آشنا دارد، به خدای خویش در عمق وجدان خویش آگاهی دارد. همه انکارها و تردیدها، بیماری‌ها و انحراف‌هایی است از سرشت اصلی انسان: «هنوز که فرزندان آدم در پشت پدران خویش بوده [و هستند و خواهند بود] خداوند [با زبان آفرینش] آنها را بر وجود خودش گواه گرفت و آنها گواهی دادند»^۳.
 «چهره خود را به سوی دین نگه‌دار، همان که سرشت خدایی است و همه مردم را بر آن سرشته است»^۴.

۴. در سرشت انسان افزون بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد. انسان ترکیبی است از طبیعت و ماوراء طبیعت، از ماده و معنی، از جسم و جان.

۵. آفرینش انسان، آفرینشی حساب شده است و تصادفی نیست.^۵

در چه زمانی انسان، واقعا انسان می‌شود؟

هنگامی انسان حقیقتاً و بالفعل انسان می‌شود، پا از مرتبه حیوانات فراتر می‌نهد و مسجود ملائک می‌شود که در راه تقرب به سوی پروردگار قدم بردارد. در این مرتبه است

۱. انعام: ۱۶۵.

۲. بقره: ۳۱ - ۳۳.

۳. اعراف: ۱۷۲.

۴. روم: ۳۰.

۵. شهید مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، ص ۲۶۷.

که می‌تواند بالاترین درجه محبت را به والاترین محبوب‌ها پیدا کند و به نهایت قرب و وصول و ارتباط حقیقی به او نایل شود، (در جایگاهی راستین نزد سلطانی قدرتمند).^۱

در چه زمانی انسان حیوان می‌شود؟

یا به طور کلی سقوط کرده و در شمار حیوانات و یا پست‌تر از آنها «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»^۲ در آمده است، در صورتی که این استعداد را با سوء اختیار خویش از دست داده باشد.

بدترین جانداران در قرآن

۱. به تحقیق بدترین جنبندها نزد خدا کسانی هستند که کافر شدند، پس ایشان ایمان نمی‌آورند.^۳
۲. به تحقیق بدترین جنبندها نزد خدا کر و لالهایی هستند که تعقل و تفکر نمی‌نمایند.^۴

امتیاز هوش و دعوت به تفکر

قرآن کریم پیوسته و با تأکید فراوان انسان را به تفکر دعوت می‌کند. آیات قرآنی با واژه‌های گوناگونی از قبیل «تفکر، نهی، تفقه، شعور، بصیرت، درایت، ذکر، تدبّر و مانند آن»، از تعقل ستایش کرده و آن را مورد تأکید و تشویق قرار داده است. دعوت به تفکر در سراسر قرآن هست و به تعبیر علامه طباطبایی، «شاید بیش از سیصد مورد به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده است».

قرآن مجید از یک سو صاحبان اندیشه و متفکران را ستوده و از سوی دیگر مقام کسی را که از عقل و تفکر خود استفاده نمی‌کند، تا حد حیوان تنزل داده است که در آیات قبلی درباره آن صحبت شد.

حقیقتاً نابخرد و نادان واقعی کسی است که در زمینه حق، ناشنوا و گنگ باشد و آن‌که حق را نگوید و نشنود، انسان نیست، حیوان (دواب) است.

افزون بر این در آیات فراوانی انسان‌ها را به دلیل اینکه نمی‌اندیشند و به تفکر نمی‌پردازند، سرزنش و ملامت می‌کند:

«أَفَلَا تَعْقِلُونَ»: چرا اندیشه نمی‌کنید؟

۱. خودشناسی برای خودسازی؛ ص ۴۵، «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر: آیه ۵۵).

۲. فرقان: ۴۴.

۳. انفال: ۵۵.

۴. همان: ۲۲.

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»: چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟

«أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ»: آیا اندیشه نمی‌کنید؟

«أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»: آیا متذکر نمی‌شوید؟

از سوی دیگر خداوند متعال در هیچ موردی انسان‌ها را به بندگی کورکورانه فرمان نداده، بلکه تقلید را در اصول دین و به‌ویژه در توحید را ممنوع کرده است و تحقیق قبل از پذیرش را الزام کرده است. در آیات متعدد همچنین مردم از پذیرش بی‌چون و چرا و بی‌اندیشه منع شده‌اند، آنجا که می‌فرماید:

«و چون به آنها گفته شود از حکم کتابی که خدا فرستاد و از دستور رسول او پیروی کنید، گویند: آن دینی که پدران خود را بر آن یافتیم ما را کفایت است. آیا باید از پدران خود در صورتی که آنها مردم جاهلی بوده و به حق راه نیافته باشند، باز پیروی کنند»^۱.

فواید وجود غرایز در موجودات

موجودات زنده این عالم از سه ویژگی مشترک برخوردارند:

۱. تغذیه؛

۲. تولید مثل؛

۳. مکانیزم دفاعی که به وسیله آن خطرها دفع می‌گردد.

انسان چگونه از غرایز بهره‌می‌برد؟

شکل زندگی حیوانات ثابت است و چندان تغییر و تحولی در آن پدید نمی‌آید؛ مثلاً زنبور عسل در هزاران سال پیش چنان زندگی می‌کرده است که اکنون زندگی می‌کند؛ اما انسان به دلیل برخورداربودن از فکر، تعقل، ابتکار و خلاقیت دائماً زندگی خویش را متحول می‌سازد. مثلاً فرم و نوع خانه‌سازی در ایران امروز، بسیار متفاوت با هزار سال پیش است. همچنین تهیه غذا و نیز رفتارهای اجتماعی انسان‌ها دائماً در حال تغییر و تحول است.

در ارتباط با مکانیزم‌های دفاعی، برخی از حیوانات با شاخ از خود دفاع می‌کنند و برخی با چنگال و دندان و برخی با منقار. مکانیزم دفاعی برخی از حیوانات نیز استتار و مخفی شدن از دشمن است؛ اما انسان با اینکه به لحاظ طبیعی از خیلی حیوانات ضعیف‌تر است، با اتکا به نیروی فکر و عقلش می‌تواند حیوانات را تسخیر کند و بر آنها چیره گردد. همین انسان شیر را اسیر و در قفس آهنین قرار می‌دهد و در باغ وحش از آن و سایر

۱. مائده: ۱۰۴.

حیوانات درنده نگهداری می‌کند. گذشته از آنچه گفتیم انسان تفاوت‌های دیگری نیز با حیوانات دارد که همه ناشی از قدرت فکر و تعقل اوست.^۱

آنچه در انسان وجود دارد

انسان دارای یک سری گرایش‌های فطری است که با روح او در ارتباط هستند و منشأ رفع نیازهای روحی او می‌شوند.

۱. حقیقت جویی

هر انسانی کم و بیش در خود میل به شناختن را احساس می‌کند. انسان در رویارویی با محیط افراد خود خواستار شناخت چیزهایی است که با آنها رابطه دارد. میل به دانستن نخست در سطحی ابتدایی مطرح می‌شود و معمولاً در قلمرو محسوسات است. انسان در دوره کودکی تمایل دارد چیزهایی را که حواس ظاهری او را تحریک می‌کنند، بیازماید و به تدریج تصویری از تجارب حسی خود را در ذهن ذخیره سازد.

اثر دیگر تمایل به حقیقت جویی، فراهم آوردن امکانات تصرف در جهان است که تأمین نیازهای انسان به آن وابسته است.

با توجه به این دو اثر مهم می‌توان گفت: تبعیت از این گرایش (حقیقت جویی) همانند خود گرایش حقیقت جویی، امری طبیعی است؛ زیرا انسان نباید از شناخت مقصد حیات خویش چشم‌پوشی کند و نمی‌تواند به شناخت‌های لازم برای تأمین نیاز خود بی‌اعتنایی کند.

۲. گرایش به زیبایی

همه انسان‌ها به زیبایی گرایش دارند، همه انسان‌ها چیزهایی را زیبا می‌دانند و در مواردی زیبابودن یک چیز مورد اجماع آنهاست و یا حداقل مقبولیت گسترده‌ای دارد. زیبایی منظره طلوع آفتاب را شاید هیچ‌کس منکر نباشد. زیبایی‌ها حواس ظاهری ما و قوه خیال و عقل ما را می‌نوازد و احساس خوشایند را در ما پدید می‌آورند. این احساس خوشایند را همه انسان‌ها تجربه کرده‌اند و هرکس با رجوع به خویشتن می‌تواند احساس‌های خوشایندی را به خاطر آورد که در اثر درک زیبایی چیزها پدید آمده است که نفس زیبایی دوستی، امری فطری است.

مثال قرآنی (زیبایی آتش)

امام صادق ع نقل می‌کند: موسی ع زمانی که در خانه فرعون بود، یک روز عطسه

۱. سخنرانی آیت‌الله مصباح در جمع دبیران: www.mesbahyazdi.org.

کرد و گفت «الحمد لله رب العالمين» فرعون بدش آمد و سیلی به صورت آن حضرت زد و گفت: این چه حرفی بود زدی؟
 موسی ۷ در حالی که در دامان فرعون بود، ریش فرعون را گرفت و کشید و گوهرهایی که بر ریش های او بسته شده بود، کنده شدند و بر زمین ریخت.
 او تصمیم گرفت موسی را بکشد، پس همسرش آسیه گفت: این پسر کوچک نمی داند چه می گوید. فرعون گفت: خیر، می داند.
 آسیه گفت: مقداری خرماي قرمز و قدری آتش در مقابل خود بگذار، اگر آن دو را از یکدیگر تمییز داد، حق با شماست.

فرعون به همان پیشنهاد عمل کرد و به موسی گفت: بخور. موسی دستش را به طرف خرما دراز کرد، پس جبرئیل دستش را به طرف آتش برگرداند [تا به غریزه کودکی و زیبایی آتش در نظر کودک عمل کند] و حضرت آتش را در دهان گذارد و زبانش سوخت و فریاد زد و گریه کرد؛ پس آسیه به فرعون گفت:
 نگفتم این بچه است و عقل کاملی ندارد؟ پس فرعون او را عفو کرد و گفته اند: لکن زبانی یا کندی زبان حضرت موسی در اثر آن سوختن بود.^۱

۳. گرایش اخلاقی

همه انسانها از مواجهه با برخی اعمال در خود احساسی ناخوشایند می یابند و فاعل آن عمل را نکوهش می کنند و در برخورد با اعمالی دیگر احساسی خوشایند دارند و در اثر این احساس خوشایند فاعل آن عمل را می ستایند. آنچه موجب ستوده شدن یک عمل است، «خوبی» و آنچه باعث نکوهیده دانستن یک عمل است، «بدی» خوانده می شود. برخی از اعمال را همه انسانها خوب می شمارند و برخی را هم بد می انگارند. این فطرت ماست که ما را به خوش اخلاقی مایل و از بد اخلاقی گریزان می کند.

۴. گرایش به خلق و ابداع

یکی از چیزهایی که در انسان نوعی احساس لذت پدید می آورد، آفرینش است. کسی که یک اثر هنری پدید می آورد، از عمل خود خرسند می شود. این خرسندی گاه ناشی از فواید و منافی است که اثر برای خالق آن در پی دارد؛ ولی در موارد زیادی هم حتی اگر کسی هنرمند را نبیند و هیچ منفعت مادی و یا شهرتی را برای او پدید نیاورد، او به اثر خویش با خرسندی می نگرد و از اینکه چنین اثری خلق کرده است، خشنود است. حتی

۱. شیخ طوسی؛ تبیان؛ ج ۷، ص ۱۵۰.

کودکی که با اسباب‌بازی‌های خود وسایلی را می‌سازد، از اینکه فکر می‌کند چیزی را خلق کرده، خشنود می‌شود. این احساس خوشایند را هر انسانی تجربه کرده است و همه انسان‌ها دوست دارند که چنین احساسی را در خود پدید آورند؛ یعنی مایلند که چیزی را خلق کنند تا دوباره از احساس لذت ناشی از خلق و ابداع بهره‌مند شوند.

مثال:

انسان‌های اولیه در ابتدا با دست شکار می‌کردند، این کار سخت و گاهی موجب مرگ آنها می‌شد. بعد از آن دانستند با سنگ و چوب می‌توانند بهتر شکار کنند، پس از آن سنگی را با لیف‌ها (طناب‌های گیاهی) به چوب می‌بستند و برای شکار و دفاع از خود استفاده می‌کردند.

۵. گرایش به آزادی اعمال اراده

انسان به طور فطری مایل است در همه مواردی که اراده کرد، قادر به عملی ساختن آن مورد باشد. این گرایش در انسان مسبوق به آگاهی از اراده و اختیار خویش است. آگاهی انسان نسبت به مرید و مختار بودنش، از جمله آگاهی‌هایی است که به وسیله خودشناسی درون‌نگرانه تحصیل می‌شود. بحث درباره اراده را در آینده مطرح می‌کنیم؛ اما اینک به گرایشی از گرایش‌های فطری انسان می‌پردازیم که فقط با وجود اراده و اختیار در انسان امکان‌پذیر است.

انسان با شناخت گرایش‌های فطری خود و توانایی‌هایی که آن گرایش‌ها را فعالیت می‌بخشند، به خوبی در می‌یابد که همه این گرایش‌ها و توانایی‌ها، جلوه‌هایی از یک وجود واحد به نام «خود» است، البته به شرطی که از حد خود تجاوز نکند؛ چرا تجاوز از حدود او را به جایگاه جهنم می‌برد.^۱

فطرت

ویژگی‌های امور فطری

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان ویژگی‌های فطرت و امور متعلق به فطرت را چنین برشمرد:

۱. همگانی و فراگیری

فطریات چون به سرشت و آفرینش انسان مستندند، همه افراد را بدون استثنا در

۱. لغت نامه دهخدا؛ ذیل کلمه غریزه.

برمی‌گیرد؛ گرچه تحت تأثیر اوضاع مختلف و عوامل بیرونی، میزان آن در افراد، شدت و ضعف خواهد داشت.

۲. فراحیوانی و ارزشی‌بودن

چنان‌که گفته شد فطرت به انسان اختصاص دارد و دارای جنبه فراحیوانی است؛ بدین لحاظ فطریات همگی خیر و از فضایل انسان شمرده می‌شوند. هیچ‌یک از شرور ریشه فطری ندارد و اعمال زشت و ناپسند انسان‌ها را نمی‌توان به حساب فطرت و سرشت انسانی گذاشت. حتی بدترین و ظالمانه‌ترین انسان‌ها به حسب آفرینش، عدالت و احسان و زیبایی را دوست دارند و ظلم و تعدی را زشت می‌شمارند؛ گرچه در عمل به آن پایبند نبوده، به سبب منفعت‌طلبی و تحت تأثیر غرایز و نفسانیات، جهت‌گیری خود را بر خلاف فطرت انسانی قرا دهند.

۳. غیر اکتسابی

فطریات همگی محصول علم حضوری است و اساس آنها به تعلیم و تعلم نیاز ندارد؛ گرچه هدایت و رشد و شکوفایی آن به راهنمایی و هادی نیازمند است؛ چنان‌که بی‌توجهی و غفلت یا تغافل از امور فطری باعث خمود فطرت می‌شود.

۴. تغییر و تحول‌ناپذیری

اصل امور فطری در همه زمان‌ها و مکان‌ها و در همه انسان‌ها وجود دارد و دگرگونی‌های اجتماعی، علمی و سیاسی، فطرت انسان و سرشت او را دست‌خوش تغییر و تحول و آنها را تعویض نمی‌کند؛ چنان‌که قرآن فرمود: «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»^۱.

۵. تجربه‌شدنی

هر انسانی با رجوع به وجدان و سرشت خویش می‌تواند امور فطری؛ مانند حقیقت‌جویی، میل به صداقت و راستی و انزجار از دروغ و زشتی را درک کند و آن را بیابد.^۲

سؤال:

فرق بین عادت و فطرت در چیست؟

جواب:

عادت به کرداری گفته می‌شود که انسان آنها را از جامعه و محیط گرفته و با تکرار و

۱. روم: ۳۰.

۲. شهید مطهری؛ انسان و ایمان مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی؛ ص ۹.

به تدریج در انسان استقرار می‌یابد؛ ولی فطرت در موردی گفته می‌شود که انسان با آنها سرشته شده است و جزء ساختار انسان از ابتدای آفرینش بوده است.^۱ چنانچه این آیه قرآن دلالت دارد:

فطرت در کلام الهی

«فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۲: فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، برای آفرینش الهی دگرگونی نیست، این است دین پایدار؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

تکته‌ها

در آیات قبل خواندیم که همه هستی در برابر خدا فروتن است: «كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ»^۳ و آغاز و انجام هستی و مَثَلِ اَعْلَى و عَزَّت و حکمت از اوست و شرک چیزی جز خیال و ظلم نیست.

فطرت در لغت به معنای خلقت و شکافتن پرده عدم و آفرینش یک موجود است. گویا خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که به حق تمایل دارد و از باطل بیزار است. درست همانند علاقه مادر به فرزند که امری تعلیمی نیست، بلکه فطری و غریزی است.

پیام‌ها:

۱. انسان ذاتاً دین‌گرا و طرفدار حق است: «لِلدِّينِ حَنِيفًا فطرت الله التي فطر الناس عليها»؛

۲. بر خلاف تصوّر گروهی که می‌گویند انسان مثل ظرفی خالی است که با آداب و رسوم و افکار حق یا باطل پر می‌شود و نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به او رنگ می‌دهند، خداوند شناخت حق و حق‌گرایی را به ودیعت نهاده است: «فطرت الله...»؛

۳. انحراف یک عارضه است؛ زیرا گرایش به دین حق، در نهاد هر انسانی نهفته است: «فطر الناس عليها»؛

۴. دین فطری، ثابت و پایدار است: «فطر الناس عليها... ذلك الدين القيم»؛

۵. تکوین و تشریح با یکدیگر هماهنگ است: «فطر الناس عليها... ذلك الدين القيم»؛

۶. امور فطری انسان کم و زیاد می‌شود؛ اما به کلی محو نمی‌شود: «لا تبدل لخلق الله»؛

۱. بخش پاسخ به سؤالات تبیان.

۲. روم: ۳۰.

۳. همان: ۲۶.

۷. گرایش‌های حق طلبانه‌ای که در درون انسان نهفته شده، با تغییر مکان و زمان عوض نمی‌شود: «لا تبدیل لخلق الله»؛
۸. هرگونه گرایش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نژادی و اقلیمی که در درون انسان سرچشمه‌ای نداشته باشد، پایدار نیست: «ذلک الدین القیم»؛
۹. اسلام تنها دین پایدار است: «ذلک الدین القیم».

سؤالات:

۱. بدترین جنبنندگان نزد خدا طبق آیات شریفه قرآن چه کسانی هستند؟
۲. فرق حیوانات با انسان در گرایشات غریزی چیست؟
۳. مهم‌ترین غریزه در وجود انسان چه چیزی است؟
۴. چهار ملاک امتیاز و ارزش‌های انسان بر دیگر موجودات را نام ببرید؟
۵. ویژگی‌های امور فطری چیست؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی؛ شهید مرتضی مطهری.
۲. توحید مفضل؛ درس‌های امام جعفر صادق 7 به شاگردش مفضل.
۳. انسان در قرآن؛ شهید مرتضی مطهری.
۴. فطرت؛ شهید مرتضی مطهری.

غریزه جنسی بایدها و نبایدها

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف غریزه جنسی و آشنایی با حکمت آن در وجود انسان.
۲. علاقه جنسی در اسلام، ارزش یا ضد ارزش است و چگونه باید به کار گرفت؟
۳. خطرات شهوت‌گرایی و آلوده شدن دامن انسان.

غریزه جنسی

مقدمه

غریزه جنسی در تمام موجودات و مخلوقات یکی از بارزترین نشانه‌های قدرت الهی است که خداوند همه موجودات عالم را از دو جنس نر و ماده آفریده است: «و ما از هر شیء [موجودی] دو گونه [نر و ماده] خلق نمودیم»^۱. درباره انسان هم می‌فرماید: «و از آیات خداوند آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید»^۲.

۱. «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (ذاریات: ۴۹).

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم: ۲۱).

زوجیت در انسان وقتی می‌تواند رشته حیات را حفظ کند که ارتباط جنسی میان زن و مرد برقرار گردد و آن‌قدر نیروی کشاننده باید قوی باشد که تخلف از آن امکان نداشته باشد.^۱ مسئلهٔ غریزه جنسی در انسان از ابعاد مختلف؛ از جمله زیست‌شناسی به واسطه مسائل طبیعی و جسمی آن و از بُعد روان‌شناختی به واسطه مسائل و عوارض روانی آن و حتی از بُعد فرهنگی و دینی ملت‌ها همواره مورد بحث محافل علمی و اجتماعی بوده و هست که در این دروس به نکاتی مهم از آنها اشاره می‌گردد.

تعریف لغوی:

* غریزهٔ جنسی: غریزهٔ اطفاء شهوت که سبب تولید نسل و بقاع نوع است.^۲

تعریف اصطلاحی:

* غریزه: نیازی که در انسان به وجود می‌آید. غریزه و میل جنسی بخشی از غرایز انسانی است و هنگامی که در انسان شکل گرفت، باید آن را برآورده کرد و فرد آرامش و قرار ندارد تا اینکه آن نیاز برطرف گردد، وقتی که نیازمندی برطرف شد، شخص راضی می‌شود و از تلاش برای رفع آن صرف نظر می‌کند؛ از این رو ارضای میل جنسی عبارت است از: رفع نیاز از غریزه.

* عبارت است از یک نیروی کشنده درونی در موجودات که آنها را به هدف و مقصدی هدایت می‌کند که عبارت است از: تناسل و تکاثر و میل به آن در نهاد انسان نیز قرار داده شده و به همان واسطه دل‌فریبی خاصی که در زن وجود دارد و مرد را به طرف خود می‌کشاند، موجبات تحریک و ضامن بقای نسل است.

* گرایش به جنس مخالف برای لذت جنسی یکی از غرایز طبیعی انسان است، این غریزه بسیار قوی و لذت‌مربوط به آن نیز شدید است؛ بقاء نسل انسان به اجابت این غریزه وابسته است.^۳

حکمت غریزه جنسی در بشر

استمرار و بقای موجودات زنده برخوردار از حکمت و فلسفه‌ای است که در اصل وجود آنان بوده است و آفریدگار جهان آن را از دو راه عملی می‌کند:

۱- به وسیلهٔ تغذیه و رساندن مواد لازم به بدن برای جایگزینی آنچه از آن به تحلیل می‌رود.

۱. اخلاق و رفتارهای جنسی؛ ص ۳۰۱۵.

۲. فرهنگ معین.

۳. پرسش‌های قرآنی جوانان؛ بخش روابط دختر و پسر.

۲- به وسیله لقاح.

اولی سبب بقای ذات و خود موجود است و دیگری وسیله استمرار نوع در بستر زمان است.

از این رو خداوند حکیم و مهربان میل به تغذیه و جنس مخالف را در وجود آنان قرار داد تا اینکه آنها از خوردن، آشامیدن و لقاح احساس لذت کرده و به انگیزه ارضای این خواست طبیعی خود، نسبت به این دو عمل اقدام کنند و به سبب آن همواره در صدد اجرای عامل استمرار وجود خویش باشند.^۱

روابط جنسی از دیدگاه قرآن

غریزه جنسی از غرایزی است که خدای متعال در انسان قرار داده است، این غریزه عطیه الهی و امری طبیعی و فطری است. قرآن کریم گرایش زن و مرد به یکدیگر را اقتضای ساختار آدمی و نخستین کالای زیبا و آراسته دنیوی به حساب آورده است.

آیه اول

«او خدایی است که [همه] شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید، سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت».^۲

پیامها:

۱. گوهر وجودی زن و مرد یکی است: «وجعل منها زوجها»؛
۲. ازدواج و همسر عامل آرامش روح و زندگی است و ناآرامی‌های روانی را برطرف می‌کند: «لیسکن الیها»؛
۳. مسائل جنسی را با کنایه بیان کنیم: «تغشاه»؛
۴. آمیزش زن و شوهر باید پنهانی باشد: «تغشاه»؛
۵. رشد جنین، تدریجی است تا زن آمادگی داشته باشد: «خفیفاً، أثقلت»؛
۶. انسان فطرتاً میل به بقای نسل و فرزند دارد: «آتینا»؛
۷. آمیزش جنسی تنها برای لذت و شهوت نیست، بلکه برای بقا و دوام نسل صالح است: «صالحاً».^۳

۱. نراقی؛ جامع السعادات؛ ج ۲، ص ۱۰.
 ۲. «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن الیها فلما تغشاها حملت حملاً خفیفاً» (اعراف: ۱۸۹).
 ۳. محسن قرآنی؛ تفسیر نور؛ ذیل آیه.

آیه دوم

« برای مردمان علاقه به خواستنی‌های گوناگون؛ از جمله علاقه به زنان و.....آراسته شده است.»^۱

پیام‌ها:

۱. غریزه جنسی عطیه الهی و امری طبیعی و فطری است.
۲. علاقه طبیعی به مادیات در نهاد هر انسانی وجود دارد، آنچه خطرناک است، فریب خوردن از زینت‌ها و جلوه‌های آن و کنترل نکردن دلبستگی‌هاست: «زُینَ لِلنَّاسِ...».
۳. غریزه جنسی نسبت به همسر و... از زینت‌های دنیوی انسان‌هاست.^۲

علاقه جنسی در اسلام، ارزش یا ضد ارزش

از دیدگاه اسلام علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه جزء خوی و خلق انبیاست. رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار : طبق آثار و روایات فراوان که رسیده است، محبت و علاقه خود را به زن در کمال صراحت اظهار می‌کردند و برعکس روش کسانی که میل به رهبانیت پیدا می‌کردند، تقبیح می‌نمودند.^۳

قرآن کریم گرایش زن و مرد به یکدیگر را اقتضای ساختار آدمی و نخستین کالای زیبا و آراسته دنیوی به حساب آورده است. گفتنی است خدای متعال غرایز انسانی را برای اهدافی در راستای رشد فردی و اجتماعی او در وجودش نهاده است؛ از این رو نیز برای ارضای هر کدام رهنمودهایی نموده است که طغیان و یا افراط و تفریط در ارضای آنها، افزون بر دست‌نیافتن به اهداف خلقت، سبب عذاب الهی در دنیا و آخرت خواهد شد.

در مورد تجاوز در ارضای غریزه جنسی در سوره فرقان، وعده عذاب خلد در جهنم را داده است و آن را هم‌ردیف شرک و قتل نفس قرار داده است:

« و آنها کسانی هستند که با خداوند، خدای دیگری را نمی‌خوانند و انسانی که خداوند [خونش را] حرام کرده است، جز به حقّ نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هرکس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید. عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد و همیشه با خواری در آن خواهد ماند.»^۴

۱. « زُينَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ » (آل عمران: ۱۴).

۲. محسن قرآنی؛ تفسیر نور؛ ذیل آیه.

۳. مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۱۹.

۴. «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا» (فرقان: ۶۷-۶۸).

پیامها:

۱. خطرناک‌ترین غریزه‌ای که انسان را به گناه وادار می‌کند، غریزه غضب و شهوت است و مؤمن باید بر غرائز خود مسلط باشد: «لا یقتلون - لا یزنون»؛
۲. خداوند در برخی از موارد به قتل و کشته‌شدن بعضی از انسان‌ها راضی است: «الا بالحق»؛ ولی در هیچ شرایطی رضایت نمی‌دهد که فردی به شرک و زنا آلوده شود: «لا یزنون»؛
۳. دستور قرآن در زمینه دوری از شرک، زنا و قتل تنها یک موعظه نیست، قانونی است که تخلف از آن کیفری شدید دارد: «ومن یفعل ذلک یلق اثمًا».

نیرومندی غریزه جنسی

قدرت و قوت بسیار غریزه جنسی و میل به خوردن و آشامیدن در بشر و تأثیر فراوان و انکار نشدنی آن در چرخه زندگی او و نقش بنیادی و بسیار قوی آن در شکل‌دهی به شخصیت، رفتار و افکار او و سمت و سوی بخشی به تحرکات فردی و اجتماعی او انکار شدنی نیست؛ از این رو و بر همین مبنا دو مکتب «فرویدیسم» و «مارکسیسم» در عرصه حیات فکری بشری پدید آمد و هر یک از دو مکتب با بزرگ‌کردن بیش از حد هر کدام از آن دو خواسته طبیعی و اصالت‌دادن به آن، همان را اساس شخصیت و حیات بشری قرار داده و سایر نیازها و امیال او را بازتاب و برآیندی برای آن به شمار آورد.

در این میان غریزه جنسی از قدرت و نیروی فزون‌تری برخوردار است و حکمت آن هم شاید به دلیل وجود زحمات و رنج‌هایی باشد که بر اثر این غریزه برای مرد و به‌ویژه زن در بارداری و تربیت و تأمین فرزند پیش می‌آید.

آثار و پیامدهای رهایی غریزه جنسی**الف) دنیوی***** فردی**

۱. مانند موربانه‌ای که بی‌رحمانه بر درختان تناور هجوم می‌آورد و از درون آن را پوک می‌سازد، جسم و جان آدمی را به تحلیل برده و رفته رفته به ویرانی و سقوط می‌کشاند.
 ۲. چنانچه در اختیار هوی و هوس بشر قرار گیرد، بر مغز، اعصاب و قوای جسمی و روانی او صدمه وارد می‌کند.
- به گفته یکی از عالمان بزرگ اخلاق و تربیت؛ همچون کارگزار ستمگری است که

حاکم او را عنان گسیخته بر جان و مال مردم مسلط کند و او به تدریج تمامی اموال آنان را به زور از صاحبانش گرفته و به مصرف خود رساند و آنها را در بدبختی رها نماید.

۳. اگر با بی بند و باری پیروی شود، تمام قوای انسانی را مقهور خویش می‌سازد، نیروی جسمانی و مغز و اعصاب را به سرعت رو به تضعیف می‌برد و حتی مرگ را نزدیک می‌کند. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هرگاه پس از من زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی زیاد خواهد شد»^۱.

«الذُّنُوبُ الَّتِي تَعْجَلُ الْفَنَاءَ.....الزَّوْنَا»^۲: از گناهایی که سبب تعجیل مرگ می‌گردند: زناکردن و فحشاء است.

۴. ذهن را مسموم، اندیشه را مغشوش و قدرت تصمیم‌گیری و اراده بشری را تباه می‌کند و در نتیجه امید انسان به خدا و زندگی را قطع می‌کند. «و الذُّنُوبُ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ»^۳: گناهایی که موجب قطع امید می‌گردد.

۵. همت آدمی را پست، فکر را نزدیک‌نگر و محدود و شخص را در مواجهه با مشکلات حیات و فراز و نشیب‌های آن ناتوان و علیل می‌کند و قلب را که می‌تواند حرم خداوند و جایگاه او گردد^۴، به لانه شیطان و جولانگاه ابلیس تبدیل می‌سازد.^۵

۶. گناه جنسی، پریشانی روحی دربر خواهد داشت؛ زیرا گناه مصداق دوری از ذکر و یاد خداست.^۶

امام محمد باقر ﷺ فرمودند: «زنا شش اثر دارد: سه اثر دردناک، سه اثر در آخرت؛ اما آثار دنیویّه زنا: آبرو را می‌برد، رزق را کم می‌کند، و مرگ و نیستی را نزدیک می‌نماید.....»^۷.

* روحی و روانی

۱. رؤیایها و افکار مکرر در مورد عشق‌های قبلی؛
۲. ناتوانی در برقراری صمیمیت احساسی با همسر؛
۳. پشیمانی و تلخی نسبت به افرادی که در رابطه‌های قبلی به فرد صدمه زده‌اند؛
۴. مقایسه همسر با افراد قبلی در رابطه جنسی؛

۱. آیت الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ذیل گناه زنا.
 ۲. ابن فهد حلی؛ آیین بندگی و نیایش؛ ص ۳۵۰.
 ۳. مفاتیح الجنان؛ ادعیه ماه مبارک رمضان.
 ۴. قَالَ الصَّادِقُ ﷺ: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُشْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرُ اللَّهِ» (بحار الأنوار؛ ج ۶۷، ص ۱۳).
 ۵. نراقی؛ جامع السعادات؛ ج ۲، ص ۱۰.
 ۶. «مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ هر کس از یاد من روی گرداند، پس همانا برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و ما او را در قیامت نابینا محسور می‌کنیم. (طه: ۱۲۴)
 ۷. آیت الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ذیل گناه زنا.

۵. درک اشتباه از عشق واقعی؛
۶. ارتکاب به بی‌بندوباری و بی‌قیدی جنسی، به دلیل تلاش برای یافتن عشق و صمیمیت واقعی؛
۷. گناه جنسی خاطره‌هایی ماندنی ایجاد خواهد کرد و فرد را دچار گناهان بعدی خواهد نمود.

نمونه

وسوسه شیطانی

مردی فریب‌خورده در تماس با صدای مشاور داستان خود را این‌گونه تعریف می‌کند: حدود یک ماه قبل زنی ناشناس به تلفن همراهم زنگ زد و خودش را مهرانه معرفی کرد، من با تعجب گفتم: اشتباه گرفته‌اید؛ اما تماس‌های تلفنی این زن در حالی ادامه یافت که او با لحنی تحریک‌آمیز حرف می‌زد و جملات عاشقانه‌ای را به زبان می‌آورد. من مانده بودم چه کنم و مدتی با خود کلنجار رفتم، موضوع را از همسر مخفی کردم. با تلفن‌های مرتب او شیفته صدایش شدم و بالاخره با او قرار ملاقات گذاشتم. او در اولین دیدارش خود را یک زن مطلقه ۳۰ ساله معرفی کرد، قرار بعدی را در منزل او گذاشتیم، طبق قرار من به خانه لعتی این زن رفتم و دامن خود را آلوده کردم و ارتباطها بیشتر شد تا به این واسطه نسبت به همسر مهربان و حتی فرزندم بی‌علاقه، در خانه عصبی مزاج و در این طوفان شهوات متوجه شدم این زن گناه‌کار با چند مرد دیگر ارتباط دارد و فقط همت او گناه و سرکیسه‌کردن من است و همسر هم با فهمیدن ماجرا مرا ترک کرد و من الان مبتلا به یک بیماری جنسی گردیده و زندگی خود را تباہ می‌بینم. این را گفتم و درد و دل خود را با شما مطرح کردم تا همچون من کسی دچار این هوس‌ها و بیچارگی‌ها نشود.^۱

* اجتماعی

۱. با ارتکاب به گناهان جنسی، نفرینی از طرف همسر یا فرزندانان پشت سرتان خواهد بود و گناه جنسی این امکان را می‌دهد که نسل‌های بعد از گناهکار را نسلی ناپاک و ذلیل کند.
- چنان‌که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «بعد از شرک به خداوند، هیچ گناهی بزرگ‌تر از این نیست که مردی نطفه حرام خود را در رحمی که بر او حلال نیست، مستقر کند».^۲

۱. مرکز مشاوره امین.

۲. میرزا حسین نوری؛ مستدرک؛ ج ۲، ص ۵۶۷.

۲. نسل را فاسد و مسائل ارث را مختل می‌کند و حتی تربیت کودک را از بین می‌برد. امام صادق ۷ فرمودند: خداوند زنا را حرام فرمود؛ برای اینکه سبب فسادهایی مانند قتل نفس و از بین رفتن نسب و ترک تربیت اطفال و به هم خوردن ارث می‌شود.^۱
۳. آبادانی‌ها را به خرابی تبدیل می‌کند.
- پیامبر خدا ۶ فرمودند: «زنا مورث فقر است و آبادی‌ها را ویران خواهد نمود».^۲
۴. امتی را دچار بحران و گمراهی می‌کند.
- رسول اکرم ۶ فرمودند: «پس از خود از سه چیز بر امت خود نگرانم: گمراهی و انحراف پس از معرفت و هدایت؛ حوادث و وقایع گمراه‌کننده و شکم‌بارگی و شهوت‌رانی».^۳
۵. گناه جنسی سبب به دنیا آمدن فرزندان ناخواسته می‌شود.
- کودکانی که از این روابط به دنیا می‌آیند، در خانه‌هایی زندگی خواهند کرد که هیچ سایه پدر یا مادر مهربانی بالای سر آنها نخواهد بود.
- افزایش روز افزون روابط نامشروع و ضداخلاقی در غرب آمار عجیبی را به گوش می‌رساند که از روند آماردهی آنها حکایت از وخامت اوضاع در سال‌های اخیر دانسته می‌شود. در انگلیس در سال ۱۹۴۸ نزدیک به ۲۰ درصد بچه‌ها که به دنیا آمده‌اند، نامشروع بوده‌اند. (آمار ۲۰۰۷ دوبرابر شده است). این آمار در کشور غربی دیگر؛ یعنی در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۰ به ۲۵ درصد و حدود ۱۰۳۰۰۰ تجاوز به عنف وجود داشته که گزارش شده است و آمار گزارش نشده آن به مراکز پلیس به دست نیامده است. این آمار در سال‌های قبل تهیه شده و آخرین آمارها در سال‌های اخیر نشان از فاجعه در اروپا دارد.^۴
۸. گناه جنسی فرد را در معرض ابتلا به بیماری‌های مسری جنسی خواهد گذارد.
- بیماری‌های مسری جنسی بسیاری وجود دارد که بسیاری از آنها علائم بسیار

۳۱. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ کتاب نکاح، باب ۱، ص ۳۹.

۲. آیت‌الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ذیل گناه زنا.

۳. تراقی؛ جامع السعادات؛ ج ۲، ص ۴.

۴. محمد کاویانی؛ جوان و تهاجم فرهنگی؛ ص ۷۹.

آژانس آمار اروپا در گزارشی درباره تغییرات روی داده در اروپا اعلام کرد میزان تمایل جوانان این قاره به ازدواج کاهش یافته و تعداد فرزندان نامشروع در ۲۰ سال اخیر دو برابر شده است. براساس آمار رسمی در سال ۱۹۹۰ از هر هزار اروپایی شش و سه دهم درصد ازدواج می‌کردند که در ۲۰ سال اخیر این رقم به چهار و نه دهم درصد کاهش یافته است. افزون بر این تعداد کودکان نامشروع در اروپا دو برابر شده است. در سال ۱۹۹۰ هفده و چهار دهم درصد کودکان این قاره به طور نامشروع متولد شده بودند که این رقم در سال ۲۰۰۷ به ۳۵ و یک دهم درصد رسیده است. استونی که ۵۹ درصد کودکان در آن به طور نامشروع متولد می‌شوند، رکوردی در سراسر اروپا به جا گذاشته است و کشورهای سوئد، اسلوانی، فرانسه و بلغارستان در مکان‌های بعدی قرار دارند. (سایت رسمی آژانس آمار اروپا)

ناخوشایند و نامطبوعی را به دنبال خواهند داشت. بدترین این بیماری‌ها، ایدز است که حتی به مرگ نیز منجر می‌شود.

بر اساس آمار منتشر شده در ایران سهم انتقال جنسی بیماری ایدز در موارد جدید بروز بیماری، در حال افزایش است. به گونه‌ای که در سال ۸۹، ۳۲۹ مورد ثبت شده ابتلا به ایدز به وسیله ارتباط جنسی محافظت نشده در کشور داشته‌ایم که این امر نشان‌دهنده خطر آغاز موج سوم این بیماری در کشور است؛ بنابراین توجه به الگوی انتقال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ براساس تخمین‌های علمی انجام شده پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۲ حدود ۹۳ هزار نفر مبتلا به ایدز در کشور داشته باشیم که با توجه به آمار، بیش از ۲۰ هزار نفر شناسایی شده در کشور، تخمین زده می‌شود حدود ۷۰ هزار نفر به این بیماری مبتلا شده‌اند که هیچ‌گونه خدمات تشخیصی، درمانی و مراقبتی را دریافت نمی‌کنند.^۱

* ضررهای ایمانی و عبادی

قرآن درباره زنا که یکی از گناهان جنسی بسیار بزرگ است، آیات متعددی را برای هشدار نازل فرموده است از جمله:

«وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجِيَّ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»^۲

در تفسیر این آیه از امام باقر ۷ روایت شده است که فرمودند: «یعنی این گناه معصیت و نفرت‌انگیز است؛ زیرا خداوند زنا را دشمن می‌دارد و از آن نفرت دارد و «بد راهی است». عذاب زناکار از همه گناه‌کاران سخت‌تر است و زنا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است».

۱. گناهان جنسی، جسم فرد را آلوده کرده و توانایی او برای انجام مقاصد الهی را از بین می‌برد.

جسم ما معبد روح الهی است،^۲ وقتی ما از جسم‌مان برای گناهان جنسی استفاده می‌کنیم، به پاکی آن تجاوز کرده و آن معبد را ویران می‌کنیم؛ همچنین آن افرادی که با آنها این گناه را انجام می‌دهیم، نیز آلوده می‌کنیم. فقدان احترام به جسم‌مان (و خداوند) رابطه ما با خدا را از بین می‌برد.

۲. گناهان جنسی فطرت پاک الهی را خدشه دار و نهایتاً نابود می‌کند.

۱. مصاحبه اختصاصی دکتر عباس صداقت؛ رییس اداره ایدز وزارت بهداشت؛ خبرگزاری جام جم.

۲. «و به زنا نزدیک نشوید که آن فحشاء و بدترین راه‌هاست». (اسراء: ۳۲)

۳. «پس آن‌گاه معتدل و استوارش ساختم و از روح خود در او دمیدم». (حجر: ۲۹)

هر گناهی که انجام می‌دهیم، باعث اندوهگین شدن روح خداوندی می‌شود و آتش روح مقدس را در زندگی ما خاموش می‌کند. هرچه این آتش را بیشتر فرو بنشانیم، همان قدر از نیکی و درست‌کاری فاصله خواهیم گرفت.

«فَطَرَتَ اللَّهُ الَّذِينَ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»^۱

۳. ارتکاب گناهان جنسی، خواستگاه شیطان در زندگی انسان است.^۲

وقتی ما مرتباً مرتکب گناه می‌شویم، دژ محکم‌تری برای شیطان در زندگی خود برپا خواهیم کرد. هرچه بیشتر تن به شهوت و هوس دهیم، کنترل آنها بر روی ما بیشتر خواهد شد تا آنجا که ما را بنده خود خواهند کرد. این دژ محکم، بسیار مستحکم خواهد بود؛ چون جسم، روح و روان ما را درگیر خود کرده است.

داستان تخلف در استفاده از غریزه جنسی (حکایت عابد و ابلیس)

در بنی‌اسرائیل مردی زندگی می‌کرد که ۲۲۰ سال عبادت کرده بود و ۶۰ شاگرد تربیت نموده بود.

روزی شیطان به صورت مردی کهنسال و پیر در آمد و به عبادتگاه او رفت و در کنار او سه روز بدون اینکه چیزی بخورد و بنوشد و یا اینکه بخوابد، خداوند را عبادت کرد. عابد تعجب کرد و گفت:

من می‌خوابم، می‌خورم و می‌نوشم، تو چگونه طاقت می‌آوری بدون خوردن، آشامیدن و خوابیدن خداوند را عبادت کنی؟

شیطان گفت: من گناهی مرتکب شدم، هنگامی که ارتکاب آن گناه به ذهنم خطور می‌کند، خوردن و آشامیدن و یا خوابیدن برایم بی‌معنی می‌شود.

عابد گفت: به من عملی بیاموز تا من نیز عابدی همانند تو شوم.

ابلیس گفت: به خداوند عاصی شو و خود را به گناهی آلوده کن، سپس از آن توبه کن؛ زیرا خداوند تواب و رحیم است و توبه‌ات را قبول می‌کند. اگر این کار را انجام دهی، حلاوت و لذت عبادت را خواهی یافت.

عابد گفت: من چه باید بکنم؟

ابلیس جواب داد: زنا کن. عابد گفت: نمی‌توانم زنا کنم. ابلیس دوباره گفت: پس شخصی را به قتل برسان! گفت: نه، نمی‌توانم. گفت: پس اگر اینها را نمی‌توانی انجام دهی، حداقل شراب بخور که این بر تو سبک بوده و طرف مقابلت نیز خداوند است و

۱. «این فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است». (روم: ۳۰)

۲. «شیطان شما را از فقر و تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به فحشا و زشتی‌ها فرا می‌خواند». (بقره: ۲۶۸)

اگر توبه کنی، توبهات را قبول می‌کند!

عابد قبول کرد و گفت: شراب را از کجا بیابم؟

ابلیس جواب داد: به فلان شهر برو، آنجا در مغازه‌ای شراب فروخته می‌شود.

به آن شهر رفت و همان مغازه را پیدا کرد، دید که در مغازه زنی نشسته و شراب می‌فروشد. از آن زن شراب خرید و آن را نوشید، سپس مست شد و با زن فروشنده زنا کرد. در این حال که زنا می‌کرد، شوهر آن زن از راه رسید، با آن مرد در افتاد و آن را نیز کشت.

خلاصه

هم زنا کرد، هم آدم کشت و هم شراب خورد. ابلیس به صورت آدم در آمد و به نزد حاکم شهر رفت و این اتفاق را گزارش داد. مأمورین او را گرفتند و به دلیل خوردن شراب ۸۰ ضربه شلاق، به دلیل زنا ۱۰۰ ضربه شلاق به او زدند و به دلیل کشتن آدم نیز او را اعدام کردند... هنگامی که به دار آویزان بود، ابلیس نزد او آمد و گفت: ای عابد حال و احوالت چطور است؟

در جواب گفت: *مَنْ أَطَاعَ قَرِينَ السُّوءِ فَجَزَاؤُهُ هَكَذَا*: کسی که به دوست بد و مفسد خویش مطیع شود و گفته‌های آن را قبول کرده و انجام دهد، پس جزاء و کیفرش این‌گونه است.

ابلیس گفت: من عبادت ۲۲۰ سالهات را به باد دادم و در آخر نیز تو را این‌گونه به مشقت انداختم. حال اگر می‌خواهی از دار پایین آیی و آزاد شوی، من تو را کمک می‌کنم، عابد بدبخت و فریب خورده گفت:

بله می‌خواهم، هرچه می‌خواهی، می‌دهم تا این کار را برایم انجام دهی.

ابلیس گفت: من چیز زیادی از تو نمی‌خواهم؛ فقط می‌خواهم یک بار برایم سجده کنی. اگر این کار را انجام دهی، انگار دنیا را برایم داده‌ای.

گفت: با این حال نمی‌توانم سجده کنم. ابلیس گفت: پس با اشاره سرت سجده کن.

برصیصا بر ابلیس سجده کرد و کافر شد و بدون ایمان از دنیا رفت.^۱

(ب) اخروی

۱. غضب پروردگار، حساب و کتاب سخت در آخرت

امام باقر ۷ در ادامه (حدیث) فرمودند: «اما آثار اخرویة آن [زنا] پس غضب پروردگار

۱. نصاب الرجال للخطیب الواعظ.

و سختی حساب و دخول در آتش و جاودان ماندن آن را ایجاب می نماید.^۱

۲. چنانچه اصرار بر گناه داشته باشد، بی‌ایمان از دنیا می‌رود و جایگاه او در آتش جهنم است.

چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَ لَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۲

داستان حمام منجاب

یکی از پولداران خوشگذاران که همواره در عیش و عشرت به سر می‌برد، روزی کنار درب خانه اش نشسته بود. بانویی به حمام معروف «منجاب» می‌رفت؛ ولی راه حمام را گم کرد و از راه رفتن خسته شده بود. به اطراف نگاه می‌کرد تا شاید شخصی را بیابد و از او بپرسد، چشمش به آن مرد افتاد، نزد او آمد و از او پرسید:

حمام منجاب کجاست؟ آن مرد به خانه خود اشاره کرد و گفت: حمام منجاب همین جاست. آن بانو به خیال اینکه حمام همان جاست، به آن خانه وارد شد، آن مرد فوراً درب خانه را بست و به سراغ او آمد و تقاضای گناه کرد.

زن دریافت که گرفتار مرد هوس‌باز شده است، چاره‌ای جز حيله ندید و گفت:

من هم کمال اشتیاق را دارم؛ ولی چون کثیف هستم و گرسنه، مقداری عطر و غذا تهیه کن تا با هم بخوریم، بعد در خدمت‌تان باشم.

مرد قبول کرد و به خارج خانه رفت و عطر و غذا تهیه کرد و برگشت. زن را در خانه ندید، بسیار ناراحت شد و مرتب از آن قضیه حسرت می‌خورد.

مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه در بستر مرگ افتاد. آشنایان به بالین او آمدند و او را به کلمه «لا اله الا الله، محمد رسول الله» تلقین می‌کردند. او به جای این ذکر، همان شعر مذکور در حسرت آن زن را می‌خواند و با این حال از دنیا رفت.^۳

۳. عذاب‌های متعدد در قبر

در حدیثی تکان‌دهنده پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«کسی که به زن مسلمانی یا یهودی یا نصرانی یا مجوسی آزاد یا کنیز زنا کند، پس توبه نکند و با اصرار به این گناه از دنیا برود، خداوند در قبرش سیصد در عذاب را باز می‌فرماید که از هر در مارها و عقرب‌ها از آتش بیرون می‌آیند؛

۱. آیت‌الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ذیل گناه زنا.

۲. نساء: ۱۴.

۳. مهدی احدی؛ عالم برزخ؛ ص ۴۱.

پس می‌فرماید: تا روز قیامت می‌سوزد.

چون از قبرش بیرون شود، از بوی گندش مردم اذیت می‌شوند، پس به این بوی زننده شناخته می‌شود و دانسته می‌گردد که زناکار است تا اینکه امر کرده می‌شود او را به آتش وارد نمایند...»^۱.

۴. بدترین بو در آخرت، بوی زناکاران است.

حضرت امیرالمؤمنین ۷ فرمود:

«در روز قیامت به امر خدا بوی گندی وزیده می‌شود که تمام اهل محشر ناراحت می‌شوند تا اینکه نفس کشیدن بر آنها مشکل می‌گردد. پس منادی ندا می‌دهد آیا می‌دانید این بوی گند چیست؟ گویند: نمی‌دانیم و سخت ناراحت‌مان کرده، پس گفته می‌شود: این بوی عورت زناکاران است که بدون توبه از دنیا رفته‌اند، پس آنها را لعنت کنید. در محشر کسی نمی‌ماند مگر اینکه آنها را نفرین می‌کند و می‌گوید: خدایا زناکاران را لعنت فرما»^۲.

۵. گناه لواط مانند زنا بسیار سخت و بلکه شدیدتر است.

رسول خدا ۶ فرمودند:

«کسی که با پسری جمع شود، روز قیامت جنب وارد محشر می‌شود و آب دنیا او را پاک نمی‌کند و خشم خدا بر او است و او را لعنت فرموده، دوزخ را برایش آماده می‌فرماید و بدجایگاهی است. هرگاه کسی لواط کند، عرش خدا به لرزه درآید و خداوند او را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش آماده می‌کند و ملوط [مفعول] را در کنار جهنم نگه می‌دارند تا خلایق از حساب فارغ شوند، پس او را در جهنم می‌اندازند و در طبقات دوزخ همیشه معذب خواهد بود»^۳.

داستانی اعجاب آور

در زمان عمر غلامی که مولای خودش را کشته بود، پس از اقرار، عمر امر به کشتن او نمود. حضرت امیرالمؤمنین ۷ از غلام پرسید: چرا مولای خود را کشتی؟ عرض کرد به زور با من لواط کرد، پس او را کشتم. حضرت از اولیای مقتول پرسید: آیا او را دفن کرده‌اید؟ گفتند: آری، هم اکنون از دفنش می‌آییم. پس به عمر فرمودند: غلام را تا سه روز نگهدار. پس از سه روز از اولیای مقتول بخواه تا حاضر شوند. پس از سه روز حضرت به اتفاق عمر و اولیای مقتول بر سر قبرش آمدند. از اولیایش سؤال کرد: این قبر میت شما است؟

۱. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۲۴۲.

۲. همان؛ ص ۲۴۳.

۳. همان؛ باب ۱۷، ح ۱.

گفتند: آری؛ فرمودند: قبر را بشکافید تا به لحد برسید؛ چون به لحد رسیدند و آن را برداشتند، جنازه را ندیدند. حضرت تکبیر گفته و فرمودند:
 به خدا قسم شنیدم از رسول خدا ﷺ فرمودند:
 «هر کس از امت من عمل قوم لوط را مرتکب شود و بدون توبه از دنیا برود، پس در قبرش بیش از سه روز نمی ماند تا اینکه زمین او را فرو می برد و به جایی که قوم لوط هستند و هلاک گردیده اند، ملحق نماید؛ پس در زمره ایشان محشور می شود»^۱.

۶. گناه استمناء

پیامبر خدا درباره این گناه زشت فرمودند:
 «همانا! لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر کسی که با حیوانی نزدیکی کند و کسی که خودارضایی نماید»^۲.
 همچنین در روایتی امام صادق ۷ فرمودند:
 «سه دسته اند که خداوند در روز قیامت با آنها سخن نمی گوید، به آنها نگاه نمی کند، آنها را پاک نمی نماید و برای آنها عذابی دردناک است:
 ۱. کسی که خودارضایی کند.
 ۲. و کسی که مفعول در لواط باشد [که به نحوی مقصر اصلی است] مورد ملامت و عذاب الهی هستند!
 ۳. و....»^۳.

پیامهای درس:

۱. غریزه جنسی یک هدیه الهی به همه موجودات و به ویژه بشر است.
۲. در این غریزه افراط و تفریط ناپسند است.
۳. ترک گناه سبب تقرب به خدا و رسیدن به ارزش های والای الهی است.
۴. گناه سبب رسوایی و بی ایمان از دنیارفتن می شود.
۵. گناهان جنسی افزون بر بیماری های جسمی و روانی سبب از هم پاشیده شدن خانواده نیز هست.

سوالات درس

۱. حکمت غریزه جنسی در بشر برای چیست؟

۱. آیت الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ج ۱، ص ۲۰۵.
 ۲. محمدی ری شهری؛ میزان الحکمه؛ ج ۱۲، ص ۵۶.
 ۳. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۹، ص ۵۹، ح ۱.

۲. گزینه جنسی اگر رها شود، چه می شود؟
۳. بهترین راه کنترل گزینه جنسی چیست؟
۴. آشفته‌گی‌های گناهان جنسی به چه صورتی نمایان می‌شوند؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. جامع السعادات؛ مرحوم ملا مهدی نراقی.
۲. گناهان کبیره؛ مرحوم آیت‌الله دستغیب.
۳. عالم برزخ یا بیداری پس از مرگ؛ مهدی احمدی.
۴. پرسش‌های قرآنی جوانان؛ محمد علی رضایی اصفهانی.

غریزه جنسی بایدها و نبایدها
گام‌های تربیت جنسی (گام اول و دوم)

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. آشنایی با تربیت جنسی و هدف از تربیت جنسی؛
۲. برنامه‌های اسلام برای تربیت جنسی؛
۳. جنبه‌های اساسی تربیت جنسی؛
۴. نظرات اسلام در مورد غریزه جنسی؛
۵. ارزش واقعی مسائل جنسی؛

گام‌های تربیت جنسی:

- گام اول: تربیت جنسی (شناخت دوره‌های مختلف جنسی)؛
گام دوم: در اختیار گذاشتن اطلاعات مورد نیاز اولیاء و مربیان برای آموزش و تربیت صحیح مسائل جنسی؛
گام سوم: شناخت آثار و پیامدهای رهایی غریزه جنسی؛^۱

۱. در دروس ۳ و ۴ درباره آثار و پیامدهای رهایی غریزه جنسی به تفصیل صحبت شد. در اینجا فقط عنوان تیترو موضوع آورده شد.

گام چهارم: بررسی علل و عوامل انحرافات جنسی در جوانان؛
گام پنجم: کنترل و هدایت غریزه جنسی.

گام اول تربیت جنسی:

تربیت جنسی (کنترل و هدایت غریزه جنسی)

مقدمه

همان‌گونه که در بسیاری از شئون زندگی، انسان احتیاج به تربیت دارد؛ در مسائل جنسی نیز احتیاج به تربیت و آموزش صحیح، یک مسئله جدی می‌باشد و آن هم تربیت جنسی صحیح و اسلامی و برای برون‌رفت از بحران‌هایی که غرب دچار آن شده و تبعات مهلک آن شرق و به ویژه کشورهای اسلامی را نیز بی‌نصیب نگذاشته است، باید در همه مکان‌های آموزشی و تربیتی از مدرسه و کلاس درس تا منبرها و سخنرانی‌ها و حتی رسانه‌ها برای تربیت صحیح جنسی نوجوانان و جوانان و خانواده‌ها گام برداشت، این درس می‌تواند پاسخ‌گوی قسمتی از مسائل مهم تربیت جنسی باشد.

تعریف لغوی:

۱. تربیت: پروردن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن.
جنسی: آنچه مربوط به امور شهوانی است.^۱
تربیت جنسی: آموزش اخلاق امور جنسی و شهوانی.
۲. تربیت؛ یعنی فراهم‌آوردن زمینه برای پرورش استعدادها درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت‌رساندن امکانات بالقوه موجود در درون او.^۲
منظور از تربیت جنسی فراهم‌آوردن زمینه‌ها و عوامل جنسی، به طوری که استعدادهای شخصی برای رسیدن به کمال اختیاری فرد شکوفا شود و فرد را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری نماید.^۳

تعریف اصطلاحی:

۱. تربیت جنسی، «انتقال اطلاعات و مسائل جنسی» است. از این رو معلمان و مربیان باید از یک رشته معلومات آگاهی داشته باشند و آنچه را در این باره می‌دانند، به فرد منتقل کنند. انسان برخوردار از تربیت جنسی نیز کسی است که مجموعه‌ای از آنچه را درباره مسائل جنسی به آن نیاز دارد، بداند.

۱. فرهنگ معین؛ ذیل کلمه تربیت و جنسی.

۲. اخلاق اسلامی؛ ص ۲۱.

۳. تربیت جنسی در اسلام؛ ص ۴۴.

۲. تربیت جنسی را عده‌ای از کارشناسان صرفاً به معنی آموزش جنسی نمی‌دانند؛ بلکه تربیت جنسی را «فراهم‌آوردن زمینه رشد گزینه جنسی به گونه‌ای می‌دانند که همراه با استفاده لازم از این گزینه، از انحراف‌ها و لغزش‌های جنسی نیز پیش‌گیری شود».^۱

۳. تربیت جنسی عبارت است از: فراهم‌آوردن زمینه‌ها و عوامل مربوط به گزینه جنسی به گونه‌ای که استعدادها و شخصی فرد شکوفا شود و او را در رسیدن به کمال مطلوب اختیاری‌اش یاری رساند.^۲

تربیت جنسی از نگاه فیض کاشانی:^۳

گزینه جنسی از قوی‌ترین گزینه‌های آدمی می‌باشد که از کودکی همراه انسان است، هر چند در نوجوانی ویژگی‌های جنسی اولیه و ثانویه بروز می‌کند؛ از این رو نوجوان بیشتر به آموزش صحیح جنسی از سوی مربیان نیاز دارد، هدف تربیت جنسی، حذف و سرکوب کردن گزینه جنسی یا تغییردادن و دگرگون‌ساختن ساختار جنسی نیست؛ بلکه هدف تأمین نیاز جنسی است تا برای تعدیل و هدایت تمایل جنسی راهی درست انتخاب شود و زمینه پروردن نسل سالم ایجاد گردد.^۴

هدف از تربیت جنسی

تربیت جنسی فرزند در فرآیند تربیت اسلامی و مهدوی، ارائه آگاهی‌ها و آداب لازم به فرزند درباره چگونگی کنترل و ارضای درست گزینه جنسی و فراهم‌آوردن زمینه‌های ازدواج موفق و به هنگام فرزندان است تا او را برای رسیدن به رشد و کمال و تربیت یاری نماید.

در عرصه تربیت جنسی فرزند لازم است نهادهای مختلف جامعه اعم از خانواده، مدرسه، جامعه، رسانه و حکومت در یک حرکت هدفمند و هماهنگ مسیری را به روی فرزند بکشایند تا او با انتخاب و اختیار آزاد خویش از رفتارهای نابه‌هنجار جنسی دوری نماید و در جستجوی راه‌حل و رفتارهای به‌هنجار جنسی برآید.^۵

از این رو می‌توان گفت: هدف از تربیت جنسی، دست‌یابی فرد به آگاهی‌ها، عادات و آدابی درباره چگونگی اعمال و ارضای گزینه جنسی است که او را برای رسیدن به رشد و هدف مطلوب یاری کند.^۶

۱. معصومه اعلائی؛ تربیت جنسی؛ ص ۴۵.

۲. ثابت حافظ؛ تربیت جنسی در اسلام؛ ص ۴۴.

۳. ملا محمد محسن فیض کاشانی، حکیم فیلسوف، محدث و عارف دوره صفوی و از دانشمندان شیعه است. او شاگرد ملاصدرای شیرازی و داماد بزرگ او بوده‌است. در فقه، اصول، فلسفه، کلام، حدیث، تفسیر، شعر، ادب توانا و در تمامی اینها و رشته‌های دیگر آثاری از خود به یادگار گذاشته‌است.

۴. دو فصلنامه تربیت اسلامی؛ شماره ۳، تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی؛ ص ۱۹۰.

۵. مرتضی آقا تهرانی؛ خانواده و تربیت مهدوی؛ ص ۱۰.

۶. تربیت جنسی در اسلام؛ ص ۴۴.

دو جنبه اساسی تربیت جنسی:

۱. حقایق جنسی بیولوژیک (زیست‌شناسی) که در تربیت جنسی باید نوجوان را با ضرورت وجود دستگاه تناسلی در بدن و مسائل بهداشتی آن آشنا نمود.
۲. مراقبت جنسی و آشنانمودن نوجوان با ارزش‌های اخلاقی و دور نمودن او از انحرافات جنسی و تبیین ضررهای روانی و جسمی انحرافات. (بخش مربوط به درس ما)

اخلاق جنسی در مسیر تربیت صحیح

تعریف:

۱. اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق به معنی عام است؛ شامل عده‌ای از عادات و ملکات و روش‌های بشری که به گزینه جنسی انسان بستگی دارد، می‌شود.
۲. مهم‌ترین وظیفه اخلاقی در مسائل جنسی سر و سامان بخشیدن به روابط جنسی است؛ بنابراین سلسله مباحثی که به گزینه جنسی مرتبط‌اند؛ مانند: نحوه ارضای گزینه، حیای زن، غیرت مرد، وفاداری به همسر و.... در اخلاق جنسی مورد بحث قرار می‌گیرد.^۱

هسته اصلی اخلاق جنسی

اخلاق جنسی در اسلام را باید در نظریات آن در مورد گزینه جنسی جستجو کرد که دارای مشخصات زیر می‌باشد:

۱. این میل یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است:

خدا موجودات را از دو جنس مخالف [نر و ماده] آفریده که یکی از بارزترین نشانه‌های قدرت الهی است.^۲

در خصوص انسان هم می‌فرماید: «و از آیات خداوند آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید».^۳

و بین آن دو هم علقه و محبت قرار داده؛ حتی قرآن کریم از آن به محبت نفسانی یاد می‌کند و می‌فرماید: «آرایش و زینت داده شده‌اند مردم به دوست داشتن و میل نفسانی به زنان...».^۴

۱. ویل دورانت؛ تاریخ تمدن؛ ج ۱، ص ۶۹.

۲. ذاریات: ۴۹.

۳. همان.

۴. آل عمران: ۱۴.

۲. وسیله‌ای برای تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسان است:

در قرآن از زن تعبیر به کشت‌زار و محل زاد و ولد فرزند شده است: «زنان شما کشت‌زار شمایند، هر جا و هر گاه که بخواهید، به کشت‌زار خود درآیید [و با آنان آمیزش نمایید] و [در انجام کار نیک] برای خود، پیشی گیرید.^۱»

پیام‌ها:

۱. همسر مناسب همچون مزرعه مناسب است و سلامت بذر، شرط تولید بهتر است: «نسائکم حرث لکم»؛
۲. بذر و زمین هر دو در تولید نقش مهمی دارند. زن و مرد نیز در بقای نسل آینده نقش اساسی دارند: «حرث لکم»؛
۳. در آمیزش، مرد باید به سراغ زن خود برود و از گناه دوری نماید: «فاتوا حرثکم»؛
۴. غرائز نیز باید جهت‌دهی بگیرند. اگر هدف از آمیزش، فرزندانی پاک و ذخیره قیامت باشد، آن نیز رنگ الهی می‌گیرد: «قدّموا لانفسکم»؛
۵. در صحیح بخاری آمده است: اولیای خدا در آمیزش قصد می‌کنند که صاحب فرزندانی جهادگر شوند.
۶. اگر نسل پاک تحویل دهید، خودتان بهره‌مند خواهید شد: «قدّموا لانفسکم»؛
۷. زن نه کالا است و نه منشأ تاریکی؛ بلکه او بنیان‌گذار آبادی‌ها و سرمایه‌گذار تاریخ و فرستنده هدایای اخروی است: «حرث لکم، قدّموا لانفسکم»؛
۸. زاد و ولد، هدف اصلی ازدواج است: «قدّموا لانفسکم».^۲

۳. بین معنویت و بهره‌مندی لذات جنسی دوگانگی دیده نمی‌شود و اسلام با رهبانیت مخالف است:

همواره در این مسئله سه عقیده وجود داشته است:

الف) رهبانیت و ارزش مجردماندن و پلیدی ازدواج:

آنچه ریشه در عقاید قدیمی عده‌ای از مسیحیان دارد، این‌چنین بوده که علاقه جنسی را ذاتاً پلید می‌خواندند و حتی آمیزش جنسی با همسر را موجب تباهی و سقوط می‌دانستند و در بین راهبان و متولیان کلیسا یک عقیده انزجار از ازدواج پدیدار شده و قداست انسان را در ترک آن می‌شمردند و توصیه آنها به طالبان پاکی، تن‌دادن به ازدواج

۱. بقره: ۲۲۳.

۲. تفسیر نور؛ ذیل آیه ۲۲۳ بقره.

بود. آنها وجود غرایز را سد راه درجات عالی انسانی می‌دانستند؛ حتی در یونان «روم قدیم» و حتی افلاطونیان نیز نوعی ریاضت‌طلبی باب بوده است.^۱

ب) همه چیز را از دید جنسی نگاه کردن:

نظریه‌ای که امثال فروید بیان می‌نماید، همه چیز را از دید جنسی می‌بیند و اخلاق را به کلی زیر پا می‌گذارد، او می‌گوید:

حتی مکیدن پستان مادر توسط بچه و خوردن انگشت خود، نشئت گرفته از مسئله جنسی و عشق مادر به فرزند و محبت فرزند به مادر و دوستی بین افراد بشر و حتی محبت خواهر و برادر، استاد و شاگرد و بالأخره تمام عواطف بشری برخاسته از غریزه و تمایل جنسی است.^۲

و مثل راسل را به حد پرستش غریزه جنسی بکشاند!

ج) ارزش واقعی مسائل جنسی:

ولی ارزش واقعی تمایل جنسی چنانچه اسلام و همه مکاتب الهی بدون دست‌برد و انحرافات ایجاد شده در آنها، به آن معتقدند این است که هر دو نظر گذشته تباهی و بدبختی‌های اجتماعی را به دنبال داشته است و هر دو در افراط و تفریط وارد شده‌اند؛ ولی اسلام با عنوان کامل‌ترین دین، ارزش واقعی آن را بیان کرده و از طرفی بر پلید بودن اصل تمایل جنسی و یا آزادی مطلق خط بطلان می‌کشد و حتی سفارش به بهترین راه (ازدواج) می‌نماید:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنَ الصَّالِحِينَ مَنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۳ به ازدواج در آورید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان خود را و اگر مرد و زنی فقیرند، خدا به لطف خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد نمود! که خداوند به احوال بندگان آگاه و رحمتش وسیع و نامتناهی است.

اسحاق بن عمار از امام صادق 7 در حدیثی نقل می‌کند که به حضرت عرض کردم: آیا درست است که مردم می‌گویند: فردی نزد پیامبر آمد و از تنگ‌دستی و فقر شکایت کرد و حضرت سه بار به او فرمودند:

ازدواج کن؟

حضرت امام صادق 7 فرمود: آری... درست است. سپس امام 7 فرمود: رزق و

روزی، به همراه زن و خانواده است.^۴

۱. زناشویی و اخلاق؛ ص ۲۵.

۲. اسلام و تمایل جنسی؛ ص ۲، به نقل از اصول روانکاوی فروید ص ۵۹.

۳. نور، آیه ۳۲

۴. وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، باب ۱۱، ص ۲۵.

بر این اساس فضایل اخلاقی مربوط به گزینه جنسی همانند: عفت و پاکدامنی، کنترل جنسی در چارچوب شرع، ازدواج و ... تنها در سایه سه نوع شناخت امکان‌پذیر است:

۱. خداشناسی و تقویت ایمان به خدا و پیامبر و رعایت دستورات دینی؛
۲. خودشناسی و درک درست از خویشتن و توجه به ارزش‌ها؛
۳. شناخت امور و پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی شهوت رانی. (ارجاع به دروس ۳ و ۴ گزینه جنسی بایدها و نبایدها).

دین مبین اسلام سه برنامه برای تربیت جنسی دارد:

۱. آموزش مسائل تربیتی و بهداشت جنسی از قبل از انعقاد نطفه تا تولد فرزند و بعد از آن، از سن کودکی با مراعات در روابط زناشویی و مسایل بهداشتی فرزند و آموزش‌های صحیح در تربیت فرزند تا سن بلوغ و بعد از آن؛
۲. آموزش مسائل اخلاق اسلامی به فرد مکلف و روش طهارت بدن از مسائل ریز دستشویی‌رفتن تا مسائل جنابت و غسل و ازاله موهای زاید و....؛
۳. آموزش فرد بالغ به شیوه صحیح استفاده و بهره‌بردن از گزینه جنسی و ترغیب به ازدواج با عنوان بهترین گزینه برای اطفاء شهوت تا حتی شیوه لذت کامل و کافی بردن در هم‌بستری با همسر. (موضوع درس ما)

الف) دوره‌های تربیت جنسی:

دوره کودکی

دوره نوجوانی^۱

دوره جوانی و بعد از بلوغ

دوره میانسالی

دوره پیری^۲

در زندگی هر کسی سه نقطه عطف وجود دارد: تولد، بلوغ و مرگ.

نظر به اهمیت حیاتی دوران بلوغ در زندگی نوجوان و پس از آن در دوره جوانی که به شکلی تکمیل دوره نوجوانی است، به ویژه از نظر جنبه‌های تربیتی ضروری است که برخی از آگاهی‌ها و حقایق خاص این دوران تشریح گردد تا هم نوجوان به موقعیت

۱. این دو موضوع با توجه به اینکه بحث ما در مورد تربیت جنسی جوان است، از موضوع خارج است. می‌توانید برای تحقیق بیشتر به کتاب تربیت جنسی در اسلام، ثابت حافظ و مقاله مسائل جنسی بایدها و نبایدها (سایت راسخون) مراجعه فرمایید.

۲. از این دلیل که خارج از موضوع جوان است، به آن نمی‌پردازیم.

حیاتی خود پی ببرد و به تکالیف و وظایف و مسئولیت‌های شرعی، اجتماعی و اخلاقی که از این پس به او تعلق می‌گیرد، آگاهی یابد و هم اولیاء و مربیان بدین وسیله به درک روحی نوجوان خود نایل آیند.

بیشتر والدین از آشفتگی دوران بلوغ آگاهند و دوران بلوغ را با احساساتی متناقض به خاطر می‌آورند؛ مانند بهترین زمان یا بدترین زمان، سن دانایی یا سن نادانی، بهار امید یا زمستان ناامیدی که این احساسات حاکی از فراز و نشیب‌های روح یک نوجوان دارد. او گاهی شاداب، خوشحال و سرزنده و گاهی پژمرده، اندوهگین و ساکت است.

نوجوانان و جوانان به دلیل:

۱. احساس توانایی برای عمل جنسی؛
۲. تشدید انگیزه‌های جنسی؛
۳. کنجکاو در مورد مسائل جنسی؛
۴. تلاش برای تعیین نقش جنسی؛
۵. ترس شدید از نتایج فعالیت جنسی؛

نسبت به امور جنسی حساس هستند. این حساسیت مفرط که با ترشح هورمون‌های جنسی توأم است، تمایلات جنسی جوان را تشدید می‌کند. اگر طریقه مشروع و قانونی برای تشفی امیال جنسی مقدور نباشد، امکان انحراف جوان می‌رود و این انحراف اغلب به صورت کامجویی‌های بدلی (خودارضایی، همجنس‌بازی، نظربازی، دوستی‌های آلوده و خطرناک) تجلی می‌کند.

برای حل چنین مشکلاتی باید قبل از هر چیز به ارزیابی پرداخت. در ارزیابی و شناخت مشکلات جنسی باید ابتدا تاریخچه زندگی فرد را به دست آورد و بر اساس آن روش‌های انتخاب تغییر رفتار، شیوه‌های شناختی همچون افزایش بصیرت فرد را در سرلوحه برنامه‌ها قرار داد.

گام دوم تربیت جنسی:

در اختیار گذاشتن اطلاعات مورد نیاز اولیا و مربیان برای آموزش صحیح مسائل جنسی

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. زمان بیداری غریزه جنسی و عوامل مؤثر در آن؛
۲. تربیت جنسی به عهده چه کسانی است؛
۳. جنبه‌های مورد نظر در تربیت جنسی؛
۴. برنامه‌ریزی‌های خاص برای توجیه مسائل جنسی نوجوان و جوان.

بیداری غریزه جنسی

در دوران بلوغ و پس از آن مشکلات زیادی برای نوجوانان و جوانان پدید می‌آید. در این دو برهه زمانی وظیفه مربی است تا با احتیاط، ذهن فرد را در این زمینه روشن سازد و به او کمک کند، راه را از چاه بشناسد. معمولاً نوجوانان و جوانان مشکلات جنسی و روانی خود را با هر کسی در میان نمی‌گذارد و بسیاری اوقات از طرح آن خودداری می‌نمایند؛ در نتیجه امکان انحراف در این زمینه به وجود می‌آید؛ بنابراین این مسئولیت متوجه چند دسته است:

۱. مسئولیت اصلی تربیت جنسی نوجوان و جوان به عهده پدر و مادر اوست. برای دختران، مادر می‌تواند یک مربی خوب برای آشنانمودن دختر با مسائل بلوغ، عادت ماهانه و... باشد و در صورت نبود مادر در محیط خانوادگی (به دلیل طلاق، مرگ و ...)، لازم است آموزش مسائل مربوط به بلوغ دختران، توسط زنان دیگر خانواده دیگر؛ نظیر عمه، مادربزرگ و خاله صورت گیرد و برای پسران، پدر می‌تواند بهترین مربی باشد و در صورت نبود پدر، برادر بزرگ‌تر، عمو و دایی می‌توانند این مسئولیت را بر عهده بگیرند.

۲. مشاوران تربیتی مدارس و معلمانی که آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند، به ویژه معلمان دینی و پرورشی مدارس.

۳. روحانیون در طول ایام فراغت تحصیلی و ائمه جماعات مدارس در طول سال تحصیلی و همچنین طلاب و روحانیونی که با نسل جوان در ارتباط هستند.

در تربیت جنسی چهار جنبه باید در نظر گرفته شود:

الف) شیوه طرح مسائل جنسی

۱. برخی از مسائل جنسی؛ همچون احکام مربوط به غسل را می‌توان به صورت عمومی مطرح نمود؛ به طور مثال:

الف) در کلاس‌های درس احکام و دین و زندگی؛

ب) روحانیون گرامی در کلاس و منبر؛

ج) در جلسات پرسش و پاسخ.

۲. مسائل و احکام؛ مانند احتلام اگر به صورت انفرادی مطرح شوند، بهتر است:

الف) به صورت مشاوره؛

ب) صندوق همراز در مدرسه و مسجد؛

ج) جواب سؤالات احکام تحت عنوان نشریه (ویژه نامه).

نکته: در تمامی این روش‌ها باید طوری مسائل مطرح شود که اشاعه فحشا نگردد.

ب) شرایط طرح مسائل جنسی

شرایط و مقتضیات موجود در محیط را باید در نظر گرفت؛ اگر محیط طوری است که بچه‌ها در شرایط سنی تقریباً یکسانی قرار دارند و تفاوت‌های زیادی در مورد میزان اطلاعات جنسی آنها وجود ندارد، طرح عمومی مسائل به اشکالی بر نمی‌خورد و در غیر این صورت یا باید با احتیاط بیشتر مسائل مطرح گردد و یا بعد از تفکیک و جداسازی، مسائل مربوطه مطرح گردد.

ولی اگر اختلاف‌های زیادی از هر جهت در یک کلاس مشهود است، طرح مسائل خاص به صورت عمومی، معمولاً نتایج مطلوبی در پی نخواهد داشت.

ج) مراحل آموزشی و تربیتی

* آموزش کافی به والدین از طریق جلسات انجمن اولیا و مربیان و ایراد سخنرانی‌های لازم توسط مشاورین و روحانیون؛

- * آموزش جامع به مربیان تربیتی برای برخورد مناسب با مشکلات نوجوانان و جوانان (از مسائل بهداشتی تا مسائل اخلاقی)؛
- * آموزش کافی به خود نوجوان و جوان (در ادامه مطالب درباره آن صحبت می‌گردد)؛
- * آسیب‌زدایی از محیط؛
- * تقویت اراده و پرورش معنویت (در دروس کنترل و هدایت بررسی می‌شود).

د) تربیت گام به گام مسائل جنسی:

۱. نه زودتر از زمانی که لازم است و نه دیرتر از آن شروع و مطرح شود؛ در نتیجه: مسائل بلوغ باید در آستانه بلوغ نوجوان و مسائل ازدواج در آستانه جوانی مطرح شود.
۲. به هیچ وجه ضروری نیست فرد را از جزئیات روابط جنسی زن و مرد آگاهی یابد؛ ولی ضمناً مایه تأسف خواهد بود اگر دختری که آماده ازدواج است، آن‌قدر نسبت به مسائل جنسی ناآگاه باشد که بدترین خاطرات زندگی او مربوط به زمان عروسی او باشد.
۳. دختران از نظر جنسی نسبت به پسران آسیب‌پذیرتر هستند. یکی به این دلیل که از لحاظ جسمی از پسران ضعیف‌ترند و دیگر اینکه سن بلوغ در آنها کمتر از سن بلوغ در پسران است. دختران معمولاً در سن بلوغ از آگاهی و تعلیمات جنسی لازم برخوردار نیستند؛ بنابراین به سهولت در دام انحراف جنسی می‌افتند.

برنامه‌ریزی برای دو دوره نوجوانی و جوانی

مرحله اول:

این مرحله که با بیداری گزینه جنسی و بلوغ همراه است، از حدود ۱۱ تا ۱۲ سالگی آغاز می‌شود. اساس بلوغ، فعال‌شدن غده‌های جنسی است که در اثر این فعالیت، دگرگونی ویژه‌ای در نوجوان پدید می‌آید و با یک سری علائم و تظاهرات جسمانی و روانی همراه است. نوجوان به دلیل این انقلاب عظیم جسمی، گاهی دچار تنش گزینه شده و تجلیات و تمایلات جنسی در وجودش اوج می‌گیرد. این حساسیت شدید از حدود پانزده سالگی آغاز و تا نوزده سالگی ادامه می‌یابد.

حالات نوجوان در این سن:

۱. غالباً با والدین و مربیان در رابطه با مسائل جنسی ارتباط مناسبی ندارند و نمی‌توانند سوالات خویش را با آنان بی‌پرده میان‌بگذارند؛ در نتیجه یا مشکلات خود را در دل نگه

- می دارند یا از دوستان و معاشران خود سؤال می کنند.^۱
۲. آغاز رفتارهای جنسی آگاهانه (خود دوستی، دگر دوستی، بازی با آلت تناسلی، علاقه به نظر بازی و احساس نیاز و تمایلات جنسی).
۳. پر خاشگر و انزوا طلب است (غالباً دوست دارد در گوشه‌ای نشسته و در افکار خود غوطه‌ور گردد).

آغاز بیان مسائل جنسی:

۱. نقطه شروع بیان مسائل جنسی

هنگامی که احساس کردید غریزه جنسی نوجوان تا حدی بیدار گشته و در معرض انقلاب و دگرگونی است، می‌توانید به مناسبت‌هایی رشته سخن را در دست گرفته و به زبان ساده و اما در عین حال سربسته، به بیان مسائل جنسی پردازید.

به طور مثال به او بگویید: می‌دانم که اکنون به جایی رسیده‌ای که شاید افکار گوناگونی در مغزت ایجاد می‌شود، گاهی حالت تحریک به تو دست می‌دهد و میل داری شخص دیگری را لمس نمایی و...؛ اینها هیچ مانعی ندارد و مقدمه‌ای برای کامل شدن توست؛ اما شرایط زندگی و تحصیلات تو اکنون اجازه ازدواج نمی‌دهد، مواظب باش به دام فساد نیفتی.^۲

۲. چگونگی اجتناب از برخورد غیر منتظره با مسائل جنسی:

الف) علامت‌های بلوغ و احتلام‌های شبانه و وجوب غسل را بر او تشریح کنید و به او بگویید که این‌گونه رؤیاها و احتلام‌ها طبیعی است و هیچ وقت نباید احساس گناه کند.

ب) عواقب و خطرات انحرافات جنسی را برای فرد توضیح داده و او را آگاه نماییم.

بسیاری از نوجوانان و جوانان در اثر معاشرت با دوستان ناباب و آلوده، استمناء را تجربه کرده‌اند و یا در آستانه ابتلا به آن هستند؛ ولی در عین حال فراموش نکنید که باید به آنها حسن ظن داشت و با سعه صدر با آنها رفتار کرد. برخی از آنها به غلط می‌اندیشند بر اساس یک نیاز جسمی و جنسی و ناخودآگاه به این کار دست می‌زنند؛ در حالی که در بررسی‌های پزشکی و روان‌شناسی نشان داده است که نه تنها خودداری از ارضاء تمایلات جنسی تا دوره روابط زناشویی و ازدواج مطلقاً ضرری ندارد؛ بلکه سبب کامل‌تر شدن رشد جسمی و روانی شخص می‌گردد.^۳

۱. ابراهیم امینی؛ تربیت؛ ص ۲۶۵-۲۷۳.

۲. روان‌شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان؛ ص ۲۱۲.

۳. دنیای بلوغ؛ ص ۲۵۲.

ج) باید به نوجوان و جوان تفهیم کنیم که عقیف و خویشتن‌دار باشد و بداند که حفظ و صیانت گزینه جنسی از سرمایه‌ها و امانت‌های الهی است و ارضاء آن به گونه‌ای مشروع از اهم واجبات است.^۱

د) نوجوان و جوان را با موعظه‌ها و نطق‌های اخلاقی و مدارا و مماشات و با انگشت نهادن بر نقاط فطری و وجدانی او که در این سن بیدار است، با خود همراه کنید. بکشید از تعریض و کنایه و داستان سرایی، به کارگیری امثال و حکم، بازگویی عبرت‌ها، ترساندن بجا، دادن جایزه، قهر کوتاه‌مدت و روش تساهل و تسامح استفاده کنید. توجه داشته باشید هرگز آنها را مأیوس نسازید؛ بلکه همیشه روح امید را بر کالبد وجودشان بدمید.^۲

ه) در برخورد با نوجوانان و جوانان از ملامت و سرزنش باید دوری نمود؛ زیرا موجب لجاجت و عصیان در آنها می‌شود.

امیر مومنان علی 7 می‌فرماید: «زیاده‌روی در ملامت و توبیخ، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد».^۳

و) برگزاری جشن تکلیف چه برای دخترها (در نه‌سالگی) و برای پسرها (پانزده‌سالگی) می‌تواند آغاز خوبی برای تربیت جنسی و طرح مسائل اخلاقی، احکام و اعتقادی باشد.

ز) آنها را از انزوا، تنهایی و تفکرات مضر دور نمود.
امام علی 7 فرمودند: «کسی که به گناهان زیاد فکر کند، گناهان او را به سوی خود می‌کشاند».^۴

ح) برای تربیت جنسی صحیح باید والدین مراقبت‌هایی را از خود و فرزندان نشان نمایند:

* محل خواب و استراحت خود را از محل خواب فرزندان جدا کنند و همچنین آنها را در یک تخت یا کنار هم ن خوابانند.

فرزندی که صدای نفس پدر و مادر را در هنگام مسائل زناشویی بشنود، روی رستگاری را نخواهد دید.

رسول خدا 6 به امیر المؤمنین 7 فرمودند:

«یا علی! مبدا هنگام زناشویی تو با همسرت، فرزند بیدار باشد و صدای شما و نفس‌هایتان را بشنود که اگر این‌طور شد، این کودک روی سعادت را نمی‌بیند».^۵

۱. دنیای نوجوانی؛ ص ۲۳۹

۲. دنیای بلوغ؛ ص ۱۳۱

۳. غررالحکم؛ ص ۷۰

۴. همان؛ ص ۶۶۴

۵. علل الشرائع؛ ج ۲، ص ۶۴۵

پیامبر خدا ۶ فرمودند: «باید بستر دو پسر و دو دختر و پسر و دختر در ده سالگی جدا شود»^۱.

همچنین امام محمد باقر ۷ فرمودند: «دختر و پسر چون ده ساله شوند، باید بسترشان جدا شود»^۲.

* بدن خود را در حضور آنان عریان نکنند.

اگر لباس از پوشش مناسب برخوردار نباشد و بیش از حد معمول عریان، تنگ و چسبان و در رنگ‌های تند و زننده باشد، می‌تواند موجب تحریک کاذب و در نتیجه موجبات فساد را در جوان شود.^۳

* مسئله حجاب و پوشش در مقابل نامحرم را رعایت و به دختران آموزش داد. آموزش این مسئله افزون بر وجوب دینی آن، گام مهمی در کمک به حیا، غفت و پاکدامنی آنها خواهیم برداشت.

از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی پیامبر ۶ که به صورت سیره عملی به دیگران می‌آموزته‌اند، نیز موارد زیادی در اخبار رسیده است. نقل است روزی می‌خواستند وارد خانه حضرت فاطمه ۳ شوند، نخست بر در خانه آمده دست به روی در گذاشتند و در را کمی عقب زده، سپس فرمودند: السَّلَام عَلَیْکُمْ!

حضرت فاطمه ۳ پاسخ سلام پدر را داد.

بعد پیامبر ۶ فرمودند: اجازه دارم وارد شوم؟

عرض کرد: وارد شوید ای رسول‌خدا.

ایشان فرمودند: کسی که همراه من است، او نیز اجازه دارد وارد شود.

عرض کرد: مقنعه بر سر من نیست و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت؛ حضرت دوباره سلام کردند و فاطمه ۳ جواب داد و مجدداً اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق دخترشان، اجازه ورود برای همراهش که جابر بن عبدالله بود را گرفت.^۴

* از مزاح و شوخی‌های تحریک‌کننده خودداری کنند.

بنابراین از بوسیدن همدیگر، در آغوش گرفتن و نگاه‌های معنی دار در حضور فرزندان خودداری کنند.

۱. مکارم الأخلاق؛ ج ۱، ص ۴۲۸.

۲. همان؛ ص ۴۱۸.

۳. فرهنگ جوان؛ ص ۵۸۵ - ۵۸۶.

۴. تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۴۶۰.

* در نوازش‌ها، رعایت ادب و اخلاق را بکنند.
 روایات در این مورد می‌تواند جالب توجه باشد؛ از آن جمله:
 * نبوسیدن زنان و مردان نامحرم پسر و دختر بالاتر از شش‌ساله را و حتی در آغوش نگرفتن و نجسباندن او به خود؛^۱
 * وقتی دختر بچه‌ای به سن شش‌سالگی رسید، پسر بچه او را نبوسد و هنگامی که پسر از سن هفت‌سالگی گذشت، زن نامحرم او را نبوسد.^۲
 * در آرایش‌ها، سادگی و متانت را در نظر داشته باشند.
 از آرایش‌های تند و زننده توسط مادر و خواهر در مقابل جوان و نوجوان باید خودداری نمود؛ چرا که موجب تحریک دائمی شخص حتی در خانه و بروز این تحریکات در بیرون از خانه و یا به صورت خودارضایی بروز خواهد نمود.
 از نظر حکم شرعی واجب نیست مادر همهٔ اعضای بدن خود را از فرزندان خودش بپوشاند؛ بنابراین بازبودن سر و گردن، دست‌ها و پاها و ساق پا اشکالی ندارد.^۳
 اما از نظر تربیتی باید گفت: زن موقعی که متوجه حساسیت جوان یا نوجوان نسبت به اعضای خویش گردید، باید مراعات بیشتری نموده و موجب تحریک او نگردد.
 * از تماشای فیلم‌های نامناسب بپرهیزند.
 فیلم‌های مخرب هوس‌آلود موجب تحریک جدی جوان و نوجوان می‌گردد؛ بنابراین پدر و مادر هم خود از دیدن این‌گونه فیلم‌ها باید اجتناب نمایند و هم فرزندان را از دیدن این صحنه‌ها دور نگاه دارند.
 * آموزش در زدن و اجازه گرفتن برای ورود به اتاق و خانه دیگران، حتی پدر و مادر قرآن می‌فرماید:
 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید مملوک‌های شما [بردگانتان] و همچنین فرزندانتان [کودکان] که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت از شما اجازه بگیرند:
 قبل از نماز صبح و در نیم روز هنگامی که لباس‌های [معمولی] خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء».^۴
 مردی از پیامبر ﷺ پرسید: آیا به هنگامی که می‌خواهم وارد خانه مادرم شوم، باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آری. عرض کرد: مادرم غیر از من خدمت‌گزاری ندارد، باز هم باید اجازه بگیرم؟

۱. بحارالانوار؛ ج ۲، ص ۲۳۱.

۲. همان؛ ج ۱۰۴، ص ۹۶.

۳. احمد رزاقی؛ بدحجابی، ریشه‌ها و راه‌کارها؛ (قسمت اول).

۴. نور؛ ۵۸.

حضرت فرمودند: آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟
 عرض کرد: نه. فرمود: اکنون که چنین است، از او اجازه بگیر.^۱
 * روابط جنسی خود را دور از دید فرزندان برقرار کنند.^۲
 امام صادق ۷ می‌فرماید: «موقعی که در اطاق کودکی حضور دارد، مردان با زنان یا
 کنیزان خود نیامیزند؛ زیرا این عمل طفل را به راه بی‌عفتی و زناکاری سوق می‌دهد.»^۳

پیام‌های درس

۱. آگاهی‌ها و آداب لازم به فرزند درباره چگونگی کنترل و ارضای درست غریزه جنسی و فراهم آوردن زمینه‌های ازدواج موفق و به هنگام را تربیت جنسی می‌نامند.
۲. مهم‌ترین وظیفه اخلاقی در مسائل جنسی سر و سامان بخشیدن به روابط جنسی است.
۳. دین مبین اسلام سه برنامه برای تربیت جنسی دارد: آموزش مسائل تربیتی و بهداشت جنسی، آموزش مسائل اخلاق اسلامی و آموزش فرد بالغ.
۴. والدین باید مراقبت‌های صحیح هم از خود و هم از فرزندانشان داشته باشند.

سؤالات درس

۱. تربیت جنسی را تعریف نمایید؟
۲. حالات نوجوان و جوان در سن بلوغ و بعد از آن چگونه است؟
۳. پدر و مادر در تربیت چه مسائلی را باید در نظر بگیرند؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. خانواده و تربیت مهدوی؛ مرتضی آقا تهرانی.
۲. تربیت جنسی در اسلام؛ حافظ ثابت.
۳. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب؛ متفکر شهید استاد مطهری.

۱. تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۳۵۸.
 ۲. مجله رشد، شماره ۲، محسن فرمهینی فراهانی؛ دکترای فلسفه تعلیم و تربیت معلم.
 ۳. روایات تربیتی؛ ج ۳، ص ۸۶.

غریزه جنسی بایدها و نبایدها

گام چهارم: بررسی علل و عوامل انحرافات جنسی در جوانان

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف انحرافات جنسی در دیدگاه‌های مختلف؛
۲. علل مختلف انحرافات جنسی در جوانان؛
۳. عوامل ضعف ایمان انسان و کشیده شدن به انحراف؛
۴. علل و اسباب خانوادگی انحرافات جنسی؛
۵. عوامل درون‌مرزی و برون‌مرزی انحرافات.

تعریف انحراف جنسی:

انحرافات جنسی در واقع گروهی متنوع از بیماری‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی هستند که مبتلایان آنها، رفتارهای جنسی مغایر با مدل‌های پذیرفته شده و ارزش‌ها و معیارهای مقبول جامعه دارند.

دیدگاه جامعه‌شناسان:

انحرافات جنسی به منزله یک آسیب اجتماعی تلقی می‌گردند. از نظر حقوقی و قضایی نیز بیشتر انحرافات جنسی عملی مجرمانه شناخته شده‌اند و با مرتکبین برخورد قضایی به عمل می‌آید.^۱

۱. امیر حسین شریفی خضارتی؛ انحرافات جنسی؛ ص ۱۰.

دیدگاه دینی:

منظور از انحراف جنسی، هرگونه لذت جویی جنسی خارج از چارچوب ارتباط با همسر دائم و موقت است که تمام مصادیق آن که عبارت است از: «لواط، سحاق، خودارضایی و...» را در بر میگیرد و در قرآن با عبارت تعدی و تجاوز از راه صحیح یاد شده است.^۱

علل انحرافات جنسی:

- الف) علل فردی؛
- ب) علل خانوادگی؛
- ج) علل اجتماعی؛
- د) علل اقتصادی؛
- ه) علل درون مرزی؛
- و) علل برون مرزی.

الف) علل فردی:**۱. ضعف ایمان**

غفلت از خدا، زمینه وسوسه شیطان را فراهم می‌کند و فرد را در منجلاب گناه و انحرافات جنسی غوطه‌ور می‌سازد.

عوامل ضعف ایمان

- الف) غفلت از یاد خدا؛
 - ب) ارتکاب معصیت و اصرار بر گناهان؛
 - ج) فاصله گرفتن از فضاهای ایمانی؛
 - د) دوستی و اطاعت از غافلان و هوا پرستان؛
 - ه) دوری از صلحا و الگوهای نمونه؛
 - و) فرارگرفتن در محیط آکنده از معصیت؛
 - ز) آرزوهای طولانی، عامل سست شدن ایمان در دل
- ضعف ایمان دارای عوامل و علت‌های مختلفی است؛ از آن جمله می‌توان به موارد

ذیل اشاره نمود:

۱. مؤمنون: ۷.

الف) غفلت از یاد خدا:

در قرآن کریم می‌خوانیم: «و هر آن کس از یاد من دوری کند:

۱. زندگی سختی در انتظارش خواهد بود.

۲. روز قیامت، نابینا محسور می‌شود»^۱.

به تعبیر سعدی:

هر که امروز نبیند اثر قدرت او غالب آن است که فرداش نبیند دیدار

۳. و هر آن که از یاد خدا روی گرداند، شیطان همراه او خواهد شد.^۲

۴. هر که خدا را که فراموش کند، حقیقت انسانی خویش را از یاد برده و فاسق می‌شود.

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی

گرفتار کرد، همانا آنها فاسقاند.^۳

کسی که به خدا توجه ندارد، هر قدر برای به دست آوردن لذت‌ها و منافع مادی و ظاهری تلاش کند، بنا به فطرت خداجویش که همواره او را به سوی کمالات فرامی‌خواند، لذت‌های به دست آمده او را سیراب نمی‌کند، آرام و قرار نمی‌گیرد، او یا همواره در حسرت آن چیزهایی است که ندارد یا در ترس و اندوه از دست دادن چیزهایی است که به دست آورده است؛ پس هرگز روی آرامش و اطمینان را نمی‌بیند و به جای خدا، شیطان قلب او را گرفته و همنشین او می‌گردد و در نتیجه فاسق از دنیا می‌رود.

ب) ارتکاب معصیت و اصرار بر گناهان:

قرآن کریم می‌فرماید:

«آیات خدا را که بر او خوانده می‌شود، می‌شنود، سپس با گردن‌کشی [بر گناهش]

اصرار ورزیده و پای می‌فشارد؛ چنان‌که گویی آن را نشنیده است؛ پس او را به عذابی

دردآور بشارت بده»^۴.

امیر المومنین ۷ در این باره می‌فرماید: «از اصرار بر گناه بپرهیز؛ زیرا اصرار بر گناه از

بزرگ‌ترین گناهان کبیره و اعظم جرائم است»^۵.

امام محمد باقر ۷ فرمودند: «اصرار بر گناه این است که انسان گناه کند و استغفار

نکند و تصمیم بر توبه و بازگشت نگیرد»^۶.

۱. طه: ۱۲۴.

۲. زخرف: ۳۶.

۳. حشر: ۱۹.

۴. جاثیه: ۸.

۵. غررالحکم؛ ج ۲، ص ۸۰.

۶. کافی؛ ج ۲، ص ۲۸.

ج) فاصله گرفتن از فضاهای ایمانی:

خدا در قرآن کریم می‌فرماید:

«آیا برای مؤمنان وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا و آنچه از حق و حقیقت فرو فرستاده، بلرزد؟ و آیا هنگام آن نیست که مانند کسانی نباشند که قبلاً بر ایشان کتاب فرستاده شده و سپس زمان طولانی بر آنان سپری شده [و با دوری از دوران پیامبران] دل‌هایشان سخت شده است و بیشترشان فاسق گشته‌اند»^۱.

د) دوستی و اطاعت از غافلان و هواپرستان:

قرآن در این باره می‌فرماید:

«و از کسانی که قلب‌شان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن! همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است»^۲.

امام صادق ۷ فرمودند: «سزاوار نیست افراد با ایمان در مجلسی بنشینند که در آن گناه می‌شود و توانایی بر تغییر آن را ندارند»^۳.

ه) دوری از صلحا و الگوهای نمونه:

رسول اکرم ۶ می‌فرماید:

«مَثَلِ هَمْنَشِينِ خُوبٍ، مَثَلِ عَطَارٍ اسْتِ كِهْ اِگْرَ عَطْرِيْ بِهْ تُو نَدِهْدُ، حِدَاقْلُ بُوِيْ عَطْرَشْ رَا بِهْ تُو مِيْ رَسَانْدُ وَ مَثَلِ هَمْنَشِينِ بَدٍ، مَثَلِ اَهْنَكْرٍ اسْتِ كِهْ شَرَارُ اَتْشِ اَنْ تُو رَا نَمِيْ سُوْزَانْدُ؛ وَ لِيْ بُوِيْ بَدِ اَنْ بِهْ تُو مِيْ رَسْدُ»^۴.

امیر المومنین ۷ در توصیه به امام حسن ۷ فرمودند:

«از مجلسی که بدان گمان بد می‌رود، بپرهیز که هم‌نشین ناباب هم‌نشین خود را دگرگون سازد»^۵.

امام کاظم ۷ به هشام از قول حضرت مسیح فرمودند:

«با دانشمندان هم‌نشین شوید؛ گرچه بسر زانو بروید [سواره تاخت کنید]؛ زیرا خدا دل‌های مرده را به نور حکمت زنده کند؛ چنان‌که زمین را به باران زنده کند»^۶.

۱. حدید: ۱۶.

۲. کهف: ۲۸.

۳. بحارالانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۹۰.

۴. نهج الفصاحة؛ ص ۷۱۴.

۵. امالی شیخ مفید؛ مجلس ۲۶، ص ۲۴۵.

۶. تحف العقول؛ ص ۴۰۴.

(و) قرار گرفتن در محیط آکنده از معصیت:

قرآن کریم، حاضر نشدن در مجلس گناه و اعراض از لغو را یکی از صفات پسندیده مؤمنان و بندگان صالح خدا معرفی نموده است.^۱

امیرمؤمنان علی ۷ فرمودند:

«همنشینی با اهل لهو و گناه، موجب فراموشی قرآن و حضور شیطان می شود».^۲

(ز) آرزوهای طولانی، عامل سست شدن ایمان در دل:

خداوند متعال می فرماید:

«بگذار کافران را که بخورند و [از دنیا] بهره برند و آرزوهایشان آنان را غافل سازد؛

بالاخره خواهند دانست چگونه در دنیا به آرزوها و دنیاپرستی، مشغول شده اند».^۳

حضرت علی ۷ می فرماید: «بیشترین چیزی که بر شما از آن هراس دارم، پیروی هوا

و هوس و آرزوهای طولانی است؛ دنباله روی هوا و هوس، انسان را از حق باز می دارد و

آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد انسان می برد [و آدمی را به غفلت می اندازد]».^۴

۲. تقلید از دیگران:

انحرافات جنسی می تواند به سرعت مورد تقلید فرد قرار گیرد؛ چنانچه نوجوانان و

جوانان فرصت های زیادی را با هم و دور از چشم پدر و مادرها به سر ببرند، امکان انتقال

اینگونه تجربیات منفی را خواهند داشت.

از مهم ترین علل گرایش نوجوان و جوان به دوستان نامطلوب و ناشایست، به طور

معمول غفلت والدین در روابط فرزند با دیگران در دوران کودکی و ابتدای نوجوانی و

سپس جوانی است. اگر به روابط فرزندمان با همسالان و دوستی های او به موقع توجه

کنیم و ملاک های دوست خوب را به او بیاموزیم و از همان کودکی در او پشتوانه دینی و

فرهنگی و اعتماد به نفس ایجاد و وی را درست تربیت کنیم، در دوران نوجوانی و بلوغ

کمتر با چنین مشکلی مواجه می شویم.^۵

معمولا در خلوت ها دوست ناباب با تعریف خاطرات واقعی یا خیالی، سبب تحریک

دیگر دوستان شده و فضا را برای مسائل بعدی از قبیل در اختیار قراردادن سی دی مبتذل،

بلوتوث های جنسی و معاشرت های شهوانی جنسی با همدیگر آماده می سازد.

۱. رک: فرقان: ۷۲؛ مومنون ۳ و قصص ۵۵.

۲. میزان الحکمه؛ ج ۸، ص ۵۳۲.

۳. حجر: ۳.

۴. احادیث منظوم؛ ص ۸۰.

۵. حسین دهنوی؛ نسیم مهر (۲).

۳. تخلیه‌نشدن به موقع ادرار و مدفوع:

اگر فرد فرصت نیابد به تخلیه مثانه بپردازد، این امر در تحریک شهوت او سهم مؤثری دارد.

وجود حالتی چون یبوست می‌تواند عاملی برای این امر باشد. نگهداری ادرار و مدفوع معمولاً ناشی از روش غلط تربیتی والدین در کودک است.

۴. دست‌کاری‌های فردی:

حس کنجکاوی در آستانه بلوغ در افراد سبب می‌شود آنها برای شناخت تفاوت خود با جنس مخالف بیندیشند و یا به اعضای خود حساس شوند و پس از دست‌کاری با بدن خود، آن را زنده کنند.

شروع این انحراف می‌تواند از کودکی به جوانی و بزرگسالی انتقال پیدا کند. برخی از کودکان همواره با خود بازی می‌کنند و دست‌شان به خودشان مشغول است؛ در تنهایی یا در حضور دیگران در جیب شلوار دست کرده و با خود بازی می‌کنند، در مستراح و در حین دفع و یا در حمام به خود مشغول می‌شوند؛ این امر به تدریج عادت به استمنا را در آنان زنده می‌کند و در نوجوانی و جوانی آنان را به استمنا سوق می‌دهد.

۵. اختلالات روانی و شخصیتی:

اختلالات روانی در افراد باعث می‌شود با خودش سرگرم شود و از این راه غریزه خود و راه لذت‌بری از آن را کشف نماید: همچنین اختلالات شخصیتی یکی از مهم‌ترین عناصر برای شناسایی عوامل انحرافات است. بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده در تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان، این اختلال‌ها به چشم می‌خورد. پرخاشگری‌های گوناگون، رفتارهای ناسازگارانه، خودزنی (خودکشی) و رفتارهای نابهنجار دیگر چه پیش از انحراف و چه پس از آن، نشان‌دهنده وجود اختلال شخصیت در این افراد است.

۶. چشم‌چرانی و دیدن فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل:

افراد زیادی دلیل انحرافات جنسی خود را یا نگاه به زنان و دختران و یا دیدن فیلم‌های منحرف و غیر اخلاقی و دیدن عکس‌های زنان یا مردان برهنه که دائماً جزء سرگرمی آنها است، معرفی می‌کنند. قرآن کریم درباره نگاه حرام می‌فرماید:

«به مردان مؤمن بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان [حرام] فرو گیرند.»^۱

«و به زنان مؤمن بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند»^۱.
 برای بیدار نمودن کسانی که چشمان خود را به گناه آلوده می‌نمایند، می‌فرماید: «او چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند، می‌داند و از آنچه درسینه‌ها پنهان است، با خبر است»^۲.

امیرمؤمنان ۷ فرمودند: «چشم‌ها، کیمن‌گاه‌های شیطان است»^۳.
 همچنین امام صادق ۷ فرمودند: «نگاه اول خطا است، نگاه دوم عمد است و نگاه سوم موجب هلاکت است»^۴.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد
 که هر چه دیده بیند دل کند یاد
 بسازم خنجری نیشش ز فولاد
 ز نم بر دیده تا دل گردد آزاد (بابا طاهر)

۷. پوشیدن لباس‌های تنگ:

یکی از چیزهایی که می‌تواند گزینه جنسی را تحریک نماید؛ به ویژه در جوانان مجرد، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان است؛ مثل شورت، مایو و زیرپوش. این نوع لباس‌ها باید نه زیاد نرم باشند و نه زیاد ضخیم و نه خیلی تنگ و نه گشاد.
 اسلام به ویژه در مورد جوان و نوجوان تأکید دارد لباس‌هایی که می‌پوشند از جنس نخ باشد، چسبان نباشد^۵ (به ویژه لباس‌های زیر) و نایلون و تنگ نباشد، اصطکاک لباس تنگ و نایلونی موجب خشکی پوست و سپس خارش و تحریک پوست است که خود موجب ابتلا به بیماری‌های جنسی؛ از جمله خودارضایی می‌شود.

۸. عاطفی بودن و فریب خوردن:

لغزش فرد در دوران بلوغ، به دلیل حساس و عاطفی بودن و ضعف جسمی او است؛ دختران قبل از بلوغ کمتر دچار لغزش می‌شوند و پس از بلوغ هم اگر در معرض لغزش و یا فریب قرار می‌گیرند، دلیل اساسی را در عاطفی بودنشان باید جستجو کرد؛ زیرا خیلی زود تحت تاثیر افراد منحرف قرار می‌گیرند و چون معمولاً پنهان‌کاری می‌کنند، کار آنان کمتر آشکار می‌شود و همان‌گونه که محبت بیش از اندازه و شیوه‌های غلط ابراز محبت باعث انحراف نوجوان می‌شود، کمبود محبت نیز در انحراف آن بسیار موثر است.
 هاد فیلد یکی از روان‌شناسان می‌گوید: کمبود محبت در نوجوانی بهترین علت روانی

۱. همان: ۳۱.

۲. غافر: ۱۹.

۳. بحارالانوار؛ ج ۱۰۴، ص ۳۸.

۴. مکارم الاخلاق؛ ج ۱، ص ۲۳۶.

۵. اسلام و تمایل جنسی؛ ص ۱۰۶.

استمنا است. نوجوان چون از دیگران مأیوس و دلسرد می‌شود، به خودش می‌گراید؛ به طوری که تمام زندگی او روی زندگی جسمانی متمرکز گردیده و میل شدیدی به احساس لذت بردن در او پدید می‌آید.^۱

۹. انزوا و تنهایی:

انحرافات جنسی مرض تنهایی نامیده شده است. این مطلب به خوبی نشان می‌دهد تنهایی یکی از زمینه‌های اصلی ابتلای فرد به انحرافات جنسی از جمله خودارضایی است. تنهایی؛ یعنی درهم شکستن پیوندهای ارتباطی خودمان با دیگران، نوجوانی که در اتاق خودش، منزل و یا محیط‌های دیگر زمان زیادی را در تنهایی به سر می‌برد و کسی را نظاره‌گر خود نمی‌بیند، بسیاری از اوقات وسوسه می‌شود و بر اثر دست‌ورزی با اندامش کم‌کم لذت‌هایی را تجربه می‌کند و همین امر باعث ابتلای او به خودارضایی و کم‌کم سایر انحرافات جنسی می‌شود. در واقع تنهایی به منزله حصار است که نوجوان را به دور خودش می‌کشد. معمولاً انسان‌ها وقتی در حضور دیگران هستند، حریم‌ها را حفظ می‌کنند و دست به هر کاری نمی‌زنند؛ ولی در تنهایی به این تصور که کسی حضور ندارد، در حالی که خدا همیشه و همه‌جا شاهد کارهای ماست، ممکن است کارهایی غیر اخلاقی مرتکب شوند.

۱۰. ویژگی‌های دوران نوجوانی و بلوغ زودرس:

یکی از مسائل مورد توجه در انحرافات جنسی جوانان، سن آنها است. بر اساس آمارهای موجود بیشترین تعداد منحرفین بین دوازده تا هجده سالگی به انحراف کشیده می‌شوند که این مسئله درصد بالای انحراف در سنین بلوغ را نشان می‌دهد. در این سنین احساسات و هیجانات شدید با بحران بلوغ همراه شده و نوجوان را وا می‌دارد تا به دنبال هویت خود باشد و اغلب آن را در گروه همسالان خویش می‌یابد. از سوی دیگر تعداد زیادی از مشکلات عاطفی، فرهنگی، فکری و شناختی که در دختران فراری دیده می‌شود، مشکلاتی است که معمولاً در دوران نوجوانی و بلوغ به وجود می‌آید و از ویژگی‌های این دوره به شمار می‌رود. توجه نکردن و برخورد نادرست برخی والدین به ویژگی‌های روانی و عاطفی فرزندان در این دوره مانند: زودرنجی و احساساتی‌بودن، کم‌رویی، گوشه‌گیری و درون‌گرایی، برتری‌جویی و جلب توجه دیگران باعث تزلزل شخصیت و هویت نوجوان شده و نوجوان به دلیل نداشتن هدف مشخص و الگوپذیری نادرست از دیگران، نیازها

۱. خانواده و زندگی؛ بخش آموزش مسائل جنسی.

و دلبستگی‌های خود را در جنس مخالف جستجو کرده و به دنبال آن به انحراف کشیده می‌شود.^۱

معمولاً بین بلوغ جنسی و بلوغ روانی و اقتصادی یک نوجوان فاصله‌ای چند ساله وجود دارد. نوجوان در این فاصله فشارهای زیادی را تحمل می‌کند و دوران حساسی را می‌گذراند. حال اگر فرض کنیم نوجوانی زودتر از معمول به بلوغ برسد (بلوغ زودرس)، مشکل انحرافات جنسی را در مورد او بیشتر می‌کند.

به دلیل تحولاتی که در دوره بلوغ در فرد به وجود می‌آید، فرد تمایل درونی به جنس مخالف را در خود احساس می‌کند؛ ولی چون تماس بدنی با جنس مخالف برایش امکان ندارد، برای رهایی از تنش ناشی از این تمایلات درونی به اعمالی مثل خودارضایی، چشم‌چرانی (ایترنتی یا غیر ایترنتی) و ... روی می‌آورد.

بدیهی است نوجوانانی که زودتر به بلوغ می‌رسند، مشکلات بیشتری دارند؛ زیرا باید فاصله زمانی طولانی‌تری را طی کنند تا در زمان مناسب بتوانند با ازدواج، غریزه جنسی‌شان را به طرز صحیحی ارضا کنند و همین فاصله زیاد ممکن است زمینه ساز ابتلا به انحرافات جنسی شود.^۲

۱۱. اضطراب:

هر فرد در زندگی خود ممکن است در شرایطی دچار اضطراب شود. اضطراب، مکانیزمی است که برای بدن لازم و ضروری است؛ اما زمانی که اضطراب از حالت بهنجار خارج گردد، به اضطراب مرضی تبدیل می‌شود که حتی غیر طبیعی و برای سلامت فرد مضر است. اضطراب مرضی؛ یعنی نگرانی پیشاپیش نسبت به خطرهای یا بدبختی‌های آینده، به صورت غیر طبیعی و همراه با احساس بی‌لذتی یا نشانه‌های بدنی تنش و منبع خطر پیش‌بینی شده که می‌تواند درونی یا بیرونی باشد. در بیشتر منحرفین جنسی، نشانه‌های اضطراب به چشم می‌خورد و آنان از این اختلال رنج می‌برند. یکی از ویژگی‌های اضطراب، سردرگمی و ناتوانی در تصمیم‌گیری صحیح است.

نوجوانی که اختلال اضطراب دارد، در زمان‌های حساس و هیجانی، هیچ‌کندرتلی بر روی رفتار خود ندارد. او نمی‌تواند خود را آرام کند و تصمیم درستی بگیرد؛ بنابراین کارهایی انجام می‌دهد که مشکلات او را بیشتر می‌کند و در نتیجه بر اثر ایجاد شکاف میان او و خانواده و تمایل به دیگران دست به اعمال انحرافی می‌زند.^۳

۱. همان.

۲ محمود محمدیان؛ بلوغ تولدی دیگر؛ ص ۴۰.

۳. خانه‌گریزی دختران.

۱۲. افسردگی:

یکی دیگر از اختلالات روانی که در انحرافات جنسی جوانان مؤثر است، افسردگی می‌باشد. این اختلال به گونه‌ای است که بر توانایی‌های فرد اثر می‌گذارد، یعنی توانایی‌های جسمانی، فکری، عاطفی، هیجانی، یادگیری و ارتباط ساده و طبیعی با دیگران و خانواده را در حد بسیار زیادی مختل می‌کند، در نوع شدید این اختلال گاه فرد ساعت‌هایی بی‌حرکت در گوشه‌ای می‌نشیند، در فکر فرو می‌رود که این شرایط با حالت‌های غم و یأس، خستگی مفرط، خواب آلودگی و همچنین اضطراب همراه است. افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالاتی است که منحرفین جنسی با آن دست به‌گریبان هستند.^۱

۱۳. تخیلات تحریک‌کننده:**۱۴. تماس فیزیکی با نامحرم:****۱۵. ناآگاهی از عواقب انحرافات جنسی:****۱۶. داشتن نگرشی مثبت و مفید به انحرافات جنسی:****۱۷. نارسایی‌های ذهنی و کسب‌نکردن موفقیت‌های تحصیلی و درسی.****(ب) علل خانوادگی:**

خانواده پیکره اصلی جامعه است و نقش مهمی در پرورش فرزندان دارد. والدین با ایجاد روابط سالم و دوستانه با فرزندان و توجه به نیازهای جسمانی و روانی آنان می‌توانند آنها را از لحاظ شخصیتی و روانی متعادل و سالم بار بیاورند. به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ریشه اصلی آسیب‌های اجتماعی و از جمله انحراف جوانان، خانواده است. به عقیده آنان یکی از مهم‌ترین عوامل انحراف، سلب آرامش روانی و عاطفی فرزندان در محیط خانه و خانواده است.

وقتی در خانواده به جای توجه به مسائل و نیازهای فرزندان، فقر فرهنگی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و ... حاکم شود، فرزندان خانواده به انحراف کشیده می‌شوند. آنها به پندار خود می‌روند تا به یک زندگی بهتر و با وضعی مطلوب‌تر برسند و آرامش و محبت را تجربه کنند؛ اما خواسته و ناخواسته دچار انحرافات اجتماعی و جنسی؛ مثل اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، توزیع مواد مخدر، سرقت، تشکیل خانه‌های فساد و... می‌شوند.

۱. فرزانه صمدی؛ بلوغ و دگرگونی‌های آن.

نتایج تحقیقات انجام شده درباره انحرافات جنسی نوجوانان و جوانان نیز مؤید این مسئله می‌باشد که مشکلات خانوادگی از جمله عوامل اصلی انحرافات می‌باشد؛ به طور مثال در تحقیقی با عنوان «علل فرار دختران از خانه» در مورد ۱۲۰ دختر فراری در تهران انجام شده، در خصوص علل فرار (۳۶٪) دختران فراری، اختلاف با پدر و کتک خوردن از وی، (۵٪) اختلاف با برادر و کتک خوردن از او، (۱۵٪) اختلاف با مادر و (۳٪) ازدواج اجباری را ذکر کرده‌اند. (۷۸٪) دختران فراری والدین معتاد داشته و (۸۵٪) آنها دارای خانواده‌هایی هستند که حداقل یک نفر از آنها به جرم سرقت به زندان رفته است. عوامل دیگری همچون تبعیض در خانواده (۸۸٪)، کنترل شدید والدین (۸۲٪)، اختلاف خانوادگی و احساس طردشدگی از خانواده (۸۴٪) از دلایل دیگر فرار است.^۱

برخی از علل و اسباب خانوادگی در انحرافات جنسی

۱. نظارت و مراقبت نکردن والدین از فرزندان خود:

نظارت و مراقبت نکردن نوجوانان و شکست‌های تحصیلی پی‌درپی و انزوای طلبی بیش از حد آنها یکی از علل اصلی انحرافات جنسی در محیط خانواده است.

۲. دیر ازدواج نمودن یا تأخیر در ازدواج بین افراد خانواده:

اسلام ازدواج را برای جوان یا نوجوان در آغاز بلوغ یک مستحب مؤکد شمرده است و با بروز اولین نشانه‌های حرام و گناه، آن را واجب می‌داند؛ یعنی اگر ازدواج نکنند و در دام گناه اسیر بمانند، خداوند او را تنبیه خواهد کرد و می‌بایست خانواده به هر صورتی که می‌تواند زمینه ازدواج او را پدید آورد و اگر نتواند زمینه ازدواج او را فراهم کند و به گناه بیفتد، خداوند افزون بر مؤاخذه آن جوان که به هر دلیل خود را حفظ نکرده، آن خانواده را هم مؤاخذه خواهد نمود.

۳. نبود برنامه اوقات فراغت برای اعضاء خانواده:

گاهی اوقات دلیل ابتلای نوجوان به انحرافات جنسی، نداشتن برنامه برای اوقات فراغت از طرف خانواده می‌باشد. اعضای خانواده که بی‌برنامه هستند و اوقات بیکاری‌شان به بطالت می‌گذرد، معمولاً ذهنشان مورد هجوم افکار مختلف قرار می‌گیرد. هر فکری ذهنشان را به سمت خودش می‌کشاند و نوجوان بیکار هم بسیاری از اوقات برای پرکردن وقتش، ممکن است تسلیم وسوسه‌های شیطان شود و به گناه آلوده گردد.

۱. مجله پیام زن؛ شماره ۱۲، ص ۴۰۳.

۴. ناسازگاری در محیط خانوادگی:

بروز ناسازگاری خانوادگی از جمله عواملی هستند که فشارهای روانی زیادی را بر زندگی مشترک زوجین تحمیل می‌کنند و موجب به وجود آمدن زمینه‌های انحرافات جنسی در بین آنها می‌شود.

۵. عقده حقارت یا احساس طرد شدن در خانواده و کمبود محبت:

به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان انحرافات جنسی ناشی از کمبود توجه و محبت در خانواده و عقده حقارت است.^۱ همان‌گونه که محبت بیش از اندازه و شیوه‌های غلط ابراز محبت باعث انحراف نوجوان می‌شود، کمبود محبت نیز در انحراف آن بسیار موثر است. کمبود محبت در نوجوانی بهترین دلیل روانی انحرافات جنسی است. فرد چون از اعضاء خانواده و دیگران مأیوس و دل‌سرد می‌شود، به خودش می‌گراید؛ به طوری که تمام زندگی او روی زندگی جسمانی متمرکز گردیده و میل شدیدی به احساس لذت‌بردن در او پدید می‌آید.

۶. مساعد نبودن شرایط و محیط خانواده:

ریشه بسیاری از انحرافات جنسی را باید در محیط خانواده و شرایط زندگی افراد جستجو کرد. مراعات نکردن اصل مهم حیا و شیوه لباس پوشیدن و به کارگیری الفاظ نامناسب و تماس بدنی با کودکان و کنترل نشدن روابط کودکان، جدانکردن محل خواب فرزندان و ... ، زمینه انحرافات جنسی در دوران بلوغ را فراهم می‌کند. باید توجه داشت خانواده‌هایی بیشتر در معرض انحرافات جنسی قرار می‌گیرند که میان پدر و مادر اختلاف و ناسازگاری و بدرفتاری با فرزندان باشد.^۲

۷. بی‌بندوباری جنسی والدین در برقراری روابط زناشویی با یکدیگر:

برخی از نوجوانان دلیل ابتلای خود به انحرافات جنسی بی‌بندوباری جنسی والدین در برقراری روابط زناشویی ذکر کرده‌اند.

۸. بی‌توجهی در مجالست‌ها و همنشینی با افراد بی‌بندوبار و لابالی و منحرف خانواده‌های فامیل؛**۹. توجه نکردن به مسائل تربیتی فرزندان؛****۱۰. وجود اختلافات زناشویی؛****۱۱. طلاق؛**

۱. محمود محمدیان؛ بلوغ تولدی دیگر؛ ص ۴۰.
 ۲. محمد علی سادات؛ راهنمای پدران و مادران؛ ج ۱، ص ۹۳.

۱۲. اعتیاد والدین؛

۱۳. بی‌سرپرستی و یا بدسرپرستی؛

۱۴. زندگی با ناپدری و یا نامادری؛

۱۵. خشونت در خانواده؛

۱۶. تبعیض بین فرزندان؛

۱۷. فقر اقتصادی خانواده؛

۱۸. تعصبات و پایبندی به آداب و رسوم قومی (به ویژه در ازدواج دختران)؛

۱۹. ضعیف بودن اعتقادات مذهبی خانواده.

ج) علل اجتماعی^۱:

۱. افزایش ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌هایی مانند بدحجابی و مدگرایی:

هر اجتماعی هنجارها و ناهنجارها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی دارد و بی‌شک افرادی که در این اجتماع زندگی می‌کنند، از این ارزش‌ها اثرپذیرند. در این میان اثرپذیری نوجوانان و جوانان به مراتب بیشتر از بزرگسالان است؛ زیرا هنوز هویت خود را کاملاً بازشناسی نکرده و شخصیت او به ثبات و تکامل نرسیده است. او مانند جسم سیالی است که در هر ظرف و قالبی ریخته شود، شکل آن را به خود می‌گیرد؛ بنابراین ارزش‌ها و ضد ارزش‌های جامعه باید کاملاً در مسیری باشد که نوجوان و جوان را برای یافتن هویت واقعی مذهبی و ملی خود یاری کند؛ در غیر این صورت بیشترین آسیب متوجه آنها خواهد بود.

بدحجابی و مدگرایی که در ذهن و عمل بسیاری از افراد به یک هنجار تبدیل شده است؛ از جمله ناهنجاری‌هایی هستند که سبب می‌شوند تا فرد، شخصیت خود را بر اساس همین هنجارهای غلط پایه‌ریزی کنند و به ستیز با خانواده و هنجارهای آن برخیزند.

۲. اعتیاد:

وجود اعتیاد سالیان درازی است که دامان جامعه ما، به ویژه نسل جوان را فرا گرفته و خواسته یا ناخواسته ابعاد آن گسترش یافته است. به گونه‌ای که امروزه برای بعضی از افراد صحبت کردن درباره معتادان و اعتیاد، مسئله‌ای عادی تلقی می‌شود. قرارگرفتن ایران در مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا، همجواری با دو کشور پاکستان و افغانستان که از

۱. همان .

مهم‌ترین مرکز تهیه و توزیع مواد مخدر در دنیا می‌باشند، توطئه استعمارگران برای پخش مواد مخدر در کشور اسلامی ایران، وجود افراد سودجو و درآمد بالای حاصل از قاچاق مواد مخدر از جمله مهم‌ترین عوامل گسترش مواد مخدر در کشور ما می‌باشد.

نوجوانان و جوانان منحرف ضمن اینکه خود مشکلات گوناگونی را تجربه کرده و انگیزه بیشتری برای اعتیاد دارند؛ گزارش‌ها حاکی از آن است که تعدادی از آنها به سبب تهیه مواد مخدر از خانه گریخته‌اند؛ زیرا در خانه والدین اصرار به ترک اعتیاد آنان داشته‌اند و آنها به دلیل اینکه اعتیاد را ترک نکنند، از خانه گریخته‌اند. از طرفی برخی از جوانان و نوجوانان به دلیل اعتیاد والدین و به خواسته آنان مجبور به خرید مواد مخدر برای والدین معتاد می‌باشند؛ بنابراین اعتیاد خود و اعتیاد والدین یکی دیگر از عوامل مؤثر در انحراف آنان می‌باشد.^۱

۳. قاچاق:

از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، مسئله قاچاق زنان در سطح جهانی ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد؛ هر چند از ابتدای سده بیستم چند سند بین‌المللی برای سرکوبی این جرم طراحی و تصویب شد. در دهه‌های اخیر مشاهده شده تعداد زیادی از زنان و دختران، به ویژه از کشورهای آسیایی، اروپایی مرکزی و روسیه با وعده مشاغلی چون خدمتکاری رستوران، بچه‌داری، پرستاری و... و درآمد خوب فریب خورده و در نهایت عده زیادی از آنان به صورت ابزاری برای خوشگذرانی مردها درآمده‌اند. در ایران نیز نمونه‌های بسیاری از قاچاق دختران و زنان به شیوه‌های مختلف مشاهده شده است.

آمارها حکایت از آن دارد که مجموع سود حاصل از این تجارت کثیف، سالانه بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار است. فساد دولت مردان و به تبع آن سکوت آنها و نیز سکوت جامعه در قبال این پدیده زشت، دست تبهکاران را برای این تجارت مدرن و پرسود بازگذاشته است.

در دنیای امروزی، قاچاق جهانی زنان و کودکان برای مقاصد جنسی به سرعت در حال جایگزین شدن قاچاق اسلحه و مواد مخدر است؛ به گونه‌ای که این کالا هم‌اکنون توجه باندهای تبهکار را سخت به خود معطوف نموده است. به واسطه مخاطرات نسبتاً اندک این تجارت و سود سرشار آن است که باندهای سازمان‌یافته، به گونه‌ای فزاینده، فعالیت‌های خود را به این حوزه جدید سوق می‌دهند. آمارها بیانگر آن است که همه ساله چهار میلیون زن و کودک کالای این تجارت مورد سوءاستفاده خریداران و فروشندگان

۱. خانه‌گریزی دختران.

قرار می‌گیرند تا تداعی‌کننده نوعی بردگی در دنیای جدید باشند و در این بین درآمدهای معادل ۵۲ میلیارد دلار در سال عاید صاحبان این تجارت نماید.^۱

۴. فریب‌خوردن و اعتماد نابجا به افراد ناشناس در جامعه:

فریب‌خوردن و اعتماد نابجا به افراد ناشناس از جمله زمینه‌ساز فحشا در جامعه می‌باشد. تحقیقی بر روی دختران فراری در سال ۱۳۸۰ نشان داده است که ۲۴٪ افراد فراری از منزل، دخترانی هستند که اغفال شده، سپس ترک منزل نموده‌اند. فریب‌خوردن ممکن است علل مختلفی از جمله: نارضایتی از خانه پدر یا همسر، تسلیم‌شدن در مقابل مردان به امید ازدواج آینده، بی‌سوادی و آگاهی نداشتن افراد و والدین آنها و مورد سوء استفاده قرار گرفتن توسط فرصت‌طلبان، استفاده‌های نامناسب ارتباطی به وسیله اینترنت و... داشته باشد.^۲

۵. رسانه‌های گروهی:

رسانه‌های گروهی به ویژه ماهواره، اینترنت، رادیو و تلویزیون (به ویژه رسانه‌های بیگانه) امروزه در زندگی مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند؛ اما در این میان تلویزیون و ماهواره با بهره‌گیری از دو حس بینایی و شنوایی تأثیرگذارترین عامل پس از خانواده، بر روی افراد، به ویژه نوجوانان و جوانان است. این رسانه‌ها می‌توانند هم نقش ویرانگری بزرگ را داشته باشند و هم در مورد مطالب گوناگون آموزش‌های مفیدی به مخاطبان بدهند؛ همچنین می‌توانند با استفاده از برنامه‌های مختلف در هویت‌دهی به جوانان نقش ایفا کرده و الگوها و فرهنگ‌هایی را به جامعه مخاطبین معرفی نماید.

در واقع الگوپردازی و تأثیرپذیری مستقیم از رسانه‌ها و فیلم‌های به نمایش درآمده در آن واقعیتی انکارناپذیر است که در زمینه انحراف هم این آثار کاملاً به چشم می‌خورد. تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان منحرف اعتراف کرده‌اند تا زمانی که در بعضی از فیلم‌ها ندیده بودند نوجوانی به سبب تمایلات جنسی با جنس مخالف رابطه برقرار می‌کند و از حالت طبیعی و روزمره خود خارج می‌شود، چنین زمینه‌ای به ذهن آنان نرسیده بود. آنها تنها با دیدن چنین فیلم‌هایی به فکر انحراف افتاده‌اند تا از وسوسه‌های شیطانی خود خلاص شوند.^۳

به تصویر کشیده‌شدن رفتارهای جنسی در عرصه رسانه‌های تصویری (ماهواره‌ها و

۱. ماهنامه سیاحت غرب؛ سال اول، شماره ۶.

۲. زمینه‌های بروز انحرافات اجتماعی زنان در جامعه.

۳. ر.ک: درس هزینه‌نگاری رسانه‌ای.

ایتترنت)، با تأثیر مستقیم بر رفتارهای مخاطبان آنها و به ویژه جوانان و نوجوانان همراه بوده است. بر پایه مطالعات و تحقیقات متعدد، بسیاری از رفتارهای نابهنجار جنسی در بین جوانان، نتیجه انتشار و پخش چنین تصاویر تحریک‌آمیز و اغواکننده‌ای می‌باشد که روز به روز بر دامنه آنها افزوده می‌شود.^۱

۶. دوستی با جنس مخالف در سطح جامعه:

دوستی و رابطه با جنس مخالف در سطح جامعه، یکی از انحرافات اخلاقی است که امروزه دامنگیر برخی از نوجوانان شده است. منظور ما از رابطه هر نوع ارتباطی بین دختر و پسر نامحرم است که به تحریک شهوت در آنها منجر شود. حال چه ارتباط حضوری باشد، چه تلفنی، چه از طریق نامه، چه چت‌کردن و یا ...؛ ارتباط و دوستی دختر و پسر که معمولاً با تبادل عواطف و احساسات همراه است، باعث تشدید شهوت در دوطرف می‌شود. وقتی دختر و پسر از یکدیگر جدا می‌شوند، آتش این شهوت شعله‌ورتر می‌گردد و به دلیل افکار تحریک‌کننده‌ای که ذهن آنها را پرکرده است، ممکن است دست به یکی از مصادیق انحرافات جنسی از جمله خودارضایی یا پورنوگرافی بزنند.

۷. اطلاعات نادرست و مفید جلوه داده شدن برخی از انحرافات جنسی در اجتماع:

بسیاری از گروه‌های اجتماعی سعی می‌کنند از هر راهی که امکان دارد اطلاعاتی در اختیار نوجوانان، به دلیل کمبود اطلاعات‌شان در مورد مسائل جنسی قرار دهند. نوجوانان بسیاری از اطلاعاتی را هم که به دست می‌آورند به وسیله دوستان، بزرگترها، کتاب‌ها و سایت‌های مختلف و ... غلط است و هیچ مبنای علمی ندارد. چه بسا در خلال اطلاعاتی که به دست می‌آورند به این نتیجه نادرست برسند که مثلاً خودارضایی نه تنها ضرر ندارد، بلکه برای بدن مفید هم هست و باعث آرامش فرد می‌شود. همین امر ممکن است زمینه‌ساز ابتلای نوجوان به سایر انحرافات جنسی گردد.

۸. معاشرت با منحرفان (دوستان منحرف و ناباب):

یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی تأثیرپذیری و الگوگیری از همسالان است. نوجوان به رفاقت و دوستی با همسالان خودش اهمیت فراوانی می‌دهد و از آنها بیش از دیگران تأثیر می‌پذیرد. معمولاً اوقات زیادی را با دوستانش سپری می‌کند و به راحتی از آنها رنگ می‌پذیرد. طبیعتاً اگر در بین دوستانش افرادی ناباب و منحرف باشند، روی او تأثیر می‌گذارند. به طور کلی دوست هر شخصی تأثیری عمیق بر روحیات، افکار و رفتارهای

۱. ماهنامه سیاحت غرب؛ شماره ۴۰.

او می‌گذارد. بسیاری از افرادی که به بیراهه کشیده می‌شوند و مرتکب کارهای خلاف می‌گردند، از دوست بد می‌نالند و دلیل بدبختی و انحراف خود را رفاقت با رفیقان ناسالم می‌دانند. آلودگی و انحراف، به سرعت به وسیله دوستان ناهل به افراد پاک سرایت می‌کند.

البته اثرگذاری دوستان ناباب تدریجی و آرام است و گاهی اوقات نوجوان خودش هم متوجه انحرافش نمی‌شود و بعد از مدتی می‌فهمد در چاهی افتاده است که بیرون آمدن از آن مشکل است.

موارد زیادی اتفاق افتاده است که نوجوان به دلیل بی‌دقتی در انتخاب دوستانش و رفاقت با دوستان منحرف، دچار انحرافات جنسی شده است.

۹. کمبود امکانات جایگزین معضل ناشی از انحرافات جنسی در سطح اجتماع.

۱۰. کمبود خدمات مشاوره و مددکاری در سطح جامعه.

۱۱. گفتگو و صحبت کردن با نامحرم به خصوص در مورد چیزهایی که موجب تحریک جنسی می‌شود.

۱۲. گوش دادن به گفتگوهای افراد منحرف و آلوده و کسب اطلاعات نادرست و نامناسب از مسائل جنسی

د) علل اقتصادی

۱. فقر:

حضرت محمد مصطفی ﷺ می‌فرمایند: «گاه فقر به کفر می‌انجامد»^۱. فقر مادی یکی از عوامل به وجود آورنده پدیده انحرافات است. به نظر می‌رسد آمار انحرافات در خانواده‌های فقیر، بیشتر از خانواده‌های ثروتمند است. هرچند تفاوت بین آمار انحراف خانواده فقیر و متول، خیلی زیاد نیست؛ ولی به طور کلی تعداد انحراف در خانواده‌های تهیدست بیشتر به نظر می‌رسد.

در بسیاری از خانواده‌ها بر اثر ناتوانی اقتصادی، نیازهای اصلی فرزندان از جمله تغذیه، پوشاک، بهداشت و... بر آورده نشده و مشکلات فراوانی مانند انواع بیماری‌ها، سوء تغذیه، محرومیت از داشتن پوشاک مناسب و... را به وجود می‌آورد. بر اثر به وجود آمدن مشکلات یاد شده، تعادل خانواده در موارد گوناگون به هم خورده و استرس و تنش میان اعضاء خانواده شکل می‌گیرد.

بسیاری از ترک تحصیل‌ها، کار کودکان در سنین پایین، سرقت، سوء استفاده از کودکان

۱. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۳۰۷ و بحار الانوار؛ ج ۲۷، ص ۲۴۷.

و فرار از خانه به سبب فقر و تهیدستی در خانواده به وجود می‌آید. کودکی که از یک سو به سبب کمبودهای مادی به آرزوهایش نرسیده و از سوی دیگر به سبب نداشتن امکانات برای رشد فکری و فرهنگی، فردی کوتاه‌فکر و ساده بار آمده است، قدرت تجزیه و تحلیل ضعیف‌تری نسبت به دیگر همسالان خود دارد و با اندک وعده‌ای حاضر می‌شود دست به هر کاری بزند.^۱

۲. بیکاری:

امروزه بیکاری و نداشتن شغل نیروهای قادر به کار، با عنوان یکی از پدیده‌های اقتصادی - اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. عواملی چون علل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افزایش جمعیت و مهاجرت، علل سیاسی (جنگ، تحریم اقتصادی، ...) و علل فردی در بروز این پدیده نقش دارند. بیکاری اثراتی چون فقر و گرسنگی، تحول جمعیت، مسائل فرهنگی - اجتماعی، ظهور و ترویج مشاغل کاذب و مخرب، اثرات عاطفی و روانی بر افراد و... را به دنبال دارد. بیکاری و عدم اشتغال نیروی فعال به ویژه در نسل جوان، زمینه بروز انواع انحرافات اجتماعی و اختلالات فرهنگی را فراهم می‌کند؛ بنابراین بیکاری را می‌توان بلایی تصور کرد که اگر در جامعه رو به افزایش باشد، حاصل آن سلب امنیت و آسایش از جامعه و ترویج فحشا و فساد خواهد بود.^۲

ه) علل درون مرزی

۱. جرایم و مطبوعات:

از جمله ابزارهای دشمن در داخل کشور برای انحراف نسل جوان کتاب، روزنامه، مجله و مطبوعات است. امروزه روان‌شناسان معتقدند نشریات و کتب انحرافی، همان اندازه در تخریب شخصیت فکری و معنوی جوانان موثر است که نشریات و کتب مفید در سازندگی آنها؛ از این رو مهاجمان فرهنگی برای به انحراف‌کشاندن نسل جوان و تهی کردن امت اسلام از فرهنگ غنی و اصیل خویش در قالب شعر، قصه، رمان، طنز و داستان‌های پلیسی به فعالیت‌های گسترده‌ای دست زده‌اند.

در زمان طاغوت تألیف و چاپ و نشر این‌گونه کتب در کشور در تیراژ بالا رواج داشت و بعد از انقلاب اسلامی تألیف و چاپ و نشر آنها ممنوع گردید؛ اما متأسفانه الان هم به طور قاچاق این‌گونه کتاب‌ها چاپ و توزیع می‌گردد و گاه در دست فروشی‌ها به معرض فروش گذارده می‌شود و مورد مطالعه جوانان قرار می‌گیرد که لازم است ضمن توجه مسئولان فرهنگی به جلوگیری از این‌گونه کتاب‌ها، به جوانان

۱. خانه‌گزیزی دختران؛ ص ۳۰.

۲. همان.

توصیه شود که کتاب‌های منحرف کننده؛ همچون غذای فاسدی است که خوردن آن جز مرض و ناخوشی چیزی به ارمغان نمی‌آورد و همان‌گونه که جوانان هر غذایی را وارد معده خویش نمی‌کنند، باید هر کتاب و نشریه‌ای را مورد مطالعه قرار ندهند؛ بلکه با معیارهای صحیح به بررسی غذای روان خویش بپردازند و به این نکته توجه داشته باشند که زدودن اثرهای سوء مسائل فکری غلط، بعضی مواقع کاری بسیار دشوار و مشکل است.^۱

۲. لباس های آرم‌دار:

یکی دیگر از ابزارهای درون‌مرزی دشمن برای انحراف جوانان، استفاده از لباس‌های آرم‌دار است. منظور از لباس‌های آرم‌دار، لباس‌هایی است که به گونه‌ای نشانه فرهنگ غرب و بی‌توجهی به فرهنگ خودی می‌باشد؛ مانند نحوه دوخت از جهت گشادی یا تنگی، ترکیب رنگ آن، کوتاهی یا بلندی آن و نوشته و نقش‌های روی آن. پوشیدن لباس فواید فراوانی دارد؛ از جمله حفظ بدن از سرما و گرما، پوشاندن عیوب جسمی، افزایش زیبایی آدمی، جلوگیری از مفاسد و حفظ عفت.

اما امروزه اوضاع به گونه‌ای است که کیفیت لباس از جهات مختلف می‌تواند یکی از عوامل مهم تبلیغ فرهنگ‌ها شود. با توجه به اصل تأثیر ظاهر بر باطن و اینکه ظاهر انسان تأثیر فراوانی در شکل‌دهی باطن و شخصیت او دارد، باید به مسئله لباس توجه خاص داشته باشیم. امروزه اجتماع به گونه‌ای تحول یافته است که کیفیت پوشیدن لباس زن و مرد تابع بینش و ارزش‌های حاکم بر افراد آن جامعه است و نوع جهان‌بینی شخص را معین می‌کند.

در جوامعی که ارزش‌های معنوی و الهی مدفون گردیده است و درخت فرهنگ‌ها از آب فضیلت و معنویت محروم مانده و شخصیت انسان‌ها بر پایه اعتباریات و توجه دیگران شکل یافته است، مدسازان داخلی سعی می‌کنند از این طریق وارد دنیای جوانان شوند و ضمن عرضه لباس‌های مختلف در مدهای متفاوت، فرهنگ غرب را ترویج نمایند و با تحول در ظاهر آنها، باطن، فکر و فرهنگ آنها را به کل تغییر دهند.

امروزه لباس یکی از ابزارهای مهم تبلیغاتی در دست مهاجمان فرهنگی قرار گرفته است و با توجه به اینکه لباس، صرفاً یک امر سلیقه‌ای نیست؛ بلکه بیانگر نوع ارزش‌های حاکم بر افراد است، اسلام توجه خاص به آن نموده و دستورهایی در این باره فرموده؛ از جمله: لباس به گونه‌ای باشد که برجستگی بدن را مخفی کند، حافظ عفت و عصمت باشد، مایه جلب توجه نامحرم نباشد (مخصوصاً در بانوان)، لباس شهرت و

۱. همت سهراب پور؛ جوانان در طوفان غریز؛ ج ۱.

خلاف عرف و عادت نباشد، حالت اشرافیت نداشته باشد، تمیز و پاک باشد، باعث تبلیغ فرهنگ کفار نباشد و از زیبایی لازم برخوردار باشد.

از این رو به جوانان کشورمان که وارث فرهنگ اصیل اسلامی و ارزش های الهی هستند، توصیه می‌کنیم نکته‌های مورد توجه اسلام را در پوشیدن لباس رعایت کنند و نگذارند به این وسیله فرهنگ غرب در کشورمان نفوذ کند؛ زیرا هر جا ابر سیاه فرهنگ بیگانگان گسترده شد، مانع از تابش خورشید معنویات و ارزش های انسانی می‌گردد.^۱

۳. معرفی الگوهای کاذب:

با توجه به حس الگوپذیری در جوانان، قطعاً الگویی که جامعه به او معرفی می‌کند، نقش مهمی در تکمیل یا تخریب شخصیت روحی و اجتماعی و معنوی وی دارد. اگر الگو سالم باشد، موجب تکمیل و رشد شخصیت جوان و اگر ناسالم باشد، عامل تخریب و انحطاط او خواهد گشت.

از این رو مهاجمان فرهنگی درون مرزی که به اهمیت حس الگوپذیری در جوانان پی برده‌اند، سعی در اشاعه الگوهای کاذب می‌نمایند. آنها به وسیله معرفی هنرپیشه‌های فاسد سینما، فوتبالیست‌های ناسالم، ورزشکاران بی‌بندوبار، خوانندگان بی‌شخصیت، نویسندگان مزدور و هنرمندان ناپاک سعی در ارائه الگو به جوانان هستند.^۲

البته آنها همه این کارها را در پرتو امور مقدس؛ مانند هنر، ورزش، دفاع شخصی، نشاط روحی و غیره به جوانان القا می‌کنند.

جوانان مسلمان و آگاه باید مواظب باشند فریب الگوهای کاذب را نخورند که سرمشق قراردادن آنها چیزی جز پستی، ذلت، سقوط، بی‌شخصیتی و در یک کلام تبدیل شدن به یک حیوان تمام عیار به دنبال ندارد؛ زیرا آنان کسانی را الگوی جوانان می‌دانند که در فساد، پوچی شهوت‌رانی گوی سبقت از دیگران ربوده باشند و به قطع الگو قراردادن چنین افرادی جز هم‌شکل شدن با آنان ثمره‌ای دیگر ندارد.^۳

و) علل برون مرزی

۱. اشاعه فساد و فحشا:

دشمنان برون مرزی فرهنگ اصیل اسلام، اشاعه فساد و منکرات را بهترین راه برای تضعیف و نابودی فرهنگ اسلام و جایگزین کردن فرهنگ غرب می‌دانند. آنان سعیشان بر این بوده و هست که با ترویج منکرها و زشتی‌ها در بین یک ملت، به

۱. همان.

۲. رک: درس الگوپذیری جوانان.

۳. همت سهراب پور؛ جوانان در طوفان غرایز؛ ج ۲.

ویژه جوانان با تیری نشانه‌های بسیاری را هدف گیرند. ترویج فساد در میان هر ملتی نتایج زیر را موجب می‌شود:

۱. آن ملت در شهوت غرق می‌گردد و از مسائل اجتماعی و سیاسی غافل می‌ماند و این بهترین راه برای چپاول آن ملت است.
۲. با اشاعه مفاسد ملت از فرهنگ خویش فاصله می‌گیرد.
۳. روحیه انقلابی از آنان سلب می‌شود؛ زیرا ملتی می‌تواند انقلابی باشد که وارسته از شهوات گردد.

۴. این ملت به فرهنگ غرب گرایش پیدا می‌کند؛ زیرا ملتی که در عمل به مادی‌گری گرایش یافت، طبق اصل انطباق با محیط، از نظر فکری هم مادی خواهد شد. امروزه مهاجمان فرهنگی از راه‌های گوناگون؛ از جمله فیلم، عکس، کتاب‌های جنایی، مجالس شادی، رمان و... سعی در اشاعه فساد و نابهنجاری‌ها در بین مردم، به ویژه در بین جوانان دارند و این یکی از خطرناک‌ترین نقشه‌های شوم استکبار جهانی و مشوقان فرهنگ غرب است که جوانان متعهد ما باید با هوشیاری تام به مقابله با آن بپردازند.^۱

۲. مخدوش کردن فرهنگ انقلابی:

یکی دیگر از مصادیق به انحراف‌کشاندن توده مردم توسط مهاجمان برون‌مرزی، مخدوش کردن فرهنگ انقلابی و ایجاد روحیه بی‌توجهی در میان مردم، به ویژه جوانان است. مهاجمان فرهنگی در تبلیغات خود برای رسیدن به این هدف شوم اهتمام می‌ورزند اسلام را به گونه‌ای جلوه دهند که فاقد جنبه انقلابی و ظلم‌ستیزی باشد و چنین وانمود می‌کنند که نظام طاغوتی از نظام اسلامی برتر است، به این امید که روحیه جهادگری و کوشش کردن در صحنه‌های انقلاب را از ملت مسلمان بگیرند و آنان را از جهاد در راه خدا و سایر جبهه‌های نظامی و فرهنگی پشیمان سازند و در نتیجه نگذارند نظام اسلامی به صورت یک الگو برای جهانیان جلوه‌گر شود؛ زیرا از اینکه جهان متوجه قدرت اسلام در صحنه سیاست باشد، به شدت می‌هراسند.^۲

۳. نفی ولایت فقیه:

از جمله نمونه‌های بارز تهاجم فرهنگی، نفی ولایت فقیه است. عده‌ای که معتقد به اسلام نیستند، ولایت فقیه را مخالف حاکمیت ملت می‌دانند و می‌گویند: ولایت فقیه باعث استبداد و دیکتاتوری و در نتیجه سلب حاکمیت ملی می‌شود و از این طریق با نفی

۱. همان.

۲. همان.

ولایت فقیه، قصد تسلط خود را در سر می‌پرورانند تا بدین وسیله زمینه انحرافات گوناگون و به ویژه انحرافات جنسی را در جامعه فراهم آورند.^۱

پیام‌های درس:

۱. قبل از ورود به تربیت جنسی، باید جوانان را با انحرافات جنسی آشنا نمود تا در آن قرار نگیرند.
۲. ضعف ایمان از مهم‌ترین عوامل کشیده شدن به انحرافات است که باید عوامل ضعف ایمان را شناخت و برای قوی نمودن ایمان برنامه‌ریزی نمود.
۳. دوستان خوب، انسان را با ایمان و دوستان منحرف با وارد نمودن جوان به محافل و مجالس گناهشان، شخص را فاسد می‌نمایند.
۴. از علل و اسباب انحرافات جنسی، علل خانوادگی است که در این موارد والدین هم باید مواظب روابط خود و هم جوانان باشند.
۵. عوامل برون‌مرزی مانند ماهواره، سایت‌های منحرف اینترنتی، لباس‌ها و پوشش‌های غربی از عوامل جدی انحرافات جوانان هستند.

سؤالات درس

۱. انحرافات جنسی را تعریف نمایید؟
۲. عوامل ضعف ایمان انسان و کشیده شدن به انحرافات را نام ببرید؟
۳. پنج دلیل از موارد انحرافات جنسی را بیان کنید؟
۴. شش مورد از علل و اسباب خانوادگی انحرافات جنسی را بیان نمایید؟
۵. عوامل درون‌مرزی و برون‌مرزی انحرافات را فقط نام ببرید؟
۶. فقر و بیکاری چگونه عامل فساد می‌شود؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. جوانان در طوفان غرایز؛ همت سهراب پور؛ ناشر: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت ۷.
۲. خانه‌گریزی دختران؛ رضا مهکام؛ ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.
۳. زمینه‌های بروز انحرافات اجتماعی زنان در جامعه؛ عظیم جان‌آبادی؛ ناشر: مؤسسه آسیب‌های اجتماعی ستایشگران زاهدان.
۴. انحرافات جنسی؛ امیر شریفی خضارتی؛ ناشر: اندیشه عصر، ۱۳۸۸.
۵. کندوکاو پاسخ به سؤال‌های نوجوانان؛ علی اصغر احمدی؛ ناشر: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۴.
۶. راز یک فریب؛ یوسف غلامی؛ ناشر: لاهیجی، ۱۳۸۱.

غریزه جنسی بایدها و نبایدها

(گام پنجم) دوره جوانی (تربیت یا کنترل و هدایت غریزه جنسی)

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. جلوگیری از مشکلات جوانان با راه‌حل‌های اسلامی؛
۲. توصیه‌های اسلامی برای استفاده صحیح از اوقات فراغت؛
۳. اهمیت ورزش‌های اسلامی در سلامتی جسم و روح؛
۴. راه‌حل‌های دینی برای بحران جنسی جوانان.

دوره جوانی و بعد از بلوغ:۱

از این رو که جوانی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی انسان است، برای کنترل و هدایت صحیح آن باید برنامه‌ریزی‌های دقیق و راه‌حل‌های اسلامی را توجه نموده و در هدایت جوان تلاش و کوشش نمود.

راه‌حل‌های اسلامی برای کنترل و هدایت غریزه جنسی:

۱. کنترل صحیح
۲. ازدواج

۱ . دوره جوانی و بعد از بلوغ به تفصیل و دوره میانسالی با توضیحات مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. کنترل صحیح:

- الف) فردی
- ب) خانوادگی
- ج) اجتماعی
- د) روش تربیتی خاص قرآن و اهل بیت :

الف) فردی:

۱. احساس ناظر بیرونی (خدا، انبیاء، ائمه ، شهداء و ...)
۲. یاد خدا؛
۳. پرورش وجدان یا نفس لوامه (سرزنش گر)؛
۴. تفکر و تعقل؛
۵. یاد مرگ؛
۶. شناخت حقوق اعضای بدن؛
۷. تغذیه سالم؛
۸. روزه گرفتن؛
۹. خواب به موقع و کافی؛
۱۰. پرهیز از فکر و ترسیم صحنه‌های محرک در ذهن و خیال؛
۱۱. دوری از نگاه‌های مسموم و مناظر محرک؛
۱۲. اجتناب از هم‌صحبتی و هم‌جواری با نامحرم؛
۱۳. پرهیز از خلوت با نامحرم؛
۱۴. گوش ندادن به آوازاها و موسیقی‌های تحریک‌کننده و مبتذل؛
۱۵. دوری و اجتناب از دوستان وسوسه‌گر و گناه‌کار و نشست‌های غفلت‌زا؛
۱۶. ورزش و سرگرمی‌های مفید و اشتغال به کار و دوری از بیکاری؛
۱۷. تلاوت قرآن؛
۱۸. حضور همراه با عفاف زنان در جامعه و تحریک نکردن دیگران؛
۱۹. فرار از موقعیت گناه؛

۱. احساس ناظر بیرونی (خدا، انبیاء، ائمه : و ...)**الف) خدا:**

خداوند سبحان در قرآن کریم بارها در آیات متعدد، مسئله نظارت و بازرسی اعمال

بندگان را مطرح کرده و خود را شاهد و ناظر کارهای بندگان خود معرفی می‌نماید: «[ای پیامبر] بگو: عمل کنید، خداوند و رسول خدا و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید خبر می‌دهد».^۱ همچنین می‌فرماید: «خداوند بر اعمال و رفتار و نیت‌های [نیک و بد] بندگان نظارت می‌نماید. در هر حال که باشی و هر آیه‌ای از قرآن که بخوانی و هر کاری را انجام دهی، ما شاهد و ناظر بر شما هستیم، هنگامی که در آن کار وارد می‌شوی».^۲

پس نخستین ناظر بر اعمال انسان، خود خداوند متعال است. حضرت امام خمینی با الهام از روایتی فرمودند: «عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید». واقعیت این است که اگر انسان این حقیقت را همیشه نصب‌العین خود قرار دهد و خداوند متعال را همواره شاهد و ناظر بر کارهای خود بداند و به عبارت دیگر خود را همواره در محضر خدا ببیند، از هرگونه لغزش و خطا و خیانت مصون خواهد ماند.

در روزی که کم‌ترین و کوچک‌ترین چیزی از دید خدا غافل نمانده و در محاسبه و میزان قرار خواهد گرفت؛ ما ترازوهای عدل را در روز قیامت نصب می‌کنیم. به هیچ‌کس کم‌ترین ستمی نمی‌شود و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل [کار نیک یا بدی باشد] ما آن را حاضر می‌کنیم و کافی است، ما حساب‌کننده باشیم».^۳

امام زین‌العابدین ۷ می‌فرماید: «خَفِ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِقَدْرَتِهِ عَلَيْكَ»: از خدا بیم داشته باش؛ چون او بر تو توانا است. این‌طور نیست که بتوانی از چنگ خدا فرار کنی، خجالت بکش و معصیت نکن! خیال نکن می‌توانی از عذابی که وعده کرده است، فرار کنی. در ادامه می‌فرماید: «و استح منه لقربه منك»: از خدا خجالت بکش؛ چون به تو نزدیک است.^۴ این روایت اشاره به همین معنا است که خدا ناظر است و می‌بیند، پس حیا داشته باش و در منظر او معصیت نکن.

روزی پیامبر خدا ۶ به ابوذر فرمودند: یا اباذر! آیا دوست داری وارد بهشت شوی؟ ابوذر می‌گوید، عرضه داشتم: بلی، پدر و مادرم فدایت باد. حضرت فرمودند: «آرزوی دنیا را کوتاه کن و همواره مرگ را در مقابل چشمانت مجسم بدار و از خدا آن‌چنان که شایسته حیا است، شرم کن».

۱. توبه: ۱۰۵.

۲. یونس: ۶۱.

۳. انبیاء: ۴۷.

۴. کشف‌الغمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸.

عرضه داشتم: یا رسول الله، همه ما از خدا حیا می‌کنیم؛ فرمودند: «این حیا مراد نیست، بلکه حیا و شرم از خدا این است که گورستان و پوسیدن در خاک را فراموش نکنی و در مورد شکم و آنچه در آن جای می‌گیرد و همچنین سر و آنچه در آن است، خلاف فرمان خدا انجام ندهی و آن‌کس که بخواهد در آخرت گرامی باشد، باید زینت دنیا را واگذارد؛ هرگاه چنین گشتی، ولایت خدا را درک کرده‌ای»^۱.

داستان زن خدا ترس:

گرانی بر همه سرزمین سایه افکنده بود، زن سیده‌ای در آن سرزمین زندگی اسفباری را می‌گذراند. در همسایگی او مردی آهنگر که وضع مادیش خوب بود، زندگی می‌کرد. فشار گرسنگی، زن را به درب منزل آهنگر آورده، به او گفت: مقداری گندم به من بده. مرد آهنگر که از عفت بهره‌ای نبرده بود، از زن تمنای حرام کرد!

زن سیده جوابش را نداد و رفت. دو سه روز گذشت و چون دید که بر کودکش بسیار سخت می‌گذرد، دوباره برای گرفتن گندم به همان منزل مراجعه کرد و مجدداً همان جواب را شنید. از پاسخ آهنگر سخت بر خود لرزید و راه خانه را در پیش گرفت و بازگشت. برای بار سوم مجبور شد که باز همان درب را بکوبد و در برابر خواسته آهنگر بگوید: حاضر! اما یک شرط دارد و آن اینکه مرا به جایی ببری که جز من و تو کسی نباشد!

مرد گفت: معلوم است، تو را جایی می‌برم که کسی نباشد و بعد زن را تنها به اتاقی در خانه برد ناگهان دید زن در حال لرزیدن است؛ از او پرسید: چرا می‌لرزی؟ پاسخ داد: برای اینکه تو به سختی وفا نکردی! مرد با تعجب گفت: اینجا کسی نیست! زن مؤمنه جواب داد: ای غافل! اینجا خدا هست، اینجا ملک رقیب و عتید هست! مرد آهنگر از این کلام ترسید و لرزه بر اندامش افتاد و از گناه خود صرف نظر کرد. زن گفت:

امیدوارم همان‌گونه که آتش شهوت را از من خاموش کردی، خدا آتش دنیا و آخرت را بر تو خاموش گرداند، پس از آن آتش دنیا بر مرد آهنگر خاموش شد تا جایی که دست خود را در کوره آهنگری می‌کرد و آهن سرخ شده را با دستش بیرون می‌آورد.^۲

ب) پیامبران و امامان:

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «چگونه خواهد بود آن روز که از هر امتی گواهی

۱. نهج الخطابة؛ ج ۱، ص ۴۳۱.

۲. زنان نمونه؛ داستان ۵۱.

می آوریم و تو [پیامبر خاتم] را گواه بر این امت [اسلام] قرار می دهیم.^۱
 در ذیل این آیه شریفه، امام صادق ۷ می فرماید: «این آیه درباره امت محمد ۶ نازل شده که در هر قرنی برای آنها امامی از ما خواهد بود گواه بر آنان و محمد ۶ گواه بر همه ماست».^۲

امام صادق ۷ فرمودند: «اعمال بندگان هر صبح و شامی به حضرت رسول اکرم ۶ عرضه داشته می شود، چه اعمال نیکوکاران از مردم و چه اعمال بدکرداران از آنها؛ پس هان ای مردم! در حذر باشید! و باید تک تک شما از اینکه عمل زشت او را بر پیغمبرش عرضه دارند، در شرم و حیا و خجالت فرو رود».^۳

ج) فرشتگان:

عده ای از فرشتگان مأمور نظارت بر اعمال و رفتار و نیات انسان ها می باشند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «در آن روز [قیامت]، هر انسانی وارد صحنه محشر می شود، در حالی که فرشته ای با اوست که او را به سوی حساب سوق می دهد و شاهدی از فرشتگان است که بر اعمال او شهادت می دهد».^۴
 و در جای دیگر می فرماید: «هر سخنی گفته می شود، دو فرشته رقیب و عتید آن را می نویسند».^۵

در سوره مبارکه انفطار عده ای از ملائکه را نگاهبانان اعمال معرفی می فرماید: «نگاهبانانی بر شما گمارده شده است، نگاهبانانی که در نزد پروردگار مقرب و محترمند و پیوسته اعمال شما را می نویسند و از آنچه شما انجام می دهید، آگاهند و همه را به خوبی می دانند».

د) شهدا:

خداوند می فرماید: «زمین به نور پروردگارش روشن می شود و نامه عمل قرار داده می شود و پیامبران و شهداء را می آورند و برای شهادت حاضر می کنند؛ و بین آنها به حق قضاوت می شود و ابداً انسان مورد ظلم و ستم قرار نمی گیرد».^۶

ه) اعضای بدن انسان:

۱. نساء: ۴۱.
 ۲. تفسیر المیزان؛ ذیل آیه.
 ۳. بحار الانوار؛ ج ۲۳، ص ۳۴۰.
 ۴. ق: ۲۱.
 ۵. همان: ۱۸.
 ۶. زمر: ۶۹.

همه اعضای بدن انسان شاهد و ناظر اعمال او می‌باشند. در قرآن کریم به نظارت و گواهی چند عضو بدن تصریح شده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به زبان، دست، پا، چشم و گوش اشاره کرد که می‌فرماید: «روزی که زبان و دست و پای آنان به آنچه انجام داده‌اند، شهادت خواهد داد»^۱.

و در آن روز زبان هم قدرت بر کتمان و یا رد شهادت اعضای بدن ندارد: در امروز [که روز قیامت است] ما بر دهان‌های آنان مهر می‌زنیم و دست‌های آنها با ما سخن می‌گویند و پاهای آنان شهادت می‌دهند به آنچه آنها بجا آورده و کسب نموده‌اند»^۲. قرآن درباره شهادت اعضای بدن بر علیه گناه‌کاران و دشمنان خدا می‌فرماید: «روزی می‌رسد که دشمنان خدا همه در پیشگاه پروردگار حاضر می‌شوند و حشر نسبت به آنها برقرار می‌گردد و آنها همه در یک صف بسته می‌شوند و آماده برای سؤال و جواب قرار می‌گیرند و چون جملگی محشور شدند و فرقه فرقه و دسته دسته گردیدند و هر صف، گروه و فرقه‌ای در محل خاص و مختص خود قرار گرفت، همه را برای بازپرسی و برای شهادت اعمال می‌آورند و چون در مقابل آتش قرار گرفتند، علیه آنان شهادت می‌دهند، گوش‌های آنان و چشم‌های آنان و پوست‌های بدن آنان به آنچه آنان در دنیا انجام داده‌اند، شهادت می‌دهند پس آنها به پوست‌های خود گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ گویند: آن خدایی که هر چیزی را به سخن می‌آورد و شما را نخستین بار بیافرید و به او بازگشت می‌یابید، ما را به سخن آورده است. از اینکه گوش و چشم‌ها و پوست‌هایتان به زیان شما شهادت دهند، چیزی نماند، بلکه می‌پنداشتید که خدا بر بسیاری از کارهایی که می‌کنید، آگاه نیست و این بود گمانی که به پروردگارتان داشتید، هلاکتان کرد و در شمار زیان‌کاران درآمدید»^۳.

(و) زمان:

زمان به اذن خداوند متعال در این دنیا بر اعمال و رفتار انسان‌ها نظارت دارد و در قیامت گواهی و شهادت خواهد داد.

امام صادق ۷ فرمودند: «هیچ روزی برای انسان نمی‌آید مگر اینکه آن روز می‌گوید: ای فرزند آدم! من روز جدیدی هستم و بر تو شاهدیم، پس در این روز خیر بگو تا روز قیامت بر تو شهادت دهم، پس تو هرگز بعد از این مرا نخواهی دید»^۴.

۱. نور: ۲۴.

۲. یس: ۶۵.

۳. فصلت: ۱۹-۲۳.

۴. وسائل الشیعة؛ ج ۱۶، ص ۹۵.

ز) زمین:

زمینی که زیر پای ما قرار دارد و ما همواره میهمان آن هستیم و از ما با انواع نعمت‌ها و برکاتش پذیرایی می‌کند، مراقب و ناظر اعمال و رفتار ماست و در روز قیامت آنها را بازگو خواهد کرد. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد و انسان می‌گوید: زمین را چه می‌شود [که اینگونه می‌لرزد] در آن روز، زمین تمام خبرهای خود را بازگو می‌کند»^۱.

۲. یاد خدا

از جمله آثار یاد خدا برای مومنان، خداترسی و خشیت می‌باشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «تنها مؤمنان هستند که هرگاه یاد خدا به میان آید، دل‌هایشان ترسان شود»^۲. «و یاد خدا و حاضر و ناظر دانستن او سبب باحیاشدن انسان می‌شود و او را از جرم‌ها و خطاها باز می‌دارد و به روح و قلب او ایمنی و اطمینان می‌بخشد»^۳. یکی از مؤثرترین عوامل علاج مرگ دل و احیای دوباره آن، پناه‌بردن به ذکر خداست؛ ذکر حق نور است و مداومت در آن، قلب را از تاریکی و ناامیدی و قساوت نجات می‌دهد.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌گوید:

«هر اندازه که ایمان مذهبی انسان بیشتر باشد، بیشتر به یاد خداوند است و هر اندازه که انسان به یاد خداوند باشد، کمتر معصیت می‌کند. معصیت کردن و نکردن، دایرمدار علم و آگاهی نیست؛ بلکه دایرمدار غفلت و تذکر است. به هر اندازه که انسان غافل باشد؛ یعنی خداوند را فراموش کرده باشد، بیشتر معصیت می‌کند و هر اندازه که خداوند بیشتر به یادش بیاید، کمتر معصیت می‌کند.

عصمت، نهایت درجه ایمان است و ایمان به هر اندازه که بیشتر باشد، انسان بیشتر به یاد خداوند است. اگر کسی دائم‌الحضور باشد و همیشه خداوند در نظرش باشد، طبعاً هیچ وقت گناه نمی‌کند»^۴.

۳. تقویت وجدان یا نفس لوامه (سرزنش‌گر)

برای پیش‌گیری از گناهان، بیدار نگه‌داشتن و پرورش وجدان یا همان نفس لوامه و سرزنش‌گر بسیار کمک‌کار انسان است که بعضی از دانشمندان اخلاق آن را وجدان

۱. زلزال: ۱-۵.

۲. انفال: ۲.

۳. رعد: ۲۸.

۴. مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۳، ص ۵۱۹.

اخلاقی یا پلیس مخفی نیز می‌نامند. ویژگی این نفس این است که صاحبش را در صورت انجام گناه و جرم، زیر تیغ سرزنش قرار می‌دهد و در نتیجه سبب پشیمانی او می‌شود و زمینه را برای رهاکردن خلاف‌کاری‌ها آماده می‌سازد. اهمیت این نفس تا آنجاست که خداوند در قرآن به آن سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»^۱ و سوگند به نفس لوامه و سرزنش‌گر.

داستان مبارزه با نفس اماره:

شب هنگام محمد باقر - طلبه جوان - در اتاق خود مشغول مطالعه بود که به ناگاه دختری وارد اتاق او شد در را بست و با انگشت به طلبه بیچاره اشاره کرد که سکوت کند و هیچ نگوید.

دختر پرسید: شام چه داری؟

طلبه آنچه را که حاضر کرده بود، آورد و سپس دختر که شاهزاده بود و به دلیل اختلاف با زنان حرمسرا خارج شده بود، در گوشه‌ای از اتاق خوابید. صبح که دختر از خواب بیدار شد و از اتاق خارج شد، مأموران شاهزاده خانم را همراه طلبه جوان نزد شاه بردند. شاه عصبانی پرسید: چرا شب به ما اطلاع ندادی و...؟ محمد باقر گفت: شاهزاده تهدید کرد اگر به کسی خبر دهم، مرا به دست جلاد خواهد داد.

شاه دستور داد تحقیق شود که آیا این جوان خطایی کرده یا نه؟ بعد از تحقیق از محمد باقر پرسید: چطور توانستی در برابر نفست مقاومت نمایی؟ محمد باقر ده انگشت خود را نشان داد و شاه دید که تمام انگشتانش سوخته!

دلیل را پرسید؟ طلبه گفت: چون او به خواب رفت، نفس اماره مرا وسوسه می‌نمود، هر بار که نفسم وسوسه می‌کرد، یکی از انگشتان را بر روی شعله سوزان شمع می‌گذاشتم تا طعم آتش جهنم را بچشم و بالاخره از سر شب تا صبح بدین وسیله با نفس مبارزه کردم و به فضل خدا شیطان نتوانست مرا از راه راست منحرف کند و ایمانم را بسوزاند. شاه عباس از تقوا و پرهیزکاری او خوشش آمد و دستور داد همین شاهزاده را به عقد میر محمدباقر در آوردند و به او لقب میرداماد داد و امروزه تمام علم دوستان از وی به عظمت و نیکی یاد کرده و نام و یادش را گرامی می‌دارند. از مهم‌ترین شاگردان وی می‌توان به ملا صدرا اشاره نمود.^۲

۱. قیامت: ۲.

۲. داستان بزرگان؛ به نقل از شخصیت‌های ایران زمین (سایت راسخون).

۴. تفکر و تعقل

عقل در لغت به معنای بازداشتن است و خرد انسانی را عقل می‌نامند؛ زیرا انسان را از گفتار و رفتار ناپسند باز می‌دارد.^۱ به عبارت دیگر عقل در انسان قوه‌ای است که صلاح و فساد او را در جریان زندگی مادی و معنوی تشخیص می‌دهد و آن‌گاه نفس را در مرز صلاح و فساد نگه می‌دارد. از لوازم آن: بازدارندگی، تدبیر و خوش‌فهمی، ادراک، دوری‌جستن از بدی و شر و شناخت نسبت به اموری است که در زندگانی مورد نیاز است و همچنین ماندن در دایره عدل و حق و خودداری از هوس‌ها و تمایلات نفسانی است.^۲

تفکر و تدبیر در اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. قرآن دربارهٔ ارسال رسل و انزال کتب الهی می‌فرماید:

[ما پیامبران پیش از تو را] همراه با معجزات و کتب «آسمانی فرستادیم» و به سوی تو ذکر [قرآن] را فرو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که برایشان نازل شده، روشن بیان کنی و شاید تفکر نموده و بیاندیشند.^۳

بنابراین خداوند بهترین نعمتی که به انسان داده و او را از حیوانات متمایز نموده، تعقل و تفکر است تا او را از زشتی‌ها دور نموده، انسان واقعی گردد و او را در مقابل دشمن اصلی‌اش نفس اماره و شیطان یاری نمایند؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «دوست واقعی هر کس عقل اوست و دشمن واقعی جهل او».^۴

واقعاً هم بهترین و واقعی‌ترین دوست هر شخصی عقل او است که با بزرگ‌ترین دشمن او، یعنی نفس اماره مبارزه می‌کند؛ چون اگر دشمنی پیدا شود که بهترین دوست انسان را از او بگیرد و از پای درآورد، پس او بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن او است، امیرمؤمنان علی ؑ در حدیثی فرمودند: «تفکر در عاقبت امر انسان را از مهلکه‌ها نجات می‌بخشد».^۵ همچنین فرمودند: «ریشه سلامتی از لغزش‌ها، تفکر قبل از انجام کار است».^۶ تعقل و تفکر از بالاترین جایگاه معنوی در دین برخوردار است تا جایی که امام صادق ؑ فرمودند: «اندیشه یک ساعت بهتر است از یک سال عبادت».^۷

۱. ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۴، ص ۶۹.

۲. حسن مصطفوی؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۸، ص ۱۹۶.

۳. نحل: ۴۴.

۴. بحار الأنوار؛ ج ۷۴، ص ۱۳۹.

۵. میزان الحکمه؛ ج ۳، ش ۱۶۱۸۰.

۶. همان؛ شماره ۱۶۱۸۵.

۷. همان؛ ص ۲۴۶۵.

نمونه بارز آن حُرَبَن یزید ریاحی است که در چند دقیقه آخر زندگی اش با تفکر در عاقبت امر، خود را از عذاب ابدی نجات و خود را در شمار اصحاب امام حسین 7 و از راه یافته گان خاص بارگاه الهی قرار داد و به بهشت و رضوان الهی نائل آمد. پس تدبر و تفکر در همه مواردی که تأمین کننده سعادت انسان است، حقیقت را برای بشر آشکار می سازد، موجب ترقی و تکامل انسان می شود و او را از تباهی نجات می دهد. دو کلام حکمت آمیز در این زمینه از حضرت علی 7 وارد شده که خود گویای ارزش عقل و جایگاه آن در مقابل شهوات است:

«هر که عقلش کامل شود، شهوت ها را سبک می شمارد»^۱. «آن که بر شهوتش غالب شود، عقلش آشکار می گردد»^۲.

انسان عاقل چه ویژگی هایی دارد؟

امام کاظم 7 فرمودند: «خدا بر مردم دو حجت دارد: حجتی بیرونی و حجتی درونی. حجت بیرونی همان فرستادگان و پیامبران و امامان : هستند و حجت درونی همان عقل است»^۳.

هرکس این نعمت بزرگ الهی یعنی عقل را در زندگی خویش بکار گیرد، به سعادت دنیا و آخرت دست یافته است و آنها که عقل را چراغ راه زندگی قرار نداده اند، به جز بدبختی و هلاکت نصیبی حاصلشان نخواهد شد.

نشانه عاقلان

الف) به پند و نصیحت ناصحان گوش فرا می دهند:

قرآن کریم می فرماید: «وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»^۴: کسانی که خودرأی و خودسر هستند و به حرف احدی به غیر از خود توجه نمی کنند. این افراد خردمند نیستند و عاقبت شان به جز دوزخ نخواهد بود: و «اهل جهنم» گفتند: اگر می شنیدیم و تعقل می کردیم، از اصحاب دوزخ نبودیم.^۵

ب) کسی که عاقل است، دین دار نیز هست:

امام علی 7 فرمودند: «دیندار نیست کسی که خردمند نباشد»^۶.

۱. غرر الحکم؛ ج ۴، ص ۴۰۵.

۲. همان؛ ج ۲۶، ص ۸۲.

۳. میزان الحکمه؛ ج ۸، ص ۳۸۷.

۴. بقره: ۲۶۹.

۵. ملک: ۱۰.

۶. میزان الحکمه؛ ج ۸، ص ۳۸۸.

تنها عاقلان هستند که به دستورات حضرت حق و انبیاء و اوصیای آنها گوش فرا داده، به دنیا به چشم مزرعه‌ای برای آخرت می‌نگرند و تنها به خوشی زودگذر دنیا دل خوش نمی‌دارند، بلکه با کمک گرفتن از عقل خود، به فرامین شارع مقدس گوش جان می‌دهند و اینان مؤمن حقیقی‌اند.

ج) عاقلان، کمال‌طلبند:

امام علی 7 فرمودند: «خردمند، جوایای کمال است و نادان، جوایای مال»^۱. عده‌ای از مردم تصور می‌کنند هرکس با هر شرایطی به جمع کردن مال پردازد و در فاصله زمانی اندک صاحب اموال فراوان شود، او انسان عاقلی است؛ در حالی که در فرهنگ اسلامی به چنین کسی عاقل نمی‌گویند؛ بلکه به فرموده امام علی 7 عاقل آن کسی است که به دنبال کمالات گشته و خود را به آنها ملبس می‌کند.

د) زبان عاقل در بند است:

امام علی 7: «خردمند کسی است که زبان خود را در بند کشد»^۲. بسیاری از بدبختی‌ها و مشکلات، از کنترل نکردن زبان است؛ زیرا بیشتر مردم قبل از اینکه خوب فکر کنند، حرف می‌زنند؛ به همین دلیل بیشتر مردم از غالب گفته‌هایشان پشیمانند و ای کاش قضیه به همین جا ختم می‌شد؛ چه گرفتاری‌ها، جدایی‌ها، کشمکش‌ها و... که به دلیل کنترل نکردن زبان، نصیب انسان می‌شود.

ه) عاقل به نفس خود اعتماد نمی‌کند:

امام علی 7: «خردمند کسی است که اندیشه خود را متهم کند و به هر چیزی که نفسش در نظر او می‌آید، اعتماد نکند»^۳. عاقل می‌داند نفس، کار قبیح را زیبا و فعل زیبا را زشت جلوه می‌دهد. عاقل می‌داند دشمن‌ترین دشمنان او نفس اوست؛ بنابراین اهل دقت و موشکافی در نفس خویش است و گول نفسش را نمی‌خورد.

از دیگر نشانه‌های عاقل:

تسلیم قضای الهی، بی‌رغبتی به دنیا، اندیشیدن در هنگام خاموشی، ذکر و یاد خدا در وقت سخن گفتن و عبرت‌آموختن به هنگام نگرستن، اخلاص در عمل، تکیه کردن بر کار خود نه به آرزوی خویش، افراط نکردن در وقت قدرت و از پای ننشستن در وقت

۱. همان؛ ج ۸، ص ۳۸۹۱.

۲. غررالحکم؛ ص ۵۳.

۳. میزان الحکمه؛ ج ۸، ص ۳۸۹۱.

ناتوانی، خوارنش مردن دیگران، رام بودن در پذیرش حق، پرهیز از گناهان و ...^۱

۵. یاد مرگ:

الف) مرگ از نشانه‌های الهی

[خداوند] آن کسی است که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می‌کند و او عزیز و غفور است.^۲ در این آیه نخست آفرینش مرگ و حیات را نشانه قدرت بی‌پایانش معرفی می‌کند؛ سپس می‌فرماید: هدف از این آفرینش، حسن عمل است. آزمایشی که با عنوان انسان‌ها و هدایت به سوی قرب پروردگار خواهد بود.

ب) اصلاح‌گر انسان

پیامبر خدا ﷺ یاد مرگ را اصلاح‌گر انسان و تربیت‌کننده روح بشر می‌خواند و می‌فرماید: «به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذتها و مکدرکننده شهوت و قطع‌کننده آرزوهاست، به یاد آورید».^۳ آیا با خود اندیشیده‌ایم به راستی مگر این حادثه در زندگی تک‌تک ما انسان‌ها همیشه در حال تکرار نیست و مگر هر روز که از عمرمان می‌گذرد و هر نفسی که می‌کشیم، گامی به سوی مرگ نزدیک‌تر نمی‌شویم؟ امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «نفس‌های انسان، گام‌های او به سوی مرگ است».^۴

ج) از بین برنده لذت‌های حرام

یاد مرگ بسیار سازنده است و انسان را از لذت‌های حرام و زودگذر دور می‌نماید. در این باره رسول اکرم ﷺ به اصحاب‌شان فرمودند: زیاد در یاد نابودکننده لذتها باشید. عرض شد: یا رسول الله آن چیست؟ در پاسخ فرمودند: «مرگ است. آن کس که به حقیقت از مرگ یاد می‌کند، اگر در سعه و گشایش زندگی باشد، غرورش برطرف می‌شود و دنیا بر وی تنگ می‌گردد و اگر در مضیقه و سختی باشد، با یاد مرگ، از فشار فکری رهایی می‌یابد و دنیا به نظرش وسیع و

۱. میزان الحکمه؛ ج ۸.

۲. ملک؛ ۲.

۳. ارشاد القلوب؛ ج ۱، ص ۱۸۷.

۴. بحارالانوار؛ ج ۷۰، ص ۱.

گسترده می‌نماید. مرگ اولین منزل از منازل آخرت و آخرین منزل از منازل دنیا است. خیر و خوشبختی بر آن کسی است که هنگام فرود آمدن در اولین منزل، مورد تکریم و احترام باشد و موقع بیرون رفتن از آخرین منزل، به شایستگی و خوبی بدرقه شود.^۱ حال اگر انسان مرگ را که همواره در کمین آدمی است و کسی را از آمدن خود خبر نمی‌نماید و کسی را فراموش نمی‌کند و فراری از آن نیست،^۲ به یاد آورد، آیا دیگر قدرت بر گناه دارد!؟

د) نشانه زیرکی مؤمن

از حضرت رسول سؤال کردند: زیرک‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟ فرمودند: «کسی که بیشتر به یاد مرگ بوده و خود را برای آن آماده کند».^۳

ه) نشانه زهد

و نیز از آن حضرت سؤال کردند: زاهدترین مردم کیست؟ فرمودند: «کسی که قبر و عذاب‌های آن را از یاد نبرد، فریب زینت‌های دنیا را نخورد، سرای جاودان را بر این دنیای زودگذر برگزیند، فردا را از عمر خود حساب نکند و خود را آماده مرگ نماید».^۴

و) موجب قناعت

امام علی ۷ می‌فرمایند: «کسی که زیاد به یاد مرگ باشد، از دنیا به اندکش راضی می‌شود».^۵

ز) پاک‌کننده گناهان

پیامبر خدا ۶ فرمودند: «مرگ را بسیار یاد کنید؛ زیرا مرگ گناهان را پاک می‌کند و میل و رغبت به دنیا را می‌کاهد».^۶

داستان: دوست سلمان

روزی سلمان در کوفه از بازار آهنگران عبور می‌کرد، چشمش به جوانی افتاد که نعره‌ای کشید و بیهوش به زمین افتاد. مردم اطراف او جمع شدند، وقتی سلمان را دیدند، به او گفتند: مثل اینکه این جوان بیماری حمله مغزی دارد، شما بیا و دعایی در گوش او

۱. الحدیث؛ ج ۳، ص ۲۰۴.

۲. بحار الانوار؛ ج ۲، ص ۲۷.

۳. ارشاد القلوب؛ ص ۱۸۱.

۴. تحف القول؛ ص ۳۷.

۵. میزان الحکمة؛ ج ۴، ش ۱۹۱۶۳.

۶. همان؛ ش ۱۹۱۵۳.

بخوان؛ شاید سلامتی خود را باز یابد. سلمان جلو آمد و جوان هم به هوش آمد. وقتی که سلمان را شناخت، گفت:

این گونه که این مردم خیال می‌کنند، بیمار نیستم؛ بلکه هنگام عبور از بازار آهنگرها دیدم آنها میله‌های سرخ شده را با پتک می‌کوبند؛ به یاد این آیه افتادم: «وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ»^۱! برای مأمورین دوزخ گرزهایی از آهن است.

از ترس عذاب الهی عقل از سرم پرید و چنین حالی پیدا کردم. سلمان به او علاقمند شد و پیوند دوستی با او برقرار ساخت و همواره از او یاد می‌کرد تا اینکه چند روز او را ندید. جویای حال او شد، دریافت که بیمار و بستری است. به عیادت او رفت. وقتی به بالین او رسید، او را در حال جان‌دادن یافت. از او دلجویی کرد و خطاب به عزرائیل گفت:

«یا مَلِکَ المَوتِ اَرِیْقِ بِأَخِي»: ای فرشته مرگ به برادر ایمانیم مدارا کن.

عزرائیل گفت: «إِنِّي بَکَلِّ مَوْمِنٍ رَفِیقٍ»: من به همه مؤمنان مهربانم.^۲

۶. شناخت حقوق اعضای بدن:

امام سجاد 7 در مورد حقوق اعضای بدن می‌فرماید:

«و حق نفست بر تو این است که آن را گرمی داری [به دور داری] از فحش و عادت‌دهی به نیکویی و ترک زیاده‌گویی بی‌فایده و نیکی به مردم و خوش‌گفتاری درباره مردم.»

حق گوش این است که آن را منزه کنی از شنیدن غیبت و شنیدن آنچه شنیدنش حلال نیست.

حق چشم این است که بیوشانی آن را از آنچه برایش حلال نیست و به واسطه نظر با چشم اعتبار‌گیری و حق دو دست بر تو این است که دراز نکنی آنها را به آنچه برای تو حلال نیست و حق پاهایت این است که به وسیله آنها نیروی به سوی آنچه بر تو حلال نیست که با آنها در «صراط» وقوف خواهی کرد، پس بنگر که نلغزی و در آتش نیافتی و حق شکمت این است که آن را ظرف [غذای] حرام قرار نداده و بیش از سیری زیاده نخوری و حق فرج [عورت] تو این است که آن را از زنا نگهداری و حفظ کنی از اینکه به آن نظر شود».^۳

۱. حج: ۲۱.

۲. بحارالانوار؛ ج ۲۲، ص ۳۶۰.

۳. رساله حقوق امام سجاد 7

۷. تغذیه سالم:

غذا تأثیر مستقیم در وجود انسان دارد و پیامبر ﷺ فرمودند: «غذای خود را پاک کن از غذای حرام پرهیز نما»^۱.

همین معنی از همان بزرگوار با تعبیر دیگری آمده است، می‌فرماید: «کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود، طعام و کسب خود را از حرام پاک کند»^۲.

غذا افزون بر حلال بودنش، باید مناسب حالات جسمی اشخاص باشد؛ بنابراین جوان که در اوج شهوات است، باید از غذاهای چرب و پرکالری بکاهد و چنانچه مصرف نمود، باید با ورزش و تحرک بیشتر تخلیه گردد. رژیم غذایی مناسب، بسیار در مهار و کنترل غریزه جنسی جوان را یاری می‌نماید، جوانان مجرد باید در انتخاب و نوع خوردن غذاها احتیاط کنند؛ زیرا برخی از مواد غذایی و میوه‌ها در تحریک جنسی انسان مؤثر هستند؛ از جمله موز، پیاز، هویج، زعفران، فلفل و... اگر هم چنین غذاهایی مصرف شد، باید انرژی حاصل از آن سریعاً در فعالیت‌های مجاز از قبیل ورزش تخلیه گردد وگرنه می‌تواند محرک جنسی باشد.^۳

۸. روزه گرفتن:

توصیه زیادی در احادیث به روزه شده و در کلمات بزرگان هم سفارش زیاد درباره آن شده است.

در همین رابطه احادیثی وارد شده است که از جمله امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «ای جوانان... و هر که قدرت بر ازدواج ندارد، بسیار روزه بگیرد که از نیروی جنسی می‌کاهد»^۴.

۹. خواب به موقع و کافی:

حضرت امام صادق 7 می‌فرماید: «در هنگام خواب، باید خواب تو مانند خواب اهل عبادت باشد»^۵.

پیام‌های روایت:

* بعد از فراغ از فرایض و اعمال عبادی و آنچه وظیفه‌ات بوده از کار، درس و...،

۱. آیین بندگی و نیایش؛ ص ۲۳۷.

۲. عده الداعی؛ ص ۱۳۹.

۳. مسعود صفی یاری؛ غریزه جنسی، مشکل بزرگ جوانان؛ ش ۹.

۴. مکارم الأخلاق؛ ص ۱۹۶.

۵. بحار الانوار؛ ج ۷۳، ص ۱۸۹.

بخواب؛ نه همچون خواب اهل غفلت که چندان اهمی به وظایف یومیه ندارند و مثل حیوانات، کار ایشان خورد و خواب است.

* در وقت خوابیدن، مثل اهل عبادت، اوراد و اذکاری که برای خواب مقرر است، به جا آور و مثل اهل غفلت مباش که رعایت آداب نمی کنند.

* خواب را به قصد رفع خستگی و تحصیل قوت عبادت انجام ده؛ مثل اهل عبادت، نه از روی طغیان نفس، مثل اهل غفلت؛ که این روایت مؤید آن است: «فَإِنَّ الْمُتَعَبِّدِينَ الْأَكْيَاسَ يَنَامُونَ اسْتِرَاحًا، وَلَا يَنَامُونَ اسْتِيطَارًا»^۱.

راه‌حلهایی برای خواب صحیح جوانان:

الف) کاستن از ساعات خواب و زیادن خوابیدن موجب می شود انسان تنبل نشده و افکار آلوده سراغ او نیاید.

ب) میانه روی در خواب، میانه روی در هر چیز از نشانه‌های انسان مسلمان می باشد و او در خواب هم میانه روی پیشه می نماید. خوابیدن بسیار منجر به کسالت و تنبلی می گردد.

ج) جوان باید سعی کند با حالت خستگی بخوابد؛ یعنی زودتر وارد رختخواب نشود تا افکار سراغ او نیاید.

د) دست‌های خود را بیرون از رختخواب بگذارد (به دلیل اینکه ممکن است دست موجب تحریک آلت گردد).

ه) هنگام رفتن به رختخواب خود را تخلیه نماید.

و) سعی کند قبل از خواب کتابی را بخواند، چشم‌ها موقعی که خسته شود، خودبه‌خود به خواب می رود.

ز) هنگام خواب خود را به ذکر مشغول نماید تا راه نفوذ افکار شیطانی بسته گردد. (بهترین اذکار و خواندن سوره‌های قرآن)

ح) زمان بیدار شدن از خواب به سرعت از رختخواب خارج شود و بی دلیل از این پهلو به آن پهلو نشود و مشغول کار یا فعالیتی مثبت گردد.

این امور باعث می شود قدرت بر کنترل افکار زیاد گردد و افکار محرک، به سراغ اشخاص کمتر بیاید.^۲

۱۰. پرهیز از فکر و ترسیم صحنه‌های محرک در ذهن و خیال:

عیسی ۷ به اصحاب خود گفتند:

۱. مصباح الشریعه؛ ص ۲۸۳.

۲. برگرفته از ایمان، پرسش و پاسخ کنترل‌گریزه جنسی، بخش ۷ و مسائل جنسی بایدها و نبایدها (قسمت خودارضایی).

«... موسی به شما دستور داد که زنا نکنید و من به شما دستور می‌دهم که فکر زنا هم در سر نپرورانید تا چه رسد به اینکه زنا کنید؛ زیرا کسی که خیال زنا کند، مانند کسی است که در خانه‌ای نقش و نگار شده دود و آتش به پا کند؛ چنین کاری گرچه خانه را نمی‌سوزاند؛ ولی زینت و صفای آن را مکدر کرده و فاسد می‌کند»^۱.

۱.۱. دوری از نگاه‌های مسموم و مناظر تحریک آمیز:

قرآن کریم دستور به اغماض و نگهداری چشم از نگاه حرام و هوس‌آلود داده است؛ در آیه اول می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»^۲ و در آیه بعدی می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»^۳. در این دو آیه قرآن ابتدا اشاره به حفظ چشم و سپس حفظ دامن از آلودگی می‌فرماید. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«نگاه هوس‌آلود تیری است مسموم از تیرهای شیطان، هرکس آن را برای خوف الهی ترک کند، خداوند ایمانی به او می‌بخشد که حلاوت آن را در قلب خود احساس می‌کند»^۴.

داستان نجات از چنگال شیطان

حکایت

ابن سیرین جوانی پاک و مخلص بود که خدا جمال و زیبایی به او داده بود. شاگرد بزاز بود. یکی از مشتریان زنی بود که شیفته جمال وی شده بود و شهوت بر آن زن غلبه کرده بود. هر روز که برای خرید پارچه می‌رفت، شعله شهوت او زیادتر می‌شد. یک روز چند طاقه پارچه خرید و به بزاز گفت:

من نمی‌توانم بیاورم، بده شاگردت بیاورد. خودش به منزل رفت تا خود را مهیا کند. ابن سیرین آمد، درب را زد. زن گفت: پارچه‌ها را داخل بیاور. همین که داخل آمد، زن درب را بست و خود را در مقابل ابن سیرین با بی‌حیایی برهنه کرد و اعلان کرد که اگر با من نباشی، فریاد می‌زنم که این می‌خواست با من عمل منافی عفت انجام دهد. ابن سیرین مات و مبهوت مانده بود چه کند؟

گناه جلوی او ظاهر شد. اینجاست که «اجْتَنَابُ الْمَعَاصِي» معنا می‌دهد. او توکل به خدا

۱. وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۲۴۰.

۲. نور: ۳۰.

۳. همان: ۳۱.

۴. جامع الأخبار؛ ص ۱۴۵.

کرد و از پروردگار عالم یاری خواست و به ظاهر اعلان کرد که من می‌روم تا آماده شوم. به مستراح رفت، در آنجا خود را به کثافات آلوده کرد. وقتی بیرون آمد، زن دید آن جمال زیبا به کثافات متعفن شده است، در را باز کرد و گفت: برو بیرون.

آیت‌الله العظمی ادیب دربارهٔ ایشان می‌فرماید:

«ایشان از گناه اجتناب کرد و رفت با یک درهم یا دیناری خود را شست و تمام شد؛ اما در مقابل، پروردگار عالم به او چه چیزها که نداد! طوری شد که ابن‌سیرین هر جا می‌رفت، بدون اینکه عطر بزند، بدنش بوی عطر می‌داد. تعبیر خواب پیدا کرد، ریاضی‌دان شد. یک شاگرد بزاز از گناه اجتناب کرد، خدا مقامی به او مرحمت کرد که همان مقام مخلصین است»^۱.

شعرها و مثل‌ها

دگر لذت نفس لذت ندانی	اگر لذت ترک لذت بدانی
که هر چه دیده بیند دل کند یاد (بابا طاهر)	زدست دیده و دل هر دو فریاد
هر که در شهوت فرو شد بر نخاست	ترک شهوت‌ها و لذت‌ها ساخت
وای او که کف چنین شاخی بهشت	این سخاخیست از سرو بهشت
بر کشد این شاخ جان را بر سما (مولوی)	عروۀ الوتقا است این ترک هوا

پیام‌ها:

- آن زن جلوی چشمش را اگر گرفته بود، خود را به گناه نمی‌انداخت.
- ابن‌سیرین جلوی چشمانش را گرفت، دامنش آلوده نشد.
- باید در هنگام پیش آمدن گناه از آن فرار کرد و تفکر می‌تواند مانعی در مقابل شهوت باشد.
- دوری از گناهان جنسی برکات الهی فراوانی را دارد که وصف‌شدنی نیست.

۱۲. اجتناب از هم‌صحبتی و هم‌جواری با نامحرم:

افرادی که به هر دلیل با جنس مخالف ارتباط مستمر دارند، باید از خطرات احتمالی هم‌جواری بر حذر باشند. هم‌جواری زلیخا با یوسف 7 بود که زمینه‌ای فراهم کرد تا زلیخا قصد کام‌جویی از وی را عملی سازد. یوسف 7 نیز که خطر وسوسه‌های شیطانی را در هم‌جواری احساس کرده بود، از خداوند جدایی از زنان مصر را درخواست کرد، هر چند جدایی از آنان در جایی چون زندان محقق شود.

۱۱. ابن‌سیرین؛ تعبیر خواب؛ مقدمه کتاب.

یوسف گفت:

«ای پروردگار من! مرا [رنج] زندان خوش‌تر از این کار [زشتی] است که زنان مرا بدان می‌خوانند و اگر [تو] حيله اينان را از من دفع نمایی، به آنها میل کرده و از جاهلان گردم».^۱

۱۳. پرهیز از خلوت با نامحرم:

در خلوت با نامحرم امکان وسوسه شیطان و زمینه انحرافات اخلاقی بسیار زیاد می‌شود؛ چنان که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نکند؛ زیرا سومین آنها شیطان خواهد بود».^۲

در داستان حضرت نوح ۷ موقعی که قوم خود را نفرین نمود، ابلیس نزد ایشان آمد و گفت:

ای نوح در سه موقعیت از من بر حذر باش؛ چرا که من در این موقعیت‌ها به بنده نزدیک‌ترم: به هنگام خشم، به هنگام قضاوت میان دو نفر و هنگام خلوت با زن نامحرم.

۱۴. گوش‌ندادن به آوازا و موسیقی‌های تحریک‌کننده و مبتذل:

در حدیثی از حضرت صادق ۷ آمده است: مردی از آن حضرت در باره شنیدن آواز محرک پرسید؟

حضرت از آن نهی کرده و این آیه را خواندند: «به یقین گوش و چشم و دل هر یک مورد سؤال خواهند بود»^۳ و فرمودند: «گوش از آنچه شنیده و قلب از آنچه بدان دل بسته و چشم از آنچه دیده است، مسئول بوده و بازخواست خواهند شد».^۴

ابابصیر می‌گوید: از امام صادق ۷ از آیه «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^۵ سؤال کردم؟ امام فرمودند:

منظور «غنا» است.^۶

آیت‌الله جوادی آملی در پاسخ به این سؤال که به نظر شما موسیقی‌های متداول چه تأثیری بر روان آدمی می‌گذارد؟ مرقوم داشته‌اند:

«... همه می‌دانیم که آهنگ‌های طرب‌انگیز، خوی حیوانی را در انسان زنده می‌کند.

۱. یوسف: ۲۳.

۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۶۶.

۳. اسراء: ۳۶.

۴. مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۴۵۹.

۵. حج: ۳۰.

۶. البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، ص ۸۸۱.

آهنگ‌هایی که فرشته مَنشی را در آدم احیا می‌کند، به انسان سبک‌باری می‌دهد و بشر را از شهوت و غضب دور می‌کند، نیز می‌شناسیم. به آهنگ‌های مشکوک گوش نمی‌دهیم.

* موسیقی بر سه قسم است:

۱. موسیقی‌هایی که حالتی روحانی در انسان ایجاد می‌کند که اشکال ندارد.
۲. موسیقی‌هایی که به مجالس لهو و لعب اختصاص دارد و شهوت را تحریک می‌کند که این دسته نامشروع است.
۳. دسته‌ای از موسیقی‌ها هم مشکوک است، پس با داشتن راه صحیح، دیگر به دنبال مشکوک نمی‌رویم.^۱

۱۵. دوری و اجتناب از دوستان وسوسه‌گر و گناهکار و نشست‌های غفلت‌زا:

دوستان مسموم از دیگر عوامل مؤثر در انحطاط اخلاقی افراد به شمار می‌روند. از معاشرت با دوستان ناباب و گوش سپردن به سخنان تحریک‌آمیز و گفتگوهای دوستانه تحریک‌آمیز باید دوری نمود؛ زیرا این افراد با زمزمه‌های پی‌درپی خود تلاش می‌کنند موضوع را به گونه‌ای عادی جلوه دهند. آنان معمولاً با چنین سخنانی دوستان خود را به سمت نابهنجاری‌های جنسی می‌کشانند و معمولاً می‌گویند:

چیز مهمی نیست، ترسو مباش، از زندگی لذت ببر و...

امام محمد باقر 7 فرمودند:

«هرکس به سخن گوینده‌ای گوش فرا دهد، او را بندگی کرده است؛ پس اگر ناطق از خدا بگوید، شنونده خداوند را بنده شده و اگر از شیطان و سخنان شیطانی بر زبانش جاری کند، قطعاً بندگی شیطان کرده است».^۲

اثر طبیعی چنین وسوسه‌هایی آن است که فرد پس از اندکی مقاومت، فریب می‌خورد و مقاصد نفسانی خود و انگیزه‌های شیطانی آنان را دنبال می‌کند. نمونه دوست وسوسه‌گر ابلیس است که نخست مردان قوم لوط را به سوی همجنس‌بازی کشاند و سپس زنان ایشان را به سوی انحراف شنیع جنسی در همجنس‌بازی سوق داد.^۳

در چنین شرایطی باید ضمن مراقبت و دقت کامل در انتخاب دوست، کوشش کرد تا از دوستان نامناسب و وسوسه‌گر فاصله گرفت و زمینه انحراف را از بین برد. فریاد بسیاری از جهنمیان از دوستان ناباب است؛ زیرا دوستی با آنان، ایشان را به آتش

۱. سایت آیت‌الله جوادی آملی.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۲۳۶.

۳. همان؛ ج ۲۰، ص ۳۴۴.

قهر الهی فرو افکنده است: وای بر من! ای کاش که فلانی را دوست خود نمی گرفتم که مرا از یاد خدا و پیروی قرآن و رسول گمراه ساخت.^۱

۱۶. ورزش و سرگرمی‌های مفید و اشتغال به کار و دوری از بیکاری:

زیرا شخص بیکار انرژی در وجودش انباشته شده و همراه فکر و خیال‌های باطل موجب کشیده شدن به گناهان جنسی می‌گردد و بنابراین در روایات بر اشتغال و کار و پرهیز از فراغت تأکید بسیار شده است.

امام صادق 7 در حدیث «مفضل» می‌فرماید:

«همین‌گونه انسان اگر بیکار و فارغ باشد، به بیهودگی و سرمستی دچار می‌شود و بر اثر آن به مسائلی مبتلا می‌شود که زیان آن هم بر خود و هم بر نزدیکان او سنگینی خواهد کرد...»^۲.

برنامه‌های ورزشی اسلام

- استفاده صحیح از اوقات فراغت:

از آنجا که یکی از علل عمده انحراف جوانان، بیکاری است، لازم است اوقات فراغت به شکل مناسب استفاده گردد. اوقاتی که در دست انسان است و قرآن به ساعت و لحظه آن قسم یاد کرده است: «قسم به عصر که واقعاً انسان در معرض زیان است؛ مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده و به حق و صبر، یکدیگر را توصیه کرده‌اند»^۳.

توصیه‌های اسلامی در مورد استفاده از اوقات فراغت:

الف) عبادت

بهترین اعمال در زمان فراغت عبادت و بندگی خداوند است. در قرآن کریم آمده است: «پس چون فراغت یافتی، به طاعت در کوش و با اشتیاق به

سوی پروردگارت روی آور»^۴.

حضرت علی 7 درباره فراغت اولیاء خدا می‌فرماید:

«شب زنده‌داری با یاد خدا فرصتی است برای افراد سعادت‌مند و تفریح و آسایشی

۱- فرقان: ۲۸-۲۹.

۲- توحید المفضل: ص ۸۷.

۳- عصر: ۱-۳.

۴- انشراح: ۷-۸.

است برای اولیای خدا»^۱.

ب) تفکر

حضرت علی ۷ می گوید: «چقدر شایسته است که انسان در ساعاتی از زندگی خود از مشغولیت‌های زندگی چشم‌پوشد و به حساب نفس خود برسد و در آنچه که در روز و شب خود به دست آورده و یا از کف داده، اندیشه کند»^۲.

ج) کار

حضرت علی ۷ فرمودند: «کار بزرگ‌ترین تفریح است و همراه با بیکاری، تمایل به خواسته‌های شیطنانی حاصل می‌شود»^۳.

د) سیر و سفر

سیر و سفر و گردش در زمین برای آشنایی با وضع گذشتگان، عوامل انحطاط جوامع و سقوط تمدن‌ها است و نتیجه آن دل‌هایی آگاه و بیدار و گوش‌هایی شنواست: «آیا مردم در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آنها بشنوند»^۴.

امام رضا ۷ نیز در مورد سفر می‌فرماید: «به گردش و سیاحت پردازید؛ زیرا هرگاه آب جاری شود، مطبوع و دلنشین می‌گردد و هرگاه در یک جا متوقف شود، به آلودگی می‌گراید»^۵.

بهر خیز تا تفرج بستان کنیم و باغ چون دست می‌دهد نفسی نوبت فراغ (سعدی)

ه) انجام دادن کارها و حل مشکلات آینده

امام علی ۷ می‌فرماید: «زمان فراغت و آسایش خود را برای روزگار گرفتاریات سرمایه و توشه قرار ده»^۶.

و) ورزش

ورزش در اسلام موجب نشاط و سلامتی بدن می‌شود امام حسین ۷ می‌فرماید: «در تمامی عمر برای سلامتی و حفظ تندرستی خود بکوشید»^۷.

۱. غررالحکم؛ ج ۵۶۴۲.

۲. همان؛ ج ۹۶۸۴.

۳. همان؛ ج ۹۷۴۳.

۴. حج؛ ۴۶.

۵. بحارالانوار؛ ج ۱، ص ۱۱۴.

۶. غررالحکم؛ ج ۲۳۸۰.

۷. تحف العقول؛ ص ۲۳۹.

* ورزش های توصیه شده در اسلام عبارتند از: تیراندازی، اسب سواری، شنا، شمشیر بازی و

احادیث ورزشی

تیر اندازی

پیامبر خدا ﷺ چنین به تیراندازی توصیه فرمودند: «ای فرزندان اسماعیل! تیراندازی کنید که پدرتان تیرانداز بود»^۱.

شنا

رسول خدا ﷺ فرمودند: «بهترین سرگرمی برای مرد با ایمان، شنا و بهترین سرگرمی برای زن ایمان دار، ریسندگی است»^۲.
همچنین در روایت دیگری فرمودند: «حق فرزند بر عهده پدرش این است که به او آموزش نوشتن، شنا کردن، تیراندازی و ... را دهد»^۳.

شمشیر بازی

و در روایت دیگری می فرماید: « بهشت زیر سایه شمشیرهاست»^۴.

اسب سواری

«هر چه درتوان دارید، از نیرو و اسب آماده کنید تا با آن تدارکات دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید»^۵.
پیامبر ﷺ نیز به اسب علاقه داشت، با انگشت خویش موی پیشانی اسب را می پیچید و صورت اسب خود را با عبای خویش پاک می کرد.

پیاده روی و دویدن

امام صادق ۷ فرمودند: «گروهی از مردم پیاده راه می رفتند، به پیامبر ﷺ رسیدند و از خستگی و درماندگی شکایت کردند. آن حضرت فرمودند: «بدوید تا خستگی از تتان بیرون شود، آنها چنین کردند و خستگی شان برطرف شد، گویا از پاهایشان گشوده باشند»^۶.

۱. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر؛ ج ۱۴، ص ۲۴۱.

۲. میزان الحکمه؛ ج ۱۸۰۶۹.

۳. همان؛ ج ۱۰، ص ۷۲۰.

۴. ورزش در اسلام؛ ص ۱۳۷.

۵. انفال: ۶۰.

۶. ورزش در اسلام و ایران؛ ص ۵۴.

کوه نوردی

پیامبران خدا معمولاً انسی با کوه داشته‌اند و دامنه کوهی را یا غاری در کوه را برای مناجات انتخاب می‌کردند؛ آدم 7 کوه سراندیب، نوح 7 کوه آرات، ابراهیم 7 و موسی 7 کوه طور، عیسی 7 کوه ساعیر و پیامبر 7 کوه نور را برای عبادت انتخاب نموده بودند.^۱

۱۷. تلاوت قرآن:

بی‌شک انس با قرآن، تلاوت، تدبیر و تفکر در مضامین آن شفای هر دردی است که به سرعت کار هر پریشانی را رو به سامان می‌برد و زخم‌های پنهان را التیام می‌دهد و همت را زیاد و بشر را از فرورفتن در عالم حیوانات نجات می‌بخشد.
امیرمؤمنان 7 می‌فرماید:

«قرآن را فرا گیرید؛ زیرا قرآن بهار دل‌هاست و از نور آن بر مرض‌ها و دردهای خود مرهم بگذارید؛ زیرا آن داروی شفابخش سینه‌هاست و آن را نیکو تلاوت کنید که به یقین سودمندترین سخن‌هاست»^۲.

۱۸. حضور همراه با عفاف زنان در جامعه و تحریک نکردن دیگران:

اولاً: سزاوار است که تا حد امکان، دختران و زنان کمتر از منزل خارج شوند و حتی در عرصه عبادت نیز خانه‌محور باشند.^۳
ثانیاً: هنگام خروج از خانه به جای حرکت در میانه راه، از کنار راه و از سمت دیوار حرکت کنند. راه‌رفتن در این موقعیت مکانی، مصونیت بیشتر برای آنها فراهم می‌سازد:
برای زن سزاوار نیست از وسط راه حرکت کند، بلکه باید از کنار دیوار حرکت کند.^۴
در داستان حضرت موسی 7 در مسیر منزل شعیب 7، از دختران شعیب خواست تا موقعیت خود را تغییر داده و پشت سر او حرکت نمایند و او را به سوی منزل راهنمایی کنند.^۵

۱۹. فرار از موقعیت گناه:

گاهی فرد ناخواسته در موقعیتی خطرناک و آسیب‌زا قرار می‌گیرد؛ بنابراین باقی‌ماندن در صحنه‌ای که زمینه‌ساز انحراف و یا آسیب‌پذیری است، باعث کاهش ایمنی اخلاقی فرد

۱. همان؛ ص ۵۴.

۲. بحار الأنوار؛ ج ۲، ص ۲۶.

۳. وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۲۳۶.

۴. بحار الأنوار؛ ج ۱۳، ص ۴۴.

۵. همان.

می‌شود؛ بر همین اساس هنگامی که حضرت یوسف 7 خود را در دام هولناک زلیخا گرفتار دید، افزون بر پناه‌بردن به خدای متعال، اقدام به فرار از موقعیت پیش آمده کرد: هر دو به جانب در شتافتند.^۱

تشخیص موقعیت خطر به عهده خود فرد است تا جایی که باید به محض احساس خطر از آن وضعیت فاصله بگیرد تا از آسیب‌های احتمالی در امان بماند.

(ب) خانوادگی

۱. اصلاح روابط خانوادگی:

خانواده مهم‌ترین پناهگاه برای جوانان است.

* اولین قدم: شناخت حقوق فرزندان است و نحوه صحیح تربیت دینی و اخلاقی جوان.
امام زین‌العابدین 7 فرمودند:

«از جمله حق فرزندت این است که تو مسئول ادب‌آموزی او هستی».^۲

* دومین قدم: راهنمای او به شناخت صحیح از خداوند و یاری او در عبادت خدا.
«راهنمایی‌کننده او به پروردگارش باشی و او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی و در بندگی پروردگار یاریش نمایی».^۳

۲. شخصیت‌دادن به جوان:

امام صادق 7 فرموده‌اند:

«فرزند خود را در هفت سال آزاد بگذار تا بازی کند و هفت سال او را با آداب و روش‌های مفید تربیت کن و در هفت سال سوم [دوران جوانی بین ۱۵ تا ۲۲ سالگی] مانند یک رفیق صمیمی مصاحب و ملازمش باش».^۴

در این حدیث امام صادق 7 احترام و اکرام نوجوانان و جوانان را با کلمه ملازمت با اولیاء بیان نموده‌اند. پدر و مادر تا قبل از بلوغ بر فرزندان خود حکومت می‌کنند؛ ولی از آغاز ۱۵ سالگی موظفند به شخصیت آنان احترام بگذارند و به جای فرمان‌دادن، رفیق صمیمی و مصاحب باصفای آنان باشند.

جوان و نوجوانی که مورد تکریم پدر و مادر است، در شورای خانواده شرکت می‌کند و به نظراتش ترتیب اثر داده می‌شود. جوانی که پدرش با وی مانند یک رفیق صمیمی

۱. یوسف: ۲۵.

۲. رساله حقوق امام سجاد؛ حق فرزند.

۳. همان.

۴. مکارم الأخلاق؛ ص ۲۱۸.

رفتار می‌کند و شخصیتش همواره گرمی شمرده می‌شود، کوشش می‌کند خود را به پستی آلوده نکند و رفتارش شایسته این تکریم باشد.

۳. جلوگیری از سرزنش بیجا:

گاهی اشتباهات جوان موجبات سرزنش او را فراهم می‌آورد؛ ولی افراط در سرزنش و سرزنش‌های بیجا آتش لجاجت و خصومت را در جوان شعله‌ور می‌سازد و او را از خانواده دور می‌نماید.

امام علی ۷ می‌فرماید:

«زیاده‌روی در سرزنش؛ هر دم و ساعت فرزند خود را ملامت کردن، آتش لجاجت و سرکشی را در آنان شعله‌ور می‌سازد».^۱

۴. اسوه و الگو بودن پدر و مادر:

پدر و مادر باید الگوی مناسب برای فرزندان به ویژه جوانان خود باشند. وقتی والدین رفتار درستی نداشته باشند، نمی‌توان از جوانان انتظار رفتار مناسب را داشت. با این شرایط نقش والدین بسیار پررنگ است و بنابراین لازم است الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند که این الگودهی در سه بعد می‌باشد:

* دیداری؛

* گفتاری و شنیداری؛

* کرداری.

بنابراین فرزندان با دیدن ظاهر و نیز خصوصیات اخلاقی و باطنی والدین از آنها الگوگیری می‌کنند. همچنین با گفت و شنود و نیز مشاهده رفتار و کردار آنها مسائل تربیتی را دریافت می‌نمایند.^۲

۵. انتخاب دوستان مناسب برای جوان:

خانواده (پدر و مادر) نسبت به گزینش دوست برای فرزندان از همبازی دوران کودکی تا دوست دوران تحصیل (هم‌کلاسی) باید مراقبت ویژه داشته و در جاهایی که امکان انحراف هست، خود وارد عمل شده و فرزند خود را از دوست بد جدا نمایند؛ زیرا افراد تابع عقیده دوست خود هستند؛ پس مواظب باشید با چه کسی دوست می‌شوند.

در همین باره امام سجاد ۷ فرمودند: «همنشینی با صالحین، انسان را به سوی

۱. غررالحکم و دررالكلم؛ ص ۲۲۳.

۲. رادفر؛ دین و اندیشه تبیان.

شایستگی می‌کشاند»^۱.

۶. تشویق جوانان به بهره‌برداری از دوران جوانی:

پدر و مادر باید جوانان را تشویق نموده تا از این دوره کمال استفاده را ببرند و به آنها گوشزد شود که دانشمندان بزرگ، بیشترین موفقیت خود را بهره‌گیری صحیح از دوره جوانی خود می‌دانند.

پیامبر خدا ﷺ به اباذر فرمودند: «ای اباذر پنج چیز را پیش از پنج تا غنیمت شمر: جوانیت را پیش از پیری...»^۲.

ج) اجتماعی:

نقش اجتماع در بالندگی یا انحطاط جوانان بسیار سنگین بوده و دارای اهمیت ویژه است؛ بنابراین حکومت اسلامی (دولت، مجلس و نهادهای اجتماعی) به طور نمونه وظایف ذیل را باید متعهد باشند:

۱. بستر سازی فرهنگی برای کنترل و تعدیل غریزه جنسی (به طور مثال: اهمیت حجاب، پوشش جوانان، روابط اجتماعی و...)
۲. اصلاح و برنامه‌ریزی صحیح برای مسائل جنسی در رسانه‌ها و مطبوعات (آموزش مسائل مبتلا به و خطرات گناهان جنسی)؛
۳. فراهم آوردن زمینه کار برای جوانان؛
۴. زمینه‌سازی برای تحصیلات عالیه جوانان؛
۵. بستر سازی برای ازدواج آسان؛
۶. جلوگیری از بدحجابی و بی‌بند و باری؛
۷. جلوگیری از ورود و پخش سی‌دی‌های غیر مجاز، آموزش صحیح استفاده از اینترنت و ماهواره و کنترل صحیح آن.

د) روش تربیتی خاص قرآن و اهل بیت :

در منابع اسلامی برنامه‌های گوناگونی برای جلوگیری از نابهنجاری‌های جنسی مطرح شده است. در این نوشتار راه‌کارهای مختلف که در متون دینی به صورت پراکنده ارائه شده، در قالب پنج روش تربیتی معرفت‌انگیزی همراه با محبت، استعاذه، تغییر موقعیت و تحمیل به نفس مطرح می‌شود:

۱. بحارالأنوار؛ ص ۱۰۶.

۲. همان؛ ج ۷۴، ص ۷۲.

۱. روش تربیتی معرفت‌انگیزی همراه با محبت

پیامبر اکرم ﷺ و معصومین: روش‌های تربیتی را در اولین گام شروع می‌نمودند و این نشان می‌دهد که ایشان به هنگام هدایت‌گری جوانان و نجات ایشان از غوطه‌وری در منجلاب فساد، کلام معرفت‌انگیز خویش را با لطف و محبت می‌آمیختند و به همین دلیل حتی سرسخت‌ترین جوانان در مقابل ایشان تسلیم می‌شدند و به راه حق گام بر می‌داشتند.

۲. روش تربیتی پناه‌بردن به خدا و استعاذه

خداوند متعال در قرآن به پیامبر خویش دستور می‌دهد در هنگام روبه‌رو شدن با وسوسه شیطان، خود را در پناه خداوند قرار ده و از این راه خود را از تأثیر وسوسه‌های شیطان، ایمنی بخش و چنانچه از سوی شیطان به تو وسوسه‌ای رسد، به خدا پناه ببر که او [به حقیقت] شنوا و دانا است.^۱

یکی از مؤثرترین وسوسه‌های شیطان که زمینه انحراف افراد را فراهم می‌سازد، وسوسه و تحریک در زمینه‌های جنسی است. قرآن کریم برای مقابله با این وسوسه بر روش استعاذه تأکید دارد، این تأثیر را در داستان یوسف 7 تأکید می‌فرماید.

داستان

هنگامی که وسوسه شیطان در مورد زلیخا کارگر افتاد و او به قصد کام‌جویی از آن حضرت، همه درهای خلوتگاه خود را بست و با آراستگی کامل در برابر یوسف 7 ظاهر شد. آن ولی خدا به پناهگاه خداوندی پناه برد و درها را [زلیخا] بست و گفت: بشتاب. یوسف گفت: به خدا پناه می‌برم^۲ و فرار نمود. از آنجایی که خداوند پاک، پاک‌سیرتان را دوست دارد؛ به اذن او درهای بسته گشوده شد و خداوند برای رفع اتهام از یوسف، بچه شیرخواره را نزد عزیز مصر به زبان آورد و او بر پاکی یوسف شهادت داد.^۳

۲. ازدواج

اصلی‌ترین مهارکننده غریزه جنسی و پاسخ طبیعی به آن است و از التهاب آن کاسته و قبل از آنکه انرژی انباشته آن از وجودش سرازیر شود و دامنش را آلوده کرده و بسوزاند، آن را با پاسخ طبیعی و مشروع بی‌اضطراب و نگرانی فرو نشانده است و این نخستین توصیه دین در این مورد است که به طور مثال آیه و روایاتی در این باب آورده شده است

۱. اعراف: ۲۰۰.

۲. یوسف: ۲۳.

۳. ر.ک: تفسیر نمونه؛ ذیل آیه ۲۳ یوسف.

و آیه «و انکحوا الایامی» یکی از آن آیات شریفه است که خدا می فرماید:
* «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...»^۱.

پیام‌ها:

۱. خانواده و جامعه، مسئول ازدواج افراد بی همسر است: «وَأَنْكِحُوا»؛
۲. ازدواج در اسلام، امری مقدس و مورد تأکید است: «وَأَنْكِحُوا»؛
۳. تنها سفارش به ترک نگاه حرام کافی نیست، برای ازدواج جوانان باید اقدام کرد: «يَعِضُوا، يَعِضُونَ، انكحوا»؛
۴. در تأمین نیازهای جنسی، فرقی میان انسان‌ها نیست: (زن، مرد، غلام و کنیز) «منکم، عبادکم، امائکم»؛
۵. فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...»؛
۶. در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکل نمایید: «يُغْنِهِمُ اللَّهُ»؛
۷. خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله وسعت و برکت زندگی است: «يُغْنِهِمُ اللَّهُ».

روایت

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «یا معشر الشَّبَاب؛ من استطاع منکم الباءة فلیتزوّج فإنّه أغضّ للبصر و أحسن للفرج»^۲: ای جمعیت جوانان هرکس از شما توانایی ازدواج دارد، ازدواج کند؛ زیرا آن بیشتر موجب محفوظ ماندن چشم و پاک دامنی می شود.
بنابراین اگر برای کسی به هر دلیلی امکان ازدواج نباشد، چنین شخصی تحت هیچ عنوان مجاز نیست روی به گناه آورد؛ زیرا خطر گناه و آلوده دامنی بسیار فراتر از فشارها و رنج‌های بی همسری است و در صورت خوف وقوع در گناه، ازدواج به هر صورت ممکن واجب می شود و بنابراین چنین کسی یا باید خود را کنترل کند و دست به گناه نیالاید و یا مقدمات ازدواج خود را از هر راه ممکن فراهم آورد که در ادامه قرآن کریم می فرماید: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا»^۳.
و باید آن کسانی که ازدواج برایشان مقدور نیست، عفت بورزند. (این مسئله در باب قبلی به تفصیل توضیح داده شد).

دوره میان‌سالی:

۳۱. نور: ۳۲.

۲. پیام پیامبر؛ ترجمه فارسی، ص ۸۷۱.

۳. نور: ۳۳.

درباره این دوره نیز مواظبت‌های ویژه را خود فرد باید داشته باشد، با توجه به اینکه غالباً افراد در این سن متأهل هستند، نابهنجاری‌های جنسی به صورت دیگری تبلور پیدا می‌کند:

۱. نابهنجاری‌های جنسی باقی‌مانده از دوران جوانی همچون استمناء؛

متأسفانه خودارضایی در میان مردان متأهل که اعتقادات قوی مذهبی ندارند، شایع است. این مسئله برای خانم‌ها بسیار ناراحت‌کننده و در واقع باعث کسر شأن آنهاست. به همین دلیل بسیاری از آقایان در صورت اقدام به خودارضایی، سعی می‌کنند این موضوع کاملاً از دید همسرشان پنهان بماند. خودارضایی در آقایان متأهل سبب آسیب کانون خانواده شده و محبت زوجین را کم می‌کند.

وقتی مرد در دوران مجردی به عمل ناپسند خودارضایی عادت و در واقع اعتیاد پیدا می‌کند، از نظر روحی و روانی در دوران ازدواج نیز لذت خروج منی با خودارضایی برایش از رابطه سالم جنسی با همسر بیشتر است و همین مسئله سبب می‌شود زن این برداشت را داشته باشد که مرد توجه و علاقه‌ای به او ندارد و در نتیجه دلسردی و حتی موجب از هم‌پاشیدگی کانون خانواده شود.

۲. ارضانشدن جنسی با همسر و هوس‌بازی‌های خطرناک جنسی (زنا، محصنه، لواط، چشم‌چرانی و...).

راه درمان

۱. در شرایطی مناسب و به دور از تنش در یک موقعیت روحی و عاطفی ایده‌آل زن با شوهر خود صحبت نموده و این مشکل را به او متذکر شود و از او بخواهد اگر مشکلی در همسر می‌بیند، مطرح کند تا وی آن مشکل را رفع نماید.

۲. شخص را متوجه قبح شدید عمل نموده و اینکه این عمل موجب غضب الهی است، به ویژه برای شخصی که متأهل است و راه درمان خودارضایی را دین ازدواج قرار داده است، از امام صادق ع روایت شده: «مردی که با خود بازی می‌کرد او را نزد امیرمؤمنان ع آوردند. حضرت به دست او تازیانه زدند، تا دستش سرخ شد و آن‌گاه از بیت‌المال برایش زن گرفتند»^۱. حال شخص بعد از تأهل هم بخواهد به همان عمل قبیح بپردازد، قطعاً در مقابل خدا بهانه‌ای نخواهد داشت.

۳. قطعاً زن با آرامش و صبر و تأمل می‌تواند همسر خود را قانع کند که این عمل

۱. اصول کافی؛ ج ۷، ص ۲۶۵.

سبب ضربه روحی برای همسر است. به او متذکر شود انجام این عمل در خلوت و پنهان سبب می‌شود محبت و عاطفه بین زوج کم شود و زندگی زیبای متأهلی تیره و تار گردد. ۴. مشورت با یک پزشک مشاور برای درمان آن؛ زیرا گاهی اختلال و بیماری در دستگاه تناسلی ممکن است منجر به این بیماری خطرناک شده باشد؛ زیرا در صورت تکرار موجب ضعف بنیه و ضعیف شدن اسپرم مرد و تولد فرزندان ضعیف و بیمار و یا عقیم شدن شخص می‌گردد و باید دانست عموم ناراحتی‌های مربوط به دستگاه تناسلی از آثار زیان‌بار استمناء است.^۱

۵. دعا برای شخص گرفتار بسیار می‌تواند شخص را از این مسائل نجات دهد، از امام پنجم ۷ نقل شده است:

«آن دعایی که سریع‌تر به اجابت می‌رسد، دعای مؤمن برای برادر مؤمنش است».^۲

۶. ترساندن شخص نسبت به آثار شوم بی‌بند و باری جنسی و یادآوری اینکه شخص متأهل چنانچه مرتکب زنا شود، زنا یا محصنه و افزون بر حکم اعدام وزر و وبال قیامت را هم خواهد داشت؛ چنان‌که پیامبر ۶ فرمودند:

زنا، شش پیامد دارد: سه در دنیا و سه در آخرت. سه پیامد دنیایی‌اش این است: آبرو را می‌برد، مرگ را شتاب می‌بخشد و روزی را می‌بُرد و سه پیامد آخرتی‌اش: سختی حساب‌رسی، خشم خدای رحمان و ماندگاری در آتش است.^۳

پیام‌های درس:

۱. آگاهی‌ها و آداب لازم به فرزند درباره چگونگی کنترل و ارضای درست غریزه جنسی و فراهم آوردن زمینه‌های ازدواج موفق و به هنگام را تربیت جنسی می‌نامند.
۲. مهم‌ترین وظیفه اخلاقی در مسائل جنسی سر و سامان بخشیدن به روابط جنسی است.
۳. دین مبین اسلام سه برنامه برای تربیت جنسی دارد: آموزش مسائل تربیتی و بهداشت جنسی، آموزش مسائل اخلاق اسلامی و آموزش فرد بالغ.
۴. تربیت، کنترل و هدایت غریزه جنسی در دوره جوانی از مهم‌ترین مسائل این دوران است که باید جوانان را با آموزش‌ها اسلامی در این جهت یاری رساند.
۵. برنامه‌های گوناگونی برای جلوگیری از نابهنجاری‌های جنسی در منابع اسلامی، مطرح شده است که بسیار آموزنده و مفید است.

۱. اسلام و تمایل جنسی؛ ص ۱۰۵.

۲. کافی؛ باب الدعای.

۳. خصال؛ ص ۳۲۱.

سؤالات درس

۱. تعریف اصطلاحی تربیت جنسی را بیان نمایید؟
۲. هدف از تربیت جنسی چیست؟
۳. دین مبین اسلام چند برنامه برای تربیت جنسی دارد؟
۴. اسلام برای جلوگیری از وقوع مشکلات جنسی جوانان، چه راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند؟
۵. روش‌های پیشگیری از انحرافات جنسی را بیان کنید؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. خانواده و تربیت مهدوی؛ مرتضی آقا تهرانی.
۲. تربیت جنسی در اسلام؛ حافظ ثابت.
۳. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب؛ متفکر شهید استاد مطهری.
۴. خودسازی؛ آیت‌الله ابراهیم امینی.

فصل دوم:

آنچه که مهم است جوان از انحرافات جنسی بداند

چشم چرانی (۱)

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. هرزه‌نگاری در لغت و اصطلاح؛
۲. انواع هرزه‌نگاری؛
۳. چشم‌چرانی در لغت و اصطلاح شرع مقدس؛
۴. آیات و روایات منع از چشم‌چرانی و معالجه آن.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف دشمن در نابودی هویت انسانی و ایمانی نسل جوان، آماده‌کردن بسترهای انحرافی در مسائل جنسی و آلوده‌کردن آنها به این‌گونه امور می‌باشد. در این درس سعی شده است که این نوع انحرافات به صورت عمیق تجزیه و تحلیل گردد و هشدار به جوانان عزیز برای دوری از گرفتارشدن در دام دشمنان انسانیت باشد؛ نظر به اینکه بیشترین ابتلا در این زمینه به وسیله چشم می‌باشد درس خود را از چشم‌چرانی و انواع آن شروع می‌کنیم.

هرزه‌نگاری

بخش اول: تعریف هرزه‌نگاری

۱. تعریف لغوی:

الف) شهوانگاری: تجسمی بی‌پرده از مسائل جنسی با هدف تحریک یا ارضای جنسی است که در قالب‌های مختلف از جمله کتاب، فیلم و مجله ارائه می‌شود.^۱
ب) هرزه‌نگاری: توصیف و نمایش امور جنسی است.^۲

۲. تعریف اصطلاحی

اصطلاح ادب:

مراد از هرزه‌نگاری آثاری (تمام ژانرهای داستانی «رمان، شعر، داستان کوتاه، درام»، نامه‌ها، رسالات، دست‌نویس‌های جنسی، داستان‌های عاشقانه و ...) است که در آنها جنسیت و یا میل جنسی حضور غالب دارد.
در ادبیات اروتیک یا جنسی این چنین آمده است: «ما انتشار و فروش تمامی کتاب‌های کام‌پرستانه و آثار غیراخلاقی را روا می‌دانیم؛ زیرا این آثار را ضروری‌ترین چیز برای سعادت و بهجت انسان می‌شماریم».^۳

اصطلاح روان‌شناسان:

هرزه‌نگاری عبارت است از تحریک جنسی فرد خواننده و یا تصویرکردن رفتارهای جنسی به قصد ایجاد تحریک جنسی.

اصطلاح قانونی:

«هر چیز مستهجنی که ممکن است به تباهی یا فساد افرادی منجر شود که امکان خواندن، دیدن، شنیدن یا مجسم‌شدن در آن آثار را دارند». هر مطلبی که دارای سه خصیصه باشد، مستهجن تلقی می‌شود و اشاعه آن ممنوع است:
۱. به طور کلی خواهان یک علاقه شدید (وقیح، هولناک، بی‌شرمانه یا شهوانی) جنسی باشد.

۲. ارتباط جنسی را به شیوه‌ای آشکار و آزاردهنده توصیف کند (به عبارت دیگر از معیارهای جامعه کنونی فراتر رود و توصیفاتی از ارضا یا فعالیت جنسی را بیان کند).

۱. لغت‌نامه دهخدا: ذیل لغت هرزه‌نگاری.

۲. لغت‌نامه معین: ذیل لغت هرزه‌نگاری.

۳. ترجمه و تلخیص از مقدمه دائرةالمعارف ادبیات اروتیک.

۳. به طور کلی فاقد ارزش ادبی، هنری، سیاسی و علمی هستند.

اصطلاح اجتماعی:

از لحاظ عرف عمومی و اجتماعی، هرزه‌نگاری به معنای مطالبی است که از لحاظ جنسی آشکار هستند و عمدتاً به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شوند.

بخش دوم: انواع هرزه‌نگاری:

۱. هرزه‌نگاری چشمی (چشم‌چرانی)

۲. هرزه‌نگاری اینترنتی

۳. هرزه‌نگاری بلوتوثی

۴. هرزه‌نگاری رسانه‌ای، فرهنگی

۱. هرزه‌نگاری چشمی (چشم‌چرانی)

۱-۱. مقدمه

چشم را معمولاً به یک دستگاه دوربین عکاسی تشبیه می‌کنند که با عدسی بسیار ظریف خود از صحنه‌های مختلف عکس‌برداری می‌کند. عکس‌هایی که به جای فیلم روی شبکیه چشم منعکس می‌شود و از آنجا به وسیله اعصاب بینایی به مغز منتقل می‌گردد، این دستگاه عکس‌برداری فوق‌العاده ظریف و دقیق در شبانه‌روز ممکن است هزاران عکس از صحنه‌های مختلف بردارد. محرومیت‌های جنسی سبب می‌شود که اعصاب جنسی توسعه یافته و شخص از چشم‌چرانی لذت برد و با دیدن اندام جنس مخالف تحریک شود.^۱ خودنمایی زنان بیشترین عامل بروز این بیماری در مردان است. مردان به طور طبیعی نسبت به زیبایی و اندام جنس مخالف حساس‌اند و زنان بد یا بی‌حجاب با خودنمایی در عرصه جامعه این گرایش مردان را تحریک می‌نمایند. قرآن کریم برای رفع این معضل اجتماعی در آیات شریفه سوره نور، از یک طرف مؤمنان اعم از زنان و مردان را مخاطب قرار داده، دستور می‌دهد که نگاه‌های خود را کوتاه ساخته، به نامحرم خیره نشوند و از فساد و آلودگی دوری کنند و از سوی دیگر به زنان دستور می‌دهد پوشش مناسب را رعایت کرده و زیورآلات خود را آشکار نسازند تا جوانان از خود بیخود نشده و دنبال زنان و دختران نامحرم راه نیفتند و امنیت و آرامش خود و دیگران را خدشه‌دار نسازند!

۱. اصول روانکاوی فروید؛ ص ۲۵۷ - ۲۵۹.

۲. نور: ۳۱-۳۰.

۲- ۱. تعریف چشم چرانی

۱. تعریف لغوی:

نظر بازی، نظر کردن بر چهره خوب رویان، خیره چشمی، هرزه‌نگاهی، هرزه‌نگری و نگاه از لذت به روی خوب کردن.^۱

۲. تعریف اصطلاحی:

۱. هرگونه نگاه شهوت‌آمیز به نامحرم و نیز نگاهی است که انسان را در معرض وقوع در حرام نسبت به نامحرم قرار می‌دهد.

۲. شخصی به تماشای خوب رویان از روی هوی و هوس مشغول شود، چه این دیدن و لذت بردن به صورت فعلی و آنی بالمقابل باشد و یا به وسیله پرده تلویزیون و غیره.

۳. اصطلاحاً چشم‌چران شخصی مریض است که از نگاه کردن به چهره و اندام ظاهر و پوشیده خوب رویان لذت و استفاده جنسی می‌جوید.

۴. چشم‌چرانی در مقابل غضب بصر و چشم‌پوشی است و به معنای نگاه خیره و شهوت‌آلود به نامحرم است که با انگیزه لذت‌طلبی جنسی انجام می‌شود. ما در روابط اجتماعی خود با دیگران چه جنس مخالف یا موافق به طور طبیعی با آنها ارتباط حضوری و کلامی داریم و به آنها نگاه می‌کنیم؛ اما نگاه‌هایی که به هیچ وجه در آن بحث تحریک شهوت و لذت جنسی مطرح نیست، این نگاه‌ها داخل در مبحث چشم‌چرانی نیستند؛ ولی نگاه‌های ادامه‌داری که با انگیزه لذت جنسی انجام می‌شود و به تحریک نمودن غریزه میل جنسی می‌انجامند، با عنوان چشم‌چرانی تعریف می‌شود.

۵. چشم‌چران کسی است که از تماشا و نگاه به دیگران لذت می‌برد.

۳- ۱. چشم‌چرانی در آموزه‌های قرآنی

الف) دستور به عفاف چشم مردان: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»^۲: بگو به مؤمنین که چشم‌ها را فرو خوابانند و دامن‌های خودشان را حفظ کنند، این برای آنها پاک‌تر و پاکیزه‌تر است و خدا داناست به آنچه شما انجام می‌دهید.

پیام‌ها:

۱. لازمه ایمان، حفظ نگاه از حرام است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ ... يَغُضُّوا»؛

۱. لغت‌نامه دهخدا؛ ج ۵، ص ۷۱۴۷.

۲. نور: ۳۰.

۲. جاذبه‌های غریزی را باید کنترل کرد: «يَعُضُّوا»؛
۳. گناه را از سرچشمه جلوگیری کنیم و تقوا را از چشم شروع کنیم: «مِنْ أَبْصَارِهِمْ»؛
۴. چشم پاک، مقدمه پاکدامنی است: «يَعُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»؛
۵. پوشش برای مردان نیز واجب است: «يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»؛
۶. چشم چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان است: «يَعُضُّوا يَحْفَظُوا - أَرْكَى»؛
۷. چشم چرانی در محضر خداست، [در محضر خدا معصیت نکنیم]: «يَعُضُّوا ... إِنَّ اللَّهَ

خَبِيرٌ»^۱.

(ب) دستور به عفاف چشم زنان: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲ و به زنان باایمان بگو: چشم‌های خود را [از نگاه هوس آلود] فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را [جز آن مقدار که نمایان است] آشکار ننمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود] و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهران‌شان، یا پدران‌شان، یا پدر شوهران‌شان، یا پسران‌شان، یا پسران همسران‌شان، یا برادران‌شان، یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان، یا زنان هم‌کیش‌شان، یا بردگان‌شان [کنیزان‌شان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه‌رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود [و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد] و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

پیام‌ها:

۱. در لزوم عفت، پاکدامنی و ترک نگاه حرام بین زن و مرد فرقی نیست: «يَعُضُّوا يَغْضُضْنَ يَحْفَظُوا يَحْفَظْنَ»؛
۲. جلوه‌گری زنان در جامعه ممنوع است: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»؛
۳. ظاهر بودن قسمت‌هایی از بدن که به طور طبیعی پیداست، (صورت، دست یا پا) مانعی ندارد: «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»؛

۱. محسن قرآتی؛ تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۱۷۵.

۲. نور: ۳۱.

۴. در میان انواع پوشش‌ها، نام مقنعه و روسری بزرگ آمده و این دلیل بر اهمیّت حجاب است. «بِخُمْرِهِنَّ»؛
۵. هرگونه راه رفتنی که سبب آشکارشدن زیورهای مخفی زن شود، ممنوع است: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ»؛
۶. زن زینت خود را تنها به زنان مسلمان می‌تواند نشان دهد و نزد زنان کفار باید خود را بپوشاند: «نِسَائِهِنَّ»؛ یعنی زنان خودی و مسلمان نه بیگانه.
۷. پوشش زن با تمایلات جنسی مردان نامحرم کاملاً ارتباط دارد؛ بنابراین برای «غَیْرِ أَوْلِيِّ الْإِرْبَةِ» که میلی به همسر ندارد، پوشش لازم نیست.
۸. حجاب و پوشش، واجب است: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ» و هرکاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه کند، ممنوع است: «لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَى مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛
۹. مقدار واجب برای پوشش سر و صورت، انداختن روسری و مقنعه‌ای است که گردن و سینه را بپوشاند: «بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ»؛
۱۰. با حفظ حجاب، حضور زن در جامعه مانعی ندارد: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتِهِنَّ»؛
۱۱. همه مردم نسبت به مسئله نگاه و حجاب مسئولند و برای نگاه‌های حرام خود باید توبه کنند: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ»؛
۱۲. مقتضای ایمان، توبه به درگاه خداوند است: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ»؛ توبه هم واجب است و هم کلید رستگاری است: «تُوبُوا ... تَقْلُحُونَ»؛ توبه راه رستگاری و بازگشت از مسیرهای انحرافی به راه خداست: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ ... تَقْلُحُونَ»^۱.
- ج) خیانت چشم و علم خداوند بدان: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»^۲؛ و چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند، می‌داند و از آنچه در سینه‌ها پنهان است، باخبر است.
- این آیه با اقتباس از تفسیر قرطبی به شخصی اشاره می‌کند که در میان مردم است و نگاه به سوی زنان می‌کند و هر زمانی که مردم او را می‌بینند، چشمان خود را به زمین می‌اندازد یا طوری وانمود می‌کند که هیچ‌گاه نگاهی به آن زن و یا مرد نداشته است.
- از امام صادق ۷ درباره این آیه پرسیدند: حضرت جواب داد: «آیا ندیدی که گاهی آدمی چیزی را به طوری نگاه می‌کند که گویی آن را نگاه نمی‌کند، این خائنة العین است»^۳.
- پس کسی که به چیزهای ناروا به گونه‌ای نگاه می‌نماید که گویی نگاه نمی‌کند، نفاق دارد؛

۱. محسن قرآتی؛ تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۱۷۷.

۲. غافر: ۱۹.

۳. محمدی ری شهری؛ میزان الحکمه؛ ج ۱۳، ص ۶۳۲۱، ح ۲۰۲۷۶.

زیرا در دل چیزی دارد؛ ولی در ظاهر کتمان می‌نماید و از همین رو دور و منافی است.

پیام‌ها:

۱. ارزش‌ها بر اساس انگیزه‌هاست. یک نگاه با انگیزه‌های متفاوت، می‌تواند عبادت و یا خیانت باشد: «خَائِنَةُ الْأَعْيُنِ»؛
۲. علم خداوند تنها به ظاهر نیست، او باطن را هم می‌داند: «خَائِنَةُ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ».

۴ - ۱. چشم‌چرانی در آموزه‌های روایی

الف) روایات منع از چشم‌چرانی

۱. قال ابو عبدالله 7: «الْنَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنًا»! چشم‌چرانی تخم شهوت را در دل می‌کارد و چنین کاری برای نگاه‌کننده کافی است که منشأ فتنه گردد.
۲. نگاه کردن به ناموس دیگران، خواست شیطان است. چشمی که تیرهای آلوده نگاه را به نامحرمان پرتاب می‌کند، محل کمین شیطان است. شیطان از کمان چشم‌های او ناموس دیگران را نشانه می‌گیرد.
۳. حضرت علی 7: «لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲: چیزی در بدن کم‌سپاس‌تر از چشم نیست، خواسته‌اش را ندهید که شما را از یاد خدا بازمی‌دارد.
۴. امام علی 7: «الْعَيْنُ رَائِدُ الْقَلْبِ»: چشم دل را به دنبال خود می‌کشد.^۳
۵. حضرت رسول 6 می‌فرماید: «از نگاه‌های زیادی بپرهیزید؛ زیرا تخم هوس می‌پراکند و غفلت می‌زاید».^۴
۶. حضرت عیسی 7: «از نگاه به نامحرم بپرهیزید که بذر شهوت را بر دل می‌نشانند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است».^۵
۷. حضرت علی 7 به نقل از انجیل: «در تورات نوشته شده زنا نکن؛ ولی من

۱. محمدباقر مجلسی؛ روضة المتقین؛ ج ۹، ص ۴۳۴.

۲. مجلسی؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۵.

۳. آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶.

۴. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۲، ص ۱۹۹.

۵. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول، ص ۳۰۵.

می‌گویم اگر حتی با نظر شهوت‌آلود به کسی نگاه کنی، همان وقت در دلت با او زنا کرده‌ای»^۱.

۸. امام علی ۷: «الْعَيْنُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ»^۲: چشم، قلاب شیطان است. چشم‌پوشی بهترین راه دوری از شهوات است.

۹. پیامبر اکرم ۶: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنْ اللَّهِ اعْطَاهُ اللَّهُ اِيْمَانًا يَجِدُ حَالَاةً فِي قَلْبِهِ»^۳: نگاه بد تیری از تیرهای مسموم شیطان است که هرکس از ترس خدا چشم خود را فرو بندد، خداوند به او ایمانی می‌دهد که از درون خویش شیرینی و مزه آن را احساس می‌کند.

۱۰. پیامبر اکرم ۶: «هرکس چشم خود را از حرام پر کند، در قیامت چشم او از آتش پر خواهد شد؛ مگر اینکه توبه کند»^۴.

۱۱. در جوامع الجامع از ام‌سلمه روایت آورده که گفت: نزد رسول خدا ۶ بودم و می‌مونه هم حاضر بود که پسر ام‌مکتوم آمد و این در موقعی بود که ما را به حجاب امر فرموده بود، به ما فرمود: در پرده شوید، عرضه داشتیم یا رسول الله! ابن‌ام‌مکتوم نابینا است و ما را نمی‌بیند. فرمود آیا شما هم نابینا هستید؟ مگر شما او را نمی‌بینید؟^۵

۱۲. قال رسول الله ۶: «إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ النَّظْرِ فَإِنَّهُ يَبْذُرُ الْهَوَىٰ وَيُولِّدُ الْغَفْلَةَ»^۶: از هرزه چشمی و چشم‌چرانی بپرهیزید؛ زیرا نگاه، هوس و شهوت را می‌رویانند و موجب غفلت می‌شود.

۱۳. امام علی ۷: «الْعَيْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ وَبَرِيدُ الْعَقْلِ»^۷: چشم جاسوس دل و قاصد عقل است.

۱۴. امام علی ۷: «مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثُرَ أَسْفَهُ»^۸: آن‌که کنترل چشم را از دست دهد، حزن و اندوه او بسیار گردد.

۱۵. امام علی ۷: «كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ جَلَبَتْ حَسْرَةً»^۹: چه بسا یک نگاه، حسرتی را به دنبال خود بکشانند.

۱. انجیل متی، ۵ / ۲۷ / ۲۸.

۲. غررالحکم.

۳. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۴، ص ۳۸.

۴. همان، ۷۶، ص ۳۳۶.

۵. طبرسی؛ جوامع الجامع؛ ص ۳۱۴.

۶. پیشین؛ ج ۶۹، ص ۱۹۹.

۷. همان؛ ج ۱۰۱، ص ۴۱.

۸. همان؛ ج ۷۴، ص ۲۸۸.

۹. همان؛ ج ۶۸، ص ۲۹۳.

۱۶. امام صادق ۷: «كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً»؛ چه بسا یک نگاه گناه‌آلود، آرزو و حسرت طولانی را به جای می‌گذارد.
۱۷. امام صادق ۷: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً: عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَعَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ حَسْبَةِ اللَّهِ»؛^۲ تمام چشم‌ها در قیامت گریان است؛ مگر سه چشم: چشمی که هنگام دیدن حرام فرو افتد و چشمی که در اطاعت خدا بیداری کشد و چشمی که در دل شب از خوف خدا اشکی بریزد. این چشمان دیگر تلخی گریه قیامت را به خود نخواهند دید.
۱۸. رسول خدا ۶: «مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَحَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»؛^۳ آن‌که چشمانش را از نگاه به زن نامحرم پر کند، روز قیامت خداوند چشمانش را با میخ‌های آتشین و از آتش پر کند تا وقتی که به حساب مردم رسیدگی کند، سپس امر می‌شود که او را به جهنم ببرند.
۱۹. امام رضا ۷ فلسفه حرمت نگاه حرام به زنان را چنین بیان می‌کنند: «این کار مردان را تهییج و در اثر آن به فساد روی می‌آورند».^۴
۲۰. امام علی ۷: «هرکس چشم خویش را آزاد گذارد، همیشه اعصابش ناراحت است».^۵
۲۱. امام صادق ۷: «نگاه پیاپی [به نامحرم]، بذر شهوت را در دل می‌افشاند و همین امر برای هلاکت بیننده‌اش کافی است».^۶
۲۲. پیامبر اکرم ۶: «هر چشمی زناکار است و زن وقتی خوشبو شود و بر انجمنی بگذرد، زناکار است».^۷
۲۳. پیامبر اکرم ۶: «خداوند بر آدمیزاد قسمتی از زنا را رقم زده است که به ناچار آن را مرتکب می‌شود: زناي چشم، نگاه نارواست و زناي زبان، سخن بیجا است».^۸
۲۴. پیامبر اکرم ۶: «بر فرزند آدم سهم وی از زنا مقرر است که ناچار مرتکب می‌شود، زناي چشمان، نگاه است و زناي گوش‌ها، سماع است و زناي زبان، سخن است

۱. شیخ صدوق؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ ص ۲۶۲.

۲. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۱، ص ۱۷۹.

۳. پیشین؛ ص ۳۳۸.

۴. شیخ صدوق؛ علل الشرایع؛ ج ۲، باب ۳۶۹، ح ۱.

۵. کلینی؛ کافی؛ ج ۸، ص ۲۳.

۶. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۱۸، ح ۴۹۷۰.

۷. نهج الفصاحه؛ ح ۲۱۵۷.

۸. همان؛ ح ۷۱۱.

و زناى دست، تعدّی است و زناى پا، رفتن است، قلب هوس کند و آرزو کند.^۱

ب) روایات معالجه خوی زشت چشم چرانی

۱. از امیرمؤمنان علی ۷ سؤال کردند به کمک چه چیزی می توان چشم از نامحرم پوشید؟ فرمودند: «با خاموش کردن آتش شهوت زیر نظر قدرتمندی که بر مخفی گاهت آگاه است».^۲

۲. شخصی از امام صادق ۷ پرسید: آیا نگاه کردن به پشت سر زنهایی که عبور می کنند جایز است؟ حضرت پاسخ داد: «اگر به ناموس شما این گونه نگاه کنند، خوشنود می شوید؟! آن گاه فرمود: برای مردم همان را بخواهید که برای خود می خواهید».^۳

۳. امیر مؤمنان علی ۷ برای گریز از خطر آلوده شدن و رهایی از دام شیطان هنگام روبه رو شدن با نامحرم، این گونه رهنمود می دهد: «اگر یکی از شما زنی را دید و خوشش آمد، چشم از او برداشته، نزد همسر خود رود که آنچه او دیده است، همسرش نیز دارد و مواظب باشد که شیطان را بر دل خویش راه ندهد و آن که متأهل نیست، دو رکعت نماز بخواند و خدا را زیاد سپاس گوید و صلوات بر پیامبر و خاندانش فرستد، آن گاه از فضل خدا بخواهد و خدا نیز با رحمت خویش او را از راه مباح بی نیاز می گرداند».^۴

۴. رسول خدا ۶ به امیر المؤمنین ۷ فرمود: «یا علی اولین نظری که به زن اجنبی کنی، عیبی ندارد؛ ولی نظر دوم مسئولیت دارد و جایز نیست».^۵

۵. رسول خدا ۶ به علی ۷ فرمود: «دنبال نگاه به نامحرم، نگاهی دیگر مکن که اولی برایت بس است و دومی را حق نداری».^۶

۶. حضرت علی ۷ فرمود: «لکم اول نظرة الى المرأة فلا تتبعوها بنظرة اخرى و احذروا الفتنة»:^۷ نگاه اول مانعی ندارد؛ ولی ادامه نگاه اشکال دارد؛ زیرا سبب فتنه می شود.

۷. پیامبر اکرم ۶: «هفت گروه اند که خدا در روزی که سایه ای جز سایه او نیست، به سایه عرش خودش می برد: مردی که دل او به مسجدها علاقه دارد؛ مردی که زن صاحب مقامی از او کام خواهد (درخواست اعمال نامشروع) و گوید از خدا بیم دارد؛ مردانی که در راه خدا دوستی کنند. مردی که از محارم خدا چشم بازدارد؛ چشمی که در

۱. همان: ح ۲۱۲۲.

۲. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۱، ص ۴۱۱.

۳. میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۵۵۵.

۴. ابن جمعه حویزی؛ تفسیر نورالتقلین؛ ج ۳، ص ۵۸۶.

۵. شیخ صدوق؛ الخصال؛ ص ۳۰۶.

۶. سیوطی؛ الدر المنثور؛ ج ۵، ص ۴۰.

۷. تفسیر کنز الدقائق.

راه خدا نگهبانی کند و چشمی که از ترس خدا بگرید.^۱

پیام‌های درس:

۱. هرزه‌نگاری یا شهوانگاری تجسمی بی‌پرده از مسائل جنسی با هدف تحریک یا ارضای جنسی است که در قالب‌های مختلف از جمله کتاب، فیلم و مجله ارائه می‌شود.
۲. از لحاظ عرف عمومی و اجتماعی، هرزه‌نگاری به معنای مطالبی است که از لحاظ جنسی آشکار هستند و عمدتاً به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شوند.
۳. چشم‌چرانی در مقابل غضب و چشم‌پوشی است و به معنای نگاه خیره و شهوت‌آلود به نامحرم است که با انگیزه لذت‌طلبی جنسی انجام می‌شود.
۴. لازمه ایمان، حفظ نگاه از حرام است.
۵. چشم پاک مقدمه پاکدامنی است.
۶. چشم‌چرانی و بی‌عفتی مانع رشد معنوی انسان است.
۷. یک نگاه با انگیزه‌های متفاوت، می‌تواند عبادت و یا خیانت باشد.
۸. چشم، دل را به دنبال خود می‌کشد.
۹. چشم، قلاب شیطان است و چشم‌پوشی بهترین راه دوری از شهوات است.
۱۰. هرکس چشم خود را از حرام پر کند، در قیامت چشم او از آتش پر خواهد شد، مگر اینکه توبه کند.
۱۱. چشم، جاسوس دل و قاصد عقل است.
۱۲. آن‌که کنترل چشم را از دست بدهد، حزن و اندوه او بسیار گردد.
۱۳. اگر یکی از شما زنی را دید و خوشش آمد و متأهل نبود، دو رکعت نماز بخواند و خدا را زیاد سپاس گوید و صلوات بر پیامبر و خاندانش فرستد، آن‌گاه از فضل خدا بخواهد و خدا نیز با رحمت خویش او را از راه مباح بی‌نیاز می‌گرداند.
۱۴. خدا در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست، فردی که از محارم خدا چشم بازدارد، چشمش در راه خدا نگهبانی کند و چشمش از ترس خدا بگرید را به سایه عرش خودش می‌برد.

سؤالات درس:

۱. مراد از هرزه‌نگاری چیست و در چه قالب‌هایی ارائه می‌گردد؟
۲. انواع هرزه‌نگاری را نام ببرید؟

۱. نهج الفصاحه: ح ۱۷۳۱

۳. اصطلاحاً چه شخصی را چشم‌چران می‌نامند؟
۴. در آیات و روایات مقدمه پاکی و حفظ از حرام و مقدمه بی‌عفتی و شروع گناه چه چیزی نام‌گذاری شده است؟
۵. با توجه به روایات ارائه شده در متن درس، چشم‌چرانی چه عواقب سوئی را برای شخص چشم‌چران پدید می‌آورد؟

چشم‌چرانی (۲)

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. انواع نگاه‌ها؛
۲. مصادیق انواع نگاه‌ها؛
۳. فلسفه حرمت چشم‌چرانی در اسلام.

۵ - ۱. انواع نگاه‌ها^۱

۱. نگاه‌های عبادتی:

۱. نگاه به پدر و مادر.^۲
۲. نگاه به قرآن.^۳
۳. نگاه به امام.^۴
۴. نگاه به رهبر عادل.^۵
۵. نگاه به کعبه.^۶

۱. بخشی از مباحث، برگرفته از مجموعه فیش‌های تبلیغی حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی است؛ مبحث نگاه؛ ص ۱ - ۶.
۲. قال رسول الله ﷺ: «ما ولد بار نظر إلى ابويه برحمة الا كان له بكل نظرة حجة مبرورة. فقالوا: يا رسول الله و ان نظر في كل يوم مائة نظرة؟ قال: نعم، الله اكبر و اطيب»: هر فرزند نیکوکاری که با مهربانی به پدر و مادرش نگاه کند، در مقابل هر نگاه، ثواب یک حج کامل مقبول به او داده می‌شود، سؤال کردند حتی اگر روزی صد مرتبه به آنها نگاه کند؟ فرمود: آری خداوند بزرگ‌تر و پاک‌تر است. (بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۷۳)؛ نظر الولد إلى والدیه حبا لهما عبادة؛ نگاه‌کردن فرزند به پدر و مادرش از روی محبت، عبادت محسوب می‌شود. (تحف العقول؛ ص ۴۴).

۳. قال الصادق^۷: «النظر في المصحف عبادة» (کافی؛ ج ۲، ص ۶۱۳).

۴. قال رسول الله ﷺ: «النظر إلى علي^۷ عبادة» (المالی صدوق؛ ص ۳۶۱).

۵. قال رسول الله ﷺ: «النظر إلى الامام المفسط عبادة» (مجموعه ورام؛ ج ۲، ص ۱۷۵).

۶. قال الصادق^۷: «النظر إلى الكعبة عبادة» (کافی؛ ج ۴، ص ۲۴۰).

۶. نگاه به عالم.^۱
۷. نگاه به سادات.^۲
۸. نگاه به دریا.^۳
۹. نگاه به فرزند.^۴

۲. نگاه‌های سازنده:

۱. نگاه به سبزه و چمن.^۵
۲. نگاه به آب جاری.^۶
۳. نگاه به صورت انسان مؤمن.^۷
۴. نگاه به ماه.^۸
۵. نگاه به آینه.^۹
۶. نگاه به پایین‌تر از خود در مسائل دنیایی.^{۱۰}
۷. نگاه به محرومان.^{۱۱}
۸. نگاه به آیات خلقت الهی در حیواناتی مثل شتر و مورچه.^{۱۲}
۹. نگاه به آسمان.^{۱۳}
۱۰. نگاه به غذا.^{۱۴}

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «النَّظَرُ إِلَيَّ وَجْهَ الْعَالَمِ عِبَادَةَ» (عوالی اللثالی؛ ج ۴، ص ۷۳).
۲. قَالَ الرَّضَا ۷: «النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ» (وسائل الشيعة؛ ج ۱۲، ص ۳۱۱).
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ عِبَادَةٌ» (صحيفة الرضا ۷؛ ص ۹۰).
۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَلَدِهِ فَسَرَّهُ كَانَ لِلْوَالِدِ عَتَقٌ نَسَمَةً قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ سَتَيْنِ وَثَلَاثِمِائَةٍ نَظْرَةً قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ» (روضه الواعظين؛ ج ۴، ص ۳۶۹)؛ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «مَنْ نَظَرَ إِلَى أَخِيهِ نَظْرَ مَوَدَّةٍ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ أَحَنَّةٌ لَمْ يَطْرَفْ جِئِي يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ» (نهج الفصاحة؛ ۲۷۸۱).
۵. قَالَ الْكَاطِمُ ۷: «ثَلَاثَةٌ يَجْلُونَ الْبَصَرَ النَّظْرُ إِلَى الْخَضِرَةِ وَ النَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ» (المحاسن؛ ج ۲، ص ۶۲۲).
۶. همان.
۷. همان.
۸. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ۷: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَلَالِ رَفَعَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ رَبِّي وَ رَبُّكَ اللَّهُ» (إمالي طوسي؛ ص ۴۹۵).
۹. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ۷: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا نَظَرَ فِي الْمَرْأَةِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْمَلَ خَلْقِي وَ أَحْسَنَ صُورَتِي وَ زَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي وَ هَدَانِي لِلْإِسْلَامِ وَ مَنَّ عَلَيَّ بِالنَّبُوَّةِ» (النوادر راوندی؛ ص ۱۶).
۱۰. پیامبر ﷺ فرمود: «در مسائل دنیایی به پایین‌تر از خودت نگاه کن تا شکرگزار باشی. در مسائل دینی به مافوق نگاه کن تا الگو بگیری» (کنز العمال).
۱۱. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «مَنْ نَظَرَ إِلَيَّ مَسْكِينٍ نَظَرَ رَحْمَةَ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ نَظَرَ رَحْمَةً» (کنز العمال؛ ۴۳۴۵).
۱۲. «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خَلَقَتْ وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (غاشیه؛ ۱۷-۱۸)؛ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «انظروا إلى النملة في صغر جثتها و لطافة هيئتها» (نهج البلاغه؛ خطبه ۱۸۵).
۱۳. «وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (غاشیه؛ ۱۸)؛ «وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَثِيرَ النَّظَرِ إِلَى السَّمَاءِ...» (کنز العمال).
۱۴. «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس؛ ۲۴). نگاه کند که چه دست‌هایی در کار بوده است؟ نگاه کند که حلال است یا حرام؟ نگاه کند که لابه‌لای غذا سنگی نباشد. نگاه کند که آیا دیگران هم دارند یا نه؟ نگاه کند تا قدرت‌نمایی خدا را ببیند. نگاه کند که در هضم و نشاط آن مؤثر است. نگاه کند به غذای خود، نه لقمه دیگران. نگاه کند که قدرت حاصل از

۱۱. نگاه به رفعت کوه‌ها.^۱

۱۲. نگاه به وسعت و شگفتی‌های زمین.^۲

۱۳. نگاه به عیوب خویش.^۳

۱۴. نگاه عبرت‌آمیز به اطراف.^۴

۱۵. نگاه عمیق.^۵

۳. نگاه‌های غفلتی:

۱. نگاه از روی بی‌توجهی.^۶

۲. نگاه از روی لهو و لعب.^۷

۴. نگاه‌های شهوانی:^۸

نگاه به نامحرم، دیدن عکس‌ها و فیلم‌های تحریک‌آمیز، و مشاهده شبکه‌های مبتذل و سایت‌های مستهجن بخشی از نگاه‌های شهوانی هستند.

۵. نگاه‌های حرام:

۱. نگاه به چهره آرایش‌کرده زن.

۲. نگاه به زیورآلات زن.

۳. نگاه به عکس بی‌حجاب زن آشنا.

۴. نگاه با ریه (ترس افتادن به حرام).

۵. نگاه زن به بدن مرد نامحرم (به جز صورت و دست‌ها).^۹

غذا را کجا مصرف می‌کند؟ نگاه کند که غذا از چه اجزائی تشکیل شده است؟ نگاه کند به غذا که اگر از آن کار مفیدی انجام ندهی، تبدیل آن به نجاست کاری حیوانی است.

۱. «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نَصَبَتْ» (غاشیه: ۱۹-۱۷).

۲. «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سَطَحَتْ فَذَكَرُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ» (غاشیه: ۲۱-۱۷).

۳. قال امیر المؤمنین ^۷: «عقل الناس من كان بعينه بصيرة» (میزان)؛ قال امیر المؤمنین ^۷: «مَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَإِنَّكَرَهَا ثُمَّ رَضِيَهَا لِنَفْسِهِ فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ بَعِينَهُ» (نهج البلاغه؛ حکمت ۴۳۹)؛ قال امیر المؤمنین ^۷: «مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ شَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ» (تحف العقول؛ ص ۸۸).

۴. «سَبَرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام: ۱۱)؛ قال الصادق ^۷: «زَكَاةُ الْعَيْنِ النَّظَرُ بِالْعَبْرَةِ» (بحار الانوار؛ ج ۹۳، ص ۷)؛ قال امیر المؤمنین ^۷: «طَوْبَى لِمَنْ كَانَ نَظَرُهُ عَبْرَةً» (ثواب الاعمال؛ ص ۱۷۷).

۵. قال امیر المؤمنین ^۷: «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا» (نهج البلاغه؛ حکمت ۴۳۲).

۶. در صورتی که نگاه‌های روزانه از روی بی‌توجهی باشد، سبب تباهی و تلف شدن عمر انسان می‌گردد.

۷. نگاه بیهوده و بی‌هدف؛ یعنی فقط می‌بیند.

۸. قال الصادق ^۷: «فَرَكَاةُ الْعَيْنِ الْغَضُّ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَا يُضَاهِيهَا»؛ پس زکات چشم، چشم‌پوشیدن از شهوات و آنچه شبیه شهوات است» (بحار الانوار؛ ج ۹۳، ص ۷).

۹. البته در این مسئله بین مراجع اختلاف نظر وجود دارد. به سؤال و استفتای زیر توجه فرمایید: سؤال: حکم نگاه کردن زن به بازو و رانج مرد نامحرم چیست؟ پاسخ: امام، خامنه‌ای، صافی: جایز نیست. بهجت: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد.

۶. نگاه مرد به تمام بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست‌ها تا مچ).^۱
۷. نگاه هوس‌آلود (هرچند به صورت و دست‌ها و یا به بدن هم‌جنس).^۲
۸. نگاه به فیلم‌های مستهجن.^۳
۹. نگاه به داخل خانه دیگران.^۴
۱۰. نگاه ترس‌آور.^۵
۱۱. نگاه مسخره‌آمیز.^۶
۱۲. نگاه حسودانه.^۷
۱۳. نگاه به نوشته دیگران بدون اجازه.^۸

۶ - ۱. دلیل بازداشته‌شدن مردان و زنان از نگاه ناروا:

نگاه بزرگ‌ترین خائن روانی است که روان انسان را می‌آزارد؛ چون وقتی ببیند محبت طرف مقابل در دل او جای می‌گیرد و همیشه در فکر و خیال او به سر می‌برد، لذت طاعت و عبادت را نمی‌بیند، درصدد و فکر رسیدن به مطلوب خود خواهد بود که در این مورد تمام مرزها را در نور دیده و قیود را از هم می‌گسلد.

در توصیف رسول اکرم آمده است: «و کان خافض الطرف، نظره الارض اطول من نظره الی السماء... و کان اشد الناس حیاء»؛^۹ آن حضرت فروهسته چشم بود، نگاهش به زمین طولانی‌تر از نگاهش به آسمان بود... و از همه مردم در حیاء شدیدترین بود.

۱. امام صادق^۷ درباره نگاه مجاز به زن نامحرم فرمود: «الوجه و الکفین و القدمین»: نگاه به صورت و کف دست‌ها و روی پاها جایز است، [لکن بدون شهوت] [تفسیر کنز الدقائق].
۲. برگرفته از رساله دانشجویی؛ احکام نگاه؛ ص ۲۰۲.
۳. در اثر نگاه به این‌گونه فیلم‌ها، اعمالی به شخص تلقین می‌شود که روح وی را مشوش می‌نماید و با وجود تأثیرگذاری این‌گونه فیلم‌ها، انسان ترغیب به اعمال نامشروع و دور از اخلاق می‌شود. از جمله پیامدهای سوء تماشای این فیلم‌ها که کارشناسان نیز به آن تصریح کرده‌اند، ترویج هوس‌رانی به صورت وحشیانه، آزادگرایی و انحرافی است که بر آزادی بی‌حد و حصر جنسی تأکید می‌نماید که این نیز خود یک نوع بیماری روانی خطرناک است. بیماری‌های جسمی دیگری حاصل از نگاه‌هایی که انسان را به اعمال غیر اخلاقی وادار می‌سازد، وجود دارد و از جمله آنها بیماری‌های مقاربتی، سوزاک، سیفلیس و... است.
۴. قال رسول الله ﷺ: «مَنْ اطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَتَنَّظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ النَّارُ» (نواب الاعمال؛ ص ۲۸۲).
۵. قال رسول الله ﷺ: «مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَةً لِيُخَيِّفَهُ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ» اکافی؛ ج ۲، ص ۳۶۸.
۶. «وَيَلِّ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لَمْزَةً» (همزه: ۱).
۷. «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزَلُّونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ» (قلم: ۵۱)؛ قال النبي ﷺ: «استعيذوا بالله من العين» (نهج الفصاحه؛ ۲۸۰).
۸. قال النبي ﷺ: «من نظر في كتاب أخيه بغير إذنه فكأنما ينظر إلى النار» (نهج الفصاحه؛ ۲۸۴۶).
۹. ضعيف الجامع؛ ص ۴۷۰.

پیام‌های درس:

۱. نگاهی عبادت است که آمیخته از « اطاعت » و « فروتنی » باشد، همچنین فرمانبری از معبود را در پی داشته باشد؛ مانند نگاه به قرآن، پدر و مادر، امام، رهبر و
۲. نگاهی را سازنده گویند که بداع‌کننده، ایجادکننده، پدیدآورنده، آفریننده، انتظام‌دهنده و بسامان‌کننده روح، پاکی و صفا در وجود آدمی باشد؛ مانند نگاه به نشانه‌های خلقت الهی در انسان‌ها، حیوانات، طبیعت و
۳. نگاهی غفلتی است که از روی بی‌توجهی باشد و سبب تباهی و تلف‌شدن عمر آدمی گردد.
۴. نگاه‌هایی شهوانی است که آرزو، میل، رغبت، اشتیاق، خواهش و شوق نفس در حصول لذت و منفعتی پوچ و دنیایی را در پی داشته باشد.
۵. نگاه‌های حرام آن است که ترک آن بر مکلف لازم و انجامش عذاب دارد؛ به عبارت دیگر نگاه‌هایی که در شرع مقدس ناروا و ممنوع گردیده است؛ مانند هر نوع نگاهی که روح انسان را مشوش نموده و وی را ترغیب به اعمال نامشروع و دور از اخلاق بنماید.
۶. فلسفه حرمت چشم‌چرانی در اسلام به دلیل آن است که لذت طاعت و عبادت را از انسان می‌گیرد و باعث آن می‌شود که آدمی برای رسیدن به مطلوب خود از تمام مرزها و قیود عبور کند.

سؤالات درس :

۱. انواع نگاه‌ها را نام ببرید؟
۲. چرا نگاه به قرآن، پدر و مادر، امام، رهبر، کعبه و ... نگاه عبادتی محسوب می‌شوند؟
۳. چه نوع نگاه‌هایی را سازنده می‌گویند؟ وجه نام‌گذاری این نوع نگاه‌ها به سازنده چیست؟
۴. چه نوع نگاه‌هایی مصداق نگاه غفلتی و شهوانی است؟
۵. نگاه‌های حرام در شرع مقدس اسلام را نام برده و فلسفه بازداشته‌شدن مردان و زنان را از این نوع نگاه‌ها بفرمایید؟

چشم‌چرانی (۳)

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۴. عوامل چشم‌چرانی؛
۵. اثرات و پیامدهای چشم‌چرانی در زندگی دنیوی (فردی، خانوادگی، اجتماعی) و زندگی اخروی؛
۶. چشم‌پاکی و نتایج و فواید آن.

۷ - ۱. عوامل چشم‌چرانی:

۱. محیط بی‌بند و بار و دسترسی آسان به این‌گونه محیط‌ها؛
۲. ضعیف‌شدن ایمان؛
۳. گرایش به لذات دنیایی نامشروع؛
۴. بدحجابی و بی‌حجابی زنان؛^۱
۵. نگاه به زنان نامحرم از روی لذت و شهوت؛^۲
۶. چشم‌دوختن به صحنه‌های تحریک‌کننده و نظر انداختن به آنچه که تهییج را به دنبال دارد؛

۱. اما این نکته دلیل نمی‌شود که مردان نامحرم مجاز باشند به آنها نگاه‌های هوس‌آلود و شهوانی داشته باشند! بلکه هر انسان بالغ و عاقلی خود پاسخ‌گوی اعمال خود می‌باشد؛ زیرا انسان دارای اختیار است و می‌تواند با وجود مهیابودن زمین‌های گناه خود را کنترل کرده و مرتکب گناه نشود.

۲. اگر نگاه از روی لذت و شهوت در دوران قبل از ازدواج به زنان نامحرم ادامه و استمرار پیدا نماید و توبه از این کار ننماید، قطعاً این انحراف در دوران پس از ازدواج تأثیر منفی در محبت متقابل بین همسران می‌گذارد و حتی ممکن است منجر به اختلاف و جدایی شود.

۷. وجود حس خودنمایی در زنان؛^۱

۸. عامل غفلت و فراموشی.^۲

۸ - ۱. پیامدهای چشم چرانی

۱. اثرات و پیامدهای مخرب چشم چرانی در زندگی دنیوی

(الف) فردی:

۱. چشم چرانی انسان را از مرز و حریم عفت خارج ساخته و سبب آلودگی، لودگی و انحرافات جنسی می گردد.
۲. چشم چرانی اخلاق انسان را تباہ ساخته و او را در پرتگاه سقوط قرار می دهد.
۳. چشم چرانی سبب تسلط شیطان بر دل انسان و افتادن در دام شیطان است.^۳
۴. چشم چرانی، مقدمه هلاکت است و زمینه ابتلای انسان به سایر انحرافات را فراهم می کند.^۴
۵. چشم چرانی سبب تحریک شهوت و ایجاد فتنه است.^۵
۶. چشم چرانی سبب کوری چشم می شود.^۶
۷. چشم چرانی حسرت و اندوه طولانی را برای شخص چشم چران به ارمغان می آورد.^۷
۸. چشم چرانی باعث می شود خانواده فرد چشم چران نیز از چشم های ناپاک در امان

نماند.^۸

۱. مردان به طور طبیعی نسبت به زیبایی و اندام جنس مخالف حساس اند و زنان بد یا بی حجاب با خودنمایی در عرصه جامعه این گرایش مردان را تحریک می نمایند. خداوند متعال در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب نیز به زنان دستور می دهد: «در محاورات روزمره حالت عادی داشته و با ناز و کرشمه و طنز و صحبت نکنید و در کوچه و خیابان با بدن های نیمه عریان و لباس های بدن نما ظاهر نشوید».

۲. چشم چرانی یکی از مصادیق حب دنیا و عامل مهمی برای بروز غفلت از یاد خدا و خود است. غفلت همان چالش اساسی است که انسان در سر راه کمال و سعادت خود دارد و بیداری اولین نیاز او برای حرکت در این مسیر است. چشم چرانی باعث می شود که انسان هر چه بیشتر به خواب رود و از پیداری و یاد خدا دور ماند. حضرت علی علیه السلام درباره مواظبت و حفاظت از چشم ها فرمود: «لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقْلُ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا فَتَسْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»: چیزی در بدن کم سپاس تر از چشم نیست، خواسته اش را ندهید که شما را از یاد خدا باز می دارد. (بحار الانوار؛ ج ۱۰۱، ص ۳۵).

۳. توصیه ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام داشت، این بود: «أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ وَ النَّائِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ النَّظْرَةُ الثَّلَاثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ...» اولین نگاه از آن توست؛ ولی دومین نگاه به ضرر تو تمام خواهد شد؛ زیرا دومین نگاه به وسیله شیطان هدایت می گردد. نگاه سوم یکی از تیرهای زهر آلود شیطان است... (دعائم الاسلام؛ ج ۲، ص ۲۰۲).

۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «نگاه اول خطا است، نگاه دوم عمد است و نگاه سوم موجب هلاکت است».

۵. امام صادق علیه السلام: «نگاه دوباره به نامحرم، شهوت را در دل غرس می کند و این کار برای صاحب آن از حیث فتنه کافی است». (من لایحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۱۸، ح ۴۹۷۰).

۶. یک چهارم مغز اطلاعات بینایی را تحلیل و ذخیره می کند؛ بنابراین کسانی که نگاه جنسی به نامحرم دارند متابولیسم قند و چربی خونشان دچار تغییرات گسترده شده و این افزایش قند خون و چربی باعث می شود تا از عوارض قند خون که از جمله آن کوری چشم است، در امان نمانند.

۷. امام صادق علیه السلام می فرماید: «چه بسا نگاه هایی که غصه های طولانی را در پی دارد».

۸. در روایات آمده است: از هر دستی بگیری با همان دست پس می گیری، همان طور که فرموده اند: آن گونه که جزا

۹. چشم چرانی سبب طغیان شهوت جنسی و هوس های حیوانی و ایجاد حسرت های طولانی خواهد شد. در نتیجه موجب مغلوب شدن عقل و سست شدن اراده و اختیار می گردد و انسان را مجبور می کند به طرف عملی برود که شرعاً بر او حرام است.^۱
۱۰. چشم چرانی با اصل آرامش در زندگی و داشتن اعتدال و میانه روی تناقض دارد؛ زیرا چشمی که عادت به دیدن مسائل حرام کند، صاحبش را از زندگی عادی جدا می سازد.^۲
۱۱. چشم چرانی مقدمه تشدید اختلافات خانوادگی است.
۱۲. چشم چرانی سبب می گردد شخص چشم چران محبوب خداوند نگردد و خداوند او را دوست نداشته باشد.^۳
۱۳. چشم چرانی آرامش روانی انسان را از بین می برد.^۴
۱۴. چشم چرانی سبب سلب آسایش فکری در انسان می شود.^۵
۱۵. چشم چرانی سبب از بین رفتن حرمت انسانی می گردد.^۶
۱۶. چشم چرانی مقدمه جمع شدن بسیاری از رذایل اخلاقی در وجود انسان است.^۷
۱۷. چشم چرانی زمینه پیدایش بیماری های جنسی و روانی است.^۸

دهی جزا بینی: «کَمَا تُدِينُ تُدَانُ» (فروع کافی؛ ج ۵، ص ۵۵۳)؛ یا امام صادق علیه السلام فرمود: در زمان حضرت موسی علیه السلام مردی با زنی زنا کرد، وقتی به خانه خویش آمد، مردی را با زن خود دید، آن مرد را نزد حضرت موسی آورد و از او شکایت کرد. در آن لحظه جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و گفت: هر کس به ناموس دیگران تجاوز کند، به ناموس خودش تجاوز کند. حضرت موسی به آن دو فرمود: با عفت باشید تا ناموستان محفوظ بماند. (فروع کافی؛ ج ۵، ص ۵۵۳)؛ شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا نگاه کردن به پشت سر زن هایی که عبور می کنند جایز است؟ حضرت پاسخ داد: اگر به ناموس شما این گونه نگاه کند، خوشنود می شوید؟! آن گاه فرمود: برای مردم همان را بخواهید که برای خود می خواهید. (مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۵۵۵).

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «چه بسا یک نگاه کوتاه، حسرت بلند و درازی را به ارث بگذارد».
۲. امام علی علیه السلام می فرماید: «کسی که نگاهش را کاهش دهد، قلبش آرام می گیرد». (غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۵، ص ۴۴۹).
۳. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»: خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد. (بقره: ۱۹۰)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا»: خداوند افراد خیانت پیشه گنجهکار را دوست ندارد. (نساء: ۱۰۷)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ»: خداوند خائنان را دوست نمی دارد. (انفال: ۵۸)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ»: خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد. (حج: ۳۸)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»: خدا مفسدان را دوست ندارد. (قصص: ۷۷).
۴. وقتی نگاه حریم میان زن و مرد را می شکنند، دریچه ای از هیجان و التهاب به روی خود باز می کند و هر چه نگاه ادامه می یابد، عطش غرایز سیری ناپذیرتر می گردد.
۵. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «مَنْ أَطْلَقَ نَاطِرَهُ أَتَعَبَ حَاضِرَهُ مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتُهُ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ»: هر کس دیده خود را رها سازد، آسایش خود را سلب کرده است. (جامع الاخبار؛ ص ۹۳).
۶. همان گونه که حجاب و پوشش، نوعی حریم بین زن و مرد ایجاد می کند، پرهیز از هرزگی در نگاه و دوری از چشم چرانی حریمی دیگر در روابط این دو جنس به وجود می آورد.
۷. بسیاری از رذایل اخلاقی با نگاه حرام ارتباط مستقیم دارند. برخی از آن رذایل عبارتند از: ۱. حسد؛ ۲. بی عفتی (زنا، لواط، مساحقه، استمناء)؛ ۳. آرزوی دراز؛ ۴. قتل؛ ۵. احساس خواری در نفس؛ ۶. بی غیرتی و بی حمیتی؛ ۷. طمع؛ ۸. اعتراض به ارادات خداوند و کفران نعمت؛ ۹. نفاق.
۸. یکی دیگر از اثرات مخرب نگاه حرام، ابتلا به بیماری های روانی است. به گونه ای که نگاه کننده به این عمل شنیع معتاد می شود. در چنین شرایطی حتما نگاه کننده، اراده خدادادی خود را ضعیف می بیند و از اینکه نمی تواند بر چشم خویش مسلط شود، بیماری هایی مانند افسردگی و... به سراغ او می آید. واضح است بیماری های روانی اشخاص،

۱۸. چشم‌چرانی باعث می‌شود که شخص چشم‌چران به افراد با عنوان ابزاری برای کام‌روایی توجه نماید و به فرد نه از زاویه یک انسان با کمالات والا و ارزش‌های متعالی، بلکه از زاویه برآوردن نیازهای شهوانی خویش بنگرد.

۱۹. چشم‌چرانی سبب می‌گردد شخص چشم‌چران نزد دیگران اعتبار و آبرو نداشته باشد.

ب) خانوادگی - اجتماعی:

۱. بالارفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی.^۱

۲. فرار از خانه.^۲

۳. به خطر افتادن سلامت و امنیت اجتماعی.^۳

۴. توسعه فساد و فحشاء در جامعه.^۴

۵. بی‌اهمیتی به جامعه و آینده خود و دیگران.^۵

۶. ایجاد نگرانی و اضطراب و تشویش در سطح جامعه.^۶

۲. اثرات و پیامدهای ویرانگر چشم‌چرانی در زندگی اخروی:

۱. چشم‌چرانی سبب پرکردن چشم‌های آدمی در قیامت از میخ‌های آتشین و آتش

می‌شود.^۷

می‌تواند بیماری‌های جسمی را شدت بخشیده و یا اینکه باعث بیماری‌های جسمی شود. به طور مثال کسی که به چشم‌چرانی معتاد شده، به واسطه نگاه، شهوت او دائماً در حال جوشش است و لازم است این شهوت لجام گسیخته را مهار کند، در این حالت انسان چشم‌چران یا به فکر خودارضایی می‌افتد و یا درصدد مهار شهوت به وسیله اعمال منافی عفت از جمله زنا و لواط می‌افتد.

۱. در بی‌رها شدن نگاه و به دنبال آن قوه شهویه لجام گسیخته، روابط خانوادگی به شدت تضعیف شده و دربی آن طلاق و خطرات بعد از آن شروع می‌شود.

۲. وقتی که دختران و پسران با نگاه حرام به استقبال روابط نامشروع می‌روند، کم‌کم در ورطه گناه و فساد جنسی قرار می‌گیرند و به همین دلیل بیرون از خانه را امن‌تر از خانه می‌دانند و در چنین شرایطی، تصمیم به فرار از خانه می‌گیرند.

۳. وقتی در بین جامعه‌ای نگاه حرام به صورت یک عادت غلط در می‌آید، همه گرفتار آن می‌شوند. در چنین جامعه‌ای از امنیت خبری نیست و دلیل آن این است که نگاه حرام، اول راه است و بعد فساد و هتک حرمت به وجود می‌آید. در واقع نگاه‌های آلوده، مسموم و شهوت‌انگیز آتش درون را شعله‌ور می‌سازد که فرایند و محصولی جز فحشا، سیاهی دل، مشکلات و نارسایی‌هایی اجتماعی نخواهد داشت. چشم‌چرانی دام شیطانی، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است که دل را می‌لرزاند، آرامش و ثبات را سلب نموده و باعث هرج و مرج و فتنه و فساد در جامعه می‌شود.

۴. کسانی که چشم‌چرانی می‌کنند، انسان‌هایی هستند که به شهوت‌رانی متمایل هستند و از اینکه فساد و فحشا در جامعه گسترش پیدا کند، خوشحال می‌شوند؛ زیرا راه برای شهوت‌رانی و هوسرانی آنها در جامعه باز می‌شود. به همین دلیل چشم‌چرانی رابطه مستقیم با فساد و فحشا دارد؛ یعنی در صورت افزایش یا کاهش نگاه آلوده در جامعه فساد نیز کم یا زیاد می‌شود.

۵. کسی که به واسطه نگاه حرام، به ورطه شهوات می‌رود، به جایی می‌رسد که هیچ چیز جز شهوت برایش معنا و مفهومی ندارد؛ دیگر برایش مهم نیست که چه می‌شود، نه جامعه برایش مهم است و نه خانواده‌اش؛ شهوات را می‌شناسد و آن چیزهایی را که او را به شهوت می‌رسانند. همانی می‌شود که از چهارپایان پست‌تر است؛ زیرا با وجود فطرت و عقل راهی را رفته که چهارپایان بدون این دو نیز (فطرت و عقل) رفته‌اند.

۶. آنچه از مجموع آیات، روایات و تجربیات کارشناسان به دست می‌آید این است: چشم‌چرانی‌های هوس‌آلود، بد و بی‌حجابی زنان و دختران بی‌بند و بار از جمله عوامل مؤثر در ایجاد اضطراب و نگرانی افراد و خانواده‌ها و هرج و مرج و ناامنی در جامعه به حساب می‌آید.

۷. رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ مَلَأ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَحَشَاهُمَا

۲. همه چشم‌ها روز قیامت گریانند.^۱

۹ - ۱. نتایج و فواید چشم پاکی

۱. دیدن شگفتی‌ها و ملکوت

رسول خدا ک فرمود: «عُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ»^۲: چشم‌هایتان را [از نامحرم] بپوشانید تا عجایب و شگفتی‌ها را ببینید.

۲. راحتی قلب

امام علی ۷ فرمود: «مَنْ عَضَّ طَرْفَهُ أَرَّاحَ قَلْبِهِ»^۳: آن‌که از نامحرم چشم خود را فرو نهد، قلبش را راحت کرده است.

۳. نیک خویی

امام علی ۷ فرمود: «مَنْ عَضَّتْ أَطْرَافَهُ حَسَنَتْ أَوْصَافُهُ»^۴: کسی که نگاه‌هایش کنترل شود، صفاتش نیکو گردد.

۴. پاداش الهی

امام صادق ۷ فرمود: «مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ غَمَضَ بَصَرَهُ لَمْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُرَوِّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ»^۵: هرکس زنی را ببیند و بلافاصله دیده‌اش را به آسمان بدوزد یا چشم فرو بندد، چشم باز نگرداند مگر اینکه خداوند حوریان بهشتی را به عقد او درآورد.

۵. چشیدن شیرینی ایمان

پیامبر اسلام ک فرمود: «الَّذِينَ سَهُمُ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ»^۶: نگاه [به نامحرم] تیر زهرآلودی از تیرهای شیطان است و هرکس آن را از ترس خدا ترک کند، خداوند چنان ایمانی به او عطا کند که شیرینی‌اش را در دل خویش احساس کند.

نَارًا حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ: آن‌که چشمانش را از نگاه به زن نامحرم پر کند، روز قیامت خداوند چشمانش را با میخ‌های آتشین و از آتش پر کند، تا وقتی که به حساب مردم رسیدگی کند، سپس امر می‌شود که او را به جهنم ببرند. (نواب الاعمال؛ ص ۳۳۸).

۱. «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱؛ ج ۱۰۱، ص ۳۵).

۲. همان؛ ص ۴۱.

۳. آمدی؛ شرح غررالحکم؛ ج ۵، ص ۴۴۹.

۴. محمدی ری شهری؛ میزان الحکمه؛ ج ۱۰، ص ۷.

۵. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۱، ص ۳۷.

۶. همان؛ ص ۳۸.

۶. بروز صفت شجاعت

رسول خدا ﷺ فرمود: «أَشَجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ»^۱: شجاع‌ترین مردم کسی است که بر خواهش نفسانی‌اش چیره شود.

۷. مقدمه پاکی و رستگاری

چشم فرو بستن از نامحرم سبب پاکی و رستگاری آدمی می‌شود: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»^۲.

۸. داراشدن مقام عصمت

امام صادق ﷺ فرمود: «إِنَّ الْبَصَرَ لَا يُغْضَى عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ إِلَّا وَقَدْ سَبَقَ إِلَيْ قَلْبِهِ مُشَاهَدَةُ الْعُظْمَةِ وَالْجَلَالِ»^۳: دیدگان از نگاه به نامحرم فرو بسته نمی‌شود؛ جز آنکه در قلب او عظمت و جلال الهی مشاهده می‌شود.

۹. چشیدن مزه عبادت

امام صادق ﷺ فرمود: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا لِعَيْرِهِ أَعْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ»^۴: نگاه حرام تیری مسموم از تیرهای شیطان است که هرکسی به دلیل خدا نه غیر خدا از آن چشم بپوشد، خداوند آرامش و ایمانی که طعم آن را بچشد، بلافاصله به او عنایت می‌فرماید. این پاداش از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا در دنیاست که انسان می‌تواند به وسیلهٔ ورع به دست آورد. یا قطب راوندی از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «النَّظْرُ إِلَى مَحَاسِنِ النِّسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهُ أَذَاقَهُ اللَّهُ طَعْمَ عِبَادَةِ تَسْرُهُ»^۵: نگاه کردن به زیبایی‌های زنان تیری از تیرهای ابلیس است، پس هرکس از آن چشم بپوشد، خداوند به او شیرینی عبادتی را می‌چشانند که شادمان گردد.

۱۰. کنترل نگاه، دلیل مقاوم‌سازی انسان

خود اینکه به مسلمان می‌گویند: وقتی نگاهت به خانمی افتاد، چشمت را پایین بیاورد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»^۶ این خودش مقاوم‌سازی است.

۱. نهج الفصاحه؛ پاینده؛ ص ۵۸، ح ۲۹۹.
 ۲. برگرفته از مضمون آیات ۳۱ و ۳۲ سوره نور.
 ۳. علامه مصطفوی؛ مصباح الشریعة؛ ص ۹.
 ۴. شیخ صدوق؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۱۸.
 ۵. میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۷۰.
 ۶. نور؛ ۳۰.

پیام‌های درس:

۱. از جمله عوامل مهم چشم‌چرانی در جوانان و نوجوانان را می‌توان ضعف ایمان، قرارگرفتن در محیط‌های بی‌بند و بار و گرایش به لذات دنیایی نامشروع بر شمرد.
۲. چشم‌چرانی فرد را از مرز و حریم عفت خارج ساخته، اخلاق انسان را تباه ساخته و حسرت و اندوهی طولانی را برای وی به ارمغان می‌آورد.
۳. چشم‌چرانی باعث می‌شود خانواده خود فرد چشم‌چران نیز از چشم‌های ناپاک در امان نماند.
۴. چشم‌چرانی مقدمه به خطراتادن سلامت و امنیت اجتماعی، توسعه فساد و فحشا در جامعه، بالارفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی می‌باشد.
۵. چشم‌پاکی، نیک‌خویی، چشیدن شیرینی ایمان و مقدمه پاکی و رستگاری را در فرد به وجود می‌آورد.

سؤالات درس:

۱. عوامل چشم‌چرانی که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است را نام ببرید؟
۲. چشم‌چرانی در زندگی دنیوی (فردی، خانوادگی، اجتماعی) چه اثرات و پیامدهای ویرانگری در پی دارد؟
۳. چشم‌چرانی در زندگی اخروی چه اثرات و پیامدهای ویرانگری در پی دارد؟
۴. چشم‌پاکی چه نتایج و فوایدی دارد؟

چشم چرانی (۴)

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۷. راه‌های درمان چشم چرانی؛
۸. استفتائات شرعی چشم چرانی؛
۹. داستان‌های چشم چرانی؛
۱۰. منابع مطالعاتی درباره چشم چرانی.

۱-۱۰. راه‌های درمان چشم چرانی:

۱. درخواست خالصانه از خداوند.^۱
۲. تقویت روح تقوا در خود.^۲
۳. حفظ نگاه.
۴. ارتباط بیشتر با اشخاص متدین و باایمان.
۵. داشتن برنامه مستمر برای:
الف) آگاهی پیدانمودن نسبت به معارف عالی اسلام.
ب) شنیدن کلام دانشمندان دینی درباره پیامدهای چشم چرانی و چشم‌پاکی.
۶. یادآوری و توجه به چند نکته:

۱. هر روز صبح بعد از نماز با خدای خود شرط کنید که هرگز نگاه عمدی به نامحرم نکنید و از او در این مسیر استعانت جویید. خداوند می‌فرماید: «بر کسانی که گفتند: پروردگار ما خدا است و [در راه او] استقامت و پایداری ورزیدند، فرشتگان نازل می‌شوند که مترسید و غمگین می‌باشید». (فصلت: ۳۰).

۲. به این صورت که در طول روز کاملاً مراقب خود باشید و هرگاه نفس وی را وسوسه کرد، بلافاصله با آن برخورد و جلوی تخلفش را بگیرید و شب بعد از نماز چند دقیقه رفتارهای روزانه خود را محاسبه کند و در جدولی موارد تخلف یا اطاعت خود را یادداشت نماید.

- الف) انسان‌های مؤمنی در جامعه ما زندگی می‌کنند و هم‌رنگ جماعت نمی‌شوند و در مسیر صحیح و اسلامی قدم برمی‌دارند.
- ب) گناه و معصیت، ارزش و عزت والای انسانی را نابود می‌کند.
- ج) دیدن صحنه‌های مختلف گناه عواقب سوء و ناگواری مانند: بدبینی، اعتمادداشتن، کشیده‌شدن به انحرافات بعدی و ... را به وجود می‌آورد.
- د) چشم‌چرانی و دیدن صحنه‌های گناه از نظر اسلام حرام است.
۷. پرکردن وقت‌هایی که احتمال دیدن صحنه‌های گناه می‌رود با برنامه‌های مورد علاقه.
۸. ازدواج راه علاج خوبی است؛ اما به تنهایی کافی نیست.^۱
۹. عفت نفس برای کسانی که نمی‌توانند ازدواج کنند.
۱۰. اجتناب از:

- الف) سی‌دی‌های مبتذل.
- ب) دیدن شبکه‌های فاسد ماهواره‌ای.
- ج) ورود به سایت‌های غیراخلاقی اینترنت.
- د) به کاربردن لطیفه‌های ضد اخلاقی که بین مردم رواج دارد.
۱۱. خواندن نماز اول وقت و سعی در قرائت قرآن و همین‌طور توسل جدی به ائمه اطهار^۲:

۱۲. گرفتن روزه.^۳
۱۳. یاد قیامت.^۴
۱۴. توجه به شگفتی‌های خارق‌العاده نعمت چشم؛ مانند اینکه:
- چشم‌ها بعد از مغز، پیچیده‌ترین عضو بدن هستند.
 - چشم‌ها بیش از ۲ میلیون بخش فعال دارند.
 - چشم انسان قادر به تشخیص ۱۰ میلیون رنگ می‌باشد.
 - چشم‌ها در هر ساعت ۳۶۰۰۰ بایت (bits): واحد اندازه‌گیری اطلاعات را تهیه می‌کنند.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفُرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيَصُمْ فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءٌ» (مکارم‌الاخلاق؛ ص ۱۹۷).
۲. نمازهای خود را کاملاً با توجه، حضور قلب و دقت کامل بخوانید؛ زیرا نماز بزرگ‌ترین عامل بازدارنده از کژی‌ها است و میزان قبولی نماز، متناسب با قوت بازدارندگی آن از فحشاست؛ بنابراین هر قدر نماز بهتر باشد، دیگر اعمال نیز بهتر خواهند بود و هر اندازه نماز از حقیقت اصلی‌اش دور گردد، دیگر کنش‌ها نیز به ناهنجاری خواهند گرایید. حضرت علی^۷ فرمود: «إِذَا رَأَى أَحَدِكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فِئَاتِ أَهْلِهِ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى فَلَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ عَلَيَّ قَلْبَهُ سَبِيلًا لِيَصْرِفَ بَصَرَهُ عَنْهَا فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَيُحْمَدِ اللَّهَ كَثِيرًا وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يَسْأَلِ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ يُنْتِجُ لَهُ مِنْ رَأْفَتِهِ مَا يُعْنِيهِ» (خصال صدوق؛ ج ۲، ص ۶۳۶).
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الصَّوْمُ يُمِيتُ مُرَادَ النَّفْسِ وَشَهْوَةَ الطَّبْعِ الْحَيَوَانِيِّ» (مصباح‌الشریعه؛ ص ۱۲۵).
۴. قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ^۷: «بَقِيَ رِجَالٌ غَضُّ أَبْصَارِهِمْ ذِكْرُ الْمَرْجِعِ» (نهج‌البلاغه؛ خطبه ۳۲).

- چشم‌ها در شرایط مناسب و صحیح می‌توانند روشنایی یک منبع نور را در فاصله ۲۲/۵ کیلومتری تشخیص دهند.
- چشم‌ها مهم‌ترین وسیله ارتباط انسان با جهان خارج است.
- نزدیک به ۸۵ درصد کل معلومات به وسیله چشم‌ها به دست می‌آید.
- چشم‌ها از ۶۵ درصد مسیرهای منتهی به مغز استفاده می‌کنند.
- چشم‌ها می‌توانند فوراً صدها ماهیچه و اندام را در بدن فعال کنند.
- در طی یک عمر طبیعی، چشم‌ها می‌توانند مانند یک دوربین، ۲۴ میلیون عکس از دنیای اطراف مان بگیرند.
- ماهیچه‌هایی که از داخل چشم‌ها را حرکت می‌دهند، قوی‌ترین عضلات برای این کار هستند. این عضلات ۱۰۰ برابر قوی‌تر از مقدار مورد نیاز هستند.
- کره چشم افراد بزرگسال حدود ۲/۵ سانتیمتر قطر دارد. از کل سطح کره چشم، فقط یک ششم آن؛ یعنی قسمت جلویی آن در معرض دید قرار دارد.
- چشم‌ها تنها قسمتی از بدن هستند که می‌توانند در هر زمانی صددرصد فعال باشند، شب یا روز و بدون هیچ استراحتی.
- پلک‌های چشم و ماهیچه‌های خارجی چشم نیاز به استراحت دارند، حالت لیز بودن و نرمی سطح چشم بایستی از نو تجدید شود؛ ولی خود چشم‌ها هرگز نیاز به استراحت ندارند.
- بینایی چشم با ارزش‌ترین و زیباترین حس از حواس پنج‌گانه است.
- چشم از اصلی‌ترین شاه‌راه‌های ورودی به پایتخت وجودمان؛ یعنی قلب و روحمان می‌باشد. چه خوب گفته‌اند: شنیدن کی بود مانند دیدن!^۱

۱۱- ۱. استفتائات نگاه:

۱. حکم نگاه به بدن زن نامحرم (به جز دست و صورت) بدون قصد لذت چیست؟
همه مراجع: حرام است، هر چند بدون قصد لذت باشد.
 ۲. نگاه کردن به هوای زنان بد حجاب - که هیچ‌گونه لهر و نهی در آنان تأثیر ندارد - چگونه است؟
آیات عظام سیستانی، تبریزی، مکارم و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد. آیات عظام امام خمینی، صافی، خامنه‌ای، فاضل و نوری: بنابر احتیاط واجب، بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام نیز جایز نیست.
۱. بخشی از شگفتی‌های بیان شده برگرفته از دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا ذیل مبحث چشم انسان است.

۳. نگاه مرد به عکس و فیلم بی حجاب زن ناشناس، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد و مفسده‌ای در بین نباشد، اشکال ندارد.
۴. حکم مشاهده فیلم زنان فامیل که از دنیا رفته‌اند، چیست؟
همه مراجع: حکم نگاه به عکس و فیلم دوران حیات آنان را دارد و هیچ تفاوتی نمی‌کند.
۵. آیا نگاه به فیلم با نگاه به عکس زن نامحرم بی حجاب، تفاوت دارد؟
همه مراجع (غیر از آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله خامنه‌ای): بین فیلم و عکس تفاوتی در حکم نیست و فیلم همان عکس متحرک است. آیت‌الله تبریزی: بین فیلمی که به طور غیرمستقیم و غیر زنده پخش می‌شود و عکس تفاوتی در حکم نیست؛ ولی نگاه به فیلم زنده، حکم نگاه به شخص را دارد و با عکس فرق می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای: بین فیلمی که به طور غیرمستقیم و غیر زنده پخش می‌شود و عکس تفاوتی در حکم نیست؛ ولی نگاه به فیلم زنده بنا بر احتیاط واجب حکم نگاه به شخص را دارد و با عکس فرق می‌کند.
۶. با توجه به اینکه کلاس‌های دانشجویان دختر و پسر با هم برگزار می‌شود، ناخود آگاه چشم انسان به دختران نامحرم می‌افتد؛ حکم آن چیست؟
همه مراجع: اگر ناخود آگاه و بدون قصد لذت باشد، اشکال ندارد.
۷. آیا نگاه به موهای زن نامحرم، از داخل آینه جایز است؟
همه مراجع: خیر، جایز نیست.
تبصره. حکم نگاه از آینه، شیشه، آب صاف و مانند آن با عکس و فیلم زن تفاوت دارد. نگاه از داخل آینه به زن نامحرم جایز نیست؛ ولی نگاه به عکس و فیلم او - اگر ناآشنا باشد - بدون قصد لذت جایز است.
۸. نگاه کردن به عکس بدون حجاب دختر بچه‌های همیز چگونه است؟
همه مراجع: اگر با قصد لذت نباشد و باعث مفسده نشود، اشکال ندارد.
۹. آیا در مشاهده فیلم‌های شهوت‌انگیز، بین فرد متأهل و مجرد تفاوتی دارد؟
همه مراجع: نگاه به فیلم‌های محرک و شهوت‌انگیز جایز نیست و بین مجرد و متأهل تفاوتی ندارد.
۱۰. نگاه به زنان نامحرم - به ویژه فامیل و آشنا - بدون قصد لذت و تنها از روی علاقه و محبت (مثلاً به چشم خواهری)، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (غیر از آیت‌الله صافی): اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، نگاه به صورت و دست آنان تا مچ جایز است؛ ولی نگاه به جاهای دیگر (هر چند بدون قصد لذت) حرام است. آیت‌الله صافی: نگاه به بدن آنان (هر چند بدون قصد لذت) حرام است و بنابر احتیاط واجب، به صورت و دست آنان تا مچ نیز بدون قصد لذت نگاه نشود.

۱۱. اگر انسان همان‌طور که از دیدن باغ و گلستان لذت می‌برد، از نگاه کردن به چهره زن لذت ببرد؛ آیا این کار حرام است و مصداق قصد لذت به حساب می‌آید؟

همه مراجع: این‌گونه نگاه‌ها، چون جنبه لذت جنسی دارد، جایز نیست.

۱۲. آیا مرد می‌تواند برای آگاهی از خصوصیات جسمی و زیبایی دختری که می‌خواهد با او ازدواج کند، عکس یا فیلم او را مشاهده کند؟ در صورتی که دختر فامیل و آشنا باشد، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر بدون قصد لذت باشد، اشکال ندارد هر چند آن دختر از فامیل و آشنایان باشد.

۱۳. شخصی قصد ازدواج دارد، آیا می‌تواند بدون قصد لذت به چهره و موی خانم‌ها (مثلاً در خیابان) نگاه کند، تا یکی را بپسندد و بعد از او خواستگاری کند؟

همه مراجع: این نوع نگاه‌ها جایز نیست.

۱۴. در چه صورت می‌توانیم به چهره، گردن و موهای دختری که قصد ازدواج با او را داریم، نگاه کنیم؟

همه مراجع (غیر از آیت‌الله صافی): نگاه به دختر مورد نظر با شرایط ذیل جایز است:

۱. به قصد لذت و ریه نباشد [هر چند بدانند با نگاه لذت قهری پیدا می‌شود]؛
۲. برای آگاهی از وضع جسمانی دختر باشد (پس اگر از حال او آگاه است، نگاه او جایز نیست)؛
۳. مانعی از ازدواج در میان نباشد (برای مثال دختر شوهر نداشته باشد)؛
۴. احتمال بدهد دختر او را رد نمی‌کند.

آیت‌الله صافی: با رعایت شرایط یاد شده، بنابر احتیاط واجب تنها به صورت و دست‌ها تا مچ اکتفا کند.

۱۵. آیا نگاه به برجستگی‌های بدن زن نامحرم (مانند سینه و پشت)، از روی لباس و هانتو جایز است؟

همه مراجع: اگر با قصد لذت باشد و یا بترسد که به گناه بیفتد، نگاه به این مواضع جایز نیست.

۱۶. حکم نگاه کردن زن به بازو و آرنج مرد نامحرم چیست؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای و صافی: جایز نیست. آیت‌الله بهجت: بنابر احتیاط واجب

جایز نیست. آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد.

۱۷. حضور بانوان در میادین ورزشی مردان (مانند فوتبال و کشتی) وقتی که با شورت و زیر پوشش بازی می کنند، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز آیات عظام بهجت، تبریزی و سیستانی): نگاه زن به بدن نامحرم جایز نیست، هر چند بدون قصد لذت باشد. آیات عظام تبریزی و سیستانی: با توجه به اینکه حضور زنان در این گونه ورزشگاهها باعث مفسده است، جایز نیست. آیت الله بهجت: نگاه به آنها بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و اگر باعث مفسده شود، حضور آنان حرام است.

۱۸. آیا نگاه کردن به هو و بدن دختر نابالغ جایز است؟

آیات عظام امام و سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط (مستحب) به جاهایی (مانند ران، شکم و سینه) که معمولاً آنها را می پوشانند، نگاه نکند. آیت الله بهجت: اگر دختری است که خوب و بد را می فهمد، بنا بر احتیاط واجب نگاه به او - خواه با قصد لذت یا بدون آن - جایز نیست. آیات عظام فاضل، مکارم و نوری: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب به جاهایی (مانند ران، شکم و سینه) که معمولاً آنها را می پوشانند، نگاه نکند. آیات عظام تبریزی، صافی و وحید: اگر دختری است که خوب و بد را می فهمد (و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است) در این صورت نگاه به او - هر چند بدون قصد لذت - جایز نیست.

۱۹. دیدن عکس دوران کودکی زن نامحرم، در صورتی که پوشش کافی نداشته باشند، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (غیر از آیت الله سیستانی): اگر نگاه به آن باعث هتک وی و تحریک شهوت نشود، اشکال ندارد. آیت الله سیستانی: اگر عکس یاد شده، حکایت از وضع کنونی زن کند و او را نیز بشناسد، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۲۰. نگاه به فیلم های مبتذل - که بیشتر زنان غیرمسلمان در آن بازی می کنند - در صورتی که موجب تحریک انسان نشود، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (غیر از آیات عظام تبریزی و سیستانی): با توجه به اینکه دیدن این گونه فیلمها، شهوت برانگیز و مقدمه ارتکاب گناه است، نگاه به آنها حرام است. آیت الله تبریزی:

نگاه به فیلم‌هایی که موجب تحریک شهوت بر حرام یا ترویج فساد در جامعه باشد، جایز نیست. آیت‌الله سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه نیز باشد، بنابر احتیاط واجب نگاه به زنان جایز نیست.

۲۱. در حین کار با شبکه اینترنت گاهی در کنار برخی از مقالات، عکس‌های مبتذل دیده می‌شود که ناگزیر از دیدن آنها هستیم؛ راهنمایی شما چیست؟

آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و وحید: اگر به طور اتفاقی چشمتان به آن بیفتد، اشکال ندارد؛ ولی نگاه به آن با قصد لذت حرام است و بنابر احتیاط واجب، بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه، جایز نیست. آیات عظام بهجت، صافی، مکارم و نوری: اگر به طور اتفاقی چشمتان به آن بیفتد، اشکال ندارد؛ ولی نگاه عمدی به آن (هر چند بدون قصد لذت)، جایز نیست.

۲۲. حکم تماشای کشتی‌گیران و سایر ورزشکاران با بدن نیمه برهنه، از تلویزیون برای بانوان چگونه است؟

آیات عظام امام، فاضل، سیستانی، نوری و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد و باعث مفسده هم نشود، اشکال ندارد. آیات عظام بهجت، صافی و مکارم: با توجه به اینکه نگاه به این نوع برنامه‌ها باعث فساد و تهییج شهوت می‌شود، جایز نیست. آیت‌الله تبریزی: اگر به طور غیر زنده پخش شود و قصد لذت و ترس افتادن به حرام نباشد، اشکال ندارد؛ اما اگر به طور زنده پخش شود، در هر حال جایز نیست. آیت‌الله خامنه‌ای: اگر به طور غیر زنده پخش شود و قصد لذت و ترس افتادن به حرام نباشد، اشکال ندارد. و اگر به طور زنده پخش شود، در هر حال بنابر احتیاط واجب جایز نیست. تبصره: فرض مسئله، جایی است که مردان ورزشکار و کشتی‌گیر ناشناس باشند (یعنی او را از غیر طریق فیلم به طور شخصی شناسد) و گرنه به فتوای همه مراجع تقلید، تماشای آن حرام است.

۲۳. ظهور فیلم‌های عکاسی و میکس به وسیله مرد، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر زن را شناسد و باعث مفسده نشود، اشکال ندارد. در حالی که می‌دانیم مردان فامیل و آشنا، فیلم ما را مشاهده می‌کنند.

۲۴. آیا بر ما (زنان) جایز است بدون حجاب در مقابل فیلم بردار ظاهر شویم؟

همه مراجع: خیر، باید حجاب خود را رعایت کنید.

۲۵. حکم نگاه به صورت استاد زن، در هنگام تدریس چیست؟

همه مراجع (به جز آیت‌الله صافی): اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد. آیت‌الله صافی: بنابر احتیاط واجب بدون قصد لذت نیز جایز نیست؛ ولی اگر نگاه اتفاقی باشد، اشکال ندارد.^۱

۱۲- ۱. داستان‌های چشم‌چرانی

۱. اجازه گرفتن برای چشم‌چرانی

جوان خیلی آرام و متین به مرد نزدیک شد و با لحنی مؤدبانه گفت: ببخشید آقا! من می‌تونم یه کم به خانوم شما نگاه کنم و لذت ببرم؟ مرد که اصلاً توقع چنین حرفی را نداشت و حسابی جا خورده بود، مثل آتشفشان از جا در رفت و میان بازار و جمعیت، یقه جوان را گرفت و عصبانی، طوری که رگ گردنش بیرون زده بود، او را به دیوار کوفت و فریاد زد: مرتیکه عوضی، مگه خودت ناموس نداری، ... می‌خوری تو و هفت جد آبادت، خجالت نمی‌کشی؟

جوان اما خیلی آرام، بدون اینکه از رفتار و فحش‌های مرد عصبی شود و واکنشی نشان دهد، همان‌طور مؤدبانه و متین ادامه داد: خیلی عذر می‌خوام، فکر نمی‌کردم این همه عصبی و غیرتی بشین، دیدم همه بازار دارن بدون اجازه نگاه می‌کنن و لذت می‌برن، من گفتم که حداقل از شما اجازه بگیرم که نامردی نکرده باشم. حالا هم یقمو ول کن. از خیرش گذشتیم.

مرد خشکش زد ... همان‌طور که یقه جوان را گرفته بود، آب دهانش را قورت داد و زیر چشمی زنش را برانداز کرد ... ۲.

۲. عصمت در نگاه

آقا سید هاشم حدّاد می‌فرمودند: من در تمام مدّت سلوک در خدمت مرحوم آقا (قاضی) نامحرم نمی‌دیدم، چشمم به زن نامحرم نمی‌افتاد. یک روز مادرم به من گفت: عیال تو از خواهرش خیلی زیباتر است. من گفتم: من خواهرش را تا به حال ندیده‌ام! گفت: چطور ندیده‌ای در حالی که بیشتر از دو سال است که در اطاق ما می‌آید و می‌رود و غالباً بر سر یک سفره غذا می‌خوریم؟! - به رسم اعراب که زنانشان حجاب درستی ندارند و در منزل غالباً همه با هم محشورند؛ در عین عصمت تامّ و عفت کامل. من گفتم: والله! که یک بار هم چشم من به او نیفتاده است.

۱. کلیه استفتائات برگرفته از نرم‌افزار پرسمان قسمت سؤالات نظر و نگاه و همچنین کتاب رساله دانشجویی قسمت احکام نگاه می‌باشد.

۲. برگرفته از کتاب نابودی عفاف، ارمغان فمینیسم؛ وندی شلیت؛ چاپ آمریکا.

۳. برخورد با چشم چرانی فضل بن العباس

سکین بن عبدالعزیز گوید: از پدرم و از ابن عباس شنیدم که می‌گفت: در روز عرفه به موقع خروج از صحرای عرفات شخصی در پشت سر پیامبر ﷺ سوار شده بود در حالی که به چشم چرانی پرداخته بود، چند بار پیامبر ﷺ صورت او را برمی‌گرداند تا به زنان نامحرم نگاه نکند؛ اما او هم چنان به زنان نگاه می‌کرد. اینجا بود که پیامبر ﷺ به او رو کرده و فرمود: فرزند برادرم این روز روزی است که اگر کسی مالک گوش و چشم و زبانش باشد، خداوند او را خواهد آمرزید.^۱

همچنین امام صادق ۷ از امام باقر ۷ نقل فرموده که رسول خدا ﷺ به هنگام رفتن به سوی عرفات اسامه را سوار کرده بود و همین که از عرفات افاضه کرد، فضل بن عباس را که جوانی خوش سیما بود در پشت سر خود سوار کرد. در آن هنگام مرد عربی که همراه خواهرش بود و او نیز زیباروی بود، با پیامبر ﷺ روبرو گردیده و از پیامبر ﷺ سؤالاتی کرد و فضل بن عباس به خواهر او چشم دوخته بود. پیامبر ﷺ چون چنین دید دست خود را روی چشم فضل گذارده بود تا چشمش را از نگاه به نامحرم بپوشاند؛ اما او از سوی دیگر به آن زن نگاه می‌کرد. تا اینکه آن مرد عرب پاسخ سؤالات خود را از پیامبر ﷺ دریافت کرد و به راه خود ادامه داد. پیامبر ﷺ نگاهی به فضل کرد و در حالی که شانهاش را گرفته بود فرمود: آیا نمی‌دانی که این روزها از ایام المعدودات و ایام المعلومات است که هرکس در مثل چنین روزهایی چشم و زبان و دستش را نگه دارد، خداوند برای او مثل ثواب حج آینده می‌نویسد.^۲

۴. چشم چرانی به بهانه درخت خرما

سمره بن جندب یک اصله درخت خرما در باغ یکی از انصار داشت. خانه مسکونی مرد انصاری که زن و بچه‌اش در آنجا به سر می‌بردند، همانند در باغ بود. سمره گاهی می‌آمد و از نخل خود خبر می‌گرفت یا از آن خرما می‌چید. البته طبق قانون اسلام حق داشت که در آن خانه رفت و آمد نماید و به درخت خود رسیدگی کند. سمره هر وقت می‌خواست از درخت خود خبر بگیرد، بی توجه و سرزده داخل خانه می‌شد و ضمناً چشم چرانی می‌کرد. صاحبخانه از او خواهش کرد هر وقت می‌خواهد داخل شود، سرزده وارد نشود. او قبول نکرد. ناچار صاحبخانه به رسول اکرم شکایت کرد و گفت: این مرد سرزده داخل خانه من می‌شود، شما به او بگویید بدون اطلاع و سرزده وارد نشود تا خانواده من قبلاً

۱. مسند احمد؛ ج ۱، ص ۳۲۹.

۲. کلینی؛ بحار الانوار؛ ج ۹۹، ص ۳۵۱.

مطلع باشند و خود را از چشم‌چرانی او حفظ کنند. رسول اکرم ﷺ سمره را خواست و به او فرمود: فلانی از تو شکایت دارد، می‌گوید تو بدون اطلاع وارد خانه او می‌شوی و قهرا خانواده او را در حالی می‌بینی که او دوست ندارد. بعد از این اجازه بگیر و بدون اطلاع و اجازه داخل نشو، سمره تمکین نکرد. فرمود: پس درخت را بفروش، سمره حاضر نشد. رسول اکرم ﷺ قیمت را بالا برد، باز هم حاضر نشد. بالاتر برد، باز هم حاضر نشد. فرمود: اگر این کار را بکنی، در بهشت برای تو درختی خواهد بود، باز هم تسلیم نشد. پاها را به یک کفش کرده بود که نه از درخت خودم صرف‌نظر می‌کنم و نه حاضرم هنگام ورود به باغ از صاحب باغ اجازه بگیرم. در این وقت رسول اکرم ﷺ فرمود: تو مردی زیان‌رسان و سخت‌گیری و در دین اسلام زیان‌رساندن و تنگ‌گرفتن وجود ندارد. بعد رو کرد به مرد انصاری و فرمود: برو درخت خرما را از زمین درآور و بینداز جلوی سمره. رفتند و این کار را کردند. آن‌گاه رسول اکرم ﷺ به سمره فرمود: حالا برو درختت را هر جا دلت می‌خواهد، بکار.

۵. مؤذن و گناه چشم‌چرانی

مؤذنی پس از اینکه چهل سال برای مسلمانان اذان گفت، روزی برای گفتن اذان بالای مناره رفت و پس از اتمام اذان نگاهی به خانه‌های اطراف مسجد انداخت. چشمش به دختری که در یکی از خانه‌های اطراف مشغول شستن سر و صورت خود بود افتاد. با ادامه نگاه‌های شهوت‌زای خود به تدریج به دختر دل بست و هم‌چنان تا وقتی دختر در حیات خانه بود، با نگاه او را تعقیب کرد و چون دختر به اطاق رفت او نیز از مآذنه پایین آمد و به جای اینکه مانند همیشه برای نماز به مسجد برود، چنان اسیر شهوت خود شده بود که به در خانه آن دختر آمد و در زد.

پدر دختر به در خانه آمد و چشمش به مؤذن مسجد افتاد، با کمال تعجب پرسید: چکار دارید؟ مؤذن گفت: به خواستگاری دختر شما آمده‌ام. صاحب‌خانه که از این پیشنهاد غرق در حیرت گشته بود، فکری کرد و گفت: ما مسلمان نیستیم و مذهب ما زرتشتی است و بنابر آیین خود نمی‌توانیم به مسلمان دختر بدهیم و هر که بخواهد با ما وصلت کند، باید به دین ما درآید. مؤذن گفت: حاضرم به دین شما درآیم. پدر دختر نیز که به دنبال همین فرصت می‌گشت تا بدین وسیله یک نفر را از دین اسلام خارج کرده و به دین خود درآورد؛ گفت: ما حاضریم در این صورت دختر به شما بدهیم. پس از مذاکره و قرارداد، زمانی برای انجام این کار تعیین کردند و مؤذن به خانه برگشت و در وقت

۱. برگرفته از کتاب داستان راستان؛ استاد مطهری.

موعود به منزل آنها رفت و مراسم ورود این آقای مؤذن مسلمان به دین جدید انجام شد و سپس مراسم مقدماتی ازدواج نیز صورت گرفت. حجله عروسی را در طبقه فوقانی ترتیب دادند و آقای داماد سر از پا نشناخته به طرف پله‌ها راه افتاد و با عجله بالا می‌رفت. همین که به پله آخر رسید، پایش لغزید و از همان‌جا به درون حیات پرت شد و در دم جان سپرد و به کام دل نرسیده، به حال کفر از این جهان چشم بربست.^۱ «اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَوَاقِبَ أُمُورِنَا خَيْرًا»

۶. چشم‌پاکی موسی دال بر امانت وی

از امام موسی بن جعفر ۷ درباره این آیه: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» سؤال شد. سخن دختر شعیب که گفت: «ای پدر! موسی را اجیر کن که بهترین اجیر، انسان قدرتمند و امینی است»؛^۲ حضرت فرمود: «حضرت شعیب به دخترش گفت: دخترم! قدرت موسی را از بلندکردن سنگ بزرگ دریافتی؛ اما امانت وی را چگونه شناختی؟ دختر جواب داد: هنگامی که به طرف خانه می‌آمدیم، در آغاز من جلوی او راه می‌رفتم؛ ولی او از من خواست که پشت سرش راه بروم و گفت: هر گاه من راه را اشتباه رفتم، به من تذکر بده؛ زیرا مردمی هستیم که به پشت زنان نگاه نمی‌کنیم».^۳

۷. چشم‌چرانی سبب شأن نزول آیه

از امام باقر ۷ روایت شده: روزی در هوای گرم مدینه زن جوان زیبایی در حالی که طبق معمول روسری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بناگوشش پیدا بود، از کوچه عبور می‌کرد. مردی از اصحاب رسول خدا ۶ از طرف مقابل می‌آمد، آن منظره زیبا سخت نظر او را جلب کرد و چنان غرق تماشای آن زن زیبا شد که از خودش و اطرافش غافل گشت و جلوی خودش را نگاه نمی‌کرد. آن زن وارد کوچه‌ای شد و جوان با چشم خود او را دنبال می‌کرد، همان‌طور که می‌رفت ناگهان استخوان یا شیشه‌ای که از دیوار بیرون آمده بود، به صورتش اصابت کرد و صورتش را مجروح ساخت. وقتی به خود آمد که خون از سر و صورتش جاری شده بود. با همین حال به حضور پیامبر رفت و ماجرا را به عرض رساند. اینجا بود که آیه دستور به عفاف چشم و رعایت حجاب نازل شد.^۴

۱. برگرفته از کتاب کیفرگناه؛ ج ۲، ص ۲۲۵.

۲. قصص: ۲۶.

۳. حر عاملی؛ وسائل‌الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۱۴۵.

۴. نور: ۳۱: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...» (فیض کاشانی؛ تفسیر صافی؛ ج ۵، ص ۲۳۰)؛ (مرتضی مطهری؛

۸. چشم‌چرانی در خواب

یکی از ارادتمندان شیخ^۱ می‌گوید: شبی خوابی مهیج و شهوانی دیدم که در روز هم ذهنم را به خود مشغول کرده بود. صبح خدمت شیخ رسیدم تا مرا دید، سرش را پایین انداخت و این شعر را زمزمه کرد:

گرت هواس است که از دوست نگسلی پیوند
دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای

نگاهداری سر رشته تا نگه دارد
فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد

فهمیدم خبری هست و ایشان بی دلیل این شعر را نمی‌خواند، مدتی نشستم، شیخ سرش پایین بود و به کار خیاطی مشغول. آن‌گاه عرض کردم: مطلبی هست؟ فرمود: «چکار کرده‌ای که قیافه‌ات، قیافه زن شده؟» عرض کردم: زن زیبایی را در خواب دیدم و داستان‌ش در ذهن من مانده. فرمود: «همان است، استغفار کن!»^۲

پیام‌های درس:

۱. درمان چشم‌چرانی به واسطه درخواست خالصانه از خداوند متعال، تقویت روح تقوا، ارتباط بیشتر با اشخاص متدین و با ایمان و حفظ نگاه، امکان‌پذیر است.
۲. در مراحل درمان چشم‌چرانی باید مطلقاً از استفاده سی‌دی‌های مبتذل، دیدن شبکه‌های فاسد ماهواره‌ای، ورود به سایت‌های غیر اخلاقی اینترنت و ... دوری شود.
۳. نگاه حرام در شرع عبارت است از: نگاه مرد به بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست‌ها تا میچ)؛ خواه با قصد باشد یا بدون آن؛ نیز نگاه به صورت و دست‌ها اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد؛ همچنین نگاه زن به نامحرم (به جز صورت، گردن، دست‌ها و مقداری از پا)؛ خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز به مواضع یاد شده، اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد.

سؤالات درس:

۱. راه‌های درمان چشم‌چرانی را نام ببرید؟
۲. داشتن برنامه مستمر در چه مواردی می‌تواند موجب درمان چشم‌چرانی شود؟
۳. حکم نگاه به موها یا عکس و فیلم زنان بد حجاب را بفرمایید؟ آیا در حکم مسائل مذکور بین فرد متأهل و مجرد تفاوتی وجود دارد؟
۴. آیا نگاه کردن به مو و بدن دختر نابالغ جایز است؟

مجموعه آثار؛ ج ۱۹، ص ۴۸۵.

۱. منظور شیخ رجب علی خیاط است.

۲. داستان‌های اخلاقی؛ ص ۴۸۴۳-۴۸۴۴.

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. آسیب‌های چشم‌چرانی و راه‌های درمان آن؛ پدیدآورنده: عبدالغنی براهویی؛ ناشر: احسان؛ آبان ۱۳۸۶.
۲. چشم‌چرانی و علاج آن در پرتو شریعت؛ پدیدآورنده: افضل دهمردنژاد، گلناز رخشانی مقدم؛ ناشر: شیخ الاسلام احمد جام؛ اردیبهشت ۱۳۸۹.
۳. سلسله مباحث راه‌کارهای دوری از گناه، چشم‌چرانی و دوست دختر و دوست پسر؛ پدیدآورنده: عزیزالله حیدری، رضا یعقوبی (ویراستار)؛ ناشر: مسجد مقدس جمکران؛ فروردین ۱۳۹۰.
۴. نکته‌هایی ناب از چشم زخم و چشم‌چرانی (دارای ۲۳ موضوع از آیات قرآن کریم با ۱۱ تفسیر و حکایت‌های متناسب با موضوع ...). پدیدآورنده: جواد آذرگون؛ ناشر: جواد آذرگون؛ خرداد ۱۳۸۸.

هرزه‌نگاری اینترنتی

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند :

۱. هرزه‌نگاری اینترنتی.
۲. پیامدهای هرزه‌نگاری اینترنتی.
۳. آثار استفاده صحیح از اینترنت.
۴. راه‌های درمان مبتلایان به هرزه‌نگاری اینترنتی.
۵. احکام و داستان‌های درباره هرزه‌نگاری اینترنتی.

بخش دوم: انواع هرزه‌نگاری

۲ - هرزه‌نگاری اینترنتی

۱-۲. مقدمه

اینترنت محصول علمی و فنی بشر است و مانند هر ابزار دیگری می‌تواند کاربردهای مثبت یا منفی داشته باشد. آنچه مهم است بالابردن کارکرد مثبت در ابعاد مختلف و جلوگیری کامل یا کاستن از آثار منفی این رسانه مهم جهانی است. به یقین، ما برای دستیابی به توسعه‌ای سریع و همه‌جانبه و ایجاد تمدن اسلامی و عقب‌نماندن از قافله علم و تمدن بشری، نیازمند استفاده از تکنولوژی و فن‌آوری‌های پیشرفته هستیم. یکی از مهم‌ترین آنها شبکه جهانی اینترنت است که در همه زمینه‌های علمی، تحقیقی، هنری، سیاسی، تاریخی و مذهبی می‌توان از آن بهره برد. با این حال مراکزی که اکنون به وسیله اینترنت، اطلاعات غیرعلمی و غیرانسانی را برای یکسان‌سازی فرهنگی جهان و

مسلط نمودن فرهنگ منحط غربی و محو سایر فرهنگ‌ها و برای تحقق دهکده جهانی به رهبری آمریکا ارائه می‌نمایند، صدها برابر مراکزی است که اطلاعات مفید و علمی و فنی ارائه می‌کنند.^۱

هرزه‌نگاری از دهه ۱۹۸۰ و نخستین بار در قالب تصاویر مستهجن وارد دنیای اینترنت شد و سپس با شکل‌گیری کامل وب گسترده جهانی در دهه ۱۹۹۰ این گفتار نیز جنبه بین‌المللی و گسترده پیدا کرد. اینترنت شبکه‌ای جهانی است در حالی که هنوز هیچ‌گونه قانون بین‌المللی در برخورد با هرزه‌نگاری وجود ندارد و کشورها در این رابطه قوانین متفاوتی وضع کرده‌اند.

"نسل هرزه"؛ این عنوان به "عادت" بعضی از کاربران اشاره دارد که به‌طور مرتب از صفحات هرزه اینترنت بازدید می‌کنند. این "عادت" در حال حاضر به نوعی "اعتیاد" تبدیل شده است.

برخی از جامعه‌شناسان ادعا می‌کنند که "عادت بیمارگونه دیدن" عکس یا فیلم‌های هرزه "بر رفتارها و برخوردهای جنسی" معتادان هرزه "تأثیر منفی دارد تا جایی که این "بیماران" از انجام انحرافات اخلاقی و جنسی عادی و عشق‌ورزی لذتی نمی‌برند. کاربرانی که داوطلبانه برای "ترک اعتیاد" خود به روانکاو مراجعه کرده‌اند، اعتراف می‌کنند که «دیدن هرزه در اینترنت، به بخش جدایی‌ناپذیر ارضای جنسی آنان تبدیل شده است» و آنان نمی‌توانند بر «وسوسه و نیاز» دیدن این صفحات غلبه کنند. یکی از این افراد که ۲۸ سال دارد و ۱۰ سال است هر شب از صفحات هرزه «استفاده می‌کند»، اعتراف کرده است که دیگر «نمی‌تواند بر رفتار خود مسلط شود و از دیدن این صفحات خودداری کند». اعتیاد به دیدن هرزه‌نگاری اینترنتی هم‌چنین سبب انزوا و دوری فرد از اجتماع و کاهش روابط اجتماعی او می‌شود. این پژوهش‌گران دلیل اصلی افزایش "اعتیاد" کاربران به صفحات هرزه‌نگاری در اینترنت را آسانی دسترسی به این صفحه‌ها می‌دانند.

آمار نشان می‌دهند که در سال ۲۰۰۶ بیش از ۷۲ میلیون کاربر در ماه به صفحات اینترنتی هرزه سرزده‌اند. بنابر این آمار که از سوی مؤسسه "اینترنت فیلتر رویو" تهیه شده، هر روز حدود ۲۶۶ صفحه جدید در این دنیای مجازی تأسیس می‌شود.

برخی دیگر از پژوهش‌گران می‌گویند یک بار دیدن هرزه‌نگاری اینترنتی برای ابتلا به اعتیاد کافی است: «چون کاربر به تمایلات جنسی انحرافی‌ای که از وجود آنها خبر نداشته، پی می‌برد».^۲

۱. حسن عباسی؛ جنگ جهانی چهارم؛ صفحه ۷۲-۸۲.
 ۲. گزارش سایت دویچوله از گسترش پدیده جدید اعتیاد به هرزه‌نگاری اینترنتی در آلمان.

۲-۲. انواع قالب‌های هرزه‌نگاری‌های اینترنتی:

۱. تصاویر مستهجن و هرزه.
۲. فیلم‌های هرزه.
۳. صفحات هرزه.
۴. سایت‌های مبتذل.
۵. تن‌فروشی اینترنتی.
۶. کلاه‌برداری اینترنتی.
۷. بازی‌های رایانه‌ای مستهجن.

۲-۳. پیامدهای هرزه‌نگاری اینترنتی

الف) اثرات و پیامدهای ویرانگر هرزه‌نگاری اینترنتی از بیان والدین معتادین اینترنتی:

۱. تأثیر منفی بر رفتارها و برخوردهای فرزندانمان دارد.
۲. دیگر لذتی از زندگی نمی‌برند.
۳. توانایی غلبه بر «وسوسه» دیدن این صفحات را در خود از دست داده‌اند.
۴. نمی‌توانند بر رفتارهای خود مسلط شوند و رفتارهایی غیر ارادی از خود بروز می‌دهند.
۵. روابط خانوادگی و اجتماعی آنها خیلی کم‌رنگ شده است.
۶. از اینترنت بد استفاده می‌کنند و فقط سراغ صفحات خاصی می‌روند.
۷. به فرزندم بی‌اعتماد شده‌ام.
۸. پرخاشگری با والدین می‌کنند.
۹. فرزندم زمانی هم که امکان دسترسی به اینترنت نداشته باشد، دچار تشویش، لرزش دست و عصبانیت می‌شود و استراحت و آرامش را فراموش می‌کند.

ب) اثرات و پیامدهای ویرانگر هرزه‌نگاری اینترنتی از بیان معتادین اینترنتی:

۱. انزوا و دوری خودم از اجتماع را روز به روز احساس می‌کنم.
۲. به برخی تمایلات جنسی انحرافی‌ای که از وجود آنها خبر نداشتم، متأسفانه پی برده‌ام که برایم مشکلاتی را ایجاد کرده است.
۳. گناهانم مدام تداوم پیدا می‌کند.
۴. اینترنت لحظه به لحظه خرابم می‌کند.
۵. احساس ناراحتی و شرمندگی سراسر وجودم را گرفته است.
۶. توانایی برقراری رابطه صحیحی را با اطرافیانم ندارم.

۷. بیشتر وقتم به تماشای تصاویر نامناسب اینترنتی سپری می‌شود؛ حتی گاهی مواقع متوجه می‌شوم که ۷ تا ۱۰ ساعت مشغول به این کار بوده‌ام.
۸. برخی وقت‌ها تا به خود می‌آیم، می‌بینم از جاهای نادرست سر در آورده و سرگرم آنها شده‌ام.
۹. می‌دانم که با اعتیاد تیشه بر ریشه سعادت و جاودانگی خود می‌زنم.
۱۰. احساس می‌کنم که اگر توبه نکنم و باز هم ادامه بدهم، گرفتار عذاب ابدی در دنیا و آخرت می‌شوم.
۱۱. وضعیت نظم روحی و آرامش و اعصابم بسیار به هم ریخته شده است.
۱۲. در اثر این گناه دچار استمناء تصویری شده‌ام و به دلیل انزال‌های متعدد ضعف شدید جسمانی عارضم شده است.
۱۳. همواره به اینترنت فکر کرده و خیال‌پردازی می‌کنم.
۱۴. دچار کم‌خوابی، نگرانی، اضطراب و ضعف بینایی شده‌ام.

۴-۲. برخی از اهداف دشمن در هرزه‌نگاری اینترنتی:

۱. یکسان‌سازی فرهنگی جهان؛
۲. مسلط نمودن فرهنگ منحط غربی؛
۳. محو فرهنگ‌های بومی کشورها، به ویژه کشورهای اسلامی؛
۴. تحقق دهکده جهانی به رهبری استکبار جهانی؛
۵. نابودی دین و مفاهیم دینی در عرصه زندگی‌های فردی و اجتماعی؛
۶. تحقق مفاهیم شیطان‌پرستی و ترویج شیطان‌پرستی؛
۷. غافل نمودن مردم جهان از حرکت‌های استکباری و مست و سرگرم نمودن آنها به شهوات حیوانی.

۵-۲. نتایج و فواید استفاده صحیح از اینترنت:

۱. عزمم در نتیجه استفاده صحیح از اینترنت قاطع و استوار شده است.
 ۲. از عوارض نامطلوب اینترنت در امان شدم.
 ۳. سعادت ابدی خودم را با لذتی آنی و بی‌ارزش عوض نمی‌کنم.
 ۴. احساس می‌کنم که بنده خالص و پاک خدا شدم.
 ۵. استفاده صحیح من در گسترش فرهنگ اسلامی و ایمانی تأثیر مستقیمی دارد؛ مثلاً:
- با استفاده صحیح از اینترنت، مجموعه آثار فرهنگ اسلامی را با این شبکه جهانی

- می‌توان منتقل کرد و راه‌آشنایی ملت‌های دیگر را با فرهنگ اسلامی فراهم ساخت.
- با استفاده صحیح از اینترنت می‌توان نامه‌نگاری الکترونیکی با صاحب‌نظران، جوانان و کسانی که آمادگی دریافت پیام‌های اسلامی را دارند، انجام داد و سؤالات و نیازهای آنان را پاسخ داد.
 - با استفاده صحیح از اینترنت می‌توان با نشان‌دادن آسیب‌های فرهنگ غرب به خود آنها و آگاه‌کردن نسل جوان کشورهای اسلامی و حتی غربی امواجی را در مخالفت با این فرهنگ‌های منحرف ایجاد کرد.^۱
 - ۶. از عذاب وجدانی که همواره رنجم می‌داد، رها شدم.
 - ۷. در خودم احساس آرامش عجیبی می‌نمایم.
 - ۸. با کارکردهای مثبت اینترنت در ابعاد مختلف آشنا شده‌ام.
 - ۹. به دلیل اینکه از سرخوردگی‌های سابقم رها شدم، احساس نشاط فراوانی در ارتباط با اطرافیانم می‌نمایم.
 - ۱۰. همواره مراقبم که خوبی‌های به دست آمده را از دست ندهم.
 - ۱۱. همه تلاشم این است که تجربه‌های تلخ گذشته را هشدار و شیرینی‌های رهایی از این دوران اسفبار را به دوستانم منتقل نمایم.
 - ۱۲. خود را در محضر خدا و امام زمان برای توبه واقعی از آن دوران سیاه، سربلند و سرفراز می‌بینم.

۶-۲. راه‌های درمان ابتلاء به هرزه‌نگاری اینترنتی:

- برای این عنوان و آشنایی مشروح با راه‌های درمان به دروس عوامل پیشگیری و راه‌های درمان انحرافات جنسی مراجعه شود؛ ولی به طور اختصار نمونه‌هایی در این درس بیان می‌گردد:
۱. توصیه آیت‌الله بهجت: «اگر کسی طالب صادق مسیر سیر و سلوک و قرب الی الله است، انجام واجبات و ترک معصیت برایش کافی است، اگر چه هزار سال باشد».
 ۲. جلوگیری کامل یا کاستن از آثار منفی این رسانه مهم جهانی.
 ۳. خود بیداری و توجه به زشتی عمل.
 ۴. ملامت‌کردن نفس خود و دوری از این گناهان.
 ۵. به محض راه‌یافتن فکر گناه، فوراً آن را از تابلو اندیشه و فکر خود دور سازید.
- ۱ برگرفته از مقاله ارتباطات و نقش اینترنت در حوزه اطلاع‌رسانی دینی؛ نوشته حمید فغور مغربی؛ مجله نگاه حوزه، شماره ۵۹-۶۲، ص ۱۴۸.

۶. دوری از گناه و آمادگی برای مرگ:

جناده بن‌ابن‌امیه می‌گوید: بر امام حسن ۷ وارد شدم. فقلت له: یا ابن رسول الله عِظنی: پسر پیغمبر موعظه‌ام کن. فرمود: یا جناده! استعدّ لسفرک: آماده سفر آخرت باش؛ حَصِّلْ زادک قبل حلول اجلک: توشه آخرت را قبل از آنکه عمر سرآید، در دنیا حاصل کن، یا جُناده انت تطلب الدنيا و الموت یطلبک: ای جناده تو دنبال دنیا هستی تا آن را به دست آوری و مرگ به دنبال تو است؛ ولا تحمل همّ یومک الذی لم یات علی یومک الذی انت فیه: اندوه روزی که نیامده است را در روزی که هستی، بار نکن. واعلم انک لا تکسب من المال شیئاً فوق قوتک الا کنت فیه خازناً لغيرک: اگر بیش از آنچه که قوت تو است، از دنیا به دست آوری، خزینه‌دار دیگری هستی، در حلال دنیا حساب و در حرام آن عقاب است و مرتکب شبهات او مورد عتاب است، بیرون رو از مذلت معصیت به سوی عزت طاعت.^۱

۷-۲. لیست بعضی سایت‌های مذهبی - اسلامی برای مطالعه:

http://www.shistu.org >	شیعه‌شناسی
http://www.aqrazavi.org >	آستان قدس رضوی
http://www.al-islam.org >	الاسلام
http://www.aalalrasool.com >	آل الرسول
http://www.balagh.net >	بلاغ
http://www.tebyan.net >	پایگاه اسلامی تبیان
http://www.sobh.org >	پایگاه اسلامی صبح
http://www.imam-khomeini.com >	پایگاه اطلاع‌رسانی امام خمینی
http://www.islamicdatabank.com >	پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی
http://www.shialink.org >	پایگاه اطلاع‌رسانی شیعه
http://www.imamalin.net >	پایگاه امام علی علیه السلام
http://www.aldaleel.org >	پایگاه شیعی الدلیل
http://www.aqaed.com >	پایگاه عقاید
http://www.jameatulquran.com >	جامعه القرآن الکریم
http://www.shiasearch.com >	پایگاه‌های جستجوگر شیعی
http://www.hadj.ir >	حج

۱. برگرفته از کتاب داستان‌های ادب؛ ص ۴۱ تا ۴۳.

http://www.hawzah.net >	حوزه
http://www.hadith.net >	دارالحدیث
http://www.danafajr.com >	دانا فجر
http://www.duas.org >	دعا
http://www.oic-oci.org >	سازمان کنفرانس اسلامی
http://www.shareh.com >	شبکه اطلاع رسانی حوزه
http://www.qurannetwork.com >	شبکه قرآن
http://www.shia.org >	شیعه
http://www.islamicmedicine.org >	طب اسلامی
http://www.ashura.com >	عاشورا
http://www.ghadeer.org >	غدیر
http://www.fadak.org >	فدک
http://www.holyquran.net >	قرآن کریم
http://www.karbala.com >	کربلا
http://www.karbala-najaf.org >	کربلا- نجف
http://www.al-kawthar.com >	الکواثر
http://www.mahooz.com >	ماحوز
http://www.ahl-ul-bait.org >	مجمع جهانی اهل البیت
http://www.islam4u.com >	مرکز اشاعه اسلامی
http://www.noorsoft.org >	مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
http://www.al-shia.com >	مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البیت
http://www.qomicis.com >	مرکز جهانی علوم اسلامی
http://www.imam-khomeini.org >	موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
http://www.hajr.org >	هجر
http://www.motahari.org >	وب سایت آیت الله مرتضی مطهری
http://www.wilayah.org >	ولایت

۸-۲. استفتائات هرزه نگاری اینترنتی:

الف) استفتائات درباره اینترنت از محضر همه مراجع معظم تقلید

۱. در مراجعه به سایت‌های اینترنتی خارجی، زیاد با موارد خلاف شرع مواجه می‌شویم با اینکه در مسیر تحقیقات و ارتباط با تکنولوژی روز ناچار به استفاده از امکانات اینترنتی هستیم و با توجه به اینکه این گونه سایت‌ها نهایتاً اثر سوء خود را بر روی انسان می‌گذارد؟
همه مراجع: استفاده از سایت‌های اینترنت در اموری که شرعاً حلال است، اشکال ندارد.
۲. چیت در اینترنت به صورت گفتاری و یا نوشتاری با جنس مخالف - با این شرط که از حدود شرعی خارج نشویم (مثلاً برای تبادل نظر) - چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد. تبصره: اگر جنس مخالف زن جوان باشد، بهتر است گفت‌وگو با او [هر چند بدون قصد لذت هم باشد] ترک شود.
۳. چیت کردن با جنس مخالف و رد و بدل کردن صحبت‌های معمولی، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: در صورتی که خوف فتنه و کشیده شدن به گناه وجود داشته باشد، جایز نیست.
۴. چیت کردن با شخصی که از جنسیت او بی‌اطلاعیم، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر ترس افتادن به حرام باشد، جایز نیست.
۵. چیت کردن با زنان غیرمسلمان و صحبت نمودن‌های تحریک‌آمیز با آنها چه حکمی دارد؟
همه مراجع: حرام است.
۶. آیا می‌توان با یک دختر ناشناس در اینترنت، به وسیله چیت و به صورت زنده ازدواج هوقت کرد؟
همه مراجع: اگر ناشناس باشد، جایز نیست.
۷. آیا جایز است عقد ازدواج را به وسیله چیت و به صورت آنلاین و زنده اجرا کرد؟
همه مراجع: اگر شرایط صحت عقد را رعایت کنند و صدای یکدیگر را بشنوند و بین جملات آنان فاصله طولانی نیفتد، اشکال ندارد و عقد صحیح است.
۸. آیا در اینترنت و چیت با دیگری می‌شود عقد هوقت را با انجام تایپ اجرا کرد؟
همه مراجع: خیر، با تایپ کردن عقد صحیح نیست.
۹. در حین کار با شبکه اینترنت گاهی در کنار برخی از مقالات، عکس‌های مبتذل دیده می‌شود که ناگزیر از دیدن آنها هستیم؛ راهنمایی شما چیست؟
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و وحید: اگر به طور اتفاقی

چشمستان به آن بیفتد، اشکال ندارد؛ ولی نگاه به آن با قصد لذت حرام است و بنابر احتیاط واجب، بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه، جایز نیست. آیات عظام بهجت، صافی، مکارم و نوری: اگر به طور اتفاقی چشمستان به آن بیفتد، اشکال ندارد؛ ولی نگاه عمدی به آن (هر چند بدون قصد لذت)، جایز نیست.

۱۰. چت کردن با اشخاص مختلف، به انگیزه پیدا کردن فرد مورد نظر برای ازدواج یا او چه حکمی دارد؟ همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد و باعث - احکام ازدواج - مفسده نشود، اشکال ندارد.

ب - استفتائات درباره اینترنت از محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دام ظلّه)

۱. سوال: آیا چت کردن با دختر اشکال شرعی دارد؟

به صورت یک حکم کلی، چت کردن همانند دیگر صورت‌های صحبت کردن زن و مرد یا دختر و پسر نامحرم، اگر مفسده‌ای نداشته باشد و خوف وقوع در حرام نباشد و از روی شهوت صورت نگیرد، اشکالی ندارد.

بنابراین نظر، گفتگو به وسیله اینترنت یا تلفن اگر مفسده‌ای نداشته باشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر حرف‌های شهوی مطرح شود، یا از گفتگو و چت کردن، شهوت تهییج شود، جایز نیست و باید از آن پرهیز شود؛ اما برخی مراجع در خصوص چت فتوا به حرمت داده و گفته‌اند: با توجه به اینکه ارتباط و نامه‌نگاری دختر و پسر نامحرم چه به وسیله شبکه اینترنت و چت و چه از راه‌های دیگر غالباً منشأ فساد است، جایز نیست. چت کردن با نامحرم بدون ضرورت اشکال دارد و گناه است.

۲. آیا چت کردن با جنس مخالف در بحث دینی و مذهبی مثلاً حجاب بدون هیچ قصدی گناه است؟

با توجه به اینکه ارتباط دختر و پسر نامحرم، بدون ضرورت چه به وسیله تلفن و موبایل باشد یا به وسیله شبکه اینترنت و چت و چه از راه‌های دیگر باشد، غالباً منشأ فساد است و جایز نیست و اگر صحبت‌ها تحریک کننده باشد، حرام است. تجربه‌های مکرر نشان داده که رابطه‌های دختران و پسران دام‌های شیطان است و پیامدهای منفی هم دارد؛ هم‌چنین صحبت کردن‌های غیر ضروری با نامحرم از مناسب‌ترین جایگاه‌های نفوذ شیطان است. ممکن است ناخودآگاه انسان را به روابط غیر اخلاقی سوق دهد. البته اگر برای ارتباط و صحبت کردن با نامحرم ضرورتی در بین باشد؛ مانند سؤال کردن مسائل شرعی از نامحرم و امثال این مورد و قصد لذت و شهوت هم در بین نباشد و مفسده هم نداشته باشد، اشکال ندارد؛ ولی به شرط آنکه این نوع ارتباط نیز دوام‌دار نباشد.

۳. مشاهده صور قبیحه و تصاویر مستهجن افراد غیر مسلمان و ناشناس در اینترنت و غیره چه حکمی دارد؟
 امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و وحید: اگر به طور اتفاقی چشمتان به آن بیفتد، اشکال ندارد؛ ولی نگاه به آن با قصد لذت حرام است و بنابر احتیاط واجب، بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه، جایز نیست.

ج - استفتائات درباره اینترنت از محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی سیستانی

۱. بنده دارای کافی نت (خدمات اینترنت) هستم. سؤال این است که در آیه آن از لحاظ شرعی درست است یا خیر؟ این در صورتی است که با وجود کنترل، عده‌ای سوء استفاده کرده و مخفیانه چت یا به برخی سایتهای غیر مجاز می‌روند؟

اگر شما دستگاه را برای دیدن سایت‌های غیر مجاز اجازه ندهید، اشکالی بر شما نیست؛ ولی سعی کنید تا جایی که مقدور است، کنترل نمایید و هم‌چنین در مورد چت.

۲. نگاه کردن سایتهای مبتذل چه حکمی دارد؟ چه مرد و چه زن در حالی که تصاویر مرد و زن در آن می‌باشد؟

نگاه با شهوت جایز نیست و بدون شهوت هم بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

۳. خرید و فروش اینترنتی جایز است یا خیر؟

اگر منظور شما این است که دو نفر به وسیله اینترنت مباشرتاً خرید و فروش را انجام دهند، این گونه معامله صحیح است و اشکالی ندارد.

۴. آیا نگاه کردن به عکس‌های مبتذل و چت کردن درباره موضوعات مستهجن روزه را باطل می‌کند؟
 باطل نمی‌کند.

۵. آیا تجارت الکترونیک از نوع بازاریابی این گونه معاملات (اینترنتی) درست است؟

حضرت آیت الله این گونه معاملات را اجازه و تصحیح نمی‌فرمایند.

۶. آیا می‌توانیم درس‌های حوزوی را به وسیله اینترنت فرا گیریم؟

اگر از حوزه باشد، مانعی ندارد.

۷. حکم مکالمات اینترنتی و مکاتبه اینترنتی چیست؟

فی نفسه مانعی ندارد.

۸. حکم نگاه به عکس زنان عریان در اینترنت برای ارضای جنسی چیست؟

حرام است.

۹. ارتباط تلفنی و ایمیل به صورت پیوسته با یک خانم چه حکمی دارد؟
حرام است.

۱۰. شرکت‌های اینترنتی که اینترنت می‌فروشند آیا به دلیل رفتن مشترکین به (سایت‌های غیر اخلاقی) مسئول هستند؟ آیا در این گونه شرکت‌ها کنترل کردن مشترکین دخالت در مسائل شخصی نیست؟
چون خود اینترنت از آلات مشترکه است، بنابراین فروش آن جایز است؛ مگر طوری باشد که اشاعه منکرات و فحشاء صدق کند که حرام می‌شود.
۱۱. آیا در مورد هک سایت‌ها و یا استفاده از اشتراک اینترنت (رایگان) که از مورد این طریق به دست می‌آید، هانمی از نظر شرع یا قانون وجود دارد؟
اگر قانون کشور اسلامی آن را منع کند، مجاز نیست.

(د) استفتائات درباره اینترنت از محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

۱. حکم اجازه والدین در روابط اینترنتی دختر با جنس مخالف

حکم اینکه به دخترم در خانه اجازه می‌دهم که چت کند، چیست؟ البته از همه نظر به ایشان اطمینان دارم و ارتباط او با جنس مخالف بدین وسیله خطری برایش ندارد، فقط از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
جایز نیست. ممکن است فعلاً خطری نداشته باشد، ولی تجربه نشان داده که خالی از گناه نیست.

۲. کار کردن در شرکت‌های خدمات اینترنتی

کار کردن در شرکتی که خدمات اینترنت را فراهم می‌کند، با توجه به اینکه اکثر استفاده از آن مربوط به کاربردهای مبتذل است، چه حکمی دارد و آیا تعاون در اثم و عدوان محسوب می‌شود؟ با توجه به اینکه می‌توان از این رسانه استفاده‌های مفید نیز به عمل آورد؟
هرگاه اکثر افراد از برنامه‌های مبتذل آن استفاده می‌کنند، کار کردن با آن شرکت خدماتی اشکال دارد.

۳. استفاده از سایت‌های غیر مجاز

آیا می‌توان از سایت‌های غیر مجاز بدون قصد شهوت دیدن کرد؟
استفاده از سایت‌های غیر مجاز مطلقاً اشکال دارد.

۴. استفاده از اینترنت بی‌سیم دیگران

اگر ما در منطقه اینترنت وایرلسی داشته باشیم که مالک آن با وجود اینکه می‌تواند بر روی آن رمز

بگذارد، اما این کار را نکرده و فرکانسی است که در فضا منتشر است و ما بدون زحمت می‌توانیم از آن استفاده کنیم، پس بی‌شک هیچ مشکلی در استفاده بدون اجازه از آن نداریم، آیا حرفه من صحیح است و می‌توانم از آن استفاده کنم یا خیر؟

اگر نگذاشتن قفل بر آن نشانه رضایت او به استفاده دیگران باشد، مانعی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست.

۵. مطالعه سایت‌های مخالف نظام

حکم گوش کردن رادیوهای بی‌بی‌سی و صدای آمریکا یا مطالعه سایت آنها برای عموم مردم چیست؟ با توجه به مفاسد و اهداف شومی که آنها دارند، از این کار بپرهیزید.

۶. استفاده از vpn در اینترنت

یکی از امکانات غیر مجاز در اینترنت وجود VPN است. به این وسیله بعضی از سایت‌ها که فیلتر هستند، نمایش داده خواهند شد و می‌توان فیلم دانلود کرد. من برای سمینار دانشگاه به فیلم‌های علمی احتیاج دارم؛ ولی با وجود فیلتر بودن سایت‌ها نمی‌توانم چیزی دانلود کنم. آیا می‌توانم از این فیلتر شکن برای کارهای غیر حرام استفاده کنم؟

این کار در صورتی که مخالف قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشد، جایز نیست؛ ولی بر مراکز علمی لازم است امکان استفاده از منابع علمی سالم را برای دانشجویان فراهم کنند.

۷. خرید و فروش vpn

من مدتی هست که به وسیله اینترنت، VPN می‌فروشم. آیا وقتی نمی‌دانیم کاربر از آن چه استفاده‌ای می‌کند، جایز است؟

در صورتی که مخالف قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشد، جایز نیست.

۸. استفاده از فیس بوک

استفاده و بازدید و همچنین عضویت در شبکه‌های مجازی، مثل فیس بوک چه حکمی دارد؟ چنانچه بر خلاف قوانین و مقررات باشد و مفاسد داشته باشد، جایز نیست.

۹-۲. خطر هزینه‌نگاری اینترنتی (بر اساس یک تحقیق شخصی)

وقتی به دانشگاه آمدم، هزینه‌نگاری را دقیق‌تر - به ویژه در مطالعات زنان - بررسی کردم. درباره اینکه هزینه‌نگاری چه اثری می‌تواند بر زندگی ما داشته باشد، بیشتر تعمق

کردم. پس از آشنایی با هزینه‌نگاری و کار با اینترنت، دیدم هر روز با صنعت هزینه‌نگاری در اینترنت روبه‌رو می‌شوم.

شوکه شدم و برای مدتی به یکی از سایت‌های مستهجن پیوستم تا بفهمم برای من چه چیزهایی فرستاده می‌شود. اولین تصویری که ارائه شد، تصویری بسیار وقیحانه و مستهجن بود. فوراً از شبکه خارج شدم. با دیدن همین مقدار فهمیدم که اگر عضو سایت باقی بمانم، مشتری هر هزینه‌نگاری اینترنتی در دنیا خواهم شد. از آن زمان به بعد سایت‌های هزینه‌نگاری و رابطین ویدئویی، نامه‌های الکترونیکی بی‌شماری برای من فرستادند و سعی کردند هزینه‌نگاری‌هایی برایم بفرستند. به طور متوسط هر ماه پنجاه پیام الکترونیکی از سایت‌های هزینه‌نگاری دریافت می‌کردم.

تصمیم گرفتم بدانم در اینترنت چه می‌گذرد؛ به ویژه وقتی دانستم تحریک میلیون‌ها فرد به وسیله صفحه‌های مونیتور خطرآفرین است. خواستم بفهمم گستردگی صنعت هزینه‌نگاری در اینترنت چقدر است؟ یکی از هزاران تبلیغات هزینه‌نگاری را که در صندوق نامه‌های الکترونیکی‌ام بود، باز کردم. بیشتر این تبلیغات می‌گویند استفاده‌کننده‌های آنها باید بالاتر از ۱۸ یا ۲۱ سال سن داشته باشند. همچنین برخی سایت‌ها شرط می‌کنند بازدیدکنندگان سایت نباید با هزینه‌نگاری اینترنتی مخالف باشند. البته نه سن و سال و نه تمایلات افراد حقیقتاً در این سایت‌ها بررسی نمی‌شود. به همان سادگی که من می‌توانم یک کودک ۱۲ ساله باشم و کسی هم نظارت نمی‌کند، می‌توانم بنویسم: «من ۱۸ ساله هستم».

بر اساس تحقیقاتی که انجام داده‌ام به جرئت می‌توانم بگویم هزاران سایت اینترنتی هزینه‌نگاری وجود دارد و هزاران نفر در روز به آنها نگاه می‌کنند. برخی از سایت‌ها گسترده هستند، با انواع و اقسام هزینه‌نگاری‌ها، برخی سایت‌ها نیز ویژه زنان آسیایی هستند و برخی تنها منحصر به زنان جوان می‌باشند و برخی مختص هزینه‌نگاری کودکان در اینترنت است.

در سایت‌های بی‌شماری این تصاویر مجانی است. تعجب کردم چرا با وجود اینکه این تصاویر مجانی است و در اختیار کاربران قرار داده می‌شود، برخی پول پرداخت می‌کنند و عضو این سایت‌ها می‌شوند. چه سرویس‌های ویژه‌ای در اختیار اعضایی که پول پرداخت می‌کنند، گذاشته می‌شود؟! با پرداخت وجه لازم عضو یکی از سایت‌ها شدم. تصویرهای بیشتری در اختیارم گذاشته شد، می‌توانستم فیلم‌هایی را انتخاب و برای خود ذخیره کنم، به سادگی می‌توانستم روی برخی فریم‌ها زوم نموده و برخی را انتخاب کنم.

فیلم‌ها، صداها را هم کامل منعکس می‌کردند.

بعد از این تحقیقات می‌خواستم بنشینم و گریه کنم. نمی‌دانم چگونه به اطرافیانم بگویم؟ چگونه می‌توانم کثیف‌بودن این کار را به آنها، نشان دهم؟ چگونه به آنها بگویم که پژوهشگران دریافتند اعتیاد به اینترنت، دلیل تغییر در ماده سفید مغز است؟ به این صورت که پژوهشگران از ۱۶ نوجوان معتاد به استفاده از اینترنت عکس‌برداری مغزی کردند و این تصاویر را با تصاویر مغزی ۱۶ نوجوان هم سن و سال آنها که به استفاده از این شبکه معتاد نبودند، مقایسه نمودند. پژوهشگران دریافتند نوجوانان معتاد به اینترنت با ضعفی در ماده سفید مغز خود مواجه هستند. اعتیاد به اینترنت مانند اعتیاد به مواد مخدر، الکل، سیگار یا کافئین با علایمی نظیر افزایش نوسانات اخلاقی، سخن‌نگفتن با دیگران، قطع روابط اجتماعی، کم‌خوابی، نگرانی و استرس در کنار ضعف بینایی همراه است. کودکان و نوجوانانی که به اینترنت دلبستگی فراوان پیدا می‌کنند و در حقیقت به آن معتاد می‌شوند، برای راضی کردن خود ساعت‌های متوالی، بی‌وقفه روی خط باقی می‌مانند. این افراد زمانی هم که امکان دسترسی به اینترنت نداشته باشند، دچار تشویش، لرزش دست و عصبانیت می‌شوند و استراحت و آرامش را فراموش می‌کنند و به اینترنت فکر کرده و خیال‌پردازی می‌کنند. الان که فهمیده‌ام دستیابی به هرزه‌نگاری در اینترنت چقدر ساده است و چه قدر دانش مردم نسبت به هرزه‌نگاری کم است، اعتقاد دارم کسانی که ماهیت ویرانگر هرزه‌نگاری را درک کرده‌اند، باید این مفهوم را به هر کسی برسانند. تصویرهایی که بسیار خجالت‌آور است و باید انتشار آنها متوقف شود، به راحتی قابل دسترسی است. به نظر من بهترین راه برای جلوگیری از اثر تخریبی هرزه‌نگاری آگاهی‌دادن به مردم از خطرناک‌بودن آن است. اگر مردم بدانند نهایت کار اینترنت چیست، جلوی هرزه‌نگاری و اعتیاد به اینترنت را می‌گیرند. باید این مسئله را به دیگران نیز یادآور شویم.^۱

پیام‌های درس

۱. زنگ خطری به خانواده‌ها و جوانان در رابطه با استفاده غیر صحیح از اینترنت.
۲. دورشدن از خدا؛ هر ابزار و وسیله‌ای که باشد عوارض جسمانی و روحی شدید به دنبال دارد.
۳. در چگونگی استفاده از اینترنت، خدا را حاضر و ناظر و گوش به فرمان عقل سلیم و دانشمندان دینی و مراجع بزرگوار تقلید باشید.
۴. جلوگیری از هر بیماری آسان‌تر از برطرف کردن آن می‌باشد و در مسئله اینترنت

۱. خاطره یک تحقیق بد؛ نوشته بت استیونس (Bet Stevens)؛ برگرفته از مجموع مقالات آسیب‌شناسی فضای سایبری در وبلاگ گرداب وابسته به مرکز بررسی جرائم سازمان یافته.

قبل از ورود به اعتیاد و هرزه‌نگاری، باید جلوی آن گرفته شود.
 ۵. به جای تغذیه روح خود از غذاهای آلوده و آب‌های کثیف، باید روح و جان را از چشمه زلال وحی و استفاده صحیح از نعمت‌های الهی سیراب ساخت.

سؤالات درس

۱. مخرب‌ترین پیامد معتادین اینترنتی چه چیزهایی می‌باشد؟
۲. دشمن در هرزه‌نگاری اینترنتی چه هدفی را دنبال می‌کند؟
۳. آثار استفاده صحیح از اینترنت بر روح و جان انسان چه می‌باشد؟
۴. به نظر شما در داستان خاطره یک تحقیق بد نکات برجسته محقق هرزه‌نگاری اینترنتی چه نکاتی می‌باشد؟
۵. نظر مراجع بزرگوار تقلید در استفاده از سایت‌های مبتذل و هرزه‌نگاری اینترنتی چه می‌باشد؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه

۱. اینترنت و آسیب‌های اجتماعی؛ نوشته: مسعود کوثری؛ ۲۰۶ ص؛ نشر: سلمان، ۱۴ تیر ۱۳۹۰.
۲. دختران، اینترنت (والدین - مدرسه - جامعه)؛ نوشته: نازیلا حسین زاده ثانی؛ ۲۳۲ ص؛ نشر: ضریح آفتاب، ۱۴ شهریور ۱۳۹۰.
۳. پایگاه‌های شیعی در اینترنت؛ ۶۲۴ ص؛ نشر: دلیل ما، ۱۳۸۳.
۴. تأثیر اینترنت بر هویت ملی؛ نوشته: مجتبی عباسی قادی، مرتضی خلیلی کاشانی؛ ۲۴۸ ص؛ نشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۰.
۵. روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت؛ نوشته: سید حمید آتش‌پور، احسان کاظمی؛ نشر: محبان، ۲۱ اسفند ۱۳۸۴.
۶. اینترنت و ناهنجاری‌های اجتماعی آن؛ نوشته: استفان واترز؛ ترجمه: مریم مشایخ؛ ۲۹۶ ص؛ نشر: امیرکبیر، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۶.
۷. حفظ امنیت کودکان در اینترنت؛ گردآورندگان: امیر محمودی، محمدرضا فروزنده دوست، شهرام آبایی، فرحناز مصطفایی، ثریا اویسی؛ ۶۴ ص؛ نشر: توسعه آموزش، ۲۹ آذر ۱۳۸۸.
۸. اینترنت و کمین اخلاقی: نیمه پنهان قدرت؛ نوشته: ال. کوپر؛ ترجمه: سیدحمید مرتضوی و بتول جباریان؛ ۲۱۶ ص؛ نشر: دانژه، ۳۰ آذر ۱۳۸۸.

هرزه‌نگاری بلوتوثی

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. اشاعه فحشا در لغت و اصطلاح و آموزه‌های قرآنی و روایی؛
۲. اشاعه فحشا اقسام، آثار و راه‌کارهای مقابله با آن؛
۳. انواع قالب‌های هرزه‌نگاری‌های بلوتوثی؛
۴. پیامدهای جسمی و روحی هرزه‌نگاری بلوتوثی؛
۵. برخی از اهداف دشمن در هرزه‌نگاری بلوتوثی؛
۶. راه‌های درمان ابتلاء به هرزه‌نگاری بلوتوثی؛
۷. لیست برخی از نرم‌افزارهای اسلامی موبایل برای بلوتوث‌های اخلاقی؛
۸. استفتائات هرزه‌نگاری بلوتوثی؛
۹. داستان‌های هرزه‌نگاری بلوتوثی؛
۱۰. معرفی منابع بیشتر برای مطالعه.

بخش دوم: انواع هرزه‌نگاری:

۳. هرزه‌نگاری بلوتوثی:

۱- ۳. مقدمه:

بلوتوث یکی از بارزترین فن‌آوری‌های قرن بیست و یکم است که به ارتباط بدون سیم با برد کوتاه اطلاق می‌شود. این فن‌آوری به تلفن‌های همراه، کامپیوترها، دستگاه‌های ضبط و پخش استریو، لوازم خانگی، اتومبیل‌ها و همه وسایل دیگری که می‌توانید ارتباط آنها را با یکدیگر فکر کنید، امکان ارتباط می‌دهد.

این فناوری به دلیل استفاده آسان و رایگان بودن، مورد توجه بسیاری از جوانان و نوجوانان فرارگرفته است؛ اما دستاورد استفاده از این فن آوری نوین تنها یک روی سکه است؛ چراکه هر فن آوری در کنار مزایایی که برای کاربران خود دارد، خالی از معایب هم نیست و یکی از معایب بسیار مهم این فن آوری استفاده‌های غیر اخلاقی و هرزه‌نگاری آن می‌باشد.

هر پدیده اجتماعی دارای کارکردهای مثبت و منفی می‌باشد. تلفن همراه دارای کارکردهای مثبت بسیاری می‌باشد؛ مانند برقراری ارتباط در اسرع وقت و در حالی که همین وسیله ارتباطی کارکردهای منفی همچون بلوتوت‌های غیر اخلاقی را هم دارد. استفاده از بلوتوت با عنوان ابزاری برای ارتکاب جرم معضلی است که مدت‌ها شاهد بروز و گسترش آن هستیم. به گونه‌ای که ارسال فیلم‌ها و تصاویر مستهجن به وسیله بلوتوت در بین جوانان شیوع پیدا کرده است. کلیه اجزاء یک فرهنگ با هم تغییر نمی‌کند. بعضی از عناصر فرهنگی (بلوتوت‌های غیر اخلاقی) سریع‌تر از دیگر جنبه‌ها پیش می‌روند و بقیه عناصر هم (استفاده بهینه از تلفن همراه) رشد کمتری دارند که می‌تواند شرایط بروز بحران فرهنگ را فراهم نماید.

این موضوع ریشه در علل و عوامل مختلفی دارد و برای مبارزه با آن نیز باید راه‌کارهای گوناگون را به صورت هم‌زمان در دستور کار قرار داد. نخستین عاملی که هرزه‌نگاری بلوتوتی را ایجاد می‌کند، عامل خانوادگی است. تحقیقات نشان داده این‌گونه افراد در خانواده‌های تک‌سرپرست، بی‌سرپرست یا بدسرپرست رشد یافته‌اند و در مجموع از نظر خانوادگی دچار فروریختگی هستند. دومین عامل، عامل اجتماعی مهاجرت است. طبق بررسی‌های صورت گرفته این‌گونه افراد اکثراً مهاجر و حاشیه‌نشین هستند و از معضل عدم تعادل شخصیت رنج می‌برند. عامل مؤثر دیگر در این زمینه کم‌رنگ شدن عوامل دینی و جایگزین شدن ارزش‌های صوری به جای ارزش‌های معنوی است. افزون بر عواملی که در ارتکاب این‌گونه جرایم نقش دارند، باید به این موضوع نیز توجه داشت که متأسفانه جامعه نیز برای دریافت چنین بلوتوت‌ها یا موارد مشابهی آمادگی دارد و در واقع باید در کنار تحلیل شخصیتی ارسال‌کنندگان این بلوتوت‌ها، به بررسی ویژگی‌های روانی و شخصیتی دریافت‌کنندگان آنها نیز توجه داشت.^۱

عصر ما عصر سازماندهی‌های پیچیده و پر خطر است که هم‌گیزی از آن نیست و هم خطرناک است.

۱. برگرفته از مقاله «پلیس بلوتوت‌بازان را نشانه گرفت»؛ سونیتا سراب‌پور؛ دنیای اقتصاد همراه با تلخیص.

بنابراین باید گفت که متأسفانه هرزه‌نگاری بلوتوثی به یک معضل اجتماعی تبدیل شده و باعث دردسرهای بسیاری گشته است که از مصادیق بارز اشاعه فحشا در سطح جامعه می‌باشد؛ بنابراین برای آشنایی مخاطبین با معنای لغوی و اصطلاحی، آیات، روایات، مصادیق و ... اشاعه فحشا در دین مبین اسلام بحثی اجمالی را بازگو می‌کنیم.

اشاعه فحشا:

الف) تعریف اشاعه فحشا:

۱. تعریف لغوی:

تعریف لغوی اشاعه:

منظور از اشاعه، انتشار است؛ حتی اگر به قصد ترویج و تبلیغ انجام نگیرد.

تعریف لغوی فحشا:

فحشا در لغت به معنای معصیت، عمل زشت، بدی که از حد بگذرد یا زنا و نابکاری است.^۱ فحش و فحشا و فاحشه به معنای هر گونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد.^۲ در قرآن مجید نیز گاهی در همین معنای وسیع به کار رفته است؛ مانند: «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَاءَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»^۳ کسانی که از گناهان بزرگ و از اعمال زشت و قبیح اجتناب می‌کنند.

نویسنده مجمع البحرین به این نکته اشاره دارد که فحشا به هر دو معنا (گفتار و رفتار قبیح و ناپسند و نیز بخل و خست) به کار رفته است.^۴ نویسنده التحقیق فی کلمات القرآن الکریم در این باره می‌نویسد: ریشه اساسی این کلمه، زشتی آشکار است و فرق این ماده با کلمات قبح، هجن، سوء، کراهت، فضح، ضر و فساد در این است که قبح در برابر حسن است؛ ولی با این قید که در ظاهر باشد؛ اعم از اینکه در گفتار باشد یا رفتار و هجن و قبح و ناپسندی در عیب است، نه به طور مطلق.

سوء، چیزی است که در حد ذات خود نیکو نیست، چه در صورت یا در غیر آن و در جایی که معلوم باشد.

ضرّ در برابر نفع قرار دارد و در جایی است که معلوم نباشد و گاهی به خودی خود مطلوب می‌باشد.

۱. محمد معین؛ فرهنگ فارسی؛ ج ۲، ص ۴۹۰.
 ۲. راغب اصفهانی؛ مفردات؛ تحقیق: مریم مرعشی.
 ۳. شوری: ۳۷.
 ۴. فخرالدین طریحی؛ مجمع البحرین؛ ج ۴، ص ۱۴۷.

فساد، اختلال در عمل یا رأی و در برابر صلاح می‌باشد. فضح، برملا شدن بدی و ظهور و اشتها آن را گویند. کراهت در قبال حب، به معنی چیزی است که مطلوب نیست. آشکارسازی گفتار بد، ابراز بخل و حسد، تعدی از حق در مقام رفتار و عمل همگی از مصادیق ریشه و اساسی است که ذکر شد و عصیان اگر آشکار و شدید باشد، فاحشه و فحشا خوانده می‌شود. بدی، منکر، ظلم، زنا، گناه و ... همگی از مصادیق فحشا و فاحشه می‌باشند، ولی معادل دقیق آن نیستند.^۱

۲. تعریف اصطلاحی:

۱. اشاعه فحشا هرگونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد و اشاعه فحشا منحصر در تهمت، دروغ، غیبت، افترا، بدگویی و ... نیست؛ بلکه این موارد و تمام موارد زشت و گناه‌آلود از مصادیق اشاعه فحشا می‌باشند و هرگونه کمک به ترویج و توسعه زشتی و گناه نیز محکوم و گناه است.

ب) اشاعه فحشا در آموزه‌های قرآنی:

۱. حکم به منع اشاعه فحشا و وعده عذاب دردناک مروجان آن: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است.

پیام‌ها:

۱. علاقه به گناه، مقدمه گناه است. در راه نهی از منکر، علاقه به منکر را محو کنیم: «يُحِبُّونَ» ...
۲. در میان گناهان، تنها گناهی که حتی دوست داشتن آن گناه کبیره است، تهمت است: «يُحِبُّونَ ... عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛
۳. علاقه به ریختن آبروی دیگران، در همین دنیا کیفر دارد: «فِي الدُّنْيَا»؛
۴. کسانی که دنبال بی‌آبرو کردن دیگران هستند، نظام اسلامی باید آنها را تنبیه کند: «عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا»؛
۵. ما عمق فاجعه تهمت را نمی‌دانیم: «وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛

۱. حسن مصطفوی؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۹، ص ۳۵ و ۳۶.
۲. نور: ۱۹.

۶. چه بسا سرچشمهٔ برخی از عذاب‌های دنیوی که نصیب ما می‌شود، علاقهٔ ما به بی‌آبرو کردن دیگران است: «وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛

۷. اگر علاقه به شیوع فحشا این همه خطر دارد، خود اشاعهٔ فحشا چه کیفری خواهد داشت؟ «يُحِبُّونَ» ...^۱

۲. حرمت همیاری در نافرمانی خداوند و ستم به مردم: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^۲؛ و با یکدیگر بر اثم و عدوان همکاری نکنید. اثم؛ یعنی نافرمانی خداوند و عدوان؛ یعنی تعدی بر مردم به ستم و نارواست.

پیام‌ها:

۱. روابط اجتماعی غالباً از دو حال خارج نیست؛ یا تعاون بر نیکوکاری و بر و تقوی است یا تعاون بر گناه و تجاوز: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛

۲. کسانی که قداست شعائر الهی را می‌شکنند و به بدی‌ها کمک می‌کنند، باید خود را برای عقاب شدید الهی آماده کنند: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ».

ج) اشاعهٔ فحشا در آموزه‌های روایی:

۱. امام صادق ۷: «کسی که آنچه را دربارهٔ مؤمنی ببیند یا بشنود، برای دیگران بازگو کند، جزء مصادیق این آیه است»^۳.

۲. حضرت موسی بن جعفر ۷: «گوش و چشم خود را در مقابل برادر مسلمانان تکذیب کن؛ حتی اگر پنجاه نفر سوگند خوردند که او کاری کرده و او بگوید نکرده‌ام از او بپذیر و از آنها نپذیر. هرگز چیزی که مایهٔ عیب و ننگ او است و شخصیتش را از میان می‌برد، در جامعه پخش مکن که از آنها خواهی بود که خداوند دربارهٔ آنها فرمود: «کسانی که دوست می‌دارند زشتی‌ها در میان مؤمنان پخش شود عذاب دردناکی در دنیا و آخرت دارند»^۴.

۳. پیامبر اکرم ۶: «کسی که کار زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده است»^۵.

د) اقسام اشاعهٔ فحشا:

۱. دامن‌زدن به دروغ و تهمت و برای این و آن بازگو نمودن؛

۱. تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۱۶۱.

۲. مائده؛ ۲.

۳. تفسیر کنز الدقائق.

۴. برگرفته از نور الثقلین؛ ج ۲، ص ۵۸۲.

۵. تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۴۰۷.

۲. به وجود آوردن مراکز موجب فساد و نشر فحشاء؛
۳. در اختیارگذاشتن وسایل و اسباب معصیت به مردم و یا تشویق نمودن آنها به گناه؛
۴. دریدن پرده حیا و ارتکاب گناه در ملاء عام.

ه) آثار اشاعه فحشا:

۱. تباہ ساختن آبرو و عرض مسلمانان در سطح جامعه؛^۱
۲. زائل و شکسته شدن تدریجی قباحات و زشتی گناه در نظر مردم به صورتی که گناه را کوچک شمرده و آلودگی به آن به مسئله‌ای رایج و عادی تبدیل می‌گردد؛
۳. ارتکاب به گناه کبیره غیبت؛^۲
۴. نهادینه ساختن گناه در جامعه.^۳

و) زمینه‌های اشاعه فحشا:

۱. ترک امر به معروف و نهی از منکر؛
۲. افشاء اسرار مومنین؛
۳. اختلاط بین زن و مرد؛
۴. بی‌حجابی و بدحجابی.^۴

ز) راه کارهای مقابله با اشاعه فحشا:

۱. اقامه نماز؛ خداوند متعال: «نماز را برپا دار؛ زیرا نماز [انسان را] از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید».^۵
۲. پنهان داشتن گناهان خود و دیگران؛ امام رضا ۷: «آن‌کس که گناه را نشر دهد، دلیل و طرد شده است و آن‌کس که گناه را پنهان می‌دارد، مشمول آمرزش الهی است».^۶
۳. پایبندی به فرامین و نواهی الهی؛ با پایبندی به تعالیم الهی به ثمره و فلسفه وجودی آنها نائل می‌شویم. اگر می‌بینیم در اسلام با غیبت شدیداً مبارزه شده یکی از فلسفه‌هایش

۱. آبروی مسلمانی ولو گناهکار باشد، باید محفوظ بماند (مگر اینکه در نزد حاکم شرع از راه ادله شرعی جرم او به اثبات برسد که باز هم آن شخص بعد از اجرای حد و یا تعزیر، شخص محترمی خواهد بود) بنابراین آبروی مسلمانی ولو گناهکار را نمی‌توان در معرض تهدید قرار داد.

۲. وقتی انسان گناه کسی را پشت سر او باز گو کرد، حسب قوانین شرعی مرتکب غیبت شده است (مگر اینکه آن گناه طوری علنی باشد که فسق آن گناهکار واضح و روشن گردد).

۳. براساس روایات دینی هر کس گناهی را در جامعه نهادینه سازد، هر موقع که کسی مرتکب آن شود، وی نیز در عقوبت آن شریک خواهد بود. بنابراین او در روز قیامت هنگامی که نامه اعمالش را به دستش دهند، گناهی را در آن می‌یابد که خود مرتکب آنها نشده است؛ ولی به دلیل انجام دیگران وی نیز در تبعات آنها شریک شده است.

۴. برگرفته از کتاب امر به معروف و نهی از منکر؛ نوشته محسن قرائتی؛ ص ۸۳.

۵. عنکبوت: ۴۵.

۶. اصول کافی؛ ج ۲؛ باب ستر الذنوب؛ ص ۴۲۸.

این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می‌سازد و حرمت جامعه را جریحه‌دار می‌کند. اگر می‌بینیم دستور عیب‌پوشی داده شده، یک دلیلش همین است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند و ...

۲-۳. انواع قالب‌های هرزه‌نگاری‌های بلوتوثی:

۱. فیلم‌های غیر اخلاقی؛
۲. کلیپ‌های صوتی مستهجن؛
۳. کلیپ‌های تصویری غیر اخلاقی و مستهجن؛
۴. انتشار فایل‌های نوشتاری سخیف.

۳-۳. پیامدهای جسمی و روحی هرزه‌نگاری بلوتوثی از بیان خود معتادین هرزه‌نگاران بلوتوثی:

۱. در اثر استفاده از بلوتوث‌های غیر اخلاقی دچار بلوغ زودرس شده‌ام که اثرات منفی بر رشد طبیعی جسم و روانم داشته است.
۲. گوشه‌گیر، منزوی و افسرده شده‌ام.
۳. رفتارهای عصبی و غیر متعادل در من فوران می‌کند.
۴. دچار تپش قلب، کم‌اشتهایی و بی‌اشتهایی و رنجور شدن جسم شده‌ام.
۵. بی‌میلی به امر تحصیل و فعالیت‌های ورزشی پیدا کرده‌ام.
۶. تمایل و رغبتم به انجام واجبات و حضور در مجامع علمی و مذهبی کم شده است.
۷. اعتیاد به تلفن همراه پیدا کرده‌ام و مدام مشغول استفاده زیاد از تلفن همراه برای بلوتوث‌بازی و یا دیدن کلیپ‌ها و موسیقی‌های مبتذل شده‌ام.
۸. دچار بی‌خوابی و کاهش مطالعات درسی و غیر درسی و افت تحصیلی شده‌ام.
۹. در نوع انتخاب لباس و آرایش ظاهریم به سبک‌های نامانوس و ناهنجار افراط پیدا کرده‌ام.
۱۰. انگیزه گرایش به سیگار و استفاده از مواد مخدر در من زیاد شده است.
۱۱. انگیزه‌ام برای کار و تلاش و تشکیل خانواده کاهش پیدا نموده است.
۱۲. اعتماد به نفسم روز به روز کم می‌شود.
۱۳. در برقراری روابط اجتماعی با دیگران مشکل دارم و تنها از طریق بلوتوث می‌خواهم با دیگران ارتباط و تماس برقرار کنم.
۱۴. به هر دلیلی از تلفن همراهم جدا شوم، برایم بسیار غمگین‌آور است. حتی

خاموش بودن تلفن همراه برایم نگرانی و تشویش ایجاد می‌کند و باعث به وجود آمدن اختلالات روانی من می‌شود.

۱۵. از ارسال، پخش و تماشای بلوتوث‌های شخصی و فیلم‌ها و عکس‌های خانوادگی دیگران، هم لذت می‌برم و هم احساس گناه می‌کنم.
۱۶. بلوتوث را ابزاری برای رسیدن به سرگرمی‌های شخصی خودم انتخاب کرده‌ام.
۱۷. برای جبران رنج ناشی از معضل عدم شخصیت در وجود خودم، دست به دامان بلوتوث و کارکردهای غیر اخلاقی آن می‌شوم.
۱۸. استفاده از تلفن همراه و بلوتوث‌های غیر اخلاقی تأثیرات مخربی در شکل‌گیری ساختار شخصیتی و روحی من بر جای گذاشته است.
۱۹. میل تجاوز به حریم خصوصی مردم از طریق بلوتوث‌های غیر اخلاقی در من هر زمان تشدید می‌شود.^۱

۳-۴. برخی از اهداف دشمن در هرزه‌نگاری بلوتوثی:^۲

۱. ترویج فرهنگ غیر انسانی و غیر اخلاقی و لجن‌زار غرب؛
۲. کم‌رنگ‌نمودن عوامل دینی؛
۳. جایگزین نمودن ارزش‌های صوری به جای ارزش‌های معنوی؛
۴. آسیب به وجدان فردی و اجتماعی؛
۵. پخش بلوتوث‌های غیر اخلاقی در سطح جامعه برای رسیدن به اهداف منفی خود؛
۶. درگیر نمودن دانش‌آموزان دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و دانشجویان در استفاده از بلوتوث‌های غیر اخلاقی به دلیل اینکه این افراد بیشتر از بقیه قشرها استعداد بالقوه و بالفعل در این زمینه دارند؛
۷. نمایش روابط غیر اخلاقی، مصرف الکل و مواد مخدر، خشونت و خونریزی بسیار شدید و اهانت به کشورهای اسلامی و مسلمانان و غیره؛
۸. اشاعهٔ صحنه‌هایی از حریم خصوصی افراد برای شکست حریم خصوصی مردم و فروریختگی نظام خانه و خانواده.^۳

۱. برگرفته از اظهارات مرد ۲۴ ساله‌ای که با خودروی پژو در مقابل پایانه اتوبوسرانی ایستگاه متروی آرشهر تهران پرسه می‌زده و اقدام به پخش بلوتوث‌های غیر اخلاقی به دختران جوان می‌نموده که پس از بازداشت این اظهارات را دادسرا بیان نموده است. همچنین اظهارات مرد ۳۵ ساله‌ای که بلوتوث‌های غیر اخلاقی و مستهجن از جمله تصویر و فیلم در قطارهای مترو انتشار و ارسال می‌کرده که با اقدام به موقع پلیس مترو دستگیر شد که از تلفن همراه وی بیش از هزار تصویر و فیلم غیر اخلاقی کشف شده است. روزنامه جام جم؛ ۲۹ آبان ۱۳۸۶.

۲. برخی از اهداف نامبرده با اهداف دشمن در هرزه‌نگاری اینترنتی مشترک می‌باشد؛ بنابراین برای مطالعه بیشتر به درس هرزه‌نگاری اینترنتی رجوع شود.

۳. برگرفته از مقاله «بلوتوث‌های شیطانی و فقر فرهنگی»؛ قرائی مقدم.

۳-۶. راه‌های ابتلا جوانان به هرزه‌نگاری بلوتوثی:

۱. ارسال قالب‌های مختلف هرزه‌نگاری در نمایشگاه‌های بین‌المللی و کشوری به وسیلهٔ جریان‌ها و باندهای مرموز داخلی و خارجی؛
۲. دریافت از طرف دوستان و همکلاسان ناباب؛
۳. قرارگرفتن در معابر و مکان‌های عمومی؛ مانند خیابان‌های خاص، شهر بازی‌ها، سینماها، پارک‌ها، متروها، اتوبوس‌ها و ...؛
۴. شرکت در میهمانی‌ها و مجالس لهو و لعب.

۳-۷. راه‌های درمان ابتلا به هرزه‌نگاری بلوتوثی:**الف) درمان به وسیلهٔ والدین:**

۱. هر چند وقت یکبار با حضور فرزندانمان از آنها بخواهیم که محتوای تلفن همراه، فایل‌های رایانه‌ای، سی‌دی‌های فیلم و بازی را برای ما نشان داده و توضیح دهند.
۲. با فرزندان خود صمیمی‌باشیم و آنها را در رشد و تعالی و پیشرفت کمک نماییم.
۳. در صورت بروز مشکلات روحی و روانی از مشاوران و روان‌شناسان کمک بگیریم.
۴. تقویت و نهادینه‌کردن فرهنگ دینی در وجود فرزندانمان و ارتقاء معنویت و تقوی در آنها.
۵. تشویق و ترغیب فرزندان در پاک‌بودن و پاک‌زندگی نمودن به وسیلهٔ اهداء هدایا و جوایزی به ایشان برای پیشبرد اهداف مذکور.
۶. در خانواده، پدر و مادر در رعایت شئون اخلاقی و انجام واجبات و ترک محرمات پیشقدم باشند.
۷. عوامل توزیع فیلم و بلوتوث‌های غیر اخلاقی و غیر انسانی را به نیروهای انتظامی گزارش دهیم.
۸. همکلاسی‌های ناباب را در محل تحصیل به اولیای مدارس معرفی نموده و فرزندانمان را نیز از آنها دور کنیم.
۹. زمینه‌های لازم برای کار و اشتغال جوانان را فراهم نماییم.
۱۰. مقدمات امر مقدس ازدواج و تشکیل خانواده را برای جوانانمان آماده سازیم.
۱۱. برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و استفاده از پارک‌ها و برنامه‌های فرهنگ‌سراها برنامه‌ریزی کنیم.
۱۲. از برنامه‌های متنوع آموزشی، علمی و سرگرمی صدا و سیما استفاده بهینه نماییم.

۱۳. با فرزندانمان برای حضور در مساجد و هیئت‌های مذهبی و نمازهای جمعه و جماعت همراهی و همکاری کنیم.
۱۴. هر چه بیشتر با احکام و آداب دینی هم خودمان آشنا شویم و هم فرزندانمان را آشنا نماییم.
۱۵. در انجام فرایض، به ویژه نماز فرزندانمان اهتمام بیشتری بورزیم.
۱۶. به انتخاب حداقل یک نشریه و مجله فرهنگی تخصصی و فنی در حوزه مورد علاقه فرزندانمان توجه کنیم.
۱۷. برای پرکردن اوقات فراغت با ورزش یا مهارت‌آموزی و استفاده از کلاس‌های کامپیوتر، دوره‌های فنی، زبان و .. نوجوانان و جوانان خود را تشویق و ترغیب کنیم.
۱۸. برای راهنمایی و مراقبت از فرزندانمان در استفاده صحیح از فیلم و تلفن همراه، حتی المقدور برای دورماندن فرزندان از برخی از معضلات فرهنگی و اخلاقی، از تلفن همراه ساده و بدون بلوتوث و دوربین استفاده کنیم.
۱۹. برای انتخاب دوستان سالم و صالح، راهنمای فرزندانمان باشیم.

ب) درمان به وسیله قوانین اجتماعی :

۱. کاهش تبادل بلوتوث‌های غیر اخلاقی به وسیله جایگزین نمودن بلوتوث‌های مفید و سازنده در اماکن عمومی، متروها، نمایشگاه‌ها و ...؛
۲. آماده‌سازی اذهان عمومی برای اجرای مجازات‌های سنگین قانونی در مورد ترویج‌کنندگان بلوتوث‌های غیرمجاز؛
۳. فرهنگ‌سازی در زمینه شیوه‌های استفاده صحیح از تلفن همراه و تکنولوژی بلوتوث و همچنین عواقب سوء استفاده از آنها؛
۴. برخورد قانونی با ارسال بلوتوث‌های مبتذل به وسیله راه‌اندازی مرکزی با عنوان «پلیس موبایل».

۸-۳. لیست برخی از نرم‌افزارهای اسلامی موبایل برای نصب و بلوتوث‌های اخلاقی:

۱. رساله عملیه: رساله عملیه ۱۲ تن از مراجع عظام ...؛ پنج مگابایت.
۲. متن روضه: متن روضه‌های شهید مطهری ؛، آیت‌الله فلسفی ؛، شهید دستغیب ؛ و ؛ یک مگابایت.
۳. قرآن کریم: قرآن کریم با خط عثمان طه و امکان جستجو ... ؛ یک مگابایت.
۴. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال: متن کتاب شریف ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛

- شیخ صدوق ؛...؛ یک مگابایت.
۵. طب النبی: متن کتاب طب النبی ۶ به همراه امکان جستجو...؛ یک مگابایت.
۶. تقویم اسلامی نفعات ۹۱: تقویم هجری به همراه ثبت رویدادهای اسلامی - اوقات شرعی - اعمال و ادعیه هر روز - آداب شامل آداب زیارت، خواب و...؛ دو مگابایت.
۷. استفتائات رهبری: رساله اجوبه استفتائات (ج ۱ = عبادات و ج ۲ = معاملات) به همراه استفتائات جدید...؛ یک مگابایت.
۸. کلام امیر ۷: غرر الحکم با امکان ارسال متن عربی و فارسی احادیث به صورت پیامک...؛ یک مگابایت.
۹. حلیه المتقین: متن کتاب شریف با امکان جستجو...؛ یک مگابایت.
۱۰. دانستنی‌های چهارده معصوم :: داستان - حدیث - شعر...؛ دو مگابایت.
۱۱. داستان‌های اصول کافی: متن داستان‌های کتاب شریف اصول کافی...؛ یک مگابایت.
۱۲. مصباح الهدی: زندگینامه امام حسین ۷ (متن منتهی الآمال) - روزشمار زندگی - سیره - خصائص و فضائل - سخنان (۴۴۰ سخن) - یاران - چهل حدیث کربلا - پیام عاشورا - مقتل و روضه - اربعین - احکام و روش عزاداری - داستان - شعر - آداب زیارت و...؛ دو مگابایت.
۱۳. مفاتیح الجنان ۳: متن کلیات شریف مفاتیح الجنان به همراه امکان منتخب‌سازی ادعیه در دفترچه دعا...؛ دو مگابایت.
۱۴. تفسیر المیزان: متن کتاب شریف تفسیر المیزان به همراه امکان جستجو؛ ۱۴ مگابایت.
۱۵. همراه نمونه: متن قرآن کریم به همراه ترجمه و تفسیر آیت‌الله مکارم شیرازی...؛ هفت مگابایت.
۱۶. نهج الفصاحه: متن کتاب نهج الفصاحه به همراه جستجو...؛ یک مگابایت.
۱۷. نهج البلاغه: متن عربی و فارسی نهج البلاغه به همراه امکان جستجو...؛ دو مگابایت.
۱۸. اهل بیت: مسائل اعتقادی درباره امامت اهل بیت : در قرآن - سیره اهل بیت : - چهل حدیث از هر معصوم : - سیره بزرگان مانند حضرت معصومه ۳، حضرت ابوالفضل ۷، حضرت حمزه ۷ و... - سیره برخی اصحاب اهل بیت :...؛ دو مگابایت.
۱۹. آیا می‌دانید که؟: دانستنی‌هایی در مورد حضرت مهدی «عج»...؛ یک مگابایت.

۲۰. سلام شیعه: متن عربی و فارسی خطبه غدیر - کتاب خاطرات همفر (تاریخچه وهابیت) - کتاب شیعه پاسخ می گوید (آیت الله مکارم شیرازی) - کتاب داستان و راستان ج ۲۱ - پاسخ به شبهات (بیش از ۲۰۰ شبهه برگرفته از سایت سلام شیعه) ...؛ یک مگابایت.

۲۱. صحیفه سجادیه: متن عربی و فارسی صحیفه سجادیه ...؛ یک مگابایت.

۲۲. ذکر ایام هفته: اذکار وارده برای ایام هفته ...؛ یک مگابایت.

۲۳. هلال: اعمال و ادعیه ماه مبارک رمضان - زیارات وارده - نماز عید - اوقات شرعی - پخش اذان ...؛ چهار مگابایت.

۲۴. مناجات: اعمال اماکن مقدسه و زیارتنامه مشاهد شریفه ...؛ یک مگابایت.

۲۵. پیام آور رحمت: زندگینامه پیامبر اکرم ﷺ به همراه داستان و حکایت و احادیث آن حضرت ...؛ یک مگابایت.

۲۶. مفاتیح الجنان: منتخب مفاتیح الجنان برای موبایل های با محدودیت حجم فایل جاوا ...؛ یک مگابایت.^۱

۳-۹. استفتائات هرزه نگاری بلوتوثی:

آیا بلوتوث کردن مطلقاً جایز است؟

مسئلاً فن آوری بلوتوث دارای مزایای بسیاری است؛ اما معایب بی شماری هم دارد و نمی توان گفت همه کارکردهای آن شرعاً جایز است؛ مثلاً دیده شده افرادی از روی بی تقوایی تصاویر یا کلیپ های نامناسب را در مکان های عمومی پخش می کنند که این کار هم مصداق اشاعه فحشا و هم آلوده کردن و آزرده کردن فردی است که دوست ندارد به چنین صحنه هایی نگاه بیندازد و یقیناً حرام است؛ اما اگر فردی فایل های صوتی یا تصویری مذهبی را بلوتوث کند، شرعاً اشکالی ندارد؛ زیرا دریافت کننده در صورت عدم تمایل آن را حذف می کند؛ مگر اینکه این کار آنقدر تکرار شود که به نوعی موجب آزار فرد مخاطب شود.

در ضمن نرم افزارهایی هم وجود دارد که به نوعی کار تخلیه اطلاعات گوشی مخاطب را انجام می دهد چه از این راه و چه از طریق راه های دیگر، استفاده بدون اجازه و کسب رضایت فرد از اطلاعات درون گوشی تلفن او شرعاً جایز نیست؛ حتی اگر فایلی شخصی و خصوصی هم نباشد. این مانند آن است که شما از کتاب دیگری بدون اجازه استفاده کنید.^۲

۱. کلیه نرم افزارهای نامبرده شده در سایت <http://www.tahzib.hawzahqom.ir>؛ (معاونت تهذیب حوزه های علمیه) قابلیت دانلود را دارند.

۲. برگرفته از استفتائات موبایلی؛ نگارش شده توسط روح الله حبیبیان؛ ص ۲۶، پایگاه اینترنتی حوزه.

آیا افشاء اسرار شخصی و امور خصوصی و سری در برابر مردم جایز است؟

کشف و بیان امور خصوصی و شخصی در برابر دیگران اگر به نحوی مربوط به افراد دیگر هم باشد و یا موجب ترتب مفسده شود، جایز نیست.^۱

۱۰-۳. داستان‌های هرزه‌نگاری بلوتوثی :

۱. انتشار بلوتوث‌های مستهجن یک مرد ، همسرش را به کام مرگ برد!!

مأموران با حضور در یکی از بیمارستان‌های تهران دریافتند زن جوانی بر اثر مسمومیت، پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده است. بازپرس شعبه سوم دادرسی امور جنایی تهران بزرگ درباره این پرونده گفت: بررسی از خانه این فرد نشان داد وی تعداد زیادی قرص مصرف کرده و به این ترتیب مشخص شد این زن جوان به نام میترا به زندگی خود پایان داده است. تحقیقات قضایی حکایت از آن داشت که میترا زن متوفی روز حادثه از انتشار بلوتوث‌های مستهجن شوهرش با چندین زن با خبر شده و پس از دیدن این فیلم‌ها در گوشی تلفن شوهرش و یکی از آشنایانش، دست به خودکشی زده است. وی ادامه داد: باند مخوفی که با ربودن زنان و دختران جوان آنها را در باغ‌های حاشیه تهران مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند و از اقدام کثیف خود فیلم تهیه و آنها را پخش می‌کردند، با شناسایی عوامل پخش این بلوتوث‌ها سرانجام دستگیر شد. بررسی‌های صورت گرفته بر روی فیلم بلوتوثی و بازجویی از اعضای باند نشان می‌داد که سردهسته این باند مرد جوانی است که در یک تعمیرگاه کار می‌کند.^۲

۲. اخاذی به وسیله بلوتوث:

چندی پیش دختری نزد رئیس پلیس آگاهی قم^۳ شکایت کرد و گفت: موبایلش را در یک خودروی مسافربر شخصی جا گذاشته و وقتی با یابنده تماس گرفته، آن مرد وی را تهدید کرده که عکس‌های او را از طریق بلوتوث یا اینترنت پخش می‌کند و یا مبلغی را به وی بدهد. بعد از این شکایت با توجه به اهمیت موضوع اکیپ زبده‌ای از کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم خاص و رایانه‌ای وارد عمل شدند. از آنجا که متهم عکس‌های دختر جوان را روی اینترنت گذاشته بود، کارآگاهان با استفاده از اقدامات فنی از طریق اینترنت و دادن آموزش‌های لازم به شاکی، محل اختفای متهم را شناسایی و او را دستگیر کردند.

۱. استفتائات تجسس و خیرچینی و افشاء اسرار؛ حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مد ظله.

۲. به نقل از گزارش فارس؛ ۱۳۹۰/۱۲/۵.

۳. سرهنگ حسینی.

متهم در بازجویی انگیزه‌اش از تکثیر عکس‌های دختر جوان را صرفاً سرگرمی اعلام کرد.^۱

۳. دختر جوان راز بلوتوث سیاه را فاش کرد:

گزارش مردمی مردم اراک به اداره اطلاعات امنیت آن شهر مبنی بر اینکه تصاویر غیراخلاقی دو دختر جوان از طریق بلوتوث در میان مردم و به ویژه جوانان شهرستان محلات و حومه آن پخش شده است، سبب گردید که ماموران تحقیقات ویژه‌ای را در این خصوص آغاز نمایند. تا اینکه هویت دو دختر جوان را شناسایی و آنها را برای تحقیقات به اداره اطلاعات امنیت اراک منتقل کردند. دو دختر جوان در بازجویی‌های پلیس، اعتراف کردند تصاویر غیراخلاقی پخش شده در شهرستان محلات متعلق به آنهاست. یکی از دختران جوان در اظهاراتش به پلیس گفت: دو سال قبل با جوانی به نام افشین آشنا شدم. وی به بهانه ازدواج مرا فریب داد و فیلم غیراخلاقی از من تهیه کرد. چندی قبل افشین پس از مشاجره با من، ارتباطش را قطع و ادعا کرد فیلم غیراخلاقی را از گوشی تلفن همراهش حذف کرده است. ابتدا حرف‌هایش را باور نکردم و از او خواستم گوشی تلفن همراهش را به من نشان دهد که داد و فریاد راه انداخت و تهدیدم کرد اگر ماجرا را با خانواده‌ام بازگو کنم، مرا خواهد کشت که با این تهدید به ناچار سکوت کردم تا اینکه متوجه شدم حرف‌های افشین دروغ بوده و تصاویر غیراخلاقی مربوط به من را در شهرستان محلات پخش کرده و آبروی من و خانواده‌ام را برده است. دختر دیگر هم اظهارات مشابهی را مطرح و بیان کرد وی هم از سوی دوست افشین اغفال شده است. ماموران با به دست آوردن اطلاعاتی از این دو دختر جوان پی بردند که دو متهم پرونده در یکی از دانشگاه‌های اراک تحصیل می‌کنند.

با مشخص شدن هویت دو جوان متهم آنها تحت تعقیب پلیس اطلاعات امنیت شهرستان اراک قرار گرفتند و دستگیر شدند و برای ادامه تحقیقات به مرکز پلیس انتقال یافتند. ماموران در بازرسی از مخفیگاه افشین ۶۷ حلقه لوح فشرده فیلم غیراخلاقی و تصاویر غیراخلاقی از دختر جوان را که در گوشی تلفن همراه وی ثبت شده و هنوز در شهر محلات پخش نشده بود، کشف و ضبط کردند.^۲

پیام‌های درس:

۱. بلوتوث یکی از بارزترین فن‌آوری‌های قرن بیست و یکم است که به ارتباط بدون سیم با برد کوتاه اطلاق می‌شود.

۱. برگرفته از مقاله خبری «مراقب بلوتوث‌های شیطانی و مجرمان حرفه‌ای باشید»؛ علیرضا رحیمی‌نژاد؛ روزنامه جام جم، چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۸۷.

۲. برگرفته از گزارش خبری روزنامه جام جم؛ ۱۳۸۷/۸/۲۸.

۲. هرزه‌نگاری بلوتوثی به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که ارسال فیلم‌ها و تصاویر مستهجن از طریق بلوتوث در بین جوانان شیوع پیدا کرده است که این مسئله از مصادیق بارز اشاعه فحشا در سطح جامعه می‌باشد.
۳. اشاعه فحشا به هر کار یا فعلی اطلاق می‌شود که گناه و معصیتی را در جامعه و در میان آحاد مردم ترویج دهد و کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است.
۴. استفاده از بلوتوث‌های غیر اخلاقی، بلوغ زودرس، گوشه‌گیری، رفتارهای عصبی و ... را در شخص استفاده‌کننده به وجود می‌آورد.
۵. ارسال، پخش و تماشای بلوتوث‌های شخصی، فیلم‌ها و عکس‌های خانوادگی دیگران و میل تجاوز به حریم خصوصی مردم از عوارض سوء بلوتوث‌های غیر اخلاقی است.
۶. هر چند وقت یکبار با حضور فرزندانمان از آنها بخواهیم که محتوای تلفن همراه، فایل‌های رایانه‌ای، سی‌دی‌های فیلم و بازی را برای ما نشان داده و توضیح دهند.

سؤالات درس:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی اشاعه فحشا چیست؟
۲. به چند نمونه از آیات و روایاتی که اشاعه فحشا را در سطح جامعه حرام دانسته‌اند، اشاره کنید؟
۳. آثار، پیامدها و راه‌کارهای مقابله با اشاعه فحشا در سطح جامعه را نام ببرید؟
۴. اهداف دشمن از هرزه‌نگاری بلوتوثی و پخش بلوتوث‌های غیر اخلاقی چیست؟
۵. به چند مورد از راه‌های درمان ابتلا به هرزه‌نگاری بلوتوثی اشاره کنید؟
۶. پیامدهای جسمی و روحی هرزه‌نگاری بلوتوثی چیست؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. بلوتوث و ناامنی‌های آن؛ تورج علی نیا؛ ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶.
۲. ضررهای اجتماعی و فردی فحشا و اشاعه آن؛ سیدامیر فرخ فرهنگد و زینب‌السادات فرهنگد؛ ناشر: شاملو ۱۳۸۷.
۳. بلوتوث دوستانه: دوست و دوستی از دیدگاه اسلام؛ غلامرضا معصومی؛ ناشر: پرتو ولایت، ۱۳۹۰.

هرزه‌نگاری رسانه‌ای

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. انواع قالب‌های هرزه‌نگاری رسانه‌ای؛
۲. پیامدهای جسمی و روحی هرزه‌نگاری ماهواره‌ای؛
۳. برخی از اهداف دشمن در هرزه‌نگاری ماهواره‌ای؛
۴. ابزارهای دشمن در هرزه‌نگاری ماهواره‌ای؛
۵. راه‌های درمان ابتلا به هرزه‌نگاری ماهواره‌ای؛
۶. استفتائات هرزه‌نگاری ماهواره‌ای؛
۷. داستان‌های هرزه‌نگاری ماهواره‌ای.

بخش دوم: انواع هرزه‌نگاری:

۴. هرزه‌نگاری رسانه‌ای

مقدمه:

بدون شک غرب به موازات کسب توانایی‌ها و اقتدار سرشار مادی و تکنیکی در عرصه معنویت و مکارم اخلاقی شدیداً به انحطاط گراییده است و بر این اساس نه تنها جوامع غرب، بلکه بیشتر جوامع بشری دست‌خوش بحران‌های گوناگون شده‌اند.

از میان ابزارهایی که فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر را به چالش‌های جدی کشانده، رسانه‌ها هستند که با هدف تهاجم فرهنگی به دیگر کشورها جایی برای خود باز کرده است. مطبوعات، سینما و ماهواره که از مهم‌ترین آنهاست؛ از جمله پدیده‌هایی است که وقتی پا در صحنه اجتماعی و سیاسی کشورمان گذاشت، عده‌ای را به طرفداران و مخالفان افراطی خود تبدیل کرد.

بی‌گمان برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، سینمایی و در مجموع رسانه‌ای موفق گشته‌اند تا افکار و عقاید انسان‌های بی‌شماری را دست‌خوش تغییر سازند. تمدن منحنی غرب برای ترویج سکولاریسم، اقدام به تأسیس هزاران شبکه رسانه‌ای کرده است که به صورت شبانه‌روزی برنامه‌های گوناگونی را با این هدف پخش می‌کنند. متأسفانه دست‌یابی به این شبکه‌ها در کشور ما به‌سادگی امکان‌پذیر است؛ زیرا امکان تهیه و دریافت وسایل رسانه‌ای با سهولت و قیمت نازل فراهم آمده است.

تاکنون با خود اندیشیده‌اید چرا این تکنولوژی نوین خواهان بسیاری آن هم در تمام سطوح سنی بالادست جوانان دارد؟ آیا مصرف‌کنندگان جوان، از فرهنگ استفاده آن مطلعند؟ به نظر شما تقریباً زمانی که هر یک از اعضای یک خانواده، به ویژه خانواده‌های تازه بنیان شده، از مطبوعات، سینما و ماهواره استفاده می‌کند، چقدر است؟ کدام یک از برنامه‌های رسانه‌های مذکور بیشتر مورد توجه تماشاگران جوانش قرار می‌گیرد؟ معایب یا محاسن استفاده از آن چیست؟ آیا روابط یک زوج جوان، تحت تاثیر آنها برای بهبودی پیش می‌رود یا اضمحلال؟! و هزاران سؤال دیگر ... که در این درس تلاش داریم به توضیح آنها پردازیم.

۱-۴. هزینه‌نگاری مطبوعاتی، سینمایی: ۱

الف) نقش مطبوعات و سینما در توسعه فرهنگی:

امروزه جامعه‌ای توسعه‌یافته تلقی می‌شود که بتواند در کنار شاخص‌های اقتصادی؛ مانند درآمد سرانه، توزیع ناخالص ملی و نرخ مرگ و میر بر معیار آموزش و اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی تأکید کند.

در چنین جامعه‌ای مطبوعات و سینما با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش زیادی در بالابردن آگاهی‌های گوناگون و ضروری به عهده می‌گیرند و جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه جانبه یاری می‌کنند. مطبوعات و سینما در زمینه توسعه فرهنگی می‌توانند

۱. برگرفته از روزنامه کیهان؛ شماره ۱۴۴۶۹، ۰۹/۰۲/۱۳۷۱.

عامل آمیختگی، توازن و پیوند دادن به باورهای اصیل اعتقادی و سنت‌های بارور جامعه باشند و باعث پویایی افکار شوند.

مطبوعات و سینما سودمندترین و ارزان‌ترین وسیله برای بالابردن سطح آگاهی افراد جامعه و مبارزه با جهل و بی‌خبری به شمار می‌آیند. واقعیت این است که توسعه اقتصادی و فرهنگی به آموزش و آگاه‌سازی و آماده‌کردن افکار عمومی برای بهره‌برداری از امکانات مادی و معنوی نیاز دارد. در این میان نقش مطبوعات و سینما با عنوان یکی از پارامترهای مهم توسعه فرهنگی آشکار می‌شود. مطبوعات و سینما در جامعه با کارکردهای خود (اطلاع‌رسانی، آموزشی، تفریحی و سرگرمی) به توسعه همه‌جانبه کمک می‌کنند.

ب) کارکردهای منفی مطبوعات و سینما:

در ایران مطبوعات و سینما به دلایل سابقه تاریخی، میراث فرهنگی و نظام‌های سیاسی متمرکز در طول تاریخ و ضعف نهادهای جامعه مدنی دارای مشکلات ساختاری متعددی بوده و دچار توسعه‌نیافتگی شده است. توسعه‌نیافتگی مطبوعات و سینمای ایران هم در محتوا، هم در ساختار و هم نیروی انسانی به چشم می‌خورد.

برخی از کارکردهای منفی مطبوعات و سینما:

۱. اشاعه فرهنگ غربی؛
۲. اشاعه مسائل ضد اخلاقی؛
۳. بی‌توجهی به هویت ملی؛
۴. وجودناشتن حس دینی و عرق ملی در برخی از متولیان این حرفه؛
۵. نشان‌دادن ضدیت با اسلام در محتوای تولیدات؛
۶. آلودگی برخی از مطبوعات و فیلم‌های سینمایی به ابتذال و فحشا؛
۷. عاجز بودن نویسندگان مطبوعات و فیلم‌نامه‌ها از درک احساسات و نیازهای واقعی جامعه ایران.

۲-۴. انواع قالب‌های هرزه‌نگاری ماهواره‌ای:

۱. ۳۸۰ کانال خاص موسیقی که شبانه‌روز در حال پخش موسیقی، رقص، آهنگ‌های درخواستی، کنسرت و شوهای موزیکال هستند.
۲. ۲۵۰ کانال در حوزه کودک و نوجوان این شبکه‌ها افزون بر پخش کارتون‌هایی که عموماً در تضاد با مبانی اخلاقی فرهنگ ماست، به فرهنگ‌سازی ارزش‌های لیبرالی و اومانیستی غرب در ذهنیت اطفال ایرانی پردازند و آنان را شیفته زندگی آمریکایی و غربی می‌نماید.

۳. ۸۰ شبکه در حوزه مصرف‌زدگی و فرهنگ‌سازی پوشش و مد وجود دارد که اختصاص به نمایش مد و لباس دارد؛ لباس‌هایی که رسماً تبلیغ فرهنگ عریانی است.

۴. ۳۲ شبکه فارسی زبان سیاسی، ضد فرهنگی، قوم‌گرا، تجزیه‌طلب و برانداز که هدف مشترک همه آنها القای ارزش‌های ضد اسلامی به فرهنگ ایرانی و دست‌کاری در افکار عمومی ملت ایران است.

۳-۴. پیامدهای جسمی و روحی هرزه‌نگاری ماهواره‌ای:

۱. الگوزینی نوجوانان و جوانان از رسانه‌های تصویری؛ به ویژه ماهواره؛
۲. اتلاف وقت حدود ۳۵ درصد نوجوانان و جوانان روزانه بین دو تا سه ساعت برای تماشای برنامه‌های مختلف ماهواره طبق آمار؛
۳. سستی نظام بیشتر خانواده‌ها در اثر تماشای شبانه‌روزی برنامه‌های ماهواره؛
۴. زمینه‌ساز مفاسد اخلاقی، اعتقادی، روحی و سقوط اخلاقی و انحرافات جنسی در فرد، خانواده و اجتماع؛
۵. روی‌گردانی از وسایل ارتباط جمعی ساده؛ همانند تلویزیون و یا ویدئو؛ چون دیگر این وسایل را جواب‌گوی نیازهای خود نمی‌دانند؛
۶. رویکرد نامناسب به ماهواره‌ها؛ با وجود اینکه برنامه‌های ماهواره‌ای محتوای علمی و آموزنده نیز دارند و در واقع به دلیل برنامه‌های مبتذل و مستهجن، از ماهواره استفاده می‌کنند.
۷. بروز رفتارهای جنسی نامعقول و یا روی‌آوردن به اعتیاد جنسی؛^۱
۸. فرار از دنیای واقعی و روی‌آوردن به دنیای مجازی، خیالی، فانتزی و نشاط‌آور که سبب می‌شود تا دنیاگسستگی، بی‌توجهی به اطرافیان، گذر زمان و ... برای فرد پدید آید.
۹. کاهش تعاملات و روابط خانوادگی در بین اعضای خانواده و ایجاد مشکل در روابط صمیمانه زوجین؛^۲
۱۰. تغییر در الگوی خواب و بیداری؛

۱. تماشای بی‌رویه و خارج از حد برخی از شبکه‌های نمایش ماهواره، پدیده شومی به نام هرزه‌نگاری را موجب شده است. در این شبکه‌ها که نمایش تصویری و یا کلامی رفتارهای جنسی با هدف ارضای خواسته‌های جنسی دیگران انجام می‌شود، معمولاً به ارضای غیرطبیعی جنسی تماشاگران می‌انجامد و این امکان را به وجود می‌آورد که فرد به واسطه دیدن مطالب و تصویرهای مستهجن، رفتارهای جنسی نامعقول از خود بروز دهد و یا به اعتیاد جنسی رو آورد. لذت جنسی و رهایی از تنش، چنان در فرد تقویت می‌شود که شخص را شدیداً مجذوب تماشا می‌کند و به قدری شدت می‌یابد که تماشای صحنه‌های مبتذل، ذهن و اندیشه فرد را تسخیر می‌کند؛ به گونه‌ای که اگر فرد روزی به سراغ ماهواره و عکس‌های مبتذل آن نرود، در زندگی خود احساس کمبود می‌کند و حالت کسالت به او دست می‌دهد.

۲. خانمی می‌گفت: مدت زمان کوتاهی از زندگی مشترک‌مان می‌گذرد؛ ولی من بسیار احساس تنهایی و افسردگی می‌کنم. همسرم تماشای ماهواره را به همنشینی و هم‌صحبتی من ترجیح می‌دهد، در عین کنار هم بودن، با هم نیستیم.

۱۱. بی‌توجهی به مسائل زندگی و عدم مسئولیت‌پذیری؛
۱۲. از دست دادن علاقه به رابطه جنسی با همسر خود؛
۱۳. توانایی نداشتن در ابراز علاقه و عاطفه به همسر؛
۱۴. تغییرات شخصیتی و اختلال در فعالیت‌های حرفه‌ای و شخصی؛
۱۵. مغلوب احساسات شدن قدرت اندیشه و تحلیل؛^۱
۱۶. تغییر در ارزش‌های اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی؛ زیرا برنامه‌های مخرب و ضد اخلاقی ماهواره، ویرانگر بنیادهای اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی است و ارزش‌های وابسته بدان‌ها را به شدت تهدید می‌کند.^۲
۱۷. تزلزل روابط زناشویی و فروپاشی نهاد خانواده؛^۳
۱۸. تسلط سایه شوم شک و تردید در زندگی فردی و اجتماعی؛
۱۹. احساس خیانت و ترویج خیانت و تقویت بی‌وفایی، بی‌احترامی به یکدیگر، دروغ‌گویی و تهمت؛^۴
۲۰. ایجاد آسیب‌های روحی؛ مثل طرد، تباهی، تنهایی، شرم، حسادت و فقدان عزت نفس و ...

۴-۴. برخی از اهداف دشمن در هرزه‌نگاری ماهواره‌ای:

۱. هجوم به مبانی دینی به طور جدی؛
 ۲. مقابله با اسلام؛
 ۳. هدف قراردادن اصول و پایه‌های اعتقادی مردم؛
 ۴. تحقق دهکده جهانی؛
۱. ماهواره با قدرت نافذ و توانمند خود توانسته است روح انسان را مسخ و فعالیت ذهنی (قدرت تفکر و تعمق) را کند و یا سلب نماید و فرد را از نظر روانی، متفعل بار آورد. مشاوری می‌گفت: وقتی علت خیانت زناشویی را بی‌جویی می‌کنم، به قهرمان یکی از داستان‌های ماهواره‌ای می‌رسم که بسیار مورد توجه مخاطب قرار گرفته و همسان‌سازی فرد با بازیگر آن نقش، ارتکاب چنین عملی را موجه ساخته است.
۲. مردی می‌گفت: همسرم حرمت مرا نگاه نمی‌دارد؛ آرایش غلیظ و نمایشی دارد، لباس‌های نامناسب تن می‌کند، با نامحرمان دست می‌دهد، دشنام می‌دهد و... این رفتارها برای او عادی شده است تا بدان جایی که خانواده پدری او نیز معترض شده‌اند. یا زنی می‌گفت: همسرم دست بزن نداشت، فحش نمی‌داد، من و فرزندانم را بسیار دوست می‌داشت؛ اما با دیدن برخی از برنامه‌های ماهواره به طور کلی تغییر رویه داده و چیزی دیگر شده است؛ مرا وادار می‌کند در مجالس مختلط شرکت کنم و با دوستان او دست بدهم و... شوخی‌های زننده می‌کند، حرمت شکنی می‌کند و به پدر و مادر خود و من ارزشی قائل نمی‌شود، شرم نمی‌کند و هر ناگفتنی را پیش فرزندانم به زبان می‌آورد و... جالب است بدانید که او در مقابل اعتراضات من، جمله‌ای شنیدنی دارد: تو از دنیا عقب مانده‌ای، الان همه این‌طور زندگی می‌کنند؛ ولی تو و ذهنت در چندصد دهه پیش جا مانده اید، بیچاره من که مجبورم با تو زندگی کنم و ...
۳. شکست غرور و حرمت مردان در مقابل زنان، فحاشی و بیان کلمات رکیک، بی‌بند و باری، بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی در مقابل محارم، شکست حریم محرمیت، بی‌عفتی و شکست حیا و شرم، بی‌حرمتی به بزرگسالان، خشونت بالاخص علیه زنان، بی‌توجهی به همسر و فرزند و ...
۴. مردی می‌گفت: با آنکه می‌دانم همسرم زن مهربان و با وفایی است؛ اما به او شک دارم، احساس می‌کنم هر آن ممکن است او را از دست بدهم و یا آنکه او مرا ترک کند.

۵. از هم پاشاندن فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی جوامع؛
۶. خیانت به آرمان‌های تعالی بخش انسان‌ها و جوامع؛
۷. سست کردن عقاید مردم؛
۸. به ابتذال و انحراف کشاندن نسل جوان و بی‌هویت کردن آنها؛
۹. اشاعه فحشا و بی‌بند و باری؛
۱۰. تهدید سلامت جسمی، روانی و رفتاری کودکان و نوجوانان؛
۱۱. تقویت الگوپذیری فکری و اخلاقی در جوانان؛
۱۲. سرگرم‌نمودن و پرکردن اوقات فراغت بزرگسالان.

۵-۴. ابزارهای دشمن در هرزه‌نگاری ماهواره‌ای:

۱. حمله به دین به بهانه مبارزه با بدعت‌ها و خرافات‌ها؛
۲. استفاده از باورهای انحرافی در برابر عقاید و ارزش‌های اصیل اسلامی؛^۱
۳. تأکید بر اختلاف‌های مذهبی؛
۴. تکیه کردن افراطی بر تفاوت‌های شیعه و سنی؛
۵. ترویج خرافه‌گرایی؛
۶. ترویج مذهب‌های دروغین؛
۷. تحریف مفاهیم والایی همچون: انتظار، توکل، دعا، قضا و قدر و تعبد؛
۸. ارائه نظریه‌های ویرانگر گوناگون علیه مذهب؛^۲
۹. مفهوم‌سازی و به تبع آن، شکل‌دادن به هنجارهای مناسب با آن مفهوم؛
۱۰. تبلیغ مظاهر ضد اخلاقی و ضد دین؛
۱۱. نمایش و ارائه تصویرهای مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی؛
۱۲. فعالیت علیه مبانی اصولی انقلاب.

۶-۴. راه‌های درمان ابتلا هرزه‌نگاری ماهواره‌ای:^۳

۱. شناخت خدا و انس و اتصال به او؛
۲. تقویت مبانی دینی و ارزش‌های الهی؛

۱. دشمنان می‌کوشند مذهب را که عامل بیداری، بویایی، ستم‌ستیزی، عدالت‌گستری و فراهم آورنده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تحذیر، انزواطلبی، واپس‌گرایی، رهبانیت و امری شخصی تبدیل کنند و با این شگرد بیشترین سعی‌شان در درست‌کردن عقاید نسل جوان بر طبق خواسته‌ها و اهداف خودشان است.

۲. زیرا تمدن غرب شکوفایی خود را ناشی از حذف دین از صحنه زندگی فردی و اجتماعی می‌شمارد و عامل عقب‌افتادگی جوامع را پابندی به دین و ضوابط مذهبی قلمداد می‌کند.

۳. برخی از راه‌های درمان ابتلا به هرزه‌نگاری ماهواره‌ای با راه‌های درمان در هرزه‌نگاری چشم‌چرانی، اینترنتی، بلوتوثی مشترک می‌باشد؛ بنابراین برای مطالعه بیشتر به دروس نامبرده رجوع شود.

۳. ایجاد ملکه تقوی؛
۴. تفکر در عواقب دنیوی و مجازات‌های اخروی سوء استفاده از ماهواره؛
۵. باور کردن در معرض آسیب‌بودن خودمان در برابر ماهواره، همانند دیگران؛
۶. آگاهی نسبت به خطرات تهدید کننده ماهواره نسبت به خود و خانواده؛
۷. شناسایی نیازهای فرزندان و کوشش برای حل آنها؛
۸. مشورت گرفتن از اعضای خانواده برای شناسایی نیازهای خانواده؛^۱
۹. توجه به کنترل غیرمستقیم اعضا خانواده، به ویژه نوجوانان و جوانان؛^۲
۱۰. سعی کنیم بهترین دوست فرزندان خود باشیم.

۴-۷. استفتائات هرزه‌نگاری ماهواره‌ای:

الف) حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی):

۱. آیا خرید و نگهداری و استفاده از دستگاه گیرنده برنامه‌های تلویزیونی از ماهواره جایز است؟ اگر دستگاه گیرنده همچنان به دست انسان برسد، چه حکمی دارد؟

دستگاه آنتن ماهواره‌ای از این رو که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های تلویزیونی است که هم برنامه‌های حلال دارد و هم برنامه‌های حرام، حکم آلات مشترک را دارد؛ بنابراین خرید و فروش و نگهداری آن برای استفاده در امور حرام، حرام است و برای استفاده‌های حلال، جایز است؛ ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد، زمینه دریافت برنامه‌های حرام را کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز در بردارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام از آن نمی‌کند و بر تهیه و نگهداری آن در خانه‌اش مفسده‌ای هم مترتب نمی‌شود. لکن اگر قانونی در این مورد وجود داشته باشد، باید مراعات گردد.

۲. استفاده از آنتن ماهواره‌ای برای آگاهی از برنامه‌های علمی یا قرآنی و مانند آن که از طریق ماهواره توسط دولت‌های غربی یا کشورهای مجاور خلیج فارس و غیر آنها پخش می‌شوند چه حکمی دارد؟

استفاده از این دستگاه برای دیدن و شنیدن برنامه‌های علمی یا قرآنی و مانند آن، هر چند فی‌نفسه مانعی ندارد؛ ولی به دلیل اینکه برنامه‌هایی که به وسیله ماهواره توسط

۱. باید توجه داشت به همان نسبت که کمبود امکانات می‌تواند سبب آسیب خانواده گردد، رفاه دایمی و برآوردن نیازهای کاذب نیز خطرناک است.
 ۲. معاشرت با دوستان بد از یک سو و تنها نهادن فرزندان از سوی دیگر به یک اندازه می‌تواند خطرناک باشد.

دولت‌های غربی و بیشتر کشورهای همسایه پخش می‌شوند، غالباً در بردارنده آموزش افکار گمراه‌کننده و تحریف حقایق و همچنین برنامه‌های لهو و فساد هستند و حتی مشاهده برنامه‌های علمی یا قرآن از طریق آنها موجب وقوع در فساد و ارتکاب حرام می‌گردد؛ بنابراین شرعاً استفاده از آنتن‌های مذکور برای دیدن آن برنامه‌ها حرام است، مگر آنکه برنامه‌های مفید علمی یا قرآنی محض باشند و مشاهده آنها مستلزم هیچ فساد یا ابتلا به عمل حرامی نباشد، البته اگر قانونی باشد، باید مراعات شود.

۳. شغل ما تعمیر دستگاه‌های گیرنده برنامه‌های رادیو و تلویزیونی است، در این اواخر مراجعات زیادی برای نصب قطعات و تعمیر آنتن‌های ماهواره‌ای صورت می‌گیرد، تکلیف ما در این باره چیست؟ خرید و فروش قطعات آنها چه حکمی دارد؟

اگر از این دستگاه برای امور حرام استفاده شود که غالباً همین‌طور است و یا شما علم داشته باشید به اینکه کسی که قصد تهیه آنتن ماهواره‌ای را دارد، برای امور حرام از آن استفاده می‌کند، خرید و فروش و نصب قطعات و راه‌اندازی و تعمیر و فروش قطعات آن جایز نیست.

ب) حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله):

۱. استفاده از برنامه‌های مفید ماهواره:

استفاده افراد از برنامه‌های ماهواره‌ای چگونه است، با اینکه بعضی برنامه‌های خوب نیز دارد؟ استفاده از این برنامه‌ها جایز نیست و برنامه‌های ظاهراً خوب یا بی‌ضرر آن وسیله‌ای است برای سوق دادن به برنامه‌های فاسد؛ بنابر این نباید مسلمانان از خیل‌های دشمنان اسلام برای نشر فساد در میان مسلمین غافل باشند.

۲. استفاده از ماهواره:

نظر شما درباره ماهواره و استفاده از آن چیست؟

با توجه به اینکه برنامه‌های ماهواره غالباً برنامه‌های فاسد یا آمیخته با فساد است، استفاده از آن جایز نیست.

۳. استفاده از ماهواره برای امور درسی:

سؤال من در مورد استفاده مطلوب (و نه غیر شرعی) از ماهواره است از آنجا که بنا به نیاز شغلی‌ام ناچارم زبان خارجه یاد بگیرم و اکنون مشغول فراگیری دو زبان انگلیسی و فرانسوی می‌باشم و از آنجا که اساتید این زبان‌ها سفارش به دیدن برنامه‌هایی با گویش‌های اصلی می‌کنند، چنانچه سعی کنم از

برنامه‌های مفید و غیر فساد انگیز آنان استفاده کنم، آیا مجاز به استفاده از ماهواره هستم؟ چنین استفاده‌هایی اشکال ندارد؛ ولی وجود ماهواره در هر خانه به یقین منشأ مفاسدی می‌شود و به همین دلیل اشکال شرعی دارد چه بهتر که از رادیوهای استفاده کنید که همان دروس را به زبان‌های اصلی ارائه می‌دهد.

۴. استفاده علمی پزشکان از ماهواره:

اینجانب پزشک هستم. آیا می‌توانم برای دست‌یابی به جدیدترین دستاوردهای علمی پزشکی از ماهواره استفاده کنم؟

در صورتی که مطمئن باشید در منزل شما کسی از آن سوء استفاده نمی‌کند، مانعی ندارد.

۵. استفاده کودکان از ماهواره:

آیا استفاده کودکان از برنامه‌های ماهواره‌ای مجوز تهیه و نصب آنتن و استفاده از آن می‌باشد؟ فرقی میان کودکان و بزرگسالان نیست و خطر آن برای هر دو مسلم است.

۶. خرید و فروش و نصب آنتن ماهواره:

خرید و نصب آنتن‌های ماهواره‌ای در منازل چه حکمی دارد؟

آوردن این‌گونه وسایل در منازل که غالباً موجب فساد است، جایز نیست و خرید و فروش آن حرام است.

۷. ماهواره استانی:

لطفاً بفرمایید که خرید ماهواره برای مصرف ماهواره استانی که تنها شبکه‌های استان‌های ایران و شبکه‌های ایرانی را می‌گیرد چه حکمی دارد؟

استفاده از ماهواره به منظور دریافت شبکه‌های استانی در صورتی جایز است که تنها قابلیت دریافت شبکه‌های استانی را داشته باشد و دریافت شبکه‌های خارجی با آن امکان‌پذیر نباشد.

ج) حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی (حفظه الله):

با توجه به اینکه برنامه‌های ماهواره شامل برنامه‌های مفید و علمی نیز هست، نظر حضرت‌عالی در رابطه با استفاده از ماهواره چیست؟

استفاده از برنامه‌های مباح آن اشکال ندارد.

۸-۴. داستان‌های هرزه‌نگاری ماهواره‌ای:

۱. ماهواره و سراشیب پر نگاه !!

پدری می‌گوید: «خیلی وقت‌ها آدم می‌ماند چکار کند، آن هم در شرایطی که همه نوع فرهنگ به وسیله فن آوری به طور غیر مستقیم به مغز انسان می‌کوبد که «انتخاب کن!» من هم به ارزش‌های فرهنگی خودمان بسنده نکردم و به این فکر افتادم که ماهواره تهیه کنم. هر چند از زیان‌های این مار خوش خط و خال در رسانه‌های همگانی چیزهایی شنیده بودم. خلاصه آنتن ماهواره را تهیه کردم و کار ما شب و روز تماشای تلویزیون و کانال‌های گوناگون ماهواره بود؛ از فیلم‌های خشن گرفته تا صحنه‌های مبتذل و شرم‌آور. در این حال رفت و آمد دختر بزرگم به خانه ما و تماشای ماهواره، او را نیز وسوسه کرد تا شوهرش را به خرید آنتن و اداری سازد. پس از گذشت چند روز اختلافات دختر و دامادم به گوش رسید. معلوم شد که دخترم با تقلید از هنرپیشه‌ها و خواننده‌های غربی هر روز در پی مد و لباس و آرایش و خواسته‌های دیگر است. کار از کار گذشته بود که دخترم خانه‌اش را به حالت قهر ترک کرد. از سوی دیگر پسر شانزده‌ساله‌ام در غیاب من، دوستانش را به دیدن فیلم‌های ماهواره‌ای دعوت می‌کرد. در میان همسایه‌ها و فامیل انگشت نما و رسوا شده بودم. پسر هر روز در پی مد و لباس بود و پول می‌خواست تا خود را به شکل تیپ‌های مضحک ماهواره‌ای درآورد. کار به جایی رسید که پسر من در روی من ایستاد و احترام پدر و فرزند را کنار گذاشت. بسیار تندخو، بداخلاق و بی‌شرم شده بود. دیگر از کنترل من بیرون رفته بود. در این اوضاع و احوال، دعوا و بد دهانی و ناسازگاری شبانه‌روزی من و بچه‌ها، خانه را به صورت جهنمی سوزان و گردابی مهلک درآورده بود. پس از مدتی پسر من از خانه رفت و تا چند وقت نیامد. به دنبال رفتن او را در وضعی اسف بار و آلوده به مواد مخدر یافتیم. پسر من به کلی دگرگون شده بود و جوانی‌اش را بر باد داده بود. آتشی که با دست خود افروخته بودم، شیر من را سوزاند و خاکستر کرد. دیگر پاهایم سست شده بود و از خود بیزار بودم. راهی برای نجات نمی‌یافتیم. یکی از همسایگان که گویا از دور شاهد نابود شدن خانواده ما بود، به دیدن آمد و پیشنهاد کرد که اول آنتن و وسایل ماهواره را جمع کنم. در اولین فرصت ماهواره را جمع کردم؛ وسیله‌ای که در خفا و در پس پرده و دور از چشم مردم و قانون در خانه جا داده بودم، چنان جلوه‌گری کرد که عالم و آدم باخبر شدند. تصمیم به خودسازی و بازسازی کانون خانواده‌ام گرفتم. از دخترم نیز خواستم که به زندگی‌اش بازگردد و به

آنچه دارد، قانع باشد. به دنبال پسر رفتیم و او را به خانه برگرداندم و زیر بال و پر خود گرفتم. به لطف خدا و اراده خودمان، آفتابی دوباره در زندگی ما طلوع کرد و کانون خانواده ما را دوباره گرمی بخشید.^۱

۲. ماهواره باعث شد تا آتش به زندگی‌ام بیفتد:

زن جوانی در مرکز مشاوره پلیس خراسان رضوی گفت: من خودم از همسرم خواستم تا یک دستگاه ماهواره بخرد و تصور می‌کردم با این وسیله سرگرم خواهم شد؛ اما اعتراف می‌کنم اشتباه کرده‌ام. با ورود ماهواره به زندگی‌ام، شوهرم در مدت کوتاهی تغییر کرد و توجه بیش از حد او به فیلم‌هایی که در آن خیانت همسران به همدیگر عادی جلوه داده می‌شد، آزارم می‌داد. من پس از گذشت شش ماه از شوهرم خواستم این دستگاه لعنتی را از جلوی چشمانم دور کند؛ ولی او زیر بار نرفت و کم‌کم به دیدن فیلم‌های بی محتوا و مبتذل اعتیاد پیدا کرد. روزی که فهمیدم همسرم با زنی نامحرم ارتباط مخفیانه برقرار کرده است، خیلی دلم گرفت و از او به دلیل این کار خطا توضیح خواستم. شاید باورتان نشود مردی که روزهای اول زندگی‌مان ابراز عشق و علاقه می‌کرد، خیلی راحت سعی داشت کارهای خودش را مانند آنچه از فیلم‌های کثیف یاد گرفته بود، عادی نشان دهد و حتی به نوعی از حرف‌هایش متوجه شدم که دنبال هوس بازی و عیاشی است. چند ماه دیگر هم گذشت و منصور روز به روز نسبت به مسائل اعتقادی و تعهدهای زناشویی‌مان بی تفاوت‌تر می‌شد تا اینکه فهمیدم با زن دیگری نیز ارتباط برقرار کرده است. تحمل این وضعیت برایم خیلی دشوار بود و دوباره با شوهرم گفتگو کردم و به او گفتم: اگر به راستی قصد ازدواج مجدد داری، مردانه حرف دلت را بگو و خودت را گناهکار نکن؛ اما منصور که شرم و حیا در وجودش قربانی هوس‌های شیطانی شده بود، به چشمانم خیره شد و خیلی بی‌شرمانه مرا با بازیگران چند فیلم شرم‌آور مقایسه کرد و از تیپ و قیافه‌ام ایراد گرفت.

شنیدن این حرف‌ها برایم خیلی شکننده بود و مدتی تحت نظر یک مشاور قرار گرفتم تا اگر ایراد و ضعفی دارم، برطرف شود؛ اما افسوس که منصور در بیراهه هوس‌های خودش سردرگم شده بود و هیچ نتیجه‌ای نگرفتم.

من به پیشنهاد یکی از دوستانم تصمیم گرفتم از شوهرم انتقام بگیرم و با این تفکر احمقانه متأسفانه با پسر جوانی که برای تنظیم و نصب دستگاه ماهواره به خانه ما رفت و آمد می‌کرد، ارتباط برقرار کردم و ...!

۱. برگرفته از مقاله نقش رسانه‌های جمعی در به انحراف‌کشاندن جوانان؛ الهام صابری؛ ص ۱۱۳.

نمی‌دانم چرا زندگی‌ام این‌چنین از هم پاشید و به جایی رسید که دیگر من و منصور راه برگشتی نداریم.^۱

۳. ماهواره و گناه خود ارضائی:

من دانشجوی دانشگاه شهید چمران هستم که شدیداً به استمنا مبتلا شده‌ام. در خانه ما ماهواره وجود دارد و من تحریک شده و کانال‌های مبتذل را تماشا می‌کنم و مرتکب گناه استمنا می‌شوم. تا الان چندین بار خواسته‌ام آن را ترک کنم؛ ولی نتوانسته‌ام. مشکل اساسی من کانال‌های ماهواره است که در خانه ما همیشه روشن است و من مجبور به تماشای آن هستم. در خانه ما افرادی رفت و آمد می‌کنند که حجاب را رعایت نمی‌کنند و من در تنهایی در تابستان در خانه روزانه ۷-۸ بار به این گناه مبتلا می‌شوم. تصاویر ماهواره همیشه از تلویزیون ما پخش می‌شود و اگر هم بخواهم نگاه نکنم، اتفاقی نظرم به آن می‌افتد. در ضمن من نمی‌توانم زمانی که همه اهل خانواده دور هم در حال تماشای تصاویر ماهواره هستند، آنها را ترک کنم. آیا ممکن است زمانی که خانواده و جمع مهمان‌ها در کنار هم تلویزیون تماشا می‌کنند، آنها را ترک کنم؟ دیگر از این زندگی باگناه خسته شده‌ام.^۲

۴. پای ماهواره را به خانه‌ام باز کردم بی خبر از اینکه ...

روی یکی از نیمکت‌های راهروی نیمه‌تاریک دادگاه سر خود را به دیوار تکیه داده است. حدوداً ۳۵ ساله به نظر می‌رسد. وقتی دلیل حضورش را پرسیدم؟ در جمله اول گفت: خود کرده را تدبیر نیست.

بعد از چند ثانیه سکوت و خارج‌نمودن آهی از نهاد، دلیل حضور خود را درخواست جدایی از همسرش عنوان کرد و افزود: حدود ده‌سال پیش ازدواج کردم و صاحب دو فرزند هستم. یک سال پیش با اصرار زیاد و با وجود مخالفت‌های همسر و فرزندانم یک دستگاه ماهواره خریداری کردم و به خانه آوردم. بعد از مدتی و با تماشای سریال‌های شبکه‌های مختلف از کرده خود پشیمان شده؛ چرا که سریال‌های شبکه فارسی وان در زندگی‌ام در رأس همه امور قرار گرفته بود.

این فرد در ادامه گفت: به دنبال مزاحمت‌های تلفنی، رد و بدل پیامک و بی‌توجهی‌های همسر به من و فرزندانم باعث شد متوجه شوم همسر با تقلید از شبکه‌های فارسی وان با جوانی دوست شده و دیگر علاقه‌ای به زندگی با من و فرزندانم ندارد. در پی این

۱. برگرفته از خبرگزاری بین‌المللی زنان و خانواده.

۲. برگرفته از نرم‌افزار پرسمان دانشجویی؛ ذیل عبارت ماهواره.

رسوایی درخواست طلاق دادم و همسرم نیز بی‌تفاوت به من و فرزندانم ما را رها کرده و به منزل پدرش رفته است.^۱

پیام‌های درس:

۱. ماهواره ابزاری است که فرهنگ‌ها و تمدن‌های اصیل بشری را به چالش جدی کشانده و با هدف تهاجم فرهنگی به کشورها برنامه‌ریزی شده است.
۲. ۳۸۰ کانال خاص موسیقی، ۲۵۰ کانال در حوزه کودک و نوجوان، ۸۰ شبکه در حوزه مصرف‌زدگی و فرهنگ‌سازی پوشش و مد، ۳۲ شبکه فارسی‌زبان سیاسی، ضد فرهنگی، قوم‌گرا، تجزیه‌طلب و برانداز که هدف مشترک همه اینها القای ارزش‌های ضد اسلامی به فرهنگ ایرانی و دست‌کاری در افکار عمومی ملت ایران است.
۳. کاهش تعاملات و روابط خانوادگی، تغییر در الگوی خواب و بیداری، تغییرات شخصیتی، تغییر در ارزش‌های اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی، تزلزل روابط زناشویی، ایجاد آسیب‌های روحی؛ مثل طرد، تباهی، تنهایی، شرم، حسادت و ... همگی از پیامدهای شوم استفاده از ماهواره است.
۴. مقابله با اسلام، هدف قراردادن اصول و پایه‌های اعتقادی مردم، به ابتذال و انحراف کشاندن نسل جوان و بی‌هویت‌کردن آنها از مهم‌ترین اهداف دشمن در هرزه‌نگاری ماهواره‌ای است.
۵. نمایش و ارائه تصویرهای مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی، تبلیغ مظاهر ضد اخلاقی و ضد دین، تحریف مفاهیم والایی همچون: انتظار، توکل، دعا، قضا و قدر و تعبد، ترویج مذهب‌های دروغین، ترویج خرافه‌گرایی و ... از جمله ابزارهای دشمن در هرزه‌نگاری ماهواره‌ای است.

سؤالات درس:

۱. انواع قالب‌های هرزه‌نگاری ماهواره‌ای چیست؟
۲. آثار و پیامدهای هرزه‌نگاری ماهواره‌ای را بیان کنید؟
۳. راه‌کارهای مقابله با هرزه‌نگاری ماهواره‌ای را نام ببرید؟
۴. اهداف دشمن از هرزه‌نگاری ماهواره‌ای و پخش برنامه‌های غیر اخلاقی چیست؟
۵. به چند مورد از ابزارهای دشمن در هرزه‌نگاری ماهواره‌ای اشاره کنید؟

۱. برگرفته از گزارش خبرگزاری ایمن؛ شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۰.

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. ماهواره‌ها در عملیات روانی آمریکا؛ مجید ملکی تبار و امیر ضیغمی؛ ناشر: دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۰.
۲. طلوع ماهواره و افول فرهنگ (چه باید کرد؟)؛ صادق طباطبائی؛ ناشر: اطلاعات، ۱۳۸۸.
۳. مطالعات آسیب‌شناسی نظام استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای؛ پدیدآورنده: مدیریت مبارزه با جرائم و مواد مخدر، معاونت امر به معروف؛ ویراستار: آمنه سلیقه دار؛ ناشر: بروج، ۱۳۸۷.

خودارضایی

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی خودارضایی؛
۲. خودارضایی از نظر ادیان؛
۳. استفتائات درباره خودارضایی؛
۴. داستان‌های واقعی درباره خودارضایی؛
۵. پیامدهای خودارضایی؛
۶. راهکارهای مناسب برای پیشگیری از ابتلا به خودارضایی؛
۷. معرفی منابع بیشتر برای مطالعه.

استمناء (خودارضایی):

بخش اول: تعریف خودارضایی:

۱. تعریف لغوی:

استمناء: در لغت به معنی طلب کردن منی می‌باشد؛ یعنی جنس مذکر با خودش کاری کند که از او منی خارج شود که به این کار خودارضایی نیز می‌گویند.^۱

۱. یاسین کمالی وحدت؛ مضرات انحرافات جنسی و راهکارهای پیشگیری و درمان.

استشهاء: در لغت به معنی طلب کردن شهوت می‌باشد؛ یعنی جنس مؤنث با خود کاری کند که از آن مایع حاصل از ارضای شهوت خارج شود که به آن نیز خودارضایی می‌گویند.^۱

۲. تعریف اصطلاحی:

در اصطلاح بیرون کردن منی از راه غیر طبیعی است. خودارضایی، استمنا و استشهاء از روش‌های ارضای میل جنسی است. این عمل با انگیزش اندام جنسی شخص از سوی خودش انجام می‌گیرد، معمولاً انجام آن تا رسیدن به ارگاسم (اوج لذت جنسی) ادامه پیدا می‌کند که در مردان همراه با بیرون پاشیدن گشنب (مایع منی) می‌باشد و در زنان به صورت اسپاسم (سفتی عضلانی) همراه با لذت شدید در مهبل (واژن) می‌باشد. همچنین ابزارهایی وجود دارد که آمیزش جنسی را همانندسازی می‌کند؛ از این رو استفاده از ابزارهای ماشینی نیز از راه‌هایی است که ممکن است زنان و مردان برای خودارضایی استفاده کنند.

استمنا یکی از روش‌هایی است که توسط مردان یا زنان برای خودارضایی صورت می‌گیرد. این کار عادت بسیار زشت و زیان‌آوری است که می‌تواند استعداد و توانایی‌های فراوان یک جوان را به نابودی بکشاند و حال و آینده او را تباہ کند.^۲

بخش دوم: خودارضایی از نظر ادیان:

اسلام:

دیدگاه اهل سنت:

اهل سنت نظرات متفاوتی را در مورد خودارضایی دارند. برخی آن را در تمام اشکال و موارد حرام می‌دانند، برخی در مواردی آن را مجاز می‌شمارند و برخی آن را مکروه می‌دانند.^۳

دیدگاه شیعیان:

از نظر شیعیان خودارضایی به طور کامل و در تمام اشکال آن حرام می‌باشد؛ حتی به اعتقاد برخی مراجع دینی، خودارضایی از «گناهان کبیره» است. این عادت ناپسند به لحاظ اخلاقی، بُعد معنوی انسان را به سختی می‌آزارد، روح او را تاریک می‌نماید، آزادی معنوی

۱. همان.

۲. پرسمان دانشجویان؛ اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.

۳. درگاه پاسخگویی به مسائل دینی؛ وبگاه آیت‌الله سیستانی - وبگاه آیت‌الله مکارم شیرازی.

انسان را سلب می‌کند و در مسیر خودسازی و کمال، آدمی را با چالش جدی مواجه می‌کند.

از نظر شرعی ملاک کبیره‌بودن یک گناه، وعده عذاب از جانب پروردگار می‌باشد. در این زمینه در سخنان گهربار معصومین : از عمل استمنا به زشتی یاد شده و مورد نهی قرار گرفته است که در اینجا به احادیثی از پیامبر 6 و امام صادق 7 اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق 7: «روز قیامت خداوند با شخص خودارضا گفتگو نمی‌کند و از چشم خدا می‌افتد»^۱.

۲. رسول خدا 6: «لعنت خدا و ملائکه خداوند و تمام بشر بر شخص خودارضا»^۲.

۳. رسول خدا 6: «کسی که خودارضایی می‌کند، ملعون است»^۳.

۴. امام صادق 7: «خودارضایی گناه بزرگی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده است»^۴.

۵. امام صادق 7: «برای کسی که خودارضایی کند، در قیامت عذاب دردناکی در نظر گرفته شده است»^۵.

به فرض صغیره‌بودن گناه خودارضایی در صورت عدم تکرار، ملاک دیگر کبیره‌بودن گناه، تکرار و به تعبیر روایات اصرار بر آن است؛ به همین دلیل چون به طور معمول، خودارضایی در افرادی که به آن گرفتارند، به صورت عادت و اعتیاد در می‌آید، تبدیل به گناه کبیره می‌شود.

البته حرمت و بزرگی گناه خودارضایی در حد گناهای همچون زنا و لواط نیست؛ ولی شرایط آن به گونه‌ای است که می‌توان گفت: ضررهای بدنی و روانی آن از این دو معصیت بیشتر است؛ زیرا موقعیت برای آنها همیشه مهیا نیست؛ ولی موقعیت برای خودارضایی و عادت به آن همیشه مهیا می‌باشد.

با این حال بنا بر فتوای اکثر مراجع اگر استمنا به دست همسر شخص انجام شود، گناه به حساب نمی‌آید. پس از استمنا غسل بر مسلمان واجب می‌شود (غسل جنابت) و در صورت انجام‌ندادن غسل، عبادت او پذیرفته نمی‌شود.^۶

مسیحیت:

۱. میزان الحکمة؛ ح ۱۸۷۴۹.

۲. همان؛ ح ۱۸۷۴۸.

۳. همان؛ ح ۱۸۷۵۱.

۴. همان؛ ح ۱۸۷۵۰.

۵. همان؛ ح ۱۸۷۴۹.

۶. درگاه پاسخگویی به مسائل دینی - وب‌گاه آیت‌الله سیستانی - وب‌گاه آیت‌الله مکارم شیرازی.

دیدگاه کاتولیک‌ها:

از نظر کلیسای کاتولیک، در پاره‌ای موارد، برای شناخت بدن و احساسات جنسی آن را مجاز می‌شمارند.^۱

دیدگاه پروتستان‌ها:

به عقیده پروتستان‌ها، خودارضایی یک سیر طبیعی از سیکل جنسی افراد است و این امر مانع از روابط جنسی «غیرمجاز» (از نظر کلیسای پروتستان) مانند همجنس‌گرایی می‌شود.^۲

یهودیت:

خودارضایی در شریعت یهود، به طور کامل منع نمی‌شود و عملی همراه با سلامتی و نشاط‌آوری تلقی می‌گردد؛ اما در برخی شاخه‌های مذهبی آن، خودارضایی جنس مذکر ممنوع است.^۳

تائویسم:

تائویسم که یک آیین قدیمی چینی است، نویدبخش زندگی طولانی است. در آیین تائویسم، مردان از خودارضایی منع شده‌اند؛ زیرا با اعتقاد به منابع انرژی در شکم تحتانی، استمنا بدن را از انرژی تخلیه و مانع از ادامه حیات هارمونیک می‌شود. همچنین بر پایه دستورات این آیین، خودارضایی زنان باعث کاهش عمر و امراض لاعلاج در آنان می‌شود.^۴

بخش سوم: استفتائات درباره استمنا:

آیا فکر نمی‌کنید استمنا برای جلوگیری از زنا و لواط یکی از موهبت‌های خدا باشد؟

هرگز نمی‌شود به دلیل ترک یک گناه بزرگ، مرتکب یک گناه کوچک‌تر شد؛ مگر اینکه انسان در جایی ناچار باشد یکی از دو گناه را مرتکب شود که در آن صورت باید گناه کوچک‌تر را انتخاب کند؛ ولی وقتی انسان اختیار و آزادی داشت، انجام کوچک‌ترین گناه هم برایش مجاز نیست و ترک فرمان الهی اگر از روی جسارت و جرئت باشد، بسیار زیان‌بار است و باعث می‌شود کم‌کم زشتی گناه از میان برود. همان‌طور که می‌دانید

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

در احکام اسلامی استمنا صریحاً از کارهای حرام شمرده شده است و فقها با آیات قرآن و روایات به آن استدلال کرده‌اند؛ از این رو نمی‌شود گفت: یک چنین گناه بزرگی از موهبت‌های الهی باشد؛ ولی از نظر درجه‌بندی قبول داریم که زنا و لواط از گناهان کبیره است که بر مرتکب آن حد جاری می‌شود؛ ولی کسی که استمنا کند، تعزیز می‌شود که یک درجه از حد پایین‌تر است و چون در روایات تعبیر گناه بزرگ نسبت به آن شده است، نباید آن را کوچک شمرد.^۱

اینجانب جوانی هستم که به استمنای شدید و ضعف اعصاب مبتلا هستم. مراجعه به دکتر نیز فایده‌ای نداشته است. می‌خواهم ازدواج کنم؛ ولی با توجه به مشکل مالی و کاری موفق نشده‌ام، لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

در پیدایش انحراف جنسی به ویژه استمنا علل مختلفی مؤثر است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. تحولات بلوغ؛ ۲. عوامل تحریک‌زا (نگاه شهوت‌آمیز، گفتگو با نامحرم و دیدن فیلم)؛ ۳. عقده حقارت؛ ۴. مساعد نبودن محیط خانواده؛ ۵. معاشرت با منحرفان؛ ۶. ضعف ایمان؛ ۷. ناآگاهی از عواقب استمنا.

استمنا افزون بر اینکه از نظر شرعی حرام است و کیفر اخروی دارد، عوارض زیان‌باری بر جسم می‌گذارد که ضعف سیستم عصبی، ناتوانی جنسی، گریز از ازدواج، پژمردگی رنگ، خستگی و غیره از آن جمله به شمار می‌روند.^۲ برای مقابله با این انحراف جنسی باید از نیروی خرد و عقل کمک بگیرد و با انجام تکالیف از جمله نماز و روزه، از طغیان غریزه جنسی جلوگیری به عمل آورد. افکار شیطانی را از خود طرد نمایید و اوقات فراغت خویش را پر کنید. چشم خود را از آن چه میل جنسی را تحریک می‌کند، کنترل نمایید. در اولین فرصت ازدواج کنید و با ورزش نیروی شهوانی را آرام سازید. تا خسته نشده‌اید، به بستر خواب نروید.^۳

آیا در صورت فشار روانی استمنا جایز است؟

استمنا فعلی حرام و گناه است و دارای آثار مخرب روانی و جسمانی است. گاهی تأثیر منفی آن چنان گسترده است که افزون بر سلب قدرت اراده و تضعیف حافظه و استعداد و قدرت تفکر و ایجاد اختلال در ثبات روحی و روانی فرد را به انواع بیماری‌های صعب‌العلاج مبتلا می‌کند. برای آگاهی بیشتر جزوه پیوست را تقدیم می‌کنیم. فشار روانی

۱. مرکز پاسخ دهنده: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲. احمد احمدی؛ روان‌شناسی نوجوان و جوان؛ ص ۱۲۰.

۳. مرکز پاسخ دهنده: دفتر تبلیغات اسلامی.

نمی‌تواند موجب جواز استمنا گردد، چنان‌که گرسنه‌بودن نمی‌تواند سرقت و غصب مال مردم یا خوردن گوشت خوک یا میته را تجویز نماید. بلی اگر گرسنگی، حیات انسان را تهدید نماید و رفع آن منحصر به موارد حرام باشد، از باب ضرورت، اشکال ندارد.^۱ در مسئله ارضای غریزه جنسی و کاهش فشار روانی، غالباً این‌گونه نیست.^۲

اگر کسی در ماه مبارک رمضان که روزه است، در اثر اطلاع نداشتن استمنا کند، چقدر باید کفاره بدهد؟ اگر روزه‌دار کاری که روزه را باطل می‌کند، عمداً انجام دهد، در صورتی که می‌دانسته آن کار روزه را باطل می‌کند، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود. اگر به واسطه ندانستن مسئله کاری انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، چنانچه می‌توانسته مسئله را یاد بگیرد؛ ولی کوتاهی کرده، بنابر احتیاط واجب کفاره بر او ثابت می‌شود. اگر نمی‌توانسته مسئله را یاد بگیرد یا اصلاً ملتفت مسئله نبوده یا یقین داشته که فلان چیز روزه را باطل نمی‌کند، کفاره بر او واجب نیست.^۳ کفاره کسی که عمداً روزه‌اش را باطل کند، این است که یا شصت روز روزه بگیرد که حداقل ۳۱ روز آن بی‌درپی باشد و یا شصت مسکین را طعام بدهد.^۴

اگر کسی هرکتب عمل قبیح استمنا در ماه مبارک رمضان به صورت سهوی شد، حکمش چه می‌باشد؟ اگر شخص روزه‌دار استمنا کند؛ یعنی با خود کاری کند که منی از بیرون آید، روزه‌اش باطل می‌شود. اگر بی‌اختیار از او منی بیرون آید، روزه‌اش باطل نیست؛ ولی اگر کاری کند که بی‌اختیار منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل است.^۵ اگر شخص به قصد بیرون آمدن منی کاری بکند، در صورتی که منی از او بیرون نیاید، روزه‌اش باطل نمی‌شود؛ اما اگر روزه‌دار بدون قصد بیرون آمدن منی کاری بکند که از او منی خارج شود، در صورتی که عادت داشته با این‌گونه کارها منی از او بیرون می‌آمده، روزه‌اش باطل است. اگر عادت نداشته که با این کارها از او منی خارج شود و اتفاقاً خارج شده، باز روزه‌اش باطل است. مگر اینکه اطمینان داشته باشد با آن کار منی از او خارج نمی‌شود که در این صورت روزه‌اش صحیح است.^۶

۱. آیت الله مکارم شیرازی؛ استفتانات جدید، ج ۲ مسئله ۱۷۹۹۹.

۲. مرکز پاسخ دهنده: دفتر تبلیغات اسلامی.

۳. توضیح المسائل مراجع؛ ج ۱، مسئله ۱۶۵۸ و ۱۶۵۹.

۴. همان؛ مسئله ۱۶۶۰.

۵. توضیح المسائل آیت‌الله فاضل لنکرانی، ص ۳۲۶، مسئله ۱۶۵۹.

۶. همان، ص ۳۲۷، مسئله ۱۶۶۴. مرکز پاسخ دهنده: دفتر تبلیغات اسلامی.

چرا الآن که گناه استمنا را ترک کرده‌ام، بیشتر احساس گناه می‌کنم؟ در لحظات خلوت و تنهایی چه کنم؟ شما اکنون گرفتار عواقب گناه هستید و چون در مسیر توبه قرار گرفته‌اید، احساس گناه و سرزنش وجدان طبیعی است؛ ولی باید توجه کنید سرزنش‌ها سازنده باشد. احساس گناه و تنفر از آن می‌تواند ثمرات شیرینی در پی داشته باشد. این را بدانید که قضا و قدر در دست خدا است و قرار نیست انسان به دلیل گناهی که انجام داده و اکنون آن را ترک کرده است، هر لحظه بلایی بر سرش بیاید. عقوبت بسیاری از گناهان در روز قیامت دامن انسان را می‌گیرد، مگر آنکه تا فرصت توبه برایش باقی است، از آن استفاده کند. پس از هم اکنون جامهٔ یأس و ناامیدی را از تن درآورده، لباس امیدواری بر تن کنید و عینک خوش‌بینی به چشم زنید و نگذارید خلوت‌های شیطانی چنگ در سطوت‌های انسانی شما بزنند. البته خلوت و تنهایی به شرطی خوب است که در حال عبادت باشید یا در حال مطالعه و تفکر در آنچه خدا خلق کرده و نیز در عظمت او و گرنه به بیراهه‌رفتن و در ظلمت گم شده است.^۱

به دلیل عادت ناپسندی (استمنا) که داشتیم، اکنون دچار خیال‌بافی و بدبینی نسبت به همه چیز؛ حتی جهان هستی شده‌ام، چه باید بکنم!

حس اعتماد و شخصیت‌مداری شما به دلیل عادت زشتی که داشته‌اید، از بین رفته و شما را دچار شکستی بزرگ کرده است، الآن هم دیر نیست و در ابتدای جوانی هستید. توبه در جوانی، عبادتی بزرگ و پیمودن نردبان ترقی است. توبه وقتی واقعی است که انسان در هنگام جوانی و در اوج خواستن و توانستن‌ها پای بر سرنفس بگذارد. عادات ناپسند، تأثیر مستقیمی بر روان و روح انسان می‌گذارد. افرادی که شیفتهٔ دنیا شده و به عاداتی ناپسند روی می‌آورند، از عزت نفس خود کاسته و وامدار دنیا خواهند شد؛ مثلاً در امور مربوط به شهوت‌های جنسی، به ویژه از راه نامشروع؛ چون با لذت‌های زودگذر همراه است، کمترین اثر بعد از آن، ندامت‌های طولانی است؛ اما اگر این ندامت و پشیمانی بلافاصله موجب شد، فرد توبه کند و به راه مستقیم درآید، از شدت اثر گناه در امان خواهد بود؛ ولی اگر نفس اماره صاحبش را در گناه غوطه‌ور و دلش را سیاه کرد؛ ولی اکنون به لطف خدا از گناه دوری کرده است؛ اگر احساس ناخوشایندی دارد، آن را به فال نیک گیرد و خوب است از یأس و بدبینی فاصله بگیرد. هر چند برای افرادی که چنین حالت‌هایی داشته‌اند و لطف خدا شامل حالشان شده است، متأسفانه به جای آنکه تصمیم به بازسازی روح خود بگیرند، خود را فلک زد و بیچاره دانسته و به بدبینی و

۱. مرکز پاسخ دهنده: دفتر تبلیغات اسلامی.

خیال بافی می‌پردازند! پس فردی که مدت‌های طولانی به عادت‌های ناپسند مشغول بوده، صدمات جدی و فراوانی به انسانیت خود زده و اکنون وقتی به ندای وجدان از خواب غفلت و گناه برخاسته است، آنچه فراروی خود می‌بیند، ویرانی و خرابی بسیاری است که در نتیجه زلزله‌های مکرر و لغزش‌های فراوان اتفاق افتاده است. اینجاست که انسان باید امیدوار شود و نفس تخریب شده و روح شکست خورده خود را بازسازی کرده و برای خود فرصتی برای توبه بگذارد.^۱

آیا آیه از قرآن کریم یا روایتی از معصومین : در مورد حرام بودن عمل استمنا وجود دارد؟

خودارضایی از دیدگاه اسلام یک انحراف جنسی است که آثار سوء پیامدهای منفی زیادی دارد؛ از جمله تحلیل فوری جسمانی، آسیب‌پذیری سریع در مقابل بیماری‌ها، پرخاشگری، عصبانیت، ضعف روحیه و همچنین آسیب‌های روانی و اخلاقی شدید، سست شدن اعضاء و مفاصل، زود انزالی و معایب دیگر.

امام صادق **7** می‌فرماید: گناه بزرگی است که خداوند نهی کرده و کسی این عمل را انجام بدهد، گویا با خودش ازدواج کرده و من با کسی که این عمل را انجام دهد، هم‌غذا نمی‌شوم.

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنین را مسئله پاکدامنی و پرهیز از هر آلودگی جنسی می‌داند. از طرفی هم یکی از قویترین و سرکش‌ترین غرایز بشری است؛ بنابراین قرآن در چند جا به امر ازدواج اشاره کرده است؛ چون در نظام احسن خلقت رفع نیاز غریزه را به طور کلی منع نکرده یا مخالف مقام انسانی نمی‌داند؛ اما غیر از طریق ازدواج یا مسئله کینز که در صدر اسلام مطرح بود، تجاوز و قابل ملامت می‌داند. حتی اگر ازدواج هم ممکن نباشد، باز هم امر به پاکدامنی می‌کند و اگر کسی ازدواج نکرده باشد که عمده رفع این معضل با ازدواج است، در صورت امکان نداشتن یا فراهم‌نبودن شرایط با اراده محکم و توکل به خدا رفع‌شدنی است؛ به ویژه از هرگونه صحبت یا دیدن فیلم‌ها و عکس‌های محرک باید جداً خودداری کنی؛ حتی در مکان‌های خلوت حتی المقدور عریان نکنی تا موجب تحریک غریزه نشود.

مردی با اعضاء تناسلی خودش بازی می‌کرد تا جنب شد، پیش حضرت علی **7** آوردند. ایشان چند ضربه به پشت دست آن مرد زد و بعد دستور به ازدواج او داد.

امام باقر **7** از قول پیامبر گرامی اسلام **6** نقل فرمود: «محبوب‌ترین چیز در اسلام ازدواج است» و این تأکید برای بقای نسل جامعه و دور نگاه‌داشتن نفس از وسوسه‌های

۱. همان.

حرام است. پس به دلیل اینکه انسان چشمش به ناموس مردم نیفتد، نمی‌تواند با خود عملیاتی انجام دهد که حرمت و شخصیت خود را پایین آورد. در کتاب شریف وسائل الشیعه باب جداگانه‌ای دربارهٔ تحریم استمنا وجود دارد. ابی بصیر می‌گوید: شنیدم امام صادق ۷ می‌فرمود: خداوند در روز قیامت با سه گروه از مردم سخن نمی‌گوید: کسی که با خودش عمل نکاح انجام دهد؛^۱ یعنی کاری کند که از او منی بیرون آید. البته احادیث دیگری در این باب موجود است که می‌توانید رجوع کنید.^۲

اگر کسی نمی‌تواند جلو غریزهٔ جنسی را بگیرد، باید ازدواج کند که بهترین راه جلوگیری از طغیان شهوت است. استمنا کار نادرستی است که زیان‌های بسیار دارد و نمی‌شود برای دور ماندن از گناهی مرتکب گناه دیگر شد. یک جوان مسلمان و باایمان باید در حفظ گوهر ایمان خویش بکوشد و هم از چشم‌داشت به ناموس دیگران خودداری کند و هم از استمنا دوری کند.^۳

محتلم کیست؟

محتلم کسی است که در خواب جنب شده باشد؛ یعنی منی از او خارج شود. احتلام و در خواب جنب‌شدن حرام نیست؛ فقط محتلم شونده پس از بیداری از خواب برای نماز و اموری دیگر باید غسل جنابت انجام دهد.

حضرات روحی و جسمی استمنا چیست؟

پاکی و طهارت مطلوب و هدف هر انسانی است و کسی را نمی‌یابید که طالب آن نباشد و این مهم بدون تلاش هماهنگ و حساب شده و صبر و حوصله و قبل از اتمام اسباب، تکیه بر توفیق الهی به دست نمی‌آید؛ بنابراین با تکیه بر توفیق خداوند و استعانت از درگاه الهی به توصیه‌هایی که در ذیل بیان می‌گردد به صورت کامل، دقیق و مستمر عمل کنید تا به امید حضرت دوست هدف به کف آید. مجدداً تأکید می‌کنیم که عمل به برخی از دستورالعمل‌ها کافی نیست و باید به تمام آنها به صورت دقیق و کامل و همیشگی عمل کنید و الا نه تنها نتیجه بخش نخواهد بود، بلکه موجب خستگی شده و شما را دل‌سرد می‌کند. حال با تأکید بر این مقدمه به بیان دستورالعمل‌ها می‌پردازیم.

الف) توصیه‌های اولیه به منظور کنترل نیروی شهوت و فرار از گناه خودارضایی:

۱. سعی کنید به هنگام خواب شکم شما بیش از حد معمول پر نباشد.

۱. وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، کتاب نکاح، ص ۲۶.

۲. همان.

۳. مرکز پاسخ دهند: پاسخگوئی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی.

۲. از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان اجتناب کنید.
۳. از نگاه کردن به مناظر، فیلم‌ها و تصاویر تحریک‌کننده جداً خودداری کنید و به محض مواجه شدن با این امور چشم خود را بسته و یا به زمین و یا آسمان نگاه کنید.
۴. از شنیدن و خواندن مباحث و مطالب جنسی و حتی شوخی‌های جنسی و تحریک‌کننده و فکر کردن در این امور جداً پرهیز کنید.
۵. از خوردن مواد غذایی که محرک است؛ مانند خرما، پیاز، فلفل، تخم مرغ، گوشت قرمز، غذاهای پرچرب، حتی المقدور اجتناب و به میزان ضرورت بسنده کنید.
۶. قبل از خواب حتماً مثانه خود را تخلیه نمایید.
۷. از نوشیدن افراط‌گونه آب و مایعات پرهیز کنید (به خصوص شب‌ها و قبل از خوابیدن).
۸. هیچ‌گاه بدن عریان خود را در آینه نگاه نکنید.
۹. از دست‌ورزی اندام جنسی خود اجتناب کنید و به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی دست‌ورزی نکنید.
۱۰. هرگز به رونا خوابید.
۱۱. به منظور تخلیه انرژی زاید بدن به طور منظم و زیاد ورزش کنید.
۱۲. هیچ‌گاه بیکار نباشید و برای اوقات فراغت خود برنامه داشته باشید و آن را با مطالعه، ورزش، زیادت عبادت و... پر کنید.
۱۳. هرگز در مکانی خلوت و تنها و دور از نظر دیگران نباشید.
۱۴. هرگاه مورد هجوم افکار جنسی واقع شدید، در مکان خلوت و دور از نظر دیگران به سر نبرید؛ بلکه در مجالس عمومی وارد شوید و در آنجا به سر برید.
۱۵. هفته‌ای یکی دو روز روزه مستحبی بگیرید و اگر توان آن را ندارید، روزه اخلاقی بگیرید؛ یعنی میزان صرف غذا را کاهش و فاصله هر وعده غذا را افزایش و تعداد دفعات غذا را کاهش دهید و به حداقل خوراک بسنده کنید.
۱۶. با نامحرم رفتار متکبرانه داشته باشید و از سخنان ملایمت‌آمیز با آنها خودداری کرده و از نرمی و لینت در کلام با آنها اجتناب ورزید.
۱۷. هیچ‌گاه با نامحرم و جنس مخالف در مکان خلوت و دور از نگاه دیگران باقی نمانید، حتی برای آموزش و... .
۱۸. قرآن زیاد بخوانید و درباره معانی آیات آن فکر کنید.

ب) عواقب خودارضایی:

در اینجا توجه شما را به عواقب خودارضایی جلب می‌نماییم تا با آگاهی از آنها بهتر بتوانید دامن همت به کمر زده و از این گناه اجتناب ورزید. البته عواقب سوء و پیامدهای منفی و عملی این گناه جدای از آنکه معصیت است، فراتر از آن است که بتوان آنها را برشمرد؛ بلکه فقط به چند مورد از آن بسنده می‌کنیم.

۱. پیامدهای جسمانی: ضعف چشم و بینایی، تحلیل رفتن قوای جسمانی، عقیم شدن و ناتوانی در تولید مثل، پیری زودرس، ضعف مفاصل، لرزش دست، زشتی چهره و از بین رفتن طراوت صورت.

۲. پیامدهای روحی و روانی: ضعف حافظه و حواس پرتی، اضطراب، منزوی شدن و گوشه‌گیری، افسردگی، بی‌نشاطی و لذت‌نبردن از زندگی، پرخاشگری و بداخلاقی و تندخویی، کسالت دایمی و ضعف اراده.

۳. عوارض اجتماعی: ناسازگاری خانوادگی، بی‌میل شدن به همسر و ازدواج، ناتوانی در ارتباط با جنس مخالف و همسر، بی‌غیرت شدن، احساس طرد شدن، از بین رفتن عزت، پاکی، شرافت و جایگاه اجتماعی، دیر ازدواج کردن و لذت‌نبردن از زندگی مشترک. همچنین توجه شما را به تذکرات ذیل جلب می‌کنم:

۱. دوست عزیز توجه داشته باشید که تنها رعایت تمام این امور بدون کم و کاستی و به صورت مستمر است که نتیجه‌بخش خواهد بود.

۲. به محض گناه و ارتکاب مایوس از رحمت الهی نباشید و با توبه مجدداً راه پاکی را فرا گیرید و سعی کنید که تکرار نشود.

۳. در صورت امکان ازدواج با کم کردن سطح توقعات و انتظارات ازدواج بهترین راه حل است.

۴. در تمام حالات از خداوند برای حفظ پاکی استعانت بجویید. در پایان همان‌طور که خودتان نیز اعتراف کرده‌اید راه‌حل اصلی و پاسخ مناسب‌تر به غریزه جنسی که خداوند در وجود تمام انسان‌ها قرار داده است، ارضا طبیعی و مشروع آن یعنی ازدواج است. آنچه در بالا به آن اشاره شده است کنترل موقت این غریزه است بنابراین اگر شرایط ازدواج برای شما فراهم است به گونه‌ای صحیح و از طریق خانواده محترم‌تان اقدام کنید تا از عواقب شوم و زشت این عمل به دور باشید. طبیعی است راه صحیح اقدام نیز در میان گذاشتن موضوع ازدواج با خانواده محترم‌تان است تا از فرد مورد نظران در فامیل خواستگاری کنند؛ ولی در صورت مخالفت وی یا خانواده‌اش، با مشورت با والدین خویش و شناخت بیشتر از معیارها و ملاک‌های ازدواج موفق مسئله را پیگیری نمایید تا با

فرد مناسبی ازدواج کنید و مطمئن باشید اگر به دلیل دوری از گناه، اقدام به ازدواج کردید، به خصوص با فردی که بتواند شرایط تحصیلی و ادامه تحصیل شما را درک کند، نه تنها مانعی برای درس خواندن شما نخواهد بود؛ بلکه به همت و اراده شما و کمک همسرتان و توفیق الهی خواهید توانست با آرامش بیشتری به تحصیل خویش ادامه دهید؛ بنابراین برای نجات از این معضل، رعایت دقیق دستورالعمل‌های آرایه شده در پرتو اراده قطعی و جدی شما برای اجتناب از این عمل است که ما گمان می‌کنیم چنین اراده محکمی در شما وجود دارد و نشانه آن تقاضای کمک و راهنمایی از مشاوران و افراد باتجربه در این امر است.^۱

بخش چهارم: داستان‌های واقعی:

فریادهای دردآلود:

بیان چند نامه از قربانیان استمنا که اسرار ناگفتنی، وقایع دردناک و بهت‌آور را دربر می‌گیرد و نویسندگان آنها همه استمداد کرده و راه چاره خواسته‌اند.

* نامه اول:

جوانی هستم ۲۳ ساله و محصل، از روزی که پا به دایره بلوغ گذاشتم بر اثر نداشتن تربیت صحیح و مراقبت نکردن و بی‌اطلاعی به «یک نوع انحراف جنسی» مبتلا شده‌ام و «بدبختانه» هفت سال آن را ادامه داده‌ام. اکنون به این بلای خانمان‌سوز مبتلا هستم و هر چه در ترک آن کوشیده‌ام، نتیجه‌ای نگرفته‌ام. ضررهای آن را افزون بر اینکه در کتاب‌های فارسی مطالعه نموده‌ام، در بدن خود نیز مشاهده می‌کنم. چشمم ضعیف شده، ضعف اعصاب، کم‌خونی، لرزش بدن، لاغری و پژمردگی مرا بیچاره کرده است. وقتی قلم به دست می‌گیرم، قدرت نوشتن ندارم، ناچار قلم را بر زمین می‌گذارم تا وقتی کمی دستم قدرت پیدا می‌کند، دوباره می‌نویسم. ایمان ضعیفی در من وجود دارد و با وجدانم دست به دست هم داده مرا سرزنش می‌کنند. ناچار در گوشه‌ای می‌نشینم و تا می‌توانم گریه می‌کنم که چشمانم سرخ می‌شود. خلاصه بیچاره و بدبختم و دادرس و فریادرسی ندارم!!! شاید مایل باشید بدانید چرا با اینکه ضررهای آن را مشاهده می‌کنم، آن را ترک نمی‌نمایم؟ در جواب خواهم گفت: امروز ترک این کار (تقریباً) از نظر من محال است. هنگام تحریک شدن، اراده از من سلب می‌شود. بعد که به خود می‌آیم، کارم گریه است!... گاهی به خدا التماس می‌کنم و به درگاه امامان (علیهم السلام) متوسل می‌شوم...! اما هر چه

۱. مرکز پاسخ دهنده: تبیان.

التماس می‌کنم، کمتر نتیجه می‌گیرم. گاهی با خود فکر می‌کنم مگر خدا و ائمه اطهار به افراد ناپاکی چون من توجه ندارند؟!... ما درماندگانی که حتی به نزدیک‌ترین خویشان نمی‌توانیم درد دل خود را بگوییم، دامن چه کسی را باید بگیریم؟ کاسه صبرم لبریز و جانم به لب رسیده، به من رحم کنید و راه نجاتی به من معرفی نمایید. اگر دستور طبی در نظر دارید، به من اطلاع دهید و مسلم بدانید (و می‌دانید) احتیاج به قدردانی امثال من ندارید. اجتماع باید از شما قدردانی کند و پاداش شما با خدای بزرگ است.

* نامه دوم:

جوانی هشتم هفده ساله و محصل سال چهارم دبیرستان که در تمام دوران ابتدایی شاگرد ممتاز بوده‌ام؛ ولی به عللی که خودتان خیلی خوب می‌دانید به محض رسیدن به دوران پرآشوب بلوغ به یک دام افتادم. البته این منحصر به من نیست، عده‌ای از همسالان من نیز به این دام افتاده‌اند. در کلاس اول دبیرستان مبتلا به «یک نوع انحراف» شدم، در عرض این چهار سال مقدار فراوانی از قوای فکری خود را از دست داده‌ام. ده‌ها بار توبه کردم؛ ولی روز به روز ضعف نفس من زیادتر شده. اکنون به طوری که خودم حس می‌کنم قسمت‌های عمده بدن من؛ یعنی قلب و اعصابم دچار خلل شده و بدتر از همه اراده‌ام را نیز به مقدار زیادی از دست داده‌ام، دائماً احساس حقارت می‌کنم، خیلی کم حرف می‌زنم، ورزش نمی‌توانم بکنم و حتی به میهمانی‌های خانوادگی نیز نمی‌روم!... به خوبی می‌دانم که آینده خوبی نخواهم داشت... این قدر بی‌اراده شده‌ام که ترک این «عمل خطرناک» برایم کاری مشکل شده است... علت چیست؟ علت این است که عکس‌های زنان برهنه در دست همسالانم زیاد دیده می‌شود. فیلم‌های منحرف‌کننده و سکسی تنها سرگرمی ماست و کتاب‌های مزخرف با نازل‌ترین قیمت در دسترس ما قرار دارد. مرا راهنمایی کنید. به من بگویید چطور می‌توانم از این درد «کشنده» خلاص شوم؟!...».

* نامه سوم:

... آیا از وضع جوانان و درد دل‌های ما آگاهی دارید؟... آیا می‌دانید عده‌ای از جوانان دست به جنایت بزرگی می‌زنند و گرفتار انحرافات هستند؟... چندی پیش در خیابان ثریای «یزد» می‌گذشتم، ناگهان چشمم به جوانی افتاد که سن او در حدود ۲۵ سال بود، بدنی بی‌حس و چشمانی نابینا داشت، در حالی که دست او در دست براد کوچکش بود، از خیابان می‌گذشت. من از چرخ پیاده شدم و از برادرش که با هم آشنا بودیم، پرسیدم

این کیست؟ گفت: برادرم است.

مات و مبهوت انگشت بر دهان گذاشتم... گفتم: چرا برادرت به این روز افتاده؟ گفت: تا ۲۰ سالگی هیچ عیبی نداشت؛ ولی بر اثر اعتیاد به «یک نوع انحراف جنسی» چند سال است که چشمش نابینا شده... بدبختانه باز دست بردار نیست... تقاضا می‌کنم هر چه زودتر زیان‌های این جنایت و راه علاج آن را برای ما «جوانان» تشریح کنید، چه کنیم که ما هم آلوده این کارها نشویم؟...»^۱.

بخش پنجم: پیامدهای استمناء (خودارضایی):

۱. ضعف ایمان؛
۲. کاهش اراده؛
۳. بلوغ زودرس؛^۲
۴. لاغرشدن و ضعف عمومی بدن؛^۳
۵. کاهش نسبی جریان خون در بدن؛^۴
۶. ضعف اعصاب و عروض عوارض روحی؛^۵
۷. شکست در امور زناشویی؛^۶
۸. گوشه‌گیری یأس و بی‌توجهی نسبت به مسائل مهم حیاتی؛
۹. افسردگی و ناراحتی‌های روانی؛
۱۰. اختلال و ضعف حافظه؛
۱۱. بی‌اشتهایی؛
۱۲. ضعف استخوانی و ناراحتی‌های مفصلی؛
۱۳. سست شدن زانو؛
۱۴. ضعف جنسی و انزال زودرس؛
۱۵. ضعیف شدن چشم؛
۱۶. سیاه شدن دور چشم؛

۱. برگرفته از مجموع نامه‌های ارسالی افراد مبتلا به خودارضایی به دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی همراه با تلخیص.

۲. به واسطه تحریک بیش از حد هیپوتالاموس و در نتیجه تحریک افراطی غدد جنسی که سبب پرکاری نامتناسب آنها می‌شود.

۳. به واسطه کاهش و تخلیه مکرر قوای جسمی و روحی که نهایتاً پیری زودرس به دنبال دارد.

۴. به دلیل افزایش ناگهانی جریان خون در اعضای تناسلی، مغز و مراکز حساس دیگر بدن.

۵. در اثر تخلیه مکرر عصبی و عدم ارضای روحی در دراز مدت.

۶. به دلیل ارضای ناقص و غیرطبیعی و اختلال‌های حاصله.

۱۷. ضعیف شدن حس شنوایی؛
۱۸. شنیدن صدای زنگ و حالت "وزوز" در گوش‌ها؛
۱۹. لاغر شدن صورت؛
۲۰. زرد شدن صورت؛
۲۱. جوش زدن صورت؛
۲۲. زود به زود زکام شدن؛
۲۳. کم خونی؛
۲۴. سرگیجه.^۱

بخش ششم: راه کارهای مناسب برای پیشگیری از ابتلاء به استمنا (خودارضایی):

۱. دوری از محیط‌ها و موقعیت‌های تحریک‌آمیز جنسی.
۲. تقویت این اندیشه و باور که خداوند ناظر بر اعمال ماست.
۳. پرداختن به کار و تلاش مداوم و سرگرم بودن به فعالیت‌های تحصیلی و تفریحی سالم.
۴. تقویت صفاتی در خود از قبیل تقوا، اعتماد به نفس، ایمان به غیب، جوانمردی، آزادی و ...
۵. مصونیت اساسی از عمل استمنا با اقدام به ازدواج.^۲
۶. داشتن فعالیت‌های سالم ورزشی.^۳

پیام‌های درس:

۱. از نظر شیعیان خودارضایی به طور کامل و در تمام اشکال آن حرام می‌باشد. حتی به اعتقاد برخی مراجع دینی، خودارضایی از «گناهان کبیره» است.
۲. خودارضایی در شریعت یهود، به طور کامل منع نمی‌شود و عملی همراه با سلامتی و نشاط‌آوری تلقی می‌گردد.
۳. ضعف ایمان، کاهش اراده، بلوغ زودرس، لاغر شدن و ضعف عمومی بدن، گوشه‌گیری یأس و بی‌توجهی نسبت به مسائل مهم حیاتی، اختلال و ضعف حافظه، ضعف جنسی و انزال زودرس، سیاه شدن دور چشم، شنیدن صدای زنگ و حال "وزوز" در گوش‌ها، زود به زود زکام شدن و ... از جمله پیامدهای روحی و جسمی خودارضایی است.

۱. اختلالات و انحرافات جنسی؛ ص ۳۱ - ۲۹ و تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیر طبیعی انسان؛ ص ۲۶۸.
 ۲. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: «هرکس که در آغاز جوانی ازدواج کند، شیطان‌ی که مأمور او است، فریاد می‌زند، و او ایلا دو ثلث دینش را از دست برد من حفظ کرد و بیش از این بر عهده‌اش نیست که در ثلث دیگر نیز تقوا را رعایت کند» (مستدرک الوسائل الشیعه؛ ج ۲، ص ۵۳۰).
 ۳. محمد رضا شرفی؛ دنیای نوجوان؛ ص ۲۱۹ - ۲۱۸.

۴. مصونیت از ارتکاب به خودارضایی با تقویت روح ایمان و باور به اینکه خداوند ناظر بر اعمال ماست، امکان‌پذیر می‌شود.

سؤالات درس:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی خودارضایی چیست؟
۲. دیدگاه اهل سنت و در مقابل آنها دیدگاه شیعیان نسبت به خودارضایی چیست؟
۳. دیدگاه مسیحیان کاتولیک با دیدگاه مسیحیان پروتستان در مورد خودارضایی چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟
۴. خودارضایی در شریعت یهود چگونه تفسیر می‌شود؟
۵. پیامدهای استمنا در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی فرد استمناکننده چیست؟ به چند مورد اشاره کنید؟
۶. راه‌کارهای مناسب برای پیشگیری از ابتلا به استمنا را نام ببرید؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. گناهان کبیره؛ شهید دستغیب؛ نشر: کانون اندیشه‌های اسلامی، ۱۳۷۶.
۲. روان‌شناسی نوجوانی؛ بهروز حسن بیگلو؛ نشر: کاوش، ۱۳۸۰.
۳. روان‌شناسی رفتار جنسی؛ محمد باقر کجباف؛ نشر: روان، ۱۳۷۸.
۴. پرورش روح؛ سید محمد شفیع؛ نشر: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۵. اختلالات و انحرافات جنسی؛ ابراهیم واحد؛ نشر: خط سوم، ۱۳۷۸.
۶. تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیر طبیعی انسان؛ بهنام اوحدی؛ نشر: آتروپات، ۱۳۷۹.
۷. آرامش طوفانی: پیشگیری و درمان خودارضایی؛ سیدمصطفی دیانت مقدم؛ ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۸. رهایی از خودارضایی؛ ابوالقاسم شهبازورزنه؛ ناشر: صبح صادق، ۱۳۹۰.
۹. خودارضایی یا ارضای انحرافی جنسی؛ مؤسسه پژوهشی فرهنگی اشراق؛ ناشر: حسنین، ۱۳۸۷.
۱۰. فتنه نفس: غریزه جنسی و خطر خودارضایی؛ نوروز صدری؛ ناشر: سبط النبوی، ۱۳۸۷.
۱۱. خلوت شیطانی: خودارضایی و راه درمان آن؛ علی سهراب‌پور؛ ناشر: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها)، ۱۳۹۰.

زنا

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی زنا؛
۲. آیات و روایات زنا؛
۳. اقسام زنا در اسلام و احکام هر یک؛
۴. آثار وضعی زنا در دنیا و در آخرت؛
۵. حکمت‌های حرمت زنا؛
۶. راه‌های پیشگیری و درمان؛
۷. داستان‌های واقعی در باب زنا؛
۸. معرفی منابع بیشتر برای مطالعه.

مقدمه:

یکی از بارزترین مصادیق فساد در اجتماع زنا است که در قرآن کریم و روایت‌های معتبر به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. نیاز طبیعی آدمی به جنس مخالف مورد تأیید شرع مقدس اسلام قرار گرفته است؛ اما لازم است در محدوده بیان شده از سوی شرع تأمین گردد. هرگاه تأمین نیاز جنسی انسان از طریق صحیح صورت گیرد، عین صلاح و مصلحت است، اما چنانچه از مسیر اعتدال و شیوه صحیح خارج گردد، مصادیقی

از مصادیق فساد می‌شود؛ بنابراین بر آن شدیم در این درس به بیان انحراف جنسی و اخلاقی زنا پردازیم. امید که مورد استفاده جوانان عزیز قرار بگیرد.

بخش اول: تعریف زنا:

۱. تعریف لغوی:

۱. جفت‌گردیدن زن و مرد به طور نامشروع؛ ۲. مجامعت با زن به طور حرام.^۱

۲. تعریف اصطلاحی:

۱. داخل کردن آلت تناسلی مرد بالغ و عاقل در فرج زن است به طوری که آن زن بر وی حرام باشد و بین آنان عقد نکاح یا شبهه‌ای که موجب اعتقاد به حلال بودن عمل است، نباشد و نیز به اندازه ختنه‌گاه فرو رفته باشد؛ در حالی که علم به تحریم این عمل داشته و در انجام آن مختار بوده است.

۲. آنکه مرد بالغ از روی علم و اختیار به اندازه سر آلت خود را در فرج زنی که بر او حرام است، داخل کند؛ بدون آنکه عقد نکاح یا ملکیت یا شبهه در کار باشد.

بخش دوم: آیات زنا:

* «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»^۲: و به زنا نزدیک می‌شوید. زنا، کاری زشت و شیوه‌ای ناپسند است.

پیام‌ها:

۱. جاذبه بعضی گناهان به حدی است که نزدیک شدن به آن هم خطر دارد: «لَا تَقْرُبُوا»؛
 ۲. نه فقط زنا، بلکه از مقدمات زنا هم باید پرهیز کرد. (گاهی یک نگاه، تلفن، نامه و تماس، زمینه ارتباط‌های نامشروع می‌شود): «لَا تَقْرُبُوا»؛
 ۳. زنا در طول تاریخ عملی زشت و ناپسند و در ادیان دیگر نیز حرام بوده است: «كَانَ فَاحِشَةً»؛
 ۴. زنا هم گناه است، هم راهی برای گناهان دیگر و هم سبب بدعاقبتی است: «سَاءَ سَبِيلًا»^۳.
- * «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِيَ فَاجِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۴: زن و مرد زناکار را هر یک صد ضربه بنزد و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، مباد که در حکم خدا

۱. لغت‌نامه دهخدا؛ ذیل لغت زنا.

۲. اسراء: ۳۲.

۳. برگرفته از تفسیر نور؛ ج ۷، ص ۵۴.

۴. نور: ۲.

نسبت به آن دو دست‌خوش ترحم گردید و باید که به هنگام شکنجه‌کردنشان گروهی از مؤمنان حاضر باشند.

پیام‌ها:

۱. آزادی جنسی و روابط نامشروع، ممنوع است: «الزَّانِيَةُ ... فَاجْلِدُوهَا»؛
۲. نقش زنان در ایجاد روابط نامشروع و فراهم آوردن مقدمات زنا، از مردان بیشتر است، بر خلاف دزدی که نقش مردان بیشتر است. به همین دلیل کلمه زانیه قبل از کلمه زانی آمده است: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي»؛
۳. حدود کیفر باید از طرف خداوند معین شود: «مِائَةَ جَلْدَةٍ»؛
۴. در مجازات مجرمین، ترحم و تحت تأثیر عواطف قرار گرفتن ممنوع است: «لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ»؛
۵. زناکار افزون بر شلاق و شکنجه جسمی، از نظر روحی نیز باید زجر ببیند: «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ»^۱؛
- * «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^۲: مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی‌گیرد و این بر مؤمنان حرام شده است.

پیام‌ها:

۱. در ازدواج مسئله کفو بودن، یک اصل است. (زنان و مردان ناپاک، لایق همسران پاک نیستند): «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً»؛
۲. افراد فاسد، در جامعه اسلامی مطرودند: «لَا يَنْكِحُ إِلَّا»؛
۳. زناکار در کنار مشرک قرار گرفته است: «زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً»؛
۴. مردان و زنان مؤمن، باید همسران پاک و پاکدامن انتخاب کنند: «حُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^۳؛
- * «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا»^۴: و آنان که با خدای یکتا خدای دیگری نمی‌گیرند و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده؛ مگر به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر که این کارها کند، عقوبت گناه خود را می‌بیند.

۱. برگرفته از تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۱۴۴.

۲. نور؛ ۳.

۳. تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۱۴۶.

۴. فرقان؛ ۶۸.

پیام‌ها:

۱. خطرناک‌ترین غریزه‌ای که انسان را به گناه وادار می‌کند، غریزه غضب و شهوت است و مؤمن باید بر غرایز خود مسلط باشد: «لَا يَقْتُلُونَ لَا يَزْنُونَ»؛
 ۲. خداوند در برخی از موارد به قتل و کشته‌شدن بعضی از انسان‌ها راضی است: «إِلَّا بِالْحَقِّ»؛ ولی در هیچ شرایطی رضایت نمی‌دهد فردی به شرک و زنا آلوده شود: «لَا يَزْنُونَ»؛
 ۳. دستور قرآن در زمینه دوری از شرک، زنا و قتل تنها موعظه نیست، قانونی است که تخلف از آن کیفری شدید دارد: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا»؛
 ۴. کیفرهای الهی استثنابردار نیست، هر کس تخلف کند، کیفر می‌شود: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا»^۱.
- * «وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»^۲: و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را شاهد بر آنها بطلبید. اگر گواهی دادند، آنان [زنان] را در خانه‌های خود نگاه دارید تا مرگ‌شان فرا رسد یا اینکه خداوند، راهی برای آنها قرار دهد.

پیام‌ها:

۱. برای حفظ آبرو و شرف دیگران، اسلام برای اثبات زنا چهار شاهد مقرر کرده است و حتی اگر سه شاهد گواهی دهند، هر سه شلاق می‌خورند؛ ولی برای اثبات قتل، دو شاهد کافی است: «أَرْبَعَةً مِنْكُمْ»؛
۲. شاهد بر زنا هم باید مرد باشد و هم مسلمان، تا در اثبات جرم دقت لازم صورت گیرد: «أَرْبَعَةً مِنْكُمْ»؛
۳. کیفر زن زناکار حبس در «خانه» است، نه زندان‌های عمومی که ممکن است فساد بیشتر بیاموزد: «فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ»؛
۴. حبس زن در خانه برای آن است که افراد جامعه را فاسد نکند و از ازدواج محروم بماند و میدانی برای لذت پیدا نکند: «فَأَمْسِكُوهُنَّ»؛
۵. حبس ابد کیفر زنان شوهرداری بوده است که مرتکب زنا شده‌اند: «حَتَّى يَتَوَفَّاهِنَّ الْمَوْتُ»؛ البته این حکم موقت بوده تا کیفر تازیانه و سنگسارکردن مطرح شود: «أَوْ يَجْعَلَ

۱. تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۲۸۱.

۲. نساء: ۱۵.

اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»^۱.

بخش سوم: روایات زنا:

الف) نهی از زنا:

(۱) قال رسول الله ﷺ: «ما من ذنب اعظم عند الله تبارك و تعالی بعد الشرك من نطفة حرام وضعها امرء في رحم لا تحل له»^۲: بعد از شرک به خداوند هیچ گناهی بزرگ‌تر از این نیست که مردی نطفه حرام خود را در رحمی که بر او حلال نیست، مستقر کند.

(۲) امام رضا ۷: «انّ الدَّفْقَ فی الرَّحْمِ اثم و العزل اهون له»^۳: زناکردن و نطفه را در رحم‌ریختن گناه بزرگ است. زناکردن و نطفه را بیرون رحم‌ریختن برای زناکار گناه خفیف‌تری است.

(۳) رسول الله ﷺ: «اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ عَجَلَ عَلَيَّ امْرَأَةً ذَاتَ بَعْلٍ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا، فَإِنَّمَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللَّهُ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ، فَإِنْ أَوْطَأَتْ فِرَاشَهُ غَيْرَهُ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يُعَذِّبَهَا فِي قَبْرِهَا»^۴: زن شوهرداری که چشمش را از مردی جز شوهر خود یا نامحرمی پر کند، خشم خداوند عزوجل بر او فزونی گیرد؛ که اگر چنین کند، خداوند همه اعمال او را باطل گرداند و چنانچه به شوهر خود خیانت ورزد، بر خداست که او را بعد از عذاب در قبر به آتش دوزخ بسوزاند.

(۴) الإمام علی ۷: «ما زَنِي غَيُورٌ قَطُّ»^۵: غیرتمند، هرگز زنا نمی‌کند.

(۵) الإمام الصادق ۷: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقَرَّ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمِ تَحْرُمٍ عَلَيْهِ»^۶: سخت‌ترین عذاب را در روز قیامت مردی دارد که نطفه خود را در رحمی که بر وی حرام است، جای دهد.

(۶) رسول خدا ﷺ فرمود: «فرزند آدم کاری نکند سخت‌تر و سنگین‌تر و بزرگ‌تر در نزد خداوند عزوجل از اینکه یا شخص پیغمبری را بکشد، یا خانه کعبه که خداوند آن را قبله‌گاه بندگانش قرار داده است، خراب کند و یا نطفه خود را در رحم زنی که به او حرام است، بریزد»^۷.

۱. تفسیر نور؛ ج ۲، ص ۲۵۷.

۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۵۶۷.

۳. همان.

۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ ص ۲۸۰.

۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۵۹.

۶. الحکم الزاهرة با ترجمه انصاری؛ ص ۶۰۶.

۷. من لا یحضره الفقیه؛ ج ۵، ص ۳۳۶.

ب) دلیل حرمت زنا:

۱) سؤال شد از امام صادق 7: «لم حرم الله الزنا؟ قال: لما فيه من الفساد و ذهاب المواريث و انقطاع الانساب لا تعلم المرأة في الزنا من احبها و لا المولود يعلم من ابوه و لا ارحام موصولة و لا قرابة معروفة»^۱؛ چرا خداوند زنا را حرام کرده است؟ فرمود: برای اینکه زنا باعث مفاسد مهم اجتماعی است. زنا قانون ارث و ارتباط مالی پدر و فرزند را از میان می‌برد. زنا ریشه نسب‌ها و عواطف خانوادگی را که اساس تشکیل اجتماع است، قطع می‌کند. زن زناکار نمی‌داند از نطفه کدام مردی باردار شده و فرزندش متعلق به کیست؟ فرزند زنا پدر و ارحام پدری خود را نمی‌شناسد، فرزند زنا نمی‌داند اقربای قانونی او کیست.

۲) الإمام الرضا 7: «حرم الزنا لما فيه من الفساد من قتل الأنفس ، و ذهاب الأنساب ، و ترك التربية للأطفال ، و فساد المواريث ، و ما أشبه ذلك من وجوه الفساد»^۲؛ زنا به دلیل مفاسدی که در بردارد؛ مانند قتل نفس، از بین رفتن و مخدوش شدن اصل و نسب، ترک تربیت کودکان، تباه شدن موضوع ارث و میراث و امثال این مفاسد حرام شده است.

ج) بهره‌مندی اعضاء بدن از زنا:

۱) المسيح 7: «أیما امرأة استعطرت و خرجت لیوجد ریحها فیهی زانیة، و کل عین زانیة»^۳؛ هر زنی که خود را خوشبو کند و بیرون رود تا بویش به مشام دیگران رسد، زناکار است و هر چشمی [که او را بنگرد] زناکار است.

۲) عنه 7: «لا تكونن حدید النظر إلی ما لیس لک فإنه لن یزنی فرجک ما حفظت عینک، فإن قدرت أن لا تنظر إلی ثوب المرأة التي لا تحل لک فافعل»^۴؛ نباید به آنچه [زنی] که تعلق به تو ندارد، خیره شوی؛ چه تا زمانی که چشم خود را نگاه‌داری، هرگز مرتکب زنا نشوی. اگر توانی که [حتی] به جامه زن نامحرم هم نگاه نکنی، چنین کن.

۳) رسول الله 6: «علی کل نفس من بنی آدم کتب حظ من الزنا أدرك ذلك لا محالة، فالعین زناها النظر، والرجل زناها المشی، والأذن زناها الاستماع»^۵؛ بر هر عضوی از اعضای انسان بهره‌ای از زنا نوشته شده که لاجرم به آن می‌رسد؛ مثلاً زناى چشم، نگاه‌کردن است و زناى پا رفتن [به سوی گناه] و زناى گوش، شنیدن [صداهای حرام].

۱. سفینه: ص ۵۶۰.

۲. علل الشرائع؛ ج ۲، ص ۴۷۹.

۳. مجموعه ورام؛ ج ۱، ص ۲۸.

۴. همان.

۵. جامع الأخبار؛ ص ۱۴۵.

۴) پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظًّا مِنَ الزَّانَا فَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظْرُ وَ اللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ وَالْأُذُنَانِ زِنَاهُمَا السَّمْعُ»^۱ در مورد رابطه نامشروع برای هر عضوی از آدمی سهمی از زنا است؛ زناى چشم، نگاه کردن؛ زناى زبان، سخن گفتن و زناى گوش ها، شنیدن حرام است.

د) پیامدهای زنا:

۱) رسول الله ﷺ: «يا عليُّ في الزنا ستُّ خصال: ثلاثٌ منها في الدنيا وثلاثٌ في الآخرة، فأما التي في الدنيا فيذهب بالبهاء، ويُعجلُ الفناء، ويقطعُ الرِّزقَ، وأما التي في الآخرة فسوءُ الحساب، وسخطُ الرحمن والخُلُودُ في النار»^۲ ای علی! زنا شش پیامد دارد: سه پیامد در دنیا و سه دیگر در آخرت. پیامدهای دنیایی اش این است: آبرو را می برد، مرگ را شتاب می بخشد و روزی را می بُرد و پیامدهای آخرتی اش عبارت است از: حساب رسی سخت و دقیق، خشم خدای رحمان و جاودانگی در آتش است.

۲) الإمام علیؑ 7: «الزَّانَا يُورِثُ الْفَقْرَ»^۳ زنا، فقر به بار می آورد.

۳) الإمام الباقرؑ 7: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: إِذَا ظَهَرَ الزَّانَا مِنْ بَعْدِي كَثَرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ»^۴ در کتاب رسول خدا ﷺ یافتیم: چون بعد از من زنا آشکار گردد، مرگ های ناگهانی زیاد شود.

۴) الإمام الصادقؑ 7: «إِذَا فَشَا الزَّانَا ظَهَرَتِ الزَّلَازِلُ»^۵ هرگاه زنا شیوع یابد، زلزله ها پدیدار شود.

۵) رسول خدا ﷺ فرمود: «زنا موجب فقر و تنگدستی است و آبادی ها را بدون سکنه باقی می گذارد»^۶.

۶) برخی از مفسدات زنا در سخنان حضرت امام رضا 7: «۱. ارتکاب قتل به وسیله سقط جنین؛ ۲. برهم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی؛ ۳. ترک تربیت فرزندان؛ ۴. از بین رفتن موازین ارث»^۷.

۷) علی 7 ترک زنا را مایه استحکام خانواده و ترک لواط را عامل حفظ نسل می داند.^۸

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۶۹.

۲. طرائف الحكم یا اندرزهای ممتاز؛ ج ۲، ص ۱۸۷.

۳. بحار الأنوار؛ ج ۷۳، ص ۳۱۴.

۴. همان؛ ج ۷۰، ص ۳۶۶.

۵. الخصال؛ ج ۱، ص ۲۴۲.

۶. من لا يحضره الفقيه؛ ج ۵، ص ۳۳۶.

۷. بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۲۴.

۸. نهج البلاغه؛ حکمت ۲۵۲.

۸) امام صادق ۷ فرمود: «هرگاه مردم مرتکب چهار گناه شوند، به چهار بلا گرفتار شوند:

۱. زمانی که زنا رواج یابد، زلزله خواهد آمد.
 ۲. هرگاه مردم زکات نپردازند، چهار پایان به هلاکت می‌رسند.
 ۳. هرگاه قضاوت مسئولان قضایی ظالمانه باشد، باران نخواهد بارید.
 ۴. زمانی که پیمان شکنی شود، مشرکان بر مسلمانان غلبه خواهند کرد.^۱
- ۹) قال النَّبِيُّ ﷺ: «يا شَابَّ تَزَوَّجْ وِ اَيَّاك وِ الزَّنا فَانَّه يَنْزِعُ الْاِيْمانَ مِنْ قَلْبِك»^۲ ای جوان ازدواج کن و از زنا بپرهیز که زنا ریشه‌های ایمان را از دلت بر می‌کند.
- ۱۰) الْاِمَامُ الصَّادِقُ ۷: «لا تَزَوَّجُوا الْمَرْأَةَ الْمُسْتَعْلَنَةَ بِالزَّنا وِ لا تَزَوَّجُوا الرَّجُلَ الْمُسْتَعْلَنَ بِالزَّنا اَلَّا اَنْ تَعْرِفُوا مِنْهُمَا التَّوْبَةَ»^۳ مردان مسلمان با زنانی که آشکارا و بی‌پروا زنا می‌دهند، ازدواج نکنند و همچنین زنان عقیف و مسلمان، مردانی را که علناً زنا می‌کنند، به همسری خود اختیار ننمایند؛ مگر آنکه معلوم شود توبه کرده‌اند و صمیمانه از اعمال ناشایست و منافی با عفت خویش دست کشیده‌اند.

ه) مجازات زناکار:

رسول خدا ﷺ فرمود: «زنا کار را روز قیامت بالای سر اهل دوزخ حرکت می‌دهند، در حالی که قطره‌های چرکی از او می‌ریزد که اهل جهنم ناراحت می‌شوند و به نگهبانان دوزخ می‌گویند: این بوی بد که ما را اذیت می‌کند چیست؟ گفته می‌شود: این بوی متعفن مرد زناکار است و زن زناکار هم چنین وضعی دارد و دوزخیان از عفونت او اذیت می‌شوند»^۴.

بخش چهارم: اقسام زنا در اسلام و احکام هر یک:

زنا دارای موارد مختلفی است که برای هر کدام از آنها کیفرها و حدود جداگانه‌ای در اسلام وجود دارد.

۱. زنا با محارم:

زنا با محارم به معنای آن است که مثلاً یک مرد با یکی از زن‌هایی که جزو محارم نسبی وی هستند و ازدواج کردن با آنان حرام است، زنا کند. محارم نسبی مانند: مادر،

۱. همان؛ ص ۲۱.

۲. روایات تربیتی؛ ج ۲، ص ۱۱۶.

۳. همان.

۴. نوادر راوندی؛ ص ۲۵۳.

خواهر، دختر، دختر خواهر، دختر برادر، عمه و یا خاله.

مجازات زنای با محارم:

کیفر آن بنا بر نظر بعضی از فقها اعدام است؛ ولی مفاد بعضی از روایات این است که با شمشیر یک ضربه به گردن او بزنند و اگر زنده ماند، او را در حبس نگه دارند تا بمیرد و احوط رعایت این دستور است. حکم اعدام در زنا با زنانی که به واسطه شیر خوردن محرم شده‌اند یا به سبب ازدواج محرم شده‌اند - مانند مادر زن - محل اشکال است؛ ولی نسبت به زن پدر جاری است. همچنین در این حکم فرقی نمی‌کند که مرد زناکننده مجرد باشد و یا متأهل. در زنا با محارم در صورتی که زن به انجام عمل زنا راضی بوده، آن زن نیز اعدام می‌شود.

۲. زنا به عنف:

به معنای آن است که مثلاً زنی به عمل زنا راضی نباشد و مرد با زور و ارباب و تهدید با او زنا کند.

مجازات زنای به عنف:

کیفر آن برای مرد زناکننده «اعدام» است، هر چند احوط آن است که یک شمشیر به گردن او بزنند، گرچه نمیرد.

۳. زنا غیر محصنه:

زنا غیر محصنه به زنایی گفته می‌شود که شخص زناکار [زن یا مرد] فاقد همسر و مجرد باشد و به اختیار خود زنا کرده باشد. به زبان ساده‌تر به زنا با شخص مجرد، زنا غیر محصنه گفته می‌شود.

مجازات زنا غیر محصنه:

در این نوع از زنا، کیفر شخص زناکار در مرتبه اول یکصد ضربه شلاق است و اگر سه مرتبه زنا کند و در هر مرتبه حد خورده باشد، کیفر او در مرتبه چهارم اعدام است. مرد را در حالی شلاق می‌زنند که ایستاده باشد و نباید ضربات شلاق بر سر و صورت و عورت او وارد شود. اگر مرد را هنگام زنا برهنه یافته‌اند، جز عورت، بقیه بدن او باید برهنه باشد و اگر با لباس یافته‌اند، بنا بر احتیاط به هر نحو که او را یافته‌اند شلاق خواهد خورد. زن را در حالی شلاق می‌زنند که نشسته باشد و بدن او با لباس پوشیده باشد و از شلاق زدن به سر و صورت او خودداری نمایند.

۴. زناى محصن و محصنه:

زناى محصنه به معنای آن است که شخص زناکننده دارای همسر دائمی باشد؛ به گونه‌ای که هرگاه بخواهد با همسر خود نزدیکی کند، مانعی در کار نباشد و با این حال تن به زنا داده باشد. به زبان ساده‌تر اگر یک زن متأهل زنا کند، به زناى آن شخص زناى محصنه گفته می‌شود و اگر زانی مرد باشد، زناى محصن گفته می‌شود.

مجازات زناى محصن:

در مورد مرد زناکاری که متأهل است، اگر پیرمرد است، ابتدا یکصد ضربه شلاق و سپس سنگسار است و اگر جوان است، فقط او را سنگسار می‌کنند و بنا بر احتیاط واجب شلاق نزنند. در مورد زن متأهل نیز همین حکم جاری است. اگر مردی که متأهل است و زن او در اختیار اوست؛ اما هنوز با او زناشویی نکرده، اگر این مرد با زنی زنا کند، او را صد ضربه شلاق می‌زنند و سر او را هم می‌تراشند و به مدت یک‌سال او را از شهرش تبعید می‌کنند؛ ولی برای زن زنا کار حکم تراشیدن سر و تبعید جاری نیست.

بخش پنجم: آثار وضعی زنا:**(الف) دنیا:**

۱. از بین رفتن نورانیت و زیبایی انسان؛
۲. مرگ زودرس یا کوتاهی عمر؛^۲
۳. مانع رسیدن روزی حلال به انسان یا موجب قطع روزی؛
۴. ارتکاب قتل به وسیله سقط جنین؛
۵. برهم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی؛
۶. ترک تربیت فرزندان؛
۷. از بین رفتن موازین ارث؛
۸. عدم صلاحیت برای امام جماعت شدن؛^۳
۹. به بار آوردن فقر و تنگدستی؛^۴
۱۰. عارض شدن بلای زلزله در اثر رواج زنا در اجتماع؛

۱. مجموع مطالب برگرفته از نکته‌های تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۱۹۳ و روایت نبی اکرم ﷺ در طرائف الحکم؛ ج ۲، ص ۱۸۷ و روایت امام رضا ۷ در بحارالانوار؛ ج ۷۳، ص ۳۷۲.
 ۲. برگرفته از روایت نبی اکرم ﷺ در بحارالانوار؛ ج ۷۳، ص ۳۷۲.
 ۳. از حضرت علی ۷ نقل شده: پشت سر دیوانه و زنا زاده نماز نخوانید (وسائل الشیعه؛ ج ۳، ص ۳۹۷).
 ۴. بحارالانوار؛ ج ۷۳، ص ۳۱۴.

۱۱. ویرانی خانه و دوری برکت؛
۱۲. فراهم آوردن موجبات خشم خداوند با لذت بردن از زنا؛^۱
۱۳. همیشه نگران برملا شدن ارتباطات نامشروع خود و بی‌آبرو گردیدن در میان مردم؛
۱۴. همراه داشتن همیشگی حسی همچون افسردگی، پریشان‌حالی و ضعف اعصاب؛
۱۵. سرکشی نفس و افسار گسیختگی روح در اثر ارتباط نامشروع؛
۱۶. ایجاد حس ناامنی در خانواده و بالا رفتن آمار طلاق؛
۱۷. ازدیاد ناهنجاری‌های اجتماعی.

ب) آخرت:

۱. در ماندگی، هنگام حساب قیامت؛
۲. غضب الهی؛
۳. جهنم همیشگی؛
۴. برخورد با زناکار در روز قیامت همچون برخورد با بت پرستان؛
۵. متعفن و بدبو در قیامت.^۲

بخش ششم: حکمت‌های حرمت زنا:^۳

۱. جلوگیری از اختلاط نطفه‌ها برای مشخص بودن انتساب هر فرد به پدر و مادر حقیقی خویش؛
۲. جلوگیری از گسترش بیماری‌های مقاربتی که در حال حاضر نیز از معضلات بزرگ اجتماعی است؛ همچون ایدز و ده‌ها بیماری دیگر؛
۳. تضمین سلامت روحی و روانی اعضای خانواده؛
۴. تضمین سلامت خانواده و روابط جنسی آن؛
۵. برهم‌نخوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی؛
۶. جلوگیری از سوء ظن‌ها و تأمین اعتماد متقابل در خانواده؛
۷. جلوگیری از گسترش هوس‌بازی‌ها و شهوت‌رانی‌های بی‌حد و مرز در جامعه؛
۸. جلوگیری از قتل و خونریزی و درگیری‌های اقارب زانی و زانیه؛

بخش هفتم: راه‌های پیشگیری و درمان زنا:

۱. رسول خدا ﷺ فرمودند: «من أذنب ذنباً وهو ضاحک دخل النار وهو باک»: هرکس گناهی را انجام می‌دهد در حالی که خندان و شاد است، وارد آتش جهنم و دوزخ می‌شود در حالی که گریان است (بحارالانوار؛ ج ۷۰، ص ۳۵۷).
۲. نوادر راوندی؛ ص ۲۵۳.
۳. برگرفته از سؤالات دانشجویان در نرم افزار پرسمان؛ ذیل سؤال فلسفه حرمت زنا.

نظر به اینکه راه‌های پیشگیری و درمان انحرافات در درس‌های قبلی همانند درس کنترل و هدایت غریزه جنسی و درس چشم‌چرانی بخش راه‌های درمان و... مشروحاً بیان شده است؛ بنابراین در این درس به بعضی راه‌های دیگر اشاره می‌گردد.

۱. فاصله گرفتن از محافل و مجالس آلوده؛
۲. در نظر گرفتن گناه بسیار بزرگ زنا و حد آن در اسلام؛
۳. دوری از ارتباط با نامحرم حتی تماس‌های تلفنی غیر ضروری؛
۴. پرهیز از تفکرات و تخیلات گناه؛
۵. توبه واقعی و طلب آمرزش و کمک از خدا برای ترک آن.

بخش هشتم: داستان‌های واقعی در باب زنا :

۱. پنج زناکار و پنج حکم:

پنج نفر را نزد عمر آوردند که زنا کرده بودند. عمر امر کرد به هر کدام، حدی اقامه شود. امیرالمؤمنین حاضر بود و فرمود: ای عمر! حکم خداوند درباره اینها این نیست که گفتی.

عمر گفت: شما درباره اینها حکم کن و حد اینها را خود جاری بفرما. حضرت یکی را نزدیک آورد و گردن زد، دیگری را رجم (سنگسار) کرد، سومی را حد تمام (هشتاد) زد، چهارمی را نصف حد زد و پنجمی را تعزیر و تأدیب نمود. عمر تعجب کرد و مردم در شگفت شدند. عمر پرسید: یا ابالحسن پنج نفر در یک قضیه واحده بودند، پنج حکم مختلف درباره آنها اجرا کردی؟! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اما اولی ذمی بود که زن مسلمانی را تجاوز کرد و از ذمه بیرون آمد و حدش جز شمشیر نبود. دومی مرد زناکار بود که زنا کرد و رجم (سنگسار) نمودیم. سومی مرد غیر زناکار بود و زنا کرد، حد (هشتاد تازیانه) زدیم. چهارمی عبد بود و نصف حد (یا پنجاه تازیانه) بر او زدیم. پنجمی مردی کم عقل بود و او را تعزیر (چند تازیانه) زدیم. عمر گفت: زنده نباشم در میان مردمی که تو در آنها نباشی، ای ابالحسن!

۲. قاتل یحیی زنازاده بود:

در زمان حضرت یحیی پیغمبر پادشاهی بود به نام «هیرو دیس» که به یحیی علاقمند و او را مرد عادل و رعایت حال او را می‌نمود. وقتی پادشاه با زنی زانیه رابطه داشت، آن زن که کمی پیر شد، دختر خود را آرایش کرد و نزد شاه جلوه می‌داد تا عاشق او شد،

۱. علی اکبر صداقت؛ یکصد موضوع پانصد داستان.

خواست با او ازدواج کند. از یحیی پیغمبر سؤال کرد: ایشان طبق دین مسیح آن را جایز ندانست. از اینجا کینه یحیی به دل زن رسوخ کرد. مادر دختر وقتی پادشاه را مست شراب دید، دختر را آرایش کرده به نزدش فرستاد و پادشاه از او کام خواست. او گفت: به شرط آنکه سر یحیی را از بدنش جدا کنی و شاه قبول کرد به دستورش سر از بدن یحیی جدا کردند.

طبق نقل دیگر پادشاه قصد داشت با دختر خواهر یا دختر برادرش به نام «هیرودیا» ازدواج کند که یحیی نهی کرد و حاجت دختر از پادشاه قتل یحیی بود. امام باقر فرمود: «قاتل یحیی فرزند زنا بود؛ همان طور که قاتل علی و حسین بن علی : زنازاده بودند. چون یحیی به قتل رسید، خداوند بخت النصر [یا کردوس از پادشاهان بابل را] بر بیت المقدس مسلط کرد و هفتاد هزار نفر از آنان را کشت تا خون یحیی از جوشش ایستاد».^۱

۳. پیامبر و مرد جوان:

روزی جوانی نزد پیامبر ﷺ آمد و با کمال گستاخی گفت: ای پیامبر خدا آیا به من اجازه می‌دهی زنا کنم؟ با گفتن این سخن فریاد مردم بلند شد و از گوشه کنار به او اعتراض کردند؛ ولی پیامبر با کمال ملایمت و اخلاق نیک به جوان فرمود: نزدیک بیا، جوان نزدیک آمد و در کنار پیامبر نشست. پیامبر از او پرسید: آیا دوست داری کسی با مادر تو چنین کند؟ گفت: نه فدایت شوم. فرمود: همین طور مردم راضی نیستند با مادرشان چنین شود. بگو ببینم آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ گفت: نه فدایت شوم. فرمود: همین طور مردم درباره دخترانشان راضی نیستند.

بگو ببینم آیا برای خواهرت می‌پسندی؟ جوان مجدداً انکار کرد (و از سؤال خود پشیمان شد). پیامبر دست بر سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و فرمود: «خدایا قلب او را پاک گردان و گناه او را ببخش و دامن او را از آلودگی بی‌عفتی حفظ کن». از آن به بعد زشت‌ترین کار در نزد این جوان، زنا بود.^۲

۴. دختر تنها:

نقش عواطف در زندگی انسان بسیار مهم و ارزنده است. بدون عواطف گرم انسانی، زندگی زنان، شوهران، یتیمان، دختران و پسران و همه طبقات اجتماع فلج می‌گردد و گاهی نیز به خودکشی می‌انجامد. نامه‌ای که پس از انتحار یک دختر به دست آمده، این

۱. همان.

۲. همان.

حقیقت را آشکار می‌سازد: «آقای دکتر عزیز! این نامه موقعی به دست شما می‌رسد که من در ملکوت اعلی هستم. قصه‌ای که برای شما می‌نویسم، جریانی است که هیچ‌کس از آن آگاه نیست و از شما نیز می‌خواهم که به مادرم چیزی نگوید، گناه من به گردن اوست. گفتم مادرم گناهکار است. آری، او زنی خشن، خود پسند، سخت‌گیر و بی‌رحم بود. برای تربیت من که تنها فرزندش بودم، رنج بسیار کشید. او مادر من بود، معلم من بود؛ ولی هرگز نخواست دوست من باشد. حتی هنگام بلوغ جرئت نکردم از آن حادثه که برای هر دختری رخ می‌دهد، با او حرفی بزنم. روزی رسید که این کمبود را شیطان دیگری جبران کرد. من که تشنه محبت بودم، دست پر مهر او را به گرمی فشردم و به رویش آغوش گشودم. یقین دارم دختران محبت دیده، هرگز دچار این لغزش نمی‌شوند. کسی که در خانه‌اش چشمه آب حیات دارد، به دنبال سراب نمی‌رود. او به من قول ازدواج داد. من دیوانه‌وار عاشقش شدم، او هم خود را دل‌باخته و بی‌قرار و شیدا نشان می‌داد. نتیجه را شما خود می‌توانید حدس بزنید. آنچه نمی‌بایست واقع شود، اتفاق افتاد...! یک ماه بعد از کامیابی، او از من گریخت و سردی نشان داد. من در آتش سوزنده‌ای می‌سوختم و جرئت نمی‌کردم این موضوع را با مادرم در میان بگذارم. سه ماه گذشت. بالاخره یک روز که دیدم پدر و مادرش از خانه خارج شدند، به سراغش رفتم. در زدم، خودش در را به روی من گشود. تا مرا دید، خواست در را ببندد. اما من خود را لای دو لنگه در انداختم و وارد شدم و گریه‌کنان گفتم: چرا با من چنین کردی؟ وحشیانه بازویم را گرفت و از خانه بیرونم انداخت و گفت: برو گم‌شو دختر نانجیب! تو را اصلاً نمی‌شناسم و سپس در خانه را بست. بازویم درد گرفته بود. گریه و زاری نتیجه‌ای نداشت. به خانه رفتم؛ اما جرئت گفتن آن واقعیت را نداشتم؛ زیرا مادرم را دوست خود نمی‌شناختم. تا صبح از درد بازوی چپم گریه کردم. سپیده که دمید، درد آرام گرفت. ولی از آن روز به بعد هر غروب دوشنبه بازویم درد می‌گرفت و بامداد سه‌شنبه آرام می‌گرفت. آقای دکتر! من دختری تنها بودم و از سرچشمه محبت مادری بهره‌ای نبردم. از این رو خیلی زود به دام فریب جوانی زیبا صورت؛ اما زشت سیرت گرفتار شدم و گوهر عفت خود را از دست دادم. خیلی زود به بن‌بست رسیدم و به انتهای راه زندگی...! آقای دکتر دیگر چیزی نمی‌نویسم، چون هیچ‌کس نمی‌تواند اندوه بزرگ مرا درک کند. این نامه را نوشتم تا عبرتی باشد برای دختران ساده که به مصیبت من گرفتار نشوند»^۱.

۱. دنیای دختران؛ ص ۱۲۴-۱۲۶، به نقل از تربیت کودک در جهان امروز؛ دکتر احمد بهشتی؛ ص ۱۶۳.

۵. دختر هوس‌باز:

دختری نوزده ساله هستم که از پاکی و شرافت فاصله گرفتم و دل به هوی و هوس خویش سپردم و در دره بدنامی و اعتیاد سقوط کردم. نقطه انحراف من، از بی‌تقوایی و چشم‌چرانی آغاز شد که سرانجام آن بس تلخ و ناگوار بود.

این نامه را برای جلب ترحم و دلسوزی شما نمی‌نویسم؛ چون خود را لایق آن نمی‌دانم؛ اما می‌خواهم فریادم به گوش دختران ساده لوح برسد، شاید آنان صدایم را بشنوند، قصه زندگی ویران شده‌ام را بخوانند؛ اما هرگز برایم اشک نریزند، من حتی لیاقت غم‌خوارگی را هم ندارم.

تابستان سال گذشته بیچارگی من شروع شد. به سفر شمال رفته بودیم. مثل پرنده آزاد بودم و مانند برخی از بی‌بند و بارها، چشمم در جستجوی چشمی بود که با محبت به من نگاه کند. در یک مهمانی جوانی نظرم را جلب کرد. من دایم به او نگاه می‌کردم، او هم مرتب به من چشم دوخته بود. فرصت را از دست نداد و آشنایی شروع شد و من با همین آشنایی پنهانی، زندگی آینده را تباه نمودم. چند روزی از دوستی ما نگذشته بود. او به گونه‌ای باور نکردنی اطمینان مرا جلب کرده بود. وقتی با هم بودیم، از همه چیز سخن می‌گفتم و من بی‌خبر از همه جا، دورنمای یک زندگی خوشی را در کنار او پیش چشمم مجسم می‌کردم. بعدازظهر یک روز داغ بود که با هم قدم می‌زدیم. از بی‌خوابی‌های شبانه‌ام که به اثر هیجان‌ات خیال بود، برای او حرف زدم و او با مهربانی بسیار گوش می‌داد. وقتی سخنانم تمام شد، چند قرص سفید از جیبش بیرون آورد و با لحن بی‌تفاوتی گفت: من هم دچار بی‌خوابی می‌شوم؛ اما این قرص‌ها نجاتم می‌دهد! و سپس چند قرص در دست من گذاشت و خواست که امتحان کنم، شاید در من هم موثر باشد. شب هنگام که دوباره بی‌خوابی به سرم زده بود، یکی از قرص‌ها را خوردم و این آغاز اعتیاد من بود.

بعد از آن به تهران آمدم و دوستی من و او - که خیال می‌کردم فرشته‌ای است - همچنان ادامه داشت. شبی در تهران بودیم، او سیگاری آتش کرد و به من داد که باز با کشیدنش خود را بر فراز ابرهای آسمان دیدم. وقتی به خود آمدم، دامن عفتم را آلوده یافتم. دیگر تمام شده بود. من دروازه‌های سعادت را به روی خود بسته و گرفتار شده بودم. چرا خلاصه نکنم، من حالا دیگر یک هروئینی کثیف و آلوده دامن بودم. اکنون برای اندکی هروئین ننگ خود فروشی را بر تن تباه شده‌ام زده‌ام!

هرگز برای من اشک نریزید؛ اما اگر دختر جوانی دارید، نگذارید که مانند من قربانی شود. نگذارید تجربه تلخ و گزنده مرا تکرار کند به آنان بگویید که چشم خویش را پاک

نگه دارند، از معاشرت‌های ناسالم بپرهیزند، از جاده عفاف و پرهیزکاری دور نروند که به چنگال گرگ‌های انسان‌نما گرفتار خواهند شد.^۱

پیام‌های درس:

۱. نه فقط زنا، بلکه از مقدمات زنا هم باید پرهیز کرد. (گاهی یک نگاه، تلفن، نامه و تماس، زمینه ارتباط‌های نامشروع می‌شود).
۲. خطرناک‌ترین غریزه‌ای که انسان را به گناه وادار می‌کند، غریزه غضب و شهوت است و مؤمن باید بر غرایز خود مسلط باشد.
۳. زنا باعث مفاسد مهم اجتماعی است؛ زنا قانون ارث و ارتباط مالی پدر و فرزند را از میان می‌برد. زنا ریشه نسب‌ها و عواطف خانوادگی را که اساس تشکیل اجتماع است، قطع می‌کند.
۴. هر زنی که خود را خوشبو کند و بیرون رود تا بویش به مشام دیگران رسد، زناکار است و هر چشمی [که او را بنگرد] زناکار است.
۵. هرگاه زنا شیوع یابد، زلزله‌ها پدیدار شود.
۶. زنا موجب فقر و تنگ‌دستی است و آبادی‌ها را بدون سکنه باقی می‌گذارد.
۷. هرگاه زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی هم زیاد می‌شود.
۸. هر که به ناموس دیگران تجاوز کند، به ناموسش تجاوز خواهد شد.
۹. زناکار را روز قیامت بالای سر اهل دوزخ حرکت می‌دهند، در حالی که قطره‌های چرکی از او می‌ریزد که اهل جهنم ناراحت می‌شوند و به نگهبانان دوزخ می‌گویند: این بوی بد که ما را اذیت می‌کند چیست؟ گفته می‌شود: این بوی متعفن مرد زناکار است و زن زناکار هم چنین وضعی دارد.
۱۰. جلوگیری از اختلاط نطفه‌ها برای مشخص بودن انتساب هر فرد به پدر و مادر حقیقی خویش، جلوگیری از گسترش بیماری‌های مقاربتی، بر هم نخوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی و جلوگیری از گسترش هوس‌بازی‌ها و شهوت‌رانی‌های بی‌حد و مرز در جامعه از عمده دلایل حرمت زنا می‌باشد.

سؤالات درس:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی زنا را بیان نمایید؟
۲. به چند نمونه از آیات و روایات زنا اشاره کنید؟

۱. همان؛ ص ۳۸۱ - ۳۸۲ به نقل از اعتیادهای خطرناک؛ مصطفی زمانی؛ ص ۱۱۷.

۳. اقسام زنا در اسلام و احکام هر یک را نام ببرید؟
۴. آثار وضعی زنا در دنیا و در آخرت چیست؟
۵. حکمت‌های حرمت زنا در اسلام را توضیح دهید؟
۶. چند مورد از راه‌های پیشگیری و درمان زنا را بیان نمایید؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. آثار سوء روابط نامشروع؛ علی موسوی ده سرخی؛ ناشر: حافظ نوین، ۱۳۸۱.
۲. روابط نامشروع دختران و پسران؛ محسن ماجراجو؛ ناشر: لاهوت، ۱۳۸۵.
۳. زنا و قصاص در حقوق جزای اسلامی، بررسی تطبیقی فقهی - جرم‌شناسی زنا و قصاص؛ علی موگوئی؛ ناشر: اطلاعات، ۱۳۸۱.
۴. صفیر هدایت: تفسیر آیه ۳۲ اسراء (مثلث شوم: نگاه و گناه و زنا)؛ سیدمحمد ضیاءآبادی؛ ناشر: موسسه بنیاد خیریه الزهرا، ۱۳۹۰.
۵. ضررهای اجتماعی و فردی فحشا و اشاعه آن؛ سیدامیر فرخ فرهمند و زینب السادات فرهمند؛ ناشر: شاملو، ۱۳۸۷.
۶. عشق و فحشا: آسیب‌شناسی پیدایش ناهنجاری‌های اخلاقی در زنان همراه با خاطراتی از زنان خیابانی و دختران فراری؛ علی افسر شهبازی؛ ناشر: رهام اندیشه، ۱۳۸۴.
۷. گناهان کبیره؛ شهید دستغیب؛ نشر: کانون اندیشه‌های اسلامی، ۱۳۷۶.

همجنس گرایی - لواط و مساحقه

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی همجنس گرایی (لواط و مساحقه)؛
۲. همجنس گرایی در دیدگاه ادیان مختلف؛
۳. آیات و احادیث همجنس گرایی (لواط و مساحقه)؛
۴. علل و عوامل همجنس گرایی و همجنس بازی؛
۵. همجنس بازی و پیامدهای شوم آن؛
۶. راه کارهایی برای پیشگیری و درمان همجنس گرایی؛
۷. استفتائات همجنس گرایی (لواط و مساحقه)؛
۸. داستان‌های واقعی درباره همجنس بازی؛
۹. معرفی منابع بیشتر برای مطالعه.

مقدمه:

اساس و پایه دوستی‌ها در سن نوجوانی و جوانی که با جذب و شور زیادی همراه است، بیشتر بر مبنای عواطف و احساسات شکل می‌گیرد و نه بر اساس منطق و عقل مقدمه این دوستی ممکن است جذابیت یک فرد از جهت ویژگی‌های ظاهری یا شخصیتی یا پاره‌ای از صفات اخلاقی او برای فرد دیگر باشد که توانسته در روح و روان او تأثیر عمیقی بگذارد و

خلاً عاطفی‌اش را به وسیله آن پر کند. ماهیت این دوستی اگر چه در ابتدا دوستانه، پاک و بی‌شائبه است؛ ولی امکان آلوده شدن آن به مسائل دیگر وجود دارد.

زمانی که این علاقه به اوج خود می‌رسد، آنها را دچار سرگردانی می‌کند که اکنون چه باید بکنند. عمل همجنس‌بازی امروزه بیش از پیش سایه شوم خود را بر بشریت گسترانیده و رذایل سخیف و تأسف‌باری را به وجود آورده است. در میان این همه جرایم، جرایم همجنس‌بازی لواط یا همجنس‌بازی مرد به مرد که یک نوع از آن دو نوع جرایم همجنس‌بازی (لواط، مساحقه) می‌باشد، در عصر حاضر آثار ننگین و ویرانگری را به بار آورده است که ایدز از جمله آثار مخرب آن است.

تحلیل و بررسی در مورد چنین جرایمی قابل توجه است؛ چرا که این موضوع (همجنس‌بازی) تا جایی پیش رفته که در کشورهای غربی این امر به صورت یک قانون در آمده و یک هنجار اجتماعی مطرح گردیده است. طرفداران همجنس‌بازی به این امر توجه می‌کنند که رواج این عمل ناشایست به منظور جلوگیری از ازدیاد نسل و سقوط اقتصادی جامعه ضروری است.^۱

بخش اول: تعریف همجنس‌گرایی:

۱. تعریف لغوی:

الف) لواط:

معنای لواط (لواط) به کسر لام عبارت است از بهره‌گیری جنسی مرد از مرد؛ هر چند دخول انجام نشود.^۲

ب) مساحقه:

۱. سحقی-بر وزن سنگ-یا مساحقه معانی گوناگونی دارد؛ از جمله: جامه کهنه، ریزه‌ریزه کردن، کوبیدن، نرم کردن، ساییدن و پاک کردن.^۳
 ۲. سحقی در لغت این‌گونه معنا شده است: «هو دلك فرج المرثة بفرج الاخری»:^۴ زن آلت خود را به آلت زن دیگری بمالد.

۲. تعریف اصطلاحی:

۱. برگرفته از کتاب حقوق کیفری اختصاصی؛ ج ۳ و جرایم بر ضد مصالح عمومی کشور؛ هوشنگ شامیانی، ص ۵۱۸.
 ۲. برگرفته از کتاب‌های لغوی؛ همچون مفردات راغب اصفهانی، صاحب قاموس، معجم الوسیط و المنجد عربی به فارسی.
 ۳. برگرفته از لغت نامه دهخدا؛ ذیل لغت سحقی.
 ۴. برگرفته از شرح لمعه؛ ج ۲، ص ۴۳۱.

الف) لواط:

۱. اصطلاح اجتماعی:

همجنس‌گرایی یکی از گرایش‌های جنسی است که ویژگی آن تمایل زیبایی‌شناختی، عشق رمانتیک و تمایل جنسی فردی است که تنها متوجه جنس همگون با خود او است. رفتار همجنس‌گرایانه به برقراری رابطه جنسی با فردی همجنس اطلاق می‌شود. همجنس‌گرا به افرادی گفته می‌شود که ترجیح می‌دهند مدتی طولانی به فعالیت جنسی با افراد همجنس خود بپردازند. در گویش خیابانی، از افراد همجنس‌گرا - زن یا مرد - با عنوان تحقیرآمیز «همجنس‌باز» یاد می‌شود.

۲. اصطلاح اسلامی:

به ارتباط جنسی بین مردان «لواط» می‌گویند.

الف) مساحقه:

۱. اصطلاح اجتماعی:

همجنس‌گرایی زنانه نوعی گرایش جنسی مختص زنان است که عشق، احساسات و تمایلات جنسی زن به دیگر زنان معطوف است.

۲. اصطلاح حقوقی:

به عمل دو زن که از هم لذت جنسی می‌برند و با مالیدن آلت زنانه خود به هم، شهوت می‌جویند.^۱

۳. اصطلاح شرعی:

الف) در کلام امام علی ۷: «مساحقه در میان زنان، مانند لواط در بین مردان است؛ ولی حد مساحقه صد ضربه تازیانه است؛ زیرا در مساحقه دخول نیست».^۲

ب) در کلام امام خمینی: «با وطی زن به زن مساحقه واقع می‌شود و اثبات این جرم مانند اثبات لواط است و مجازات آن صد ضربه تازیانه است، به شرطی که مرتکب عاقل، بالغ و مختار باشد و این کیفر در محصنه و غیر آن یکسان است و گفته شده اگر مساحقه کننده، محصنه باشد، حکمش سنگسار می‌باشد؛ ولی صحیح‌تر اولی است (تازیانه می‌خورد و سنگسار نمی‌شود) و تفاوتی نیست در اجرای مجازات بین فاعله و مفعوله و زن کافر یا مسلمان».^۳

۱. عباسعلی محمودی؛ حقوق جزای اسلام، نهضت زنان مسلمان؛ ص ۶۹.
 ۲. حرعاملی؛ وسائل‌الشیعه؛ باب حدود و مستدرک الوسائل؛ ج ۱۸، ص ۸۶.
 ۳. روح‌الله الموسوی‌الخمینی؛ تحریر الوسیله؛ ج ۴، ص ۲۰۱.

بخش دوم: همجنس‌گرایی در دیدگاه ادیان مختلف:

سه دین ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام آشکارا با همجنس‌گرایی مخالفت کرده‌اند؛ اما برخی مسیحیان در این زمینه نظرات متفاوتی دارند. چنان‌که برخی کلیساها عقد شرعی همجنس‌گرایان را جاری می‌کنند و برخی نیز این عمل را مطرود می‌دانند. بعضی عقیده دارند همجنس‌گرایی یک گناه است؛ در حالی که عده‌ای دیگر تنها اعمال همجنس‌گرایانه را گناه می‌دانند.

۱. دیدگاه اسلام:

رابطه جنسی همجنسان در اسلام از گناهان کبیره است. این عمل از طرف پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ و تمامی امامان شیعه نهی شده و از عواقب اخروی آن به شدت یاد شده است.^۱

۲. دیدگاه یهودیت:

در مذهب ارتدکس آیین یهود، رابطه جنسی بین دو همجنس پذیرفتنی نیست؛ اما در سه مذهب دیگر؛ یعنی اصلاح‌گرا، نوسازمان‌گرا و محافظه‌کار همجنس‌گرایی با عنوان یک شیوه زندگی مورد قبول و اجازه ورود به مرحله خاخامی وجود دارد. برخی مفسرین تورات چنین گفته‌اند از دیدگاه تورات تنها روابط همجنس‌خواهانه ممنوع است و عشق همجنس‌گرایانه، همانند عشق دگرجنس‌گرایانه طبیعی است.

۳. دیدگاه مسیحیت:

بیشتر مکاتب مسیحی همجنس‌گرایان را طرد نمی‌کنند؛ اما بیشتر آنها بر این نکته پافشاری می‌کنند که روابط همجنس‌خواهانه گناه است؛ هرچند برخی دیگر همجنس‌گرایی را گناه نمی‌دانند. در انجیل آمده است: «مردی که به هم‌خوابی با مرد دیگر مبادرت کند، در حالی که با زنی هم‌خواب شده است؛ هر دوی آنها مرتکب گناه شده‌اند و باید کشته شوند و خونشان بر خودشان است».

کلیساها در قرون وسطی موضعی سرسختانه از خود در برابر همجنس‌خواهی نشان می‌دادند و مجازات همجنس‌گرایی مرگ بوده است. در عین حال به نظر می‌آید نظرات بعضی از اعضای کلیسا چندان موافق با نظرات رسمی کلیسا نبوده است. حداقل رفتار و گرایش جنسی آنها گویای چنین چیزی است و همواره این گمان وجود داشته است که در میان کشیشان، همجنس‌گرا و همجنس‌گرایی نیز وجود دارد. با این وجود برخی

۱. سید عبدالحسین دستغیب شیرازی؛ گناهان کبیره؛ ج ۱، ص ۲۲۲.

کلیساها همچون کلیسای انگلیکان کانادا، کلیسای منونایت هلند، کلیسای سوئد و بسیاری دیگر از کلیساها در کشورهای همچون نروژ و آلمان ازدواج همجنس‌گرایان را رسمی می‌دانند و آن را تقدیس می‌کنند.

بخش سوم: آیات لواط:

آیه اول: «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ، إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مَنْ دُونَ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ»^۱ و حضرت لوط را به یاد بیاور آن هنگام که به قوم خود گفت: آیا دست به عمل زشت و فحشایی [همجنس‌بازی] می‌زنید که هیچ‌کس از مردم دنیا قبل از شما به چنین عملی دست نیالوده است. شما به جای زنان، مردان را به شهوت می‌گیرید و مردم تبهکار و اسراف‌کاری هستید.

پیام‌ها:

۱. همجنس‌بازی و لواط از گناهان کبیره و عملی بسیار زشت است: «الْفَاحِشَةَ»؛
۲. ابداع‌کنندگان اعمال زشت، مرتکب گناهی بزرگ‌تر و مستحق ملامتی بیشتر می‌باشند: «مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ»؛
۳. کسی که راه طبیعی و فطری را کنار بگذارد، مسرف است: «مُّسْرِفُونَ»؛ ارضای شهوت از غیر راه طبیعی، اسراف است.

۴. لواط، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است: «دُونَ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ»^۲.
 آیه دوم: «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ، أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مَنْ دُونَ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»^۳ و لوط را [به یاد آور] هنگامی که به قومش گفت: آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می‌روید در حالی که [نتایج شوم آن را] می‌بینید؟! آیا شما به جای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟ شما قومی نادانید.

پیام‌ها:

۱. پیامبران و رهبران مصلح جامعه با گناهان شایع زمان خود به شدت مبارزه می‌کنند: «أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ»؛
۲. با سؤال انتقادی، وجدان‌ها را بیدار کنید: «أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ»؛
۳. یکی از وظایف انبیا، مبارزه با منکرات است: «أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ»؛
۴. حرمت لواط، مخصوص اسلام نیست: «أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ»؛

۱. اعراف: ۸۰ - ۸۱ و عنکبوت: ۲۸.

۲. برگرفته از تفسیر نور؛ ج ۴، ص ۱۱۱.

۳. نمل: ۵۴ - ۵۵.

۵. گناه علنی و آگاهانه زشتی، کیفر و انتقاد بیشتری دارد: «وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ»؛
۶. زشتی لواط بر همه روشن است: «وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ»؛
۷. در نهی از منکر، به سراغ منکرات علنی بروید: «وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ»؛
۸. دفع شهوت باید مشروع باشد: «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً»؛
۹. انحراف از مسیر طبیعی و شرعی در امور جنسی، جهل و حماقت است: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»؛

۱۰. همجنس‌گرایی برخاسته از بی‌فرهنگی است. علم و دانشی که انسان را از گناه باز ندارد، جهل است: «لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ ... أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»^۱.
 آیه سوم: «أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَ تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ»^۲. آیا در میان جهانیان، به سراغ ذکور می‌روید [و با آنها به جای زنان آمیزش می‌نمایید] و همسرانی که پروردگار آفریده را رها می‌سازید. بلکه اصلاً شما قومی هستید که [با ارتکاب همه معاصی، در ظلم به خود و جامعه] از حد می‌گذرید [و مرزی میان خوب و بد نمی‌شناسید].

پیام‌ها:

۱. در نهی از منکر، باید منکرات رایج در هر گروه و زمان را شناخت و در بازداشتن مردم از آن اصرار نمود: «أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ»؛
۲. در نهی از منکر، راه‌های معروف را ارائه دهید: «أَتَأْتُونَ وَ تَذَرُونَ ... أَزْوَاجِكُمْ»؛
۳. رهاکردن همسر و نادیده‌گرفتن نیازهای او ممنوع است: «تَذَرُونَ ... أَزْوَاجِكُمْ»؛
۴. خداوند برای اشباع غرایز بشر، مسیر فطری و طبیعی قرار داده است: «خَلَقَ لَكُمْ»؛
۵. ادیان آسمانی، انسان را به ازدواج ترغیب می‌کنند: «خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ»؛
۶. ازدواج، جلوه‌ای از ربوبیت الهی و به نفع انسان است: «خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ»؛
۷. انحرافات جنسی، تجاوز و طغیان است و همجنس‌گرایی و لواط، تجاوز به حریم ارزش‌هاست: «عَادُونَ»^۳.

بخش سوم: احادیث همجنس‌گرایی (لواط و مساحقه):

الف) حرمت لواط در روایات:

(۱) پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند، عرش

۱. برگرفته از تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۴۳۸.

۲. شعراء: ۱۶۵-۱۶۶.

۳. برگرفته از تفسیر نور؛ ج ۸، ص ۳۶۱.

- خداوند به لرزه درمی‌آید».^۱
- (۲) امام صادق ۷ در بیان فلسفه حرمت لواط می‌فرماید: «اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زنان بی‌نیاز می‌شدند».^۲
- (۳) رسول خدا ۶ فرموده است: «هر کس به نزدیکی کردن با مردان اصرار ورزد، نمی‌میرد تا اینکه مردان را به سوی خود فراخواند».^۳
- (۴) از امام صادق ۷ در باره مردی که با پسری نوجوان درآمیخته بود، نقل شده است که فرمود: «اگر دخول کرده باشد، خواهر آن نوجوان هرگز بر او حلال نیست».^۴
- (۵) امام صادق ۷ فرمود: «اگر روا بود که مجرمی را دو بار سنگسار کنند، لواط‌کننده دو بار سنگسار می‌شد».^۵
- (۶) عبد الله بن میمون قدّاح از امام صادق ۷ از پدرش نقل کرده است که فرمود: «مردی نزد پدرم آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا، من به بلایی دچار شده‌ام، از خدای بزرگ نجات مرا بخواه. به آن حضرت گفتند: با این مرد لواط می‌شود. فرمود: خداوند کسی را به این بلا گرفتار نکرده است که به او حاجتی داشته باشد. سپس پدرم فرمود: خداوند سوگند یاد کرده است که به عزت و جلال خودم قسم، کسی که با او لواط شود، هرگز بر فرش دیبای بهشت نخواهد نشست».^۶
- (۷) ابو‌خدیجه از امام صادق ۷ نقل کرده است که فرمود: «رسول خدا ۶ مردانی را که خود را همانند زنان کنند و زانی را که خود را همانند مردان کنند، لعنت فرموده است. و فرمود: این‌گونه مردان زن صفت‌اند و چنین زنانی با یکدیگر همجنس‌بازی می‌کنند و قوم لوط را خداوند فقط بدین سبب هلاک کرد که زنان مانند مردان با یکدیگر همجنس‌بازی می‌کردند».^۷
- (۸) غیاث‌بن‌ابراهیم از امام صادق ۷ نقل کرده است که امیر مؤمنان ۷ فرمود: «هیچ مردی خود را از روی رغبت در اختیار مردان نمی‌گذارد که با او عمل زشت انجام دهند؛ جز اینکه خداوند شهوت زنان را در دل او می‌افکند».^۸

۱. همان.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۴، ص ۲۵۲.

۳. نواب الاعمال؛ ترجمه انصاری؛ ص ۵۲۳.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان.

۹) اسماعیل بن مسلم از امام صادق ۷ نقل کرده است که رسول خدا ۶ فرمود: «هنگامی که از قوم لوط آن عمل زشت سر زد، زمین در برابر پروردگارش گریست تا آنجا که اشک‌هایش به آسمان رسید و آسمان نیز به قدری گریست که اشک‌هایش به عرش رسید. پس خداوند به آسمان فرمان داد که بر آنان سنگ ببارد و به زمین امر کرد که آنان را در خود فرو برد»^۱.

۱۰) امام علی ۷: «لواط در سر حد کفر است»^۲.

ب) حرمت مساحقه در روایات:

۱) اسحاق بن جریر می‌گوید: زنی از من درخواست کرد که از امام صادق ۷ برای او اجازه ورود بگیرم. حضرت اجازه داد. زن وارد شد و گفت: مرا از حد زنانی که با یکدیگر همجنس‌بازی می‌کنند، خبر ده. امام فرمود: حدشان مانند حد زنان زناکار است. [سپس فرمود:] چون روز قیامت شود، این زنان را در حالی که لباس‌هایی آتشین بر تن و نقاب‌هایی از آتش بر چهره و شلواری آتشین بر پا دارند، می‌آورند و در شکمشان تا گلوگاه عمودهایی از آتش داخل می‌کنند، آن‌گاه آنان را در آتش می‌افکنند. [بعد فرمود:] ای زن، نخستین کسانی که این عمل از آنان سر زد، قوم لوط بودند که مردان به مردان بسنده کردند و زانشان بدون مرد ماندند و آنان هم مانند مردانشان به همجنس‌بازی پرداختند.^۳

۲) ابو‌خدیجه از امام صادق ۷ نقل کرده است که فرمود: «دو زن برهنه حق ندارند در یک بستر زیر یک لحاف بخوابند؛ مگر اینکه میانشان حایلی باشد. اگر چنین کردند، نخست باید آنها را از این کار نهی کنند و چنانچه پس از نهی، باز هم زیر یک لحاف دیده شدند، باید به هر کدام جداگانه حد بزنند و اگر باز هم آنان را زیر یک لحاف دیدند، دوباره بر آنان حد جاری کنند و چنانچه بار چهارم نیز مرتکب این عمل شدند، کشته می‌شوند»^۴.

۳) هشام بن سالم می‌گوید: «زنانی بر امام صادق ۷ وارد شدند. یکی از آنان از امام درباره حد «سحق» سؤال کرد. امام ۷ فرمود: «حد او مانند حد زناکار است»^۵.

ج) دلیل تحریم همجنس‌گرایی در روایات:

۱. همان.
۲. بحار الانوار؛ ط جدید؛ ج ۷۹، ص ۶۷.
۳. ثواب الاعمال؛ ترجمه انصاری؛ ص ۵۲۳.
۴. همان.
۵. همان.

۱) امام رضا 7 فرمود: «دلیل تحریم روی آوردن مردان به مردان و زنان به زنان، یکی ساختار وجودی زنان و سرشت وجودی مردان است [که هر یک برای جنس مخالف، آفریده شده است] و دیگر اینکه روی آوردن مردان به مردان و زنان به زنان، سبب از بین رفتن نسل [بشر] و برهم خوردن نظم و تدبیر [جامعه] و نابودی دنیاست»^۱.

د) پیامدهای لواط در روایات:

۱. رسول خدا 6 فرمود: «کسی که با پسری جمع شود، روز قیامت جنب وارد محشر می‌شود و آب دنیا او را پاک نمی‌کند و خشم خدا بر او است و او را لعنت فرموده، دوزخ را برایش آماده می‌فرماید و بدجایگاهی است. هرگاه کسی لواط کند، عرش خدا به لرزه در آید و خداوند او را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش آماده می‌کند و ملوط [مفعول] را در کنار جهنم نگه می‌دارند تا خلائق از حساب فارغ شوند، پس او را در جهنم می‌اندازند و در طبقات دوزخ همیشه معذب خواهد بود»^۲.

۲. در زمان عمر غلامی که مولای خودش را کشته بود، پس از اقرار عمر امر به کشتنش نمود. حضرت امیرالمؤمنین 7 از غلام پرسید: چرا مولای خود را کشتی؟ عرض کرد: به زور با من لواط کرد، پس او را کشتم. حضرت از اولیای مقتول پرسید: آیا او را دفن کرده‌اید؟ گفتند: آری، هم اکنون از دفنش می‌آییم. پس به عمر فرمود: غلام را تا سه روز نگهدار.

پس از سه روز از اولیای مقتول خواستند تا حاضر شوند. پس از سه روز حضرت به اتفاق عمر و اولیای مقتول بر سر قبرش آمدند. از اولیایش سؤال کردند: این قبر میت شما است؟ گفتند: آری. فرمود: قبر را بشکافید تا به لحد برسد؛ چون به لحد رسیدند و آن را برداشتند، جنازه را ندیدند. حضرت تکبیر گفت و فرمود: به خدا قسم دروغ نگفتم. شنیدم از رسول خدا 6 فرمود: «هر کس از امت من عمل قوم لوط را مرتکب شود و بدون توبه از دنیا برود، پس در قبرش بیش از سه روز نمی‌ماند تا اینکه زمین او را فرو می‌برد و به جایی که قوم لوط هستند و هلاک گردیده‌اند، ملحق می‌نماید و در زمره ایشان محشور می‌شود»^۳.

۳. پیامبر گرامی اسلام 6: «لا یجد ریح الجنة زنوق و هو المخنث»: «بوی بهشت به مشام کسی که مورد همجنس‌گرایی واقع می‌شود، نخواهد رسید».

۱. میزان الحکمه؛ ج ۱۱، ص ۵۳۶۷.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ح ۱ از باب ۱۷ و ۲۵۲ و ح ۱ از باب ۱۸.

۳. گناهان کبیره؛ ج ۱، ص ۲۰۵.

۴. بحار الانوار؛ ط جدید؛ ج ۷۹، ص ۶۷.

۴. مسئله همجنس‌گرایی تا به آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که در ابواب حدود اسلامی حد آن بدون شک اعدام شمرده شده است و حتی برای کسانی که مراحل پایین‌تر همجنس‌گرایی را انجام می‌دهند، مجازات‌های شدیدی ذکر شده؛ از جمله در حدیثی از پیامبر اسلام می‌خوانیم: «من قبل غلاما من شهوة أَلجمه الله يوم القيامة بلجام من نار»: کسی که پسری را از روی شهوت ببوسد، خداوند در روز قیامت لجامی از آتش بر دهان او می‌زند.

بخش چهارم: علل و عوامل همجنس‌گرایی و همجنس‌بازی:

۱. وجود اختلالات روانی و شخصیتی و بحران غریزه جنسی؛
۲. حالت انفعالی و رودرواسی زیاد داشتن؛
۳. اعتماد به نفس نداشتن و ضعف‌النفس بودن؛
۴. آلوده شدن به انحراف به دلیل جلب محبت و یا یافتن تحسین دیگران؛
۵. وسوسه‌ها و القائات شیطان؛
۶. فریب خوردن از چرب‌زبانی و کلمات دروغین افراد فاسد، به ویژه در نوجوانان؛
۷. قانع نبودن از ارضای نیاز جنسی به وسیله جنس مخالف (همسر)؛
۸. دوستی‌های بی حساب نسبت به همجنس؛
۹. ارتباط زیاد با افراد همجنس زیبا و خوش رو؛
۱۰. توجه بیش از حد به تصویر و عکس افراد همجنس؛
۱۱. زندگی دسته جمعی افراد همجنس؛ مانند زندگی در پادگان‌ها، خوابگاه‌های مدارس و دانشگاه‌ها، محیط‌های خانه، مدرسه و ... که آلوده باشد؛
۱۲. آزادی فردی در ارتباط، معاشقه و شوخی با همجنس؛
۱۳. تماس جسمی با همجنس؛
۱۴. بوسیدن همجنس از روی شهوت؛
۱۵. نارضایتی از تجربه جنسی گذشته با جنس مخالف؛
۱۶. ارتباط ضعیف با والدین به ویژه پدر؛
۱۷. استفاده از شبکه‌های آلوده، غیر مطمئن و بعضاً مضر ماهواره؛
۱۸. استفاده بی‌رویه و غیر صحیح از اینترنت؛
۱۹. بی‌توجهی به آموزش صحیح جنسی فرزندان؛
۲۰. ضعف ایمان و اراده؛

۲۱. عدم باور و یقین به عالم پس از مرگ، عذاب قبر و قیامت؛
 ۲۲. دوری از نماز و قرآن و معارف اهل‌البیت .:۱

بخش پنجم: همجنس‌بازی و پیامدهای شوم آن:

۱. قطع نسل بشری؛^۲
۲. ضعف مفرط جنسی و به اصطلاح سرد مزاجی؛
۳. ناتوانی در آمیزش با جنس مخالف؛^۳
۴. احساس یک نوع بیگانگی از خویشتن و بیگانگی از جامعه‌ای که به آن تعلق دارند؛
۵. از دست‌دادن قدرت اراده که شرط هر نوع پیروزی است؛
۶. لانه‌نمودن تدریجی یک نوع سرگردانی و بی‌توجهی در روح آنها؛
۷. گسترش فساد و بی‌بندوباری افراد همجنس‌گرا؛
۸. انحراف از فطرت و تمایل طبیعی؛^۴
۹. گرفتار تضاد و پیچیدگی روانی شدن؛
۱۰. سوق پیدانمودن تدریجی به سمت مواد مخدر و مشروبات الکلی و انحرافات اخلاقی دیگر در اثر عدم سامان‌دهی خویش؛
۱۱. بروز برخی بیماری‌ها؛ مانند ایدز که کشنده‌ترین بیماری عفونی در غرب و در عصر مدرن و تکنولوژی مطرح است.^۵

بخش ششم: راه‌کارهایی برای پیشگیری و درمان همجنس‌گرایی:

۱. مراجعه به روان‌پزشک و انجام برخی معاینات و آزمایشات، چه بسا در اثر ترشح غیر عادی غدد درون‌ریز چنین تمایلاتی به وجود آمده و با تنظیم ترشح غدد با مصرف دارو، تمایلات جنسی نرمال شده و به سادگی درمان خواهد شد.
۲. بی‌توجهی به ذهنیت‌ها و افکار مبتنی بر تمایل به همجنس و عدم تمایل به جنس مخالف.

۱. برگرفته از کتاب شناخت، هدایت و تربیت نوجوان و جوان؛ علی قائمی؛ ص ۱۶۷ و تربیت جنسی در اسلام؛ ص ۱۴۸-۱۴۹.

۲. قرآن کریم نیز بدین نکته اشاره داشته و می‌فرماید: «أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَ تَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ»: آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه تکثیر نسل انسانی را قطع می‌کنید؟ (عنکبوت: ۲۹). یا در روایتی از امام صادق ۷ می‌خوانیم کسی از ایشان سؤال کرد: «لم حرم الله اللواط؟»: چرا خداوند لواط را حرام کرده است؟ فرمود: «من اجل انه لو كان اشبيان الفلاح حلالا لاستغنى الرجال عن النساء و كان فيه قطع النسل و تعطيل الفروج و كان في اجازتها ذلک فساد كثير»: اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زن‌ها بی‌نیاز [و نسبت به آنها بی‌میل] می‌شدند و این باعث قطع نسل انسان می‌شد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف می‌گشت و این کار مفاسد زیاد اخلاقی و اجتماعی به بار می‌آورد (وسایل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۲۵۲).

۳. زیرا به تدریج علاقه به جنس موافق، جانشین علاقه طبیعی به جنس مخالف شده است.

۴. رک: دلیل تحریم همجنس‌گرایی در روایات.

۵. برگرفته از کتاب تفسیر نمونه؛ ج ۹، ص ۱۹۵ - ۱۹۷.

۳. مقابله با افکار شیطانی و کنترل افکار خود.
۴. اجتناب از نگاه شهوت‌آمیز به همجنس خود.^۱
۵. اجتناب از تمام ارتباط‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌هایی که انجام اندیشه همجنس‌گرایی را تداعی می‌کند.
۶. توجه به آثار و عواقب همجنس‌بازی.^۲
۷. اجتناب از خوابیدن با همجنس خود در یک بستر.^۳
۸. قطع ارتباط با دوستانی که انسان را به سمت این‌گونه رفتارها و افکار دعوت می‌کنند.
۹. دوری از موقعیت‌هایی که وقتی در کنار آن مواقع و موقعیت‌ها قرار بگیریم، افکار گناه را برایمان تداعی می‌کند.
۱۰. برنامه‌ریزی برای ساعات شبانه‌روز خود و پر نمودن اوقات خود با مطالعه، گردش با دوستان خوب، ورزش، رفتن به سینما، کوهنوردی، شنا، و ...
۱۱. گسترش روابط اجتماعی خود و سعی در توسعه روابط با دوستان و همکلاسی‌های خوب خود.
۱۲. پر نمودن خلأ رابطه دوستانه و نیازهای عاطفی و روانی دوران بلوغ به وسیله ازدواج در صورت امکان.
۱۳. استمداد از خداوند متعال و ایجاد رابطه قلبی با خدای مهربان و بزرگ و اهل بیت، به ویژه امام زمان ۷.
۱۴. توجه به ارزش‌هایی مثل نماز، قرآن، روزه، احترام به والدین و بزرگ‌ترها و ...
۱۵. توجه به عزت و کرامت انسانی.

بخش هفتم: استفتائات:

الف) استفتائات درباره لواط:

آیا حد لواط در قرآن آمده است؟ حد لواط چیست؟

در قرآن مجید زشتی این عمل و عظمت این گناه در آیات مربوط به داستان قوم لوط ۷ بیان شده است و نیز به عقیده بعضی از مفسران اشاره اجمالی در مورد حد آن در آیه ۱۶ نساء دیده می‌شود، آنجا که می‌فرماید: «وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُمْ فَأُذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَ

۱. رسول اکرم ﷺ، فتنه جوان زیبا را از فتنه دختر باکره بیشتر دانسته‌اند (وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۲۵۷).

۲. رک: پیامدهای لواط در روایات.

۳. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بستر فرزندان خود را از سن ده سالگی جدا سازید؛ یعنی دو برادر یا دو خواهر یا برادر و خواهر زیر یک لحاف نخوانند» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۱).

أَصْلَحًا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا: و کسانی که به سراغ آن کار زشت [لواط] می‌روند، آنها را آزار دهید و اگر توبه کنند و خود را اصلاح نمایند، از آنها در گذارید؛ زیرا خداوند توبه پذیر مهربان است.

البته این در صورتی است که «الَّذَانِ» اشاره به دو مرد، و ضمیر «يَاتِيَانِهَا» اشاره به لواط باشد، در حالی که این ضمیر به کلمه «فاحشه» بر می‌گردد که در آیه قبل آمده و اشاره به «زنا» است. به هر حال حد لواط و همجنس‌گرایی طبق روایات اسلامی، اعدام است در صورتی که دخول واقع شده باشد و اگر واقع نشده، تازیانه است و روایات متعددی از پیشوایان معصوم : در این زمینه نقل شده است.^۱

چرا در صورتی که لواط بعد از ازدواج صورت گیرد، مانع از ازدواج با خواهر هلو ط نیست؟

در صورتی که عمل لواط قبل از ازدواج صورت گرفته باشد، به طور وضعی مانع تحقق و ثبوت ازدواج می‌شود؛ ولی اگر بعد از ازدواج صورت گرفته باشد، معنی ندارد که مانع از تحقق زوجیت شود؛ زیرا زوجیت تحقق یافته است و در زمان تحققش مانعی برای آن وجود نداشته است. البته دلیل حکم، ادله شرعی می‌باشد.^۲

چرا حکم مردان همجنس‌گرا (لواط کننده) اعدام است و حکم همجنس‌گرایان زنان اعدام نیست ؟

آنچه که موجب انحراف زنان و کشیده شدن آنان به همجنس‌بازی می‌شود، نوعاً ریشه در عدم تمایل مردان به آنان دارد. از این رو اگر مردان به همجنس‌بازی روی بیاورند، زنان نیز به همین گناه مبتلا خواهند شد. به همین دلیل حد مردان در این مسئله، شدیدتر از زنان است.^۳

کسی که عمل لواط را انجام داده، آیا افزون بر توبه، باید شخصی که با او لواط کرده را راضی کند؟

کسی که عمل شنیع لواط را انجام داده است، باید هر چه زودتر توبه کند و از خدا بخواهد تا از گناه وی درگذرد؛ اما رضایت طلبیدن لازم نیست.^۴

آیا کسی که لواط کرده، برای توبه باید به حاکم شرع رجوع کند؟

لواط از گناهان کبیره و دارای کیفی سهمگین است. کسی که این عمل زشت را انجام داده، باید از روی خلوص توبه کند و از خداوند آمرزش بخواهد و از کردار ناشایست خویش پشیمان شود و تصمیم بگیرد که برای همیشه آن را ترک کند. این کار افزون بر

۱. مرکز پاسخ دهنده: تبیان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

کیفر آخرت، در دنیا نیز کیفری سخت و سنگین دارد. البته اگر نزد حاکم شرع ثابت شود؛ ولی کسی که این کار را انجام داده است، لازم نیست نزد حاکم شرع برود و اعتراف کند. همین که در پیشگاه خداوند توبه کند، خداوند او را می‌آمرزد.^۱

اگر شخصی لواط کند، چه افرادی بر او حرام می‌شوند؟

اگر کسی با پسری لواط کند، مادر، خواهر و دختر آن پسر بر لواط‌کننده حرام است؛ یعنی لواط‌کننده هیچ‌گاه نمی‌تواند با مادر، خواهر یا دختر آن پسر ازدواج کند؛ ولی اگر ازدواج با مادر، خواهر یا دختر پسری صورت گرفته و بعد با آن پسر لواط شده، همسر بر لواط‌کننده حرام نمی‌شود.^۲

آیا ازدواج با خواهر کسی که لواط کرده جایز است؟

کسی که با پسری لواط کرده، نمی‌تواند با خواهر، دختر و مادر آن پسر ازدواج کند و اگر نمی‌دانسته و ازدواج کرده، ازدواج باطل است و هر موقع از این امر آگاه شوند، باید فوراً جدا شوند؛ ولی خواهر لواط‌کننده بر لواط‌دهنده حرام نیست. به نظر امام؛ تفاوتی در این نیست که لواط‌کننده یا شخصی که با او لواط شده، هر دو بزرگ [بالغ] باشند یا کوچک [نابالغ]، یا یکی بزرگ و دیگری کوچک باشد. به نظر برخی مراجع دیگر در صورتی که لواط‌کننده نابالغ باشد، این حکم جاری نخواهد بود.^۳

شخصی در دوران نوجوانی عمل لواط انجام داده، بعد از بزرگ‌شدن با خواهر فرد مزبور ازدواج نموده و اطلاعی از مسئله شرعی نداشته، حال مسئله را فهمیده است. وظیفه چیست؟

جواب: اگر یقین دارد که دخول صورت گرفته، باید زن و شوهر از همدیگر جدا شوند؛ چون خواهر آن پسر بر لواط‌کننده حرام ابدی است و نمی‌تواند با او ازدواج کند. اگر یقین به دخول ندارد، ازدواج آنان صحیح است. به فتوای بسیاری از فقها (آیات عظام: خویی، سیستانی، تبریزی، صافی، مکارم و فاضل) اگر این کار در سنین قبل از بلوغ صورت گرفته، ازدواج اشکالی ندارد.^۴

اگر چند مرد به اجبار با مرد دیگری لواط کنند، حکم آنان چیست؟ اگر چند زن زنی را به اجبار به مساحقه بکشاند، حکمشان چیست؟

اگر یک مرد یا چند مرد دیگری را به لواط مجبور کنند و با او این عمل شنیع را انجام

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. توضیح المسائل مراجع؛ ج ۲، مسئله ۲۴۰۵ و ذیل آن. مرکز پاسخ دهنده: دفتر تبلیغات اسلامی.

دهند، در صورت اثبات نزد حاکم و قاضی، حد هر کدام از این افراد اعدام است؛ ولی فرد مفعول که مجبور به این عمل شده است، حکمش اعدام نیست.^۱ اگر چند زن، زنی را مجبور به مساحقه نمایند، در صورت اثبات نزد حاکم، به هر کدام صد تازیانه زده می‌شود و بنابر قولی اگر شوهر دار باشند، حد آنها رجم [سنگسار] است. بر آن زن که مجبور بر این کار شده است، حدی جاری نمی‌شود.^۲

حکم فاعل و مفعول در عمل لواط چیست و چگونه باید مجازات گردند؟

الف) اگر شخص بالغ عاقل و آگاه به مسائل به اختیار خود با شخص بالغ یا بچه‌ای لواط کند، حد او کشتن است و حاکم شرع می‌تواند لواط‌کننده را با شمشیر بکشد، یا زنده به آتش بسوزاند، یا دست و پای او را ببندد و از جای بلندی به زیر اندازد، یا سنگسارش کند و مفعول نیز اگر بالغ و عاقل باشد و به اختیار خود مفعول شده، حکمش کشتن است. بلی اگر مقدمات عمل انجام شده؛ ولی دخول واقع نشده هر کدام را صد تازیانه می‌زنند. باید توجه داشته باشید که لواط مانند زنا به دو راه ثابت می‌شود: اول: چهار مرتبه اقرار؛ دوم: شهادت چهار مرد عادل به دیدن لواط.

ب) مسلماً کسی که می‌داند و این عمل شنیع را انجام دهد، گنااهش بیشتر از جاهل است.^۳

آیا برای اجرای حکم مجازات لواط باید تمام آلت درمخرج فرورفته باشد یا به مقدار ختنه‌گاه کافی است؟ لواط به دخول ولو به مقدار جزئی از ختنه‌گاه صدق می‌کند.^۴

نوجوانی اظهار می‌کند با فریب و تهدید به قتل، به عمل لواط تن داده است. از نظر اسلام چه کسی گناهکار است؟ آیا اجازه دارد به ناموشش تجاوز یا او را بکشد؟

در صورتی که نوجوان مورد نظر مورد تهدید جانی قرار گرفته و جداً بر جان خود ترسیده است، گناهکار نمی‌باشد. البته هر چند در این مسئله ساده‌لوحی ورزیده؛ ولی از این جهت نیز گناهی ندارد؛ ولی شایسته است که در آینده همواره تیزبینی هوشمندی و ایمان استوار خود را حفظ نماید و از فروافتادن در چنین دام‌های خطرناکی مواظبت کند. در برخورد با عاملان قضیه به هیچ وجه حق تجاوز ناموسی یا قتل ندارد و خود اینها گناهان بزرگی است که موجب کیفر است. او تنها می‌تواند به مراجع قضایی شکایت

۱. تحریرالوسیله؛ ج ۲، ص ۴۹۶۲.

۲. مرکز پاسخ دهنده: دفتر تبلیغات اسلامی.

۳. مرکز پاسخ دهنده: ستاد اقامه نماز.

۴. مرکز پاسخ دهنده: مرکز فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها.

کند و در صورتی که جرم مجرمان در دادگاه ثابت شود (یعنی مرتکبین چهار مرتبه نزد قاضی اعتراف نمایند یا چهار نفر عادل شاهد عینی قضیه بوده و بر آن شهادت دهند)؛ به حکم دادگاه به کیفر اعمال خود خواهند رسید. به هر حال اگر فرد مزبور باز هم دنبال سوء استفاده است، با هماهنگی مراجع قضایی باید وی را به عقوبت عملش رساند. در غیر این صورت بهتر است موضوع کاملاً پنهان بماند.^۱

رفت و آمد با شخصی که قبلاً چند بار لواط انجام داده است و اکنون توبه کرده و شخص مؤمنی است، چگونه است؟

کسی که از گناهی توبه کرده است، همانند آن است که آن گناه را اصلاً انجام نداده است. حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له»: توبه‌کننده از گناه، مانند کسی است که گناهی نکرده است. بنابراین برخورد با افراد تائب باید همانند افراد دیگر باشد و وضع فعلی آنان مد نظر باشد. مسلماً خداوند با توبه، گناهان را - هر قدر هم بزرگ باشد - می‌بخشد و تائب واقعی اهل بهشت است. شما می‌توانید به استناد به آیات قرآن و احادیث، گناهکاران را به رحمت خداوند امیدوار سازید. برای نمونه آیات ۵۳ سوره زمر و ۱۱۶ سوره نساء و... را مورد مطالعه و مورد بررسی قرار دهید و در صورت توبه رفت و آمد با شخص مذکور اشکال ندارد.^۲

آیا عمل لواط از نظر حد و حکم با زنا مساوی است؟

عمل لواط از گناهان بزرگ و حرام است و اگر مقصود شما حرام بودن آن است، باید گفت: بلی حرام است و اگر مقصود شما از نظر حد شرعی است، نه؛ زیرا حد زنا در یک صورت یکصد تازیانه و در صورت دیگر رجم [سنگسار شدن] است؛ اما حد لواط اگر نزد حاکم شرع ثابت شود، قتل است آن هم یکی از سه صورت: الف) سوزانیدن در آتش؛ ب) پرتاب کردن از کوه با دست و پای بسته؛ ج) کشتن با شمشیر و امثال آن؛ مانند دیواری را روی او خراب نمودن که حاکم شرع مخیر است هر کدام را صلاح بدانند، در حق او اجرا کند.^۳

با توجه به اینکه شرایط ازدواج برایم فراهم نیست، آیا عشق به همجنس و همجنس‌بازی گناه است؟

عشق و دوستی در نهاد هر انسانی وجود دارد. این عشق اگر در مسیر صحیح قرار گیرد، سعادت‌ساز است؛ ولی اگر در خدمت هوس‌ها قرار گیرد، تباہ‌کننده است. عشق

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

به خداوند، عشق به زیبایی‌های صنیع الهی و اولیای او، عشق به خانواده، همسر و فرزندان نمونه عشق‌های سازنده هستند؛ ولی آنچه شما نوشته‌اید، همان راهی است که خسارت‌های فراوانی در پی دارد. روابط بین دو همجنس عوارض نامطلوب روانی و جسمی در پی دارد که در کتاب‌های متخصصین پزشکی نیز آمده است. ارضای غریزه جنسی بدین صورت موجب بروز دردهای عضلانی، نابسامانی‌های هورمونی و عوارض متعدد دیگر خواهد شد و اساساً با زوجیت نظام آفرینش در تضاد است. از همین رو چنین روابطی حرام شده است. شما نیز بهتر است با توبه از گذشته تصمیم بر اصلاح داشته باشید تا خداوند نیز اسباب ازدواج را برایتان فراهم سازد. البته صرف احساس داشتن گناه نیست؛ تا مادامی که به عمل منجر نشود.^۱

ب) استفتائات درباره مساحقه:

آیا حد مساحقه در قرآن آمده است؟ حد مساحقه چیست؟

مساحقه در اسلام نیز حد شدیدی دارد و حد آن مطابق مشهور، حد زنا صد تازیانه است و فرقی میان محصنه و غیر محصنه نیست. این مطلب در روایات متعددی که از پیشوایان نقل شده است آمده. در قرآن مجید صریحاً مطلبی در این باره دیده نمی‌شود؛ ولی بعضی از مفسران آیه ۱۵ سوره نساء را اشاره به آن می‌دانند، آنجا می‌فرماید: «وَاللَّاتِي يَاتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَاْمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»؛ و کسانی که از زنان شما مرتکب عمل منافی عفت شوند، چهار نفر از خودتان را به شهادت درباره آنها بطلبید، اگر گواهی دادند، آنان را در خانه‌های خود نگاه‌دارید [محبوس کنید] تا مرگ‌شان فرا رسد یا اینکه خداوند راهی برای آنها قرار دهد.

ولی غالب مفسران این آیه را اشاره به مسئله زنا می‌دانند، پیش از آنکه حکم تازیانه در سوره نور نازل شود و قرائن موجود در این آیه و آیه بعد نیز همین معنی را تأیید می‌کند.^۲

اگر زن آلوده ای که از طرف شوهر خود آلوده شده، با زن دیگری مساحقه نماید و آن زن را نیز آلوده کند، چه حکمی دارد؟

اگر زنی از طرف شوهر خود آلوده به ایدز شده، با زن دیگری مساحقه نماید و بداند

۱. مرکز پاسخ دهند: ستاد اقامه نماز.

۲. مرکز پاسخ دهند: تبیان.

که آلوده شده و باعث آلوده شدن دیگری می‌شود. اگر به قصد آلوده کردن دیگری باشد و آن زن بدین واسطه بمیرد، حکم قتل عمد را دارد. اگر زن نمی‌داند آلوده به ایدز است، حکم قتل خطایی را دارد. این حکم‌ها در صورتی است که محرز شود عامل مردن زن ایدز بوده است.^۱

کیفیت اجرای حد مساحقه از حیث نحوه اجرای شلاق (مثل داشتن لباس متعارف و نداشتن آن و شدت و ضعف زدن شلاق و...) چگونه است؟

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: مانند حد زنا زن نشسته و با لباس باید باشد. آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: اگر با لباس دستگیر شده‌اند، با لباس معمولی و ضرب متوسط حد جاری شود.^۲ آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی: یکسان بودن حد تفخیز و حد زنا در تمام جهات ثابت نیست؛ بنابراین باید اجرای حد آن از روی لباس باشد. والله العالم.^۳

بخش هشتم: داستان‌های واقعی در باب همجنس‌بازی:

۱. حد لواط در قضاوت مولا علی ۷:

روزی امیرالمومنین علی ۷ در میان گروهی از اصحاب خود نشسته و به گفتگو مشغول بود. در این هنگام مردی نزد آن حضرت آمده گفت: یا امیرالمومنین! لواط کرده‌ام، مرا پاک گردان. آن حضرت به او فرمود: ای مرد! چنین سخنی مگو، شاید اختلال به تو دست داده باشد. فردا صبح نیز نزد آن حضرت آمده و گفت: یا امیرالمومنین! لواط کرده‌ام، مرا پاک کن. باز امام ۷ به وی فرمود: ای مرد! به خانه‌ات برگرد، شاید حواس پرتی عارضت شده و تا سه بار بعد از دفعه اول نزد آن حضرت آمده و سخن خود را تکرار کرد تا دفعه چهارم که طبق قانون اسلام حد بر او ثابت شده بود، علی علیه السلام به وی فرمود: پیامبر خدا ﷺ درباره مثل تو سه کیفر بیان فرموده و تو هر کدام را بخواهی اختیار کن. مرد گفت: آنها چیست؟ فرمود: ۱. یک ضربه شمشیر هر جا برسد؛ ۲. بستن دست و پا و پرتاب از فراز کوه؛ ۳. سوزاندن با آتش. مرد گفت: یا امیرالمومنین! کدام یک از اینها سخت‌تر است؟ فرمود: سوزاندن با آتش. مرد گفت: یا امیرالمومنین! من همین را اختیار می‌کنم.

۱. مرکز پاسخ دهنده: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲. گنجینه آرای فقهی - قضایی؛ مرکز تحقیقات فقهی؛ سؤال ۱۶۰.

۳. همان؛ ۱۶۱. مرکز پاسخ دهنده: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه.

آن حضرت به او فرمود: پس خودت را برای آتش آماده کن. مرد برخاست و دو رکعت نماز به جای آورد و در تشهد نماز به درگاه خدا عرضه داشت: خداوندا! من از گناه خود به سوی تو بازگشت نموده و از کیفر اخروی آن ترسیده، به نزد جانشین پیامبرت و پسر عمش آدمم و از او تقاضای پاک‌کردن نمودم و او مرا بین سه عقوبت مخیر ساخت. خدایا! من سخت‌ترینش را برگزیده و از تو می‌خواهم این عقوبت را کفاره گناهانم قرار دهی و مرا به آتش دوزخ نسوزانی و آن‌گاه برخاست و با چشم گریان به طرف گودالی که برایش حفر کرده بودند، رهسپار گردید و شعله‌های فروزان آتش را نظاره می‌کرد. در این هنگام امیرالمومنین **7** به وی فرمود: «ای مرد برخیز که فرشتگان آسمان و زمین را به گریه آوردی و خداوند توبهات را قبول کرد، برخیز و پس از این به چنین گناهی بازگشت مکن»^۱.

۲. حامله کردن دختر باکره در اثر مساحقه:

زنی در حالی که از جماع شوهرش فارغ شده بود، با دختر باکره‌ای نیز مساحقه می‌کند و از آلودگی بدنش به دختر رسیده و دختر باردار می‌شود و کارزار آن دو به شکایت به نزد مولا علی **7** می‌رسد. مولا دستور می‌دهد که زن مهر بکارت دختر را بپردازد؛ چرا که زاییدن منوط به پاره شدن بکارت می‌شود و چون فرزندی به دنیا آمد، آن را به شوهر مرد بدهند؛ زیرا از منی مرد، بچه به وجود آمده است.^۲

۳. دو مجازات سنگین برای لواط‌کننده:

مردی لواط شده را پیش عمر بردند. در این هنگام عمر تصمیم گرفت او را تازیانه زند و از گواهان پرسید: آیا شما دیدید که با او لواط کردند؟ حاضران گفتند: آری. در اینجا عمر در اجرای این حکم در مانده گردید و خدمت حضرت علی **7** عرض کرد: نظر شما درباره شکنج و مجازات این مرد چیست؟ امیرالمومنین **7** لواط‌کننده را طلب کرده، او را دیدند و سپس فرمود: به نظر من باید گردنش زده شود و گردنش را زدند. عمر دستور داد او را بردارید و ببرید؛ اما حضرت علی **7** فرمود: یک عقوبت دیگر از او مانده. عمر پرسید: آن مجازات چیست؟ امیرالمومنین **7** فرمود: او را داخل یک بسته هیزم قرار دهید و آتش بزنید.^۳

۱. برگرفته از کتاب فروع کافی؛ باب آخر من حد اللواط؛ ح ۱. تهذیب؛ باب الحدود فی اللواط؛ ح ۷. امام هادی **7** در ذیل این روایت فرموده‌اند: اعتراف و توبه شخص لواط‌کننده، امام علی **7** را نسبت به اجرای حد و عفو مخیر گردانید؛ چنانچه در روایتی از امام محمد باقر **7** است که کسی به غیر از امام معصوم حق عفو حد شرعی را ندارد.
 ۲. برگرفته از کتاب دآوری‌های شگفت؛ حاج شیخ محمد تقی شوشتری؛ ترجمه سید علی موسوی جزایری.
 ۳. همان.

۴. قتل شوهر و تازیانه به پسر:

ابوبکر حضرمی از امام صادق ۷ روایت کرده است: زن و شوهری را نزد امیرمومنان ۷ آوردند که آن شوهر با پسر آن زن از شوهر دیگرش لواط کرده بود و به شهادت شهود دخول کرده بود. حضرت دستور فرمود: مرد با ضربات شمشیر به قتل برسد و آن نوجوان نیز کمتر از میزان حد، تازیانه بخورد و به او فرمودند: «اما لو کنت مدرکاً لقتلتک لامکانک إیاه من نفسک بسقیک»: اگر بالغ بودی تو را هم می‌کشتم؛ زیرا خودت را برای دخول در اختیار آن مرد گذاشتی.^۱

۵. اولین گناه:

نوجوانی در آستانه بلوغ بودم. روزی با خانواده‌ام به خانه یکی از فامیل‌هایمان که پسری همسن من داشتند، رفتیم. او مرا به اتاق خودش دعوت کرد. ابتدا نسبت به هم شرم و حیا داشتیم؛ اما کم‌کم با هم شروع به صحبت کردیم ... او از دوستی‌ها و لذت‌های جنسی خود با همکلاسی‌هایش گفت و به من راه ارضاکردن نادرست امیال جنسیم را یاد داد و در عین حال شروع به نوازش و دست‌کاری نقاط حساس بدن من می‌نمود. به من گفت: حالا که در اتاق کسی نیست، می‌خواهم با تو صمیمی‌تر باشم، از تنهایی‌مان سوء استفاده نموده و مجله‌ای مچاله شده از زیر تختش بیرون آورد که حاوی تصاویری غیر اخلاقی و ... بود. در حین نشان‌دادن تصاویر با من شروع به بازی کردن نمود و از روی لباس مشغول به شهوت‌رانی شد.

آن روز پر هیاهو و سر در گم گذشت. من که تازه درونم مسائل جنسی بیشتر از قبل شعله‌ورتر شده بود، این دفعه در روزی که پدر و مادرم از خانه برای خرید و تهیه جهیزیه خواهرم بیرون رفته بودند و می‌دانستم مدت زیادی بیرون از منزل هستند، با یک تماس پسر فامیل‌مان را به منزل خودمان دعوت کردم. او که از نادانی من خبر داشت، همراه با یک فیلم مستهجن به منزل ما آمده بود. بعد از دیدن مقداری از صحنه‌های زشت آن فیلم هر دوی ما تحریک شدیم و متأسفانه آن شد که نباید میشد و الان که حدود ده سال از آن ارتباط نا مشروع و خاطره‌ننگین می‌گذرد، من به انواع گناهان و انحرافات جنسی آلوده شده‌ام و راه نجات دیگری به جز خودکشی برایم نمانده. تو را به خدا کمک کنید.^۲

پیام‌های درس:

۱. همجنس‌گرا به افرادی گفته می‌شود که ترجیح می‌دهند مدتی طولانی به فعالیت جنسی با افراد همجنس خود بپردازند.

۱. برگرفته از کتاب وسائل‌الشیعه؛ ج ۲۰، باب ۲ از ابواب حدّ لواط، حد ۱.
 ۲. برگرفته از نامه نوجوانی به یکی از مشاورین مشاوره همراه.

۲. طرفداران همجنس‌بازی بر این امر توجه می‌کنند که رواج این عمل ناشایست به منظور جلوگیری از ازدیاد نسل و سقوط اقتصادی جامعه ضروری است.
۳. رابطه جنسی همجنسان در اسلام از گناهان کبیره است.
۴. لواط، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است.
۵. دفع شهوت باید از طریق مشروع باشد و خداوند برای اشباع غرایز بشر، مسیر فطری و طبیعی - ازدواج با جنس مخالف را - قرار داده است.
۶. انحرافات جنسی، تجاوز و طغیان است و همجنس‌گرایی (لواط و مساحقه)، تجاوز به حریم ارزش‌هاست.
۷. دوستی‌های بی‌حساب نسبت به همجنس، بوسیدن همجنس از روی شهوت، استفاده از کانال‌های آلوده، غیر مطمئن و بعضاً مضر ماهواره و عدم باور و یقین به عالم پس از مرگ، عذاب قبر و قیامت از جمله علل عمده در همجنس‌گرایی می‌باشد.
۸. از جمله پیامدهای خانمان‌سوز همجنس‌بازی عبارتند از: قطع نسل بشری، ناتوانی در آمیزش با جنس مخالف، گسترش فساد و بی‌بندوباری، انحراف از فطرت و تمایلات طبیعی، بروز برخی بیماری‌ها؛ مانند بیماری بسیار خطرناک و عفونی ایدز، کیشده‌شدن تدریجی به سمت مواد مخدر و مشروبات الکلی و انحرافات اخلاقی دیگر.
۹. راه‌کارهای مهم در پیشگیری و درمان همجنس‌گرایی عبارتند از: اجتناب از خوابیدن با همجنس خود در یک بستر، اجتناب از نگاه شهوت‌آمیز به همجنس خود، توجه به آثار و عواقب همجنس‌بازی، مقابله با افکار شیطانی و کنترل افکار خود، توجه به ارزش‌هایی چون نماز، قرآن، روزه، احترام به والدین و بزرگ‌ترها و ...

سؤالات درس:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی همجنس‌گرایی (لواط و مساحقه) را بیان نمایید؟
۲. همجنس‌گرایی از نظر ادیان مختلف چه تعاریفی دارد؟
۳. به چند نمونه از آیات و احادیث همجنس‌گرایی (لواط و مساحقه) اشاره بفرمایید؟
۴. علل و عوامل همجنس‌گرایی و همجنس‌بازی چیست؟
۵. پیامدهای شوم همجنس‌بازی چیست؟ چند مورد را نام برده و توضیح دهید؟
۶. راه‌کارهایی برای پیشگیری و درمان همجنس‌گرایی نام ببرید؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. ترجمه جواهرالکلام؛ حدود و تعزیرات: زناء، لواط، مساحقه؛ محمدحسن نجفی؛ ترجمه: اکبر نایب زاده؛ ناشر: خرسندی، ۱۳۹۰.
۲. حقوق جزایی اسلام، جرایم ناشی از غریزه جنسی؛ عباسعلی محمودی؛ ناشر:

نهضت مسلمانان، ۱۳۵۹.

۳. حقوق کیفری اختصاصی (جلد سوم) جرایم بر ضد مصالح عمومی کشور؛ دکتر هوشنگ شامبیاتی؛ ناشر: مجد، ۱۳۸۵.
۴. داورهای شگفت (قضاوت‌های حضرت علی ۷)؛ حاج شیخ محمدتقی شوشتری؛ ترجمه: سید علی موسوی جزایری؛ ناشر: پیام حق، ۱۳۸۰.
۵. رساله حقوق حدود، قصاص و دیات، ملا محمد باقر مجلسی؛ تنظیم و تصحیح: جواد ذهنی تهرانی؛ ناشر: پیام حق، ۱۳۷۸.
۶. قانون مجازات اسلامی (حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و قانون و آئین‌نامه تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب)؛ غلامرضا حجتی اشرفی؛ ناشر: احمدی، ۱۳۸۵.
۷. گناهان کبیره؛ شهید دستغیب؛ ناشر: کانون اندیشه‌های اسلامی، ۱۳۷۶.

فصل سوم:

دشمنانی که در انحرافات جوان را یاری می کنند

نفس أماره، دشمن درونی انسان

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. شناخت نفس أماره در جایگاه دشمن درونی و خطرناک‌ترین دشمن انسان؛
۲. آشنایی با معانی لغوی و اصطلاحی نفس و مراتب آن؛
۳. چگونگی مراتب نفس از دیدگاه آیات و روایات؛
۴. آشنایی با ویژگی‌ها و تمایلات نفس أماره در پرتو آیات و روایات؛
۵. شناخت اصول کلی مبارزه با نفس أماره؛
۶. راه‌کارهای عملی مبارزه با انحراف غریزه شهوت از مسیر اعتدال؛
۷. داستان‌ها و حکایت‌هایی زیبا دربارهٔ نفس أماره.

مقدمه

قبل از ورود به موضوع لازم است مطالب مورد بررسی در این فصل را کاملاً روشن نماییم. ما انسان‌ها وقتی در زندگی دچار انحراف از مسیر می‌شویم، همیشه دشمنانی سایه‌وار در کمین‌مان نشست‌اند که ما را در مسیر انحرافی تقویت کنند تا دچار گناه شده و از صراط مستقیم انسانیت خارج شویم. در رویارویی با دشمنان و چالش‌هایی که فراروی انسان قرار دارد، به طور کلی ما با دو دسته دشمن در مصاف هستیم:

۱. دشمن درونی
۲. دشمن بیرونی

به لحاظ اهمیت، دشمن درونی مهم‌تر و پیچیده‌تر از دشمن بیرونی است؛ بنابراین در اولین درس این فصل برآنیم تا دشمن درونی خود (نفس اماره) را شناسایی کرده و مبحث دشمن بیرونی (شیطان، یاران و ابزارهایش) را به درس‌های آتی موکول می‌کنیم.

نفس انسان

تعریف نفس

۱. تعریف لغوی:

* به معنی جان، روح، روان و نشان‌دهنده زنده‌بودن است.^۱
 * ۱. تن، جسم؛ ۲. شخص، ذات؛ ۳. جان، خون؛ ۴. حقیقت هر چیز؛ ۵. روح، روان؛ ۶. نفوس، انفس.^۲

۲. تعریف اصطلاحی

اصطلاح عامه مردم:

عامه مردم آن را در معنای خمیره و طینت به کار می‌برند. آن‌گاه که گفته می‌شود: «فلانی دارای نفس زکیه‌ای است»، یا گفته می‌شود «فلانی خبیث‌النفس» است، این معنا مراد است.

اصطلاح روان‌شناسان:

در علم‌النفس و روان‌شناسی «نفس» را به معنای «خود» گرفته و گفته‌اند: خود هرکس همان است که هر یک از ما با کلمه «من» به آن اشاره می‌کنیم.

اصطلاح فیلسوفان:

فیلسوفان «نفس» را در معنای «روح» به کار می‌برند.^۳

اصطلاح علم اخلاق:

در علم اخلاق این کلمه در دو معنا به کار برده شده است:
 ۱. به معنای مقابل خدا؛ هرگاه کسی برای خود در برابر خداوند متعال جایگاه و شخصیتی قائل باشد و برای خود صرف نظر از خواست خدا چیزی بخواهد، علمای اخلاق می‌گویند: «او گرفتار نفس یا گرفتار هوای نفس است و باید نفس و هوای نفس را از میان بردارد تا بتواند به قرب پروردگار نایل آید».

۱. لغت نامه دهخدا؛ ذیل لغت نفس.

۲. لغت نامه معین؛ ذیل لغت نفس.

۳. علامه طباطبایی؛ تفسیر المیزان؛ ج ۱۷، ص ۲۶۹.

۲. شاخه‌ای (جلوه‌ای) از روح آدمی که او را به سوی بدی‌ها فرا می‌خواند. «نفس» در معنای اخیر که به آن «نفس اماره» نیز گفته می‌شود، از آن رو که نه تنها بازدارنده انسان از گرایش به خوبی‌هاست، سوق‌دهنده او به بدی‌ها نیز می‌باشد و چنانچه زمینه را مساعد ببیند، تا صاحب خود را به پایین‌ترین نقطه پستی نرساند، دست‌بردار نیست، دشمن بلکه دشمن‌ترین دشمنان انسان دانسته شده است.

انواع نفس و تعاریف آنها:

یکی از نعمت‌هایی که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده است، نفس می‌باشد. چنان‌که می‌دانیم انسان دارای دو بُعد می‌باشد:

بُعد اول: جسمانی است که همان بدن او و غرایز طبیعی و حیوانی آن است.

بُعد دوم: روحانی و غیر جسمانی که مجرد است و آن نفس است که از عالم غیب و ملکوت می‌باشد.

نفس انسان دارای درجات و مراتبی می‌باشد که هر یک از این درجات نیز برای خود دارای یاورانی هستند.

یاوران نفس:^۱

۱. یاوران عقلانی و رحمانی

اینها انسان را به سعادت و خوشبختی می‌رسانند و وی را در مسیر کمال و قرب الی الله قرار می‌دهند.

۲. یاوران شیطانی و جهلانی

اینها انسان را به شقاوت، بدبختی و جهنم می‌رسانند و وی را در مسیر حضيض ذلت و سقوط در حیوانیت قرار می‌دهند.

در همه حال بین این دو گروه جنگ و جدال است، اگر یاوران رحمانی و عقلانی پیروز شوند، انسان سعادت‌مند شده و به بهشت می‌رود، در غیر این صورت انسان جهنمی خواهد شد.

انسان دارای دو بعد حیوانی و الهی است:

بعد حیوانی آن نفس اماره است و بعد الهی دارای مراتبی می‌باشد که ابتدا نفس لوامه و بعد مطمئنه نام دارد. بعد از این مقدمه کوتاه مراتب و انواع نفس را بهتر خواهیم شناخت.

۱. حدیث زیبایی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که در آن ۷۸ مورد از جنود عقل را همراه با اُضداد آنها می‌شمارند. (اصول کافی؛ ترجمه مصطفوی؛ ج ۱، ص ۲۴). برای مطالعه شرح حدیث رک: چهل حدیث؛ امام خمینی؛ ص ۶.

اولین مرتبه نفس (پایین ترین مرتبه نفس):

نفس اماره بالسوء است که مربوط به حالت نقص نفس است و مرحله‌ای است که انسان از درون، میل به کجروی، افراط و تفریط در امور زندگی دارد. گرایش نفس اماره همان خود طبیعی است که تحت تاثیر غرایز قرار گرفته و بدون تسلیم شدن به روح ملکوتی طالب اشباع بدون قید و شرط می‌باشد.

دومین مرتبه نفس:

مربوط به نفوس در حال کمال و خود ساخته است و آن نفس لوامه است. نفس لوامه همان وجدان اخلاقی است و کار آن قبل از انجام عمل خیر و نیک، تشویق؛ در حین عمل، ترغیب و بعد از آن تحسین است؛ اما نقش نفس لوامه قبل از انجام کار بد و شر، تهدید؛ در زمان عمل، جلوگیری و بعد از آن سرزنش است.

مرتبه سوم نفس (مرتبه کمال نفس آدمی):

این مرتبه نفس مطمئنه است. انسان با رسیدن به نفس مطمئنه کمال، سعادت و آرامش حقیقی زندگی خود را پیدا می‌کند و صاحب نفس راضیه و مرضیه می‌شود. مولای متقیان حضرت علی ۷ می‌فرماید: «المؤمن... مخالف لهواه، لا یغلظ علی من دونه، ولا یخوض فیمالا یعنی»؛^۱ از نشانه‌های مؤمن مخالفت با هوای نفس و کنترل آن است.

نفس با توجه به آیات و روایات

الف) نفس از دیدگاه آیات:

از قرآن کریم به خوبی استفاده می‌شود که روح و نفس انسانی دارای سه مرحله است که آیات هر مرحله را بیان می‌کنیم.

۱. آیات مربوط به نفس اماره

روح سرکش که پیوسته انسان را به زشتی‌ها و بدی‌ها دعوت می‌کند و شهوات و فجور را در برابر او زینت می‌بخشد، این همان چیزی است که خداوند در سوره یوسف از زبان او مطرح کرده و می‌فرماید: «وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»^۲؛ من هرگز نفس خود را تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس سرکش همواره به بدی‌ها فرمان می‌دهد.

۱. نهج البلاغه؛ خطبة علی بن ابیطالب فی صفات المؤمن و کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۲۲۶.

۲. یوسف: ۵۳.

۲. آیات مربوط به نفس لوامه

در آیات سوره قیامت به آن اشاره شده، روحی است بیدار و نسبتاً آگاه، هر چند هنوز در برابر گناه مصونیت نیافته و گاه لغزش پیدا می‌کند و در دامان گناه می‌افتد؛ اما کمی بعد بیدار شده، توبه می‌کند و به مسیر سعادت باز می‌گردد. انحراف درباره او کاملاً ممکن است؛ ولی موقتی است نه دائم، گناه از او سر می‌زند، اما زمانی نمی‌گذرد که جای خود را به ملامت، سرزنش و توبه می‌دهد. این همان چیزی است که از آن به وجدان اخلاقی یاد می‌کنند. در بعضی از انسان‌ها بسیار قوی و نیرومند است و بعضی بسیار ضعیف و ناتوان؛ ولی به هر حال در هر انسانی وجود دارد، مگر آنکه با کثرت گناه آن را به کلی از کار بیندازد. خداوند می‌فرماید: «لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ * وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّوَامَةِ»^۱؛ سوگند به روز قیامت و سوگند به نفس لوامه، وجدان بیدار و ملامت‌گر [که رستاخیز حق است].

۳. آیات مربوط به نفس مطمئنه

روح تکامل یافته‌ای که به مرحله اطمینان رسیده، نفس سرکش را رام کرده و به مقام تقوای کامل و احساس مسئولیت رسیده که دیگر به آسانی لغزش برای او امکان‌پذیر نیست. این همان است که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»^۲؛ ای نفس مطمئنه! به سوی پروردگارت باز گرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو.

واکنش نفس لوامه

نفس لوامه رستاخیز کوچکی است در درون جان هر انسان که بعد از انجام یک کار نیک یا بد، بلافاصله محکمه آن در درون جان تشکیل می‌گردد و به حساب و کتاب او می‌رسد؛ از همین رو گاه در برابر یک کار نیک و مهم، چنان احساس آرامش درونی می‌کند و روح او لبریز از شادی و نشاط می‌شود که لذت، شکوه و زیبایی آن با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست و به عکس گاهی به دنبال یک خلاف و جنایت بزرگ، چنان گرفتار کابوس وحشتناک و طوفانی از غم و اندوه می‌گردد و از درون می‌سوزد که از زندگی به کلی سیر می‌شود و حتی گاه برای رهایی از چنگال این ناراحتی خود را آگاهانه به مقامات قضائی معرفی و به چوبه دار تسلیم می‌کند.

۱. قیامت: آیه ۱ - ۲.

۲. فجر: ۲۷ - ۲۸.

قرآن از دو نفس دیگر نیز نام می‌برد:

۱. نفس مُلَهَمَه: نفسی که خداوند شر و خیرش را به او الهام کرده: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْتَهَا» فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا»^۱.
۲. نفس مُسَوَّلَه: نفسی که به وسوسه نیروهای شیطانی دچار می‌شود: «بَل سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا»؛ هوس‌های نفسانی شما این کار را برای شما آراسته است.^۲

ب) نفس از دیدگاه روایات اهل بیت :

۱. نفس اماره، منافقی تمام عیار

امام علی ۷ می‌فرماید: «النَّفْسُ الْأَمَارَةُ الْمُسَوَّلَةُ تَمَلَّقُ تَمَلَّقَ الْمُنَافِقِ، وَتَتَّصِعُ بِشِيْمَةِ الصَّادِقِ الْمُوَافِقِ، حَتَّى إِذَا خَدَعَتْ وَتَمَكَّنَتْ تَسَلَّطَتْ تَسَلَّطَ الْعَدُوُّ، وَتَحَكَّمَتْ تَحَكَّمَ الْعَتُوُّ، فَأُورِدَتْ مَوَارِدَ السُّوءِ»: نفس بدفرمان ظاهرآرا، همچون منافق، چاپلوسی می‌کند و خود را چون دوستی سازگار و دلسوز جلوه می‌دهد و همین که فریب داد و [بر انسان] دست یافت؛ مثل دشمن مسلط می‌شود و با خودخواهی و قلدری فرمان می‌راند و [شخص را] به جایگاه‌های بدی و هلاکت می‌کشاند.

۲. اوصاف نفس از زبان امام سجاد ۷:

امام سجاد ۷ در مناجات می‌فرماید: «إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً، وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، ... كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَعُ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْعَقْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوِيَّةِ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ»^۳: خدای من به تو شکایت می‌کنم از نفسی که همواره به بدی فرمان می‌دهد و به سوی گناه می‌شتابد و به معاصی تو حریص است ... پُر عذر و بهانه است و آرزوی دراز دارد، اگر به او گزندی رسد، بی‌تابی می‌کند و اگر خیر و برکتی رسدش، بخل می‌ورزد. شیفته بازی و سرگرمی است، آکنده از غفلت و بی‌خبری است. مرا به سوی گناه می‌شتاباند و در کار توبه امروز و فردا می‌کند.

۳. نفس ملامتگر یا وجدان بیدار

پیامبر اکرم ۶ در سفارش به ابن مسعود می‌فرماید: «يَا بْنَ مَسْعُودَ، أَكْثَرُ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَالْبِرِّ؛ فَإِنَّ الْمُحْسِنَ وَالْمُسِيءَ يَنْدِمَانِ، يَقُولُ الْمُحْسِنُ: يَا لَيْتَنِي أزدَدْتُ مِنَ الْحَسَنَاتِ! وَيَقُولُ

۱. شمس: ۷-۸.

۲. یوسف: ۸۲.

۳. صحیفه سجاده؛ دومین مناجات از مناجات خمسہ عشر، مناجات الشاکین و شیخ عباس قمی؛ مفاتیح الجنان.

المُسيءُ: قَصْرَتْ، وَ تَصْدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»! ای پسر مسعود کارهای شایسته و نیک بسیار به جای آر؛ زیرا نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می‌شوند. نیکوکار می‌گوید: کاش خوبی‌های بیشتری انجام می‌دادم و بدکار می‌گوید: کوتاهی کردم. گواه این مطلب سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «و سوگند به نفس ملامتگر».

ویژگی‌ها و تمایلات نفس اماره

۱. راحت‌طلبی و سختی‌گریزی:

یکی از تمایلات نفس اماره، راحت‌طلبی و گریز از سختی‌هاست. مثلاً زمانی که برای ادای نماز شب از رختخواب بیرون می‌آیم نفس اماره است که به ما می‌گوید: کمی هم استراحت کن بعد. نفس اماره همیشه انسان را ترغیب و تشویق به تن‌پروری و راحت‌طلبی کرده و در نتیجه باعث می‌شود که انسان بعضی کمالات را از دست بدهد.

۲. لذت‌خواه بودن:

از دیگر صفات نفس اماره، لذت‌خواه بودن است. نفس اماره همیشه به دنبال لذت‌ها و خوشی‌های زود گذر دنیا است. همیشه به دنبال این است که از هر چیزی لذت آن را به دست بیاورد؛ مثلاً در مورد لذت عبادت‌کردن و لذت خوابیدن، لذت خوابیدن را ترجیح می‌دهد.

۳. سیری ناپذیری:

از دیگر صفات نفس اماره سیری‌ناپذیر بودن است؛ یعنی از انجام کاری که مطابق و موافق میلش باشد (کار زشت) سیر نمی‌شود و همیشه به دنبال آن است؛ مثلاً زمانی که از آزار دادن مردم لذت می‌برد، به انجام یک‌باره و دوباره آن راضی نشده و باز می‌خواهد آن را انجام دهد.

۴. حيله‌گری و نیرنگ‌بازی:

حيله‌گر بودن و نیرنگ‌بازی از دیگر صفات نفس اماره است. نفس اماره همواره در کمین انسان نشسته تا فرصتی به دست آورده و او را از حق به در کند.

۵. توجیه‌گر بودن:

زمانی که نفس اماره بالسوء انسان را به انجام کاری زشت تشویق می‌کند و فرد بعد از

انجام کار زشت، پی به کار بد خود برده و عذاب وجدان پیدا می‌کند، نفس اماره در صدد توجیه کردن کار بد برای انسان است و سعی می‌کند زشتی و قباحت کار را نزد فرد از بین ببرد.

۶. تنبل و کسل بودن:

همان‌طور که از نام نفس اماره بالسوء برمی‌آید، دعوت‌کننده انسان به سوی کارهای زشت است و در هنگام مواجهه با کارهای خوب، روحیه تنبلی و کسلی به فرد می‌دهد؛ مثلاً زمانی که انسان می‌خواهد کارش را زود شروع کند، به او می‌گوید الان زود است، بعداً شروع کن.

۷. تسویف:

اصلاح نفس و توبه کردن و انجام اعمال خوب و صالح را به تأخیر انداختن و امروز و فردا کردن را گویند. امام باقر ۷ می‌فرماید: «بر حذر باش از تسویف؛ زیرا آن دریایی است که انسان غوطه‌زنان در آن هلاک می‌شود».^۱

نفس اماره و ویژگی‌های آن در قرآن کریم

۱. مطیع هوی و هوس:

شیطان عمل بدش را برای او زینت داده و بر قلب او پرده‌ای کشیده که خیر و شر را تشخیص نمی‌دهد و همیشه مانند انسان‌های جاهل و نادان فکر می‌کند: «إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ»^۲: آنان جز از گمان‌های بی‌اساس و از هوای نفس پیروی نمی‌کنند. گاهی آن‌چنان مطیع نفس اماره هستند که عقل هیچ‌کاره می‌شود و تمام امور به دست هوی و هوس و نفس اماره است. بنابراین حضرت علی ۷ می‌فرماید: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرٌ تَحْتَ هَوَىِّ امِيرٍ»^۳: پس بسیار عقل‌ها و خرده‌ها که شهوات بر آنها حکومت می‌کند.

گاهی اطاعت انسان از نفس اماره از این هم بالاتر می‌رفته و تابع خواست‌های نفس افسار گسیخته می‌شود که هوی و هوس او معبودش می‌شود. «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^۴: آیا دیدی کسی را که هوس‌های خود را خدای خود قرار داده است.

۱. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۸، ص ۱۶۴. قال علی ۷: «لَا دِينَ لِمُسَوِّفٍ بَتَوْبَتِهِ»؛ آن‌کس که توبه را به آینده موکول می‌کند، دین ندارد. (نهج البلاغه: حکمت ۱۵۰). مولا علی ۷ می‌فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاَنْتَهُزُوا فَرَصَ الْخَيْرِ» (نهج البلاغه: حکمت ۲۱).

۲. نجم: ۲۳.

۳. نهج البلاغه؛ کلمات قصار، ۲۱۱.

۴. جاثیه: ۲۳.

پیام‌های آیه:

۱. هواپرستی نوعی شرک و هواپرست سزاوار توبیخ است: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»؛
۲. با اینکه هوس‌ها در درون است؛ ولی بازتاب هواپرستی در اعمال انسان هویداست: «أَفَرَأَيْتَ»؛
۳. انسان ذاتاً موجودی پرستش‌گر است؛ اما در انتخاب معبود منحرف می‌شود و به جای خدا به سراغ هوس‌ها می‌رود: «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»؛
۴. کیفر کسی که خدا را رها کرده و به دنبال تمایلات نفسانی خود باشد، آن است که خداوند او را گمراه نماید: «أَضَلَّهُ اللَّهُ»؛
۵. اگر هواپرستی حاکم شد، علم از کارایی می‌افتد. هواپرستی حتی دانشمندان را منحرف می‌کند: «وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ»؛
۶. گمراهی و کوردلی، کیفر الهی برای هواپرستان است: «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ... أَضَلَّهُ اللَّهُ... خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ»؛
۷. هواپرستی، سبب مسدود شدن درهای هدایت به روی انسان است: «مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ... فَمَنْ يَهْدِيهِ»^۱.

۲. کینه‌توزی و دشمنی:

در جریان قتل هابیل به دست قابیل، خداوند می‌فرماید: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ»^۲: نفس سرکش کم‌کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد و [سرانجام] او را کشت.

۳. تشبیه فرمان بر نفس به سگ:

«... وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ...»^۳: او از هوای نفس پیروی نمود، سرگذشت او همانند داستان سگ است که اگر به آن حمله کنی، زبان از دهان بیرون می‌آورد و اگر رهایش نمایی، باز زبانش را خارج می‌سازد. اگر انسان دنبال هوی و هوس و نفس اماره برود و از خدا غفلت کند، از اوج تکامل الهی سقوط می‌کند؛ چنان‌که بلعم باعورا - این آیه درباره او نازل شده است - گرفتار هوای نفس شد و از آن مقام والا تنزل کرد. به طوری که خداوند او را به سگ تشبیه نموده است. او به جای اینکه از علوم و دانش خویش برای رشد استفاده کند، به پستی گرایید

۱. محسن قرآنی؛ تفسیر نور؛ ذیل آیه.

۲. مائده: ۳۰.

۳. اعراف: ۱۷۶.

و بر اثر پیروی هوی و هوس مراحل سقوط را طی کرد. خداوند هم او را به سگ تشبیه می‌کند که اگر به او حمله کنی، دهانش باز و زبانش بیرون است و اگر او را به حال خود واگذاری، باز چنین است. او بر اثر شدت هواپرستی یک حالت عطش نامحدود به خود گرفته که همواره به دنبال دنیا پرستی می‌رود.^۱

پیامبر درباره تشبیه نفس اماره می‌فرماید: «ومثل النفس كمثل النعمامة تاكل الكثير واذا حمل عليها لا نظير و مثل الدفلی لونه حسن و طعمه مرّ»^۲: مثل نفس، مثل شتر مرغ است که زیاد می‌خورد؛ ولی وقتی که چیزی روی او گذاشتی، پرواز نمی‌کند و مثل نفس، مثل خر زهره است که رنگش زیبا است؛ اما طعمش تلخ است.

اصول کلی مبارزه با نفس^۲

در این مقام چند اصل علمی و عملی برای درمان این بیماری روحی وجود دارد که به برخی اشاره می‌شود.

الف) اصل اخلاقی مقابله به ضد

مهم‌ترین اصل عمومی که علمای اخلاق برای درمان مرض روحی پیشنهاد می‌کنند، اصل مقابله به ضد است؛ یعنی به‌کاربردن ضد هر عمل و صفتی که قصد ترک آن را دارد.

ب) علم درمانی

اصلی‌ترین روشی که اسلام در مورد ساخت و ساز انسان و تهذیب نفسانی و اعتقادی و عملی او پیشنهاد نموده است، استفاده از روش علم‌درمانی است. اگر در اسلام علم و دانش فریضه شمرده شده است و آیات و روایات وارده در فضیلت علم و عالم افزون از هر باب دیگری است، به دلیل همین است که راه اصلی معالجه امراض آدمی به وسیله علم و آگاهی میسر است؛ همان‌گونه که ریشه شقاوت‌مندی انسان در جهل و بی‌خبری او می‌باشد. اگر انسان واقف شود دین برنامه سعادت و کمال اوست و راهی است که مستقیماً او را به قرب و لقاء پروردگار عالم می‌رساند و حیات جاودان آخرتی را برایش

۱. مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۷، ص ۱۴.

۲. ری شهری؛ میزان الحکمه؛ ج ۹، ص ۶۰.

۳. قال رسول الله ﷺ: «مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاكبر، قيل: يا رسول الله و ما الجهاد الاكبر؟ قال: جهاد النفس»؛ افرین بر گروهی که جهاد اصغر را پشت سر گذاشتند و جهاد اکبر را در پیش دارند. گفته شد: ای رسول خدا، جهاد اکبر چیست؟ حضرت فرمود: پیکار با نفس. (بهارالانوار؛ ج ۷۰، ح ۱، ص ۶۴).

مهم‌ترین راه مبارزه با نفس که در مباحث اخلاقی تعبیر به جهاد نفس شده است، همان‌طور که رسول خدا ﷺ فرمودند: به طور اجمالی بهترین راه جهاد با نفس طبق فرموده امام خمینی (ره): ۱. تفکر؛ ۲. عزم؛ ۳. مشارطه، مراقبه، محاسبه؛ ۴. تذکر می‌باشد. (جهل حدیث؛ امام خمینی؛ ص ۶). برای مطالعه بیشتر رک: درس راه‌های مبارزه با شیطان.

به ارمغان می‌آورد، حاضر نمی‌شود با گناه و سرپیچی و خروج از این مسیر زمینه شقاوت و هلاکت خویش را فراهم نماید؛ زندگی جاودان آخرتی و لقاء پروردگار را از دست بدهد و خود را دچار سرنوشتی شوم و عذابی دردناک نماید. اگر انسان بدانند آنچه می‌کند، می‌شنود و می‌گوید همان است که در ظرف آخرت به صورت جهنم یا بهشت ظهور خواهد نمود، حساسیت بیشتری نسبت به گناه و عمل و صفت زشت و پلید اهل دنیا و عقاید باطل ایشان خواهد داشت.

ج) عمل درمانی

مرحله بعدی این است که برای خود برنامه عملی خودسازی داشته باشیم و با انجام واجبات و ترک گناه لذت بندگی خدا را بچشیم. اگر کسی لذت قرب به خدا و بندگی خداوند را بچشد، هرگز از گناه و لذت‌های مادی راضی نخواهد شد و حاضر نمی‌شود لذت مناجات با خدا و رابطه با اهل بیت : را با لذت مثلا موسیقی و نگاه به نامحرم و مانند آن عوض کند.

دوست گرامی! هوس و هوسرانی مسئله‌های است‌فراگیر و در همه زمینه‌های زندگی ما ساری و جاری است. برای ارائه راهنمایی دقیق‌تر، بهتر بود نوع معضل را مشخص می‌کردیم؛ ولی از آنجا که بیشترین مصداق هوس و مشهورترین فرد آن مربوط به غریزه شهوت می‌باشد، در این باره کمی توضیح می‌دهیم.

برای مبارزه با انحراف غریزه شهوت از مسیر اعتدال، چند راهکار عملی پیشنهاد می‌کنند:

۱. ترک زمینه گناه

خود این زیرمجموعه‌ای دارد که مهم‌ترین آن عبارت است از:

* کنترل چشم^۱

* کنترل گوش

باید از شنیدنی‌هایی که ممکن است به حرام منجر شوند و زمینه‌ساز حرام هستند، پرهیز شود؛ مانند نوار موسیقی، صدای شهوت‌انگیز نامحرم و ...

* ترک مصاحبت با دوستان ناباب^۲

۱. رک: درس چشم‌چرانی.

۲. رک: درس دوستان و همنشینان بد.

۲. ترک فکر گناه

ترک زمینه گناه سهم بسزایی در ترک فکر گناه دارد؛ از این رو هرچه بیشتر و دقیقتر زمینه گناه ترک شود، فکر گناه کمتر به سراغ انسان می‌آید. این فکر گناه است که شوق در انسان ایجاد می‌نماید و بعد از شوق اراده عمل، سپس خود گناه محقق می‌شود. مسلماً تا اراده، شوق و میل نسبت به کاری نباشد، انسان مرتکب آن کار نمی‌گردد؛ بنابراین افکار جنسی را که به ذهن تان خطور می‌کند، بلافاصله با ذکر خدا و یاد آسیب‌های معنوی گناه از ذهن خود دور سازید.

۳. دوری از محیط‌های آلوده و ناسالم

یکی از علل و عوامل انحرافات جنسی و به طور کلی انحرافات اخلاقی، محیط آلوده و محرک‌های شهوانی است. محیط به وسیله وارد کردن عناصر محرک در گرایش‌های انحرافی، منجر به طغیان غریزه جنسی در جوان می‌شود.^۱

داستان‌هایی از نفس‌آماره

۱. میرداماد چگونه میرداماد شد؟

شاه عباس صفوی در شهر اصفهان از همسر خود سخت عصبانی شده و خشمگین می‌شود. در پی غضب او دخترش از خانه خارج شده و شب بر نمی‌گردد. خبر بازنگشتن دختر که به شاه می‌رسد، بر ناموس خود که از زیبایی خیره‌کننده‌ای بهره داشت، سخت به وحشت می‌افتد. مأموران تجسس در تمام شهر به تکاپو افتاده؛ ولی او را نمی‌یابند. دختر به وقت خواب وارد مدرسه طلاب می‌شود و اتفاقاً به در حجره محمدباقر استرآبادی که طلبه‌ای جوان و فاضل بود، می‌رود. در حجره را می‌زند، محمدباقر در را باز می‌کند، دختر بدون مقدمه وارد حجره شده و به او می‌گوید: از بزرگ‌زادگان شهرم و خانواده‌ام صاحب قدرت، اگر در برابر بودنم مقاومت کنی، تو را به سیاست سختی دچار می‌کنم. طلبه جوان از ترس او را جا می‌دهد. دختر غذا می‌طلبد، طلبه می‌گوید: جز نان خشک و ماست چیزی ندارم. می‌گوید: بیاور. غذا می‌خورد و می‌خوابد. وسوسه به طلبه جوان حمله می‌کند؛ ولی او با پناه‌بردن به حق دفع وسوسه می‌کند، آتش غریزه شعله می‌کشد، او آتش غریزه را با گرفتن تک‌تک انگشتانش به روی آتش چراغ خاموش می‌کند. مأموران تجسس به وقت صبح گذرشان به مدرسه می‌افتد، احتمال بودن دختر را در آنجا

۱. ر.ک: درس کنترل و هدایت غریزه جنسی.

نمی‌دادند؛ ولی دختر از حجره بیرون آمد. چون او را یافتند، با صاحب حجره به عالی قاپو منتقل کردند.

عباس صفوی از محمدباقر می‌پرسد دیشب در برخورد با این چهره زیبا چه کردی؟ وی انگشتان سوخته را نشان می‌دهد، از طرفی خبر سلامت دختر را از اهل حرم می‌گیرد. چون از سلامت فرزندش مطلع می‌شود، بسیار خوشحال می‌شود. به دختر پیشنهاد ازدواج با آن طلبه را می‌دهد، دختر نیز که از شدت پاکی آن جوانمرد بهت زده بود، قبول می‌کند. بزرگان را می‌خوانند و عقد دختر را برای طلبه فقیر مازندرانی می‌بندند و از آن به بعد است که او مشهور به میرداماد می‌شود و چیزی نمی‌گذرد که اعلم علمای عصر گشته و شاگردانی بس بزرگ هم‌چون ملا صدرای شیرازی صاحب اسفار و کتب علمی دیگر تربیت می‌کند.^۱

۲. مبارزه با نفس شیطانی

ابن‌ابی‌یعفور به دردی مبتلا بود که درمان آن برایش سخت‌تر از خود درد بود؛ زیرا پزشکان معالج برای تسکین مرض وی شراب تجویز کرده بودند. وی برای حل این مشکل از کوفه به مدینه شتافت و از محضر مولای خویش کسب تکلیف کرد. حضرت صادق ۷ فرمود: از آن مایع ننوش! عبدالله وقتی به کوفه برگشت، درد به سراغش آمد. بستگانش با اصرار و اجبار اندکی شراب به او نوشاندند. درد آرام شد. او از این حادثه تلخ و ناگوار خیلی ناراحت شد. دوباره به مدینه منوره مسافرت کرد و موضوع واقعه را با امام ۷ در میان نهاد.

امام صادق ۷ فرمود:

ای فرزند ابی‌یعفور! از آن ننوش، حرام است! این ناراحتی از شیطان است که بر تو مسلط شده است.

اگر او از تو ناامید شود، تو را رها خواهد کرد و دیگر به سراغت نخواهد آمد. عبدالله به کوفه برگشت. درد شدید شد. بیش از همیشه او را آزار می‌داد. بستگانش وقتی ناراحتی او را دیدند، به او گفتند: تو برای تسکین ناچاری مقدار کمی از شراب بنوشی! عبدالله گفت: به خدا قسم! هرگز یک قطره هم نخواهم نوشید. (هرچند بمیرم)

ناراحتی وی مدتی ادامه داشت، تا اینکه خداوند او را شفا داد و تا زنده بود، آن ناراحتی را احساس نکرد.

این چنین بود که پیش‌بینی امام صادق ۷ تحقق یافت.

۱. حسین انصاریان؛ عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)؛ ج ۸.

۳. علی ۷ و مرد قصاب

روزی حضرت علی ۷ از درب دکان قصابی می‌گذشت. قصاب به آن حضرت عرض کرد: یا امیرالمومنین! گوشت‌های بسیار خوبی آورده‌ام، اگر می‌خواهید، ببرید. فرمودند: الان پول ندارم، بخرم. عرض کرد: من صبر می‌کنم. پولش را بعداً بدهید. گفت: من به شکم خود می‌گویم صبر کند. اگر نمی‌توانستم به شکم خود بگویم، از تو می‌خواستم صبر کنی؛ ولی حالا که می‌توانم به شکم خود می‌گویم که صبر کند. آری خاصیت نفس اماره این است که اگر تو او را وادار و مطیع نکنی، او تو را مشغول و مطیع خواهد ساخت؛ ولی علی ۷ که در میدان جنگ مغلوب عمرو بن عبدودها و مرحب‌ها نمی‌شود، به طریق اولی و صد چندان بیشتر هرگز بر خود نمی‌پسندید که مغلوب میل و هوای نفس گردد.

پیام‌ها:

- ۱- نگاه انسان به خویش در زندگی نگاهی کاملاً ظاهری و سطحی‌نگر می‌باشد و بنابراین چون خویشتن را خوب نمی‌شناسد، متوجه نمی‌شود دشمنی در درون خویش دارد که او را از شناخت یگانه معبودش باز داشته است و این امر سبب می‌شود به جای پیروی از خدا، پیرو نفس اماره خویش باشد. همان‌طور که امام علی ۷ فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه».
- ۲- با شناخت نفس اماره متوجه می‌شویم که ریشه بسیاری از مشکلاتی که برایمان در زندگی اجتماعی و خانوادگی پیش می‌آید به خودمان برگشته و درصدد اصلاح این رذائل نفسانی بر خواهیم آمد.
- ۳- بسیار اتفاق می‌افتد انسان به زبان از نفس سرکش خویش گلایه و شکایت می‌کند، بدون اینکه لحظه‌ای در مورد این دشمن بزرگ تحقیق و تفحص کند یا در مجلس موعظه‌ای بنشیند؛ بنابراین پس از گلایه‌کردن‌ها مجدداً گناهان گذشته را تکرار می‌کند. این درس تا حدودی این مشکل را مرتفع خواهد کرد.
- ۴- گاهی اوقات دشمن بیرونی آن‌قدر به انسان تنگ می‌گیرد که متوجه نمی‌شود دشمن درونی در کمال آرامش به عداوت و انحرافش ادامه می‌دهد تا اینکه بالاخره او را از مسیر منحرف می‌کند. وی زمانی متوجه می‌شود که کار از کار گذشته و گناهان برایش ملکه شده است. با طرح این مبحث نفس اماره شناسایی و در نطفه خفه می‌شود.

۵- با شناسایی راه‌های مبارزه با نفس أماره در جایگاه دشمن‌ترین دشمنان، انسان وارد مرحله عمل شده و از مرحله علم فراتر خواهیم رفت؛ زیرا گفته‌اند: به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست.

۶- نفس أماره و شیطان گاهی با آماده‌کردن زمینه‌های گناه برای انسان، او را در میدان مبارزه سختی قرار می‌دهند. اگر انسان مقاومت کرد، آنها از وی ناامید شده و دست از او بر می‌دارند؛ ولی اگر انسان در برابر گناه مقاومت نکرد، هر روز او را آلوده‌تر می‌کنند تا بتوانند به طور کلی ایمان را از او سلب نمایند.

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. گناه‌شناسی؛ محسن قرائتی؛ ناشر: پیام آزادی، ۱۳۶۹.
۲. گناهان کبیره؛ سید عبدالحسین دستغیب شیرازی؛ ناشر: جهان.
۳. قیامت و قرآن (تفسیر سوره طور)؛ سید عبدالحسین دستغیب شیرازی؛ ناشر: کانون تربیت، ۱۳۶۲.
۴. جامع السعادات؛ ملا مهدی نراقی؛ ناشر: آوینا، ۱۳۸۵.
۵. نقطه‌های آغاز در اخلاق اسلامی؛ محمد رضا مهدوی کنی؛ ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۶. عوامل کنترل غرایز در زندگی انسان؛ حسین مظاهری؛ ناشر: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۷. خطوط کلی اخلاق در قرآن؛ مصطفی پاینده؛ ناشر: اسوه، ۱۳۸۸.

سؤالات:

- ۱- چه گروه‌هایی یاوران نفس را تشکیل می‌دهند؟
- ۲- طبق فرموده رسول خدا(ص) بزرگ‌ترین جهاد در راه خدا چیست؟
- ۳- چه راه‌کارهایی برای کنترل غریزه شهوت وجود دارد؟
- ۴- طبق آیه ۱۷۶ سوره مبارکه اعراف، نفس به چه حیوانی تشبیه شده است؟
- ۵- یکی از ویژگی‌های خطرناک نفس أماره تسویف می‌باشد، آن را توضیح دهید.

شناسنامه شیطان

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. چگونگی تبیین شخصیت شیطان در دیدگاه ادیان مختلف؛
۲. آشنایی با آیات و روایات درباره شیطان‌شناسی؛
۳. اهمیت و ضرورت شناختن شیطان، این دشمن دیرینه از دیدگاه اسلام؛
۴. تاریخچه آفرینش شیطان و دلیل گناه‌کردن شیطان در آیات؛
۵. فلسفه وجود شیطان در جایگاه اغواگر و فریب‌دهنده بندگان مؤمن خدا؛
۶. فرق بین فرشته و ملک با جن و شیطان با توجه به آیات و روایات؛
۷. ضرب‌المثل‌هایی کوتاه درباره شیطان.

مقدمه

در درس قبل درباره دشمن درونی (نفس اماره) مطالبی را بررسی نمودیم. در درس آینده درباره دشمن بیرونی (شیطان) نکاتی را خواهیم گفت که در این دو درس به ویژگی‌های شناسنامه‌ای و شناخت شیطان بسنده کرده و مابقی مطالب را در درس‌های آینده بحث خواهیم کرد.

شیطان کیست؟

تعریف شیطان

۱. تعریف لغوی

- * هر سرکش و نافرمان از مردم و پری و ستور و جز آن. ج: شیاطین.^۱
- * نافرمان و متمرّد.^۲

۲. تعریف اصطلاحی

شیطان یکی از مخلوقات الهی بود که شش هزار سال در درگاه خداوند مشغول عبادت بود و جایگاه ویژه‌ای نزد خدا داشت. بعد از آفرینش حضرت آدم، خدا به تمامی فرشتگان دستور داد تا در مقابل آدم سجده کنند؛ ولی شیطان از این امر سرپیچی کرد و خود را برتر از آدم دانست؛ چون آدم از خاک آفریده شده و او از آتش؛ به همین دلیل مورد غضب خدا قرار گرفته و از آن روز شیطان، دشمنی انسان را آغاز کرده و سعی در به انحراف کشیدن انسان‌ها داشته است.

شیطان در ادیان مختلف

۱. شیطان در اسلام

کلمه شیطان در عربی "الشيطان" و به معنای خطاکار، متجاوز و دشمن است. صفت شیطان معمولاً به موجودی به نام ابلیس داده می‌شود. ابلیس یک جن بوده که خدا را نافرمانی کرده است؛ بنابراین توسط خدا محکوم شده است که منبعی برای گمراهی انس و جن باشد و ایمان آنها را برای خدا بسنجد. شیطان در دین اسلام وسیله و عاملی برای آزمایش انسان است. بر اساس آیات قرآن شیاطین به دو دسته انسی و جنی تقسیم می‌شوند.^۳ همچنین می‌فرماید: «آیا او و نسلش را به جای من دوست خود می‌گیرید».^۴ در جای دیگری می‌فرماید: «به درستی که شیطان دشمن شماست؛ پس شما او را دشمن خود در نظر آورید».^۵

شیطان یا ابلیس یکی از مخلوقات خداوند است که قبل از خلقت آدم در صفوف ملائک و در گروه فرمانبرداران و عبادت‌کنندگان بوده و از اوامر خدای متعال سر باز زده و

۱. لغت نامه دهخدا؛ ذیل لغت شیطان.

۲. لغت نامه معین؛ ذیل لغت شیطان.

۳. رک: درس «شگردها و روش‌های شیطان در فریب دادن انسان‌ها».

۴. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا». (کهف: ۵۰)

۵. «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ». (فاطر: ۶)

به نافرمانی و عصیان گراییده و از صحنه و عالم وسیع ملاً اعلا و فرشتگان مقام بالا اخراج شده است. ابلیس اولین فردی بود که این گناه عظیم را مرتکب شد و نتوانست نورانیت و روحانیت آدم را با نورانیت آتش (جنس خودش) تشخیص دهد و تفاوت آن دو را دریابد. آدم تنها از خاک نبود؛ بلکه از آن روح الهی بود که در آن دمیده شد و گرنه خاک کجا و این همه استعداد و تکامل کجا؟!^۱

۲. شیطان در یهود

در لغت به معنای دشمن یا «تهمت‌زننده» است. همچنین نام فرشته‌ای است که مؤمنان را محک می‌زند. در یهودیت شیطان، ابلیس نامیده می‌شود. شیطان در یهود دشمن خدا شناخته نشده است؛ بلکه یک خادم خداست که وظیفه دارد ایمان بشریت را آزمایش کند.^۲

۳. شیطان در مسیحیت

در بسیاری از شاخه‌های مسیحیت، شیطان (در اصل لوسیفر) قبل از آنکه از درگاه خدا طرد شود، یک موجود روحانی یا فرشته بوده که در خدمت خداوندگار بوده است. گفته می‌شود شیطان از درگاه خداوند به دلیل غرور بیش از حد و خودپرستی طرد شده است. همچنین گفته شده شیطان کسی بوده که به انسان گفت: می‌تواند خدا شود؛ به همین دلیل موجب معصیت اصلی انسان در درگاه خدا شده و در نتیجه از بهشت عدن اخراج شده است.

کلمه شیطان در انجیل، اسم خصم یا مانع بشر است. در قسمت دیگر از کتاب انجیل، شیطان برای ترمز کردن در برابر خدا تلاش می‌کرد؛ اما در نافرمانی ناکام شد و خدا او را به جهنم تبعید کرد. شیطان اختراع کلیسا بود تا همه بدی‌ها را به او نسبت دهند. البته مقامات کلیسا می‌دانستند شیطان ساخته و پرداخته دست خود آنها است؛ ولی متعصبان مذهبی که دنباله‌رو آنها شده بودند، واقعاً تصور می‌کردند با نسبت‌دادن همه بدی‌ها به شیطان، به مذهب و کلیسا خدمت می‌کنند.

در عهد جدید شیطان وسوسه‌گر حضرت مسیح است که در نهایت او فریب وسوسه‌های شیطان را نخورد؛ همچنین تأکید شده باید بیدار و هوشیار بود و به وسیله ایمان جلوی تیرهای او را گرفت و در مقابل او مقاومت نمود.^۳

با توجه به اینکه مسیحیان هر دو عهد را قبول دارند، به نظر می‌آید تأثیرپذیری آنان از

۱. برگرفته از پندارهایی از شیطان؛ اثر گوستاو دور در کتاب بهشت گمشده؛ نوشته جان میلتن.

۲. همان.

۳. همان.

آموزه‌های عهد قدیم درباره شیطان در زندگی سیاسی و اجتماعی به‌ویژه پس از رنسانس بیش از عهد جدید بوده است؛ زیرا طبق برداشت تورات، شیطان وسوسه‌گر، همان عقل است و شجره ممنوعه، همان درخت آگاهی است که انسان با تمرد از دستورات خدا به آگاهی و معرفت می‌رسد و به همین دلیل از بهشت خدا رانده می‌شود.

۴. شیطان در زرتشت

دین در زرتشت، تنها دینی است که از یک اعتقاد دینی مشخص وام گرفته شده و در کتاب مقدس از آن یاد شده است. از آغاز صحیفه‌های عهد عتیق تا صحیفه اشعیای نبی همواره منشأ غایی همه چیز و از جمله شر یهود معرفی گردیده است؛ اما پس از اسارت و تبعید یهود، تغییر مشخصی صورت پذیرفت. اگر دو روایت مشابه مربوط به تجربه خاصی از حضرت داوود - پادشاه قوم اسرائیل - را در نظر بگیریم، خواهیم دید در سندی که مربوط به دوران پس از تبعید است، در مطلب مشابهی که مربوط به دوران قبل از تبعید قوم یهود بوده، واژه شیطان جایگزین قوم یهود گردیده است. بنابراین شیطان از اجزای اصلی کتاب مقدس نبود، بلکه بعدها به وسیله دین زرتشتی وارد آن شده است. هنگامی که یهودیان به بابل تبعید شده بودند، در تماس مستقیم با دین زرتشتی قرار گرفتند و ایده‌های دقیق و استنادانه‌ای از آن دین وام گرفتند؛ از قبیل مبحث فرشتگان و شیطان. اولی اهورامزدا نام دارد که نور است و حیات آفریدگار خوبی و پاکی؛ دومی که اهریمن است، ظلمت است و پلیدی و خالق امور مضر و اشیای زشت و دروغ. شیطان در بسیاری از ادیان مظهر شر و ناپاکی است که این مفاهیم در تعالیم بنیانگذار دین زرتشت و همه متون بعدی این دین بوده است. از ویژگی‌های اصلی شیطان دروغ و فریب است و حداقل ۶۰۶ بار در گات‌ها مورد سرزنش قرار گرفته است. اسم خاص انگره مینو متخاصم‌ترین روح، فقط یک‌بار در تعالیم زرتشت به چشم می‌خورد. وجود خداوند نیک و شیطان که با یکدیگر مبارزه می‌کنند، از مشخصات اصلی دین زرتشتی است و به نام اعتقاد به ثنویت جهانی (دوگانه پرستی) در میان سایر ادیان شهرت یافته است. انگره مینو و تعداد بی‌شماری از شیاطین وجود دارند که به طور منظم در مقابل فرشتگان خیر و اهورا مزدا (خدای حکیم - ذات متعال) قرار می‌گیرند. نام این شیاطین عبارتند از: گرسنگی، تشنگی، خشم، نفرت، حسد، دروغ، خشکسالی، زمستان و بدکاری، نام این ارواح شرور، دیو می‌باشد که در زبان پارسی به صورت *diu* و در زبان انگلیسی به نام *devil* تغییر یافت.^۱

۱. برگرفته از جان بایر ناس؛ تاریخ جامع ادیان؛ ترجمه علی اصغر حکمت؛ ص ۴۴۷ تا ۴۸۲ و پندارهایی از شیطان؛ اثر گوستاو دور در کتاب بهشت گمشده؛ نوشته جان میلتنون.

شیطان در نگاه قرآن و روایات

الف) شیطان در تعابیر قرآنی:

قرآن کریم جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب مقدس، به صورت کاملاً جدی و گسترده در مورد شیطان سخن به میان آورده و این امر دلیل بر اهمیت این موضوع و شناخت این دشمن سرسخت انسان‌ها گردیده است.

۱. شیطان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود: «وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»^۱

۲. شیطان نسبت به پروردگارش نافرمان بود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا»^۲

۳. شیطان دشمن آشکار انسان است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»^۳

۴. شیطان بسیار شکست‌دهنده و خوارکننده است: «وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»^۴
«فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ»^۵

۵. شیطان تصمیم دارد بنی آدم را به سرنوشت پدر و مادرشان مبتلا کند؛ پس باید از فتنه او برحذر باشید: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ»^۶

پیام‌های آیه: ۲

۱. از تاریخ و سرنوشت دیگران عبرت بگیریم: «كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم»؛
۲. خود را بیمه شده و به دور از انحراف ندانیم. حضرت آدم که مسجود فرشتگان بود، با فریب شیطان از جایگاه خود دور شد: «أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم...»؛
۳. برهنگی و کشف حجاب، عامل خروج از جایگاه قرب الهی است: «أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم... يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا»؛
۴. هرگونه برنامه و تبلیغاتی که به برهنگی بینجامد، شیطانی است: «لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ... يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا»؛
۵. هدف شیطان، برهنگی زن و مرد در برابر یکدیگر است: «لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تَهُمَا»؛

۱. اسراء: ۲۷.

۲. مریم: ۴۴.

۳. یوسف: ۵.

۴. فرقان: ۲۹.

۵. بقره: ۳۶.

۶. اعراف: ۲۷.

۷. محسن قرآنی؛ تفسیر نور؛ ذیل آیه.

۶. شیطان تنها نیست، بلکه گروه و ایادی دارد: «إِنَّهُ يَرِيكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ»: چنان که در جای دیگر می خوانیم: «وَجُنُودُ إِبْلِيسَ»^۱
۷. چون شیطان را نمی بینیم، از او غافل نباشیم و همیشه آماده باشیم: «لَا يَفْتِنَنَّكُمْ... لَا تَرَوْهُمْ»؛ زیرا فریبندگی شیطان به دلیل ناپیدایی اوست.
۸. برهنگی، نشانه ایمان نداشتن و سلطه شیطان است: «يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا... أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛
۹. سلطه شیطان به دلیل اعمال خود انسان است: «أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛
۱۰. سنت خداوند آن است که شیطان بر کافران و منکران حاکم شود: «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛
۱۱. ایمان به خداوند، مانع ولایت و حاکمیت شیطان بر انسان می شود: «أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ».

آنچه بیان شد نمونه ای بود از آنچه در قرآن مجید درباره شیطان آمده است و همین مقدار هم به وضوح ضرورت تحقیق از موضوع شیطان را نشان می دهد؛ زیرا طبق آیات قرآن شیطان دشمن آشکار انسان است و شناخت دشمن به حکم عقل و شرع از ضروریات است.

شیطان به حقیقت مانع و سد تکامل انسان به سوی تقرب خدا است. شیطان از خداوند مهلت خواسته تا روز قیامت در انسان ها، القای وسوسه کند.^۲ شیطان قسم یاد کرده همه انسان ها را به جز مخلصین به گمراهی بکشاند.^۳ همه انسان ها حتی اولیاء و متقیان از شر او ایمن و مصون نیستند و در قرآن کریم شیطان مظهر فساد و منشأ بدی ها معرفی شده که انسان را از روشنائی ایمان به تاریکی کفر و شرک دعوت می کند و در احادیث مبارزه با این دشمن درونی که همان نفس اماره^۴ می باشد، جهاد اکبر^۵ معرفی شده است.

۶. آمادگی شیطان برای تحویل پست گمراه کردن:

اصل وجود شیطان به دلیل اینکه آفریده خداست و هر آفریده الهی خیر است، خیر می باشد و بر همین اساس هزاران سال در درگاه خدا عبادت کرد؛ ولی شیطان چون خود بدی را انتخاب کرد، از درگاه الهی رانده شد و خدا هرگز او را بد نیافرید؛ بنابراین

۱. شعراء: ۹۵.

۲. «قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ» (واقعه: ۵۰).

۳. «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (ص ۸۲ و ۸۳).

۴. رک: درس نفس اماره، دشمن درونی انسان ها.

۵. همان - بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۶۷ ص ۶۵ ح ۷ - ثقة الاسلام کلینی؛ الکافی؛ ج ۵ ص ۱۳.

شیطنت و اضلال او نیز مبنی بر حکمت و مصلحتی می‌باشد که به موجب همان حکمت و مصلحت، شیطان شر نسبی است نه شر حقیقی و واقعی و مطلق. از همه شگفت‌تر این است که بر حسب منطق قرآن، شیطان به اختیار خود راه ضلالت و گمراهی را انتخاب کرد و سپس در مقابل فرمان حق سرکشی نمود...^۱

قسم خورد انسان‌ها را فریب دهد^۲ و پس از آن وسیله سنجش و آزمایش انسان‌ها قرار گرفت و خداوند به او فرمود: «وَأَسْتَفْزِرُ مِنْ أَسْطَعَتِ مِنْهُمْ بَصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»^۳: هر که را از فرزندان آدم می‌توانی بلغزان، با سواره نظام و پیاده نظامت بر آنان بتاز، در ثروت و فرزند شریک‌شان شو و نویدشان ده و شیطان جز دروغ و فریب نویدشان نمی‌دهد.

ب) شیطان در روایات

۱. شیطان خود را معرفی می‌کند:

در حدیثی طولانی از علی‌بن‌محمد صوفی که به ابلیس برخورد و از او پرسید: تو کیستی؟ گفت: از آدمیزاده‌ها. او گفت: لا اله الا الله، تو از مردمی هستی که پندارند خدا را دوست دارند و نافرمانیش کنند و ابلیس را دشمن دارند و فرمانش برند. گفتش اکنون بگو تو کیستی؟ گفت: منم صاحب داغکن و نام بزرگ و طبل بزرگ، منم کشنده هابیل، منم سوار بر کشتی به همراه نوح، پی‌کن ناقه صالح، صاحب آتش ابراهیم، زمینه‌ساز کشتار یحیی، فراهم‌کننده قوم فرعون در نیل، جادوساز و جادوپرداز با موسی، گوساله‌ساز بنی‌اسرائیل، ازه‌کش بر زکریا، همسفر ابرهه برای ویرانی کعبه با فیل، سردار لشکر ضد محمد در احد و حنین، حسدانگیز در دل منافقانی در سقیفه، صاحب هودج^۴ در جنگ بصره و شتردار. آن منم که در سپاه صفین ایستادم، منم که در کربلا مؤمنان را سرزنش کردم، منم امام منافقان، منم نابود کن پیشینیان، گمراه‌کن بعدیان، منم شیخ ناکثین پیمان‌شکن، منم رکن قاسطان، منم ظلّ مارقان، منم ابومرّه آفریده از آتش نه از گل؛ من آنم که پروردگار جهانیان بدو خشم کرده. صوفی گفت: تو را به خدا مرا به کاری رهنما که بدان به خدا نزدیک شوم و به راه پیشامدهای بد روزگارم یاری جویم. گفت:

۱. «قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف: ۱۲).
 ۲. «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم؛ ص: ۸۲)؛ «قَالَ فِيمَا إِيغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَأَنْبِتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»؛ به این سبب که مرا گمراه ساختی، بر سر راه ایشان خواهم نشست. ان‌گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از راست و چپ‌شان خواهم آمد و بیشتر آنان را سپاسگذار نخواهی یافت. (اعراف: ۱۶ - ۱۷).
 ۳. اسراء: ۶۴.
 ۴. مقصود از هودج آن است که عایشه روز جنگ جمل بر آن سوار بود.

از دنیای خود به همان پارسایی و کفایت زندگی قناعت کن و بر آخرت خود به دوستی علی بن ابیطالب (علیه السلام) یاری جو و دشمنی با دشمنانش؛ زیرا من خدا را در هفت آسمان عبادت کردم و در هفت سرزمین نافرمانی کردم و نیافتم فرشته مقرب و نه پیغمبر مرسل جز آنکه به دوستی او تقرب می‌جستند. گوید سپس از چشم نماند و آمد حضور ابوجعفر و به او گزارش دادم. فرمود: آن ملعون به زبانش ایمان آرد و به دلش کافر باشد.^۱

۲. هر پلیدی از شیطان برمی‌خیزد:

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: ابلیس به پروردگارش گفت: پروردگارا آدم به زمین فرو آورده شد و من می‌دانم. البته کتب و رسلی خواهند بود، کتب و رسل آنها چیستند و کیستند؟ فرمود: رسولان نشان فرشته و پیغمبرانند و کتاب‌هایشان تورات، انجیل، زبور و فرقان. گفت: پس کتاب من چیست؟ فرمود: کتاب تو خالکوبی، خواندنت شعر و رسولانت کاهنان، خوراقت آنچه نام خدا بر آن خوانده نشود، نوشابهات هر مسکر و گفتارت دروغ، خانهات حمام و دام‌هایت زنان، جارکشت نی و مسجدت بازارها.^۲

ضرورت شناخت شیطان:

«در حقیقت شیطان دشمن شماست، شما نیز او را دشمن گیرید».^۳
فطرت انسانی طوری پایه‌ریزی شده که مانند بسیاری از رذائل به واژه دشمن حساس می‌باشد و به محض شنیدن چنین واژه‌ای به دنبال مصادیق آن گشته و درصدد از بین بردن و دوری از آن مصادیق برمی‌آید. با خروج آدم از بهشت توسط شیطان، نطفه دشمنی در این عالم گذاشته شد و شیطان نقطه اوج دشمنی‌ها در عالم لقب گرفت.

۱. دشمنی دیرینه

انسان هرگز از دشمنی سخت کینه‌توز که گمراهیش را آرزو داشته، جدا نیست. دشمنی که تنها برای بی‌آبرو کردن آدمی مطابق بیان قرآن که می‌فرماید: «پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم».^۴ از خدا مهلت زندگانی گرفته تا بر بیچارگی

۱. آسمان و جهان؛ ترجمه کتاب السماء و العالم بحار؛ ج ۷، ص: ۱۹۷.

۲. همان؛ ص: ۲۱۹.

۳. «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ»؛ (فاطر: ۶).

۴. «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا أَعُوذُ بِهِمْ أَجْمَعِينَ»؛ (ص: ۸۲).

وی بشورد؛ بر این اساس او بسیار خطرناک بوده و برای رسیدن تنها هدفش به انواع حيله‌ها مبنی بر فریب و گمراه کردن آدمیان دست می‌زند.

۲. غفلت ما، انگیزه بیداری او

امام سجاد علیه السلام فرمودند: اگر ما از او غافل شویم، او از ما بی‌خبر نیست و اگر ما او را فراموش کنیم، او ما را از یاد نمی‌برد.^۱
علامه طباطبایی نیز در این زمینه فرمودند:

«موضوع ابلیس نزد ما پیش پا افتاده شده؛ بنابراین به آن عنایتی نداریم، جز اینکه روزی چند بار او را لعنت کرده و از شرش به خدا پناه می‌بریم؛ اما این موضوع، موضوعی بسیار قابل تأمل، دقت و بحث است و متأسفانه تاکنون در صدد برنیامده‌ایم ببینیم قرآن درباره این موجود عجیب که در عین اینکه از حواس ما غایب است؛ اما تصرفات عجیبی در عالم انسانیت دارد، چه می‌گوید؟»

چرا نباید در صدد شناختن این دشمن درونی و خانگی خود برآییم؟ چرا به این امر بی‌اعتنائیم؟ دشمنی که از روز پیدایش بشر تا مرگ و حتی پس از مردنش نیز دست از سر او بر نمی‌دارد و تا آدمی را در عذاب جاودانه دوزخ نیندازد، آرام نمی‌گیرد.^۲

۳. یک نکته فراموش‌نشده

عارفی می‌گفت: شیطان لعین برای پدر و مادرت (آدم و حوا) قسم یاد کرد که خیرخواه ایشان است و دیدی که با آن دو چه کرد؟ اما شیطان به گمراهی تو کمر همت بسته است.

چنان‌که خدای تعالی در قرآن کریم از زبان او می‌فرماید: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»^۳.

حال می‌پنداری با تو چه کند؟!

تاریخچه شیطان در آفرینش

۱. چرا شیطان در بهشت به گناه افتاد؟

۱. صحیفه سجاده: مناجات‌های امام سجاد 7؛ دعای ۲۵.
۲. سید محمدباقر همدانی؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ج ۸، ص ۴۲.
۳. ص: ۸۲.

شیطان از جنس جن^۱ و مانند انسان موجودی مختار است.^۲ و هر موجود مختار می‌تواند راه‌های خوب و بد برگزیند^۳ و نتیجه آن را دریافت کند.^۴ خداوند جن و انس را اساساً برای سعادت و رسیدن به کمال آفریده^۵ و آن دو را به راه سعادت هدایت فرموده است؛ ولی برخی از انسان‌ها و جنی‌ها راه هدایت را پذیرفته^۶ و برخی آن را رها ساخته و خود و دیگران را به بدی‌ها دعوت می‌کنند؛^۷ شیطان نیز یکی از همین‌ها است. قرآن مجید هر انسان یا جن بدکار و دعوت‌کننده به بدی‌ها را شیطان نامیده است و یکی از این شیاطین همان «ابلیس» است که از سجده بر آدم سر برتافت و راه انحراف و دعوت به انحراف پیش گرفت.^۸ البته او بر هیچ‌کس سلطه ندارد و فقط وسوسه‌گر است^۹ و خداوند خطر وسوسه‌گری‌های او را گوشزد کرده، به مقاومت در برابر آن پاداش بسیاری می‌دهد.^{۱۰}

بنابراین شیطان از آنجا که جن بوده است، موجودی انتخاب‌گر و صاحب اراده بوده و توان سربچی از فرمان خداوند را داشته است. بله، در اثر کثرت عبادت شیطان در ردیف ملائکه به شمار می‌آید؛ ولی اصالتاً از جنیان بود. در مقابل انسان که از خاک خلق شده است، شیطان از آتش خلق شده است.

۱. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ...» (کهف: ۵۰)
۲. «فَبِمَا كَفَرْنَا بِهِ عَن ذُنُوبِهِ إِنْسًا وَلَا جَانًّا» (الرحمن: ۳۹)؛ «وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَيَّ رَبِّهِمْ قَالَ الْإِنْسِيُّ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (انعام: ۳۰)؛ «أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمِّمْ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ» (احقاف: ۱۸)؛ «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (جن: ۱۷).
۳. «وَقَبَضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمِّمْ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ» * وقال الذين كفروا ربنا اربنا الذين أضلنا من الجن والإنس نجعلهما تحت أقدامنا ليكونا من الأسفليين» (فصلت: ۲۹-۲۵)؛ «وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَوْأ إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّبَدِّرِينَ» (احقاف: ۲۹).
۴. «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاقِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹)؛ «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَّاءً غَدَقًا» (جن: ۶۵-۱۶).
۵. «وَمَا خَلَقْنَا الْجِنِّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادُونَ» (ذاریات: ۵۶).
۶. «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَأَمَّا بِهٍ وَلَنُثَبِّتَكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا * وَأَنَا مِّنَ الصَّالِحِينَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا * وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ أَمَّا بِهٍ فَمِنَ يَوْمٍ رَبِّهِ فَلَإِيحَافَ بَخْسًا وَلَا رَهْفًا * وَأَنَا مِّنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ فَمَن أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» (جن: ۲، ۱۱، ۱۳ و ۱۴).
۷. «مِنَ الشَّرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس: ۴-۶)؛ «وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا * وَأَنَّهُمْ كَفَتُوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنُ يَجْعَلَ اللَّهُ أَحَدًا * وَأَنَا مِّنَ الصَّالِحِينَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا * وَأَنَا مِّنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ فَمَن أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» (جن: ۴، ۷، ۱۱ و ۱۴).
۸. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَيَلُؤُا نِسَاءَ رَبِّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذُرَّهُمْ وَمَا يَقْتُرُونَ» (انعام: ۱۱۲)؛ «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَن أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتُخَذُونَهِ وُدًّا إِنَّهُ أَوْلِيَاءُ مِّن دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا» (کهف: ۵۰).
۹. «مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس: ۶).
۱۰. «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلِ مَن نَّارِ السَّمُومِ * قَالَ لَمَ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّن حَبِّا مَسْنُونٍ» (حجر: ۲۷ و ۳۳)؛ «وَوَخَّلَى الْجَانَّ مِّن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ» (الرحمن: ۱۵)؛ «قَالَ مَا مَنَعَكَ آلَا تَسْجُدُ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ» (اعراف: ۱۲)؛ «قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ» (ص: ۷۶).

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۱ و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنند، همه سجده کردند، مگر شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران بود.

از صدر این آیه به دست می‌آید که ابلیس نیز از نوع جن است؛ ولی به دلیل عبادت‌های فراوان در کنار ملائکه قرار داشت؛ بنابراین وقتی خدا ملائکه را به سجده فرمان داد، ابلیس را نیز در برگرفته است.

۲. شیطان از نقطه بلند سقوط کرد!

عموماً دیده شده است هر چه یک موجود مقام بالاتری در نگاه زبردستان و هم‌کیشانش داشته باشد، چنانچه پایش بلغزد و گناه و کجروی از او سر بزند، درصد آسیب‌هایی که به او از ناحیه آن کجروی می‌رسد، بیشتر است. بنابراین شاید سؤالی با ذهن ما بازی کند که این همه عبادت از ناحیه شیطان چگونه با یک گناه موجب رانده شدنش از درگاه پروردگار شد؟

حضرت علی ۷ می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ إِذَا حَبِطَ عَمَلُهُ الطَّوِيلَ وَ جَهْدَهُ الْجَهِيدَ وَ كَانَ قَدْ عَبْدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافٍ...»^۲ پند و عبرت گیرید به آنچه خداوند با ابلیس رفتار کرد، در آن هنگام که اعمال و عبادات طولانی و تلاش و کوشش‌های او را که شش هزار سال بندگی خدا کرده بود... به ساعتی تکبر ورزیدن بر باد داد... .

اولاً: ابلیس با تمرد و عصیان خود نشان داده بندگی ندارد. اگر بندگی داشت، در برابر امر خدا خضوع می‌کرد و اطاعت و انقیاد خود را نشان می‌داد. ثانیاً: شیطان زیاد عبادت داشت. شش هزار سال؛ اما امتناع از سجده کردن برای آدم ۷، امتناعی معمولی و ساده نبود و گناه عادی محسوب نمی‌شد، بلکه سرکشی و آمیخته به اعتراض و انکار مقام پروردگار بود. از این رو مخالفت او از کفر و انکار علم و حکمت خدا سر در آورد و به همین دلیل می‌بایست تمام مقام‌ها و موقعیت‌های خویش را در درگاه الهی از دست بدهد.^۳

دیگر اینکه کفر موجب حبط عمل است، تکبری که موجب کفر شیطان شد، همانند جرقه‌ای بود که انبار باروت را به خاکستر تبدیل کند؛ بنابراین عبادت طولانی ابلیس را تکبر و عصیان و عدم تسلیم یک‌جا از بین برد. به همین دلیل خدای سبحان در قرآن

۱. بقره: ۳۴.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲.

۳. گزیده تفسیر نمونه؛ ج ۱ و ۲.

مجید می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۱ ابلیس در اثر استکبار و نافرمانی از کافران شد. ابلیس طبق صریح آیات قرآن از جنس فرشتگان نبود، بلکه در صف آنها قرار داشت و او از طایفه جن بود که مخلوقی جسمانی است. انگیزه او در این مخالفت، کبر و غرور و تعصب خاصی بود که بر او چیره شد. او پنداشت که از آدم برتر است و دلیل کفر او نیز همین بود که فرمان حکیمانه پروردگار را نادرست شمرد.^۲

علامه طباطبایی در *المیزان* احتمال داده که ابلیس قبل از قضیه امتناع از سجده بر آدم، کافر بوده و امتناع از سجده با کفر ضمیرش ارتباط داشته است. البته منظور از این کفر، بی‌اعتقادی به خدا نبود، بلکه همان رذیله خودخواهی و خودپرستی است که به صورت خفی و نا آشکارا در درونش بوده و سبب طغیان و سرکشی‌اش در برابر پروردگار شد.^۳ این نشان می‌دهد ابلیس به دلیل کثرت عبادت از مقام و منزلت بزرگی برخوردار بوده است؛ از سوی دیگر در ذیل آیه مذکور آمده است: «وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛ چنان‌که علامه طباطبایی در تفسیر این آیه گفته است.

این تعبیر نشان می‌دهد که شیطان از قبل در ضمیر خود این رذیله نفسانی را داشت؛ اما تا زمان وجوب سجده، مجالی برای آشکارکردن آن پیدا نشده بود. روایاتی نیز مؤید این مطلب وجود دارد که علامه طباطبایی ذیل همین آیه ذکر کرده است. از مجموع صدر و ذیل آیه می‌توان دریافت که وجود رذائل نفسانی در او باعث شد که در مجال مناسب، واقعیت رذائل خود را نشان دهد و ضمیر پنهان خود را با کفر آشکار کند و این همان معنای هشدار علی ۷ و عبرت‌گیری از شیطان است.

چرا خداوند شیطان را آفرید؟

انسان باید آزمایش شود

با بررسی ساختار و نیروهای وجود خود و ابعاد روحی و علمی و معنوی خویش درمی‌یابیم که استعدادهایی شگفت در وجود ما نهفته است؛ ولی رشد و بالندگی آنها در مصاف برخورد با رقیب است. در جبهه کارزار با حریف استعدادهایمان شکوفا می‌شود و اگر حریف و میدانی نباشد، ممکن است جوانه آن قوا خشک شود یا به صورت دینه‌ای برای همیشه راکد بماند و تحلیل برود. به طور نمونه می‌توان گفت: هیچ قهرمانی و

۱. بقره: ۳۴.

۲. گزیده تفسیر نمونه؛ ج ۱، ص ۶۲ - ۶۳.

۳. علامه طباطبایی؛ *المیزان*؛ ج ۱، ص ۱۱۹.

رکورددار و یا فرد ممتاز مسابقات علمی جهان در آغاز کار حتی خودش نیز باور ندارد که چنین نیرویی در اختیار دارد و شکوفایی توان و استعدادش تا اندازه‌ای مرهون وجود حریف قوی در میدان و درگیری و رقابت با اوست. چون اگر فرضاً حریفی نبود، او نیز به کار نمی‌افتاد و ورزیده و آب‌دیده نمی‌شد و مجبور نبود پیوسته و بی‌وقفه تلاش کند و بنابراین هیچ‌گاه به اوج نمی‌رسید و ورزیده و پیشتاز نمی‌شد. روی این حساب وجود حریفی بسان شیطان لازم است تا با درگیری با او توانایی‌های عظیم معنوی انسان که گاهی حتی برای خودمان ناشناخته است، رخ نماید و خود را نشان دهد. اصولاً از دیدگاه قرآن کریم دوره در نیازستن و قرارگرفتن در کاروان سالکان سفر تکاملی و پیدایش مرگ و حیات، برای ورزیدگی و آزمون و شناسایی و اثبات بهترین‌هاست. «الذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...»؛^۱ آن‌که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام‌تان نیکوکارترید.

این مرحله دنیا نوعی آزمایشگاه و گزینش برای ماست؛ همان‌گونه که در سخنان حضرت امیرالمؤمنین ۷ آمده است: «فِيهَا اخْتَبِرْتُمْ وَلَعَبَّيْهَا خُلِقْتُمْ».^۲

هرکس در اینجا باید خودسازی کند و سرمایه‌ای فراهم سازد و با کوشش و تلاش سرنوشت خویش را رقم زند. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى»:^۳ و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده، هیچ نصیب و بهره‌ای نیست * و اینکه تلاش او به زودی دیده خواهد شد. با این توضیح روشن است که بدون وجود حریف و رقیب، شکوفایی و رشد و بالندگی پیدا نمی‌شود و انسان به مجاهدت و خودسازی و درک مقامات و منازل انسانی نمی‌رسد و در همان مرحله اولیه الفبای استعداد می‌ماند. اگر میدان‌های جهاد و یا شاهکارهایی چون کربلا نبود، آیا اوج عظمت و انسانیت و بندگی رهبران آزادی و انسانیت، زمینه‌ای برای جلوه و ظهور می‌یافت؟ و در آن صورت فرشتگان حق نداشتند انسان را که می‌تواند اشرف موجودات باشد، در چهره مفسد و خون‌ریز و امثال آن ملاحظه کنند؟

ابلیس حریفی است که با وسوسه‌هایش زمینه کارزار را فراهم می‌کند و در این صحنه است که بندگان حق با درگیری و مبارزه توان‌فرسا با او به مقابله برمی‌خیزند و مشتتی به سینه دشمن و دست نیازی به درگاه خدا دارند و بر اثر مجاهدت و کوشش و به‌کارگیری تقوا به درجات و مدال‌های انسانیت نایل می‌گردند. امیرالمؤمنین ۷ می‌فرماید: «صافوا

۱. ملک: ۲.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۴.

۳. نجم: ۳۹ و ۴۰.

الشَّيْطَانِ بِالْمُجَاهِدَةِ وَأَغْلِبُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ تَزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ وَتَعَلُّوا عِنْدَ اللَّهِ دَرَجَاتِكُمْ: ۱ با کوشش مثبت در برابر شیطان صف‌بندی کنید و با نافرمانی از او بر او چیره شوید تا وجودتان رشد یابد و درجات‌تان نزد خدا بالا رود.

شیطان محک ارزش‌ها:

مردان خدا که به مقام قرب و درجه لقا و جنت وصال رسیدند، به سبب مجاهدت مداوم با وسوسه‌های دشمن درونی و بیرونی و کسب پیروزی در میدان جهاد اکبر بوده است؛ از این رو این فاتحان را قهرمان واقعی نام نهاده‌اند و پیکار با شیطان و نفس سرکش را جهاد اکبر نامیده‌اند.

پیامبر اسلام ﷺ به یاران‌شان که با پیروزی از جبهه نبرد برگشته بودند، تبریک گفت و هشدار داد: «مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ»: ۲ آفرین به گروهی که جهاد کوچک‌تر را گذشتند و جهاد بزرگ‌تر بر عهده آنان باقی است. جلال‌الدین رومی این روایت را چنین به نظم کشیده است:

ای شهان کُشتیم ما خصم برون	***	ماند خصمی زو بتر اندر درون
کشتن این کار عقل و هوش نیست	***	شیر باطن سخره خرگوش نیست
قد رجعنا من جهاد الاصغریم	***	با نبی اندر جهاد اکبریم
قوتی خواهیم ز حق دریا شکاف	***	تا به ناخن بر کنم این کوه قاف
سهل شیری دان که صف‌ها بشکند	***	شیر آن را دان که خود را بشکند ^۳

زیبایی‌های معنوی نیز همانند زیبایی‌های ظاهری هنگامی جلوه می‌کنند که در کنار زشتی‌ها باشد و اگر هیچ مزاحم و منافی نباشد، زیبایی‌ها جلوه نمی‌کنند. از این رو گفته‌اند: زشتی‌ها حق بزرگی بر گردن زیبایی و جمال دارند؛ بنابراین وجود حریفی چون شیطان لازم است تا توانایی‌های عظیم معنوی ما که حتی برای خود ما هم نامعلوم است، رخ نماید.^۴

فرق بین فرشته و ملک با جن و شیطان

قرآن کریم از حقیقتی به نام ملک و فرشته، و از حقیقت دیگری به نام شیطان و جن یاد کرده است و فرموده است: «وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ»: ۵ و جن را از شعله‌های

۱. آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ذیل عنوان تهذیب النفس.

۲. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۶۷؛ ص ۶۵ و کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۱۳.

۳. مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بیت ۱۳۷۳ - ۱۳۷۷.

۴. برگرفته از کتاب جلوه‌های رحمت الهی؛ استاد حسین انصاریان.

۵. الرحمن: ۱۵.

مختلط و متحرک آتش خلق کرد.

قرآن همه مأمورانی را که در نظام خلقت از طرف پروردگار دخالت دارند "ملک" می‌نامد؛ ولی در مقابل به "جن" هم قائل است. جن در ردیف ملائکه نیست، در ردیف انسان است؛ یعنی در عالم جزء مخلوقاتی است که مثل انسان مکلف و موظف‌اند؛ جن مخلوقی است که درجه‌اش از انسان پایین‌تر است. قرآن می‌گوید: ما انسان را از خاک، گل و این‌طور چیزها آفریدیم و جن را از شعله‌ای از آتش آفریدیم. جنس او آتشین است، این یک جنس است و او جنس دیگری، مبدأ مادی این یک چیز است و مبدأ مادی او چیز دیگری. شیطان هم درباره آدم اول همین حرف را زد، گفت: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»^۱: مرا از آتش آفریدی و او را از گل. معروف است که جن، جسم آتشین است که به شکل‌های گوناگون حتی به شکل سگ و خوک درمی‌آید و فرشته جسم نورانی است که به شکل‌های گوناگون به جز سگ و خوک در می‌آید. جن واقعاً وجود دارد؛ حتی تکلیف دارند و مانند انسان‌ها عبادت می‌کنند. شیطان از جنیان بود و از فرمان الهی مبنی بر سجده در پیشگاه آدم سرپیچی نمود. معمولاً ارتباط ملک با انسان را به شکل القاء خاطرات خوب در روح انسان بیان می‌کنند. حدیث هم هست که در قلب انسان دو گوش است، از یک گوش ملک و از گوش دیگر شیطان القائات تلقین می‌کنند.^۲

در قرآن آمده است که ملک یا فرشته تمثیل پیدا می‌کند؛ یعنی ذات و جنسش جسم نیست؛ ولی می‌تواند مثال جسمانی پیدا کند و در نظر انسان و در جلوی چشم انسان مجسم بشود. درباره روح القدس و مریم می‌گوید: «فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»^۳: در این هنگام ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص بر مریم ظاهر شد. شیطان هم همین‌طور است، گاهی بشر را صرفاً به وسیله وساوسی که در دل او القاء می‌کند، اغوا می‌نماید و گاهی در جلوی چشم بشر تمثیل پیدا می‌کند. فرشتگان پاک و معصومند و قرآن هم به پاکی و عصمت آنها اعتراف کرده، آنجا که می‌گوید: «بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ * لَا يُسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»^۴: آنها بندگان گرامی خدا هستند، در هیچ سخنی بر او پیشی نمی‌گیرند و فرمان‌های او را گردن می‌نهند. اصولاً از آنجا که در جوهر آنها عقل است و نه شهوت؛ بنابراین کبر، غرور و خودخواهی و به‌طور کلی انگیزه‌های

۱. اعراف: ۱۲.

۲. «بَابُ أَقْلِ الْقَلْبِ أَذُنَيْنِ يَنْفُثُ فِيهِمَا الْمَلَكُ وَالشَّيْطَانُ - ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ أَبِي عَدَدٍ قَالَ مَا مِنْ قَلْبٍ إِلَّا وَلَهُ أَذُنَانِ عَلَيَّ إِخْدَاهُمَا مَلِكٌ مُرِيدٌ وَعَلَى الْآخِرَى شَيْطَانٌ مُفْتِنٌ هَذَا بِأَمْرِهِ وَهَذَا بِزُجْرِهِ الشَّيْطَانُ بِأَمْرِهِ بِالْمَعَاصِي وَالْمَلَكُ بِزُجْرِهِ عَنْهَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (اصول کافی؛ ج ۳، ص ۳۶۶).

۳. مریم: ۱۷.

۴. انبیاء: ۲۶ - ۲۷.

گناه در آنها وجود ندارد.

آیا شیطان فرشته بود؟

استثناء ابلیس در بعضی آیات قرآن از جمع ملائک، این تصور را به وجود می‌آورد که ابلیس از فرشتگان بوده و با توجه به عصیان و سرکشی او این اشکال به نظر می‌رسد که چگونه از فرشته‌ای، این گناهان کبیره ممکن است سر بزنند؟! آیات قرآن این مشکل را حل کرده و می‌گوید: کان من الجن؛ آنها موجوداتی هستند از چشم ما پنهان و دارای عقل و شعور و خشم و شهوت.

قرآن از یک سو می‌گوید: «جن را از شعله های مختلط آتش آفرید»^۱.

و از سوی دیگر هنگامی که ابلیس از سجده بر آدم سرپیچید، منطوقش این بود: مرا از آتش آفریدی و او را از خاک و آتش برتر از خاک است.^۲ از این گذشته آیات قرآن برای ابلیس، ذریه (فرزندان) قائل شده است، در حالی که می‌دانیم فرشتگان ذریه ندارند. ساختمان جوهره فرشتگان به خوبی گواهی می‌دهد که ابلیس هرگز فرشته نبوده؛ ولی از آنجا که در صف آنها قرار داشت و آنقدر پرستش خدا کرده بود که به مقام فرشتگان مقرب خدا تکیه زده بود، مشمول خطاب آنها در مسئله سجده بر آدم شده و سرپیچی او به صورت یک استثناء در آیات قرآن بیان گردیده است.

در کتاب عیون/الخبار از امام رضا ۷ می‌خوانیم: فرشتگان همگی معصومند و محفوظ از کفر و زشتی‌ها به لطف پروردگار، راوی حدیث می‌گوید: به امام عرض کردم: مگر ابلیس فرشته نبود؟ فرمود: نه، او از جن بود، آیا سخن خدا را نشنیده‌اید که می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ»^۳؛ و آن‌گاه که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، جز ابلیس که از جنیان بود.

در حدیثی از امام صادق ۷ آمده است: «الْمَلَائِكَةُ لَا يَأْكُلُونَ وَ لَا يَشْرَبُونَ وَ لَا يَنْكِحُونَ، وَ إِنَّمَا يَعِشُونَ بِنَسِيمِ الْعَرْشِ»^۴؛ فرشتگان نه غذا می‌خورند و نه آب می‌نوشند و نه ازدواج می‌کنند، آنها تنها با نسیم عرش زنده‌اند!؟

آنها نه خواب دارند، نه سستی و غفلت؛ چنان‌که علی ۷ در حدیثی می‌فرماید: «لَيْسَ فِيهِمْ قَتْرَةٌ، وَ لَا عِنْدَهُمْ غَفْلَةٌ، وَ لَا فِيهِمْ مَعْصِيَةٌ ... لَا يَعْشَاهُمْ نَوْمُ الْعُيُونِ وَ لَا سَهْوُ الْعُقُولِ، وَ لَا

۱. الرحمن: ۱۵.

۲. اعراف: ۱۲.

۳. کهف: ۵۰.

۴. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۵۶، باب ۲۳، ص ۱۴۴.

فَتَرَةُ الْأَبْدَانِ، لَمْ يَسْكُنُوا الْأَصْلَابَ وَ لَمْ تَضْمُمْهُمُ الْأَرْحَامَ»^۱: در آنها نه سستی است و نه غفلت و نه عصیان ... خواب بر آنها چیره نمی‌گردد و عقل آنها گرفتار سهو و نسیان نمی‌شود، بدن آنها به سستی نمی‌گراید و در صلب پدران و رحم مادران قرار نمی‌گیرند. آنها مقامات مختلف و مراتب متفاوت دارند، بعضی همیشه در رکوعند و بعضی همیشه در سجودند. «مَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ* وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ* وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ»^۲: هر یک از ما مقام معلومی دارد، ما همواره صف کشیده، منتظر فرمان او هستیم و پیوسته تسبیح او می‌گوییم.

شیطان در ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌های هر جامعه دایرة‌المعارفی از اعتقادات و فرهنگ و باورهای آن است. شیطان رجیم در جایگاه یک موجود موذی، جایگاه ویژه‌ای در ضرب‌المثل‌های جوامع مختلف به خود اختصاص داده است که تعدادی از آنها را بیان می‌کنیم:

۱. عجله کار شیطان است: این ضرب‌المثل برای این است که توصیه کند مردم کارهایشان را با فکر و تأمل انجام دهند تا بعد از انجام آن پشیمان نشوند.
۲. دست شیطان را از پشت بسته: این ضرب‌المثل برای کسی است که اصرار بر گناهی دارد و خود به شیطانی دیگر تبدیل گشته است.
۳. فلانی مادر شیطان را شوهر می‌دهد: اشاره به کسی است که بدی‌ها را خوب و خوبی‌ها را بد جلوه می‌دهد.
۴. فلانی استاد شیطان است: اشاره به شخصی است که زیاد مکار و حيله‌گر است.
۵. گوش شیطان کر، چشم شیطان کور: این ضرب‌المثل زمانی گفته می‌شود که شخص کار غیرمنتظره‌ای که مردم از او توقع ندارند، انجام دهد.
۶. فلانی شیطان را در شیشه کرده: در افسانه‌های ایرانی شیاطین و جادوها شیشه‌ای دارند که هرگاه کسی آن را بشکند، شیطان می‌میرد. کنایه از غالب آمدن بر کسی یا چیزی است، گاهی نیز به این معنی است که فلانی کاری را انجام داده که دیگران قدرت انجام دادن آن را ندارند.
۷. از خر شیطان پایین آمدن: کوتاه آمدن، دست از یکدندگی و لجاجت برداشتن و به اصطلاح شیطان را از خود دور کردن.
۸. فلانی شیطان‌شکن است: یعنی فلانی اعمالی را انجام می‌دهد که مورد نفرت و انزجار شیطان است.

۱. همان.

۲. صافات: ۱۶۴ - ۱۶۶.

۹. طمع شیر و جوان باز چو شیطان رجیم: هنگامی که شخصی بر مال دیگران طمع بندد، این ضرب‌المثل در موردش به کار می‌رود.
۱۰. شیطان پیش او لُنگ می‌اندازد: او به شیطان درس مکاری و حيله می‌دهد.
۱۱. گوش شیطان کر: به هیچ وجه دلم نمی‌خواهد این را که می‌گویم خدای ناکرده روزی اتفاق بیفتد.

پیام‌ها:

۱. شناسایی دشمن مقدمه‌ای برای دانستن فنون و ابزارهای جنگی وی و راه‌های نفوذ او می‌باشد؛ بنابراین شناخت شیطان در جایگاه دشمن جانی ما انسان‌ها مقدمه‌ای برای درک بهتر اغواگری‌ها و راه‌های نفوذش می‌باشد که این راه‌ها در دروس آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
۲. حل بسیاری از شبهات در مورد شناخت شیطان؛ مانند اینکه چرا شیطان با انجام فقط یک نافرمانی تمام اعمال گذشته‌اش نادیده گرفته شد و از درگاه الهی رانده شد.
۳. امروزه با به وجود آمدن فرقه‌های شیطانی؛ چون شیطان‌پرستی بحث‌های گوناگون علمی در مورد این موجود منحرف و اغواگر به وجود آمده است که بسیاری از آنها ناشی از عدم شناخت شیطان می‌باشد که در این درس تقدیم حضور شما گردیده است.
۴. بسیاری از ما انسان‌ها به دلیل نشناختن شیطان و دشمن، راه‌های نفوذ وی را فراموش کرده و یا خوب از نظر نگذرانده‌ایم به همین دلیل چون نمی‌دانیم که شیطان برای فریب بندگان قسم یاد کرده است؛ بنابراین او را دست کم می‌گیریم و گاهی خود صفات این موجود رجیم را در وجودمان نهادینه می‌کنیم. برای دوری از این رذایل اخلاقی، شناخت شیطان امری ضروری است.
۵. اگر بفهمیم شیطان به واسطه صفت رذیله تکبر به دشمنی با ما برخاسته و تمام عاقبت خود را به شریعت و رذالت کشانده است، بسیاری از روابط اجتماعی ما سامان خواهد گرفت و با ترک این رذیله بزرگ، صفات ناپسندی مانند مرأء، تفرقه افکنی و... را از خود دور خواهیم کرد.

سؤالات:

- ۱- دلیل اصلی طغیان و سرکشی شیطان در مقابل خداوند چیست؟
- ۲- با توجه به آیه دوم سوره مبارکه "ملک" چرا خداوند ما انسان‌ها را آزمایش می‌کند؟

- ۳- آیا شیطان در دین یهود، دشمن خدا شناخته شده است؟
- ۴- طبق آیه ۸۳ سوره مبارکه "ص" شیطان چه گروهی از بندگان را نمی‌تواند گمراه کند؟
- ۵- آیا سجده نکردن شیطان بر آدم (علیه السلام) گناهی معمولی و قابل چشم‌پوشی بود؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. شیطان را بهتر بشناسیم؛ رضا محمدی تبار؛ ناشر: بحر العلوم، ۱۳۷۹.
۲. شیطان در کمین‌گاه؛ نعمت‌الله صالحی حاجی‌آبادی؛ ناشر: علامه، ۱۳۸۱.
۳. شناسایی شیطان؛ محبوبه حسینیان نائینی؛ ناشر: یار روشن، ۱۳۸۶.
۴. جایگاه شیطان؛ محمد میرسلطانی؛ ناشر: آوینا، ۱۳۸۵.
۵. دنیای شگفت‌انگیز "جن، ابلیس، شیطان"؛ رقیه یعقوبی؛ ناشر: بوستان دانش، ۱۳۸۸.

شگردها و روش های شیطان در فریب دادن انسان ها

آنچه انتظار می رود مخاطب از این دروس بداند:

۱. چگونگی شخصیت انسان در نگاه ابلیس؛
۲. آشنایی با روش ها و شگردهای شیطان در فریب دادن انسان؛
۳. بررسی آیات و روایات مختلف درباره شگردهای شیطان؛
۴. شناخت دام ها و گام های شیطان در فریب دادن با توجه به آیات؛
۵. شناختن اجمالی یاران و نیروهای شیطان در فریب دادن؛
۶. آشنایی با یاران جنی شیطان، به ویژه با توجه به آیات و روایات؛
۷. داستان هایی آموزنده و جذاب در مورد شیطان و شگردهای فریب او.

مقدمه:

در درس قبل نکاتی در مورد ضرورت شناخت شیطان در جایگاه دشمن قسم خورده خویش گفتیم و اکنون در نقطه مقابل آن، این مطلب مهم است که ما نیز در جایگاه دشمنان شیطان در دید او چگونه شناخته شده و معرفی شده ایم. مسلماً هر چقدر بیشتر بدانیم دشمن به چشم چگونه موجودی به ما نگاه می کند، راحت تر می توانیم راه های نفوذ، شگردهای حمله و انحراف کننده این دشمن خطرناک را به خود و هم نوعانمان بفهمانیم.

بخش اول: ابلیس ما را چگونه می بیند؟

ابلیس موجودی مختار همانند دیگر جنیان است و می تواند بر پایه اراده خویش اطاعت و یا عصیان پیشه گیرد.^۱ وی می تواند انسان ها را با وسوسه و اغواگری از راه به در کند و گمراه نماید.^۲ به نظر ابلیس جنس انسان از ماده بی ارزشی آفریده شده (لجن و گل بدبو)؛ بنابراین قابلیت آن را ندارد که مورد اطاعت و سجده قرار گیرد.^۳ این موجود دارای فرزند است و خود و فرزندانش به کینه رانده شدن از درگاه خدا می کوشند تا فرزندان آدمی را گمراه و بدبخت سازند. او موجودی عصیان گر،^۴ ملعون و رانده شده از درگاه خداوندی است.^۵

ریشه اخراج وی از جایگاه رفیع در میان فرشتگان، استکبار او بوده است.^۶ به نظر شیطان آدم قابلیت تکریم، احترام و اطاعت ندارد^۷ و با کینه ای که از وی در دل دارد، می کوشد او و فرزندانش را گمراه کند. از این رو با توجه به توانایی هایی که در اغواگری، فریب و وسوسه دارد، آدمی را به دام می اندازد و می کوشد تا بر پایه آن، بدبختی و شقاوت ابدی را نصیب انسان کند. وی برای دستیابی به این هدف از روش هایی بهره می برد که در اینجا به برخی از آنها با توجه به آیات قرآنی اشاره می شود.

بخش دوم: شگردها و روش های شیطان در فریب دادن:

این روش ها به طور کلی به دو بخش تقسیم می شوند:

۱. نفوذ از راه درون انسان

۲. نفوذ از راه برون انسان

درباره روش اول که با استفاده از همان وسوسه و تحریک نفس اماره انسان محقق می شود، در درس «نفس اماره، دشمن درونی انسان» بحث نمودیم و اما روش دوم به سه دسته تقسیم می شود:

۱. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴).
۲. «قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِي لِأَفْعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف: ۱۶ - ۱۷)؛ «قَالَ رَبِّ بِمَا أُغْوِيَنِي لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَاغْوِيَنَهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (حجر: ۳۹ - ۴۰).
۳. «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ إِلَّا تَكُونُ مَعَ السَّاجِدِينَ * قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۳۲ - ۳۳)؛ «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا» (اسراء: ۶۱).
۴. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴).
۵. «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ * قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ * وَإِنْ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ» (ص: ۷۵ - ۷۸).
۶. «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ» (ص: ۷۵ و ۷۷).
۷. «قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِآخْتِنِكَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۶۲).

الف) یاران جنی شیطان

ب) یاران انسی شیطان: خود به دو بخش تقسیم می شود:

۱. مونسان و همنشینان بد

۲. فرقه های شیطانی

ج) ابزارهای شیطان برای فریب دادن انسان

تبیین دسته های «ب و ج» در درس های آینده خواهد آمد؛ اما در این درس برآنیم تا در مورد دسته «الف» مباحثی را مطرح نماییم. قبل از ورود به بحث لازم است راهبردهای اساسی و کلی شیطان که در روش های فوق اعمال می کند را توضیح دهیم.

راهبردها و شگردهای شیطان از دیدگاه آیات و روایات:

ابلیس برای دست یابی به اهداف خود از هر شیوه ای استفاده می کند و چیزی را فرو نمی گذارد؛ از این رو سوگند خورده است که در راه دشمنی با آدم و فرزندانش از همه شگردها استفاده خواهد کرد. در ذیل برخی از این روش ها را از نظر می گذرانیم.

الف) از دیدگاه آیات:

۱. کارهای شیطان:

۱-۱. وسوسه: بعد از اخراج حضرت آدم ۷ از باغ بهشت، خداوند از او سؤال می کند: چرا گول شیطان را خوردی؟ آدم ۷ عرض می کند: چون او قسم به خدا یاد کرد، گمان نمی کردم کسی به خدا قسم یاد کند و دروغ بگوید. قرآن می فرماید: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى»^۱؛ پس شیطان او را وسوسه کرد [و] گفت: ای آدم! آیا [می خواهی که] تو را به درخت جاودانگی و مُلک [و پادشاهی] فناپذیر راهنمایی کنم؟!]

۱-۲. تزئین (زینت دادن گناه): همان وسوسه های شیطان است که زشت را در نظر زیبا می کند یا با استفاده از عوامل گوناگون خارجی، اعمال زشت را زینت می دهد؛ همان گونه که گاهی مواد کشنده را در پوشش هایی از شیرینی قرار می دهند و نیز انحرافات بزرگ را در لفافه های مانند تمدن و روشن فکری و آزاد اندیشی و امثال آن می پوشانند.^۲ خداوند در

۱. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءٍ تَهُمَا وَقَالَ مَانَهُكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (اعراف: ۲۰).

۲. تفسیر نمونه؛ ج ۱۱، ص ۷۲.

قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَاغْوِيَّتُهُمْ أَجْمَعِينَ»^۱: من هم در زمین [بدی‌ها را] برایشان می‌آرایم و همه را فریب خواهم داد.

۳-۱. مکر و فریب: هر چند شیطان حيله‌گر و مکار است؛ ولی کید او ضعیف است: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^۲: همانا کید و حيله شیطان ضعیف است.

۴-۱. وعده‌دادن به انسان: خداوند متعال می‌فرماید: [چون کار کيفر و پاداش به اتمام رسد] شیطان [از روی ملامت به دوزخیان] گوید: همانا خداوند به شما وعده راست داد و من به شما وعده دادم؛ ولی با شما تخلف کردم. من بر شما تسلطی نداشتم، جز آنکه شما را دعوت کردم و شما [به میل خود] استجابت کردید؛ پس مرا ملامت و نکوهش نکنید و خود را سرزنش کنید.^۳

به چند نمونه از وعده‌های دروغین دشمن بنگرید:

الف) تهدید به فقر:

انسان به طور طبیعی از فقر می‌هراسد و دشمن از همین روحیه بهره می‌جوید و در هنگام انفاق و دستگیری از درماندگان، تهدید به فقر می‌کند تا مبادا چیزی به درماندگان عطا کند. در قرآن می‌خوانیم: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۴: شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وا می‌دارد و خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد و خداوند گشایش‌گر داناست.

ب) وعده به بخشش‌های بیجا:

کرانه‌های عفو و کرم حق تعالی هرگز به ذهن کوتاه و ناچیز آدمی نمی‌آید. خدایی که رحمت را بر خود لازم شمرده و دامنه رحمتش در سرتاسر گیتی گسترده است؛ خدایی که رحمت بی‌نهایتش گسترده‌تر از گناهان ماست و چشم امید به بخشش او به مراتب از اعمال شایسته ما امیدوارکننده‌تر است. با این همه اگر انسان تحت تأثیر وسوسه‌های

۱. «وَجَدْتُمَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (نمل: ۲۴).

۲. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءٍ تَهُمَا وَقَالَ مَا نَهَكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَائِكَةً أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» ﴿وَقَالَ لَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لِمَنِ النَّصِيحِينَ﴾؛ فدلَّهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا نُورُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (اعراف: ۲۰-۲۲).

۳. «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِيَّيْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهيم: ۲۲).

۴. بقره: ۲۶۸.

شیطان دچار لغزش شود، نباید دست روی دست نهد و با دلخوش کردن به پندارهای کودکانه- مانند اینکه گناه من پدر بر گردن فرزندم و یا بالعکس است و...- بخشش خدا و پوشش گناه را آرزو کند؛ بلکه باید دست به کار شود و زمینه بخشش الهی را فراهم کند. این هشدار قرآن است که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ»^۱ ای مردم! از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی آید و هیچ فرزندی [نیز] به کار پدرش نخواهد آمد. آری، وعده خدا حق است؛ مبادا این زندگی دنیا شما را بفریبد و مبادا شیطان شما را نسبت به خدا فریب دهد.

ج) وعده اصلاح و توبه در آینده:

چاره نجات از لغزشها و گناهان، توبه و استغفار است؛ اما دشمن دست به کار شده و با وسوسه هایش می کوشد تا آدمی آن را به تأخیر اندازد و رفته رفته آن را فراموش کند تا در نهایت این آرزو را به گور ببرد؛ امام علی 7 در باره مکاید شیطان می فرماید: «و یمنیه التوبة لیسوفها اذا [حتی] هجمت منیته علیه اغفل ما یكون عنها»^۲ [شیطان] توبه را به صورت آرزویی در می آورد تا انسان برای انجام آن امروز و فردا کند تا آن گاه که مرگش فرا رسد و به طور کامل از آن غافل شود.

از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناک تر از آن، آن است که به انسان وعده اصلاح در آخر عمر و زمان پیری می دهد و تهذیب و توبه الی الله را به تعویق می اندازد؛ برای زمانی که درخت فساد و شجره زقوم قوی شده و اراده و قیام به تهذیب، ضعیف بلکه مرده است.

۵-۱. مشارکت در اموال و اولاد: شرکت کردن شیطان با آدمی در مال و فرزند، سهم بردن از منفعت است؛ مثل اینکه آدمی را وادار کند به تحصیل مال که خداوند آن را مایه رفع حاجت آدمی قرار داده از راه حرام؛ زیرا در این صورت هم آدمی از آن مال منتفع شده، به غرض طبیعی خود نائل می شود و هم شیطان به غرض خود رسیده است و یا آنکه از راه حلال کسب بکند و لیکن در معصیت به کار برند و در اطاعت خدا صرف نکنند؛ پس هر دو از آن مال منتفع شده اند با اینکه او از رحمت خدا تهی دست است. یا آنکه از راه حرام فرزندی برای آدمی به دنیا آید و یا از راه حلال به دنیا آید؛ ولی به

۱. لقمان: ۳۳.

۲. نهج البلاغه؛ خطبة ۶۴.

تربیت دینی و صالح تربیتش نکند و به آداب خدایی مؤدبش نسازد، در نتیجه سهمی از آن فرزند را برای شیطان قرار داده و سهمی را برای خودش و همچنین چیزهای دیگر.^۱ «وَشَارَكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»^۲.

۱-۶. نجوای شیطان (آهنگ باطل): حواس انسان را به سوی خود جلب می‌کند. بسیاری از افراد روان‌پزش بر این باورند که شخصی در گوش آنان زمزمه می‌کند و آنان را به گناه و یا کفر دعوت می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا...»^۳: همانا نجوا از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند، اندوهگین کند...

۱-۷. امر به فحشاء و منکر:^۴ خداوند متعال می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ»^۵: شیطان به شما وعده فقر می‌دهد و شما را به فحشاء امر می‌کند.

۱-۸. ایجاد آرزوهای موهوم و دروغین در انسان: شیطان گفته است: از بندگان تو سهم معینی خواهم گرفت و آنها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که [اعمال خرافی انجام دهند و] گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش [پاک] خدایی را تغییر دهند؛ [و فطرت توحید را به شرک بیالایند] و هرکس شیطان را به جای خدا، ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است. شیطان به آنها وعده‌ها [ی دروغین] می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ به آنها وعده نمی‌دهد. آنها [پیروان شیطان] جایگاهشان جهنم است و هیچ راه فراری ندارند.^۶

۱-۹. بهره‌گیری از سوگندهای دروغین: داستان حضرت آدم ۷.۲

۱-۱۰. تسویل: یعنی بد را خوب جلوه‌دادن یا خوب را خوب‌تر جلوه‌دادن، از فضیلتی مهم یا اهم باز بدارد؛ مثل اینکه انسان را سرگرم کار مستحبی می‌کند تا وی را از واجب باز دارد یا او را سرگرم واجب مهم می‌کند تا او را از واجب اهم محروم کند: «الشَّيْطَانُ

۱. ترجمة المیزان؛ ج ۱۳، ص ۲۰۱.

۲. اسراء: ۶۴.

۳. مجادله: ۱۰.

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۲۶)؛ «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِلَّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ لِلَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده: ۹۱).

۵. بقره: ۲۶۸.

۶. «لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا * وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَأُمْرئِنَّهُمْ فَلَيَتَّبِعُنَّكَ عِندَ الْأَنْعَامِ وَإِذْ تَتَذَكَّرُ لِلْغَيْبِ عَلَّمَ اللَّهُ حَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسْرًا مُبِينًا * يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيَنَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا * أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا» (نساء: ۱۱۸ - ۱۲۱).

۷. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءٍ تَهُمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰ عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ * وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ * فَدَلَّهُمَا عَلَىٰ عُرْوَةِ الْغَيْبِ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءُ تَهُمَا وَطَفِقَا يَخْضِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنِ تِلْكَ الشَّجَرَةِ أَقَلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ» (اعراف: ۲۰ - ۲۲).

سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ: ^۱ شیطان [رفتار بدشان را] برایشان آراسته و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

۱-۱. شیطان باعث فراموشی می شود: «فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيَهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ»: ^۲ من ماهی را فراموش کردم و آن را از یاد من نبرد؛ مگر شیطان. «فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ»: ^۳ شیطان ذکر خدا را از یاد او برد.

۱-۲. دشمنی بین مردم: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»: ^۴

با آنکه طبق آماری که ارائه می شود، بسیاری از قتل ها، جرائم، تصادفات، طلاق ها، امراض روانی، کلیوی و... ناشی از شراب است؛ اما قرآن در این آیه با بیان فلسفه تحریم، بر دو نکته تأکید دارد: یکی ضرر اجتماعی؛ یعنی کینه و عداوت و دیگری ضرر معنوی؛ یعنی غفلت از نماز و یاد خدا.

این آیه برجسته ترین اثر شراب و قمار را، بازداشتن از یاد خدا و نماز دانسته است. اکنون جای این سؤال است که اگر کارهای عادی مثل تجارت، ورزش، تحصیل و مطالعه و امثال آن نیز ما را سرگرم کرده و از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا مانند شراب و قمار است؟ آری، هرچه ما را از خدا غافل کند، مانند شراب و قمار ناپسند است؛ گرچه اسلام به دلیل لطف و آسان گرفتن، آن را حرام نکرده باشد.^۵

۱-۱۳. ایجاد شبهه و شک و تردید در امور اعتقادی و بنیادین دینی و اصول ارزشی جامعه: این امر زمینه ساز سلطه ابلیس بر انسان است.^۶ البته این سلطه منحصر در پیروان گمراه ابلیس است^۷ و از اینکه بتواند بر همگان به خصوص بندگان خاص سلطه یابد، عاجز است. این بندگان خاص همان کسانی هستند که قرآن از آنان به بندگان صالح خدا و در تفاسیر عرفانی به انسان کامل یاد می شود: «وَإِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ * وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»: ^۸ و همانا عیسی [چون مرده زنده می کرد] مایه علم و آگاهی به قیامت است. پس در قیامت شک نکنید و از من پیروی

۱. محمد: ۲۵.

۲. کهف: ۶۳.

۳. یوسف: ۴۲.

۴. مائده: ۹۱.

۵. تفسیر نور؛ ذیل آیه ۹۱ سوره مائده.

۶. «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ * وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَوْمَئِذٍ بِالْآخِرَةِ مَن هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبِّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ» (سبا: ۲۰ - ۲۱).

۷. «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَن اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (حجر: ۴۲).

۸. زخرف: ۶۱ - ۶۲.

کنید که این راه مستقیم است و شیطان شما را [از راه خدا] باز ندارد؛ همانا او دشمن آشکار شماست.

پیام آیات^۱:

۱. وجود اولیای خدا، نشانه‌ای از قیامت و یادآور آن است: «لَعَلَّمُ لِلْسَّاعَةِ»؛
۲. با دیدن نشانه‌های قدرت الهی، تردید در امکان زنده شدن مردگان سزاوار نیست: «فَلَا تَمْتَرَنَّ»؛
۳. تردید نابجا، مایه دورافتادن از راه مستقیم است: «فَلَا تَمْتَرَنَّ... وَأَتَّبِعُونَ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛
۴. شیطان در کمین رهروان راه مستقیم است: «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ - وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ».

۱-۱۵. کمین کردن^۲ در حدیث می‌خوانیم: «شیطان که سوگند خورد از چهار طرف در کمین انسان باشد تا او را منحرف یا متوقف کند، فرشتگان از روی دلسوزی گفتند: پروردگارا! این انسان چگونه رها خواهد شد؟ خداوند فرمود: دو راه از بالای سر و پایین باز است و هرگاه انسان دستی به دعا بر دارد، یا صورت بر خاک نهد، گناهان هفتاد ساله‌اش را می‌بخشایم»^۳.

۲. دام‌های شیطان:

امام صادق 7 به عبدالله بن جنبد هشدار می‌دهد که مواظب شکارگاه‌ها و دام‌های شیطان باشد: «ای پسر جنبد! شیطان، مکان‌هایی برای شکار دارد. مواظب دام‌ها و شکارگاه‌های او باشید! اما ابزار شکار او، ایجاد مانع در نیکی به برادران و دام‌های شیطان خفتن از انجام نمازهای واجب است»^۴. پس شیطان دام‌هایی نیز دارد از جمله:

۱-۲. شهوات نفسانی: امام صادق 7 برای حفص بن غیاث حکایت فرمودند: روزی ابلیس بر حضرت یحیی ظاهر شد در حالی که ریسمان‌های فراوانی بر گردنش آویخته بود. حضرت یحیی 7 پرسید: این ریسمان‌ها چیست؟ ابلیس گفت: اینها شهوات و خواست‌های نفسانی بنی‌آدم است که با آنها گرفتارشان می‌کنم. حضرت یحیی 7 از او پرسید: آیا چیزی از این ریسمان‌ها برای من هم هست؟ ابلیس گفت: بعضی اوقات

۱. تفسیر نور؛ ذیل آیات ۶۱ و ۶۲ سوره زخرف.
 ۲. «قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَا تَبْنِيَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف: ۱۶ - ۱۷).
 ۳. تفسیر کبیر؛ گرفته شده از تفسیر نور؛ ذیل آیات ۱۶ و ۱۷ سوره اعراف.
 ۴. بحار الانوار؛ ج ۷۸، ص ۲۷۹.

پرخوری کرده‌ای و تو را از نماز و یاد خدا غافل کرده‌ام. حضرت یحیی 7: به خدا قسم از این به بعد هیچ‌گاه شکم را از غذا سیر نخواهم کرد. ابلیس گفت: به خدا قسم من هم از این به بعد به هیچ موحدی نصیحت نمی‌کنم.^۱

۲-۲. لذات دنیوی: پیامبر ﷺ فرمودند: «الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ مَنْزِلُ بُلْغَةٍ وَ عَنَاءٍ قَدْ نَزَعَتْ عَنْهَا نَفْسُ السُّعْدَاءِ وَ انْتَزَعَتْ بِالْكَرِهِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ فَاسْعُدُ النَّاسَ بِهَا أَرْغَبُهُمْ عَنْهَا وَ أَشْقَاهُمْ بِهَا أَرْغَبُهُمْ فِيهَا»^۲: دنیا سرای بلا و گرفتاری و محل گذران زندگی و زحمت است. خوشبختان از آن دل کنده‌اند و از دست بدبختان به زور گرفته می‌شود پس خوشبخت‌ترین مردم، بی‌میل‌ترین آنان به دنیا و بدبخت‌ترین مردم، مایل‌ترین آنان به دنیا است. مثلاً خواب را لذیذ نشان می‌دهد تا نماز فوت شود.

۳-۲. عبادت: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به کمال فرمودند: «به خدا قسم که از پیامبر گرامی ﷺ شنیدم که فرمودند: شیطان پس از آن که عده‌ای را به زنا و می‌گساری، رباخواری، فحاشی و قمار گرفتار کرد، آنان را به عبادت‌های طاقت فرسا و رکوع و سجود همراه با خضوع و خشوع علاقه‌مند می‌کند. در این حال آنان را به پیروی پیشوایانی می‌کشاند که به جهنم دعوت می‌کنند و در روز واپسین یار و یآوری نخواهند داشت»^۳.

۴-۲. هواپرستی: امام علی 7: «نعم عون الشيطان اتباع الهوى»^۴: پیروی از نفس، چه خوب یآوری برای شیطان است.

۵-۲. زنان (جنسیت و جذابیت‌های زن؛ نه خود وجود زن): امام علی 7 می‌فرماید: «برای شیطان کمندی بزرگ‌تر از خشم و زنان نیست»^۵.

منظور از این سخن، زیر سؤال بردن شخصیت زن نیست؛ بلکه منظور آن است که به وسیله اختلاط با زن و ارتباط نامشروع با وی و جذابیتی که جنس مخالف دارد، شیطان مردم را می‌فریبد؛ همان‌گونه که از طریق مال و زینت دنیا که ذاتاً بد نیستند، وارد می‌شود.

۶-۲. دام برای قضا کردن نماز: یکی از کارهای شیطان قبل از انجام هر عبادتی این می‌باشد که آن را برای ما سخت جلوه می‌دهد؛ مانند ذره‌بین که اجسام کوچک را بزرگ

۱. همان؛ ج ۶۳، ص ۲۱۶.

۲. اعلام‌الدین؛ ص ۳۴۲.

۳. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «بَا كُفَيْلٍ، أُقْسِمُ بِاللَّهِ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا حَمَلِيَ قَوْمًا عَلَى الْفَوَاحِشِ مِثْلَ الزَّانَا وَ شَرِبِ الْخَمْرِ وَ الرَّبَا وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنَ الْخَنَى وَ الْإِثْمِ، حَبَّبَ إِلَيْهِمُ الْعِبَادَةَ الشَّدِيدَةَ وَ الْخُشُوعَ وَ الرُّكُوعَ وَ التَّخَضُّوعَ وَ السُّجُودَ ثُمَّ حَمَلَهُمْ عَلَى وِلَايَةِ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ!» (بحار الأنوار؛ ج ۷۷، ص ۲۷۴).

۴. رک: درس نفس‌آماره، دشمن درونی انسان.

۵. غررالحکم؛ ج ۶، ص ۱۶۱.

۶. «ابليس لا يلبس وهق اعظم من الغضب و النساء» (شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غررالحکم؛ ج ۵، ص ۸۳).

نشان می‌دهد و در این صورت است که با بزرگ نشان دادن چیزی، فرد در خود احساس ناتوانی می‌کند؛ مثلاً دعای کمیل را شب دیر وقت می‌خواند که مستحب است و نماز واجب صبحش قضا می‌شود.^۱

۷-۲. تفرقه: از دیدگاه کتاب آسمانی ما قرآن مجید و نیز احادیث شریف، تفرقه پدیده‌ای شیطانی و غیرخدایی است که در طول تاریخ بشریت همیشه مستکبرین عالم برای رسیدن به اهداف شوم و ننگین خودشان از تفرقه بین جوامع و انسان‌ها استفاده می‌کردند.

«تَلَوْا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيٍّ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ * إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ...»^۲

خداوند متعال در این آیه بیان می‌فرماید که فرعون چگونه برای اینکه بهتر بتواند حکومت ضدالهی و استعماری خود را بر مردم مصر ادامه دهد، آنان را به دو گروه تقسیم کرد؛ گروهی به نام قبطیان که همه امکانات در اختیار آنها بوده و گروهی به نام سبطیان که محروم از هر نظر بودند و مردم را به وسیله اختلاف و تفرقه به جان هم می‌انداخت تا بهتر بتواند حکومت جابرانه خود را ادامه دهد و این امری شیطانی و از دام‌های خطرناک شیطان است.

۳. گام‌های شیطان (خطوات) :

کلمه «خطوات» جمع خطوه (گام) است و «خطوات شیطان» عبارت است از اموری که نسبتش به غرض شیطان، نسبت گام‌هایی است که یک رونده به سوی مقصد خود برمی‌دارد. «خطوات شیطان» تنها آن گام‌هایی از شیطان است که در طریقه و روش پیروی شود. در قرآن کریم این سیاست گام به گام شیطان به صورت واضح بیان شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۳ ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است * او تنها شما را به بدی و فحشا و گفتن سخنان بی‌دلیل و نسبت دادن آن به خدا و می‌دارد.

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَبُذْءِكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»: همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد؛ پس [با این همه مفساد] آیا دست برمی‌دارید؟ (مائده: ۹۱).

۲. قصص: ۳-۴.

۳. بقره: ۱۶۸-۱۶۹.

در این آیه شریفه خداوند متعال برای اینکه ضابطه‌ای داده باشد که چه چیزهایی پیروی شیطان است، کلمه سوء و فحشا و سخن بدون علم را خاطر نشان کرده و می‌فهماند که پیروی از هر چیزی که بد یا فحشا یا بدون علم حکم کردن است، پیروی شیطان است.

با توجه به معانی سوء و فحشا در قرآن و سیاق آیه به نظر می‌رسد که مراد از کلمه «سوء» معصیتی است که از نظر زشتی پایین‌تر از معصیت «فحشاء» باشد؛ مانند معصیت صغیره نسبت به معصیت کبیره.

بنابراین گام‌های شیطانی در سه امر خلاصه می‌شود:

- * بدی‌ها و معصیت‌های کوچک؛
 - * زشتی‌ها و معصیت‌های بزرگ؛
 - * گفتن سخنان ناروا و بی‌مدرک در برابر ذات پاک پروردگار.
- می‌بینیم که شیطان گام به گام و مرحله به مرحله پیش می‌آید تا جایی که هیچ نقطه سفیدی در لوح دل انسان باقی نماند.

پیام‌های آیات^۱:

۱. بهره‌گیری از محرّمات و چیزهای پلید و ناپاک، پیروی کردن از شیطان است: «كُلُوا... حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»؛
۲. نیازهای طبیعی بشر زمینه‌ای برای انحراف و تسلط شیطان است. باید ضمن تأمین نیاز، به لغزش‌های آن توجه داشت: «كُلُوا... وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ»؛
۳. شیطان، انسان را قدم به قدم منحرف می‌کند؛ باید از همان قدم اول مواظبت کرد: «خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»؛
۴. شیطان برای انحراف مردم، از راه‌های گوناگونی وارد می‌شود: «خُطُوَاتِ»؛
۵. وادا نمودن مردم به استفاده از حرام‌ها و بازداشتن آنان از نعمت‌های حلال، نمودی از دشمنی آشکار شیطان است: «كُلُوا... حَلَالًا طَيِّبًا... إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛
۶. نشانه دشمنی شیطان، وسوسه برای انجام فحشا و افترا به خداوند است: «عَدُوٌّ مُّبِينٌ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ»؛
۷. شیطان هم دستور به گناه می‌دهد و هم راه توجیه آن را نشان می‌دهد. فرمان به سوء و فحشا، همان دستور به گناه و فرمان افترا بستن به خدا، دستور به توجیه گناه است: «يَأْمُرُكُمْ... وَأَنْ تَقُولُوا»؛

۱. تفسیر نور؛ ذیل آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره بقره.

۸. اظهار نظر درباره احکام دین و فتوی دادن بدون علم، حرام است: «أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛

۹. حتی در مقام تردید و شک، نباید چیزی را به خداوند نسبت داد، تا چه رسد به مواردی که بدانیم آن حرف و سخن از خدا نیست؛ بنابراین باید در تفسیر قرآن و بیان احکام دقت کرد: «وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

(ب) از دیدگاه روایات:

۱. روایتی از نهج البلاغه:

در بیان نورانی حضرت علی 7 نیز ضمن مذمت مریدان شیطان، مراحل برای پیروی از شیطان بیان کرده‌اند:

* «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَ، وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَاكَ

شیطان را ملاک و پشتوانه زندگی خود گرفتند، او هم از آنان به صورت دام استفاده کرد.

* فَبَاضَ وَ فَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ، وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ، فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ،

در درونشان لانه کرد و در دامنشان پرورش یافت، چشمشان در دیدن، چشم شیطان شد،

* وَ نَطَقَ بِالسِّنْتِهِمْ، فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّ، وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطْلَ،

و زبانشان در گفتن، زبان شیطان شد، بر مرکب لغزش‌ها سوارشان کرد و امور فاسد را

در دیدگان‌شان جلوه داد،

* فِعْلٌ مِّنْ قَدِّ شَرِكِهِ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ، وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ».

کارشان کار کسی است که شیطان او را شریک سلطنت خود قرار داده و با زبان او به

یاوه‌سرایی برخاسته است.^۱

۲. نزول آیه استغفار و واکنش شیطان:

امام صادق 7 فرمود: «وقتی آیه‌ای مربوط به استغفار نازل شد، ابلیس بالای کوهی در مکه رفت. با صدای بلند فریاد کشید و سران لشکرش را جمع کرد. گفتند: چه شده است که ما را فرا خواندی؟ ابلیس گفت: فلان آیه نازل شده که پشت مرا می‌لرزاند و مایه نجات بشر است، چه کسی می‌تواند با آن مقابله کند؟ یکی از شیاطین بزرگ گفت: من می‌توانم. نقشه‌ام چنین است و چنان. ابلیس طرح او را نپسندید، دیگری برخاست و طرح خود را ارائه داد. باز مقبول نیفتاد. در این حال «وسواس خناس» از جا برخاست و گفت: من از عهده آن برمی‌آیم. ابلیس گفت: از چه راه؟ گفت: آدمیان را با وعده‌ها و آرزوها

۱ نهج البلاغه، خطبه ۷.

سرگرم می کنم تا آلوده گناه شوند. هنگامی که گناه کردند، توبه را از یادشان می برم. ابلیس گفت: تو می توانی از عهده این کار برآیی، نقشه بسیار ماهرانه است. این مأموریت را تا دامنه قیامت به او سپرد.^۱

۳. شیطان و موسی:

حضرت موسی ۷ به شیطان فرمود:

مرا آگاه کن از گناهی که چون آدمیزاد مرتکب شود، بر او مسلط شوی. شیطان گفت: هنگامی که او از خودش خوشش بیاید و عملش را زیاد شمارد و گنااهش در نظرش کوچک افتد.^۲

یاران جنی شیطان:

شیطان برای رسیدن به مقصود خویش از سواره نظام و پیاده نظام گسترده ای برای فریب دادن انسان استفاده می کند.^۳ این لشکر با شیوه های مختلف به جنگ انسان می آیند و از هر ابزاری برای تسلط بر بشر بهره می برند؛ بنابراین انسان می بایست بسیار هوشیار و آگاه باشد تا از شر و بدی دشمنانی این گونه قدرتمند و فراوان در امان بماند. ویژگی مهم ابلیس پنهان بودن وی از چشم انسان است. وجود جنی او که ریشه در آتش دارد، این امکان را برایش فراهم کرده است تا انسان را ببیند در حالی که دیده نشود. از این رو لازم است مطالبی را در مورد یاران جنی ابلیس که هم نوع و همجنس او هستند، با هم به گفتگو بنشینیم.

الف) نام های شیطان و فرزندان او:

به طور کلی می توان شش نام برای شیطان گفت:

اول: شیطان (اسم عام)؛ دوم: ابلیس (اسم خاص)؛ سوم: حارث یا حرث؛ چهارم: خناس؛ پنجم: ابامره؛ ششم: عزازیل (این نام قبل از طرد شدن و رانده شدن از درگاه احدیت جل و علا متعلق به او بوده است).

فرزندان شیطان که هر یک نامی دارند و هر یک گروه های خود را برای گمراهی نوع بشر هدایت و راهنمایی می کنند، به ترتیب زیر هستند:

۱. اعور: با تحریک قوا و غریزه شهوانی مرد و زن و با شیوه موزیانه اش آن دو را به عمل ناشایست "زنا" وامی دارد.

۱ ناصر مکارم، تفسیر نمونه، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران، بی تا، ج ۲۷، ص ۴۷۶.

۲ اصول کافی، ج ۳، ص ۴۲۹.

۳ وَاشْتَفِرُّ مِنْ أَسْطَعَتٍ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ...؛ سوره اسراء آیه ۶۴.

۲. قفندر: هرکس در خانه‌اش به مدت چهل روز "طنبور" نوازد، وی بر تمام اعضایش می‌نشیند و غیرت را از او زایل می‌کند.
۳. رها: مانع بیدارشدن برای نماز شب می‌شود.
۴. متکون: به صورت‌های مختلف برای فریب انسان‌ها ظاهر می‌شود.
۵. مذهب: به هر شکلی در می‌آید جز پیامبران و امامان .:
۶. ولهان: وسواس هنگام وضو برمی‌انگیزد.
۷. اعود: صاحب زنا.
۸. مبسوط: صاحب دروغ.
۹. خناس: وعده می‌دهد و آرزومند می‌کند و استغفار را از یاد می‌برد.
۱۰. زوال: برای شرکت در نکاح و آمیزش حرام.
۱۱. ایض: مردم را به خشم در می‌آورد.
۱۲. وهار: در خواب مومنین را آزار می‌کند و باعث اندوه‌شان می‌شود.
۱۳. رکتبور: موکل بازارهاست و سخن‌های لغو و بیهوده، قسم دروغ و ستایش و تعریف‌های بیجا از متاع را برای مردم زینت می‌دهد.
۱۴. لاقیس: وی موکل است در طهارت و نماز، مردم را به وسوسه اندازد. یعقوب بن جعفر گفت: مردی از حضرت صادق 7 از مساحقه [آمیزش] زن با زن دیگر سؤال کرد و حضرت فرمود: "راکبه و مرکوبه" هر دو ملعونند. پس از آن فرمود: خدا بکشد "لاقیس" دختر ابلیس را که چه عمل زشتی را برای زن‌ها آورد. آن مرد سائل گفت: این عمل از اهل عراق آمده است. حضرت فرمود: سوگند به خدا که این عمل در زمان رسول خدا بود، قبل از آنکه در عراق باشد.
۱۵. هفاف: وی نیز موکل است مردم را در صحراها و بیابان‌ها اذیت رساند و آنها را وسوسه کند.
۱۶. ثبر: مسئولیت گول‌زدن مصیبت‌دیدگان و وادار ساختنشان به لطمه‌زدن، خراشیدن صورت چاک‌زدن گریبان را عهده دارد.
۱۷. داسم: وی موظف است هر وقت مردی که بدون ادای سلام و جاری نمودن ذکر خدای تعالی وارد خانه می‌شود، به همراهش داخل خانه شود و بین او با خانواده‌اش ایجاد فتنه و نزاع کند و اگر آن مرد بدون گفتن نام خدا به خوردن طعام مشغول شود، با وی غذا خورد.
۱۸. مطرش: مسئولیت جعل اخبار دروغ و خالی از حقیقت و جاری ساختن آن‌گونه اخبار بر سر زبان‌های مردم را به عهده دارد.

۱۹. تمریح: امام صادق 7 فرمود: برای ابلیس [در گمراه ساختن افراد] کمک کننده ای است به نام "تمریح" که وی هنگام فرارسیدن شب بین مغرب و مشرق را از وسوسه کردن مردم پر می کند.

۲۰. قزح: به معنای شیطانی که اسباب شر را فراهم می کند و اسم شیطان است. ابن کوا از امیر المومنین 7 از "قوس قزح" سؤال کرد؟ حضرت فرمود: "قوس قزح" مگو؛ زیرا "قزح" نام شیطان است؛ بلکه بگو: "قوس الله" و "قوس الرحمن".

۲۱. خنزب: بین شخص نماز گزار و نمازش حایل می شود؛ یعنی توجه قلب را از وی بر طرف می کند. در خبر است که عثمان بن ابی العاصین بشر در خدمت حضرت رسول اکرم 6 عرض کرد: شیطان بین نماز و قرائت من حایل می شود. حضرت فرمود: «نام آن شیطان "خنزب" است؛ پس هر زمان از او ترسیدید، به خدا پناه ببرید...».

۲۲. خود ابلیس: اعمال زشت انسان را در نظرش زیبا جلوه می دهد.^۱

قرآن کریم با تعبیر مختلف بیان فرموده است که ابلیس دارای یاران و سپاهسانی از جن و انس است که او را در اغوای آدمیان یاری می دهند.^۲ یاران مستقیم ابلیس، شیاطین جنی هستند و ایشان به وسیله وسوسه های گوناگون به شیاطین انسی وحی و پیغام های پنهانی می دهند و به همراهی همدیگر با وسوسه و فریب و شیطنت و فسادانگیزی در پی گمراه ساختن مردم هستند.^۳ در نتیجه شیاطین جن آن دسته از یاران و پیروان شیطان هستند که از جمله جنیان بوده و تحت فرمان ابلیس اند (چنان که می دانید جنیان به دلیل لطافتی که در نوع خاص آفرینششان دارند، برای ما قابل مشاهده نیستند؛ ولی می توانند در بعضی امور جزئی دخالت کنند). «إِنَّهُ يَرِيكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ»^۴ ابلیس و دار و دسته اش شما را می بینند؛ به طوری که شما آنها را نمی بینید.

جن کافر و مؤمن:

همان طور که انسان ها مؤمن و کافر دارند؛ جنیان نیز کافر و مؤمن دارند و به تعبیر قرآن کریم برخی از آنها شیطانند و باید از شر آنان به خدا پناه برد. «بگو: به پروردگار مردم پناه می برم، فرمانروای مردم، خدای مردم، از شرّ وسوسه و وسوسه گر نهانی، آن که در دل های

۱ در ذکر نام های فرزندان خاص ابلیس و وظایف آنان از این منابع استفاده شد: تفسیر ابوالفتح؛ ج ۳، ص ۴۲۹؛ کشف الاسرار؛ ج ۵، ص ۷۰۳؛ سفینه البحار؛ ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰؛ تلبیس ابلیس؛ ص ۳۲-۳۳؛ ترجمه عجائب المخلوقات؛ باب العشرين فی الحيوان من الجن؛ حیوة القلوب؛ ج ۱، ص ۳۷۷؛ لسان العرب؛ ص ۳۷۸.
۲ انعام؛ ۱۱۲؛ اعراف؛ ۲۷؛ شعراء؛ ۹۵؛ کهف؛ ۵۰.
۳ تفسیر المیزان؛ ج ۷، ص ۴۹۱.
۴ اعراف؛ ۲۷.

مردم وسوسه می‌کند، خواه از جنیان باشد یا از آدمیان»^۱.
 در جای دیگر می‌فرماید: «وَكذلكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ؛ و چنین
 قرار دادیم برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان‌های بشری و جنی». برای دور شدن از شرّ
 جنیان شیطان و موذی، بعضی افراد راه‌هایی را طی می‌کنند که صحت و سقم آن برای
 ما روشن نیست. از آن جا که کلمه شیطان لفظ عامی است که انسان‌ها و جنیان را در بر
 می‌گیرد. بهترین راه برای غلبه بر آزار و اذیت جنّ شیطان، دنبال کردن فرمول‌هایی است که
 در روایات ارائه شده است.^۲

مرگ و زندگی جن:

از آنجا که جن مخلوق است، طبق قاعده مخلوق بودن، ابتدایی و انتهایی دارد؛ یعنی
 عمر مقدر دارد؛ اما عمر آنها از انسان‌ها بیشتر است و این به دلیل نوع خلقت آنهاست و
 چه بسا موجوداتی هستند که چندین برابر جنیان عمر می‌کنند و آنها نیز بر خلقت خود
 قرار دارند.

از احادیث این‌گونه دریافت می‌شود که جن عمری چند هزار ساله دارد. شاهد مثال این
 داستان است:

به سند معتبری از ابن عباس روایت شده: در خدمت رسول اکرم 6 وارد شدیم.
 یکی از جنیان در حال سؤال کردن مسائل سخت و مشکل از حضرت رسول 6 بود.
 ناگهان حضرت علی 7 از دور ظاهر شدند. جن از دیدن حضرت علی 7 و از ترس،
 آن چنان کوچک شد که به اندازه گنجشگی درآمد و در مقابل آن حضرت عجز و زاری
 نمود و به پیامبر 6 عرض کرد: یا رسول الله مرا در پناه خود بگیر. پیامبر 6 فرمود:
 «از چه کسی می‌ترسی؟» جن عرض کرد: از آن جوان که از دور می‌آید، می‌ترسم.
 حضرت فرمود: «برای چه از آن جوان می‌ترسی؟» جن گفت: من در زمان طوفان نوح 7
 شاهد ماجرا بودم، وقتی که کشتی آن حضرت روی آب‌ها شناور شد و همه جا را آب
 گرفته بود، من داخل کشتی رفتم تا آن را سوراخ کرده و نوح 7 را با پیروانش غرق کنم.
 ناگهان دیدم که همین جوان در آن کشتی ظاهر شد و درحالی که نیزه‌ای در دست داشت،
 با سر آن دستم را برید. در این حال جن دست و انگشت بریده خود را به پیامبر 6
 نشان داد. پیامبر 6 فرمودند: «درست دیده‌ای این همان جوان است که دست تو را
 بریده»^۴.

۱. «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس: ۱-۶).
 ۲. أنعام: ۱۱۲.

۳. رک: درس راه‌های مبارزه با شیطان.

۴. کشف‌البیّن؛ ص ۴۸۴؛ بحارالانوار؛ ج ۴۲، ص ۱۱ و سفینه‌النجاه؛ ج ۱، ص ۶۸۳.

دانش جن:

جن به امور غیبی آگاه است یا خیر؟

غیب بودن امری نسبی است. ممکن است چیزی برای یکی غیب باشد و برای دیگری نباشد. دانش جن فقط و فقط به دلیل طولانی بودن عمر آن است و جن در واقع فقط از گذشته‌هایی که در آن بوده یا در حال اتفاق است، با خبر بوده و از آینده هیچ اطلاعی ندارد. این سخن، دلیل عقلی و قرآنی دارد. در حدیثی از امام صادق 7 آمده که ابلیس تا قبل از ظهور حضرت عیسی 7 تا آسمان هفتم بالا رفته و اسرار الهی را استراق سمع می‌کرده؛^۱ به همین جمله دقت کنید؛ یعنی دلیل دانستن اسرار الهی برای شیطان این بوده که او تا آسمان هفتم بالا می‌رفت و اسراری را که بین ملائکه گفته می‌شد، مخفیانه می‌شنید و به نزد یارانش بر می‌گشته است تا تدارک مقابله با آن اسرار و وحی الهی را ببیند؛ اما هنگامی که حضرت عیسی 7 متولد می‌شوند، شیطان از هفت آسمان محروم گشته و تنها تا طبقه چهارم آسمان می‌توانست بالا برود؛ اما باز هم برای استراق سمع اسرار وحی.

به این نکته ظریف دقت کنید که پس از حضرت عیسی 7 از طبقه چهارم بالاتر نمی‌توانست برود و فقط اسراری را که در طبقه چهارم و پایین تر از آن بود، می‌توانسته بشنود. این مطلب به آن معنی است که اسرار الهی دارای مرتبه و طبقه‌بندی است؛ پس بسیاری از اطلاعاتی که برای طبقه بالاتر غیب نیست، برای طبقه پایین‌تر آن غیب محسوب می‌شود. بعد از ولادت حضرت رسول 6 شیطان از طبقه اول آسمان نتوانست بالاتر برود و در واقع از آن اسرار محروم شد؛ بنابراین خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَحَفِظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ * لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ * دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَأَصَابٌ»^۲ [آن را] از هر شیطان سرکششی نگاه داشتیم، [به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند، با شدت به دور رانده می‌شوند و برایشان عذابی دائم است».

توانمندی و قدرت جن:

یکی از قدرت‌های جن که انسان‌ها از آن استفاده می‌کنند، جابجا کردن اجسام و اشیا است. این جابجایی قدرت خاصی را بین جنیان می‌طلبد؛ یعنی هر نوع از جن نمی‌تواند این کار را انجام دهد و این کار مخصوص نوع خاصی از جن به نام عفریت است.

۱. منتهی الامال؛ ص ۴۴ و ۴۶ و امالی شیخ صدوق؛ ص ۲۸۵.

۲. صافات: ۷ - ۹.

«قَالَ عَفْرِيْتُ مِّنَ الْجِنَّ أَنَا آتَيْكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ»^۱ عفریتی از جن گفت: من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی، برای تو می‌آورم و برای این [کار] سخت توانا و مورد اعتمادم».

پس این قدرت جابجایی فقط مخصوص جنیان از نوع عفریت است. این جمله به این معنی نیست که عفریت فقط قابلیت جابجایی دارد؛ بلکه به این معنی است که این ویژگی بارز و برجسته این نوع جن است. اما مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیرویی که شیاطین جن از آن استفاده می‌کنند و شیاطین انس به وسیله شیاطین جن این اعمال را انجام می‌دهند، سحر و جادو است.

سحر و جادو:

سحر و جادو تقریباً هم ردیف و هم تراز هم هستند؛ اما در اینجا به شیوه سحرکردن توسط شیاطین جن با درخواست شیاطین انس می‌پردازیم. برخی از افراد با استفاده از این روش‌ها می‌توانند با اجنه شیطانی ارتباط برقرار کنند و برخی از توانمندی‌های آنها را در رسیدن به اهداف کفرآلود خود به کار گیرند. یادآوری داستان‌هایی از قرآن کریم درباره اعمال ابلیس و کمک او به افراد کافر و مشرکی که سعی در دشمنی آشکار با پیامبران هم عصر خود داشته‌اند، بیانگر نحوه اعمال شیطانی اجنه و به‌کارگیری آنها توسط افراد کافر و مشرک است. روش‌های ارتباط با شیاطین جن، بسیار متفاوت است؛ به طور مثال در زمان حضرت موسی **۷** که سحر و جادوگری قدرت گرفته بود و در واقع روش استفاده از آن را ساحران و جادوگران بهتر آموخته و مسلط‌تر گشته بودند؛ مانند سامری که رئیس ساحران زمان حضرت موسی **۷** و به سحر مسلط بود؛ او بعد به موسی **۷** ایمان آورد و همراه قوم و حضرت موسی **۷** به پای کوه طور رفت. زمانی که حضرت موسی **۷** به دعوت خداوند به کوه فرا خوانده شد، او با طلاهای قوم، گوساله‌ای ساخت و هنگامی که دید حضرت جبرئیل **۷** به سمت کوه طور برای دیدن حضرت موسی **۷** رهسپار شده، به دنبال ایشان رفته و از خاکی که زیر پایش بر جای مانده بود، برداشت و آن را به گوساله زد و گوساله شروع به سخن گفتن کرد.^۲ در این مقطع، ساحران بسیار نیرومند؛ ولی در اقلیت بودند تا زمان حضرت سلیمان **۷** فرا رسید و به دستور خداوند تمام جنیان، شیاطین و دیوها تحت امر حضرت قرار گرفتند و هر کس از دستور حضرت سلیمان **۷** سرپیچی کرد، مورد عذاب الهی قرار گرفت.^۳

۱. نمل: ۳۹.

۲. نشریه موعود؛ ویژه جن؛ شماره ۱۲۳ و ۱۲۴.
 ۳. «وَلَسَلِّمَانِ الرَّيْحِ عَدُوَّهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحَهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَرِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ» (سبا: ۱۲).

داستان هایی از شیطان و شگردهایش:

۱. اندرز شیطان به نوح 7:

جابر از امام باقر 7 نقل می کند که فرمود:

چون نوح 7 برای نفرین به قومش خدا را خواند، شیطان نزد او آمد و گفت: ای نوح 7! تو را نزد من حقی است، می خواهم عوض آن را بدهم. نوح 7 گفت: به خدا سوگند که برای من بسیار ناگوار است که حقی بر تو داشته باشم، آن حق چیست؟ گفت: آری، تو نزد خدا به قوم خود نفرین کردی و آنان را غرق ساختی و کسی نماند که من گمراهش کنم و من در راحتی هستم تا اینکه نسل دیگری به وجود آید و آنها را گمراه سازم. نوح 7 گفت: چگونه می خواهی به من عوض بدهی؟ شیطان گفت: مرا در سه جا یاد کن که در آن سه جا به بنده از هر وقتی نزدیکترم،

۱. هنگامی که غضب کردی، مرا به یادآور؛

۲. هنگامی که میان دو نفر قضاوت می کنی، مرا به یادآور؛

۳. هنگامی که با زنی همنشین شدی و کسی با شما نبود، مرا به یاد آور!

۲. انحراف به وسیله عبادت:

علی بن اسباط به سندی از امام چهارم 7 نقل می کند: عابدی در بنی اسرائیل بود؛ ابلیس به سپاهیانش گفت: چه کسی برای او است که مرا غمگین دارد. یکی گفت: من. گفت: از چه راهی؟ گفت: دنیا را در چشم او آرایش می دهم. گفت: تو مرد او نیستی. دیگری گفت: من. به او گفت: از چه راه؟ گفت: از راه زنان. گفت: تو هم مرد او نیستی. سومی گفت: من. گفت: از چه راه؟ گفت: از راه عبادت خود او. گفت: تو مرد او بی.

چون تاریکی شب عابد را فرا گرفت، آن شیطان در خانه او را کوبید و گفت: مهمان است و او را در خانه آورد و او شب را تا بامداد نماز خواند و آن را تا سه شبانه روز دنبال کرد بی آنکه چیزی بخورد یا بنوشد. عابد به او گفت: ای بنده خدا مانندت را ندیدم. پاسخ داد: تو هیچ گناه نکردی و نیروی عبادت تو سست است. گفت: چه گناهی کنم؟ گفت: چهار درهم بردار و برو نزد فلان فاحشه، یک درهم برای گوشت، یک درهم برای می، یک درهم برای عطر به او بده و یک درهم مزد خودش و کارت را بکن و نیازت را از او برآور. او فرود آمد و چهار درهم برداشت و به در خانه آن زن آمد و گفت آئی فلانی، او بیرون شد، او را دید. گفت: به خدا فریب خورده، به خدا فریب خورده. به او گفت: چه می خواهی؟ گفت: این چهار درهم را بگیر و خوراک و نوشابه و عطر فراهم کن، من با تو

۱. خصال؛ ترجمه جعفری؛ ج ۱، ص ۲۰۳.

در آمیزم. رفت و گردش کرد و یک تکه گوشت خر مرده پیدا کرد و بر گرفت و شاش کهنه‌ای هم در میان تنک کرد و نزد او آمد. گفت: این خوراک تو است؟ آری. گفت: بدان نیازی ندارم، گفت: این هم نوشابه تو است؟ گفت: من بدان نیازی ندارم، برو خود را آماده کن. رفت و تا توانست خود را پلید کرد و آلوده ساخت و چون عابد او را بویید، نفرت کرد و گفت: مرا به تو نیازی نیست و چون بامداد شد، بر در خانه آن زن نوشته بود: خدا فلان فاحشه را آمرزید به دلیل فلان عابد.^۱

۳. لقمه حرام، زمینه نفوذ شیطان:

می‌گویند شاه ستمگری از یک قاضی دعوت کرد که بیا و قاضی شو. گفت: قاضی طاغوت، گناه است؛ نمی‌شود. گفت: بیا معلم بچه‌هایم شو. گفت: گرگ‌زاده عاقبت گرگ شود. گفت: بیا و یک ناهار با هم بخوریم. گفت: طوری نیست. یک ناهار نزد شاه خورد، دید خیلی خوشمزه است؛ گفت: اعلیٰ حضرت اگر اجازه می‌فرمایید، هم قاضی می‌شوم و هم معلم بچه‌هایم می‌شوم؛ یعنی لقمه حرام کار خودش را کرد. لقمه حرام، کلیدی است. به بزرگی گفتند: بچه شما بی‌ادب است. گفت: چه کرده است؟ گفت: سقایی مشک آبی روی دوشش بود و می‌رفت، بچه شما یک سوزن به مشک آب فرو کرد و این آب‌هایش خالی شد. خیلی ناراحت شد، رفت به مادرش گفت. مادر شروع کرد به منقلب شدن و گفت: باید این‌طور باشد. گفت: چرا؟ گفت: وقتی حامله بودم، از کنار درخت اناری گذشتم، انار مردم بود. دهنم پر آب شد، یک سوزن در انار فرو کردم و از این سوراخ آب انار را خوردم. آن آب انار خلافی که خوردم، باید... من سوزن به انار زدم، باید بچه‌ام به مشک سوزن بزند.^۲

۴. حکایت شیطان با برصیصا:

شیطان برصیصای عابد را که می‌گویند مستجاب‌الدعوه بود، فریب داد و از اوج ترقی به پست‌ترین مکان حیوانیت تنزل داد. داستان او و دخت سلطان زمانش در حالی که مریضه بود و برای استجاب دعا و طلب شفا به نزدش آوردند، مشهور است. او در اثر اغوای شیطان فریفته دختر گردید و با او عمل شنیع زنا انجام داد و سپس به دلیل اینکه بستگان دختر نفهمند، با هدایت شیطان، برصیصا او را خفه کرد و کشت و بدون کفن و دفن و غسل، آن دختر ملک را در گودالی مخفی ساخت هم مرتکب عمل منافی عفت و هم قتل عمد گردید. بالاخره برصیصا عاقبتش آن شد که به دار مجازات اعدام کشانده شد.

۱. آسمان و جهان؛ ترجمه السماء و العالم بحار؛ ج ۷، ص ۲۰۹.

۲. برگرفته از سخنرانی محسن قرآتی؛ راه‌های نفوذ شیطان؛ تاریخ پخش از تلویزیون: ماه رمضان، ۱۳۸۷/۰۷/۰۴.

جالب توجه این است که همان شیطانی که نقشه قتل دختر پادشاه را به عابد روزگار یاد داد، جریان قتل او و محل مدفون ساختن وی را به یکی از نزدیکان سلطان نشان داد. آیا شیطان به همین مقدار در اغوای برصیصا بسنده کرد و از توطئه جدید درباره او دست برداشت؟ نه زیرا آن هنگامی که طناب اعدام گردن عابد را فشار می داد و عنقریب داشت می مرد. به برصیصا گفت: اگر بر من سجده کنی، تو را نجات می دهم. گفت: در بالای دار امکان سجده نیست. شیطان گفت: با اشاره سجده کن، قبول دارم. بیچاره او هم سجده بر شیطان کرد و دینش را هم فروخت. این نتیجه کارهای دشمن دیرینه و آشکار انسان ها است.^۱

۵. مذاکره شیطان با یحیی 7:

از وهب نقل شده که روزی شیطان لعین برای حضرت یحیی 7 آشکار شد. اظهار داشت: می خواهم تو را نصیحت کنم. یحیی 7 گفت: من به نصیحت تو تمایل ندارم؛ ولی از وضع فرزندان آدم اطلاعی بده. شیطان گفت: بنی آدم از نظر ما به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. عده ای مانند شما معصومند؛ چون از آنها مأیوس هستیم، از دست شان راحتیم و می دانیم نیرنگ و حيله های ما در آنها تأثیری ندارد.
۲. دسته ای برعکس در پیش ما شبیه توپی هستند که در دست بچه های شما است؛ به هر طرف بخواهیم آنها را می بریم و کاملاً در اختیار ما هستند و ما از آنها راحتیم.
۳. اما طایفه سوم:

رنج و ناراحتی ما از این دسته از هر دو گروه قبل بیشتر است؛ زیرا یکی از ایشان را در نظر می گیریم، جدیت و تلاش می کنیم تا او را فریب دهیم؛ همین که فریب خورد و قدمی به میل ما برداشت، یک مرتبه یادآور می شود و از کرده خویش پشیمان می گردد؛ بنابراین به توبه و استغفار روی آورده باز می گردد. هر چه رنج برای او کشیدیم از بین می رود. برای مرتبه دوم درصدد اغواء و گمراهی برمی آیم؛ این بار نیز پس از موفقیت که به گناه او را می کشیم، فوراً متوجه شده و مجدداً توبه می کند. نه از او ناامید و مأیوسیم و نه می توانیم مراد خود را از چنین شخصی بگیریم. پیوسته برای اغوا و فریب دادن این دسته در رنج و زحمت هستیم.^۲

در داستان هایی که در مورد اغوای شیطان و یاران او آمده است می بینیم که شیطان به

۱. تفسیر ابوالفتح رازی؛ ج ۱۱، ص ۱۰۷.
 ۲. خزائن نراقی؛ ص ۳۶۸ و پند تاریخ؛ ج ۴، ص ۲۳۰.

هیچ عنوان از هلاکت انسان دست نمی‌کشد و خیلی مواقع بزرگان عابدی مانند برصیصای عابد که از راه شهوت و زن او را گمراه کرد. قارون عابد بنی‌اسرائیل که او را از راه توجه به دنیا و جمع مال گمراه نمود و سامری که از راه شهرت و توجه مردم به خود به ضلالت کشاند و یا عابد بنی‌اسرائیل از راه توبه و تقرب بیشتر به حق تعالی او را از راه حق منحرف کرد. همه نمایانگر این مطلب است که همیشه شیطان‌ها راه‌هایی را انتخاب می‌کنند که ضعف انسان در آن است.

پیام‌ها:

۱. در صحنه جنگ و جهاد این نکته که دشمن ما را چگونه می‌بیند، بسیار کلیدی و راه‌گشاست. طرز نگاه ابلیس دشمن قسم خورده ما انسان‌ها، که آیا ما را قدرتمند می‌بیند یا ضعیف، بسیار مهم است و شیطان به دنبال شقاوت ابدی ما انسان‌هاست؛ پس باید مبارزه جدی با وی انجام داد.
۲. توان دفاعی، راه‌های نفوذ به مرز خودی و زمینه‌هایی که به واسطه‌اش دشمن ما را تهدید می‌کند، بسیار زیاد بوده و سرعت عمل وی نیز بالا می‌باشد و هر لحظه برای فریفتن در کمین ما نشسته است و از راه‌هایی چون تزیین، تسویل و... بهره می‌برد.
۳. شیطان به تنهایی به مبارزه با انسان برنخواسته است؛ بلکه ذریه (همسر و فرزندان) او در جایگاه یاران جنی و برخی انسان‌ها در جایگاه یاران انسی وی در رکابش مشغول می‌باشند و ابزارهای فریشت گوناگون هستند.
۴. یاران اصلی و مستقیم شیطان، یاران جنی وی می‌باشند که با پیام‌دادن به یاران انسی آنها را نیز در فریب‌دادن انسان‌ها به کار می‌گیرند و هر یک از شگردهای فریب شیطان توسط یکی از فرزندان و ذریه جنی وی مدیریت می‌شود.
۵. جن و انس در اکثر موارد مشابه هم می‌باشند؛ مانند اختیار، خوردن، آشامیدن و...؛ ولی جن بر خلاف آنچه تصور می‌شود بعد از تولد پیامبر اسلام دستش از طبقات آسمان قطع شد و توانایی علم به غیب را ندارد؛ در صورتی که انسان گاهی تا جایی بالا می‌رود که به غیب نیز دسترسی و علم پیدا می‌کند.
۶. از راه‌های نفوذ و شگردهای شیطان در فریب انسان‌ها بر می‌آید که شیطان در حال غفلت و عدم توجه به شیطان دچار انحرافات شیطانی می‌شود.

سؤالات :

- ۱- منظور از «خطوات شیطان» که در روایات آمده، چه چیزی می‌باشد؟
- ۲- با توجه به آیه ۹۱ سوره مائده، شیطان از چه راه‌هایی بین انسان‌ها عداوت و دشمنی راه می‌اندازد؟

- ۳- مهم‌ترین شگرد شیطان وسوسه می‌باشد. یک نمونه از آن را بیان کنید؟
 ۴- دسته یاران اصلی و مستقیم شیطان کدام دسته از یاران او هستند؟
 ۵- با توجه به آیات قرآن کریم وعده‌های دروغین شیطان را نام ببرید.

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. شیطان را بهتر بشناسیم؛ رضا محمدی تبار؛ ناشر: بحر العلوم، ۱۳۷۹.
۲. شیطان در کمین‌گاه؛ نعمت‌الله صالحی حاجی‌آبادی؛ ناشر: علامه، ۱۳۸۱.
۳. شناسایی شیطان؛ محبوبه حسینیان نائینی؛ ناشر: یار روشن، ۱۳۸۶.
۴. جایگاه شیطان؛ محمد میرسلطانی؛ ناشر: آوینا، ۱۳۸۵.
۵. دنیای شگفت‌انگیز "جن، ابلیس، شیطان"؛ رقیه یعقوبی؛ ناشر: بوستان دانش، ۱۳۸۸.

مونسان و همنشینان بد، یاران انسی شیطان

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. آشنایی با یاران انسی شیطان در فریب‌دادن انسان‌ها؛
۲. شناخت آیات و روایات دربارهٔ دوست و همنشین بد؛
۳. توجه ویژه به «شناخت» در جایگاه عامل مهم در دوست‌یابی؛
۴. بررسی ویژگی‌ها و عملیات منفی از جانب دوست و همنشین بد؛
۵. چگونگی عاقبت دوستان نیک و دوستان بد در آخرت؛
۶. ضرب‌المثل، جملات بزرگان و شعرهایی دربارهٔ همنشین بد؛
۷. داستان‌هایی بسیار جذاب در مورد انتخاب همنشین بد.

مقدمه:

دوست و همنشین از مهم‌ترین محورهای اثرگذار در زندگی انسان می‌باشد که هم می‌تواند انسان را به قله‌های سعادت برساند و هم او را به حضيض ذلت رساند؛ بنابراین بحث از آن بسیار مهم می‌باشد.

در مباحث گذشته دانستیم شیطان برای منحرف‌کردن انسان‌ها از صراط مستقیم هدایت، متوسل به یاران و همدستانی می‌شود که گروه یاران جنی وی را در درس قبل همراه با انواع روش‌های فریب‌دادنش مطالعه و بررسی نمودیم. حال وقت آن رسیده که

گروه یاران انسی این موجود خبیث و رانده شده از درگاه آفریدگار را فراروی خویش قرار داده و طرق انحرافی آنها را شناخته و مورد تحلیل قرار دهیم. این گروه از یاران شیطان نیز خود به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول را مونسان و همنشینان بد و بخش دوم را فرقه‌های شیطانی تشکیل می‌دهد که در درس حاضر به بخش اول آن خواهیم پرداخت.

دوست و همنشین بد:

یکی از زمینه‌های اجتماعی گناه، همنشین و دوست بد است؛ چنان‌که همنشین و دوست خوب، عامل مهمی برای سوق دادن فرد و جامعه به سوی کارهای نیک است. به هرحال از نظر علمی، عملی و تجربه ثابت شده انسان از ناحیه دوست و معاشر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و دوست و معاشر بد عامل ویرانگری برای نابودی شخصیت انسان است؛ چنان‌که دوست و همنشین خوب عامل سازنده شخصیت انسان می‌باشد.

انسان‌های بد پسر نوح (علیه السلام) را نیز به سوی گناه می‌کشاند و خاندان نبوت او را از او می‌ربایند؛ ولی سگ اصحاب کهف بر اثر مصاحبت چند روز با جوانان با ایمان، خوش‌قلب و پاک‌بازی چون اصحاب کهف، خوی نیک آدمیت پیدا می‌کند. و به راستی این شاعر نکته سنج چقدر پر معنی و زیبا سروده است:

همنشین توبه ز تو باید *** تا تورا عقل و دین بیفزاید

و شاعر دیگر می‌گوید:

تا توانی می‌گریز از یار بد *** یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها ترا بر جان زند *** یار بد بر جان و بر ایمان زند

دوست و همنشین از دیدگاه آیات و روایات:

هشدار آیات و روایات به اندازه‌ای در این زمینه سنگین است که پروردگار مهربان که جز خوشبختی انسان و رشد و کمال او را نمی‌خواهد. در قرآن مجید به صراحت و کنایه هشدار می‌دهد تا از معاشران ناپاک بپرهیزید و با آنان دوستی نکنید و دل از علاقه به آنان حفظ کنید و هیچ نوع ولایتی از آنان را نپذیرید. حضرت حق دامن مومنان را در این زمینه پاک دانسته و حریم زندگی آنان را به روی این معاشران ناجنس بسته می‌داند؛ گرچه آنان از نزدیک‌ترین افراد نسبی و حسبی انسان باشند.

الف) از نگاه آیات:

آیه اول: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا

أَبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ...^۱: گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی‌یابی که با کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت دارند، دوستی برقرار کنند؛ گرچه پدرانشان یا فرزندانیشان یا برادرانشان یا خویشانانشان باشند ...

پیام‌های آیه: ۲

۱. یک دل، دو دوستی بر نمی‌دارد. دوستی خداوند با دوستی دشمنان دین خدا جمع شدنی نیست: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ... يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ»؛
۲. عیب‌ها را از ریشه برطرف کنید. مودت دشمنان خدا انسان را به گرایش‌های فکری، عملی و اخلاقی به سوی آنان وادار می‌کند؛ بنابراین باید ریشه آن را خشکاند: «لَا تَجِدُ... يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ»؛
۳. در اسلام، روابط و علاقه‌ها باید در راستای رضای خداوند باشد: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ»؛
۴. روابط خانوادگی و خویشاوندی نیز خط قرمز و مرز دارند. «وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ...»؛
۵. خداوند به دلیل قطع رابطه با چهار گروه از خویشان اگر معاند باشند (پدر، پسر، برادر و فامیل)، چهار نمونه از لطف خود را بیان کرده است: ایمان، امداد، بهشت و رضوان: «الایمان، ایدهم، جنات، رضی الله».

آیه دوم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...»^۲: ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید. شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید؛ در حالی که آنان به‌طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده، کافرند ...

پیام‌های آیه: ۲

۱. جامعه ایمانی حق ندارد با دشمنان خدا، رابطه دوستانه و صمیمانه داشته باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ»؛
۲. القای مودت و ابراز دوستی با دشمنان، جرئت آنان را در برابر مؤمنان بیشتر می‌کند: «تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ».
- آیه سوم:** «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ

۱. مجادله: ۲۲.
 ۲. تفسیر نور؛ ذیل آیه.
 ۳. ممتحنه: ۱.
 ۴. تفسیر نور؛ ذیل آیه.

غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَتَّعِدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: ۱ و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما به قصد شبهه اندازی به یاوه‌گویی و سخن بی‌منطق می‌پردازند، از آنان روی گردان و مجلسشان را ترک کن ...

پیام‌های آیه: ۲

۱. غیرت و تعصب دینی خود نسبت به مقدسات را به دشمنان نشان دهید: «إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ»؛
 ۲. اعراض از بدی‌ها و مبارزه منفی با زشت‌کاران، یکی از شیوه‌های نهی از منکر است: «فَاعْرِضْ عَنْهُمْ»؛
 ۳. به جای هضم‌شدن در جامعه یا گروه و مجلس ناپسند، وضع آن را تغییر دهید: «حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ»؛
 ۴. مجالست با ظالمان نارواست، پس پرهیز کنیم: «فَلَا تَتَّعِدْ».
- آیه چهارم:** «فَاعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكِ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ...»: ۳ بنابراین از کسانی که از یاد ما روی گردانده‌اند و جز زندگی دنیا را نخواسته‌اند، روی بگردان. این دنیاخواهی آخرین مرز دانش و معرفت آنان است ...

پیام‌های آیه: ۲

۱. در برخورد با کسانی که دنیا محور و خداگریزند، تسامح نداشته باشید: «فَاعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا»؛
۲. از کسانی که به دین خدا پشت می‌کنند و حاضر به شنیدن نام خدا و دستورات او نیستند، اعراض کنید. (در اسلام، بایکوت مخالفان و دشمنان جایز است): «فَاعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا»؛
۳. گاهی مقابله به مثل لازم است. باید از کسی که از یاد خدا اعراض می‌کند، اعراض کرد: «فَاعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا».

(ب) از نگاه روایات:

۱. لزوم روی گردانی از اشرار و مفسدان:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

۱. انعام: ۶۸.
۲. تفسیر نور؛ ذیل آیه.
۳. نجم: ۲۹-۳۰.
۴. تفسیر نور؛ ذیل آیه ۲۹.

«هنگامی که پس از من اهل بدعت را که با نوآوری‌های فرهنگی ضد حق و نسبت‌دادنش به دین قصد دارند در آیین کامل و جامع اسلام اضافه و نقصان ایجاد کنند و نیز تردیداندازان در عقاید و احکام حقه را دیدید، بیزاری از آنان را آشکار نمایید و فراوان به آنان طعنه بزنید و آنان را با گفتار خود از اعتبار بیندازید و متخصصانه با آنان بحث علمی کنید تا جایی که مبهوت‌شان نمایید و آنان به گفتار باطل دم بر نیاورند. برای اینکه امید به فساد در اسلام نبندند و مردم را از آنان بر حذر بدارید و بدعت‌هایشان را نیاموزید که با این برخورد عاقلانه خدا در پرونده شما حسنات ثبت می‌کند و به این دلیل درجات آخرت‌تان را بالا می‌برد».^۱

۲. اهمیت دوست در اسلام:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ»^۲: انسان بر طریقه دین و آیین دوست خود است، پس باید هر یک از شما با دید عقل بنگرد با چه کسی رفاقت و دوستی می‌کند.

۳. دوستی با کافر:

همچنین رسول خدا ﷺ فرمودند:

«کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، رابطه برادری و دوستی تنگاتنگ با کافر برقرار نکند و با بدکار آمیزش و رفاقت نداشته باشد؛ کسی که با کافر دوستی تنگاتنگ برقرار کند یا با بدکار معاشرت نماید، کافر و بدکار است».^۳

۴. نهایت رذالت همنشین بد:

و نیز پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

«الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ قَرِينِ السَّوِّءِ»^۴: تنها زیستن، بهتر از همنشین بد است.

۵. همنشین بد در کلام علی ۷:

از امیرالمومنین علی ۷ روایت است در پاسخ پیرمرد شامی هنگامی که از حضرت پرسید: همنشین شر و آلوده به بدی کیست؟ فرمود: «الْمُزَيِّنُ لَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ»^۵: کسی که

۱. وسائل الشیعه؛ ج ۱۶، ص ۲۶۷.

۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۸، ص ۳۲۷.

۳. پیشین؛ ص ۲۶۵.

۴. بحار الانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۹۹.

۵. امالی صدوق؛ ص ۴۷۸.

معصیت خدا را برای تو جلوه می‌دهد و آن را در نظرت می‌آراید تا ارتکابش بر تو سهل و آسان گردد.

۶. دقت در انتخاب دوست:

امام موسی بن جعفر ۷ از حضرت عیسی ۷ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «أَنَّ صَاحِبَ الشَّرِّ يُعَدِّي وَفَرِيْنَ السَّوِّءِ يُرْدِي فَانظُرْ مَنْ تُقَارِنُ»^۱: بی‌تردید دارنده خطاها و لغزش‌ها دشمنی می‌ورزد و به حقوق انسان تجاوز می‌کند و رفیق بد و ناجنس آدمی را هلاک می‌کند و از اعتبار و آبرو می‌اندازد؛ پس با دقت بنگر که با چه کسی همنشین می‌شوی.

۷. اثر همنشین پست:

امام صادق ۷ به عمار بن موسی فرمود: «يَا عَمَّارُ! اِنْ كُنْتَ تُحِبُّ اَنْ تَسْتَبَّ لَكَ النِّعْمَةُ وَتَكْمَلَ لَكَ الْمُرُوَّةُ وَتَصْلِحَ لَكَ الْمَعِيْشَةُ فَلَا تُشَارِكِ الْعَبِيْدَ وَالسَّفَلَةَ فِيْ اَمْرِكَ فَاِنَّكَ اِنْ اَتَمَمْتَهُمْ خَانُوْكَ وَاِنْ حَدَّثُوْكَ كَذْبُوْكَ وَاِنْ نُكِبْتَ خَذَلُوْكَ وَاِنْ وَعَدُوْكَ اَخْلَفُوْكَ»^۲: ای عمار! اگر دوست داری که نعمت برایت آماده شود و پابرجا بماند و مروت و مردانگی‌ات کامل گردد و معیشت و زندگی‌ات اصلاح شود، بردگان و مردم پست را در زندگی خود شریک مکن؛ زیرا اگر آنان را امین خود قرار دهی، به تو خیانت می‌ورزند و اگر با تو سخن گویند، به تو دروغ می‌گویند و اگر دچار مصیبت و بلایی شوی، رهایت می‌کنند و اگر وعده‌ات دهند، از وعده خود تخلف می‌ورزند.

۸. دوست باید به درد دینت بخورد:

امام صادق ۷ به داود رقی فرمود: «اَنْظُرْ اِلَى كُلِّ مَنْ لَا يُعْنِيْكَ مَنَفَعُهُ فِيْ دِيْنِكَ ، فَلَا تَعْتَدَنَّ بِهٖ وَلَا تَرْغَبَنَّ فِيْ صُحْبَتِهٖ ، فَاِنَّ كُلَّ مَا سِوَى اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى مُضْمَحِلٌّ وَخِيْمٌ عَاقِبَتُهُ»^۳: به کسی که در دینت سودی به تو نمی‌رساند، عاقلانه بنگر؛ پس به او اعتماد مکن و در رفاقت و دوستی‌اش رغبت نشان نده؛ زیرا هر چه غیر خدای تبارک و تعالی است، نابود و عاقبتش بد است.

۹. تشبیه دوست مردم آزار به شمشیر:

امام جواد ۷ فرمود: «اَيُّكَ وَمُصَاحِبَهُ الشَّرِيْرِ فَاِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوْلِ يَحْسُنُ مَنْظَرَهُ

۱. کافی؛ ج ۱، ص ۶۴۰.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۳۰.

۳. مستدرک الوسائل؛ ج ۸، ص ۳۵۲.

وَيَقْبِحُ اثْرَهُ^۱: از دوستی و رفاقت با مردم آزار و بدکار بهره‌یز؛ زیرا او مانند شمشیر از نیام کشیده است، منظرش زیبا و محصولش زشت است.

۱۰. محبوب‌ترین همنشین:

امام صادق 7 می‌فرماید: «أَحَبُّ أَخَوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي»^۲: محبوب‌ترین برادرانم نسبت به من کسی است که مرا به سوی عیوبم راهنمایی کند.

شناخت، عاملی مهم در دوست‌یابی:

آنچه عقل به ما حکم می‌کند این است که در هر کاری اول باید شناخت و آگاهی نسبت به آن پیدا کرد و بعد اقدام به آن کار کرد؛ در دوست‌یابی هم همین‌طور است. در ابتدا شخص باید دوست خود را بشناسد و از او آگاهی کامل داشته باشد و بداند آن دوست، چه خصوصیات و روحیاتی دارد. آیا آن روحیات واقعا مورد پسند است؟ خیلی‌ها به دلیل جذابیت‌های ظاهری و عوامل بیرونی، جذب شخص می‌شوند و پیوند دوستی می‌بندند، بدون شناخت و آگاهی از روحیات یکدیگر، چنین دوستی‌هایی دوام، استمرار و فایده مطلوبی ندارد و به دنبال آن پشیمانی است؛ پس شناخت عامل مهمی در دوست‌یابی است؛ چنان‌که حضرت علی 7 می‌فرماید: «با کسی که او را نشناخته‌ای، اقدام به دوستی مکن»^۳.

الف) ویژگی‌های دوست بد:

۱. نادان:

انسان‌هایی که از نظر فکری دچار ضعف هستند؛ چون معیارهای ثابت و صحیحی در زندگی خود ندارند، همواره دچار اشتباه می‌شوند. چنین افرادی هرگز صلاحیت لازم برای دوستی ندارند؛ چون از روی نادانی به انسان ضربه‌های سختی می‌زنند که هرگز جبران‌شدنی نیست و یا جبران آن بسیار مشکل است. مولای متقیان علی 7 می‌فرماید: «سزاوار است که مسلمان از برادری کردن با سه گروه اجتناب نماید: بی‌حیا، نادان و دروغگو»^۴.

۲. شرور:

۱. بحارالانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۹۸.
 ۲. کافی؛ ج ۲، ص ۶۳۹.
 ۳. همان، ص ۶۳۹.
 ۴. میزان الحکمه؛ ح ۲۳۴.

بعضی افراد را در جامعه می‌بینیم که اصلاً فکر نمی‌کنند برای چه هدفی زندگی می‌کنند و در فکر زیبا زندگی کردن و سالم‌زیستن نیستند و همواره درصدد اذیت و آزار دیگران‌اند. چنین انسان‌هایی هرگز ویژگی دوست خوب را ندارند. در حدیثی از حضرت علی 7 آمده: «مصاحبت و همنشینی با اشرار، موجب پیدایش شر می‌گردد»؛ پس معلوم شد کارکرد دوستی با اشرار، ایجاد شر است و این نکته هم نباید مورد غفلت قرار گیرد که افراد شرور، غالباً با ظاهری آرام و جذاب با انسان برخورد می‌کنند و مدعی مرام و معرفت و... نیز هستند؛ بنابراین باید مراقب دوستی با چنین افرادی بود.

۳. حسود:

از دوستی با افراد حسود باید اجتناب کرد؛ زیرا انسان‌های حسود به دنبال این هستند که افراد و دوستان خود را از پیشرفت باز دارند و چنین افرادی هرگز خیر و خوبی را برای دوستان خود نمی‌خواهند؛ بلکه به دنبال از بین بردن خوبی‌ها و یا جلوگیری از پیشرفت دوستان خود هستند. حضرت علی 7 می‌فرماید: «حسود، دوستی‌اش را در سخنانش ظاهر می‌کند و کینه‌اش در اعمالش را مخفی می‌سازد؛ پس او به نام، دوست و به صفت، دشمن است».^۲ از این کلام زیبا فهمیده می‌شود دوست واقعی، بین گفتار و کردار و نیتش هیچ تناقضی مشاهده نمی‌شود؛ بلکه کردارش با گفتار وی موافق است و هرگز اهل نفاق نیست و هیچ‌گاه در خیرخواهی برای دیگران، تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

۴. خیانت‌کننده، ستمگر و سخن‌چین است:

امام صادق 7 می‌فرماید: «از سه گروه مردم برحذر باش: خیانت‌کننده، ستمگر و سخن‌چین».^۳

از دیدگاه امام صادق 7 این سه گروه اصلاً ادبیات دوستی و صمیمیت را نمی‌شناسند؛ زیرا آدم خیانت‌کار، اهل وفا نیست و دوستش را در مواقعی که نیاز به او دارد، تنها می‌گذارد. ستمگر هم معنای دوستی را درک نکرده و به جای محبت واقعی، همواره به دنبال ظلم و چپاول و بهره‌کشی است. سخن‌چین هم چون صحبت‌ها و گفتگوهای دیگران را اینجا و آنجا بازگو می‌کند، از این کارش می‌فهمیم که سخنان و گفتگوهای ما بین او و دوستش را نیز برای دیگران خواهد گفت و ابداً رازدار و امانت‌دار نیست و زیان دوستی با او، بیش از سود است.

۱. همان؛ ح ۱۰۲۵۲.

۲. همان؛ ح ۳۹۱۶.

۳. همان؛ ح ۱۰۲۶۲.

۵. افراد پست و کم‌اعتبار در جامعه:

امام صادق ۷ یکی از ویژگی‌های دوست بد را این‌چنین بیان می‌کند: «از همراهی با فرد پست و فرومایه برحذر باش؛ چرا که همراهی با او، تو را به راه خیر نمی‌کشاند»^۱. افراد فرومایه و پست پایبند به مسائل اخلاقی و انسانی نیستند و به هر کاری - حتی اگر گوهر انسانی‌شان را خوار سازد- تن می‌دهند. در نتیجه کسانی که با آنها همنشین باشند، هرگز به خوبی‌ها گرایش پیدا نمی‌کنند؛ چون خود شخص فرومایه به دنبال نیکی‌ها نیست و تنها به گذراندن زندگی و خوشی‌های گذرا و منافع آنی فکر می‌کند. چنین افرادی نه تنها اعتباری در جامعه ندارند، بلکه از نظر شخصیت فردی نیز خودکم‌بین و فاقد اعتماد به نفس هستند که از دیدگاه اسلام از همنشینی با آنها باید پرهیز شود.

۶. بازدارنده از خوبی‌ها و سوق‌دهنده به زشتی‌ها:

دوستان بد همواره در مسیری قرار دارند که مانع خوبی‌ها و نیکی‌ها می‌شوند و سعی آنها برای انجام‌دادن کارهای زشت و نابهنجار و یا حداقل بیهوده و بد فرجام است. این قسمتی از صفات دوستان بد است؛ بنابراین می‌توان صفات مقابل آن را از جمله صفات خوب و معیارهای دوست خوب دانست؛ اما نکته‌ای که باید متذکر بشویم این است که در حدیثی از پیامبر اکرم ۶ آمده است: «تنهایی، بهتر از همنشین بد است»^۲. دوست بد آن‌قدر بر کالبد، شخصیت و روح انسان تأثیر می‌گذارد که پیامبر فرمودند: «تنها باش؛ ولی دوست بد نداشته باش».

۷. تابع و پیرو هوای نفس:

امام جواد ۷ فرمودند: «قد عاداک من ستر عنک الرشد اتباعا لما تهواه»^۳: هر کس بر اساس پیروی از هوای نفست رشد را از تو پنهان می‌سازد، قطعاً با تو دشمنی کرده است. آری دوست مهربان، صدیق و دلسوز هر انسان، آن است که او را امر به معروف و رشد و نهی از منکر و فساد کند و تابع هوای نفس وی نباشد. دوستی که محور رفتار و گفتارش "هوای نفس" است و بر اساس آن ارتباطات خود را تنظیم می‌کند، در واقع دشمن است؛ زیرا او با پنهان‌سازی راه و رسم رشد، سرانجام انسان را از رشد، کمال و سعادت باز می‌دارد و محروم می‌کند. در حدیث دیگر نیز امام جواد ۷ یک اثر اطاعت از هوای

۱. همان؛ ح ۱۰۲۷۵.

۲. همان؛ ح ۱۰۲۳۵.

۳. بحارالانوار؛ ج ۷۸، ص ۳۶۴.

نفس را "دشمن شادی" شمرده و فرمودند: «من اطاع هواه اعطی عدوه منا»: هر کس از هوای نفسش اطاعت و فرمانبرداری کند، آرزوهای دشمنش را برآورده است و دشمن خود را کامروا خواهد کرد.

ب) عملیات منفی از طرف دوست بد:

۱. از نظر عقاید و تفکرات:

این بخش دوستانی را در برمی‌گیرد که عقلانیت را از خود دور کرده و به اقتضای دوستان ناباب دیگرش نگاهی عقیدتی سطحی و غلطی را در ذهن خود و پیش روی زندگی خودش قرار می‌دهد و شیطان به همین وسیله بر او پیروز شده و در به انحراف کشاندن ما از وی مدد می‌جوید. دوستی با چنین افراد تفکرات ما را نیز سطحی و رشد نیافته بار خواهد آورد.

۲. از نظر خلق و خو و منش و آداب اجتماعی :

وجود غرایز در جوان و نشاط و توان زیاد وی از یک طرف و ارضا نشدن به موقع و صحیح آن غرایز از سویی، سبب می‌شود یک عده دوستان ناباب به میدان بیایند تا جوان را از نظر اخلاقی به سمت و سوی مطلوب خود برند؛ بنابراین اولین راه برای حفظ خود این است که از دوستی با چنین افرادی پرهیز کنیم و پیوسته به چارچوب‌های قانونی، اخلاقی، علمی و عقلانی در ارضای غرایز، توجه و پایبندی داشته باشیم. تقویت اراده و ایمان، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و عبادت‌های جمعی، کار، ورزش، هنر، و ازدواج، جوان را از افتادن به ورطهٔ چنان دوستی‌هایی برکنار نگه می‌دارد.

۳. تنبلی، بی‌هویتی، شخصیت‌زدگی:

یکی از آسیب‌های عمده‌ای که جوانان را تهدید می‌کند، خودباختگی یا احساس بی‌هویتی است. جوانان خودباخته دیگر به فرهنگ و تمدن اصیل خود توجهی ندارند و همه چیز را در فرهنگ‌های وارداتی می‌بینند. سرمایه‌داری جهانی برای رسیدن به این هدف و جذب نخبگان و تصرف بازارهای جهان سوم، دائما این فکر را تزریق می‌کند که جوانان برای پیشرفت خود باید به مظاهر غربی رو بیاورند. جوان آزاد اندیش برای حفظ باور و هویت خود، باید به توانایی خود ایمان داشته باشد و بداند که در سایهٔ کوشش خود و با بهره‌گیری از سرمایه‌های علمی - فرهنگی جامعهٔ خویش با الگوگیری از پیشوایان خویش، خیلی بهتر می‌تواند در جهان پرآشوب کنونی، به ساحل آرامش،
۱. همان.

پیشرفت و خوشبختی دست یابد.

همنشینان پاک و ناپاک:

الف) عاقبت دوستان مؤمن و دوستان بد:

قرآن کریم احوال دوستان بد و خوب را در روز قیامت چنین توصیف می‌کند:
«الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»: «دوستان در این روز دشمن همدیگرند؛ مگر پرهیزگاران.»

این آیه نشان می‌دهد که دوستان بد، هر قدر هم در دنیا دوستی‌شان عمیق باشد، در روز قیامت دشمنان یکدیگر می‌شوند و دوستان خوب هر قدر در دوستی‌شان ضعیف باشند، در روز قیامت هم دوستان همدیگر می‌باشند؛ اما دلیل دشمنی‌ها در این است که دوستان بد پس از دیدن صحنه‌های وحشتناک روز قیامت و رؤیت جهنم و بهشت، از اعمال بد خویش به سختی پشیمان می‌شوند و چون راه بازگشتی هم در کار نیست، بر طبق عادت همیشگی تمام خطاکاران، تقصیر گمراهی خویش‌شان را بر گردن دوستان خود می‌اندازند و آنان را مقصر قلمداد می‌کنند و بدین‌گونه دوستی‌ها به دشمنی تبدیل می‌شود.

نکات آیه: ۲

وضع کسانی که بر اساس غیر تقوا دوستانی انتخاب کرده‌اند، در قیامت چنین است:

۱. پشیمانی و حسرت که چرا با او دوست شدم: «يَوَيْلَ لِي لِيَتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»:^۳ وای بر من! ای کاش فلانی را دوست خود بر نمی‌گزیدم.
۲. دوستان هیچ نقشی برای کمک به یکدیگر ندارند: «وَلَا يَسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا»:^۴
۳. دوستان، دشمن یکدیگر می‌شوند: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ»؛ (آیه مورد بحث).

۴. به یکدیگر لعنت خواهند کرد: «كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا»:^۵

۵. از یکدیگر فرار می‌کنند: «يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ»:^۶

۶. گناهان خود را به گردن یکدیگر می‌اندازند: «لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ»:^۷

۱. زخرف: ۶۷.

۲. تفسیر نور؛ ذیل آیه.

۳. فرقان: ۲۸.

۴. معارج: ۱۰.

۵. اعراف: ۳۸.

۶. عبس: ۳۴ - ۳۶.

۷. سبأ: ۳۱.

۷. از یکدیگر براثت دارند: «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ»^۱.

ب) مؤمنان دوستان بد را سرزنش می‌کنند:

قرآن کریم حکایتی عبرت‌آموز از اهل بهشت بدین ترتیب نقل می‌کند: در حالی که بهشتیان غرق در نعمت‌های بهشتی هستند، یکی از آنان به یاد یکی از دوستان بد خویش می‌افتد و احوال او را از دوستان بهشتی خود می‌پرسد و ناگهان او را در قعر جهنم می‌بیند و شروع به سرزنش او می‌کند:

«فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ قَالُ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ * يَقُولُ أَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَّدِّقِينَ * أ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَ إِنَّا لَمَدِينُونَ * قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلَعُونَ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ * قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدْتَ لَتُرْدِينِ * وَ لَوْ لَا نِعْمَةٌ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ»^۲

بعضی [از بهشتیان] رو به بعضی دیگر کرده، می‌پرسند. یکی از آنها می‌گوید: من همنشینی داشتم که همیشه می‌گفت: آیا به راستی تو از تصدیق‌کنندگان هستی [و این سخن را باور کرده‌ای] که وقتی ما مردیم و به خاک و استخوان تبدیل شدیم، [زنده شده و] جزا داده می‌شویم! سپس می‌پرسد: آیا [از او] اطلاعی دارید؟ ناگهان از احوال او آگاه می‌شود و او را در وسط جهنم می‌بیند. می‌گوید: به خدا سوگند! نزدیک بود مرا به هلاکت بکشانی و اگر نعمت پروردگار نبود، من نیز از احضار شدگان [در دوزخ] بودم.

دوست شدن با شیطان!

پیشنهادات دوستانه شیطان:

۱. توصیه می‌کند به غیبت که غذای سگ‌های جهنم است و گوشت تن برادر مرده.
۲. توصیه می‌کند به دروغ که کلید همه بدی‌ها و زشتی‌هاست.
۳. توصیه می‌کند به چشم‌چرانی و تماشای فیلم‌ها، سی‌دی‌ها، وب‌ها و سایت‌های غیراخلاقی که باعث آشفتگی روانی، افسردگی، بی‌حیایی و پاشیدن بنیان خانواده‌ها می‌شود.
۴. توصیه می‌کند به بدحجابی و حتی بی‌حجابی، برای کسانی که دوست دارند لگد به بخت خودشان بزنند و شبیه عروسک باشند؛ به‌ویژه عروسک خیمه‌شب‌بازی.
۵. توصیه می‌کند به رابطه نامشروع‌داشتن با نامحرم و عشق‌ورزیدن به او؛ این عمل برای فراموش کردن خدا و رفتن مهر او از دل بسیار نافع است.

۱. زخرف: ۲۸.

۲. صافات: ۵۱ - ۵۶.

۶. توصیه می‌کند به تنبلی، کاهلی و سستی؛ به دلیل اینکه باعث زیان و خسران در دنیا و آخرت می‌شود.

۷. توصیه می‌کند به روزه‌نگرفتن؛ چون صبری است مستحکم در برابر عذاب الهی.

۸. توصیه می‌کند به دیر خوابیدن‌های شب و پرخوری به ویژه در شب؛ این کار برای شیطان چند فایده دارد؛ از جمله:

* دیر بیدار شدن؛

* قضا شدن نماز صبح؛

* خوب نخوابیدن؛

* غفلت از نماز شب.

۹. توصیه می‌کند به سر وقت نماز نخواندن، هر چند نخواندن افضل است. این کار را منفعت‌های بی‌شمار است که قلم از نوشتن و زبان از گفتن آن عاجز است.

۱۰. توصیه می‌کند به پس انداز کردن اموال و املاک منقول و غیر منقول و نپرداختن خمس، زکات و صدقه به فقرا و نیازمندان که سبب شادنبودن در زندگی در لحظه مرگ و پس از آن (روز قیامت) می‌شود.

۱۱. توصیه می‌کند به شرکت نکردن در مجالس عزای حسینی؛ چون ضامن بقا و تداوم راه شهدا، اسلام و انقلاب و از همه مهم‌تر استقلال شما است.

۱۲. توصیه می‌کند به نخواندن قرآن؛ چون:

اولاً: راه مبارزه با من را به شما یاد می‌دهد؛

ثانیاً: زنگار غفلت را از دلتان می‌زداید؛ به‌ویژه غفلت از مرگ، معاد و قیامت را.

در پایان اکیداً توصیه می‌کند توصیه‌های من را جدی بگیرید و اگر تاکنون توفیق عمل را پیدا ننموده‌اید، بشتابید؛ زیرا با خبران گفته‌اند: خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو.

ضرب‌المثل‌ها و کلام دانشمندان درباره «دوست»:

۱. دشمنان در زندان با هم دوست شوند.

۲. دشمن دانا بلندت می‌کند * بر زمینت می‌زند نادان دوست!

۳. دوستی با مردم دانا نکوست.

۴. دوست آن است که بگریاند. دشمن آن است که بخنداند!

۵. دوست همه کس، دوست هیچ‌کس نیست!

۶. دوستی دوستی از سرت می‌کنند پوستی؟!!

۷. از دشمنان دوست، حذر گر کنی رواست.
۸. اگر خواهی راز تو دشمن نداند، با دوست مگوی.
۹. چون دوست، دشمن است، شکایت کجا برم.
۱۰. دشمن دانا به از نادان دوست.
۱۱. دشمنان سه فرقه‌اند: دشمن و دشمن دوست و دوست دشمن!
۱۲. دوست آن به که بی وفا نبود.
۱۳. دوستان وفادار بهتر از خویشند.
۱۴. دوست ما را و همه نعمت فردوس، شما را.
۱۵. دوستی جاهل، به دوستی خرس می ماند!
۱۶. «دشمن چون از هر حیلتی باز ماند، سلسله دوستی بجنابند تا به دوستی کارها کند که در دشمنی نتواند» سعدی.
۱۷. «دوست و مگس هر دو در تابستان ظاهر می شوند» ضرب‌المثل آلمانی.
۱۸. «دوست همه کس، دوست هیچ کس نیست» ارسطو.
۱۹. «صفات هر کس مربوط به محسنات و نقایص اخلاقی دوستان اوست» کارل لایل.
۲۰. «وقتی از اخلاق یک فرد سر در نمی آوری، به دوستانش نگاه کن!» ضرب‌المثل ژاپنی.
۲۱. «تو اول بگو با کیان دوستی * پس آنگه بگویم که تو کیستی» ضرب‌المثل فارسی.
۲۲. «با شجاعان عالم و درندگان بیابان روبرو شدم؛ ولی هیچ کدام مانند همنشین بد بر من غالب نشدند» بوذرجمهر.

اشعار:

۱. ای غزالی گریزم از یاری
مخلص آن شوم که عیبم را
نه که چون شانه با هزار زبان
۲. دوست آن دانم که گیر دست دوست
۳. دوست آن است کو معایب دوست
نه که چون شانه با هزار زبان
۴. این دغل دوستان که می بینی
۵. دشمن دانا که غم جان بود
- در پریشان حالی و درماندگی (سعدی)
- همچو آینه روبرو گوید
- در قفا رفته موبه مو گوید (دهلوی).
- مگس‌اند دور شیرینی (سعدی).
- بهتر از دوست که نادان بود (نظامی).

داستان‌هایی زیبا در تأثیر همنشین بد :

۱. دشمن دوست نما:

پدر و مادرم مرا به قول دوستانم «پاستوریزه» بار آورده بودند و وابستگی شدیدی نسبت به خانواده‌ام داشتم. برای ادامه تحصیل مجبور شدم به دانشگاهی در یکی از استان‌های همجوار بروم.

پس از گذشت چند ماه با دختری جوان از خانواده‌ای ثروتمند آشنا شدم. او که همکلاسی‌ام بود با محبت‌های خودش، غم تنهایی را در وجودم از بین برد. علاقه من به این دختر روز به روز بیشتر شد و اوایل ترم دوم تحصیلی از پدر و مادرم خواستم به خواستگاری‌اش بروند؛ اما خانواده‌ام با انجام تحقیقات اولیه، مخالفت خود را اعلام کردند و گفتند: این دختر به درد تو نمی‌خورد ولی من به ارتباط مخفیانه خود با این دخترخانم ادامه دادم. او که می‌گفت قصد کمک دارد، پیشنهاد داد با عنوان نماینده توزیع و فروش کالاهای شرکت برادرش در مشهد فعالیت کنم. دختر مورد علاقه‌ام با این ترفند هفته‌ای یک بار چند کارتن کوچک را از طریق اتوبوس مسافربری می‌فرستاد. من نیز به پایانه مسافربری می‌رفتم و کارتن‌ها را تحویل می‌گرفتم و به نشانی موردنظر که فروشگاه در یک مجتمع تجاری بود، تحویل می‌دادم. امروز که آمده بودم بسته‌ها را تحویل بگیرم پلیس دستگیرم کرد و از داخل کارتن‌های مارک‌دار قطعات رایانه‌ای بسته‌های کریستال کشف شد. من به عنوان عضو باند قاچاق دستگیر شده‌ام و نمی‌دانم چه خاکی بر سرم بریزم!^۱

۲. داستان تأسف بار عقبه‌بن‌ابی معیط:

در عصر پیامبر اسلام ﷺ، در میان مشرکان، دو نفر با هم دوست بودند. نام این دو نفر عقبه و آبی بود. عقبه آدمی سخی و بلندنظر بود. هر زمان از مسافرت برمی‌گشت، سفره مفصلی ترتیب می‌داد و دوستان و بستگان را به میهمانی دعوت می‌کرد و در عین آنکه در صف مشرکان بود، دوست می‌داشت که پیامبر اسلام را نیز مهمان خود کند. در مراجعت یکی از مسافرت‌ها، سفره گسترده‌ای را ترتیب داد و جمعی از جمله پیامبر ﷺ را دعوت کرد. دعوت‌شدگان به خانه او آمدند و کنار سفره غذا نشستند. پیامبر نیز وارد شد و کنار سفره نشست؛ ولی از غذا نخورد و به عقبه فرمود: «من از غذای تو نمی‌خورم، مگر اینکه به یکتایی خداوند و رسالت من گواهی دهی».

عقبه به یکتایی خدا و رسالت پیامبر گواهی داد و به این ترتیب قبول اسلام کرد. این

۱. وبلاگ «داستان‌های واقعی و عبرت‌انگیز» گرفته شده از قسمت حوادث روزنامه صبح خراسان.

خبر به گوش دوست عقبه؛ یعنی «أبی» رسید. او نزد عقبه آمد و به وی اعتراض شدید کرد و حتی گفت: تو از جاده حق منحرف شده‌ای. عقبه گفت: من منحرف نشدم؛ ولی مردی بر من وارد شد و حاضر نبود از غذایم بخورد، جز اینکه به یکتایی خدا و رسالت او گواهی بدهم. من از این شرم داشتم که او سر سفره من بنشیند؛ ولی غذا نخورده برخیزد. اُبی گفت: من از تو خشنود نمی‌شوم، مگر اینکه در برابر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بایستی و به او توهین کنی... عقبه فریب دوست ناباب خود را خورد و از اسلام خارج شد و مرتد شد و در جنگ بدر در صف کافران شرکت کرد و در همان جنگ به هلاکت رسید. دوست ناباب او «أبی» نیز در سال بعد در جنگ احد در صف کافران بود و به دست رزم‌آوران اسلام کشته شد. آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره فرقان در مورد این جریان نازل شد و وضع بد عقبه را در روز قیامت که بر اثر همنشینی با دوست بد، آن‌چنان منحرف شد، منعکس نمود و به همه مسلمانان هشدار داد تا مراقب باشند و افراد منحرف را به دوستی نگیرند که در آیه ۲۸ سوره فرقان، چنین آمده که در روز قیامت می‌گوید: «یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلاً»! ای وای بر من! کاش فلان شخص گمراه را به دوستی خود انتخاب نکرده بودم.

۳. طعم تنهایی:

پدر و مادرم عاشق پول هستند و تمام وقت خود را صرف کار بیرون از خانه می‌کنند تا پول بیشتری در بیاورند.

من یک سال قبل با دختر خاله یکی از همکلاسی‌هایم آشنا شدم و چون خیلی تنها بودم، دوستی ما زودتر از آن چیزی که فکرش را بکنید، عاطفی و صمیمانه شد. «ژیلا» دختر خوش سر و زبانی بود و با شیرین‌کاری‌هایی که داشت، جای خالی پدر و مادرم را در خانه پر کرد. او هر روز به دیدنم می‌آمد و ما با هم حرف می‌زدیم و درد دل می‌کردیم. ژیلایک روز پسر مورد علاقه‌اش را نیز به خانه ما آورد و دیدار با این پسر جوان باعث شد تا به وسیله او با کیوان که یکی از دوستان آن پسر بود، آشنا شوم.

دختر جوان در مرکز مشاوره پلیس خراسان رضوی افزود: متأسفانه من تحت تأثیر حرف‌های «ژیلا» و دوست پسرش با کیوان ارتباط برقرار کردم و متأسفانه در اثر این ارتباط شوم، پسری که ادعا می‌کرد خیلی دوستم دارد و رابطه ما باید در حد یک ملاقات و خیلی رسمی باشد، مرا اغفال کرد و مورد سوء استفاده قرار داد. کیوان پس از آنکه به خواسته‌های پلید خود رسید، با توسل به زور و تهدید وادارم کرد تا با دو پسر دیگر نیز

۲۱. مجمع‌البیان؛ ج ۷، ص ۱۶۶ و داستان دوستان؛ ج ۱.

ارتباط برقرار کنم و او حتی چندین بار تهدیدم کرد که اگر به او پول و طلا ندهم، آبرویم را خواهد برد و به همین راحتی مرا روانی کرده است. من در این مدت نتوانسته‌ام به پدر و مادرم چیزی بگویم و درد دل کنم و تصمیم گرفتم مشکلم را از طریق قانونی پیگیری کنم. ای کاش با والدینم دوست بودم و همدیگر را درک می‌کردیم. من از تمام پدران و مادران خواهش می‌کنم با فرزندان خود دوست و رفیق باشند و در کنار نیازهای مالی آنها، به خواسته‌ها و نیازهای روحی و عاطفی آنها نیز توجه داشته باشند. همچنین از دختران جوانی که این ماجرا را خوانده‌اند، نیز می‌خواهم حواس خود را جمع کنند؛ چون حرف‌هایی که دخترها و پسرها در زمان برقراری ارتباط در روزهای اول به همدیگر می‌زنند خیلی رؤیایی و قشنگ است؛ اما روز آخر با گریه، اندوه و تأسف همراه خواهد بود و بی‌رو درباستی بگویم به قول معروف کسی که خربزه می‌خورد، باید پای لرز آن هم بنشیند.

پیام‌ها:

۱. در زندگی روزمره، افراد مختلف با عقاید متفاوتی را مواجه می‌شویم که با اندک تفاهمی آنها را دوست و مشاور انتخاب کرده و بدون کوچک‌ترین تحقیقی برای ما حجت حساب می‌شوند. در صورتی که برخی منتخبین ممکن است شیطانی تمام عیار باشند که اجیر شیطان شده و در مسیر منحرف کردن ما از راه مستقیم هدایت به وی مدد می‌رسانند.
۲. گاهی اوقات در جمع دوستان ناباب و گمراه که آنها را دوستان صمیمی و خاطرخواه خود می‌بینیم، در حال انجام گناه و معصیت، شیطان را آنقدر لعن می‌کنیم که گویی شیطان به تنهایی ما را در مسیر گناه قرار داده است. در صورتی که شیطان حاضر که همان دوست به ظاهر خاطرخواه ماست، را از خود دور نمی‌کنیم.
۳. خطر شیاطین انسی در جایی بالا می‌گیرد که انسان ویژگی‌های اصلی همشینی نیک را از نظر اسلام نداند و فصل تمایز همشینیان خوب و بد را آنطور که اسلام به ما آموزش داده است، پیگیری و مطالعه ننماید؛ بنابراین به اشتباه افتاده و هر راهزنی را رفیق شفیق و مونس نیک سیرت می‌یابد.
۴. اینکه انسان کسی را دوست انتخاب می‌کند دلیل بر این نمی‌شود که تمام اعمال، کردار و گفتار (عقاید و نظریات) وی را باید تأیید نماید؛ بنابراین باید توجه داشت گاهی اوقات لازم می‌شود حتی دوست را خطرناک‌ترین دشمن قلمداد نمود و از وی جدا شد؛ همان‌طور که طبق آیات قرآن کریم در روز قیامت همین مطلب اتفاق خواهد افتاد.
۵. سعی کنیم دوستی انتخاب کنیم که پیرو هوای نفس ما نباشد؛ بلکه گاهی اوقات

در مسیر رفاقت ما را امر به معروف و نهی از منکر نیز بنماید تا از مسیر مستقیم هدایت خارج نشویم.

۶. دوستان عزیز مراقب باشیم در ازدواج، همسر ما قبل از هر چیز دوست و همنشین ماست که در عاقبت به خیری یا عاقبت به شری ما تأثیر به سزایی دارد. بنابراین لازم است دقت‌های لازم در انتخاب این دوست بسیار مهم را بنماییم تا خدای نکرده از نیروهای انسی شیطان نبوده باشد تا ما را بفریبد.

سؤالات:

۱. در صورت قطع رابطه کردن با چهار گروه از خویشان معاند، خداوند چهار لطف به ما عطا می‌فرماید. آنها را نام ببرید.
۲. با توجه به روایات تنهایی بهتر از همنشین بد است. چرا؟
۳. از نظر امام علی ۷ همنشین بد چه کسی می‌باشد؟
۴. با توجه به آیات قرآنی آیا امکان دارد دوستان، دشمن یکدیگر شوند یا خیر؟
۵. از نظر امام صادق ۷ محبوب‌ترین دوست چه کسی می‌باشد؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. همنشینی و کجروی؛ محمود داوری، محمد ابوترابی و علی سلیمی؛ ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۲. آئین مهربانی: دایره المعارف دوستیابی (براساس ۱۴۰۰ سند از قرآن و حدیث)؛ سیدعلی روحبخش؛ ناشر: فائز، ۱۳۸۶.
۳. آیین دوستیابی از دیدگاه امام علی ۷؛ محمدعلی علاقه مند تبریزی؛ ناشر: جلیل، ۱۳۸۲.
۴. دوستی در کلام امیرمؤمنان علی ۷؛ جعفر شیخ الاسلامی؛ ناشر: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۵. شناخت دوست، پیرامون دوست یابی؛ عباس خدایی؛ ناشر: قدس، ۱۳۸۲.
۶. معاشرت؛ حسین انصاریان؛ دارالعرفان، ۱۳۸۴.

سلوک شیطان

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. آشنایی با معنای لغوی و اصطلاحی سلوک؛
۲. شناخت فرقه‌ها و گروه‌هایی که سلوک شیطانی را برای زندگی خود برگزیده‌اند؛
۳. آشنایی با فرقه ضاله شیطان‌پرستی، فرقه‌ای فعال در کشور؛
۴. بررسی آثار و پیامدهای گسترش فرقه شیطان‌پرستی در جوامع؛
۵. شناخت فرقه شیطان‌پرستی در جایگاه از بین برنده امنیت ملی و اجتماعی کشور؛
۶. آشنایی مختصر با عرفان‌های کاذب؛ اعم از برخی فرق صوفیه و عرفان‌های نوظهور؛
۷. آشنایی اجمالی با عرفان اسلامی و نمونه‌های آن؛
۸. داستان‌هایی جذاب درباره سلوک شیطانی.

مقدمه:

تا به حال شاید از خود پرسیده باشیم آیا می‌شود با شیطان در زیر یک سقف به راحتی زندگی کرد و دچار مشکل نشد؟ آیا کسانی در دنیا وجود دارند که شیفته و مفتون این شیاد تمام عیار گردند؟ آری در درس حاضر بر آنیم تا انواع راه‌های شیطانی شدن و تسلط این موجود متمرّد و همچنین زمینه‌های گرایش به شیطان را در حد اختصار توضیح دهیم تا آشنایی اجمالی با مریدان و چاکران شیطان در دنیای اطراف خود را کسب نماییم.

تعریف سلوک

۱. تعریف لغوی:

سلوک: راه رفتن، راه سپردن، پای سپردن جای را.^۱
 سلوک کردن: سفر کردن، مدارا کردن، پیروی نمودن رسم و عادت کسی را. (ناظم الاطباء).
 ۱. در پیش گرفتن راهی؛ ۲. روش و رفتار؛ ۳. طی مدارج توسط سالک به مقام وصل و فنا.^۲

۲. تعریف اصطلاحی

الف) اصطلاح عرفان:

سلوک طی مدارج خاص را گویند که همواره سالک باید طی کرده تا به مقام وصل و فنا برسد که از جمله مدارج توبت، مجاهدت، خلوت، عزلت، ورع، زهد، وصمت، خوف و رجا، حزن، جوع، ترک شهوت، خشوع و تواضع است. نیک‌روی کردن در امور.

ب) اصطلاح تصوف:

طلب تقرب حق تعالی.

فرقه‌های شیطانی موجود:

در حال حاضر در تمام دنیا فرقه‌های انحرافی متعددی وجود دارد که با شتاب و سرعت زیادی و قارچ‌گونه در حال رشد و تکثیر می‌باشند و مردم ناآگاه زیادی را با انواع فریب‌ها و حيله‌ها به چنگ کشیده و در دام عقاید خرافی و باطل خویش غوطه‌ور می‌نمایند. وقت آن رسیده از خود بپرسیم آیا انسانی که در زمین مقام خلیفه‌اللهی را داراست و اشرف مخلوقات خداوند لقب گرفته است، آن‌قدر حقیر شده که هر بی‌سروپایی با سر هم کردن یک عقیده شخصی شیطانی و جمع‌آوری یارانی شیطان‌صفت و نوکرانی بی‌هویت، این‌گونه انسانیت انسان را به سخره بگیرد و تمام خلقت انسان را منحصر در شهوات و غریزه‌های حیوانی‌اش معرفی نماید؟
 برای آگاهی اجمالی نسل جوان در ذیل تعدادی از این فرق انحرافی را به طور نمونه معرفی نموده و عقاید و فعالیت‌های اشتراکی این فرقه‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

فرقه‌های شیطان‌پرستی:

در سال‌های اخیر فرقه‌های متعدد شیطان‌پرستان در ایران فعال شده‌اند که هر چند ماه یک بار خبری در مورد بازداشت گروهی از آنان منتشر می‌شود؛ ولی این به معنای

۱. لغت‌نامه دهخدا؛ ذیل لغات سلوک، سلوک‌کردن.

۲. لغت‌نامه معین؛ ذیل لغت سلوک.

پایان ماجرای شیطان‌پرستی در ایران نیست. تحقیقات نشان می‌دهد اکنون بیش از ۷۰ فرقه شیطان‌پرستی در کشور فعال هستند که با سرعت زیادی در حال رشد می‌باشند. برخی از آنها مانند یزیدیه در غرب کشور، طبیعت و کوهستان را مأوای خود می‌دانند؛ ولی بسیاری دیگر از گروه‌های شیطان‌پرست، از پارتی‌های موسیقی راک برای محفل پوششی خود بهره می‌گیرند. بیشتر محفل‌های شیطان‌پرستی ایران نیز در تعامل و ارتباط با گروه‌های خارجی هستند و حتی برخی گردهمایی‌های زیرزمینی آنها، به وسیله سیستم ویدئوکنفرانس و با اتکا به خطوط اینترنت پر سرعت، به محفل‌های شیطانی خارج کشور گزارش می‌شود.

تفکرات و عقاید شیطان‌پرستان:

شیطان‌پرستان اعتقاداتی دارند که شدیداً به آن پایبند هستند. جالب است که آنان خود را تنها گروه متفکر می‌دانند. از میان افکار آنان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ما کسانی هستیم که دانش را به جای جهل پذیرفته‌ایم.
- ما با آگاهی، درخت معرفت را انتخاب کردیم، راهی که شیطان نشان داد!
- ما سیب درخت معرفت را می‌خوریم.
- ما کسانی که حقیقت را پایمال می‌کنند، محاکمه می‌کنیم.
- ما کسانی که چیزی را کورکورانه دنبال می‌کنند، سرزنش می‌کنیم.
- ما مخالف خداگرایی هستیم.
- ما بیرونی‌کردن گناه را نادرست و دردناک می‌دانیم.
- ما به جای جمع کردن امتیاز همراه با ریاضت، برای رسیدن به دنیایی خوب بعد از مرگ، به شادی خویش و جسم معتقدیم.

این سخن نیچه فیلسوف غربی و از پایه‌گذاران شیطان‌پرستی فلسفی را فراموش نکنیم که در فراسوی نیک و بد چنین گفت: شیطان بیشترین بینش را درباره خدا دارد؛ زیرا او از خدا دور می‌گردد. در حقیقت شیطان قدیمی‌ترین دوست‌دار دانش است.

نگاه شیطان‌پرستان به عقاید خودشان:

شیطان‌پرستان اعتقادات خود را بسیار سیاه می‌پندارند؛ اما این سیاهی را دلنشین می‌دانند. همچنین معتقدند: شیطان‌پرستی در حال ترسیم دنیایی است که هیچ روزنه امیدی برای آن تصویر نمی‌شود؛ به همین دلیل شیطان‌پرستی را جهان تاریک می‌نامند. شیطان‌پرستی حقیقتی را جستجو می‌کند که آن را در این جهان نمی‌توان یافت. در توجیه خودکشی چنین می‌گویند: می‌خواهیم به حقیقت برسیم و حقیقت در این

دنیا به دست نمی‌آید. باز این سیاه‌نمایی را به گونه‌ای دیگر و به صورت عمومی ارائه می‌دهند. با نگاه به نوع کلام می‌توان تشخیص داد که مؤسس این فرقه و سایر رهبران آن، در چه جامعه و چه موقعیتی زندگی می‌کردند و همچنین می‌توان نتیجه گرفت که در درون آنها چه می‌گذرد.

به قسمت دیگری از اعتقادات شیطان‌پرستی توجه فرمایید:

زندگی در دنیا بر پایه دروغ است و همه باورهای مردم بر پایه همین دروغ شکل گرفته است. همه عادت کرده‌اند دروغ بگویند؛ بنابراین اگر حرف راست هم بزنید، کسی آن را باور نمی‌کند. شیطان‌پرستی آیینی است که همه چیز را منفی ارائه می‌دهد. آنتوان لاوی مکتب خود را این‌گونه معرفی می‌کند: ما حتی خورشید را مانع از تابش نور می‌پنداریم. ما همه چیز را منفی می‌خواهیم، اگر به باغ سیب برویم، همه سیب‌ها را کال می‌بینیم و اگر به تئاتر برویم، همه بازیگرها را لال می‌پنداریم. شیطان‌پرستی معجونی است که هر آدم گرفتاری را به وحشی‌گری و نفرت سوق می‌دهد. کوره راه و مسیری است که به هیچ جا راه نداشته و بن‌بست است. وی در بیان اعتقادات خود که می‌توان به جرئت گفت آن را از نظریات افرادی مانند نیچه گرفته است، می‌گوید: رسماً اعلام می‌کنم که ما به مقصد نمی‌رسیم. شیطان‌پرست باید بداند جاده‌ای که در آن قرار دارد پر از خط‌کشی‌های درهم و برهم است و او باید در یافتن راه خروج تا سر حد جنون و دیوانگی پیش برود و سرانجام مطمئن شود راه بازگشتی وجود ندارد و باید با ما تا آخر مرگ بماند.^۱

انواع شیطان‌پرستی:

۱. شیطان‌پرستی فلسفی:

این نوع گرایش عبارت است از اینکه محور و مرکز عالم، انسان است. پایه‌گذاری این فرقه از شیطان‌پرستی به آنتوان لاوی نسبت داده می‌شود. او کسی بود که کلیسای شیطان را تأسیس کرد (اولین سازمانی که از لغت شیطان‌پرستی فلسفی استفاده نمود). در نظر شیطان‌پرستان فلسفی، محور و مرکزیت عالم هستی، خود انسان است و بزرگ‌ترین آرزو و شرط رستگاری این نوع از شیطان‌پرستان برتری و ترفیع ایشان نسبت به دیگران است. شیطان‌پرستان فلسفی عموماً خدایی برای پرستش قائل نمی‌دانند و به زندگی غیر مادی بعد از مرگ نیز عقیده‌ای ندارند. به هر حال زندگی این گروه از شیطان‌پرستان عاری از

۱. برگرفته از سایت شیطان‌پرستی «www.mysavior.ir»؛ ذیل عقاید و تفکرات شیطان‌پرستان.

روحیه مذهبی و معنویت نیز نیست.

در نظر شیطان‌پرستان فلسفی، هر شخص خدای خودش است. آنها با تکیه بر عقاید انسانی وابسته به دنیا، مطالب مربوط به فلسفه عقلانی را عبث می‌شمارند و به آنها به دید ترس از مسائل ماوراءالطبیعی می‌نگرند و تنها به وسیله آن، یک زندگی عقیم و تنها بر مبنای "جهان واقعی" را تشکیل می‌دهند. به طور شفاف آموزه‌های شیطان‌پرستان فلسفی قدمتی بیشتر از کلیسای لایوی دارد. اگر چه این تصویری از شیطان است؛ ولی با موقعیت واقعی او تقابل دارد؛ چرا که این تعالیم از آموزه‌های یهودی-مسیحی نشأت گرفته است و شیطان را به دلیل خصوصیاتش پلید نگاشته است.^۱

۲. شیطان‌پرستی دینی:

این نوع شیطان‌پرستی شبیه شیطان‌پرستی آنتون لایوی است؛ اما با این تفاوت که در این نوع، شیطان نوعی جنبه خدایی و متافیزیکی دارد؛ زیرا آیین‌های خاصی در آن اجرا می‌شود که شبیه اعمال الهی است. ممکن است پیروان این مکتب، به یک خدا یا خدایان متعددی اعتقاد داشته باشند که این خدایان برگرفته شده از خدایان مصر و یونان و بین‌النهرین می‌باشند. گاه خدای آنها همان فرشته رانده شده لوسیفر از درگاه خدا می‌باشد که آنها اعتقاد دارند طغیان او در برابر خداوند کاملاً درست بوده است.

برخی از آنها اعتقاد دارند فرشتگان دیگر با بدگویی او نزد خداوند، موجب رانده شدن او شدند. کلاً این گروه به آزادی فکر و عمل و بالابردن خود به هر وسیله‌ای؛ حتی جادو اعتقاد دارند. این گروه شیطان را عامل آگاهی انسان‌ها می‌دانند و انسان را از پرستش خدایی که مانع آگاهی و پیشرفت انسان‌هاست بر حذر می‌دارند و انسان را برای شناخت مسیر درست، کامل می‌بینند. همچنین خدای مورد پرستش بشر را خدایی ظالم می‌دانند که در طول تاریخ چند بار ظلم‌های بزرگی به انسان‌ها کرده است.^۲

۳. شیطان‌پرستی گوتیک:

این نوع شیطان‌پرستی همان شیطان‌پرستی عصر سلطه کلیسا است. در این نوع شیطان‌پرستی کودک‌خواری، قربانی کردن دختران، بُزکشی^۳ و تمام کارها و اعمال ضد کلیسا انجام می‌شود. شیطان‌پرستی نزدیکی زیادی به جادوگری دارد و دنیای آن پر از افسانه‌های گوناگون، شیاطین متعدد و افراد مختلف به ویژه جادوگران است. در دنیای

۱. احسان مقدس؛ «کز راهه - شیطان؛ نقدی بر انواع و گروه‌های شیطان‌پرستی» (تحقیق دانشجویی)؛ پاییز ۸۴، دانشگاه علم و صنعت ایران.

۲. برگرفته از سایت شیطان‌پرستی؛ «www.mysavior.ir»؛ ذیل انواع شیطان‌پرستی.

۳. در آیین مسیحیت و کلیسا «بز» مایه احترام می‌باشد که شیطان‌پرستان برای تمسخر کلیسا این کار را انجام می‌دهند.

امروز هم کشورهای مختلفی دارای کلیسای شیطان هستند؛ مثل آمریکا، انگلیس، آلمان و همچنین چین. بر خلاف ادعای شیطانپرستان جدید که بر اساس متون کتاب مقدس شیطانپرستی، بر عدم کودک‌آزاری و آزار حیوانات پافشاری می‌کنند، وحشتناک‌ترین اعمال توسط آنها تنها برای مقابله با دستورات الهی انجام می‌شود.^۱

۴. شیطانپرستی آت‌ایستیک:

آت‌ایست‌ها منکران خدا هستند. خدایان همان‌قدر قدرت دارند که پیروانشان. هر آت‌ایستی هیچ خدایی با هر قدرتی را قبول ندارد. خیلی از آت‌ایست‌ها در افکارشان محافظه‌کاری به خرج می‌دهند و می‌گویند: ما به چیزی که نمی‌بینیم، اعتقاد نداریم و این قاعده شیطان را هم دربرمی‌گیرد. از جمله اعتقادات این گروه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در جهان زمین، چیزی برای هدایت نمی‌خواهیم.
 ۲. ما ادیان فریب‌کار، متظاهر و ریاکارانه را نمی‌خواهیم.
 ۳. تنها چیز خوبی که در ادیان یکتاپرست یافت می‌شود، آدم‌بدها هستند.
 ۴. تو تنها کسی هستی که کنترل زندگی‌ت را به دست داری. چیزی به اسم خدا زندگی‌ت را بهتر نمی‌کند.^۲
- اصول شیطانپرستی:
۱. آت‌ایسم: خدایی در شیطانپرستی وجود ندارد.
 ۲. دوگانه‌نگری منفی: روح و جسم دیده‌شدنی نیستند و هیچ جنگی بین عالم خیر و شر وجود ندارد.
 ۳. اتودیسیم (خودپرستی): خدایی جز خود انسان وجود ندارد و هر انسانی خود یک خداست.
 ۴. ماتریالیسم: اعتقاد به اصالت ماده دارند.
 ۵. آنتی رلیژن (ضد مذهب): خصومت با مذاهب، به ویژه در مورد مذاهبی که اعتقاد به زندگی پس از مرگ دارند.
 ۶. ویسیروتینیسم (لذت‌گرایی): اعتقاد به استفاده از لذت در حد اعلامی آن؛ زیرا تمام بنابراین، در خوشی دنیایی است و این خوشی‌ها به ویژه بنابراین جنسی انگیزه لازم را برای کارهای روزانه فراهم می‌کنند و به هر شکلی انجام آنها لازم و ضروری است.

۱. پیشین.
۲. همان.

پیامدها و آثار شیطان‌پرستی در کشور

۱. خانوادگی:

تجاوز جنسی:

در جمع شیطان‌پرستان اصولاً تجاوز جنسی یک ارزش و شرط برای ورود و ماندگار شدن در گروه به حساب می‌آید. این تجاوز که عمدتاً با قتل، تجاوز به همجنسان و کودکان نیز همراه است، عنصر اصلی وارد کردن خسارت و انتقام‌گیری از فرد متجاوز جنسی است. تصور شیوع یافتن این ضد فرهنگ ویرانگر نیز می‌تواند مرزهای امنیت اخلاقی را در جامعه درنوردد. تجاوز جنسی از ضد ارزش‌های تبلیغی این گروه‌هاست که دائماً با ساخت نماهنگ، تنظیم آلبوم‌های موسیقی، ترویج فکری و به وسیله فیلم‌های مبتذل دنبال می‌شود. در واقع شیطان‌گرایان معتقدند تجاوز، تنوع در کسب لذت جنسی است. این امر بقای نظام خانواده را از بین برده و تنها چیزی که از یک زن به جا می‌ماند، ارائه شدن کالایی برای شهوت‌رانی است.

فشار به خانواده‌ها و گسترش دزدی:

بیشتر جوانانی که به شیطان‌پرستان می‌پیوندند؛ حتی چنانچه از خانواده‌های ثروتمند نیز باشند، از اعضای مطرود خانواده به حساب می‌آیند؛ بنابراین حضور ایشان در جمع گروه اجتماعی می‌تواند زمینه جرایمی همچون سرقت را برای تأمین منابع مالی فراهم آورد که این سرقت‌ها از نوع مسلحانه طبیعتاً تهدیدی برای امنیت اجتماعی به شمار می‌آید.

۲. فردی:

تزریق شبهات در دین جوانان:

دین و دینداری که مطابق با فطرت انسان‌هاست و از بدو خلقت به شکل‌های مختلف وجود داشته، مورد تهاجم جدی فرقه‌های شیطانی قرار گرفته است که با ایجاد شبهات، ترویج بی‌بند و باری، جایگزین کردن مطالب خرافی به جای مطالب ناب دینی، القای خشونت و اخلاق منافی با خلق و خوی دینی و... سعی می‌کنند حقیقت دین و دینداری را از صفحه وجودی جوامع بزدایند. در همین رابطه عده‌ای در غرب با ترویج عقاید مختلف تحت عنوان جنبش‌های دینی، زمینه‌ساز ترویج افکار شیطان‌پرستی شدند.

از سال ۱۹۷۰ مؤسسه باشگاه روم، وابسته به مؤسسه روابط انسانی تاویستاک، برنامه‌ای با نام «مرکز پژوهش‌های تراوشات دینی» زیر نظر توماس بارنی پایه‌گذاری کرد تا

سوپرمارکت معنویت در جهان را هر روز رنگین‌تر و پر کالاتر کنند. در این هرج و مرج، دینی که نفسانی‌تر باشد، بازار بهتری خواهد یافت و شیطان‌پرستی هم به صورت یک دین عرضه می‌شود.

منزوی شدن جوانان و فرار از خانواده‌ها:

جوان بعد از عضو شدن در چنین فرقه‌ای به دلیل دست‌درازی کردن به تمام محرمات الهی، کم‌کم دچار تغییرات و سرخوردگی‌ها، چندگانگی شخصیت، پوچی و بی‌هویتی می‌شود. به تدریج مجبور می‌شود از خانواده خود به دلیل انجام اعمال خشونت‌آمیز و جنون‌آمیز و حیوانی‌اش نظیر برخورد و تماس با بدن نامحرم، رابطه نامشروع جنسی، خون‌خواری، شراب‌خواری، انجام اعمال وحشیانه و... دوری کرده و مدتی را در انزوا بگذراند. این جوان در صورت غرق شدن در شهوات و لذت‌بردن از اعمال شیطانی خودش بر عقیده‌اش اصرار می‌ورزد و به مرور زمان مطرود خانواده گشته و فرار از خانواده را ترجیح می‌دهد و به شقاوت خواهد رسید.

۳. اجتماعی:

گسترش جرم‌های باندي و قتل‌های زنجیره‌ای:

جرایم یا فردی است و یا سازمانی. مصادیق جرایم باندي و یا سازمانی: بمب‌گذاری، اقدام برای ترور، قاچاق مواد مخدر به‌ویژه مواد مخدر شیمیایی، راه‌اندازی مراکز فساد و ... می‌باشد که طبق تحقیقات به عمل آمده، شیطان‌پرستان با تمامی جرایم مذکور ارتباط داشته و عمدتاً به وسیله مشارکت در آنها بودجه‌هایی را دریافت می‌نمایند.

فعالیت‌های سازمان‌یافته:

قطعاً این گروه‌ها برای رشد فرقه شیطانی خویش و جانداختن هرچه سریع‌تر آن در تفکرات و عقاید مردم، مجبورند به صورت سازمان‌یافته و سیستمی فعالیت خود را انجام دهند. بنابراین برخی ناامنی‌های عمومی برای جوانان و خانواده‌ها در سطح جامعه را توسط این فرقه خطرناک ناظر هستیم.

تشکیل شبکه‌های جاسوسی خطرناک در داخل کشور:

با توجه به اینکه در چند کشور آنگلو ساکسون، مکان‌های مقدس شیطان‌پرستان با نام‌های کلیسای شیطان واقع شده است و در همین کشورها نیز بنا بر دلایل سیاسی از گروه‌های ناهنجار اجتماعی و سیاسی مهاجر و مسافر بهره‌برداری جاسوسی می‌شود، لازم

است به صورت ویژه به همکاری‌های جاسوسی عناصر مربوطه توجه داشت.

رابطه با خارج از کشور:

منظور از این مطلب رابطه این فرقه با ایادی استکبار از جمله اسرائیل و آمریکا می‌باشد.^۱

قتل:

قتل یک عامل شیطانی بزرگ به حساب آمده و شیطان‌پرستی که تعداد و کیفیت قتل‌هایش بیشتر باشد، به درگاه شیطان نزدیک‌تر خواهد شد. ناگفته پیداست که این مؤلفه نیز تأثیرات سوء امنیتی را به همراه خواهد داشت. افزایش تعداد قتل در جوامع مختلف یکی از معیارهای بین‌المللی و تعیین‌کننده در خصوص وضعیت امنیتی هر کشور به شمار می‌آید. حال اگر این جرم کلان با یک اندیشه سازماندهی شده و تقدس‌زا همراه شود و حاشیه‌هایی چون تجاوزات جنسی را نیز با خود همراه سازد، ناگفته پیداست که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای را در خدشه‌دار نمودن مسئله مهم امنیت به همراه داشته باشد.

۴. دنیوی:

احساس پوچی گرایبی:

اینکه هدف از آفرینش را در این دنیا خلاصه کنیم و تمام خلقت انسان را در راستای کام‌جویی و شهوات دنیوی ببینیم، ناچاریم در پی آن به پوچی و عبث‌بودن آفرینش انسان و جهان حکم کنیم. چنین تفکری چون با فطرت انسانی نیز سازگار نیست، انسان را مضطرب و دچار جنون تا سر حد مرگ می‌کند و همیشه انسانی که قرار بوده در زمین اشرف مخلوقات باشد به: «أَوْلَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^۲ تبدیل می‌شود و بنابراین دنیای خود را تباه خواهد کرد.

به خطر افتادن زندگی دنیوی:

وقتی انسان دست به اعمال شیطانی می‌زند و آن را برای خود یک عقیده می‌داند، باید بداند چنانچه دیگران نیز با وی هم عقیده شوند، در این صورت اولین کسی که ضرر خواهد کرد، خود او می‌باشد؛ زیرا چنانچه دست به قتل و جنایت و فرورفتن در حالات مستی زد، احتمال دارد که خودش در هر زمانی توسط یکی از همین هم عقیده‌هایش کشته شود و زندگی دنیوی‌اش به خطر بیفتد.

ضررهای جسمی و امراض:

۱. رک: ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۳۹ و ۳۴۳.
۲. اعراف: ۱۷۹.

با اعمال و رسوماتی که این فرقه انجام می‌دهند، بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز و ... را به دنبال دارد.

۵. اخروی:

دچار تنگناشدن در زندگی دنیوی و اخروی:

قرآن تأکید می‌کند خداوند در جایگاه آفریدگار انسان، از یک غنای ذاتی برخوردار است و انسان در جایگاه یک آفریده، همواره گرفتار فقر ذاتی است.^۱ از این رو هرگاه به دلیل عواملی این ارتباط خود را در هر جا نشان ندهد، آن بخش با اختلال مواجه خواهد شد. هرچند این اختلال هیچ‌گاه به نیستی و نابودی نخواهد انجامید؛ ولی در زندگی دنیوی و اخروی دچار تنگنا می‌شود.

خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^۲ هرکس از یاد خدا و ارتباط با او اعراض کند، در زندگی دچار تنگنا خواهد شد. این تنگنا عبارت از همه مواردی می‌شود که انسان را از حالت تعادل شخصیتی بیرون می‌برد و دچار بحران‌های جسمی و روحی می‌نماید؛ بنابراین تنها با بهره‌گیری از توحید و یاد خداست که بهداشت روانی و تعادل درونی و بیرونی در انسان پدید خواهد آمد.

پیروی از شیطان، سبب ورود در جهنم:

از جمله عواملی که سبب ورود به جهنم و دوری از رحمت الهی می‌گردد، تسلیم شیطان شدن و زمام امور را به دست او سپردن است:

«قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا لِمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ»^۳

هنگامی که شیطان از درگاه خدا رانده شد، خداوند به او خطاب کرد که از آن مقام با ننگ و خواری بیرون رود و سوگند یاد می‌نمود که هرکس از انسان‌ها از تو پیروی کند، جهنم را از تمام آنها پر می‌سازیم. از این آیه استفاده می‌شود که پیروان شیطان، با شیطان در جهنم هستند.

هر گروهی با رهبرشان محشور و دوست خواهند شد:

«يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ... وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا»^۴ به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم؛ کسانی که در دنیا کور بوده‌اند و در آخرت نیز کورند و گمراه‌تر.

۱. فاطر: ۵.

۲. طه: ۱۲۴.

۳. اعراف: ۱۸.

۴. اسراء: آیه ۷۱ و ۷۲.

در اول جلد هشتم بحارالانوار بابی هست با این عنوان: «هر گروهی از مردم در روز قیامت با رهبرشان وارد می‌شوند.» و روایات متعددی در این رابطه آورده که هر کس در دنیا با هر چه دوست بوده و هر چیزی را می‌پرستیده، با همان محشور می‌شود؛ مثلاً بت پرستان با بت‌شان، شیطان پرستان با شیطان‌شان، هواداران و طرفداران افراد گمراه و پست فطرت با همان‌ها و طرفداران و دوستان پیامبران و ائمه و صالحان نیز با ایشان و هر گروه پشت سر امام و رهبرش قرار می‌گیرد تا سر انجام خوبان با رهبرشان وارد بهشت می‌شوند و بدان با رهبرشان وارد جهنم.

هر کس که در دنیا کور بوده و با رفقای کور و کر و لال نشست و برخاست داشته، در آخرت نیز کور است و در جهنم نیز رفقایش همان‌ها هستند که در دنیا با آنها بوده است؛ پس در روز قیامت پیروان خدا و شیطان در دو صف جداگانه قرار خواهند گرفت.

وضعیت فعلی (تهدیدات و خطرات) شیطان پرستی در ایران

۱. تحرک در اینترنت:

وبلاگ نویسی، چت و گفتگو در یاهو، سایت‌های وابسته به آنها، دریافت خبرنامه و ایجاد وبسایت‌های مختلف و افزایش هر چه بیشتر پایگاه‌های فضای مجازی ... از جمله تحرکات اینترنتی شیطان پرستان ایرانی است که تاکنون نیز ادامه دارد.

۲. ترویج نمادها:

مغازه‌ها و اصناف فروشنده زیور آلات نقره‌ای، فروشگاه‌های پوشاک جوانان و بانوان به‌ویژه در شهر تهران وظیفه عمده ترویج شیطان پرستی در داخل کشور را بر عهده دارد. در برخی موارد حتی می‌توان اظهار کرد فروشنده‌گان و مدیران حتی اطلاع اندکی از محتوای عمل خود ندارند؛ همچنین گفتنی است برخی از چهره‌های مطرح موسیقی پاپ و متالیکا در تهران و شهرستان‌ها به کرات و از طریق مختلف این نمادها را حمل، معرفی و به صورت مستقیم و غیر مستقیم به ترویج آنها می‌پردازند. سایت‌ها و وبلاگ‌های فارسی زبان نیز نقش عمده‌ای در گسترش و معرفی این نمادها ایفا می‌کنند.

۳. ترویج موسیقی (توهم گرای):

شیطان پرستی در آیین و هنر خود اصول وحشت را در کار می‌آورد و هراس موهومی را ایجاد می‌کند. هراسی که قلب‌های ناآشنا با جلال و جبروت الهی به آن نیاز دارد و جذب می‌شود و پیامد ثانوی این هراس و اضطراب، احساس آرامشی سطحی و ناپایدار

۱. ر.ک: ره توشه راهیان نور؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۳۸ و ۳۳۹.

است. موسیقی شیطنانی با حجم صدای بالا، سرعت زیاد ریتمها، تخریب صدای بعضی از سازها، نعره‌های دلخراش و دهشت‌ناک، گرم‌های وحشت‌ناک، استفاده از لرزش تصاویر، شوک‌های نورپردازی، استفاده از تیغ و آتش و تاریکی، جنایت‌های نمایشی نظیر کندن دست و پای گربه (خواننده گروه دیساید)، گاززدن و کندن سر یک خفاش زنده (خواننده گروه بلک سبث)، شکستن آلات موسیقی و وسایل روی صحنه و خودسوزی (متالیکا)،^۱ همه و همه برای لحظاتی هیجان ترس را به دل راه می‌دهد و برای دقایقی قلب را می‌لرزاند و نفس‌ها را حبس می‌کند.

اما همه اینها بت‌های موهومی است که نیاز راستین انسان را به تجربه حقیقی خوف و خشیت در برابر عظمت و جلال خداوند ناکام می‌گذارد و انسان را پریشان‌تر از پیش به حال خود وامی‌نهد؛ زیرا فطرت انسان حنیف است و با امور موهوم و غیر واقعی کامیاب نمی‌شود.^۲

۴. پارتی‌های شبانه:

پارتی‌های شبانه رپر، جشن‌های فارغ التحصیلی و مهمانی‌ها خاص دوستانه، همواره کانون فعالیت شیطان‌پرستان قابل ذکر هستند. در این‌گونه مراسم‌ها هر بار گروهی از جوانان با انواع و اقسام مختلف اندیشه‌ها و ظواهر شیطان‌گرایی آشنا و یا جذب آنها می‌شوند.

۵. همکاری با سلطنت طلب‌ها:

اوایل سال گذشته میلادی خبری در وبلاگ‌های وابسته به شیطان‌پرستان ایران منتشر شد که اهریمن سرکرده ایشان، پیوستن گروهش را به انجمن پادشاهی ایران اعلام می‌کرد. گفتنی است انجمن پادشاهی ایران یک گروه چند نفره از سلطنت‌طلبان و سیلی‌خوردگان انقلاب اسلامی است که عمده نقش آنها را فرود فولادوند مجری هتاک و ضد دین شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌های ضد انقلاب بر عهده دارد. وی بارها و بارها در شبکه‌های ماهواره‌ای ارکان دین مبین اسلام را زیر سؤال برده و لب به فحاشی علیه مقدسات گشوده است. پیوستن شیطان‌مسلك‌ها با سلطنت طلب‌ها چند نکته عمده را برای افکار عمومی ایرانیان ترسیم کرد:

۱. امروزه تنها گروه‌های فحاش و فاسد طرفداران نیروهای سلطنت طلب هستند.
۲. همچون ضد انقلابی‌های خارج از کشور درک صحیحی از فضای داخل کشور

ندارند.

۱. همان؛ ص ۳۴۰-۳۴۳.

۲. «شیطان‌پرستی، موجی در زمان حال یا طرحی برای آینده»؛ حمید رضا مظاهری سیف.

۳. طاغوت در خدمت شیطان و همواره شیطان در خدمت طاغوت بوده است.
۴. این حرکت یک اقدام سازمان‌دهی شده و تبلیغاتی برای مطرح‌شدن یک عنصر شدیداً ضد دین بوده است.

آسیب‌ها:

۱. رواج فرهنگ ضدیت با ارزش‌های انسانی و بشری؛
۲. رواج فرهنگ ضدیت با دین و ارکان آن؛
۳. جعل تاریخ قیام و حرکت پیامبران و نقش شیطان در انحرافات جامعه بشری؛
۴. ترویج فحشا و بی‌بند و باری و انواع اعتیاد به انواع مواد مخدر شیمیایی و الکل؛
۵. ترویج فرهنگ لابی‌گری و گریز از فعالیت‌های سازنده فردی و اجتماعی؛
۶. شیوع یافتن فرهنگ کلامی مبتذل و فاقد عنصر اخلاق؛
۷. انتشار آموزه‌های اساطیری ناقص و بدون استناد تاریخی و علمی از سایر فرهنگ‌ها؛
۸. حساسیت‌زدایی از فحاشی و هتک حرمت نسبت به نظام اسلامی؛
۹. سیاه‌نمایی و ترویج نیهیلیسم (پوچ‌گرایی) به صورت گسترده.

تهدیدات:

۱. افزایش جرایم سازمان‌یافته و بانندی؛
۲. انجام امور خراب‌کارانه و جاسوسی توسط شیطان‌پرستان ایران برای سازمان‌های جاسوسی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی؛
۳. رواج یافتن بیماری‌های حاد روحی و روانی در سطوح و اقشار مختلف که به مرور زمان می‌تواند به مثابه تهدید امنیتی جدی تلقی شود؛
۴. محکوم‌شدن جمهوری اسلامی ایران به اعمال محدودیت‌های حقوق بشری برای خاطیان که می‌تواند خسارات متعددی را علیه منافع ملی به همراه داشته باشد؛
۵. رواج یافتن جذب گروه‌های ضد انقلاب؛ نظیر منافقین و ... در محافل شیطان‌پرستان.

عاقبت شیطان و شیطان‌پرستان:

کتاب انجیل، شیطان را قدرت تاریکی می‌داند؛ ولی در عالم برای او قدرتی قائل نیست و او را در مقابل ایمان ضعیف می‌داند و او را مظهر گمراهی می‌داند و در جایی دیگر قدرت را از آن خداوند می‌داند. این نکته این‌گونه آمده است: خداوند! جلال و حرمت و قدرت براننده توست؛ زیرا تو آفریننده تمام موجودات هستی و همه چیز به اراده تو به وجود آمد.

قرآن کریم به گونه‌ای دیگر شیطان را قدرت تاریکی می‌داند. با این تفاوت که قدرت شیطان را پوشالی دانسته و اگر اراده انجام کاری را دارد، فقط به دلیل اجازه‌ای است که خداوند به او داده است. در این مورد تفاوت دیدگاه انجیل و قرآن در این است که از نظر انجیل قدرت شیطان در خود اوست؛ ولی قرآن قدرت مطلق را از آن خداوند می‌داند و شیطان فقط قادر اعتباری در نظر گرفته شده است. به تعبیر دیگر شیطان یکی از مظاهر قدرت خداوند است و عنصر آزمایش بندگان او می‌باشد. مؤید این مدعا آیات متعددی است که قرآن کریم بدان اشاره می‌فرماید؛ از جمله این آیات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱. «...قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ»^۱: بگو همانا خداوند گمراه می‌کند هر کس را که بخواهد و هدایت می‌کند کسی را که به سوی او توبه کند.

۲. «... وَ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»^۲: ... کسانی که در دلشان مرض است و کافران، می‌گویند: چرا خداوند چنین مثلی را اراده کرده است؟ این چنین خداوند هر کس را که بخواهد، گمراه کرده و هر که را بخواهد، هدایت می‌کند.

آیات قرآن در این باره بیش از اینهاست. مصل بودن خداوند یعنی چه؟ آیا غیر از این است که شیطان مظهر تجلی چنین صفتی می‌باشد؟ و چقدر شیطان پرستان سفیهانه به دنبال پرستش شیطان هستند! او را که یکی از ابزارهای خداوندی است، پرستیده؛ ولی از قدرت مافوق او غافل می‌باشند؛ اما خداوند عاقبت شیطان را مشخص نموده است.

قرآن کریم درباره عاقبت شیطان و شیطان پرستان این چنین اشاره می‌فرماید: «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۳: مانند شیطان آن زمان که به انسان گفت: کافر شو به خداوند. پس زمانی که انسان کفر ورزید، [به انسان] گفت: من از تو دور هستم. [زیرا] من از پروردگار عالم می‌ترسم. «فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ»^۴: پس عاقبت و سرانجام آن دو [شیطان و انسان کافر] این است که هر دو در آتش [جهنم] جادوانه خواهند شد و آن کیفر ستمکاران است.

اسحاق بن عمار گوید: روزی محضر شریف امام جعفر صادق 7 شرفیاب شدم و

۱. رعد: ۲۷.

۲. مدثر: ۳۱.

۳. حشر: ۱۶.

۴. همان: ۱۷.

درباره این آیه شریفه قرآن: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۱: سؤال کردم که آخرین روز مهلت حیات شیطان چه زمانی است؟

حضرت فرمود: «آیا فکر می‌کنی تا قیامت و صحرای محشر باشد؟! خیر چنین نیست؛ بلکه منظور روز ظهور و قیام قائم آل محمد : می‌باشد؛ چون امام زمان (عج) ظاهر گردد و قیام کند، وارد مسجد کوفه خواهد شد و شیطان در مقابل حضرت دو زانو می‌نشیند و می‌گوید: وای از این روز که چه روز سختی است. پس از آن امام زمان 7 او را به قتل می‌رساند؛ بنابراین مهلت شیطان تا آن روزی خواهد بود که به دست پرتوان حضرت صاحب الزمان (عج) به هلاکت ابدی خواهد رسید»^۲.

آری این است عاقبت شیطان در این دنیا و به همین دلیل است که هر چه در توان دارد برای مقابله با حقیقت انجام می‌دهد و قصد دارد با ترساندن انسان‌ها از قدرت پوشالی خود، ظهور را به تأخیر اندازد؛ زیرا می‌داند با ظهور امام مهدی 7 عمر او به پایان خواهد رسید. «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۳: آگاه باشید که وعده خداوند حق است؛ ولی اکثرشان نمی‌دانند. با این ملاحظات بهتر است چاره‌ای اندیشید تا تفکر تاریک شیطان‌پرستی بر پیکره اجتماع سایه نیفکند. غفلت از این موضوع می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را بر جامعه تحمیل کرده و آن را به ورطه هلاکت و تباهی بکشاند.

به‌جاست مسئولان نظام با همراهی نخبگان فرهنگی - مذهبی و علمی کشور تدبیری اندیشه کنند و همگان را از شیخونی جدید آگاه سازند؛ شیخونی که نه فقط نسل جوان، که تمام اقشار را هدف قرار داده است؛ شیخونی که حتی کودکان خردسال را نشانه رفته و برای نابودی فرهنگ در جوامع برنامه‌ریزی کرده است. امید که کشوری را که به نام ائمه معصومین علیهم السلام در همه جای دنیا شناخته شده است را حفظ کرده و تسکین و مرهمی بر زخم‌های تاریخ این مرز و بوم نهیم.

آیا آمار در زمینه شیطان‌پرستی و جایگاه و تعداد آنان در کشور وجود دارد؟

آمارهای رسمی و غیررسمی که در این زمینه در دسترس پژوهشگران وجود دارد، نمایان‌گر این است که در کشور مجالس و مهمانی‌هایی به نام شیطان و شیطان‌پرستی برگزار می‌شود. در این مهمانی‌ها بیشتر موسیقی‌های راک، هوی متال و موسیقی‌هایی که خشونت در آن مجاز می‌باشد، به همراه رقص‌های آتش، استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر صنعتی و روان‌گردان نمایان است.

۱. سوره: آیه ۳۶ - ۳۸.

۲. تفسیر عیاشی؛ ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۱۴ و بحارالانوار؛ ج ۶۳، ص ۲۵۴، ح ۱۱۶.

۳. یونس: ۵۵.

اگر دستاوردهای عمیق عرفان اسلامی به جوانان معرفی شود و پوچی و تهی‌وارگی شیطان‌پرستی را نمایان کنیم، شاهد ریزش پیروان هر چند ناچیز شیطان‌پرستی خواهیم بود. هدف اصلی شیطان‌پرستی، پوچ جلوه‌دادن زندگی بشری و نادیده‌انگاشتن معنویت و به محاق‌بردن پروردگار عالم، معلق نگه‌داشتن جوان ایرانی بین زمین و آسمان و معلق میان دین و خانواده، معلق بین اسلام و ایران، معلق بین حقیقت و مجاز است تا به پوچی برسد. بیشتر افرادی که پیرو شیطان‌پرستی هستند، در نهایت به پوچی رسیده و خودکشی می‌کنند.

آشنایی اجمالی با عرفان اسلامی:

امروزه جهان با سرعت زیادی در حال حرکت به سمت معنویت به پیش می‌رود. جهان امروز و به ویژه غربی‌ها تازه به گمشده حقیقی خود پی برده‌اند که اصولاً انسان بدون معنویت و رسیدگی به روح نمی‌تواند آزاد باشد و در آرامش به سر ببرد؛ اما چون عقایدشان بر شریعت صحیحی استوار نیست، در طریقه تبیین حرکت به سمت این امر مهم کاملاً اشتباه حرکت کرده و روز به روز بر احساس کمبود چیزی به نام معنویت می‌افزایند. این امر در فرقه‌های ساختگی، فیلم‌های تولیدی آخرالزمانی، شبکه‌های ماهواره‌ای و دیگر وسیله‌های تبلیغاتی‌شان کاملاً واضح می‌باشد؛ بنابراین در حل معضل معنویت دست‌آویز فرقه‌های جدیدی چون عرفان‌های نوظهور گشته‌اند که تمام این عرفان‌ها ساختگی و نه تنها انسان را به سوی معرفت رهنمون نمی‌سازند؛ بلکه از حقیقت اصلی خویش فرسنگ‌ها فاصله گرفته و دنیای خویش را به لجن‌زاری از شهوات و غرائز جنسی و کام‌جویی‌هایی زودگذر تبدیل نموده‌اند و بی‌خیالی و پوچی‌گرایی را محصول این همه خدمات خویش نموده‌اند. قبل از بررسی عرفان‌های دروغین لازم است جوانان عزیز آشنایی اجمالی با اصول عرفان اسلامی که همان عرفان اهل البیت : است داشته باشند.

عرفان اسلامی، عرفان حقیقی بشریت:

رسیدن به معرفت قلبی و عرفان پروردگار، مسیرش از میان شریعت می‌گذرد و بزرگان تأکید و تصریح دارند که با تخلف از شریعت و سرپیچی از دستورات شرعی، رسیدن به پروردگار امر ناممکنی است؛ پس اولین قدم در این راه انجام واجبات و ترک محرّمات است که خود نوعی ریاضت شرعی و مجاهده با نفس است و زمینه‌ساز شکوفایی فطرت و برطرف‌شدن حجاب‌های غفلت و گناه که مانع معرفت پروردگار است

می‌باشد. نماز در اول وقت، طهارت و وضوی دائمی داشتن و داشتن دوستان مساعد و در صورت امکان ارتباط با بزرگان اهل معرفت، از اموری است که در راه قرب و معرفت، نقش عمیقی دارند.

گاهی انسان تصور می‌کند عرفان و معرفت پروردگار را باید از راهی عجیب و غریب و یا اذکاری مخصوص بیابد؛ در حالی که پیامبر ﷺ و ائمه : که در صدر همه اهل معرفت بوده‌اند و دیگران هرچه دارند از برکت وجود تعالیم نورانی آنها دارند، برنامه و سیره و روش‌شان عمل به دستورات الهی و پیاده کردن دقیق فرمان‌ها و خواسته‌های خداوند بوده و قرب و معرفت را از این راه به دست آورده‌اند. تصور نکنید اموری که در دسترس ماست و هر روز با آن سر و کار داریم؛ مثل نماز اول وقت و قرائت با حضور قرآن و توسل به اهل بیت و نعمت وجود ماه رجب، شعبان و ماه مبارک رمضان و احترام به پدر و مادر این توانایی و کشش را ندارند که انسان را به قرب و معرفت پروردگار برسانند؛ بلکه برعکس هر کدام از اینها، سکوی پروازی هستند که می‌تواند ما را به اوج بندگی و قرب برسانند به شرط اینکه حق آنها را به‌جا آوریم و شرایط آنها را رعایت نماییم؛ بنابراین در عرفان اسلامی شریعت در کنار طریقت وجود دارد و عرفان اسلامی حقیقی نهایت ذلت عبودیت و بندگی در درگاه الهی را گویند که هر چه مولی گفت، همان است و بس؛ چه اوامر تکوینی و چه اوامر تشریعی الهی باشد و ما در هیچ کجای زندگی عرفای بزرگ؛ مانند آیت‌الله قاضی‌ها، بهجت‌ها، شاه‌آبادی‌ها و خمینی‌ها ندیده‌ایم که کسی را در مسیر رسیدن به عرفان حقیقی امر به پیوستن به شهوات، غرق در رذالت‌ها، خشونت‌ها و بهره‌مندی‌های جنسی و بی‌بند و باری کنند؛ بلکه انجام اوامر شریعت در کنار طریقت را به رهروان این طریق نسخه می‌کنند و چنانچه در این راه صاحب کرامات و ویژگی‌های ظرفیتی خاصی می‌شدند، خودشان داعیه‌دار این مطلب بودند که با نهایت عبودیت و ذلت در برابر خالق بی‌منت‌های عالم وجود به چنین کراماتی دست یافته‌اند، نه با انجام ریاضت‌های نفسانی و دست‌زدن به اعمال و رفتار شیطانی.

آیت‌الله بهجت ؛ نمونه‌ای از عارفان اسلام:

ویژگی مهم معرفتی ایشان، عرفان فقهاتی بود؛ یعنی عرفان ناب شیعی که راه عرفان را در تبعیت مطلق از شرع می‌دانستند.

تقید به شرع، زمینه‌ساز عارف شدن:

بهجت و نجابت از شاگردان حضرت آیت‌الله سیدعلی قاضی استاد اعظم عرفان زمانه خود

بودند. آیت‌الله نجابت نقل می‌کردند: روزی همراه آیت‌الله بهجت در محضر استاد قاضی بودیم. آیت‌الله بهجت که در آن موقع یک طلبه جوان بودند، به حضرت آیت‌الله قاضی گفتند: عده‌ای با سعایت از تدریس شما به پدرم، از محضر شما بد گفتند و پدرم که در ایران بود، به من نامه نوشت و مرا از محضر کلاس‌های شما منع کرد. وقتی ایشان به استاد گفتند که چنین مسئله‌ای برایم پیش آمده، آیت‌الله قاضی گفتند: از محضر مرجعی که تقلید می‌کنید، بپرسید. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی مرجع تقلید آیت‌الله بهجت او را به اطاعت از پدر و اجابت خواسته او مکلف دانستند. مرحوم بهجت با وجود آنکه علاقه وافر به حضور در کلاس‌های آیت‌الله قاضی داشت، خواسته پدر را اجابت کرد و از دروس عرفانی این استاد بی‌بهره ماندند. خداوند هم به همین دلیل به ایشان عنایت کردند و ایشان به آن مقام والای عرفانی دست یافتند.

عمل به معلومات، مسیر رسیدن به معرفت الهی:

عرفان یک بُعد عملی دارد و یک بُعد نظری و آیت‌الله بهجت در بعد عملی تبعیت کامل از شریعت داشتند و معتقد بودند در بُعد معرفتی تا به چیزی به یقین نرسیده باشیم، دنبال آن نرویم. بنابراین باید به آن چیزی که علم داریم، عمل کنیم و در این صورت خداوند به آن چیزهایی که علم ندارید، آنها را هم به شما می‌شناساند. باید معلومات خود را عمل کنیم و به دنبال عرفان‌های کاذب از نوع خیال‌پردازی‌ها و چیزهای خارق‌العاده نرویم؛ در این صورت خدا هم چیزهایی که نمی‌دانیم، برایمان معلوم می‌سازد...^۱

۲. فرقه‌های عرفان‌های دروغین:

الف) برخی از فرق صوفیه:

برخی فرقه‌های صوفیه از محل بحث ما (عرفان‌های دروغین) خارج است و به معنایی دیگر از صوفیه بر می‌گردند. اما بحث ما در مورد برخی فرقه‌های دیگر صوفیه است که در کشور به اشکال مختلف و با عقاید گوناگون امروزه در حال رشد می‌باشند. این فرقه‌ها بحث در مورد تاریخچه و عقاید آنها خود چندین کتاب جداگانه را می‌طلبند که از محدوده و توان مقال ما خارج است. عقاید اختلافی زیادی نظیر اعتقاد به خرقه، اعتقاد در بعد ولایت و قطب در بین این فرقه‌ها دیده می‌شود؛ اما آنچه باید به آن اشاره کنیم بدعتی است که توسط این فرقه‌های مختلف وارد دین اسلام شده و عقاید جوانان و خانواده‌ها را مورد هدف قرار داده است؛ چرا که امام رضا 7 فرمودند: «من ذکر عنده الصوفیه ولم

۱. برگرفته از سایت اختصاصی دکتر قاسم کاکایی «www.kakaie.com»؛ استاد فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه شیراز.

ینکرهم بلسانه وقلبه فلیس منا ومن انکرهم فکانما جاهد الکفار بین یدی رسول الله: هر کس نزد او از صوفیه سخنی به میان آید و با زبان و دل آنها را انکار نکند؛ از ما نیست و اگر کسی آنها را انکار کند؛ مانند کسی است که در حضور رسول خدا با کفار جهاد کرده است.

بنابراین برآنیم تا عقاید مختصری از این فرقه‌ها را مورد بررسی قرار دهیم.

عقاید و تفکرات صوفیه:

هر یک از فرق صوفیه احکام خاصی دارند که شاید بعضی از آنها در سایر فرقه‌ها دیده نشود. به دلیل اینکه منشأ و مبدأ این احکام در تصوف، قطب در جایگاه رهبر صوفیان است؛ بنابراین آداب و عقاید متفاوتی دارا می‌باشند.

ولایت در نزد صوفیه:

ولایت از مختصات شیعه است و این ولایت مصطلح شیعه در غیر شیعه جایگاهی ندارد. در سقیفه پی بردند که فقط سیاسی بوده و از معنویت خالی است. پس اینها را در مقابل اهل بیت : قرار دادند و مسائل معنوی را در قالب بزرگان و بعدها اقطاب صوفیه مطرح کردند تا ولایت و علم ائمه : را تحت الشعاع این جریان قرار دهند.

ولایت شیعی:

ولایت محبت و مودت که واجب است و محبت ذوی‌القربی است که هم شیعه و هم اهل سنت آن را قبول دارند.

ولایت امامت و یا ولاء امامت که ولایت تشریعی است. خداوند این ولایت را بر عده‌ای خاص از بنده‌گان عطا کرده و بر دیگران واجب است در امور دینی پیروی کنند. این نوع ولایت را نه اهل تسنن و نه تصوف، هیچ‌کدام قبول ندارند.

ولایت زعامت؛ یعنی رهبری سیاسی جامعه اسلامی که از طرف خداوند برای عده‌ای اعطاء شده است. این ولایت و وصایت از آن علی علیه السلام و یازده امام بعد از ایشان است و غیر اینها جایز است.

ولایت تصرف که در خارج تأثیرگذار است که مخصوص دوازده امام است در نزد شیعه و اهل تسنن قبول ندارد؛ ولی شبیه همین در صوفیه ادعا می‌شود که در قطب تحقق می‌یابد.

قطب؛ مثل امام در نزد شیعه همیشه و در هر زمان یک نفر است. فناء فی الله و بقاء

۱. حدیقه الشیعه؛ ص ۵۶۴.

بالله دو قیدی است که برای قطب قائلند. بالاترین مراحل سیر و سلوک را برای اینها قائل می‌باشند. مسئله دیگر اینکه ولایت را اکتسابی می‌دانند که هرکس می‌تواند خودش را به قطبیت برساند؛ در حالی که در نزد شیعه فقط از طرف خدا منصوب می‌شود. با توجه به اینکه سران صوفیه در آغاز سنی مسلک بوده‌اند، طبیعی است که تن به ولایت اهل بیت : ندهند؛ بنابراین برای انصراف از اهل بیت : و جذب مردم تعریفی از ولایت ارائه دادند که با اعتقادات تشیع و مبانی روایی و حتی آیات قرآن در تعارض است. هر چند بعدها در فرقه‌های شیعی تصوف سعی شد بین این دو تفکر جمع شود؛ اما سران بسیاری از فرقه‌ها برای حفظ جایگاه خود به اندیشه این سران دامن زدند. مهم‌ترین اندیشه سران این جریان مطرح کردن خود به جای ائمه : و دعوت مردم به سوی خود و نهایتاً فرقه‌سازی و پس از آن جدا کردن مردم از شریعت و پیروی از مراجع تقلید بوده است.

فصل‌نامه «عرفان ایران» ارگان رسمی فرقه گنابادی می‌نویسد: اعتقاد به وجود امام به عنوان قطب عالم امکان با مفهوم قطب در تصوف تقریباً یکسان است^۱ و یا می‌نویسد: قطب و امام هر دو مظهر یک حقیقت و دارای یک معنا و اشاره به یک شخص است.^۲

یگانگی با عقاید و احکام اسلامی و فساد اخلاقی:

۱. آنها در نماز موظف‌اند به جای یاد خدا، صورت قطب را تجسم نمایند.
 ۲. آنها با وجود تأکید اسلام، از مساجد گریزانند و خانقاه‌های خود را در مقابل مساجد علم می‌کنند.
 ۳. به امامت اعتقاد ندارند و اقطاب خود را جایگزین امام کرده‌اند.
 ۴. خمس و زکات را کنار گذاشته و با تأسی به یهود، عشریه دریافت می‌نمایند.
 ۵. اعتقادی به حجاب نداشته و قطب و مشایخ معمولاً با زنان نیز مصافحه می‌نمایند.
- فساد اخلاقی حتی در میان اقطاب و مشایخ آنان مشهود است؛ به طور نمونه می‌توان به فساد اخلاقی بعضی از سران آنها و بی‌حجابی همسران و دختران بعضی از آنها در خارج از کشور اشاره کرد. رابطه باز و غیرشرعی آنان به طور مکرر به رسوایی آنان منجر شده که آخرین مورد آن واقعه سوم آذر ماه ۱۳۸۸ می‌باشد. در این واقعه یکی از آنان پس از کشف رابطه نامشروع یکی از مشایخ با همسرش، پس از بستن مواد منفجره به خود، به قصد انجام عملیات انتحاری وارد خانقاه فرقه در جنوب تهران می‌شود که مأموران ناجا او را کنترل و وادار به تسلیم می‌نمایند. این حادثه در رسانه‌های کشور انعکاس گسترده‌ای داشت.^۳

۱. عرفان ایران؛ ش ۷، ص ۳۳.

۲. همان؛ ص ۳۴.

۳. پایگاه تحلیلی تبیینی برهان «www.borhan.ir»؛ نوشته سید حبیب الله تدینی؛ کارشناس ارشد فرق و ادیان الهی.

البته توجه به این نکته مهم است که در بین بعضی از متصوفه، انسان‌های بزرگی نیز بوده‌اند که آنها همان پیروان عرفان اهل بیت : می‌باشند که در زمان‌های گوناگون معروف به صوفی شده‌اند که حساب اینها از آنچه قبلاً بیان شد، کاملاً جدا می‌باشد.

ب) عرفان‌های نوظهور:

در دهه‌های اخیر شاهد رشد فرقه‌های عرفانی در سطح جهانی بوده‌ایم که کشور ما نیز تحت تأثیر آنها قرار گرفته است. گفتنی است پاره‌ای از عرفان‌های مطرح در سطح دنیا، طبیعت‌گرا (مانند تائوئیسم و شمنیسم فنون کهن خلسه)، پاره‌ای دیگر انسان‌محور (مثل هندوئیسم و بودیسم که دومی اصولاً الحادی محسوب می‌شود) و پاره‌ای هم خداگرا محسوب می‌شوند (مثل عرفان‌های مسیحی و یهودی). در اینجا ما به صورت اختصار اصول و اهداف این عرفان‌ها و همین‌طور روش‌ها، ابزارها و آثار و پیامدهای تبعیت از آنها در جامعه را اشاره می‌کنیم و تفصیل مطالب را به زمان دیگری موکول می‌نماییم.

عوامل گرایش به عرفان‌های نوظهور:

۱. رشد ارتباطات و اطلاعات؛
۲. افزایش تحیر بشر و سرخوردگی از عقلانیت مدرن؛
۳. شکست نظام‌های مادی؛
۴. فراغت بیشتر افراد بشری و تنوع‌طلبی آنها؛
۵. فطری بودن دین و پرستش و توجه به معنویت.

اهداف عرفان‌های نوظهور در جذب جوانان:

۱. نیل به عشق، شادی و آرامش (البته عشق‌های کاذب و آرامش دروغین و موقت)؛
۲. تأکید بر خودمركزی و مریدپروری؛
۳. درست‌نمودن پایگاه‌هایی برای شادزیستن بی‌قید و بند (ترویج بی‌بند و باری اخلاقی به بهانه تخلیه و آماده‌شدن برای قبول کمالات)؛
۴. معرفی عشق با عنوان هدف (آن هم نه عشق الهی و کمال مطلق؛ بلکه معرفی عشق‌های کاذب و زودگذر به جای عشق حقیقی به خداوند)؛
۵. توجه به درون و پالایش آن به بهانه پاک‌شدن از غیر و رسیدن به حقیقت (که نهایتاً این نوع پالایش آنها را منتهی به نوعی خودگرایی و لذت‌گرایی شیطانی می‌کند)؛
۶. توجه به استفاده از جنس مخالف و تشکیل مجالس مختلط و مبتذل در راستای اشباع جنسی و فراغت انسان از این مهم برای کسب کمالات که این یکی از مهم‌ترین شگردهای شیطان در راه فریب‌دادن انسان‌ها به بهانه معنویت و نوگرایی دینی می‌باشد.

پیامدهای گرایش به عرفان‌های نوظهور:

۱. ترویج تکثرگرایی در امور دینی و معنوی؛
۲. برخوردارنبودن از خدا؛
۳. تحقیر و نفی تفکر الهی و وحی‌مداری؛
۴. ایجاد تصورات باطل و خیالی در پیروانشان؛
۵. نفی شریعت و دین؛
۶. گرایش جوانان به رقص، مواد مخدر و ...

داستان‌هایی از سلوک شیطانی:

۱. جنایات شیطان‌پرستان:

گوشه‌ای از جنایات و کارهای منافی عفت شیطان‌پرستان را که از زبان دو دختر انگلیسی نقل شده بیان می‌کنیم تا ماهیت آنها برای همگان روشن‌تر شود. دو خواهر نوجوان پرده از کارهای منافی عفت شیطان‌پرستان مقیم انگلیس برداشتند و شکایت‌نامه‌ای را تسلیم مقامات قضایی انگلیس کردند. شکایت آنها از والدین خود و جمعی از شیطان‌پرستان بوده است. به گفته آنها در یک مراسم مذهبی، شیطان‌پرستان به این دو دختر تجاوز کرده‌اند. این دو خواهر در زمان وقوع حادثه - که در سال ۱۳۶۱ اتفاق افتاد - فقط ۵ سال سن داشتند. ایشان در اظهارات خود خطاب به دادگاه عالی جنایی انگلیس اعلام کردند: در این گونه مراسم، طرف‌داران این فرقه بدون لباس به رقص و نوشیدن خون خرگوش می‌پردازند. این دو دختر در اعترافات تکانه‌دهنده‌شان در این دادگاه گفته‌اند: شیطان‌پرستان خرگوش‌ها را به محل مراسم می‌آوردند و آنها را زنده، گردن می‌زدند و خون تازه آنها را می‌نوشیدند. نیز گفته‌اند: والدین آنها که شیطان‌پرست‌اند، ایشان را مجبور به نوشیدن خون خرگوش می‌کردند. در مواردی هم به جای خون خرگوش از خون بچه‌های نوزاد استفاده می‌شود و سپس اجساد آنها را می‌سوزانند. گاهی از آنها خواسته شده، در کشتن نوزادان مشارکت کنند. در این دادگاه، پنج شیطان‌پرست از جمله پدر و مادر این دو دختر به بیست فقره جرم، شامل تجاوز جنسی، لواط، اغفال و امثال آنها متهم شده‌اند. این ماجرا به طور جدی افکار عمومی انگلیس را تکان داد. این گونه رخدادها که در انگلیس اتفاق می‌افتد، برخی از روشن‌فکران انگلیسی آنها را به کشورهای جهان سوم نسبت می‌دهند. در بسیاری موارد از آداب و سنت‌های ملت‌ها از جمله مسلمانان؛ حتی رعایت حجاب را برای بانوان با عنوان آداب قدیمی و کهنه و حتی متعلق به عصر بربریت نام می‌برند.

۲. به دام افتادن شیطان پرستان شیرازی:

«پذیرفتن قدرت شیطان در مقابل قدرت الهی، ترویج رفتارهای ضددینی و مدح بدی‌ها به جای خوبی‌ها، خودزنی و مکیدن خون خودشان»، از جمله توصیف‌هایی بود که فرمانده سپاه ناحیه مقاومت شیراز درباره یک گروه دستگیر شده در این شهر بیان کرد و صفت شیطان‌پرستی نیز برای این گروه قائل شد. خبرنگارانی که روز دوشنبه به محل نگهداری اعضای دستگیر شده این گروه در شیراز رفتند در این محل اشیائی همچون تبر، شمشیر، چاقو، قمه، بطری‌های پلاستیکی و وسایل نواختن موسیقی هم مشاهده کردند. بر بدن‌های برخی از آنان؛ نقش‌هایی همانند خالکوبی جای گرفته بود که عمدتاً یادآور بال‌های پرندگان و نشان تجاری برخی خودروهای بیابانی بود.

فرمانده سپاه ناحیه مقاومت شیراز در این محل به خبرنگاران گفت: مأموران اطلاعات بسیج، ۱۰۴ نفر از اعضای این گروه شیطان‌پرست را یکشنبه شب در مراسم پارتی در شیراز دستگیر کردند. سرهنگ «...» افزود: برادران اطلاعات بسیج سپاه شیراز از حدود یک‌سال پیش طی یک کار مستمر اطلاعاتی و تحقیقاتی، درباره حرکت بعضی از گروه‌های وابسته به بیگانگان و عوامل اصلی، مکان‌های برگزاری و اقدامات آنها اقدام به شناسایی و رصد کردند. وی اضافه کرد: این برادران شب گذشته موفق شدند ۱۰۴ نفر از اعضای گروه شیطان‌پرستی را در یک جلسه مشترک پارتی و کنسرت موسیقی غیراخلاقی در شیراز دستگیر کنند. او افزود: این جلسه در یکی از باغ‌های اطراف شیراز برگزار شده بود که مراسم این شیطان‌پرستان به صورت همزمان (زنده) با دو دستگاه دوربین به وسیله سیستم اینترنت پرسرعت برای سراسر دنیا پخش می‌شد.

وی با بیان اینکه تمام این افراد پسر بودند؛ بیان کرد: یک‌سری تجهیزات از جمله سیستم‌های الکترونیکی، مقادیری مواد مخدر و تجهیزات اجرای برنامه‌های ضد اخلاقی در این پارتی کشف شده است. وی اظهارداشت: این افراد به انجام کارهایی از جمله خوردن مشروبات الکلی، رفتارهای ناهنجار، رقص‌های نامتعارض و ضد اخلاقی، خودزنی و مکیدن خون خودشان می‌پرداختند و از قالب انسانیت به درون قالب حیوانی رفته بودند. وی بیان کرد: حتی این افراد یک نوع نماز هم دارند که نماز آنان تعظیم به شیطان است و یکی از اقداماتی که این افراد انجام دادند، راه‌اندازی سایت‌های ضد اخلاقی، تهیه لباس‌های نامتعادل و ضد فرهنگی در جامعه، تهیه آرم‌ها و نمادهای شیطان‌پرستی بوده است.

وی هدف عمده این افراد را اغفال جوانان و نوجوانان با شیوه‌ها و شگردهای خاص روانی همراه با جاذبیت‌های کاذب اعلام کرد.

وی اضافه کرد: خانواده‌ها باید مراقب جوانان و نوجوانان خود باشند که با چه افرادی رفت و آمد دارند؛ چون دشمن قصد دارد با اغفال جوانان و بهره‌گیری از آنان به اهداف شوم خود برسد.

..... بیان کرد: صاحبان باغ‌ها و امکاناتی که این مجالس در آنها برگزار می‌شود؛ باید بدانند با هماهنگی که با قوه قضاییه انجام شده برخورد جدی با آنان صورت می‌گیرد. این مسئول گفت: دشمن تهدیدات زیادی علیه نظام دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، تهدید نرم و مقابله فرهنگی است و مقابله با هرگونه تهدید دشمن از وظایف نیروی مقاومت بسیج است. ایشان اظهار داشت: بعضی از گروه‌هایی که در این میدان وارد عرصه کار مقابله با ارزش‌های اسلامی شده‌اند، گروه‌های شیطان‌پرست و ضد اخلاق هستند.^۱

۳. عاقبت ناگوار چت کردن با شیطان پرستان:

جوان شیطان‌پرستی که پس از ارتباط اینترنتی اقدام به فریب و اغفال دختران نوجوان می‌کرد، پس از فرار یک دختر پانزده‌ساله از خانه به دام افتاد.

..... دادیار شعبه دوم دادرسی جنایی با اشاره به این پرونده گفت: چند روز پیش مرد سالخورده‌ای با حضور در دادرسی جنایی تهران، با ارایه شکایتی عنوان کرد: پس از فوت دختر و دامادش در یک سانحه رانندگی دختر هشت‌ساله آنها بی‌سرپرست ماند و من نیز با عنوان پدربزرگ این دختر مسئولیت نگهداری او را بر عهده گرفتم. وی افزود: اکنون هفت‌سال از وقوع آن حادثه و نگهداری نوه‌ام می‌گذرد. در این مدت مشکلی میان من و او وجود نداشت، تا اینکه او سه‌روز پیش و به دلایل نامعلومی که هنوز برای من مشخص نیست، از خانه فرار کرده است و در این مدت تلاش‌ها برای یافتن او بی‌نتیجه باقی مانده است. به دنبال این شکایت، دستور قضایی در این ارتباط صادر و پرونده برای پیگیری و تحقیقات به پلیس آگاهی ارجاع شد. دادیار جنایی ادامه داد: پس از ارجاع این پرونده به پلیس آگاهی بررسی در این زمینه آغاز و مشخص شد، دختر پانزده‌ساله ساعات زیادی از وقت خود را در پشت رایانه سپری می‌کرده است. با به دست آمدن این سرنخ و بررسی علمی و تخصصی معلوم شد دختر فراری از خانه، پس از آشنایی اینترنتی با یک جوان به‌طور مرتب با وی چت می‌کرده است. به دنبال این ماجرا، فرضیه اغفال دختر جوان از سوی جوانی که با او ارتباط پیدا کرده بود، قوت گرفت. پس از اقدامات علمی، ابتدا این فرد مورد شناسایی قرار گرفت و با صدور دستور قضایی حکم بازداشت او صادر شد. وی اضافه کرد: در مرحله بعد با شناسایی مخفیگاه این متهم و عزیمت به محل معلوم شد،

۱. سایت تحلیلی خبری عصر ایران « www.asriran.com »؛ کد خبر: ۷۳۳۲۱، تاریخ انتشار: ۴/۳/۸۸.

وی ساعتی پیش از حضور مأموران محل را ترک کرده و به محل نامعلومی رفته است. با جستجو گام به گام این متهم پاتوق‌های احتمالی وی تحت کنترل قرار گرفت و سرانجام او در حالی که در یکی از بوستان‌های شرق تهران در حال پرسه‌زدن بود، دستگیر شد. با دستگیری متهم وی ابتدا منکر ارتباط و آشنایی با دختر گمشده شد؛ اما در ادامه و پس از مشاهده دلایل و مدارک لب به اعتراف گشود و گفت: چندی پیش در اینترنت با یک گروه منحرف شیطان‌پرستی آشنا شدم و از قوانین مربوط به این فرقه تبعیت می‌کنم. متهم اضافه کرد: تاکنون چندین دختر را که بیشتر نوجوان بودند، در فضای چت‌روم فریب دادم و پس از ترغیب آنها به فرار به نوعی آنها را تشویق به عضویت در فرقه منحرف کردم. متهم اعتراف کرد: پس از آشنایی با دختر گمشده او را نیز فریب دادم و این دختر هم اکنون در منزل یکی از دوستانم که او نیز شیطان‌پرست است، نگهداری می‌شود. دادیار شعبه دوم دادرسی جنایی افزود: پس از اعترافات متهم مأموران با رفتن به محلی که دختر گمشده در آنجا نگهداری می‌شد، وی را به همراه دیگر عضو فرقه منحرف دستگیر و در بازرسی از محل مقادیری لباس‌های منقش به تصاویر شیطان‌پرستی، مواد مخدر، روان‌گردان و قرص‌های اکستازی را کشف و ضبط کردند.

وی تصریح کرد: در تحقیق از دختر پانزده‌ساله معلوم شد، وی پس از اغفال و فریب در دام شیطانی این متهمان گرفتار شده و به دفعات از قرص‌های روان‌گردان استفاده کرده است. در ادامه تحقیقات پنج‌نفر دیگر از دختران نوجوان که پس از اغفال و فریب و سوءاستفاده از سوی اعضای باند در تهران و یک شهر شمالی رها شده بودند، شناسایی و با حضور در دادرسی جنایی از دو متهم شیطان‌پرست شکایت کردند. وی با اشاره به مجازات سخت فرقه‌های منحرف، از خانواده‌ها خواست مراقب فرزندان خود باشند؛ زیرا آزادی و کنترل‌نشدن در استفاده از فضای مجازی، ممکن است فرزندان آنها را در دام هولناک این افراد که به هیچ یک از قواعد انسانی پایبند نیستند، گرفتار شوند.^۱

۴. شیطان‌پرستان چهار نوجوان را پختند و خوردند:

به گزارش «شیعه نیوز» به نقل از ایسنا، پلیس مسکو طی بیانیه‌ای فوری اعلام کرد: قربانیان سه دختر و یک پسر نوجوان بین شانزده تا هفده سال بودند که هر کدام با ۶۶۶ ضربه چاقو از پای درآمده و قسمت‌هایی از بدن‌هایشان بریده شده بود. افزون بر این شیطان‌پرستان قسمت‌های بریده شده را در آتشی سرخ کرده و خورده بودند. این رویداد

۱. بخش حوادث سایت ایرانیان در کلوب جهانی به آدرس «www.iwclub.com»؛ کد خبر: ۲۲۱۲ فرستنده: خبرنگار کد ۰۰۳ گروه: حوادث.

در ۳۸۴ کیلومتری از شمال شرق مسکو در منطقه یاروسلاول به وقوع پیوسته است. همچنین این جنایت‌کاران حامی شیطان، دست و پاها، قلب، پوست سر، قفسه سینه و اعضای داخلی این نوجوانان نگون‌بخت را بریده و در یک سطل در کنار هر جسد قرار داده بودند. شیطان‌پرستان به عدد ۶۶۶ اعتقاد راسخ داشته و افراد خاصی را که به عقیده خودشان «گوت یا آدم وحشی» می‌نامند، قربانی شیطان می‌کنند تا از خشم شیطان در امان بمانند.^۱

پیام‌ها:

۱. برخی با توجه کامل و با اعتقاد به شیطان به دلیل حکومت قوه شهویه و غضبیه بر قوه عاقله‌شان بدون اینکه به دنبال مسیری منطقی برای گذران دنیای خویش باشند، دل به شیطان سپرده و فرامین وی را بدون کوچک‌ترین تأملی لبیک می‌گویند و از نیروهای پایه رکاب شیطان قلمداد می‌شوند. اینان سلوک شیطانی را به دلیل بی‌ارادگی و تنبلی جایگزین سلوک عرفانی حقیقی نموده‌اند و باید از آنها دوری نمود.
۲. فرقه ضاله شیطان‌پرستان تمام عقایدشان منتهی به پوچی شده و نیهیلیستی بودن و پوچی‌گرایی را تنها حقیقت این عالم دانسته و چیزی برای عرضه بر انسان‌های حقیقت‌جو و آرمان‌گرا و کمال‌جو به جز شهوت‌رانی، خشونت، مسائل جنسی، قتل و... به ارمغان نمی‌آورند؛ پس فطرت انسانی به چنین گرایش‌های وحشیانه‌ای تن نمی‌دهد.
۳. شیطان‌پرستان برای تبلیغ فرقه انحرافی خویش شبانه‌روز در تلاش و تکاپو هستند و کلیه ابزارهای شیطان در انحراف و فریب‌دادن انسان را به کار می‌گیرند تا دین تنها وسیله سعادت انسانها را از آنها به یغما ببرند؛ بنابراین بر ما واجب است تا در مباحث علمی خویش به این فرقه جانی و خطرناک شیطانی بیشتر پرداخته و دوستان و آشنایان و هم‌نوعان خویش را از مسائل این فرقه آگاهی دهیم.
۴. این گروه‌ها عرفان اسلامی و معنویت با عنوان تنها گمشده بشریت را در هم کوبیده و نظام انسانی و الهی آن را به سوی زوال می‌کشاند که در نتیجه آن انسان را دچار سردرگمی و تحیر نموده و او را با انبوهی از سؤالات بی‌جواب مواجه ساخته؛ بنابراین روی آوردن به عرفان اسلامی که همان عرفان اهل بیت است، تنها راه برون‌رفت انسان امروز از این مشکلات و گرفتن پاسخ سؤالات خود می‌باشد.
۵. کسانی که بویی از عرفان اسلامی نبرده‌اند، برای توجیه شهوت‌رانی‌های خود و همسو کردن انسانها با تفکرات‌شان دست به فرقه‌سازی‌های سریع زده‌اند تا شاید

عرفان‌هایی دروغین و فاسد را جایگزین عرفان ناب اسلامی که مقدمه آن شریعت و امتثال امر یگانه خالق هستی بخش است تحویل جوانان آسیب‌پذیر جوامع بشری دهند و آنان را مسموم کنند. این هشدار برای جامعه دینی مسلمانان است.

۶. برخی فرقه‌های صوفیه به دلیل اهداف استعماری شیطان‌هایی چون انگلیس، اسرائیل و... در صدد هستند تا دین اسلام را طوری جلوه دهند که شریعت و تفکر تقلید از مرجعیت دینی را از جامعه اسلامی ما بزدایند و به جای آن اقطاب دست نشانده خود را برای منافع شخصی خود علم کنند تا شاید بتوانند به بهانه عرفان حقیقی مردم را به سمت و سوی خویش کشیده و نظام اسلامی ما را مختل نمایند که البته با روشنگری‌های سطح جامعه ان‌شاءالله ناکام خواهند ماند.

سؤالات:

۱. چرا شیطان پرستان، شیطان پرستی را جهان تاریک می‌نامند؟
۲. توهم‌گرایی در ترویج موسیقی توسط شیطان پرستان به چه معناست؟
۳. زمینه‌ساز عارف شدن از نظر عرفان اسلامی چه چیزی می‌باشد؟
۴. در صوفیه منشأ و مرجع احکام به چه شخصی برمی‌گردد؟
۵. اهداف عرفان‌های نوظهور در جذب جوانان را نام ببرید؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. جریان شناسی ضد فرهنگ‌ها؛ عبدالحسین خسروپناه؛ ناشر: تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹.
۲. فرقه صوفیان؛ سید محمد محدث؛ ناشر: راه نیکان، ۱۳۸۷.
۳. روان شناسی ساتانیسم (شیطان پرستی)؛ آنتونی موریارتی؛ مترجم: مهدی گنجی؛ ناشر: ساوالان، ۱۳۸۹.
۴. جهان تاریک؛ شناخت و نقد فرقه شیطان پرستی؛ حمید کریمی؛ ناشر: مؤسسه بوستان کتاب.
۵. شیطان پرستی؛ حمید رضا مظاهری سیف؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی بهداشت معنوی، ۱۳۹۰.
۶. شیطان پرستی، فرقه‌ای منادی فساد، فحشا، بی‌بندوباری جنسی و اخلاقی؛ علی زند قزوینی؛ ناشر: خادم الرضا ۷.

ابزارهای شیطان و معاندین در فریب دادن انسان

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. آشنایی با ابزارهای شیطان در فریب‌دادن انسان؛
۲. آشنایی با آیات و روایات درباره ابزارهای شیطان در فریب‌دادن انسان؛
۳. چگونگی استفاده شیطان از ابزارهای مجهز به تکنولوژی روز نظیر ماهواره و... برای فریب‌دادن انسان؛
۴. بررسی آمار و نتایج پیامدهای اجتماعی انسان فریب‌خورده از شیطان به واسطه این ابزارها؛
۵. داستان‌هایی جذاب و عبرت‌آموز از فریب‌خوردن انسان‌ها توسط شیطان به کمک این ابزارها.

مقدمه:

روشن است هر حکومتی برای اینکه بتواند با کسانی دشمنی خود را اعلام نماید و برای به انجام‌رساندن این مهم در صحنه عمل وارد شود، باید ارتش و نیروهای پا به رکاب خود را تجهیز نماید تا با ابزارهای مختلف و سلاح‌های مجهز به جنگ با دشمنان خود درآید. شیطان نیز در جایگاه کسی که قسم خورده با انسان دشمنی کرده و او را به حسیض ذلت بکشد، یاران انسی و جنی خود و همچنین سالکان طریقتش را به ابزارها و

وسایله‌های گسترده‌ای اعم از سنگین و غیرسنگین مجهز و برای جنگ با انسان بسیج کرده است؛ بنابراین ما انسان‌ها چنانچه با ابزارهای مختلف این موجود مملو از خباثت آشنا شویم، بهتر می‌توانیم با وی مبارزه نماییم. پس درس حاضر را به همین مبحث اختصاص می‌دهیم.

ابزارهای شیطان:

این ابزارها به دو گروه رسانه‌ای و غیر رسانه‌ای تقسیم می‌شوند:

۱. رسانه‌ای^۱

الف) ماهواره‌ای؛

ب) اینترنت؛

ج) مطبوعات؛

د) سینما، رادیو و تلویزیون؛

ه) سی‌دی‌های ابتذال و انحراف.

حال چگونگی استفاده این‌گونه ابزارها توسط شیطان را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. رسانه‌ای:

متفکران معتقدند وسایل ارتباط جمعی جدید ابزاری به‌قدری نیرومندند که می‌توان از آن در راه خیر و شر با تأثیری شگرف سود برد و چنانچه کنترل مطلوب وجود نداشته باشد، امنیت یک جامعه را به خطر می‌اندازد. رسانه‌ها در جایگاه یکی از ارکان اساسی جامعه ارتباطی میان دولت و ملت، می‌توانند با آشنا و آگاه‌ساختن جامعه نسبت به بزهکاری و مسائل قانونی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به آن مشارکت هر چه بهتر و مفیدتر مردم در سازماندهی و اجرای سیاست جنایی را موجب شوند و در این حالت مردم خود کارگزار امنیت شده و در فرایند حصول به آن مشارکت می‌کنند. تقریباً در بیشتر کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال رشد، تعداد نسل جوان بیشتر و دلبستگی آنان بر رسانه‌های جمعی فزون‌تر است؛ اما متأسفانه این ابزارهای مهم و ضروری برای جامعه امروزی بسیاری از اوقات تبدیل به ابزار و وسیله‌ای در دست شیطان می‌شود که از این ابزارها استفاده کرده و انسان‌ها را فریب می‌دهد. در ذیل برآیند نمونه‌هایی از این ابزارها را مورد بحث قرار داده و معرفی نماییم.

الف) ماهواره:

این وسیله امروزه توانسته است تمام دنیا را تحت تأثیرات فکری مختلف قرار داده

۱. رک: به درس هزینه‌نگاری رسانه‌ای.

و بیشتر توجهات مردم را به سمت خود جلب کند. این وسیله با وجود تمام فوایدی که می‌تواند در جوامع بشری داشته باشد و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و... الگویی تمام عیار باشد؛ ولی متأسفانه در عین حال توانسته است با پخش مسائل انحرافی، فیلم‌ها و برنامه‌های غیر اخلاقی و القاء شبهات و القاء الگوی غلط به جوامع آینده بشر را به مخارطه بیندازد و شیطان این وسیله را به راحتی برای منحرف کردن انسان به کار می‌گیرد.^۱

(ب) اینترنت:^۲

(ج) مطبوعات:

امروزه مطبوعات در بین سایر رسانه‌ها، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و انجام‌دادن رسالت و کارکرد واقعی از سوی آنان ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر امنیت ملی کشورها بگذارد. مطبوعات یکی از وسایل تبلیغات بسیار نیرومندی است که به آسانی می‌تواند تا عمق افکار نفوذ و رخنه نماید و اذهان و اندیشه‌ها را در حوزه قدرت خود به اسارت درآورد.

اولین مطالعاتی که در اطراف مطبوعات انجام شده، مربوط به اندازه‌گیری قدرت این پدیده در تمدن است. در اثر این مطالعات محققان معترف شده‌اند مطبوعات از آن چنان توانایی و قدرتی برخوردار هستند که تقریباً با هیچ پدیده دیگری قابل قیاس نمی‌باشد؛ زیرا قادر است به سادگی بر ذهن و فکر خواننده تأثیر کند و او را تحت نفوذ خود قرار دهد و به اعمالی وا دارد که هیچ‌گاه قبل از مطالعه آنها قادر به انجام آنها نمی‌بوده است. مطبوعات همان‌طور که تاکنون اشاره شد، به خوبی قادر است باعث سقوط یا استحکام دوام حکومت‌ها، نفرت یا محبوبیت آنها شود و می‌تواند گمنامان را معروف کند و به اوج شهرت برساند یا برعکس افراد مشهور را بی‌آبرو و بی‌اعتبار نماید و از اوج قدرت و شرف به زیر کشد و سرنگون سازد. مطبوعات توانایی آن را دارد تا یک دزد را انسانی شرافتمند، بی‌گناه، خدمت‌گزار و صدیق بقبولاند و فردی درست‌کار، صحیح‌العامل و پاک‌سرشت را آن‌چنان در قالب یک انسان فاسد و تباه، یک سارق حرفه‌ای، یک تبهکار بد نهاد معرفی نماید که افکار عمومی آن را به صورت یک واقعیت کامل و یک حقیقت مطلق با ایمان کامل بپذیرد.

قدرت مطبوعات به حدی است که به خوبی از عهده معرفی یک کالای بی‌ارزش، یک فرآورده عادی، یک جنس معمولی با عنوان عالی‌ترین، بهترین و پرازش‌ترین محصول

۱. رک: به درس هزینه‌نگاری رسانه‌ای.

۲. رک: به درس هزینه‌نگاری اینترنتی.

برمی آید و قادر است تا حق را باطل و باطل را حق، خوب را بد و بد را خوب، نیک را پلید و پلید را نیک، زشت را نیکو و نیکو را زشت و ... جلوه دهد و افکار عمومی را وادار به قبول نماید.

این واقعیت انکار نشدنی است که مطبوعات مدها را رواج داد و امروز هم باز قدرت همین پدیده است که افکار را به قبول یا رد مدهای جدید وادار می سازد. مطبوعات، بیتلزها را مشهور کرد و هیپی ها را به شهرت رساند .

آری این وسیله بسیار قدرت مند گاهی آنچنان ابزاری در دست شیطان می شود که به وسیله آن اعتقادات انسانها تحویل و تغییر کرده و همه چیز را برای ادامه زندگی از دست می دهند.

(د) سینما ، رادیو و تلویزیون:

امروزه نقش و تأثیر سینما، رادیو و تلویزیون بر تمامی نهادهای زندگی بشر بر همه روشن است و برای بسیاری از دست اندرکاران و سرمایه گذاران آنان، نقش هدایتگر و راهبردی آنها در ایجاد ذهنیت افکار عمومی و ایجاد پشتوانه ذهنی و بستر سازی فرهنگی ثابت شده است.

در خصوص سینما آنچه در درجه اول برای سینمای جهان و به طور اخص سینمای هالیوود اهمیت داشته است، فرهنگ سازی و نگاهی است که می خواهد بر جامعه حاکم شود و در درجه دوم درآمد و سرمایه مورد توجه قرار دارد. امروزه این وسیله فرهنگی بسیار اثر گذار، تبدیل به وسیله ای مجهز برای ترویج تفکرات شیطانی شده است. سینمای بزرگ هالیوود که تمام ادیان دنیا به ویژه اسلام را هدف قرار گرفته و فیلم هایی بدون قید و بند اخلاقی و با مضامین بی بند و باری، سکس و مسائل جنسی، خشونت، تخیلی محض و... تحویل جوامع بشری داده و گاهی انسانها را تا مرز جنون برده است. این سینما که امروزه حکایت از به بن بست رسیدن غربی ها را به دنبال دارد، امروزه در مسائل مهدویت و آخرالزمانی درصدد است که منجی را هر کس که خودش می خواهد و در راستای تفکرات اوست، در جوامع خودشان جلوه داده و درباره مهدی موعود (امام زمان مسلمانها) در جوامع دیگر شروع به القاء شبهات در اذهان عموم جامعه کرده است و انسانها را از مسیر حقیقت بازداشته و در مسیر طاغوت و شیطان قرار می دهند.

(ه) سی دی های ابتذال و انحراف:

یکی از مدیران مدارس آموزش و پرورش نقل می کردند: ما تمام کارهای مثبت و برنامه ریزی شده ای را که در طول چند سال زحمت و تلاش بی وقفه و پی در پی در راستای هدایت و کنترل اخلاقی و غریزه جنسی دانش آموزان و جوانان انجام می دهیم،

به وسیله یک سی‌دی مبتذل و حاوی مطالب انحرافی، به‌ویژه مسائل جنسی که از ناحیه شیطان در دسترس این جوانان قرار می‌گیرد، بر باد رفته می‌بینیم و تمام اثر تلاش خود را نه تنها ختنی، بلکه مغلوب یک سی‌دی انحرافی مشاهده می‌نماییم؛ بنابراین گاهی انسان با مشاهده محتویات یک سی‌دی مبتذل یا انحرافی تمام عقلانیت و عقبه‌های دینی خود را از دست داده و دچار تزلزل در مسیر دینی و قرار گرفتن در جرگه حزب‌الشیطان خود را مشاهده می‌نماید.

آثار تخریبی سی‌دی‌های مبتذل:

در بین تعدادی از خانواده‌ها برخی نوارها و موسیقی‌ها به دلیل استفاده در عروسی‌ها و مولودی‌ها کم‌کم قبیح آن از بین می‌رود و یا کم‌رنگ شده و مورد استفاده عمومی قرار می‌گیرد و همین امر باعث رواج ابتذال در خانواده‌ها و سپس در جامعه می‌گردد و این مسئله عواقبی را به دنبال خواهد داشت:

۱. به دلیل تماشای فیلم‌های نامناسب، به تدریج حیا و شرم در خانواده و سپس در بین اقوام و نهایتاً در جامعه از بین می‌رود و این نقطه آغازی برای انحرافات اخلاقی و جنسی می‌باشد.
۲. جذابیت مسئله باعث اشتیاق و روی آوردن جوانان برای تماشای آن و رد و بدل نمودن آن در مدارس یا بیرون مدرسه با توجه به کم‌حجم بودن و انتقال ساده آن باعث گسترش آن می‌شود.
۳. قبیح گناه از بین می‌رود. نگاه به سی‌دی مبتذل یک امر عادی شده و پدر و مادر هم توانایی مقابله با فرزندان پیدا نمی‌کنند و نمی‌دانند در دل فرزندان‌شان چه می‌گذرد و وقتی متوجه می‌شوند که کار از کار گذشته است.
۴. باعث می‌شود جوانان از منزل خود فراری شوند که خود ناهنجاری زیادی را در جامعه به وجود می‌آورد و روی آوردن به قتل، جنایت و دزدی را در پی دارد.
۵. مسائل روحی و روانی و استرس‌هایی در اعضای خانواده پیدا می‌شود و روح حساس و لطیف آنان را شدیداً تحریک می‌کند. ممکن است در اثر آنها یک حالت اضطراب و وحشت درونی برایشان به وجود آید.
۶. منجر به کشیده شدن افراد به مواد مخدر و در نهایت اعتیاد می‌گردد.

اولین خاطره گرفتاری من به خودارضایی (ریشه‌یابی):

من از حدود پنج الی شش سال پیش به استمناء شروع کردم. روز اولی که استمناء کردم، یه روز خونه خاله بودم، خیلی زود همه رو پیچوندم و اومدم خونه. تنها بودم آخه روز قبل یه سی‌دی مبتذل از داداشم دیده بودم که روی جلدش یه زن لخت کشیده بود. به

همین دلیل و کنجکاوی زیاد، زود فرار کردم و او مدم خونه؛ بعد سی دی رو سریع گذاشتم رو دستگاه و نگاه کردم. خیلی برام کنجکاوی آور بود. برای اولین بار و جالب که چی هست. بعد از کمی نگاه کردن بی اختیار لخت شدم و شروع به دست‌ورزی کردم. کمی با خودم دست‌ورزی کردم و چیزی نشد و بعد از کمی وقت داداشی‌هام او ملند و منو دیدند. متأسفانه اون موقع چون عزیز دردونه خونه بودم، چیزی بهم نگفتن یا حالا جرئت نکردند یا خواستند خودم به اشتباهم پی ببرم، چیزی نگفتند و ای کاش همون موقع منو به باد کتک می‌گرفتند و منو سیاه و کبود می‌کردند تا این کار رو تا اینجا ادامه نمی‌دادم. ای خدا چرا اون موقع به بعد من خیلی بیشتر کنجکاو شدم که بیشتر نگاه کنم و بیشتر دست‌ورزی کنم چون هنوز ارضا نشده بودم و باید خودمو ارضا می‌کردم و متأسفانه تا حالا که برام یه مشکل بزرگ شده این درد و گناه!

۲. غیر رسانه‌ای

الف) تزریق لقمه حرام به جامعه

ب) شراب

ج) قمار

د) غریزه جنسی

ه) موسیقی

شیطان از تمامی ابزارهای فوق استفاده کرده و انسان را به طرق مختلف از مسیر هدایت منحرف می‌کند:

الف) تزریق لقمه حرام به جامعه:

تا به حال با خود فکر کرده‌اید چرا در جامعه امروز ما با وجودی که سطح معلومات افراد بالاتر رفته و عده افراد ثروتمند با امکانات رفاهی آن‌چنانی بسیار بیشتر از سابق است؛ اما آن شادمانی و شور و شعف زندگی قدیمی‌ها در افراد جامعه کنونی نداشته و به دنبال قرص شادی و ... برای لحظه‌ای شاد بودن هستند و یا زندگی فلاکت‌باری را می‌گذرانند. شاید بگویید چون کار ندارند یا امید به زندگی ندارند یا مشغله‌های کاری زیاد است و امثال اینها. اما جالب است که در بین افراد بی‌نیاز و بیکار هم این مسائل را داریم تا افراد نیازمند و چند شغله.

ولی آنچه شکی در آن نیست، تأثیر لقمه حرام است که اثر خود را می‌گذارد. خانواده‌هایی را می‌بینیم که پدر و مادر از هیچ کوششی برای تربیت فرزندانشان دریغ نکرده‌اند؛ ولی خود در تعجبند چرا فرزندانشان گمراه شده و به انحراف کشیده شده‌اند.

۱. بر گرفته از سایت‌های مشاوره برای ترک خودارضایی.

بدون اغراق اجداد زحمت‌کش ما که غالباً کشاورز و یا دامدار و ... بوده‌اند، به این قبیل مسائل بیشتر اعتقاد داشته و فرزندان شایسته نیز تحویل جامعه داده‌اند. می‌گویید نه، تحقیق کنید....

شاید کسی به ذهنش هم خطور نکند که لقمه حرام به خورد بچه‌هایش داده؛ اما نمونه‌های آن در مشاغل مختلف زیاد است. معلم اگر به جای ۹۰ دقیقه، ۷۵ دقیقه با دانش‌آموزان کار کند لقمه حرام به خانه برده است. میوه فروش اگر قیمت میوه‌هایش مثلاً ۲۸۵ تومان شد و بدون رضایت مشتری آن را به رقم ۳۰۰ گرد کرد و از مشتری گرفت، لقمه حرام به خورد فرزندانش داده است. فساد اخلاقی حاکم بر جامعه، ناشی از لقمه حرام است. جوانان لابی‌باز و بی‌بند و بار که فساد اخلاقی را ایجاد می‌کنند، ذاتاً انسان‌های بدی نیستند. آنان فرزندان همین جامعه هستند و حتی در بن‌بست‌ها هم خدا خدا می‌کنند؛ اما لقمه حرام موجب شده است چنین شوند.

۱. لقمه حرام ابزاری در دست شیطان:

همان‌طور که گفته شد به طور حتم غذا، هم روی جسم اثر دارد و هم روح انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اسلام هر دو موضوع را مورد دقت و کنکاش قرار داده و در موارد زیادی انسان‌ها را امر می‌کند تا غذای طیب و حلال میل کنند و به طور نمونه خداوند فرموده است: «ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و پیرو برنامه‌های شیطان نشوید که البته به شما دشمن آشکاری است»^۱.

و همچنین از خوردن مال حرام انسان را برحذر می‌دارد، آنجا که می‌فرماید: «آنان که ربا می‌خورند، برنخیزند؛ مگر مانند آنکه به وسوسه و فریب شیطان، دیوانه و بی‌عقل شده و اینان به این علت در مال حرام غوطه‌ورند که می‌گویند فرقی میان معامله و ربا نیست و حال آنکه خداوند تجارت و داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده است. هر کس پس از آنکه پند و اندرز کتاب خدا به او برسد، از این عمل حرام دست بردارد، خدا از گذشته او درگذرد و عاقبت کارش با خدا است و کسانی که از این عمل زشت دست نکشند، اهل جهنم‌اند و در آنجا همیشگی جاوید خواهد ماند»^۲.

۲. نماز بی‌ارزش و دعایی که شنیده نمی‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةَ حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً: نماز کسی که لقمه‌اش حرام است، تا چهل روز از ارزش چندان بر خوردار نیست؛ و لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا: و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد؛ وَ كُلِّ لَحْمٍ يُنْبِتُهُ الْحَرَامُ

۱. بقره: ۱۶۸.

۲. همان: ۲۷۵.

فَالْتَأْرُ أَوْلَىٰ بِهِ: و هر مقدار از بدن که پرورش یافته، لقمه حرام باشد، سزاوار آتش و سوختن است»^۱.

در حدیثی قدسی آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَيَّ الإِجَابَةُ فَلَا تَحْجُبْ عَنِّي دَعْوَةً إِلَّا دَعْوَةَ أَكْلِ الْحَرَامِ»^۲: بنده من! تو دعا کن؛ من اجابت می‌کنم. بدان که تمام دعاها به پیشگاه اجابت من می‌رسد؛ مگر دعای کسی که مال حرام می‌خورد. شخصی به محضر رسول خدا ﷺ شرفیاب شد. به آن حضرت عرض کرد: دوست دارم دعایم مستجاب شود؛ چه کنم؟ پیامبر خدا ﷺ به او فرمود: «طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَ لَا تَدْخُلْ بَطْنِكَ الْحَرَامَ»^۳: لقمه‌ات را پاک کن [تا مبادا به حرامی آلوده باش] و مراقب باش هیچ نوع حرامی را مصرف نکنی.

۳. ساخت بنای عبادت بر روی ماسه‌های روان

رسول خدا ﷺ فرمودند: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ»^۴: عبادت کسی که حرام‌خواری می‌کند، مانند ساختمانی است که بر روی شن‌زاری روان بنا شده باشد. بی‌شک چنین ساختمانی آن چنان سست و لرزان است که با اندک حرکتی فرو ریخته و چیزی از آن باقی نمی‌ماند و اگر هم چیزی از آن بماند، یقیناً فایده‌ای برای صاحبش نخواهد داشت.

با توجه به این روایت شریف و آیه ۱۰۹ سوره توبه که می‌فرماید: «مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ: کسی که بنیاد [امورش] را بر لب پرتگاهی سست و فرو ریختنی نهاده! آن بنا با بناکننده‌اش در جهنم سقوط می‌کند.»؛ به دست می‌آید که در فرهنگ قرآن کریم چنین کسی که هم عابد است و هم حرام‌خوار؛ عبادتش سودی به حال او نخواهد کرد و به زودی خودش به همراه ساختمان عبادتش به قعر جهنم سقوط خواهند کرد.

۴. لقمه حرام، مانع پندپذیری:

حرام‌خوار، بر عقاید، اخلاق و اعمال آدمی تأثیری بسیار زیان‌بار دارد و راه سعادت، خیر و فلاح را بر او می‌بندد و چنان او را سرگرم دنیا و سرسپرده شیطان می‌کند که حتی حاضر نمی‌شود به سخنان حق که از سوی بهترین افراد ایراد می‌گردد، گوش فرا دهد. آنان که به دستور یزید به جنگ امام حسین علیه السلام برخاستند، به «حرام‌خواری» آلوده بودند. این حرام‌خواری، چشم و دل و اندیشه آنان را در هم نوردیده و نقش حقیقت و

۱. بحارالأنوار؛ ج ۶۳، ص ۳۱۴.

۲. عدة الداعی و نجاح الساعی؛ ص ۱۳۹.

۳. همان.

۴. همان؛ ص ۱۵۳ و سفینه البحار؛ ج ۱، ص ۲۹۹.

صداقت را از ذهنشان زدوده بود. امام حسین 7 در روز عاشورا کوشید تا با نصیحت و موعظه، لشکر عبیدالله بن زیاد را از زشت کاری‌شان آگاه کند و از ادامه راهی که در آن لغزیده‌اند، باز دارد؛ اما آنان با غوغا و جنجال، مانع رسیدن صدای امام 7 به گوش خود شدند. امام رو به آنان کرد و فرمود:

«ادعواکم الی سبیل الرشاد فمن اطاعنی کان من المرشدین ومن عصانی کان من المهلکین و کلکم عاص لا مری غیر مستمع قولی فقد ملئت بطونکم من الحرام وطبع علی قلوبکم ویلکم الا تنصتون الا تسمعون»^۱: شما را به راه رشد فرا می‌خوانم؛ هر که اطاعت کند، رستگار است و هر که نافرمانی‌ام کند، در زمره هلاک‌شدگان قرار می‌گیرد. همه شما فرمان مرا سرپیچی می‌کنید، به سخنم گوش فرا نمی‌دهید؛ البته [حق دارید، چرا که] شکم‌هایتان از حرام پر شده است، در نتیجه خداوند بر دل‌های شما مهر زده است و هرگز حقایق را درک نمی‌کنید. شما چرا ساکت نمی‌شوید، چرا گوش نمی‌دهید و نمی‌شنوید؟!»

۵. عامل مهم در وقوع جرم‌ها:

یکی از عوامل مهم در وقوع جرم‌ها و گناهان لقمه حرام است که نورانیت دل را از بین می‌برد و انسان را بر انجام جرائم، جری می‌سازد و اگر در جامعه ناهنجاری‌های اجتماعی، ولنگاری و معصیت خدا را می‌بینیم، شاید ریشه‌اش در لقمه‌هایی است که از راه غیر مشروع، عده‌ای خورده‌اند.

۶. مقدار حرامی که اثرگذار است:

شاید گمان شود برای اینکه آن آثار و پیامدهای شوم لقمه حرام پدید آید، لازم است تا مقدار قابل توجهی حرام مصرف شود تا آن حرام تاثیرگذار شود؛ اما این پندار صحیح نیست؛ زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّقْمَةَ الْوَاحِدَةَ تُنَبِّئُ اللَّحْمَ»^۲؛ معنای این سخن گهربار این است که حتی یک لقمه حرام هم تاثیرگذار است و با رویاندن گوشت در بدن اگر درمان و اصلاح نشود، بالاخره تأثیر خود را خواهد گذاشت.

نباید گمان کرد که مانند یک دانه برنجی که از حرام به دست آمده، عدد و رقمی ندارد و در بین مردم دارای قیمتی نیست که حالا اگر کسی از مال مردم به عمد تصرف کرد و خورد، حرام‌خور محسوب شود. در پاسخ عبارت دقیقی از استاد حسین انصاریان را نقل می‌کنیم، ایشان در مورد چنین اموالی می‌نویسند: «گرچه مالیت ندارد، اما مالکیت دارد»^۳. یعنی درست است که قیمتی ندارد، اما به هر حال از اموال کسی به حساب می‌آید که ما بدون رضایت او حق تصرف در آن را نداریم.

۱. بحارالانوار؛ ج ۴۵، ص ۱ و نفس المهموم؛ ص ۲۴۵.

۲. عدةالداعی؛ ص ۱۴۱.

۳. حرام‌های مالی؛ ص ۴۶۹.

۷. با لقمه حرام که نمی‌شود جنگید:

جریانی که در ادامه می‌آید، رویدادی واقعی است که یکی از رزمندگان و هم‌زمان شهید خرازی نقل کرده است:

سفره وسط سنگر پهن بود و قابلمه و بشقاب‌ها پُر. «مهمان نمی‌خواهید؟» حاج حسین خرازی بود، با چشمانی براق و لبانی خندان.

«این همه غذا! منتظر کس دیگری هستید؟» نه حاجی، دوازده نفریم؛ اما گفتیم ۲۱ نفر؛ غذا گرفتیم. پیشانی‌اش پر خط و صورتش بر افروخته شد. فریاد زد: «برپا! همه بیرون» زمین پر سنگ‌ریزه، آفتاب داغ، دوازده نفر سینه خیز، بعد کلاغ پر. از پا که افتادند، گفت: «آزاد! خیلی سبک شدید، هان؟! آن همه گوشت و دنبه حرام، عرق شد و ریخت پایین»؛ بعد گفت: «با لقمه حرام نمی‌شود جنگید».^۱

(ب) شراب:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»^۲: شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا باز دارد.

در این آیه به صراحت بیان شده شیطان درصدد ایجاد دشمنی و کینه‌توزی میان اهل ایمان است و شراب و قمار از جمله ابزارهای او برای رسیدن به این هدف است. وقتی انسان شراب خورد عقل خود را از دست می‌دهد و دیگر کسی را نمی‌شناسد، مانند حیوان درنده به همه افراد حمله می‌کند و آنها را می‌زند، مجروح کرده و می‌کشد. تاریخ به یاد دارد کسان زیادی که در اثر شرب خمر کشته و مجروح شده‌اند.

۱. دلیل حرمت شراب از دیدگاه امام صادق ۷ :

«ان مدمن الخمر کعابد وثن و تورثه الارتعاش و تهدم مروته و تحمله علی ان یجسر علی المحارم من سفک الدماء و رکوب الزناء حتی لا یومن اذا سکر ان یشب علی حرمه و هو لا یعقل ذلک و الخمر لا تزید شاربها الاکل شر»^۳: شخص دائم‌الخمر مانند بت‌پرست است و بدنش دچار ارتعاش می‌شود. شراب‌خواری، نور [معنویت] او را از بین می‌برد، شخصیت او را ویران می‌سازد و او را بر محارم می‌شوراند تا خون آنها را بریزد تا آنجا که چون مست شود، ایمن نباشد که بر محرم خود بجهد و زشتی آن را درک نکند. شراب برای نوشنده خود جز بدی نیفزاید.

۱. نشریه امتداد؛ خرداد ۱۳۸۸، شماره ۴۱.

۲. مائده: ۹۱.

۳. امالی؛ ص ۶۶۶.

۲. روایاتی در عقوبت شراب‌خوار:

امام علی ۷: «هر کس شراب بنوشد در حالی که می‌داند حرام است، خداوند او را از زردابه بدن دوزخیان، بنوشاند»^۱.

پیامبر خدا ۶: «میگسار در حالی از گور خود خارج می‌شود که بر پیشانی‌اش نوشته شده است: نومید از رحمت خدا»^۲.

۳. نظریه دانشمندان در مورد زیان‌های شراب:

۱. اثر الکل در عمر انسان؛ یکی از دانشمندان مشهور غرب اظهار می‌دارد هرگاه از جوانان ۲۱ ساله تا ۲۳ ساله معتاد به مشروبات الکلی، ۵۱ نفر بمیرند، در مقابل از جوان‌های غیر معتاد، ده نفر هم تلف نمی‌شوند.

دانشمند مشهور دیگری ثابت کرده است که جوان‌های بیست ساله، که انتظار می‌روند پنجاه سال عمر کنند در اثر نوشیدن الکل، بیشتر از ۳۵ سال عمر نمی‌کنند.

۲. اثر الکل در نسل بشر؛ دانشمندان به تجربه ثابت کرده‌اند کسی که در حین انقراض نطفه مست است، ۳۵ درصد از عوارض الکلیسم حاد را به فرزند خود منتقل می‌کند و اگر زن و مرد هر دو مست باشند، صددرصد عوارض حاد در بچه ظاهر می‌شود، بر اساس آماری که در این زمینه وجود دارد، کودکانی که زودتر از وقت طبیعی به دنیا آمده‌اند، از پدران و مادران الکلی ۴۵ درصد و از مادران الکلی ۳۱ درصد و از پدران الکلی ۱۷ درصد بوده‌اند. کودکانی که هنگام تولد توانایی زندگی را ندارند، از پدران الکلی ۶ درصد و از مادران الکلی ۴۵ درصد و نیز کودکانی که فاقد نیروی کافی عقلایی و روحی بوده‌اند، از مادران الکلی ۷۵ درصد و از پدران الکلی نیز ۷۵ درصد بوده است.

۳. اثر الکل در اخلاق؛ در شخص الکلی عاطفه خانوادگی و محبت نسبت به زن و فرزند ضعیف می‌شود؛ به طوری که مکرر دیده شده است پدرانی، فرزندان خود را با دست خود کشته‌اند.

۴. زیان‌های اجتماعی الکل؛ طبق آماری که «انستتوی» پزشکی قانونی شهر «نیون» در ۱۹۶۱ تهیه نموده است، جرائم اجتماعی الکلیست‌ها از این قرار است:

مرتکبین قتل‌های عمومی ۵۰ درصد؛ ضرب و جرح‌ها در اثر نوشیدن الکل ۷۷/۸ درصد؛ سرقت‌های مربوط به الکلیست‌ها ۸۸/۵ درصد؛ جرائم جنسی مربوط به الکلیست‌ها ۸۸/۸ درصد می‌باشد.

این آمار نشان می‌دهد اکثریت قاطع جنایات و جرائم بزرگ در حال مستی روی می‌دهد. خلاصه ضررهای شراب آنقدر زیاد است که به گفته یکی از دانشمندان اگر

۱. الخصال؛ ج ۱۰، ص ۶۲۱.

۲. کنز العمال؛ ج ۴۳۹۵۸.

دولت‌ها ضمانت کنند درب نیمی از میخانه‌ها را ببندند، می‌توان ضمانت کرد از نیمی از بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها بی‌نیاز شویم.^۱ به دلیل همین آثار منفی و خانمان‌سوز شراب‌خواری است که اسلام آن را تحریم کرده و آیاتی بر مذمت می‌گساری نازل شده است.^۲

ج) قمار:

یکی از ابزار شیطان قماربازی است. قمار عامل دشمنی و کینه‌توزی می‌شود و زمینه خشم و انتقام را فراهم می‌سازد و زیان‌های اقتصادی و روانی به قماربازان وارد می‌سازد؛ از این رو قمار همانند شراب در شریعت مقدس اسلام حرام شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۳: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و ازکارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید تا رستگار شوید.

قمارباز وقتی باخت، دشمنی برنده را در دل می‌گیرند و در کمین می‌نشینند، هر وقت فرصت پیدا کرد، انتقام خود را از وی می‌گیرد. وی چندین ساعت تمام حواس خود را جمع کرده تا بر حریف خود غالب شود. او به هیچ چیز جز برنده‌شدن نمی‌اندیشد، اگر ناکام بماند، با تنی رنجور و اعصابی در هم ریخته به مردم پرخاش می‌کند و ناسازگاری می‌نماید و اگر خسته به خانه و بازار رود، دیگر تحمل شنیدن هیچ چیز را ندارد و حاضر است به بهانه‌های پوچ زمینه‌ای فراهم شود که با مردم نبرد کند؛ همان چیزی که شیطان به دنبال آن است.

طبق گفته قرآن و اخبار چند چیز از خواسته‌های شیطان است؛ مانند شراب و قمار، بت‌پرستی و بخت‌آزمایی، بازی با شطرنج و حتی بازی بچه‌ها با پول و گردو. کسانی که این بازی‌ها را می‌کنند، سینه خویش را برای شیطان لانه کرده‌اند و نه نام خدا و رحمان را.

آثار قمار:

کمتر کسی را می‌توان یافت که از زیان‌های گوناگون قمار بی‌خبر باشد؛ برای توضیح بیشتر به گوشه‌ای از آثار قمار اشاره می‌شود:

الف) قمار بزرگ‌ترین عامل هیجان است. روان‌شناسان معتقدند که هیجانات روانی عامل اصلی بسیاری از بیماری‌ها مانند زخم معده و بیماری‌های عصبی است.
ب) بسیاری از جنایت‌ها به دنبال قمار صورت می‌گیرد. یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات

۱. تفسیر نمونه؛ ج ۲، ص ۷۴.

۲. لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، کد: ۱/۱۰۰۱۱۷۲۷۶.

۳. مانند: ۹۰.

آمارگیری جهانی ثابت کرده است ۳۰ درصد جنایت‌ها با قمار رابطه مستقیم دارد و از عوامل به وجود آمده ۷۰ درصد جنایت دیگر نیز به شمار می‌رود.

ج) قمار ضررهای اقتصادی بسیار دارد و در طول سال میلیون‌ها، بلکه میلیاردها دلار از ثروت مردم جهان در این راه تلف می‌شود. وقت، نشاط و کار مداوم را در ساعات دیگر سلب می‌کند.

د) بسیاری از قماربازان به دلیل اینکه گاهی برنده می‌شوند و سرمایه بسیاری به دست‌شان می‌رسد حاضر نمی‌شوند دست به کارهای تولیدی و اقتصادی بدهند و اگر درست دقت کنیم، می‌بینیم تمام قماربازان و عائله آنان سربار اجتماع هستند. بدون اینکه کمترین سودی به این اجتماع برسانند، از دسترنج آنها استفاده می‌کنند و گاهی هم که در بازی قمار باختند، برای جبران آن دست به سرقت می‌زنند.

بزرگ‌ترین مؤسسات آمارگیری آمریکا ثابت کرده است که قمار در ۳۰ درصد جنایت‌ها دخالت مستقیم دارد (۹۰ درصد جیب‌بری، ۵۰ درصد جرایم جنسی، ۱۰ درصد فساد اخلاق، ۳۰ درصد طلاق‌ها، ۴۰ درصد ضرب و جرح‌ها و ۵ درصد از خودکشی‌ها). بنابراین قماربازی در اسلام چه با ابزار قمار و چه با وسایل دیگر؛ حتی بازی‌های سرگرم‌کننده با آلات قمار ولو اینکه برد و باختی در آن نباشد، حرام است.

د) غریزه جنسی: ^۱

ه) موسیقی ^۲

مخترع موسیقی:

در برخی روایات اختراع موسیقی به شیطان نسبت داده شده است؛ امام صادق ۷ می‌فرماید:

وقتی حضرت آدم ۷ رحلت نمود، ابلیس و قابیل با رحلت او خوشحال شدند. آن دو در اجتماعی شرکت جستند و به نشانه شادی برای مرگ آدم علیه السلام از طنبورها^۳ وسایل لهو (موسیقی) استفاده کردند. پس هر کسی در روی زمین از این وسایل لذت می‌برد، از پیروان ابلیس و قابیل می‌باشد.^۴ از این حدیث استفاده می‌شود مخترع اصلی موسیقی و نوازندگی، شیطان و قابیل می‌باشند.

۱. رک: سلسله دروس «آنچه مهم است جوان از انحرافات جنسی بداند».

۲. رک: « احکام موسیقی»، ره‌توشه راهیان نور؛ معاونت فرهنگی تبلیغی حوزه علمیه قم، شماره ۸۷، درس بیست و ششم، تابستان ۸۹.

۳. یکی از آلات موسیقی شبیه سه تار است که دارای دسته‌ای دراز و کاسه‌ای کوچک می‌باشد (فرهنگ عمید؛ ص ۴۱۷).

۴. کافی؛ ج ۶، ص ۴۳۱.

مخترع غنا:

در تفسیر عیاشی از جابر بن عبدالله انصاری و از پیامبر گرامی اسلام ﷺ روایت شده است: «شیطان نخستین کسی است که آوازه خوانی کرد و اولین کسی است که نوحه‌گری نمود و اولین کسی است که خدا خواند. هنگامی که آدم علیه السلام از (میوه) درخت خورد، شیطان آواز خواند و هنگامی که از بهشت اخراج شد و هبوط کرد، خدا خواند و زمانی که در زمین مستقر شد، نوحه‌گری را آغاز کرد که به وسیله آن نعمت‌های بهشت را برای آدم علیه السلام یادآوری می‌کرد تا اندوه آدم علیه السلام افزون گشته و شیطان خوشحال گردد».^۱

امام صادق ۷ فرمود:

«به شیطان قفندر [بد قیافه] گفته می‌شود. زمانی که در خانه کسی چهل روز با وسایل موسیقی [چون تار بنوازد] و مردان و زنان در آن مجلس باطل گرد آیند، شیطان تمام اعضای بدن صاحبخانه را لمس می‌کند [به طوری که چشم، گوش، زبان و سایر اعضایش در مسیر و فرمان شیطان و گناه قرار می‌گیرند]. بعد از آن برای اینکه کاملاً او را در زشتی و ظلمت غرق کند، نفسی شیطانی در او می‌دمد که بعد از آن غیرت را از دست می‌دهد آن چنان که نسبت به رابطه نا مشروع دیگران با همسرش بی توجه می‌شود».^۲

داستان بشر حافی:

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، از یکی از کوچه‌های بغداد می‌گذشتند. از خانه‌ای آوای زنان آوازه‌خوان به گوش ایشان رسید. حضرت که با تعجب و تأسف از کنار دیوار می‌گذشتند؛ کنیزی را دیدند که برای ریختن خاکروبه به کوچه آمد. فرمودند: ای کنیز این خانه مال کیست؟ عرض کرد: مال مردی از مشاهیر این شهر به نام بشر است. فرمودند: او آزاد است یا بنده؟ عرض کرد: آزاد است و بندگان زیادی دارد. حضرت فرمود: راست گفتی! او آزاد است که چنین به لُهو و لعب آغشته شده و اگر او بنده بود، هرگز در برابر مولای خود چنین گستاخ نبود و مرتکب چنین گناهی نمی‌شد. امام از آن محل گذشتند و کنیز به خانه برگشت و سؤال و جواب را با همان بیان به (بشر در حالی که بر سر بساط شراب نشسته بود) گفت. این بیان جالب و موعظه‌سودمند و منطقی حکیمانه آن چنان در دل او اثر گذاشت و به طوری او را تکان داد که بی‌اختیار از جای خود برخاسته و با پای برهنه شتابان به طرف کوچه دوید و به دنبال حضرت روان شده تا اینکه به حضرت رسید و خود را به پاهای مبارک ایشان انداخت و سپس با چهره‌ای اشک‌آلود گفت: آقا تا این دقیقه غافل بودم و در مقابل مولای خود گستاخانه رفتار می‌کردم و مرتکب گناه

۱. تفسیر عیاشی؛ ج ۱، ص ۴۰، ذیل آیه ۲۵ سوره بقره؛ بحار الانوار؛ ج ۶، ص ۳۳ و وسائل الشیعه؛ ج ۱۷، ص ۳۱۰.
 ۲. کافی؛ ج ۶، ص ۴۳۲.

بی‌شماری شدم؛ ولی با آن حرف شما تکانی خوردم و دانستم که در اشتباهم؛ آیا توبه من قبول است؟ حضرت فرمودند: بلی؛ اما به شرط اینکه از تمامی آلودگی‌ها، پشیمان باشی و دیگر غمزه‌های گناه دیدگانت را خیره نکند و بهتر است آلات و وسایل لهو و لعب را به دور افکنی. او چنین کرد به مقامات عالیله نایل شد.^۱

از بسیاری از آیات قرآن کریم^۲ و روایات ائمه اطهار علیهم السلام استفاده می‌شود که اعمال خیر بر وسعت رزق و طول عمر می‌افزاید؛ ولی گناه و لهو و لعب برکت را از بین خواهد برد و از عمر انسان می‌کاهد.

الف) آثار وخیم موسیقی در دنیا از دید روایات:

۱. مرگ ناگهانی و قبول نشدن دعا؛^۳
۲. سبب نفاق؛^۴
۳. عامل زنا؛^۵
۴. بدبختی جامعه؛^۶
۵. ناسپاسی از حق تعالی؛^۷
۶. بی‌توجه شدن نسبت به ناموس؛
۷. رفتن برکت؛^۸
۸. موسیقی علنی در آخرالزمان؛^۹
۹. زبان حال موسیقی؛^{۱۰}

۱. واعظ خانواده؛ ص ۲۳-۲۴، به نقل از منتهی الآمال؛ ج ۲، ص ۱۲۶.
 ۲. انعام؛ ۶؛ اعراف؛ ۹۶؛ هود؛ ۵۲؛ عنکبوت؛ ۴۰؛ طلاق؛ ۲-۴ و نوح؛ ۱۰-۱۲.
 ۳. امام صادق ۷ فرمود: «خان ای که در آن غنا باشد، از مرگ و مصیبت دردناک ایمن نیست و دعا در آن به اجابت نمی‌رسد و فرشتگان وارد آن نمی‌شوند» (کافی؛ ج ۶، ص ۴۳۳).
 ۴. امام صادق ۷ فرمود: «نواختن موسیقی [مثل تار و ...] نفاق را در دل می‌رویانند؛ همان‌طوری که آب سبزه را می‌رویانند» (همان؛ ص ۴۳۴).
 ۵. رسول خدا ۶ فرمود: «غنا و [موسیقی] کاری است که انسان را به زنا می‌کشاند» (الدر المنثور؛ ج ۵، ص ۳۰۸؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۴۵۷؛ بحار الانوار؛ ج ۷۳، ص ۲۴۷).
 در حدیث دیگری آمده است: «از غنا و موسیقی دوری کنید؛ زیرا موسیقی حیا را از بین می‌برد و سبب زیادشدن غریزه جنسی می‌شود، مردانگی را نابود می‌سازد و هر کاری که شراب می‌کند، موسیقی هم انجام می‌دهد و اگر مبتلا به موسیقی شدید، از زنان پرهیزید. برای آنکه موسیقی و غنا انسان را به زنا می‌کشاند» (بحار الانوار؛ ج ۵، ص ۳۰۸).
 ۶. از امام سجاد ۷ روایت شده است: «پاک و سعادت‌مند نمی‌شوند ملتی که در میان آنان بریط [که یکی از آلات موسیقی می‌باشد] به صدا در آید (غنا و موسیقی از دیدگاه اسلام؛ ص ۱۴۱).
 ۷. امام صادق ۷ فرمود: «کسی را که خداوند سبحان نعمتی به او عطا کند و او در اثر نعمت به وسایل آوازخوانی و موسیقی رو کند، با این عملش ناسپاسی حق تعالی را مرتکب شده و همچنین کسی که مصیبتی [برای امتحان و ...] به او برسد و او و ناله کند، او هم کفران نعمت نموده است» (کافی؛ ج ۶، ص ۴۳۲).
 ۸. حضرت محمد ۶ فرمود: «فرشتگان به خانه‌ای که شراب و وسایل موسیقی و قمار [مثل دایره، طنپور و نرد] در آن باشد، وارد نمی‌شوند و دعای اهل خانه مستجاب نمی‌گردد، خیر و برکت هم از آنجا می‌رود» (مستدرک الوسائل؛ ج ۱۳، ص ۲۱۸).
 ۹. جوان و موسیقی؛ ص ۲۰ و ۲۱، به نقل از مهدی منتظر؛ ص ۱۴۵.
 ۱۰. جوان و موسیقی؛ ص ۲۲، به نقل از المخازن؛ ج ۱، ص ۳۱۱؛ جامع احادیث شیعه؛ ج ۲۲، ص ۲۴۸.

۱۰. سبب ازدیاد شهوت جنسی؛^۱

۱۱. غضب خدا؛^۲

۱۲. مقدمه قساوت قلب.^۳

از بسیاری از آیات قرآن کریم^۴ و روایات ائمه اطهار : استفاده می‌شود که اعمال خیر بر وسعت رزق و طول عمر می‌افزاید؛ ولی گناه و لهو و لعب برکت را از بین خواهد برد و از عمر انسان می‌کاهد.

ب) عواقب وخیم غنا و موسیقی پس از مرگ:

۱. محشورشدن با روی سیاه؛^۵

۲. محروم از نظر رحمت خداوند؛^۶

۳. محشورشدن به صورت خوگ و بوزینه؛^۷

۴. در گوشش سرب ذوب شده [گداخته] می‌ریزند؛^۸

۵. در قیامت به صورت نابینا و گنگ و کر خواهد بود.

ضررهای موسیقی از دیدگاه علامه محمد تقی جعفری :

۱. ایجاد عدم تعادل و توازن بین اعصاب سمپاتیک و پاراسماتیک؛

۲. مرض مانیا (Maniae) نوعی جنون است که درجات متعددی دارد؛

۱. یعنی موسیقی عامل بزرگ اشاعه فحشا می‌شود.

۲. امام صادق ۷ فرمود: «هر کس در خانه‌اش چهل روز طنبور بماند، به غضب خدا گرفتار می‌شود» (تالی الاخبار؛ ج ۵، ص ۲۱۹).

۳. رسول گرامی اسلام ﷺ ضمن وصیت خود به حضرت علی ۷ فرمودند: «یا علی! سه چیز است که موجب قساوت قلب می‌شود: گوش دادن به لهو؛ دنبال شکار رفتن و رفت و آمد به دربار سلطان جائز» (موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام؛ ص ۱۵۷ و خصال صدوق؛ ج ۱، ص ۱۲۵).

اگر انسان قسی‌القلب شود، کمتر توفیق توبه پیدا می‌کند. هر قدر انسان بیشتر گناه کند، نامه اعمالش از بار گناهان سنگین می‌شود و شخص قساوت قلب پیدا می‌کند. وقتی هم قساوت قلب پیدا شود، دیگر انسان کمتر می‌تواند توبه کند؛ پس چه بهتر که انسان گناه نکند و به فرمایش مولای متقیان علی بن ابیطالب علیه السلام گوش نماید که فرمودند: گناه نکردن بهتر از توبه کردن می‌باشد. از کجا معلوم که انسان زنده بماند و بتواند توبه نماید و به قول پزشکان: پیشگیری بهتر از درمان است.

۴. انعام؛ ۶؛ اعراف؛ ۹۶؛ هود؛ ۵۲؛ عنکبوت؛ ۴۰؛ طلاق؛ ۲ - ۴ و نوح؛ ۱۰ و ۱۲.

۵. رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که اهل طنبور است، روز قیامت محشور می‌شود در حالی که سیاه‌ترین صورت را دارد و به دستش تنبوری از آتش جهنم است و بالای سرش هفتاد هزار فرشته عذاب همراه با گریزی که در دست دارند بر سر و صورتش می‌کوبند و کسی که اهل [غنا و موسیقی] است، از قبرش بیرون می‌آید در حالی که نابینا، گنگ و کر خواهد بود. همچنین زناکار و آن‌که فلوت و دایره می‌زند، همانند ایشان محشور می‌شود (مستدرک الوسائل؛ ج ۱۳، ص ۲۱۹ و تفسیر قرطبی؛ ج ۱۴، ص ۵۴).

۶. پیامبر اکرم ﷺ: «خداوند در قیامت به پنج طایفه نظر رحمت نمی‌کند و یکی از آنان مغنی [آوازه خوان] است (جامع احادیث شیعیه؛ ج ۲۲، ص ۲۳۳).

۷. از ابی‌هریره روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «گروهی از این امت مسخ شده و به صورت بوزینه و خوگ در می‌آیند. گفتند: یا رسول الله، مگر آنها شهادت به لا اله الا الله و محمد رسول الله نمی‌دهند؟ فرمود: بلی، روزه هم می‌گیرند، نماز نیز می‌خوانند، حج نیز به جای می‌آورند. گفتند: پس عیب آنها چیست؟

فرمود: آنها وسایل ساز و موسیقی و دایره را به کار می‌برند و کنیزان آوازه‌خوان می‌گیرند و با شب‌نشینی به می‌گساری و لهویات خویش را به صبح می‌رسانند که مبدل به بوزینه و خوگ خواهند شد (نظری به موسیقی؛ ج ۲، ص ۳۲۴ به نقل از درالمنثور؛ ج ۲، ص ۳۲۴).

۸. پیامبر اکرم ﷺ: «کسی که در مجلس زن خواننده بنشیند که به آوازه‌خوانی وی گوش دهد، خداوند به گوش‌های او سرب خواهد ریخت» (کنز العمال؛ ج ۱۵، ص ۲۲۰ و مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۴۵۹).

۳. مرض سیکلوتومی (Cyclothmie)؛
۴. کوتاهی عمر؛
۵. مرض پارانویا (Paranoia)؛
۶. ضعف اعصاب؛
۷. اختلالات دماغی (اغتشاشات مغزی، هیجانان روحی - جنون)؛
۸. تأثیرات قلبی؛
۹. واسطه انتحار و خودکشی؛
۱۰. بیماری فشار خون؛
۱۱. عامل فحشا؛
۱۲. تضعیف و تضييع حس شنوایی (سامعه)؛
۱۳. تضعیف و تضييع حس بینایی (بصره)؛
۱۴. هیجان کاذب؛
۱۵. سلب اراده و شکست شخصیت؛
۱۶. سلب غیرت؛
۱۷. عامل جنایت؛
۱۸. جلب توجه غیر طبیعی؛
۱۹. از دست دادن نیروی فکری؛
۲۰. تضييع نیروی قضاوت؛
۲۱. افسردگی و خمودگی؛
۲۲. تهییج عشق؛
۲۳. شکست عمر و جوان مرگی؛
۲۴. زنجیر بردگی؛
۲۵. روش لغو؛
۲۶. اتلاف وقت.

پیام‌ها:

۱. امروزه در برخی خانه‌ها اعضای خانواده به طور دسته‌جمعی و گاهی به صورت مخفیانه و به صورت کاملاً عادی خود را آماج حملات شدید نیروهای شیطان قرار داده و اسیر ابزارهای شیطان شده و به طرزی کاملاً طبیعی شیطان با ابزارهایی نظیر ماهواره، اینترنت، فیلم‌ها و سیدی‌های مبتذل و انحرافی آنها را اسیر در شهوات و غرق در دام‌هایش قرار می‌دهد که باید این مسائل را جدی گرفت.
۲. امروزه خانواده‌ها مسائل کسب و احکام خرید و فروش را جدی نگرفته و هرکس به صورت‌های مختلف به اخاذی و کلاه‌برداری یا تعریف و تمجید بی‌خودی از جنس خود می‌پردازد؛ بدون اینکه متوجه باشد که لقمه حرام از ابزار بسیار جدی شیطان در

فریب دادن انسان محسوب می‌شود.

۳. گسترش بی‌بند و باری در جوامع و تهییج و تحریک غریزه جنسی و سخت‌گرفتن خانواده‌ها در ازدواج فرزندان و جوانان خود، امروزه موج عظیمی از آتشفشان شهوت جامعه را فرا گرفته و خانواده‌ها بدون لحظه‌ای توجه به ابزارهای شیطان و بدون کسب آگاهی در مورد مضرات بازی‌هایی چون قمار و شنیدن موسیقی‌های محرک شهوت جوانان را به حال خود رها کرده و به دست شیطان می‌سپارند.

۴. تأمل و دقت در آثار و پیامدهای غوطه‌ور شدن در ابزارهای شیطان ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که بیشتر خرابکاری‌ها، بزهکاری‌ها، طلاق‌ها، سرقت‌ها و گسترش و روی آوردن جوانان به غریزه جنسی و به دنبال آن قتل‌ها و ترویج فساد در جوامع ناشی از غفلت و عادی شدن پیوستن انسان‌ها به ابزارهای شیطانی است.

۵. ملاحظه می‌کنیم در جامعه امروزی، شیطان بسیار جدی‌تر آتش گناه انسان‌ها و معصیت‌ها را شعله‌ور کرده و از هر ابزاری چه سینمای داخلی و چه خارجی و چه رادیوها و تلویزیون‌های داخلی و چه خارجی در حال یارگیری و عضوگیری در گروه خویش می‌باشد؛ پس مواظب باشیم جزء پیروان حکومت شیطان نباشیم و در هر جایی لطف خدا را فراموش نکنیم.

سؤالات :

۱. ابزارهای رسانه‌ای شیطان را نام ببرید؟
۲. پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به شخصی که دوست داشت دعایش مستجاب شود، چه فرمودند؟
۳. امام حسین ؑ خطاب به لشکر عبیدالله بن زیاد در روز عاشورا که با پایکوبی مانع شنیدن نصیحت امام ؑ شدند، چه فرمودند؟
۴. دلیل حرمت شراب از دیدگاه امام صادق ؑ چیست؟
۵. مخترع موسیقی کیست؟ آثار و خیم موسیقی در دنیا را نام ببرید؟

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. از میکده تا ماتم کده اعتیاد (بررسی ابعاد فقهی - اجتماعی اعتیاد)؛ محمد برفی؛ ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. آب شیطان (درباره شراب)؛ راحل برهانی؛ ناشر: خیر.
۳. قمار یک بازی تخیلی؛ گروه مؤلفین؛ ناشر: مؤسسه در راه حق.
۴. مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی حلال و حرام؛ علیرضا علوی؛ ناشر: جهاد دانشگاهی اهواز.
۵. نفوذ صهیونیسم بر رسانه‌های خبری و سازمان‌های بین‌المللی؛ فؤاد بن سید عبدالرحمن الرفاعی؛ ترجمه: حسین سرو قامت؛ ناشر: کیهان، ۱۳۷۷.